

کتابخانه
مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲

مسترموردگان شوستر امریکائی خواننده در کل ایران ۱۳۲۹



MR. W. MORGAN HUNTER, LATE CONSUL-GENERAL OF PERSIA.

بدستور آقایان چهارم معارف شیخ محمد تقی خوانساری
در عکاسخانه آقایان نامیرزا فتح اردکانی محمد کبیر شد فیشهر جمادی اشرف

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
مؤسسه ۱۳۰۲

اسم کتاب: عشق ایران
مؤلف: سرتیور
موضوع تالیف:

۱۷۱
شماره دفتر ۱۷۱۸

کتابخانه
مجلس شورای
اسلامی ۴
۳۱۸

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
مجلس شورای اسلامی
۱۳۰۲

مستور محمدکان شوستر امریکائی خواننده در کل ایران ۱۳۲۹



MR. W. MORGAN SHUSTER, LATE TREASURER GENERAL OF PERSIA.

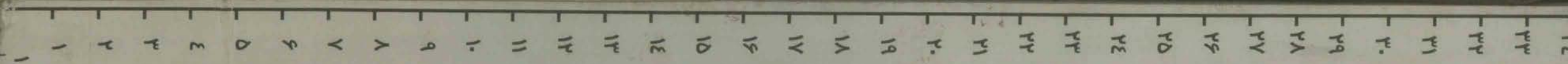
بدستور آفل و بخار معارف شیخ محمد تقی خوانساری
در عکاسخانه آقایان تاسیر و افخ ابرهه آن سید محمد کبیر شد فی شهر جمادی الثانی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
مؤسسه ۱۳۰۲

اسر کتاب **آشنای ایران**
مؤلف **مستور شوستر**
موضوع تالیف

شماره دفتر ۱۷۱۸

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	۴
۳۱۸	



ترجمه کتاب مستطاب

«تاریخ ایران»



تألیف

جناب . . . مستر شوستر امریکائی

در دوره ریاست خزانه داری

دولت علیه ایران

۴
۳۱۸

نمبید

اشتیاق عامه با اطلاع وقایع جدیده ایران و در خواستشان از من نگارش و
 غریبه عجبید را که منبع انفصال من از خدمت خزانه داری ایران در ماه ژوئیه ۱۹۱۳
 تا جائیکه در خاطر دارم . سبب اصلی و علت غائی تصنیف این کتاب گردید *
 وقایع و مندرجات ذیل از مآخذ و مجاری بسیار مستند و موثق تحصیل شده و با
 دانشهای روز نامه (دفتر بقی) خود که در مدت اقامت در ایران نوشته ام آن را تکمیل
 می نماید * و نیز بعضی توضیحات و اشارات تاریخی که برای تکمیل تفهیم وقایع مزبور لازم
 بود باضمام نشر بجائیکه اظهار آن را مناسب دانسته ام . بر آن افزود شده است *
 بسیار متأسفم که از انجام دادن آن کار عام المنفعه بماندیده در آن مملکت قدیم
 محروم شدم . لیکن تا سلف و خلفا یکدیگر در وقت حرکت از آنجا در دل داشتیم . اکنون
 کلی رفع شده است . آن بدبختی صعبی شایانیکه در فواید گذشته هنگام ورود
 لندن از من بعمل آمد و نیز احتراماتیکه از طرف جرنده امریکا و هندوستان عزیزم
 پیوسته زحمات و مشقتها ثیرا که در دو ماهه آخر اقامت در طهران متحمل شده
 بقسمی جبران و از خاطر من محو نمود که اکنون از آن آسودگی اثری باقی نیست *
 نامه دبیر و مضمون نگاری مثل مکالی (Macaulay) یا فلم مونی مصوری مانند فر
 (Perestelagin) لازمست که شرح و تفسیر این بردهای سریع الحراکتی را که
 باعث انحطاط و انقراض آن ملت قدم شده است . نگارش و تزیین نماید . یعنی
 و نیز نگارنیکه آن دو دولت مقتدر و بی حی . علی الظاهر بصورت تمدن و صداقت و شاد
 و در حقیقت بکار و قانون بازی نمایش دادند . بلکه یکی از آن دو دولت برای
 مقاصد بولتیکی خویش و ما بوس نمودن ایرانیان از تجدید حیات خود از ارتکاب مظالم
 و شبانه هم خود داری نکرد *

نتایج اصلی و فوائد حقیقی انسانیت و بهترین روابط بین المللی مقتضی و مستلزم آنست
 که در چنین موارد حقیقت واقع را بیان کنم . لیکن وقایعیکه عنقریب ذکر خواهد شد
 بدین ملاحظه که مبادا در مواقع دیگر مورد اعتراض و تنقید واقع شود . بدان صراحت
 که شایسته بود . نه نگاشته ام *

این خرابیها و تباهی سلطنت شاهنشاهی ایران . اگر توجه احساسات عالم تمدن را
 نسبت باین خدائیل غارت گری بین المللی که نشانه و نمونه بولتیک ۱۹۱۱ عالم است فی الجملة
 منعطف و تند نسازد . زندگانی و کشمکش با جد و جهد و به بعضی تعبیرات . خونبهای
 شروطه خواهان ایران حالیه . شاید بکلی بدر رفته باشد *

۱۳۰۲/۲

مقدمه

بعضی شقوق متعدده مخصوصه در نوشتن حالات جدیده بولتیکي ایران می باشد که فی الجمله توضیحش لازمست *

امرا اول اینست که معاملات بولتیکي ایران که مملو از پریشانی و بد بختی ملیونها مردم بیگناه است مثل يك تیانر بسیار منظم خوبی صورت پذیر میشود * بلکه شنیده ام که بعضی آن معاملات بولتیکي را به (ایرانیون) (Operabouffe) یعنی تیانر مسخره آمیزه تشبیه نموده اند * فارین این کتاب خواهند دید که همان اشخاص قدیمی کهنه برست بلبا سهای مختلف بی دربی در نمایشگاه آن تیانر آمده و پس از نشان دادن بود ، مختصری مراجعت می نمایند . مثلاً بکده ملبس بلباس وزیر شاه برست شده و مرتبه دیگر به کدورت وطن برستان معروف جاوه و کابینه های موهوم بیست که بو در بی تشکیل و بسرعت تمام محل میشود * و مردمانیکه در مجامع ملی و مجالس قوم دارای مقامات عالیه میباشدند در ظرف یکروز بلکه يك ساعت بعضیض گمنامی و محویت تزل نموده ، همینکه گردش بی با بان انتریکها آنها را محبوب القلوب عامه می سازد ، باندک فرصتی دو مرتبه باوج ترقی صعود میکنند * تمام اشخاصیکه از طبقه صاحب منصبان و ما مورین دولتی میباشدند از همین طراز بهمین نمونه اند که پیشه و شغلشان منحصر بهمین رویه میباشد . و قطعاً در ایران این صنف از مردم بالنسبه به سایرین امتیازی دارند * حقیقه در همین چند ساله اخیره این امر که کسانیکه از طبقه متوسط و بی لقبند می توانند بهر شغل رسمی ما مور شوند جایز و ممکن الوقوع شده است * نصیب و امید واریهای ملیونها رعایای آرام بی مداد در غالب امور موقوف است بسلك و میل همان صاحب منصبان کابینه یا ما مورین و حکام و یا جنرالهای از پیش خود (خیالی) که در هر آن هر طریقه و مسلکی که میخواهند اختیار میکنند * این امر را هم باید ملتفت بود که باستانهای قلبی از ما مورین دولتی سایر

صاحبمنصبان و نایندگان همشان منحصر به متمول گردانیدن خود و دوستان خود بوده است * از این بیان افعال و اعمال عجیبه این طبقه محترمین ایران قدری واضحتر میگردد * بجهت صحت تاریخ معرفت کامل در باره شخصانیت و اغراض اینگونه از مردم که اقدامات و اغراض شخصشان در وقایع جدیده بولتیکي ایران تا درجه دخالت کرده و راه یافته لازمست * يك امر دیگر که رای بی اطلاعان خصوصاً اجانب بسیار اشکال و پیچیدگی دارد . اسماً و القابست . عموم ایرانیان فقط دارای اسمی میباشدند . لکن از ما مورین بسیار کم کسی را سراغ داریم که لقب نداشته باشد * ندانستن و نشناختن لقب شخصی امر آسانی نیست که بشهوت اغراض از آن نمایند . چرا که باعث رنجششان خواهد شد . مثلاً شخص مختبری در خدمت بولتیکي امریکا باشد و از پیش خود خود را « سپهسالار سپهسالاران » یا « ممتازالدوله » یا « اقبال الدوله » بخواند * و بعد از اختیار همچو لقبی و تحصیل فرمانیکه تصدیق آن لقب را بکنند . اسم اصلی خود را ترك کرده و بعد از آن بان القاب شناخته شوند برای اجانب و خارجیها بسیار مشکلمست که آن القاب را یاد گرفته و بیاموزند . خصوصاً که اکثر آنها یکی از چهار کلمه . ملک . دولت . سلطنت . سلطان . ختم میشود *

نایب السلطنه حالیه اول بلقب ناصر الملکی مشهور بود . لکن بعد از آنکه بمقام نایب السلطنت رسید ، لقب بلقب نایب السلطنه . یعنی نایب پادشاه شد *

يك اشکال دیگر برای ما دانستن حروف ترکیبی آن اسماً و القاب و تبدیل آن بحروف ارو بانیست که مردم غالباً آنها را مختلف نوشته و از اینجهت مختلف تلفظ میشوند *

(مصنف بعضی شواهد و نظائر برای اثبات مسئله فوق نوشته است که دانستن آن برای ایرانیان توضیح واضح خواهد بود باینجهت صرف نظر از ترجمه آن شد - مترجم *)
اکثر فارین محترم از تاریخ قدیم ایران بیشتر واقف و مطلع میباشدند . تاوقایع که جدیداً در آن سلکت عجیبه بظهور رسیده * مقصودم بیان حالات تاریخی ایران نیست . مگر و جبرده . مختصری که ذیلاً نگاهشته می شود . متعلق بواقعات انقلابیه ایران که منتهی شد به تشکیل سلطنت مشروطه در عهد سلطنت مظفرالدین شاه . پنجم اوت ۱۹۰۶ (سیزدهم جمادی القابیه ۱۳۲۴) * واقعات بولتیکي که در این کتاب درج شده تازه ترین وقایعی است که خود من شخصاً در تحصیل آنها سعی و کوشش بسیار نموده ام تا مفید تر واقع شود *

شهادت بسیار قوی که از قرن گذشته راجع بقدرت و غواش اطلاع ملت ایران از امور عموم خود بدست داریم منع و فتن مشهور است که علماء اسلام در خصوص استعمال

دخانیات اعلان کرده و مردم فوراً آنحکم را امتثال و مجری داشتند * در صورتیکه از سنه ۱۸۹۱ م (۱۳۰۸ هـ) آن امتیاز حقیقه و رسماً جاری و معمول شده بود * سال قبل از آن ناصرالدین شاه فاجار امتیاز انحصار خرید و فروش تمام تمباکو و نونونهای ایران را بکپانی انگلیسی در لندن داد. سرمایه این کپانی با هیئت شرکاء ششصد و نجاه هزار لیره انگلیسی بود. امید و احتمال قوی میرفت که منفعت و عایدات سالانه آن انحصار بالغ بر پانصد هزار لیره بشود. بوجب آن فرار داد ربع آن منافع سهم دولت ایران بود. چه خود شاه و چه وزراء و اهل دربار *

تا آنکه ایرانیانیکه مدتها ستم کشیده و دوچار شکستهاستند * استبداد بودند. از این فروختن کلبه حقوق و منافع و صنایعشان عاجز و بربک آمده. در دسامبر ۱۸۹۱ (جمادی الاولی ۱۳۰۹) بیجهت امتثال و اجراء احکام شرعیه. جمیع دکانهای تمباکو و نونون فروشی خود را بسته و باب معاملات را مسدود و قلیانهای خود را شکسته و یا کار گذارده و جدا ترک استعمال نمودند. در مدت قلیل حیرت انگیزی استعمال تمباکو و دخانیات واقعاً و حقیقه بکلی موقوف و متروک گردید. این شورش بایندرجه ختم و موقوف شد. تا آنکه شاه مجبوراً امتیاز معهوده را بعد از قبول کردن و دادن منسوخ نمود * دولت ایران معادل پانصد هزار لیره بعنوان تاوان و خسارت بسود صدی شش قرض نموده بکپانی انگلیسی مزبور رد نمود * فائده و سودیکه از آن امتیاز جايرانه غاصبانه عایدات گردید. معادل سی هزار لیره خسارت سالانه سود آن قرضه بود. که بنده اینصورت بدبخت فرار گرفت *

ناصرالدین شاه یستم ستمبر ۱۸۴۸ (بیست و یکم شوال ۱۲۶۴) بخت سلطنت جلوس و در اول ۱۸۹۶ م (هفدهم شوال ۱۳۱۳) بعد از تقریباً سلطنت نجاه سال بگلوله شخص مذهبی متعصبی میرزا محمد رضا نام کرمانی کشته شد. اگرچه مقصود حقیقی او معلوم نشد که چه بوده است. ولی غرضش تعلق و ارتباط نامی به این عقیده عمومی داشت. که حقوق ایرانیان را بسرعت تمام بخارجیها و اجانب بیفر و ختند *

مظفرالدین شاه فاجار که در آنزمان ولیعهد بود. هشتم ژوئن ۱۸۹۶ (بیست و پنجم ذیحجه ۱۳۱۳) بخت سلطنت جلوس و تا چهارم ژانویه ۱۹۰۷ (هجدهم ذیقعدة ۱۳۲۴) سلطنت و در همان سال قوت نمود. تقریباً شش ماه قبل از فوتش که عدم رضایت ایرانیان بواسطه مظالم سلاطینشان پس در پی تراید یافته. بنای شورش و بلوی و تخریبات علی را برای تحصیل مشروطیت گذارند. در ژوئیه ۱۹۰۶ (جمادی الاولی ۱۳۲۴) به تدابیریکه

هم عجیب و هم موصل مقصود بود. کامیاب و نائل گردیدند * بعد از آنکه پیشوایان مذهبی آنها را بمطالبه حقوق و مخالفت با مظالم درباریان ترغیب و تحریص نمودند. تقریباً شانزده هزار نفر از هر طبقه و هر صنف از اهل طهران در محوطه سفارت انگلیس و مساجد و امکته دیگر متمصن شدند. و با کمال نظم و متانت سیورسات و ملزومات معاشیه و اوازم حفظ الصحه در آن امکانه برای خود آماده کردند. این تدابیر ساکتانه. به عزل کردن شاه عین الدوله را که از او شاکی بودند کاسران و به آنها سلطنت دستوری قانونی یا مشروطه عطا شد. بعد از کوششهای مختلفه که شاه و وزراء برای درهم شکستن صولت آن طرز اقدامات ملیین بکار برده مجبور بقبول شدند. بلاحظه توهین و رنجشیکه برای درباریان از آن طرز رفتار و حرکات ملیین حاصل شد و از ترس آنکه مبادا تدابیر عملی آنها در مذاق سخت تر از این گردد. پنجم اوت ۱۹۰۶ (سیزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۴) دستخط مشروطه بایشان اعطاء و مردم بر سر خانه و مشاغل معمولی خود مراجعت نمودند *

سلطنت استبدادی قرنهای پادشاهان ایران باین طرز بلوی و شورش بدوخت خور بزی مبدل سلطنت مشروطه گشت * اگرچه آن مشروطه بلاحفظات عدیده ناقص بود. ولی امریکه خیلی منظم بود. بیداری و اطلاع مردم از حقوق حقه خود و عزم بسیار را سخشان برای اینکه هموطنان خود را از آن راهی که از قرون عدیده سلاطینشان بزرگی و جلالی آنها را بجانب پراگندگی و تفریق شدن و تخریب سلطنت میکشایدند. متصرف نموده و نجات دهند *

از آن حقوق ملی که مجلس با هیئت نخبه ملت بدست آورده بود که در تعیین وزراء و وضع یا تدوین قوانین موقع گفتگو داشته باشند. بزرگترین تغییری در قدرت استبدانه شاه را یافت * پس از مراسلات و تبادل افکار و تحسن (بست) اجتماع دومی که در محوطه سفارت انگلیس در اوایل ستمبر ۱۹۰۶ (اواسط رجب ۱۳۲۴) واقع شد. در اوایل اکتوبر ۱۹۰۶ (اواسط شعبان ۱۳۲۴) بدوخت انتظار ورود و کلا و ولایات اولین مجلس در طهران افتتاح و نطق شاه خوانده شد *

چهارم ژانویه ۱۹۰۷ (هجدهم ذیقعدة ۱۳۲۴) مظفرالدین شاه فوت نمود و محمد علی میرزای ولیعهد که در تبریز اقامت و حکومت ایالت زرخیز معظم آذربایجان را داشت و شاه شد * این شخص پس شرف هفدهم دسامبر ۱۹۰۶ (سپتامبر شوال ۱۳۲۴) وارد

طهران گردید * آنوقت شاه بسیار سخت مریض بود * نوزدهم ژانویه ۱۹۰۸ (چهارم ذیحجه ۱۳۲۴) بخت نشد * قبل از آن نهم کرده بود که اساس مشروطه و حقوقی را که پدرش بخت عطا نموده باقی و برقرار بدارد *

محمد علی شاه قاجار شاید شخص جبار و گمراه ولی آبرو و مودتی ترین جانور قریبای عدید بود که تحت سلطنت ایران را ملوث ساخت از ابتدای اقتدارش رعایای خود را بی عزتی و حقارت نظری نمود و بسبب داشتن معلم روسی بد ذاتی برای ایصال و نگهداری کوب کردن حقوق ملت بسهولت تمام نائب الحکومه و آه اجرای مقاصد دوات روس و سفیرش در ایران شده بود *

دوره سلطنت محمد علی شاه بطریقه بسیار منحوس آغاز و با کمال تحوت بی اعتنائی مجلس می نمود * آن بدگمانی و مخالفتهای علنی طرفین عمومیت پیدا کرده و مجلس مصمم شد که بعضی از آن اقتداراتی که بزرگت زیاد تحصیل نموده بکاربرد شاه با هم از آن محویش که وزیر بود در باربان ارتجایی بودند * عزم جزم نمود که تمام فوای چارانه و مستبدانه سابق خود را که خاندان قاجاریه بآن متصف و مشهور بودند * بکار برده و بر خلاف رعایا و اهل مملکت شود با مأمورین دوات روس سازش و آتاریک نماید * حقیقه باروس و انگلیس برای استقراض چهار صد هزار لیره که موافق میل و رضای خود صرف و تلف نماید * مخبرانه فرار داد نموده بود ولی آن قرار داد مستور باندک زمانی مکشوف و بواسطه تمنعت و اقدامات ملامها و مجلس از تکمیل و انجام آن محروم شد *

و کلا مجلس بیشتر از پیشتر یقین حاصل نمودند که شاه و پارتیبایش ایشان را مخالف اراده و پیشرفت مقاصد خود میدانند * باین جهت و کلا عازم شدند که اقتدارات خود را در اصلاحات لازمه امور بکار برده و مخصوصاً سعی رکوشش بسیار نمودند که استقراض جدید از روس و انگلیس مانع شوند * زیرا که آنها آن قروض روز افزون ملت ایران را باعث خطر آزادی و استقلال سلطنت میدانستند * باین ملاحظه کوشش نمودند که مخارج شاه و اهل دربار و اطرافیان را محدود سازند و آن تصرفات نا جائز عامه را که با کمال بی دبانگی مثل دزدها در مالیات و عایدات دولتی می نمود و مثال ادلای شخصی اجاره میدادند * تخفیف و اثرات مشرت بخشی * بنونوز (M. Natus) که شخص بلجیکی * و از چند سال قبل با نشانه از هموطنانش برای اطمینان گمراکت ایران جلب شده بودند خائنه دهند

زیرا سرمایه بزرگی برای خود تحصیل و اقتدار و مداخلات بسیار مضرری در دوقوه پانسیکی و مالیاتی فراهم کرده بود * مجلس در این سده هم بود که پک بانک ملی که سرمایه اش از سهام شرکا داخلی باشد تشکیل دهد * تا بواسطه انکال و انکاه به آن از استقراضات اجانب رهایی یابد *

دهم فوریه ۱۹۰۷ (۲۶ ذی حجه ۱۳۲۴) شاه مجبور شد که مسیونوز را معزول نماید * این اولین کامرانی بود که وقع و اهمیت مجلس را در انظار مردم ایران بسیار ترقی داد * در این موقع شاه مصمم شد که از امین السلطان معروف به اتابک اعظم * برای انجام دادن مشاغل ریاست الوزرانی * خواهش مراجعت بایران نماید * تاریخ جدید ایران شاید اتابک را مقتدرترین شخصی بداند که با تعالیات بسیار وسیعه اروپائی * بعد از سیاحت کامل مراجعت نموده * ولی بکلی مستبد و مرثشی بود * ملاها او را بواسطه شرکت و مداخلت بی تدبیرانه که در دو فقره استقراض از روس بابت سده ۱۸۹۹ تا سده ۱۹۰۰ و سده ۱۹۰۲ * نموده بود مجرم و مقصر میدانستند * و در سده ۱۹۰۳ مجبور شد که جلا وطن نماید * وقتی که اتابک اظهار رضایت مراجعت نمود * دوات روس در تجدید روابط دوستی و خصوصیت و گرم گرفتن با او فرصت را از دست نداده و مشارالیه را با کشتی جنگی خود باشایان نرین اعزازات رسمی از بحر خزر به بندر انزلی ایران عبور داد * همینکه از کشتی پیاده شد اهالی رشت که مقر حکومت گیلانست * قبل از اینکه اجازه حرکت بسست طهران باو بدهند او را مجبور کردند که بوفاداری و صداقت با اساس مشروطه ایران قسم یاد نماید *

یست و ششم اپریل ۱۹۰۷ (سیزدهم ربیع اول ۱۳۲۵) که اتابک مراجعت بایران نموده و وارد طهران شد * تمام شعب و دوائر دولتی را بریشان و غیر منظم یافت * خزانه بر حسب معمول خالی و در تمام مملکت شورش و هرج و مرج جاری بود * اگر چه مجلس کا بیش میدانست که چه باید بکند * ولی شاه مصمم بود که مجلسیان غیر از فقط تصویب و اجراء خیالات او اقدام هیچ کار دیگر نکنند * اهالی اصفهان هم برخلاف حکومت ظل السلطان عموی شاه شورش و بلوی * و شهید بریر هم در اقلاب و بریشانی بود * در ماه ژون هم آن ایرانی دیوانه یعنی شاهزاده سالارالدوله برادر شاه * علانیه در ولایت همدان باغی و قصد خود را برای تحصیل کالج و تخت بظهور اعلان نمود * بعد از سه روز جنگ با افواج شاه * در همان ماه در نزدیکی نهاوند شکست خورد * و دستگیر گردید *

امور و اوضاع مملکتی از بد بدتر و دوات روس هم که هیچگاه راضی استقوار

اصول مشروطیت در ایران نبود . از ماه اوت بمداخلات خود شروع به تهدید مجلس نموده . با عثمانی هم مخالفت آغاز و یکصدسته شهسوار نفری از افواج عثمانی از سرحد شمال غربی ایران عبور و تجاوز و بعد از تصرف و قبضه نمودن چندین قصبه شهر ارومیه را آشکارا تهدید نمودند *

در تمامی آن مدت اتابک مشغول به نقشه کشی و بدست آوردن قرضه دیگری از دولت روس بود . چون خائف بود که مبادا مجلس تصویب نکند و بدون تصویب مجلس هم تکمیل آن قرض مشکل بود . تا او آخر اوت تقریباً در جانب موافقت اکثر وکلا . با خیال خود . گمان و کامیاب گردید . ناگاه درسی و یکم اوت (بیست و یکم رجب ۱۳۲۵) وقتی که از تارلنت بیرون می آمد . بگلوله جوانی معروف به عباس آقای تیر پزی کشته و بلافاصله عباس آقا هم خود کشی نمود . آن جوان یکی از اعضاء انجمن های بسیار یعنی مجامع و سوسپاتیهای پانیکری سری بود که اعضاء آنها به تعداد کثیری معروف شده بودند . ولی بی شبهه قصد و خیال وطن پرستانه وی حفظ دولت مشروطه بوده و از خرابی و حمله هاییکه بتوسط این رئیس الوزرا در شرف ظهور آمدن بود . او را وطن فروش میدانست *

قتل اتابک شاهد صریحی بود بر تحقق و وجود عده کثیری که قسم خورده بودند که اساس مشروطیت را حمایت نموده و کسانیکه مخالف با نایبندگان باشند از میان بردارند . اگر چه به تحمل زجر و مشقتهای سیاسی . یا بکشته شدن مجرمانه منجر شود *

بعد از آن تا زمانه درازی بر پیشانی اندازده در امور و تا مدتی شاد و مجلس توانستند در قبول کابینه اتفاق نایبند . تا او آخر اکتوبر ۱۹۰۷ (او آخر رمضان ۱۳۲۵) که ناصر الملک (که اکنون نایب الساطه ایرانست) به تشکیل کابینه متفق علیهم موفق شده احتمال قوی در باره بسیاری از اعضاء آن کابینه میرفت که حامی اساس مشروطیت باشند . تا ماه دسامبر که آن کابینه مستعفی شد . به مشاعل راجعه بخود مشغول بودند *

سی و یکم اوت ۱۹۰۷ (بیست و یکم رجب ۱۳۲۵) معاهده بین انگلیس و روس در طرسبرگ باضا رسید و چهارم سپتامبر (بیست و پنجم رجب ۱۳۲۵) در طهران شهرت یافت و با کمال احتیاطیکه در مواد و عبارات اطمینان بخش آن عهد نامه رعایت شده . و با ضمانت احترام و بقاء استقلال ایران که در آن تصریح شده بود . اثر بسیار دردناک حسرت انگیزی در ایرانیان نمود *

وقع و اهمیت معاهده مذکوره برای وقایع تاریخی که بعد ذکر خواهد شد . بدرجه می

باشد که مناسبت دارد قسمتی از موادش که راجع بایرانست در اینجا ذکر شود * (معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس)

(اعلی حضرت پادشاه ممالک متحده بریتانیه اعظم و آیرلند و مستملکات ماوراء بحار بریتانیه و امپراطور هندوستان و اعلی حضرت امپراطور تمام روسیه . بواسطه تحریک خواهشهای سابقه . راجع به تصفیه مسائل مختلف فیه . متعلق بفوائد و منافع دولتین در قاره آسیا . متفقاً مضموم شده اند که عهد نامه را تکمیل کنند که غرض اصلی از آن منع و رفع موجبات کمورت و اختلاف بین دولتین بریتانیسه اعظم و روسیه میباشد . متعلق بمسائل مذکوره ذیل :-

باین ملاحظه سفراء خود را یعنی اعلی حضرت پادشاه ممالک بریتانیه اعظم و غیره و سر آرثر نیکلسن (Sir Arthur Nicolson) سفیر فوق العاده و وزیر مخنار دولت خود را که مقیم در بار اعلی حضرت امپراطور روسیه است و اعلی حضرت امپراطور تمام روسیه رئیس در بار خود الکساندر ایسولسکی (Alexander Iswolsky) را که وزیر امور خارجه دولت روسیه است . برای انجام این معاهده مأمور نموده . و ایتان کلیه اقتدرات و اختیارات خود را که صحیح و مطابق قاعده بود بیکدیگر ارائه و تسلیم و در امور ذیل اتفاق نمودند :-

اصلاحات متعلقه بایران

(دولتین بریتانیه و روسیه باهم متعهد اند که احترام استقلال و آزادی ایران را کاملاً رعایت نمایند و چون صادفانه خواستار و طالب حفظ و بقاء امنیت و نظم در تمام آن ملک و ترقی صلح آمیز آن میباشد) . و نیز برای برقرار داشتن فوائد متساویه تجارت و صناعت جمیع ملل دیگر . و بملاحظه اینکه هر یکی از این دو دولت بعلل و موجبات جغرافیائی و اقتصادی غرض و فایده خاصی در برقرار داشتن صلح و امنیت در بعضی ولایات ایران در نظر دارند . که از یک طرف متصل یا مجاور سرحد روسیه و از طرف دیگر بسرحدات افغانستان و بلوچستان میباشد . و چون خواهش مند بریز و اجتناب از موجبات مناقشات بین (منافع و فوائد متعلقه بخودشان) . در ولایات مذکوره ایران میباشد . در شرایط و مواد ذیل باهم اتفاق نموده اند :-

(اولاً) دولت انگلیس یا بریتانیه اعظم تعهد میکنند که هیچ گونه امتیازی برای خود . یا بحامیت رعابای انگلیس . یا رعابای دولت ثالثی جلب و تحصیل نکنند چه پانیکری باشد

وجه تجارقی مانند امتیاز راه آهن و بانك و تلگراف و شوارع حمل و نقل و بیمه و غیره خارج از خطی که از قصر شهبان شروع شده و از اصفهان برسد و خلیج گذشته به نقطه مرحدی ایران جائیکه مرحد روس و افغانستان با هم تقاطع میکنند منتهی شود و نیز در خواش اینگونه امتیازات صراحة یا کتابة در آن خطه که تحت حمایت روس است با دولت مشار الیها مخالفت نه نماید این نکته مسلم است که تقاطع مذکور فوق جزو آن خطه میباشد که دولت انگلیس تعهد میکند که امتیازات مذکوره را در آن خواش نکند *

(ثانیاً) دولت روس از جانب خود تعهد میکند که هیچگونه امتیازی برای خود با بحمایت رعایای دولت روس یا در باره رعایای دولت ثالثی جلب و تحصیل نکند چه بلتیکی باشد و چه تجارقی مانند امتیاز راه آهن و بانك و تلگراف و شوارع حمل و نقل و بیمه و غیره خارج از آن خطی که از مرحد افغانستان شروع و از راه فازیک و کرمان و بیرجند گذشته و به بندر عباس منتهی شود و نیز صراحة یا کتابة در خواش امتیازات مذکوره در آن خطه که تحت حمایت دولت انگلیس است با دولت مشار الیها مخالفت نماید و این مطلب نیز مسلم است که امکان مذکوره فوق جزو آن خط است که دولت روس تعهد میکند که امتیازات مذکوره فوق را خواش نکند *

(ثالثاً) دولت روس از طرف خود تعهد میکند که مخالفت نکند و تصویب نماید تحصیل هر قسم امتیازی که رعایای دولت انگلیس تحصیل نمایند در آن امکانه ایران که واقعت بین دو خط مذکور در آرنگل اول و دوم در صورتیکه قبلاً با هم تباهی و قرارداد کرده باشند و دولت انگلیس نیز قبول میکند مثل این تعهد را متعلق تحصیل رعایای دولت روس امتیازات مذکوره را و رهان امکانه سابقه الذکر ایران و جمیع امتیازات موجوده حاله که در خطه های مذکوره در فصل اول و دوم این معاهده میباشد بحال خود باقی خواهند بود *

(رابعاً) این نکته مسلم است که عایدات جمیع گمرکات ایران با عایدات گمرکی فارس و خلیج فارس یعنی عایداتی که ضمانت میکنند تا دینه سود و استهلاك قرضهائی را که دولت ایران از بانك استقراضی تا تاریخ امضاء این عهد نامه گرفته است بصرف خزان محل خواهد رسید که سابقاً بان مصر و فرانسیده و این نیز مسلم است که عایدات گمرکی فارس و خلیج فارس و نیز عایدات ماهی گیری در بای خزر که در کنار ایران واقعت و هم عایدات پست و تلگراف کافی السابق مصر و فرانسیده قرضه خواهد رسید که بین دولت ایران

و بانك شاهنشاهی تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرارداد شده است *
 (خامساً) در صورت وقوع بی نظمی در افساط استهلاك یا تا دینه سود فروض دولت ایران که با بانك استقراضی و بانك شاهنشاهی ایران تا تاریخ امضاء این عهد نامه قرارداد شده و در صورت وقوع ضرورتی که برای دولت روس پیش آید برای برقرار نمودن نظارت خود بر مآخذ های عایداتی که ضامن تا دینه قرضه های بانك مذکور اول و در خطه مذکوره در فصل دوم این عهد نامه واقعت یا برقرار نمودن دولت انگلیس نظارت خود را بر مآخذ های عایداتی که ضمانت تا دینه قرضه های بانك مذکور ثانی را نموده و در خطه مذکوره در فصل اول این عهد نامه واقعت دولتین انگلیس و روس تعهد میکنند که خیالات خود را در دستاورد با رعایت تدابیر و شروط نظارت در مسئله معبوده مبادله نموده و از هر گونه مداخله و تصرفی که مخالف با اصول این عهد نامه باشد اجتناب و پرهیز کنند (نیکلس - ایسولسکی)

فقرات دیگر این عهد نامه متعلق با افغانستان و تبت است *
 این عهد نامه فقط بین انگلیس و روس انعقاد و تکمیل یافت علی الظاهر برای نظم و تصفیه مسائلی بود که متعلق به فوائد و اغراض متناسبه آنها داشت جمیع آن فوائد و اغراض چه در مملکت ایران و چه در سایر ممالک جعلی و از خود در آورده و بین خود شان معهد و مقرر بود دولت ایران در انعقاد این عهد نامه به هیچ قسم نه سرأ و نه علناً طرف واقع نبوده و دخالتی نداشت و مجلس نیز حقیقتاً از تکمیل آن عهد نامه ناچارم دسمیر که در طهران انتشار یافت بی اطلاع بود *

ایرانیان بی شبهه از این تقسیم مملکتشان در شب (در غیاب و خفا) اظهار تنفر بسیار نمودند حتی از آن خطوط موهومی جغرافیائی که آن دو دولتی که خود شان را با دولت ایران مخاطبتین میخواندند معین نموده و در صورتیکه صراحناً تعاهد و اتفاق خود شان را برای استقلال و آزادی ایران و خواسته های صادقاله آنها در برقراردادن نظم در تمامی آن مملکت و تفرقی صلح آمیز آن اعلان کرده بودند *

اعالی طهران خیلی بهیچان آمده جوش و خروش و پروتستهای متعارفی در بازارها واقعت روز دیکرس سر سیسیل اسپرنگ ریس (Sir Cecil Spring rice) وزیر مختار انگلیس در طهران مرادله رسمی بدوات ایران نوشت که در آن توضیح حقیقت و معنی آن عهد نامه نا پسندیده را بعبارت ذول درج کرده بود *

ترجمه مراسله رسمی وزیر مختار انگلیس راجع به اعراض حقیقی معاهده انگلیس و روس که در چهارم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) بفارسی بوزارت امور خارجه ایران اظهار داشته بود *

بدوستاندار اطلاع رسیده که در ایران شهرت دارد که فرار دادی فیما بین انگلیس و روس منعقد شده که نتیجه آن مداخله دولتمندان در ایران و تقسیم این مملکت بین آنها خواهد بود چنانچه مطالبی که حقیقت و ماهیت عهد و پیمان انگلیس و روس بکلی برخلاف عقاید مردم میباشد چنانچه به همین نازکی جناب مشیر الملک به بطر سیرگ ولیدن رفته و با وزیر امور خارجه هر دو دولت در این باب مذاکره و بحث نموده و آنها صریحاً اغراض مطلوبه خودشان را در اداره ایران بایشان اظهار داشته بدون شبهه مشیر الملک آن اطعینان را بدولت متبوعه خود اطلاع داده است *

سر ادوارد گری (Sir Edward Grey) وزیر امور خارجه انگلیس مضمون مذاکرات با مشیر الملک را اظهارات مسیو ایسولسکی (Tswolsky) را که رسماً بدولت انگلیس تقدیم و مشیر الملک توضیح و بین هم اطلاع داده است (که سر ادوارد گری و مسیو ایسولسکی در دو نکته اساسی بکلی باهم متفق اند) - اولاً هیچیک از این دو دولت در امور ایران مداخله نخواهند کرد مگر در صورتیکه خسارت و نقصانی بجان یا مال رعایای آنها وارد آید ثانیاً مفاد و مفهومی که از معاهده دولتمندان انگلیس و روس استنباط می شود هرگز شکستی با استقلال و آزادی ایران وارد نخواهد آورد *

سر ادوارد گری این نکته را هم اظهار داشته که بواسطه رقابت و مخالفتیکه بین دولتمندان انگلیس و روس تا بحال بوده و هر یکی از آن دو سعی و کوشش در منع دوام تقوید دیگری در ایران می نمودند و اگر این رقابت غیر مطمئن تا چندی در ایران امتداد می یافت شاید يك يا هر دوی آن دو دولت را مداخله در امور داخلی ایران ترغیب می نمود تا از استفاد و انتفاع دیگری با ضرر خود از حالات موجود بمناعت نماید غرض از این معاهده بین انگلیس و روس جلوگیری چنین اشکالات بین خودشان بوده و این معاهده بوجه من الوجوه برخلاف سرنوشت و صلاح ایران نیست چنانچه مسیو ایسولسکی این نکته را بجناب مشیر الملک توضیح کرده است (هیچیک از این دو دولت هیچگونه چشمداشت و توقعی از ایران نداشته و هیچ چیزی نمی خواهند تا اینکه ایران بتواند تمام قوای خود را برای نظم و تعقیب امور داخلی خود جمع نموده و مصروف دارد) و آن دو وزیر بکلی در عدم

مداخله در ایران متفق (و جای هیچ گوه احتمال شکنی هم در اینباب باقی نگذاشته اند) کلمات و عبارات مسیو ایسولسکی که بیان اراده انگلیس ها را می کند از حسب ذیل است: «مسلك عمومى دولت روس اجتناب از هر قسم مداخله در امور ممالك ديگر میباشد. تا وقتیكه امر مصرى باى فوائد او واقع نشود. و بکلی ممنوع است در اینمعامله موجوده از مسلك خود انحراف ورزید» *

در باب شهرت افواهی تقسیم ایران بین انگلیس و روس اظهار کرده میشود که دولتمندان کورتن خواهند در ایران تقوید خود را محدود و معین نمایند (سر ادورد گری و مسیو ایسولسکی) هر دو صریحاً اظهار داشته اند که این رایورتهای افواهی بکلی بی اصل میباشد چیزی که این دو دولت در نظر دارند اینست که می خواهند فرار دادی برای منع اشکالات و اختلافات آتی به سهقه شود با ضمانت و تعهد این نکته که باید هیچیک از آن دو دولت اراده جلب تقوید در آن حصص ایران که متصل بمحدود دولت دیگری است نکنند این معاهده نه مضر بفوائد ایران و نه مانع از منافع دولت دیگری است زیرا که این معاهده انگلیس و روس را فقط پای بند و مقید میکند که در ایران هیچ طریقه اقدام به امری نکنند که منجر و منتهی به نقصان فوائد و منافع دیگری شود و به این وسیله ایران را در آینده از (آن مطالبیکه در از مه سابقه مانع از ترقی آرزوهای بولتیکشان شده بود نجات دهند) آنچه مسیو ایسولسکی اظهار نموده در حسب شرح ذیل است: *

«این معاهده بین دو دولت اروپائی که بزرگتر بین اغراض و فوائدشان در ایران مبنی بر ضمانت استقلال و آزادی آن مملکت میباشد. فقط برای ترقی و پیشرفت فوائد آن دولت عمل خواهند شد تا از این بعد ایران بتواند به کمک و امداد این دو دولت قوی همسایه تمام قوای خود را بصرف اصلاحات داخله خود برساند» *

از بیانات مذکوره فوق ملاحظه خواهیم نمود که افواهاییکه در این روزها راجع بخیالات سیاسی انگلیس و روس در ایران شایع میشود چندین بنیاد بی اصل است غرض این دو دولت از اعتماد این عهد نامه هیچگونه حمله نیست (بلکه برای مطمئن ساختن آزادی اندی ایران است) که فقط می خواهند قدری بجهت مداخله کردن در دست داشته باشند بلکه غرض آنها از این عهد و پیمانهای دوستانه این است که یکدیگر را (از مداخله در ایران به پیمان حفظ اغراض و فوائد) بمناعت نمایند این دو دولت امید دارند که دولت ایران همیشه از خوف مداخله اجانب نجات یافته (به ترقی آزاد شود که امور خود را

بطور دلخواه نظم دهد) و باین قسم هم بخود ایرانیان و هم به تمام اهل عالم فایده خواهد رسید *

نادسمبر ۱۹۱۱ (اوایل محرم ۱۳۳۰) این نوشته معتبر رسمی در «بلوبوک» انگلیس ثبت نشده بود (۱) * لکن در همان اوقات بواسطه سئوالیکه بعد از تاریخ مزبور در آن باب از وزیر امور خارجه در مجلس و کلاهی عمومی شده بود، مشخص گردید که مراسله مذکوره بنجم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۵) از طرف وزیر مختار انگلیس مقیم طهران بدولت اخطار گردیده است *

حالت پریشانی و بی نظمی ایران بهمان قسم جاری بود، در راه نوامبر مطابع و جزایر طهران در آرتیکل های سخت حقارت آمیزی مباحثه و تقریباً بی حجابانه ما فوق التصور، بشاه حمله نمودند، چهارم نوامبر (بیست و هفتم رمضان ۱۳۲۵) شاه با شکوه تمام بمجلس رفته و مرتبه چهارم بقرائت قسم مغلف یاد نمود، که مخالفت با اساس مشروطه نکرده و وفاداری نماید *

او آیل دسمبر هجده معلوم شد که محمد علی شاه عزم خود را جزم نموده که مجلس را خراب کند، برای انجام این مقصد دودسته تشون داشت، یکاد معروف قزاق ایرانی که جمعیتشان از هزار و دویست تا هزار و هشتصد نفر، و در تحت فرماندهی و حکم صاحب منصبان نظامی روس و از طرف دولت مشارالیها برای انجام این خدمت، آمور و لکن موجب بکیر از خزانه دولت ایران بودند، و جماعت غیر منظمی هم از طبقه نوکرو مهر و خاطرچی های خود شاه، به انضمام رجاله و آراذل جربص پای تخت، افواج ایران بواسطه بی پروائی مصادر امور جنگ چنان بخصیض گه نامی نازل کرده بودند که هیچکس آنها را قابل اعتنا تصور نمی کرد *

پانزدهم دسمبر (نهم ذیقعد ۱۳۲۵) شاه اعضاء کابینه ناصر الملک را که تازه همان اوقات مستعفی شده بودند طلبیده و آنها را چنان توفیق و رئیس الوزراء هم جزو آنها بوده (۲) *

در این اثنا الواط و اراذلیکه احیر شده و از شاه بول گرفته بودند در میدان توپخانه که (۱) بلوبوک یا کتاب آبی: دفتر بست که سواد نوشتجات بلژیکی در آن ثبت می شود. (۲) ناصر الملک بواسطه سفارش و تاکید سفارت انگلیس خلاص شد مشارالیه یکی از همدرسه های سر ادوارد گری بوده و دوستان بسیار از سیاستین انگلیس داشت *

واقع در نقطه مرکزی طهران است، بلوایی آغاز نموده و برخلاف مجلس را با هو کردند، لکن اقدام کافی برای تصرف و قبضه نمودن بهارستان، یعنی عاریکه و کلاه در آن اجلاس و مذاکره می کردند، فراهم نشده بود، روز بعد در موقعیکه مجلس بر حسب معمول منعقد بود، داوطلبان مسلح از تمام اصناف ملت، برای دفاع از نهادیکه بنایندگان مشروطه آنها شده بود، فوراً بطیب خاطر حاضر شده و مدخلهای مجلس را محافظت نمودند، باین جهت بلوایان شاه و قزاقهای لیرانی جرأت حمله بمجلس نکرده نتیجه این شد که صلح موفی بروی کنار آمد، باین معنی که شاه راضی شد بر حسب تقاضای ملت بعضی از ندماء و وزراء خود را معزول و تبعید کرده و الواط را که بپشت سبب امنیت شده و سکنه طهران را غارت کرده بودند، تنبیه و بیکاد قزاقی و افواج دیگر دولتی را در تحت اختیار و اقتدار وزارت جنگ قرار داده و بحددا قسمنامه مبر کرده و بمجلس بفرستد که مخالفت با مشروطه نباید، در این موقع مردم بواسطه شنیدن تهدید تغریب مجلس فوراً از جمیع ولایات، تلگرافاً اظهار حمایتهای خود را بوکلا، خویش تقدیم نمود، و چند دسته فدائی مسلح هم بطرف پای تخت گسیل داشتند *

بیستم دسمبر ۱۹۰۷ (چهاردهم ذیقعد ۱۳۲۵) بعد از عود امنیت از طرف شاه کابینه جدیدی بریاست نظام السلطنه معین و مجاس هم طریقه صلح آمیزانه خود را نسبت بشاه جاری و لکن بی درین هان قسم و فایع تازه بر آنکینه شده و پیش می آمد *

اواخر فوریه ۱۹۰۸ (اواخر محرم ۱۳۲۶) اراده قتل شاه شده بوده و فتنیکه در کالسکه که عهده بانومویل سلطنتی میرفت نشسته و از خیابانهای طهران عبور مینمود، باین کان که شاه در انومویل است «بسی» بالای انومویل انداخته و محترق شد، زخم کسی به «شقر» یعنی انومویلجی شاه که مرد فرانسوی موسوم به وارنه (M. varnet) بود رسید و محمد علی شاه جانی سلامت بدر برده و بجز وحشت و دهشت سخت صدمه او نرسید، البته از آن سو قصدیکه مشروطه طلبان نسبت بچنان شاه کرده بودند شاه بدکان شده، روابط و تعلقاتش نسبت بمجاس و مجلسیان نازک و دقیق تر گردید *

او آخر مه ۱۹۰۸ (او آخر ربیع الثانی ۱۳۲۶) هر یکی از آن دو فریق مطالب و مقاصدی اظهار نموده بودند که بنا بود طرفداران شاه مشروطه طلبان آنها را تصفیه و اصلاح نمایند، لذا اول ژوئن ۱۹۰۸ (غرمه جمادی الاولی ۱۳۲۶) شاه خواه نخواه مجبور شد، که عهده از درباریان ارتجاعی خود را که یکی از آنها امیر بهادر جنگ معروف که ملتیان از او بسیار

منتظر بودند. معزول کنند ولی مشارالیه بسفارت روس بیاهند. شد *
روز بعد مداخله های عالی سفارتخانه های انگلیس و روس شروع و بطوری صریحاً
تقویت و امداد از مطلوب شدن مجلس نمودند که نتیجه آن سه هفته بعد بمباردمان بهارستان
بتوسط بریکاد قزاقی شد *

وزیر مختار روس منیو دهارتویک (M. Dehartwig) و شارژدافر انگلیس
مستر مارلینگ (Mr. Marling) وزیر امور خارجه ایران را ملاقات نموده و
دولت ایران را حقیقه تهدید کردند که در صورتیکه مخالفت و ضدیت با خیالات و نقشه
های شاه ترک نشود. روس مداخله خواهد نمود. وزیر مختار روس سبقت گرفته. تهدیدات
خود و خواهشهای شاه را اظهار نمود. ولی نمایندگی انگلیس همراهی دولت متبوعه خود را
فقط موکول بقبول مقاصد وزیر مختار روس گرداند *

چگونه ممکن است که این تحویف و تهدید دولتین روس و انگلیس را جدا خله جبارانه
در اساس امور داخلی ایران. با آن معاهده دولتمین و مراسله که « سرسیسیل استریتک ریس »
بدولت ایران نوشته بود توافق داده و جمع نمود. بی شبه این تهدیدات سالها مناقض با وعد
هائیت که در آن عهد نامه درج شده بود *

آن بیغام منغوس سفارتین فوراً بمجلس اخطار کرده شد و در آنجا هم همان اثر و
بفشید. که علی الظاهر نمایندگان دیپلماتی در نظر داشتند. مجلس در پیشه از مداخله اجانب
خوفناک بود *

بعد از آنیکه مجلسیان. شاه مغان حبله جوی قسم دروغ خور خود را عملاً مجبور
کردند. که مطابق قانون زندگی کنند. ملاحظه اظهارات آن دو سفارت که غرض اصلستان
بر گرداندن معاملات ایران بحالت اولیه بود که از آبهای کدر گل آورده مانع بگردند
مجبور شدند که جلد و جهد خود را بی نتیجه بگذرانند *

روز دیگر که سوم ژون ۱۹۰۸ (سوم جمادی الاولی ۱۳۲۹) بود خوف شاه اور
مجبور کرد. که بجهت محافظت خود از هر قسم مخاطرات متصوره از شهر خارج شده و در
بلخ شاه که خارج از شهر است اقامت نماید. و فتنه که در این مسافرت کو چک از خیابانهای
شهر عبور میکرد. بواسطه رها نمودن دو هزار نفر سر باز گارد « سیلاخوری » که مستحق نظر
بودند. و حرکت دادن سبده نفر قزاق یا توپخانه. اوله و هیاهوی غریبی در شهر بر
نمود. شاه باین تدبیر و در پناه این برده عوغا و آشوب. بانفاتی کرنل ایخاف Colonel

۴
۱۸

(Liakhoff) کماندان بریکاد قزاقی. بیاعشاه رفت *

روز بعد جماعت کثیری از مردم. به تصور اینکه شاه خیال جمله دیگری بمجلس
دارد. خواستار اعلان خلعت شدند *

بنجم ژون ۱۹۰۸ « بنجم جمادی الاولی ۱۳۲۶ » شاه بگردن کردن عده از مشروطه
طلبان مصمم شد و به بهانه اینکه میخواهد با ایشان مشورت نماید. آنها را بیاعشاه دعوت
نمود. ولی یکی از آنها قرار کرده و واقعه را فوراً بمجلس اطلاع داد. این اقدام باعث هیجان
شدیدی در پایتخت شد *

بین ششم و بیست و سوم ژون ۱۹۰۸ « ۶ و ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ » شاه تهدیدات
علنی نموده و تدارکات خود را برخلاف مشروطه طلبان دیده و افواج و اسلحه و تفریح خانه
بسیاری در بیاعشاه جمع و مهیا و تلکرافخانه ها را ضبط و از این راه مغایرات بین مجلس و ولایات
را قطع و بجای مشروطه طلبانیکه مستخدم دولت بودند. ارتجاعیون مشهور را بخدمات دولتی
مأمور و بسیاری از مردم را حبس و قانون نظامی را در شهر جاری و ریاست حکومت
نظامی را به « کرنل لیاخف » روسی سپرد. بعد از آن قزاقها را با یک اوانتیا نوم تهدید
آزمیزی بمجلس فرستاد که اگر مردم منتشر نشوند مسجد را بمباردمان خواهد نمود و علاوه
تهدید عده از مدبران خیراند و نظامیان مشروطه خواه را خواستار و در آخر بیست و دوم
ژون مجلس و مردم را فریب داد که کسبوفی مرکب از مانتیها و دولتیهها. برای تصفیه
مسائل موجود عهه مختلف فیه. تشکیل شود

قبل از طلوع آفتاب روز بیست و سوم ژون ۱۹۰۸ (۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶)
بیشتر از هزار نفر قزاق با افواج دیگر عارت مجلس را محاصره کرده و خیابانهای متصله بآن
را نیز تصرف و مسدود نمودند. و کلاه و سایرین بجهت تمام خود را بلدان محل رسانیده. آنها
را مانع از دخول بمجلس شدند. ولی از خارج شدن ممانعت مینمودند. بکساعت بعد
« کرنل لیاخف » باشش نفر صاحب منصب روسی دیگر وارد شد. افواج و شش توب
موجوده را بتوسی تقسیم کرد که سر کوب به آن محل باشد. بعد از آن کرنل مزبور سوار
بر اسب شده و از آنجا رفت. افواج و توپخانه که تحت فرماندهی باقی افسران روسی
بود فوراً بعارت مجلس شلیک نموده و در شلیک اول عده از داوطلبان ملی که در آنجا
حاضر بودند کشته شدند *

سند نفر با بیشتر از مانتیان مسلح که در آنجا حاضر بودند جواب شلیکشان را داده

و ۳ توپ فرافها را بکلی بیکار ساختند. بعد تا کمک بفرافها رسید. داوطلبان مجلس با اینکه عده بسیاری مخالف ایشان بودند. مدافعه شدیدی نموده و ناهفت یا هشت ساعت جنگ را امتداد دادند. تا اینکه آن عمارت از اثر نارنجک و شربل خیلی خراب شد و آنهائیکه در آن بودند یا مقتول و یا گرفتار و یا فرار نمودند *

بسیاری از ملتپای معروف گرفتار و ایشان را با حبس و با خفه نموده و بعضی دیگر که دولتیان در صدد دستگیر نمودن آنها بودند فرار کردند. « کرنل لیاخف » و تا این هایش ناجد روز خانه های اشخاص را که منظور شاه بودند. بمبارد و غارت میکردند. دفاتر مجلس را هم ضایع کردند. « کرنل لیاخف » با اینکه مأمور نظامی روس و ملبس به لباس روسی و مواجب بکلی از دولت ایران بود. حاکم حقیقی با افتدادر طهران گردید. کاپینه روس با نقاد بهائیکه انگلیسها و سایر اروپائیا از اقدامات و مداخلات وی و افعال « لیاخف » کرده بودند. بکلی انکار و تخاصی نمود و معتذر شد که اقدامات کرنل مزبور بکلی در تحت احکام شاه و میری امر او بوده است. دلایل و شهادتهای بسیار موجود است که ثابت میکند که لیاخف در واقع نقشه تخریب مجلس و اساس مشروطه را بر حسب اراده و میل جماعتی از ارتجاعیون که دورا دور امپراطور روس در بطرسبرگ بودند و مسبو « دهام نوبک » وزیر مختار روس در طهران نموده نمایانی از آنها بود. بوقع اجرا گذاشت *

در خلال این حال شورش در ولایات. خصوصاً در رشت و کرمان و اصفهان و تبریز شروع و اهالی تبریز خلع شاه را اعلان داده و از آنها يك دسته سیصد نفری سوار طهران فرستاده شد که از مشروطه حمایت نمایند *

در این زمان امیدواری استرداد و عود حکومت مشروطه در طهران خیلی ضعیف شده بود. جای تعجب نیست از اینکه مردم طهران قطع امید و اروپای خود را احساس نمودند *

همان روز که « کرنل لیاخف » در طهران مشغول گلوله ریزی مجلس بود در تبریز که دویم شهر ایران بشمار است بین ملتیان و دولتیان در بازارها جنگ شروع شد. سکنه تبریز از آن زمان که محمد علی شاه ولیعهد و حاکم ایالت آذربایجان بود. اور بخوبی شناخته و از وی متنفر بودند *

تاده ماه بعد از تخریب مجلس. مشروطه طلبان تبریز دوچار فشار عسرت و کشمکش و بی تناسبی بودند. اوآیل. گرفتار کشمکش و مقاومت با دولتیان بوده. اما اینکه تقریباً آنها را

از شهر خارج کردند. او آخر. بسبب مسدود شدن راه ها و محاصره. کامل شهر دو چار قحط و غلا شدند. در اکتوبر ۱۹۰۸ (رمضان ۱۳۲۶) شهرت نبود که روسها به بهانه اینکه فونسل تبریز احتمال وقوع خطر سختی برای اروپائیهای آن شهر میدهد. اراده فرستادن قشون برای مداخله در تبریز دارند. ولی حقیقت امر مکشوف شد که « مسبو بوخیتا نوف (M. pokhitonoff) با دولتیهای آنتر بک کرده که استلحه و قورخانه بقشون دولتی برساند. افواج ملی برای احترام و محافظت جان و مال اتباع خارجه خیلی سعی و احتیاط میکردند و شهادت کافی از اروپائیهای راجع به اثبات این امر در دست است که در زمان تسلط حکومت مشروطه در آن محل. نظم کاملی فرماز و بوده *

یازدهم اکتوبر (چهاردهم رمضان ۱۳۲۶) چهارصد نفر قزاق ایرانی با چهار توپ. در تحت فرماندهی افسران روسی بر یگاد قزاق. برای مدافعه ملتیان از طهران به تبریز روانه شدند. ولی تا دوازدهم اکتوبر ملتیان بکلی تمام شهر تبریز را تسخیر و قبضه نموده بودند *

او آخر نوامبر (اوآیل ذیقعد ۱۳۲۶) با وجود ورود فرافها با توپ. برای امداد محاصرین شهر. ملتیان تبریز متواتراً فتوحات میکردند. ملین سایر ایالات فرصتی برای تکمیل نقشه های جنگی خود بدست آورده و در ظرف چهار ماه بعد از آن بمقصود خود نائل شدند. رشت و اصفهان و لاریس و تبریز و همدان و مشهد و استرآباد و بندر عباس و بوشهر را ملتیان در قبضه تصرف خود در آوردند *

بختیار بیا بعامت ملین مصمم شده و به همین جهت پنجم ژانویه ۱۹۰۹ (دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۶) دو نفر از خوانین آنها مصمصام السلطنه و ضرعغام السلطنه با هزار نفر از متعلقین و متنسبین خود. شهر اصفهانرا تصرف شده و افواج دولتی را متفرق نمودند *

در رشت که واقع در شمال ایران است. آن شخص معروف یعنی سپهدار اعظم که چند ماه قبل از آن در تبریز سردار و کماندان افواج دولتی بوده و شهر تبریز را محاصره کرده بود. جنبش ملتیان را معاونت و امداد نمود *

در خلال ماه ژانویه (ماه ذیحجه ۱۳۲۶) سکنه تبریز در عسرت بسیار واقع شده و بسیاری از آنها از گرسنگی در شرف مردن بودند. و رجز و مشقت با علف (پنجه) گذران میکردند. تابعین وحشی رحیم خان و افواج دولتی شهر را محاصره کرده بودند. استقامت ایشان در این محاصره. فقط بواسطه امیدواریها و وعده های یغا و غارت نامحدودی بود که از آنها داده بودند که پس از تصرف و تسخیر شهر به آن نائل خواهند آمد *

در موقعیکه ملتیان عازم بودند که بجهت تحصیل آذوقه برای اهل شهر یکی از راهها را باز کنند. دو نفر از اتباع خارجه با عزم ایشان شرکت نمودند. یکی از آنها مستر مور (M. moore) انگلیسی بود که بعنوان وقایع نگاری از طرف چند روزنامه انگلیسی به ایران آمده و دیگری مستر باسکرویل (M. baskerville) امریکائی که در مدوسه پسران در تبریز معلم بوده و از حزب دعاة طرفه «پریس پترین» (pres byterian) امریکائی بود (۱) *

مستر باسکرویل در حمله بیست و یکم آوریل کشته شد *

وقتیکه کار تحصیل آذوقه بعسرت و یأس رسید. رأی داده شد که اتباع خارجه از شهر خارج شوند و بفرمانفرمای قشون دولتی اطلاع دادند که آنها را باسلامت عبور دهند. ولی تقریباً تمام خارجیها راضی بودند که از منافع خود صرف نظر نمایند. بیستم آوریل بیست و هشتم ربیع الاول (۱۳۲۷) روسها مصمم شدند که به بیانه تسهیل رسانیدن آذوقه و محافظت قونسلیخانهها و رعایای خارجه و کمک نمودن بکسانیکه میخواهند از شهر خارج شوند. قشون خود را داخل شهر نمایند *

بیست و نهم آوریل (هشتم ربیع الثاني ۱۳۲۷) عده از قشون روس که مشتمل بر چهار دسته قزاق و سه باطالیون پیاده و دو باطری توپخانه و یک دسته عمده جات بود. باطراف تبریز رسیده و روز بعد وارد شهر شدند. دولت روس ضمانتهای موثق و معتبر داد که اقامت و ساخلو بودن آن افواج در تبریز تا وقتیکه امنیت شهر و محافظت جان و مال فونسلها و رعایای خارجه لازم باشد و نیز تعهد کرد که از مداخله در امور بلتیکه بکلی اجتناب خواهد نمود *

چنانچه همیشه در مثل این گونه موارد معمول است. تصادف و مشکلات مخفی بین اهالی بومی تبریز و این چهار هزار نفر قشون روس که در داخل و خارج شهر بودند واقع شد. با اینکه امنیت و نظم کامل در شهر عود کرد. و عده خارج شدن روسها ابتدا و فغانها در امتداد ماه مارس (احزاب ملی رشت) قسمتی از آن راه که بجز خزر را بقزوین و طهران اتصال میداد. متصرف شدند *

بیشتر قن ایشان خیلی به کندی بود. زیرا که منتظر ورود و توأم شدن افواج بختیاری و اصفهان از سمت جنوب بودند *

(۱) پریس پترین شعبه از فرقه پرتسیان مسیحی می باشند. مترجم

تنبیه مراسله رسمی بسیار سخت سفارتین روس و انگلیس که در بیست و دوم آوریل بشاه نوشته بودند این شد که شاه مجدداً در دهم مه (نوزدهم ربیع الثاني ۱۳۲۷) وعده صریح موثقی نمود که مشروطه را معلودت داده و برقرار نماید. لیدران و نماینده های ملی و مردم ابتدا بوعدهای او اطمینان نداشته و اعتنا نکردند *

هر دو دسته افواج ملی توأماً بجناب پای تخت حرکت نمودند. فوج اصفهان در تحت فرمان مصمص السلطنه بزرگ بختیارها بود. قریب به هفتصد نفر برادر چالاک و وزیر کش سردار اسعد که از راه خلیج فارس از اروپا مراجعت نموده بود. با او شریک شد. شاه عده قشونی برای جلوگیری افواج مزبوره فرستاد *

در این اثنا (حزب ملی رشت) شهر قزوین را که تقریباً نود میل طرف شمال (غربی) طهران واقعست تصرف نمودند. اگر چه ایشان در تحت حکم سپهبد اعظم بودند. ولی روح معرکه آن افواج متهاجمه یورش آور را بفرمان میدانستند. قزوین بتاریخ پنجم مه (چهاردهم ربیع الثاني ۱۳۲۷) تسخیر و در ششم مه عده از فرمانان ایرانی با توپ ما کریم در تحت کاندانی «کاپتان زاپولسکی» (Captain Zapolski) روسی برای محافظت تنگه و پل کرج که تقریباً سی میل طرف شمال غربی طهران واقع است از طهران حرکت نمودند. عساکر ملی عددشان از ششصد نفر هم کمتر بود *

در این موقع سفارت روس دو باره شروع بداخله در این کار نمود و مراسله تهدید آمیزی سپهبدار نوشته صراحتاً خواهش کرد که پیشقدمی خود را بطرف طهران ترک و موقوف گرداند *

شانزدهم ژوئن (بیست و هفتم جمادی الثانيه ۱۳۲۷) سوارهای بختیاری که مشتمل بر هشتصد نفر بودند بطرف طهران روانه و جندی بعد بین ایشان و ملیین رشت و قزوین ابواب مکاتبه و مراسله و استحکام روابط مفتوح گردید. سفارتین روس و انگلیس در کار بازداشتن و متصرف نمودن خوانین بختیاری از خیالات و مقاصدشان بودند. ولی بی نتیجه شد. بیست و سوم ژوئن پیش قراول این حزب بقم که هشتاد میل سمت جنوب طهران است رسید *

با وجود تهدیدات مکرره سفارتین سردار اسعد اظهار داشت که بعضی خواهشها از شاه دارد و باین بهانه پیشقدمیها بطور جاری بود. دولت روس در ترسانیدن افواج ملی کوشش بسیار نموده و بگرد آوردن افواج متهاجمه حمله آوری در باد کوبه شروع کرد که بشمال

۴
۱۸

ایران بفرستد *

در این موقع شهرت نمود که پنجمزار نفر افواج شاه در سلطان آباد متوقف و هزار و سیصد و پنجاه نفر هم قزاق در طهران بودند که هشتصد نفر آنها در شهر در تحت فرمان « کرنل لیاخف » و سیصد و پنجاه نفر در شمال پای تخت (در سلطنت آباد بیلاق سلطنتی) و دویست نفر هم سمت جنوب پای تخت - منتظر ورود بختیارها بودند - سوم ژویه (چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) فوجی که در کرج بود بطرف شاه آباد که شانزده میل با طهران فاصله دارد عقب نشست و روز دیگرش هم يك مقابله و جنگ مختصری بین آن افواج و ملتیان که پیش می آمدند واقع و از طرف ملین دوازده نفر مقتول و از قزاقهای ایرانی که با سه عراده توپ در تحت حکم کاپتان « زاپاسکی » و دو نفر افسر نظامی « نان کیشن » روس بودند (۱) و يك صاحب منصب ایرانی و سه نفر تائبین مقتول و دو نفر مجروح گردیدند *

در خلال این ملازعات دولت روس موقع را مغتنم شمرده و متوالیاً دسته جات افواج خود را از بادکوبه بسمت ایران حرکت میداد - تا هشتم ژویه (نوزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) تقریباً دوهزار نفر از آنها وارد ایران گردیده و یازدهم ژویه (بیست و دوم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) بقزوین رسیدند - سفارت روس ملتیان اعلان نمود که اگر یکقدم بطرف پایتخت پیشتر بگذارند - باعث مداخله خارجه خواهد شد *

کوشش و تدابیر دیگر برای ترسانیدن و متصرف ساختن سرداران ملی بکار برده ولی بی نتیجه ماند *

دوم ژویه (بیست و یکم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) تصادمی بین بریگاد قزاق و بختیارها در بادامک که پانزده میل طرف غربی طهران است واقع شد - ولی نتیجه صحیحی نه بخشید و این جنگها تا دو روز متوالی جاری بود - سیزدهم ژویه (بیست و چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) هر دو دسته افواج ملی از بین اردوگاه بریگاد قزاقی و سایر افواج دولتی بچالاکلی باریک شده و گذشتند و خصم را بواسطه این حرکت مات نموده و ساعت شش و نیم صبح بی خبر وارد طهران شدند - چاکلی این حرکت بدون شك - نتیجه خیالات و اقدامات بفرم خان سابق الذکر بود *

(۱) نان کیشن صاحب منصبان نظامی را گویند که از درجه بست سر بازی یا تائبینی شروع بخدمت نمود - و ترقیات آنها هم محدود است * (مترجم)

تمام آن روز در بازارها و معابر طهران - نازده جنگ مشتعل و مردم شهر با جوش و خروش بسیار - جنود و احزاب ملی را استقبال و معاونت نموده و سیزدهم ژویه (بیست و چهارم جمادی الثانیه) را روز نجات و خلاصی خود از استبداد میدانستند - روز دیگر بریگاد قزاق در تحت فرماندهی کرنل « لیاخف » در قراقرخان خود و میدان مشق که وسط شهر است محصور شد - کرنل روسی مرابطه بسپهبدار که سردار افواج ملی بود نوشته و شرایطی برای تسلیم بریگاد قزاق پیش نهاد نمود - با اینکه تا آنوقت بریگاد قزاقی هنوز میدان مشق را از دست نداده بود - افواج ملی در تمام مدت آن انقلابات به نهایت جوانمردی و حزم و آل اندیش رفتار کردند - یازدهم ژویه (بیست و ششم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) پای تخت را کاملاً بقبضه تصرف خود در آوردند *

ساعت هشت و نیم صبح شانزدهم ژویه شاه با دسته بزرگی از افواج و همراهیان خود در سفارت روس در زر گنده که چند میل خارج از شهر است متحصن و بدین طریق گویا از سلطنت مأیوس گشته و کتاره گیری اختیار نمود - ولی قبیل از اقدام به آن حرکت رضایت و تصویب سفارت روس را راجع به آن امر تحصیل کرده بود - از وقت ورود شاه تا انقضا مدت اقامتش در سفارت - بزرگهای روس و انگلیس بر عمارت وزیر مختار روس نصب کرده بودند - در این موقع کرنل لیاخف خود را بافسران ملی تسلیم و رسماً ملازمت و خدمت دولت جدید ایران را قبول و تعهد نمود که در تحت احکام وزیر جنگ دولت مشروطه صرفاً بشغول و خدمت خود مشغول باشد *

دیری از شب گذشته بود که مجلس فوق العاده در محوطه بهارستان منعقد شده و شاه را رسماً خلع نموده و جانشینی پسرش سلطان احمد میرزا را که دوازده ساله بود - بجای وی اعلان و عهد الملک را که رئیس محترم ایل قاجاریه بود - به نیابت سلطنت انتخاب نمودند *

شانزدهم ژویه ۱۹۰۹ (بیست و هفتم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) ادعای مشروطیت ایران که علی الظاهر از دست رفته بود - دوباره دفعه معاودت نمود - بواسطه اظهار جرأت و وطن پرستی و هنر مندی سرانجام ملی - امید واریهای آنها نسبت بدولت جدید انتخابی - یکشنبه حاصل شده و عود کرد - بین کتبه فوری (هیئت مدیره) که از طرف دولت مشروطه تشکیل شده بود و سفارتین روس و انگلیس - مبادلات کتبی و بیغام بسیاری راجع بشرایط ذیل واقع شد -

اولاً: محمد علی شاه مخاوع از ایران خارج شده و آن مملکت را ترک گوید *

ثانیاً: جواهرات سلطنتی را که با خود برده رد نماید *

ثالثاً: فرضهاییکه نموده ادا کند و املاک شخصی خود را که رهن گذارده، باین احتیاط

که مبادا مرهونه های مذکوره بدست روسها بیفتد، تفکیک رهن به نماید *

آخر همه وظیفه سالانه او بود، هفتم سپتامبر (بیست و یکم شعبان ۱۳۲۷) قرارداد های

مزبوره، تصفیه و تسویه شده «برونوکالی» (صورت مجلس) که حاوی شرایط مذکوره

بود، بین نمایندگان دولتین روس و انگلیس و فریق دیگر با مضا رسید، وظیفه شاه مخلوع

سالی تقریباً هشتاد هزار «دالر» (معادل صد هزار تومان) معین شد، نهم سپتامبر شاه

با نواده و متعلقینش (بهمراهی قزاقهای روس و سوارهای هندی سفارت انگلیس) از

سفارت خانه روس بیرون آمده و بعزم ادسا بطرف بحر خزر رهسپار گردید، اول اکتوبر

(پانزدهم رمضان ۱۳۲۷) از ساحل ایران سوار کشتی شده و بطرف بادکوبه روانه شد،

از بادکوبه تا ادسا با قطار راه آهن مخصوص که از جانب دولت روس معین شده

بود رفت *

هیجدهم ژویه (بیست و نهم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) نائب السلطنه در سلطنت آباد

بشاه جدید تبریک گفته و در بیستم ژویه (دوم رجب ۱۳۲۷) شاه اردبای تخت شد

و برای پذیرائی و احترام او چراغانی شایانی بعمل آمد، چندی بعد از آن دولتین روس و

انگلیس قانون مشروطه جدید را رسماً قبول کردند *

هیئت مدیره ملی شروع با انتخاب اعضاء کابینه نموده و نظم پولیس شهر را بفرم

خان سپرد *

مطابق و جرائد آزادیکه در دوره اولیه مجاس بوده و بعد از انفصال مجلس توقیف شده

بودند آشکارا شدند، در اکتوبر بعد (بین رمضان و شوال ۱۳۲۷) انتخابات وکلا، مجلس

کاملاً بعمل آمد، بیست و هشتم همان ماه (سیزدهم شوال ۱۳۲۷) شصت و چهار نفر

از وکلا، در طهران جمع و حاضر شدند، گویا عدد وکلا، سه نفر بیشتر از حد نصاب

مقرر بود *

پانزدهم نوامبر ۱۹۰۹ (غره ذیحجه ۱۳۲۷) مجلس جدید رسماً افتتاح و تشکیل یافت

نمایندگان تمام اصناف در آنجا حاضر بودند، سیه دار بر ریاست الوزرائی و وزارت جنگ

معین شد و او بود که تعلق شاه را فرائت نمود *

در امتداد آن اوقات عدّه کثیری عساکر روس در تبریز و قزوین و رشت و نقاط

مختلفه دیگر شمالی ایران قیام داشتند، ملتیان وجود آن جنود را منشاء سلب امنیت و

اطمینان زیاد دانسته و نسبت بمقاصد و اغراض حقیقی دولت روس سوء ظنی

کامل داشتند *

مجلس و کابینه جدید با کثرت حوادث و مواضعیکه دوچار شده بودند با جرأت تمام

مشغول به اعاده موجبات نظم و انتظام پولیس و وصول مالیات شده و سعی در امنیت و

حفاظت جان و مال رعایا نمودند، بی شبهه در آن زمان مملکت در حالت پریشانی خطرناک

و اغتشاش فوق العاده و بدتر از همه پریشانی و بی نظمی امور مالییه و قروض سنگین دولت

ایران با جانب بوده که او را احاطه کرده بود *

یک «جنتلمن» (مرد محترم شریف) فرانسوی «مسیو بیژو» (M. Bizol) آنوقت

مستقدم دولت ایران بوده که در امور راجعه بآلیه دولت جدید ایران را معاونت نماید،

ولی در مدت دو سال که در طهران اقامت داشت هیچ امری را تصفیه و اصلاح نکرده

و حالات از بد بدتر شد، یکی از بد بختیهای ایرانیان این بود که وطن پرستی و احساساتی که

بسیاری از ملتیان با جرأت ایران را محرک شده بود که برای خلع شاه بجننگند و آن متانت و

وقار بسندیده، که در زمان فتح خود بکار بردند نمیتوانست کفایت از پریشانیهای خزانه

دولتی و منع از تقلب و رشوه و بی دریائی نماید، جای هیچگونه شك نیست که مشروطه طلبان

و اعضاء مجلس با خزانه خالی و قروض بسیار سنگین با جانب و کسر ماخذ بیکه در مخارج

دولتی بسرعت تمام ترقی مینمود و ویرانیهای استبداد که تعمیر آن لازم بود عازم و مصمم

شده بودند که طریقه و مسالک جدیدی اتخاذ کنند که ملت و حکومت جدید خود را از

پراگندگی و پریشانی صریح که باعث و هن آنها میشد محفوظ بدارند *

با وجودیکه ملین شاه ماضی را پس از نقص عهد مکرره و تخلف از قسمهاییکه برای

حفظ اساس مشروطه و حقوق صادفانه ملت خورده بود خلع و از مملکتش تبعید کرده و

بمقصد خود مشعشعانه نائل شدند، امیدوار بپای آینده شان برای تشکیل دولت مستقل منظم

چندان محل اطمینان و قابل اعتماد نبود، بواسطه بیجودگی خیالات همچو مملکتی از حیث

ملیت رعایت احترام و حمایت اکثر ایرانیان و مسدود کردن بهانه مداخله دول اجنبیه

متحابیه در امور داخلی که ادعای داشتن اغراض مخصوصه در آن مملکت مینمودند، لازم بود

از زمان سلاطین سلف کارهای حکومتی دولت ایران عموماً و امور اداره مالییه خصوصاً بجدی

پریشان و از هم گسیخته بود که نه در خارج اعتبار استقرض داشت و نه در داخل بی

۴
۱۸

تربیتی و پریشانی که آنوقت در امور ایران راه یافته بود. وطن پرست باجرائی از طبقات زیرک مردم لازم بود که دولت را از مغالک پریشانی فقر و ویرانی خلاص نماید. نه فقط مشکلات و موانع داخلی امیدواری ایرانیان را قریب باس ساخته بود بلکه مخالفت علنی روس و بیستیاکی مضرت بخش انگلستان از رد کردن و برهم زدن نقشه و تدابیر ظاهره روس بخلاف کامیابی دولت مشروطه مزید بر آن گردیده بود. باینجه دولت مشروطه جدید از اول دوچار روابط فوق العاده غریبی با بعضی از دول اجنبیه شده بود که آن تعلقات و روابط را بدون رعایت حقوق ملی و سلطنتشان بجزر بآنها قبول آیند. بودند *

رعایای فقیر ولایات در تحت حکمرانی هر حکومتی مجبور به تأدیبه مالیات خود بودند در صورتیکه يك دینار از آن مالیات هیچگاه بصرف فوائدشان مصروف نمی شد و همیشه شکار قطع الطریق بیگانه و خودی یعنی صاحب منصبان و مأمورین دولتی که تقدیر آنها را مسلط کرده بود می بودند خود مردم نمیتوانستند تا درجه و سببی حقوق خود را که از حیث رعیت بودن سلطنت مشروطه ایران باید به آنها عاید شد ادراک کرده و احساس میزان مسئولیت کسانرا که میخواهند طبقه حکومت دیوکراتی آزادی را تأسیس کرده بنمایند. لکن شدید ترین خطر آنها این بود که قبل از آنکه آنها بتوانند تربیت و تمدن کافی که قابل فهمیدن این مسائل گردند تحصیل نمایند مملکت آنها شاید از نقشه مال سلطنت مستقله محو میشد پس مسئولیت بسیار بزرگ سنگینی بایرانیهای زیرک و عالم تعلق گرفته بود که در ظرف این هجده ماهه بعد از خلع شاه مخلوع در آن دوره مسلک جدید برای اقتدار و مناصب با اثر شده بودند بهمان اندازه که ملت ایران چشم داشت و توقع محافظت حقوق خود در دوره استقرار سلطنت مشروطه داشت. بهمان درجه مأمورین و صاحبمنصبان هم مناصب تازه تحصیل نموده وسیله ترقی خود قرار میدادند. و این امر هم چندان غرابی نداشت زیرا که مطابق رسوم معموله قدیمه مملکتشان بود *

چنانکه سابقاً ذکر شد عده کثیری از افواج روس و انگلیس بنقاط مختلفه شمالی ایران فرستاده شده بود. اگرچه دولتین روس و انگلیس هر دو اظهار کرده بودند که بجز دریکه خطرات محتمله نسبت بممال و حقوق اتباع خارجه مرتفع شود و احتیاج بمحافظت آنان نباشد قوماً آنها را معلودت دهند *

از یکطرف ورود آن افواج و از طرف دیگر اغتشاشات محلی که همیشه اضطرابات بلتیک را در دنبال داشت چنانچه در ظرف چهار سال گذشته در ایران مشهود گشت

اشکالات مترانده تازه سلطنت مشروطه تحمیل و دوچار گردید در سپتامبر ۱۹۰۹ آن دزد معروف یعنی رحیم خان به اردبیل که در شمال ایران واقعتاً حمله برده و دولت روس حرکت او را فوراً اسباب بهانه خود برای آنکه افواج زیادی به آن حدود بفرستد قرارداد و برگردانیدن افواج ساخلموی قزوین را که وعده کرده بود بکلی بعهده تاخیر انداخت دولت ایران مجبور شد مبالغ کلی برای مصارف قشونیکه بجهت مقابله رحیم خان فرستاده بود متضرر شود. لکن بیست و چهارم ژانویه ۱۹۱۰ (یازدهم محرم ۱۳۲۸) بواسطه اقدامات قشونیکه در تحت فرمان یفرم خان بودند رحیم خان بطوری محصور شد که راه فرارش منحصر بعبور از سرحد روسیه بود. دولت روس بمخالفت و استنکاف صریح با ماده چهاردهم عهدنامه ترکان جای راه داد که داخل روسیه شده و از تعاقب قشون ملی محفوظ بماند و تا ژانویه ۱۹۱۱ (محرم ۱۳۲۹) مانجا بوده و پس از آن دوباره به تبریز مراجعت نمود که باعث خرج و اشکال نراشی برای دولت مشروطه بشود *

در دو ماه (بین ربیع الثانی و جمادی الاول ۱۳۲۸) یکی از شهزادگان ایران داراب میرزا نام که بعنوان تبعیت روس در مملکت روسیه متوطن شده و در رژیم قزاق روسی ساخلموی قزوین صاحب منصب بود سعی کرد که شاید بتواند دولت مشروطه را مغلوب نماید با وجود بیرونیست و تعرضات ایرانیان که خواستند خودشان آن انقلاب را تسکین دهند افواج روسی مداخله کرده و در صورت ظاهر همچو وانمود کردند که داراب میرزا را خود شان گرفتار و محبوس خواهند نمود در موقعیکه مشاوران بهرامی روسها مراجعت بقزوین مینمود سر بازان روسی در بین راه با قشون ایران که برای گرفتاری او فرستاده شده بودند ملاقی شده و روسها به آنها شلیک کرده و يك صاحبمنصب ایرانی را که سر کرده آندسته بود کشتند. اگرچه روسها از شرکت در برانگیختن آن خانه جنگی انکار و تخاصی نمودند ولی ثابت شد که يك کرنل روسی در قزوین به شرکاء و معاونین داراب میرزا نامین نامه که امضا و مهر کرنل داشت داده و در نوشته مزبوره اظهار داشته بود که حاملین این ورقه در تحت حمایت امپراطور روس میباشد و تهدید کرده بود که اگر اتباع ایران به آنها یا بهمراها نشان حمله نموده و یا متعرض شوند مورد تنبیه و سیاست سخت خواهند شد *

در فوریه ۱۹۱۱ (صفر ۱۳۲۹) عساکر روسی اهالی قریه وارمونی (Warmuni) را که در حدود آستارای ایران واقع است قتل عام و شصت نفر را که زنان و اطفال هم جزو آنها بوده مقتول نمودند *

۴
۱۸

در خلال این حال دولت ایران مصمم شد که خیال استقراری را که در دسامبر ۱۹۰۹ (پن دهم ذی قعدة و ذیحجه ۱۳۲۷) آغاز کرده بود بفعليت و انجام رساند يعنى موازى دو ميليون و نيم «دالر» (تقریباً پنج كرور و نيم تومان) از دولتین روس و انگلیس غرض نماید لکن شرایطیکه آن دو دولت میخواستند به بهانه استقراری بدولت ایران تعدیل نمایند بجدی خطرناک و مغرب اساس آزادی بود که مجلس مجبور شد صرف نظر نماید چندی پس از آن دولت ایران برای انجام قرضه با يك بانک «پریوت» (مخصوص) لندن شروع مذاکره و مراسله نموده و نزدیک بود که بشرايط سهل و ساده که مفید بحال طرفین بود انجام بگیرد غنای دولت انگلیس در اکتوبر ۱۹۱۰ (مطابق شوال ۱۳۲۸) بهر اهی روسها آن معامله را خاتمه داده و بکلی اقدام دولت ایران را در این استقراری و رهن دادن جواهرات سلطنتی بی نتیجه و خنثی نمود آن اوقات دولت روس علناً کوشش میکرد که چند فقره امتیاز قیمتی از پارلمان ایران به نرخ خارج کردن قشون خود از حدود شمالی ایران تحصیل نماید روی هم رفته سلوک و رفتار آن دو دولت با دولت ایران بوضع نامهربانی بلکه خصومت بسیار سختی بود در سنت بطر سیرک جماعت متهوری از ما مورین دولت روس نفوذ و اقتدار بسیاری پیدا کرده بودند مثلاً شخص (بوختیانوف) فونسل تبریز نمونه خوبی از آن ما مورین بود و بواسطه آن تریک و سازشهای خونین و مخالفت و مخالفت شدید با دولت مشروطه ایران مقرب و ممتاز گردیده و بمنصب جنرال فونسل طهران منصوب و مفتخر شد بواسطه مسلکی که دولت روس نسبت به اهالی ایران اختیار و اتخاذ کرده بود دولت انگلیس شانزدهم اکتوبر ۱۹۱۰ (دوازدهم شوال ۱۳۲۸) آن اولتیماتوم مشهور خود را راجع شکایت از عدم امنیت و اغتشاش شوارع و معابر جنوبی و طرق تجاری آن حدود بدولت ایران اظهار و درخواست نمود که عده از صاحبان نظامی فوج انگلیسی هند را در تحت نظارت خود برای نظم و ترتیب مستحفظین آن خطوط گذاشته و مصارف را از عایدات گمرکی ایران وصول نمایند این اقدام مورث اضطراب و باعث تعرض شدیدی در مملکت ایران و عثمانی گردید و از طرف بعضی عناصر مسلمانان اظهار نامه بوسیله تلگراف به امپراطور آلمان اظهار و از او خواهش کردند که دوستی خود را نسبت به مسلمانان ظاهر دارد نتیجه مخصوصی که علی الظاهر از شرکت و دخالت دولت آلمان در امور سیاسی ایران حاصل شد این بود که معاهده بوتسدام برعت جاری گشته و پنجم نوامبر ۱۹۱۰ (دوم ذی قعدة ۱۳۲۸) تکمیل و باعث حیرت و تعجب دولتین فرانسه و انگلیس گردید

(۱) * نتیجه که از اتفاق دولتین روس و آلمان بابت ایران عاید گشت آنچه از مواد عهد نامه ظاهر شد و نیز آنچه عموماً پس از آن شهرت یافت موافقت سری عجیبی بود که دولت روس را در اتخاذ آن سلوک سخت بدون خوف و احتیاطی از مداخله یا تعرض عثمانی از جانب شریک خود در معاهده ۱۹۰۷ که منی بر وضع سلوک انگلیس و روس نسبت بابت ایران بود قادر نمود *

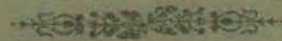
بیست و نهم اکتوبر ۱۹۱۰ (بیست و پنجم شوال ۱۳۲۸) حسینقلیخان وزیر امور خارجه آنوقت ایران بسفارتین روس و انگلیس اطلاع داد که چون دولت ایران از بعضی مراسلات غدر آمیزانه و عهد شکنانه شاه مخلوع با رؤسای طوایف ترکمانیه (در حدود شمال شرقی ایران) مطلع شده است موافق مواد و شرایط «پرو تکلال» (صورت مجلس) بیست و پنجم اوت ۱۹۰۹ (هشتم شعبان ۱۳۲۷) مصمم شده است که فسط آیتده وظیفه شاه را مسدود و مقطوع نموده تا تحقیقات لازمه بعمل آید آن دو سفارت نه فقط انکار از توجه و اعتناء بآن خواهش متعانه نمودند بلکه وزیر خارجه ایران را بواسطه مامور کردن نوکرهای سفارت با لباس رسمی که بر دروب خانه او ایستاده و در هر جا همراهش باشند تا وقتی که پول از او وصول شود در معرض توهین ذلت آمیزی در آورند این اقدام مطابق قوانین دیپلماتی اجحاف و توهین بی نظیر و دور از انصافی بود يك ماه بعد از آن وزیر مختار روس از عمان وزیر امور خارجه درخواست و مطالبه نمود که برای توهینی که بگذاشته فونسل روس در شهر کاشان شده باید عذر خواهی رسمی نموده و ترضیه سفارت بعمل آید آن گداشته روس ایرانی و مرد بسیار بد نامی بود که دولت ایران در استخدامش اعتراض سخت کرده بود حسینقلیخان بعد از تحمل خفت و توهین معذرت یافت شد که غرض اصلی آن دو دولت خام اواز وزارت خارجه بوده است پس مجبور باستعفاء شده و بکاه بعد از آن مستعفی گشت در این اثنا شاه مخلوع علی الظاهر بعنوان مسافرت با اروپا برای حفظ الصحه خود و در حقیقت برای نقشه کشی و مقابله نمودن دولت مشروطه از ادسا خارج گشت و عاقبة الامر بورد او با فوج مسلحی بخانه ایران در ماه ژویه سنه بعد (رجب ۱۳۲۹) منجر گردید اول فوریه (اول صفر ۱۳۲۹) در شهر اصفهان يك صاحب منصب معزول شده بولیس حاکم مشروطه آنجا را بجر و جرم و سر عمومی او را مقتول نموده و در قزاقی خانه روس متحصن گردید پنج روز بعد (پنجم

(۱) شرح این معاهده در باب دهم ذکر خواهد شد * مترجم

۴
۱۸

صفر ۱۳۲۹) صبیح الدوله وزیر مالیه ایران در خیابان عمومی طهران بگلوله دو نفر تگرچی
مقتول و گرجیهای مزبور چهار نفر بولیس ایرانی را نیز قبل از آنکه دستگیر شوند مجروح
نمودند ما مورین فونسل خانم روس فوراً از استنطاق و تحقیق دولت ایران در آن قضیه
امتناع نموده و فائیلین را تحت الحفظ خود از ایران خارج نموده و وعده و تعهد نمودند که مشار
البیهار الزوماً کیفر خواهند داد بعد از آنکه عقد الملک نائب السلطنه اول در بیست
و دو م سبتمبر (مقدمه رمضان ۱۳۲۸) فوت نمود هشتم فوریه (هشتم صفر ۱۳۲۹)
ناصر الملک نائب السلطنه جدید وارد طهران گردید بگناه پس از ورود ایشان افواج
ساخلوی قزوین روس باستانی هشتاد نفر قزاق که در هانجا ماندند از قزوین خارج
و شهرت نمود که خارج شدن افواج مزبوره برای رعایت احترام ایشان بوده است *

اکتوبر و قابع مزبوره منتهی ب ورود مستشاران مالیه امریکائی میشود *
امضا - دبلیو . ام . اس (W. M. S.)



* باب اول *

— ۳۰۰۰۰ —

در تصویب دولت ایران انتخاب و جلب مستشاران مالیه از امریکا و آمدن نشان بطهران در دو ماه نوامبر و دسامبر ۱۹۱۰ (دو ماه ذیقعده و ذیحجه ۱۳۲۸) و کلاء مجلس شورای ملی ایران در باب انتخاب و جلب مستشاران مالیه از امریکا بحث و مذاکره بسیار نمودند بدین ملاحظه و امید که عمال و کارکنان آن دولت از آلاش اثرات ارو بائیه باک و مهرا بوده و بخوبی میتوانند از تجدید تشکیل خزانه ایران که بی صاحب و بی نظم و در حالت نکبت قدیمه بود نتایج عملی تحصیل کنند *

و قتیکه غلبه و اکثریت آراء باین انتخاب قرار گرفت کابینه دولت ایران بتوسط حسینقلیخان وزیر امور خارجه بیست و پنجم دسامبر ۱۹۱۰ (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۸) تلگراف ذیل را بسفیر ایران مقیم واشنگتون مغایره نمود:—

واشنگتون: سفارتخانه ایران فوراً به (پیشکار رسمی (۱)) وزیر خارجه دولت امریکا اظهار نماید که شمارا با کسانیکه در امور مالیه امریکا مهارت نامی دارند معرفی نموده و مذاکرات ابتدائیه را برای استخدام بکنفر خزانه دار کل که از مردمان کافی و کار دان بی آلاش امریکا و امین و موثق باشد بجهت تجدید تشکیل و پیشرفت و نظم جمع و خرج مالیه ایران بدت سه سال بعمل بیاورید و نیز بکنفر مستوفی و محاسب ماهر و بک ممیز برای نظارت و تعیین میزان لازمه مالیات ایالات و بکنفر رئیس برای اداره کردن و تنفیذ مالیاتهای مستقیمه بعاونت بکنفر مفتش کاردان که دارای صفات ممیز سابق الذکر باشد لازم ولی قبول مشار الیم منوط به تصویب مجلس خواهد بود وزیر مختار امریکا نیز باطلاع

(۱) مراد از پیشکار رسمی صاحب منصبی از وزارت خارجه است که مراسلات و اظهارات دولت مخصوصی را بدولت متبوعه خود رسانیده و بتوسط مشار الیه در آن باب مذاکره می شود چنین ماموری را در ایران مدیر تحریرات می نامند * مترجم

داده که وزیر خارجه برای مذاکرات مزبوره حاضر و راخیزست پس در این کار به آراء و نصایح دیگران اعتنا نکرده و از دخالت اشخاص غیر مشول برهیز و اجتناب نماید *
سواد صحیح (مطابق با اصل)

این تلگراف را بوزیر مزبور ارائه نموده و دستور العملهای مشار الیه را عمل نموده و نتیجه اقدامات خود تان را مختصراً (رمزاً) اطلاع دهید *
نمره ۹۸۷۶ « حسینقلی »

نتیجه مذاکرات دوستانه نماینده دیپلوماسی ایران مقیم واشنگتنون با وزارت خارجه (اداره رسمی) امریکا این شد که مصنف این کتاب بموجب فرار داد دولت ایران در مدت سه سال بسمت خزانه داری کل معین گردید که تشکیل و تنفیذ جمع و خرج مالیه ایران را اداره نماید و نیز چهار نفر امریکائی دیگر مقرر شد که خزانه دار کل را در این امر سترک معاونت نمایند *

قبل از انعقاد این قرار داد هیچگاه خیال مسافرت بایران را هم نکرده بودم ولی نطق مؤثر فصیح و جان گداز میرزا عتیق‌لیخان شارزدافر ایران مقیم واشنگتنون همه نوهام سابقه مراجع و بالاخره عازم شدم مالمبرا که اظهار اطمینان قلبی و حسن عقیده ثابت بقوانین و مسلك ما کرده اند معاونت نموده و بکمته آنچه را که بناوانم *

اول کاری که برای پیشرفت و تسهیل این مقصد کردم مطالعه کتاب پروفسر پروین که در شرح انقلابات ایران نوشته است بود باندی رأی و انصاف طلبی پروفسر مزبور برای آن اقدام و جنبش جدید مشروطه طلبان ایران عزمم را برافزین به آن مملکت جرم نمود *

قبل از آنیکه حرکت تمام از وزارت خارجه امریکا استیضاح و استفسار کردم که دولت امریکا با دولت ایران در این معامله چه نسبتی دارد و در این باب اطلاع واضح تحصیل نمودم جواب صریح داده شد که این حرکت شما بطرف ایران هیچ قسم سمت و عنوان رسمیت نداشته و بعنوان نمایندگی از طرف دولت امریکا به این خدمت مأمور و معین نشده اید سپس از اداره مزبوره خواهش نمودم که مفاد مذاکره فوق را کتبا بمن بدهد جواب رسیده که از طرف دولت بمن داده شد در این جا نقل میکنم *

یست و چهارم فوریه ۱۹۱۱ (بیست و چهارم صفر ۱۳۲۹)
(M. W. Morgan Shuster, Union Trust Building Washington D. C.)
واشنگتن : D. C. (هیونون ترست بیلدینگ) مستر دیپلو مورگان شوسنر

مکتوب چهاردهم ماه جاری شما که در باب تعیین و اعزام پنجنفر مستشار امریکائی برای ترتیب و تنفیج امور مالیه ایران و استفسار از سمت و عنوان انتخاب خود بشغل خزانه داری کل سوال نموده بودید با اداره رسید در جواب شما اطلاع داده میشود که در دسامبر گذشته شارژدافر ایران مقیم این شهر بر حسب اظهار و امر دولت متبوعه خود از این اداره در خصوص معرفی اشخاص ماهر و زیرک امریکائی که در امور مالیه اطلاع تام داشته باشند معاونت خواست و اظهار نمود که دولت ایران تصویب نموده که پنجنفر مستشار امریکائی را در امور مالیه دخالت داده و شریک گرداند بر حسب اظهار فوق این اداره صورت اسامی اشخاصی را که حاوی اسم شما نیز بود نزد مشارالیه فرستاده و ایما هم نمود که شارژدافر ایران حقدارد در این امر مستقیماً با ایشان به بهترین وجهی گفتگو نماید و اداره را از اطلاع از مکتوب شما و از مراسله سفارت خانه ایران مورخه هفدهم شهر حال کمال خوشوقتی و مسرت حاصل گردید که شمارا بشغل خزانه داری کل در تحت وزارت مالیه انتخاب نموده اند *

از طرف مستر ناکیس (M. Knox) رئیس اداره خادم مطیع شما هانتینگتون ویلسن (Huntin tom Wilson) معلون وزارت خارجه *

از محل موثق معتنایی اطلاع حاصل کردم وقتیکه دولت روس ملتفت شد که ما بین وکلای مجلس شواری ملی ایران مسئله انتخاب و جلب مستشاران مالیه از امریکا مطرح مذاکره شده و روز افزون میشود اولاً يك نظر و توجه رسمی عمیقی در این معامله بطهران کرد اولین اقدامیکه از طرف مأمورین دولت روس بظهور پیوست این بود که چند نفر از وکلای متعلق بد نام بی شرف پارلمان را اغوا و تحریک نمودند که شاید بتوانند تصویب قرار داد و انتخاب امریکائیها را نسخ نمایند وقتیکه دولت روس نتوانست باین سعی خود کامیاب و بدین آرزوی خود نائل و اکثریت آراء وکلارا از مسلك اولیه انحراف دهد معروف است که بوزارت خارجه امریکا اظهار و یا نزاکت تمام اشاره کرد که اعزام مستشاران مالیه از دولت امریکا بایران بکلی برخلاف عقل و مراسم مودت است در صورتیکه دولت امریکا تا آن زمان از آن اراده ایرانیان بی اطلاع صرف بود اداره دواتی مزبور با کمال صداقت جواب داد که « از این معامله اطلاعی ندارد و هنوز در این باب اظهاری ننموده اند هر وقت پیش نهاد نمودند تا عمل خواهد شد »

چندی بعد وقتی که دولت ایران با اداره رسمی امریکا اظهار نموده و خواهش کرد که در

تعیین واعزام پنجاه مستشار مالیه با ایشان معاونت نماید دولت امریکا از دولت انگلیس توضیح خواست که آیا دولت انگلیس در اعتراضاتی که سابقاً دولت روس در خصوص رفتن امریکاییها بایران نموده بود شرکت دارد ؟ انگلیسها جواب دادند که « سابقاً این مسئله محل توجه و ملاحظه دولت انگلیس بود ولی اکنون نیست » در این صورت دولت روس مجبور شد که چنانچه در مأموریت امریکاییها اعتراضی دارد با فاش و علناً اظهار نماید و یا زیان نرم و مؤذنه در مذاکرات دیپلماتی استعمال کرده و مانع از پیشرفت آن معامله نشود *

دوم فوریه ۱۹۱۱ (دوم صفر ۱۳۲۹) وکلاء مجلس با اکثریت تله و طیب خواطر شروط « کنترات » (فرار داد) ما را تصویب نمودند با کمال وثوق و اطمینانیکه باظلمات دولتمین داشتیم که قبول خود شان « اغراض و منافع مخصوصه » در ایران داشته باشند بصورت اینکه هیچوجه مانعی در پیش نخواهد بود بسمت ایران حرکت نمودیم *

هشتم اپریل ۱۹۱۱ (هشتم ربیع الثانی ۱۳۲۹) بهراهی مستر شارل مکاسکی (M. Charles Me Caskey) که از اهل نیویورک بود و مستر زالف هیلز (M. Ralph) که از اهل واشنگتون و مستر بروس دیکی (M. Bruce Dickey) که اهل جزیره بالین بود از نیویورک سوار کشتی شده که زمام تشکیل و تجدید امور مالیه ایران و نظم آن را بدست بگیریم ماها « مستر مکاسکی و مستر هیلز و من با خانواده و اطفال و منعلقین » جمعاً شانزده نفر بودیم (در اینجا مصنف شرحی از خدمات سابقه هر يك از معاونینش را ذکر نموده ولی چون بی اهمیت بود از ترجمه آن صرف نظر شد * مترجم)

من تعهد و فرار داد کرده بودم که تا مدت سه سال با اقتدار کلی و اختیارات تامه که از طرف دولت ایران در امور مالیه بن داده شده خدمت آن دولت را بسمت خزانهداری کل بنام و دوستان من مستر مکاسکی به شغل همزی مالیات ایالات و مستر هیلز بعنوان محاسبی کل و مستر دیکی بخدمت مفتشی عایدات مقرر و تا انتفاء مدت سه سال در تحت نگرانی من بودند و مستر کز (M. Cairns) که رئیس گمرک ایپولو (Hoilo) در جزایر فیلیپین بود بریاست عوارض معین و حکم فرستاده شد که با سرعت و وسایل در طهران بما ملحق شود مشارالیه معاون بزرگ خزانه دار کل هم بود اشخاصیکه مشاغل مذکوره مأمور و معین شده بودند هر يك در اینگونه امور ذخیره های کامل کافی از تجربیات و

عملیات دارا و مخصوصاً در تشکیل و ترتیب امور مالیه مالکیکه هنوز بریور (دیسیلین) (نظم جدید) مزین نشده مهارت تامی داشتند *

ما از راه پاریس و وین عبور نموده بیست و پنجم اپریل « بیست و پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹ » بقسطنطنیه وارد و سپس سوار کشتی شده و سوم مه به باتوم روسیه رسیده روز دهم که چهارم مه بود از خط راه آهن « تفلیس » بطرف بادکوبه حرکت و ششم مه ساعت چهار عصر سوار کشتی « باریاتسکی » (Bariatinski) شده و حصه از بحر خزر را طی کرده روز بعد « هفتم جمادی الاولی ۱۳۲۹ » ساعت نه صبح در انزلی که بندر « اول خاک » ایرانست باده شدیم همینکه با ساحل گذارده و رسوم گمرکی بعمل آمد فوراً در کشتی « لانج » وقایعهای بادی نشستند و بعد با کالسکه بشهر رشت که حاکم نشین گیلان است رسیدیم (۱) تا دو روز در رشت مهمان نائب المحکومه بودیم در این مدت توقف و سایل حمل و نقل اسبابهای خود و منعلقینمان بطهران که فاصله دوست و بیست میلی طرف جنوب رشت واقعست آماده شد این قسمت از مسافر زمان در کالسکهای چهار اسبه و زین که بطرز قدیم و کزیه المنظر بود خاتمه یافت در هر « استاسیون » (مهستانخانه) که تقریباً ده دوازده میل با دیگری فاصله دارد اسبها را تبدیل میکردند نهم مه ساعت هشت و نیم صبح با همراهان در چهار کالسکه نشستند و از رشت حرکت نموده و اسبابهای و زین خود مان را هم در دو گاری بزرگ بی فتر پیش فرستادیم بنا سفارش کردند که چون (فامیل) زن و بچه همراه دارید بهتر است که قدری آهسته تر قطع مسافت بنمایید روز دوازدهم ماه (دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹) ساعت دو بعد از ظهر بعد از تحمل مشقتهاییکه تقریباً و روی هم رفته دلچسب بودند به « استاسیون » آخری که نرسیده به پهرانست رسیدیم در آنجا احوال و انقال و صندوقها را دیدیم که منتظر ما بوده و بواسطه باد و باران گرد و غبار و حرکت عنیف سه شیانه روزه گاریهای بی فتر اسبابها در حالت بدی بودند اگر بدستور العلی که آخر وقت قبل از فرستادن اسبابها رسید که همه اسبابها را باید در غده های ایرانی بچیده و بدوزیم عمل نکرده بودیم یقیناً قبل از آنکه آنها را ثانیاً به بینیم همه بی مصرف شده بودند تقریباً چهار میل بدر و از آن فزون طهران باقی مانده بود که مستر شارل دیلیورسل (۱) لانج کشتیهای کوچک آتشی میباشد که در انزلی معروف ببار کاس و مأخوذ از کله بار کاش فارسی است *

(M. Charles W. Russel.) وزیر مختار امریکارا با فامیلش و جمعی از کشتبان
 امریکائی و جماعتی از ایرانیان که منتظر ما بودند ملاقات و در کالسکههای شهری سوار
 شده فوراً بطرف پارک انابک حرکت نمودیم پارک مزبور که برای اقامت ما ها معین
 شده بود جای بسیار با روح و خوش منظر و شبیه به انبیه سلطنتی بود این باغ و عمارت
 سابقاً منزل بیلاقی « محل تفریح » رئیس الوزرا و بزرگترین وزیر ارتجاعی بوده که
 باسم او موسوم گردیده و مشارالیه بامین السلطان ملقب بود که در سی و یکم اوت ۱۹۰۷
 « بیست و یکم رجب ۱۳۲۵ » اورا کشتند آن باغ و عمارت و اراضی که در جوار و متعلق
 به پارک میباشد تقریباً هشت « ایکر » (۱) و در قسمتی از طهران واقع شده که سفره
 و ارو پائینها در آن سکونت دارند و اکنون ملک یک نفر تاجر زردشتی که بسیار متمول
 و وطن پرست و اسمش ارباب جمشید است می باشد مشارالیه بطیب خواطر عمارت و باغ
 مزبور را بنصرت دولت داده بود که ناوقتیکه ما در طهران باشیم محل اقامت و توقفان
 باشد خود عمارت از سنک سفید (کج) و دو طبقه و مشتمل است بر سی اتاق که اکثر
 آنها وسیع و مرتفع میباشد در پارک مزبور اشیا عجیبه و مبهلهای نفیسه کیانی که از تمام
 اقطار عالم گرد آورده اند و خسته شده است مخدوم چندین تخته قالیهای گرانهای کیاب
 در آن عمارت میباشد اطراف عمارت را یک باغ بزرگ با شکوه و خوش منظری احاطه نموده
 و از هر طرف چشمه های مصنوعی و دریاچه ها نمایان و نهرها جاری میباشد باغ مزبور
 محدود و محدود است بدیوار بلند شخصی که از گل بسته (آجر) ساخته شده و در طهران
 منازل محکم شخصی را بین قسم بسیارند هیئت نمونام فراوان بکام آن حالت و کیفیت
 را که در وقت ورود به پارک هنگام تمام دلالتیم بعد از سه شبانه روز متوالی که در
 گرد و خاک و آزارت سفر کرده و گاهی از شدت سردی هوای کوه البرز متالم و بعض
 اوقات از حرارت صحراهای خشک در تمب و زحمت و خوابگاه ما در مباحثهای بین راه
 نا راحت و خوردنیهای مهم منحصر بود بچیزهایی که حمل و نقلش ممکن و بسبوت فوادم
 می آمد (حاضر) بدنیهای ماهمه کثیف و گرد آلود و بشرها مان از تابش آفتاب تغییر
 کرده و از صعوبت راه بکلی عاجز و در مانده شده و بدین حالت بشارع عام طهران رسیدیم
 در حالیکه از دو طرف درختها منظم و چراند از هر سمت در زیر درختان روشن بود
 هنوز مغرب نشده و آسمان آهسته آهسته هوای مفرح ازت لنگر خنکی میوزید و در پارک

(۱) هر ایکر معادل با چهار هزار و هشتصد و چهل و دو ذرع مربع است *

مستور موزکان شوشی امریکائی و دکتر مالتی ایرانیان در پارک انابک طهران ۱۳۲۱



MR. AND MRS. SHUSTER IN ATABEK PARK

مستور موزکان شوشی امریکائی و دکتر مالتی ایرانیان در پارک انابک ۱۳۲۱



MR. SHUSTER IN HIS PRIVATE OFFICE IN ATABEK PALACE

هم جمعی از پیشخدمتانش همه بالباسهای یک طرز و بیک رنگ هر یک بر سر شغل خود منظم ایستاده و منتظر ورود ما بودند از آن تغیر اوضاعیکه در آن شب ما مشاهده نمودیم طهران به نظر ما مسکن یریان و نمونه بهشت جلوه نمود بعد از فراغت از شام چند ساعت بالای پشت بام سرسرا (مبتابی) نشسته و از استماع نغمات خوش آهنگ باجهای ایرانی معظوظ شدیم *

قبل از آنکه بارهای سفرمانرا بگشائیم هر روز دسته دسته مردم از هر طبقه و هر صنف برای (وزیت) ملاقات ما می آمدند و تا دو ماه همه روزه از صبح تا قسمت دیری از شب آن سلسله ملاقات جاری و هیچ تفرینی در آن ملاقاتها مشاهده نشده و بیشتر اوقات ما در گفت و شنود با عشر ملاقات کنندگان مصروف بود ولی بواسطه آن ملاقاتها ذخیره قیمتی از حالات و کیفیات مملکتی برای ما حاصل گشت بما گفتند که ایشان مردمان عزیز محترمی میباشند و اگر موقع و وقت بانها داده نشود که راه های کار و خیالاتشان را اظهار بکنند که «خواستج دولت چیست و بیچ طریق و نهج باید اقدام کرد که تجدید تشکیل و استحکام امور دولت حاصل شود» ایشان به نهایت درجه رنجیده و بیشرافت کار شاق خواهد شد *

در انزلی با شخص ایرانی مکرم محترمی هرمزخان ملاقات کردیم مشارالیه را دولت ایران برای استقبال و راه نمائی و خیر دادن از ورود ما معین کرده بود هرمزخان کارت ویزیت خود را که در آن ترتیب و تعلیم یافته امریکا نوشته بود بما داد انگلیسی هم حرف میزد و بسیار سعی بود که وطنش ایران در دل ما اثر مقبولی نموده و در نظر ما بسندیده آید صحبت و آوازه خوانیهای هرمزخان ما را از خستگی و کسالتی که از آن راه عارض میشد خلاص و اگر بواسطه مسافرت ساعات بی دربی در صحراهای گرد خیز بی گیاه آثار خستگی از چهره ما احساس مینمود کوه بعید را نشان داده و توجه ما را به قدرت و محسنات طبیعی و صنایع ابروی منعطف میکرد اینند که چگونه آن کوه خود را برای آماده بنسافرین جلوه داده است اگر چه مشارالیه مسلمان کامل العقیده بود ولی اعتقاد راسخی نیز در مواقع احتیاج و لزوم بخواص نوشیدنیها داشت و فراموش نمی نمود باد آوری بهمراهان در موقعیکه بخواطر می آورد که از جام سابق مدتی گذشته و همواره وقت را غنیمت میدانست قسمت عمدۀ از راه باشتغال بنوشیدنیها گذشت وقتی که بطهران رسیدیم هرمزخان خیال میکرد که نتیجه خدمات شخصی که بنا نموده این خواهد

شد که فوراً او را معاون خزانه دار کل یا رئیس عایدات مالیه خواهند کرد چندی پس از ورود که ملتفت شد اشتباه کرده و ما فادر به مراعات خیالات و آرزوهای او نیستیم ما بوس گردیده و ما بین ما متار که واقع و هر يك بخيال خود متوجه شدیم *

روز دوم ورود با مستر رسل وزیر مختار امریکا و جمع دیگر که از آن جمله ممتاز الدوله که در آن زمان وزیر مالیه ایران بود ملاقات نمودیم مشارالیه مردی عاقل و ذریک و سابقاً رئیس مجلس بوده و مثل سایر ایرانیان تربیت یافته و تحصیل نموده بود زبان فرانسه را بسیار سلیس حرف میزد و با صداقت تمام اظهار مساعدت و تأیید در پیشرفت کارهای ما کرده و اطمنان کلی میداد که همیشه اوقات برای شرکت و معاونت با ما سعی ما در نظم و ترتیب امور مالیه ایران حاضر و آماده است در این موقع ملتفت شدیم که جمع کثیری از ایرانیان با هوش و نشاط مختلفه در امور شخصی ما ظاهرأ بر سبیل استقلال و استمرار حاضر و همه آنها به انگلیسی یا فرانسه حرف میزدند بعضی از آنها تا چند هفته بر سر کار خود بودند و همواره در وقت ضرورت و لزوم برای نشریح مطالب و معاونت بطریق دیگر نیز حاضر بودند با تخیال که خودشان را قادر انظار کسانی که آمد و انتظار اصلاح امور مملکت از ایشان داشته کار آمد و کار دان جلوه دهند *

بر حسب تالی که سابقاً بین وزیر مالیه و محترم السلطنه وزیر خارجه شده بود شانزدهم مه (خاندعم جمادی الاولی ۱۳۳۹) به همراهی مستر رسل وزیر مختار برای ملاقات وزیر خارجه بوزار خارجه رفته این اولین موقع رسمی بود که رسماً (بر حسب معمول) جای صرف شد و فیکه در خیابانهای شهر سواره و در انبیه و عمارات سلطنتی پیاده عبور مینمودیم ملتفت شدیم که مردم از دیدن ما که برای اصلاح چه امری بر آنگی آمده بودیم متعجب می شدند تا حال هم معلوم نشد که کلمه امریکائی چه آری داشت و امریکائیها چه کرده بودند که باین درجه جوشش و هیجان از مات ایران دیده می شد عصر همان روز در اداره تشریفات خدمت والا حضرت ناصر الملک نائب السلطنه رسیده و ایشان رسماً معرفی شدیم من والا حضرت را شخص بسیار خلیق و مهربان با هوش و ذکاوتی یافته و اقتدار کلی در زبان انگلیسی داشتند ناصر الملک یکی از تربیت یافتگان و تحصیل کردهای «آکسفر» و هم کلاس با سرادوارد گری وزیر امور خارجه حالیه انگلستان بوده است تا در پاره دقیقه با ایشان صحبت و گفتگو کرده و در ضمن سربا این امر متوجه گردیدند (چون گفتید) که «هر وقت فراموشی داشته باشید میتوانید بدون مراعات و تصور

هیچگونه تکلفی پیش من آمده و در پیشرفت کارهای خود تان با من مذاکره و مشورت بنمائید» *

همان روز با شخصی معرفی شدم که از عزیز ترین و بهترین دوستان صحبانه صادقانه بود که امریکائیها در مدت توقفشان در ایران پیدا کرده بودند شخص مزبور ارباب کیخسرو و تاجر محترم زر دشتی بود که در خارجه تحصیل کرده و بایران مراجعت نموده بود ارباب کیخسرو با ملتیان همدمت شده و از زردشتیان ایران در دوره دوم مجلس بسمت وکالت منتخب شده بود از باب مزبور نماینده زردشتیان طهران و تاجری ملأک و حداب القلوب و محبوب عامه بوده و مهارت تالی در زبان انگلیسی داشت از آن تاریخ به بعد در مواقع انحنان و معارک خطرناک هیچ نزلتی در رأی راسخ و جرأت ثابتش راه نیافت از اول وهله که با ملاقات کردم وعده کرد که هر قدر بتواند مرا معاونت نماید از آن روز تا وقتیکه از ایران خارج شدیم هیچ وقت از اوقات شبانه روزی از پیشرفت مقاصد و اصلاحات امور ما کوتاهی نه نموده و همیشه برای حمایت ما مورین مالیه امریکائی مستعد و در مساعدت با ما از هرگونه حملات دفاع می نمود *

روز دیگر به همراهی وزیر مختار امریکا برای ملاقات شخص محترمی یعنی حضرت سپهبد اعظم که آن زمان بر مسند جلیل ریاست الوزرائی متمکن و زمام حل و عقد امور وزارت جنگ را نیز در دست داشت رفتیم ممتاز الدوله وزیر مالیه و امیر اعظم معاون وزارت جنگ نیز هر دو در آنجا حاضر بودند کسانی که قسمت مقدمه این کتابرا خوانند باشند در خواطر خواهند داشت که سپهبد اعظم که معنیش بزرگترین سردار لشکر است اقدام بزرگ نمایی در حرکت و جنبش ثانوی ملی (رولسیون) ایرانیان نموده و در تسخیر طهران و خلع شاه در ماه ژوئیه ۱۹۰۹ (بیست و چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۷) با جنود متحد ملی شریک و تا مدت قلیلی قبل از آن سپهبد ار حامی شاه و یکی از اعظم رؤسای مستبدین مقتدر بشار و در دوسه ایالت ایران املاک معتبر و دارای صد هادها بود سپهبد ار مردی بلند بالا و قدری لاغر و نازک اندام با چشمان سیاه (یعنی غیر کبود) و کوچک و عمرش بیست و سیده و علامت ببری از موهای سر و سیلش نمودار و حرکاتش شبیه برضای عصبانی و بواسطه کبر سن در افعال و اطوارش ضعف و نکس را یافته بود از قیام او جنبه بزرگترین و زیر کترین سازشها تا آثار خاتمت و سرداری بیشتر ظاهر میگشت آن شخص یکی از سرداران معروف ایران بود که نه با انگلیسی میتوانست

تکلم نماید و به فرانسه ولی معاونش که مرد بسیار شجیم و ولیم عفریت هیکی بود فرانسه را خوب میدانست و مترجم ما گشت علت اینکه من از این شخص موثرم یعنی معاون سپهبد اعظم باین احتیاط معرفی مبتنی بر این است که جنبدی بعد در زمان اقامت مادر ایران خیلی کارها از اوصاف در گشت چهار روز دیگر هم بلاعات و دبدو باز دیدن اعضاء ایرانی کابینه و وکلاء معروف صرف شد بر حسب خواهش مدیران محترم چنانکه ایرانی که در طهران بودند با ایشان ملاقات و در بین گفتگو نقشه اصلاحاتی را که در نظر داشته و بانجام و اختتام آن امید وار بودم با ایشان ارائه نمودم سپس در حمایت متفقانه مساعیه روز پنجشنبه هم چه روزنامه هائیکه در خود طهران و چه در سایر ولایات طبع و توزیع می شد واقع شدیم یکی از آثار بی ثمری عمومی طبقات ایرانیان در امور سیاسی افعال و تاثر مضحک آنها از تنقید روز نامه میباشند از نایب السطنه گرفته تا ادنی امور دولتی همواره در این خوف و بیم بودند که مجازا روز پنجشنبه با اعمال ایشان نکتة چینی نموده و ایشانرا در انظار عوام خفیف و تمسخر نمایند با اینکه بوجوب قانون مشروطیت آزادی کلی بچراغ مطبوعات داده شده بود بسیار اتفاق می افتاد که اگر اوقات وزیر داخله يك یا چند جریده طهرانرا بواسطه اینکه از امور و مقاصد دولتی تنقید می نمودند توقیف ولی چیزی نمیگذشت که مدیران دلیر و مبرم بانواع مستمسکها اجازه اشاعه روز نامه خود را گرفته و از چراند را جاری می نمودند روز نامهائی که در آلمان در طهران معتبر و محل اعتنا بود یکی روز نامه «استقلال» بود که زبان و حلیه پارسی است و بدلی مجلس بود و دیگر روز نامه «ایران نو» که طرفدار حزب دیو کرات بود ولی روزنامه دولتی بهار و پیا کترین روزنامه بود که در ایران انتشار می یافت این جریده خدمات خالص و مفید با مورین مالیه از روز ورود شان نمود *

بیست و دوم مه (بیست و دوم جمادی الاولی ۱۳۲۹) رئیس نشریات وزارت خارجه ما را با اداره جات موفقی که در دربار برای ما مرتب نموده بودند راه نمائی کرد در آنجا معاون وزیر مالیه و بعضی اعضاء سایر ادارات با ما معرفی و مقدار زیادی جای و سیگارت صرف شد هر یکی از صاحب منصبان خواهش داشتند که تا مدت مدیدی با ما سلسله ملاقات دوستانه جاری داشته باشند بدین غرض که تشکیل و نظام اداره را بعقیده خود با حسن و جود برای ما شرح و هم اظهار اطلاع و معرفت نموده و توضیح دادند که چگونه سروریات موقع و وقت را فریبیده و تلفت شده و چگونه دولت در مهیا نمودن

بول که برای گردانیدن ماشین آلات و ادارات مانند روحی است برای خود و سایر مستخدمین ادارات مستاصل شده است ممتاز الدوله وزیر مالیه بعنوان مملکت بنا معاونت نموده و تا درجه در شروع بکار مستقل شده بودیم که بیست و سوم مه (بیست و سوم جمادی الاولی ۱۳۲۹) یعنی یازده روز پس از ورودمان بخران کابینه شروع و مشار الیه مستعفی گشت جنبدی بعد معلوم شد که سپهبدار رئیس الوزرا و وزیر جنگ احساس کرده بود که وزیر مالیه در اعضاء جنگ و بیرونی دولتی به آن اندازه که ایشان متوقع ولایتی شان وزیر می دانستند اختیار و بی پروائی نداشت *

اگر چه این تبدیل کابینه که در ابتداء شروع بکار واقع شد قدری خیالات ما را درهم و بریشان کرد ولی بعد ها بالطبع به آن امور عادی مملکتی معناد شدیم * یکی از صاحب منصبان اداره مالیه که با معرفی شد مسیول کفر (M. Lecoffre) بود مشارالیه فرانسوی نژاد و تبعه انگلیس ولی عادات و جنبه فرانسویت در او غالب و مدت مدیدی در ایران اقامت داشته و در اداره مالیه بشغل عمیزی مشغول بود وقتیکه همه اعضاء اداره رفتند مسیول کفر نشسته و بن نگاه کرد و گفت «مستر شوسترا ۱۱ خیلی خوشوقت شدم که شما بایران آمدید زیرا که من و شما میتوانیم با هم مالیه این قوم را که در حالت بدی است تصفیه و اصلاح کنیم» من از خیالات اطمینان بخش مشار الیه اظهار تشکر نمودم *

مستر هیاز بواسطه ناخوشی سخت دختر کوچکش در قسطنطنیه از ما عقب مانده بود بیست و پنجم مه (بیست و پنجم جمادی الاولی ۱۳۲۹) با فامیلش وارد شد ولی بدبختانه بجزرد و ورود طفل دیگرش مریض شده و ناچار از خدمت خود مستعفی گشت دوام ژون (چهارم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) مشارالیه طهران و همراهان را در حالت ناسف گذارده و بجانب امریکا رهسپار گشت هنگام ورود ببارک التابک بانزده یا بیست نفر نوکران ایرانی زرنگ کاروان را دیدیم که شخص ایرانی مخترمیکه میبمانندار موقتی بود برای خدمات شخصی ما معین کرده تا اینکه خود مان امور شخصی خود را منظم بکنیم بعد از دو روز که امور خانه را مرتب نمودیم نوکرهای مزبور را برای انجام امور معین کردیم زیرا که ایشان با سفارش نامه های معتبر نزد ما آمده بودند بعد از چند هفته کم کم شهرت یافت که ایرانیان امریکاییها را بهائی پنداشته و میگویند که ایشان برای تنظیم امور مالیه بایران نیامده بلکه

برای ترویج و اشاعه مذهب بهائیت آمده اند (۱) * آخر کار وزیر مالیه در اعطاف توجه ما به آن مسئله مبالغه کرده و گفت «بهر آنست که شما نوکرهای موجوده خود تا آنجا تبدیل نمائید زیرا که همه ایشان مهمم به بایگاری (بهائیت) می باشند» من از آن اظهار خیلی تعجب نمودم چرا که آن خبر برای ما بسیار نازکی و غرابت داشت و هیچ وقت باین خیال مانفت نشده بودم که باید نوکرهای شخصی خود را امتحان عقیده و مذهب بکنیم خصوصاً که این حرکت برخلاف اصول و مسلك مستخدمین کشوری (ارباب قلم) امریکاست وزیر مالیه گفتیم که «امریکائیا با بی نیستند ولی من خوش ندارم که دولت و ملت ایران در عقائد مذهبی و نوکران و رنك دستمال گردن ما تصرف و مداخله بکنند و اگر دولت ایران اقدامات مهمناری برای اصلاحات مملکتی فکر نکرده بهتر است که فکر بکنند» این آخر دفعه بود که رسماً در آن باب مذاکره شد ولی این قضیه بواسطه سعادت شخصی که در صدد اخلال کارهای ما بودند روز بروز بجهت شهرت و شہوع می یافت و در چند روز نامه هم تصویرهای مضحك «کالیگا توری» ما را کشیده ولی چون اعتنائی به آن عوام نه نموده و بکار خود مشغول بودیم عوام بزودی آن قصه را فراموش کردند * در خلال آنحال از منشا آن (آتریکها) سازشانی که در تخریب امور ما شده بود مطلع شدم تقریباً هر کس که با ما ملاقات می نمود در يك موقع از مذاکره کلمه «آتریک» را استعمال میکرد مثلاً می گفتند «کاینه رضدشیا آتریک میکنند» یا «صاحب منصبان بلجیکی گمرک بر ضد امریکائیا آتریک میکنند» یا اینکه می گفتند «مستتر شوستر» این موقع بواسطه آتریکها خیلی دقیق و خطرناک است «یا ایران سرزمین آتریک و رنك (تهمت) است» من برای حفظ شئون خود مجبور شدم که بهر يك این قسم جواب بگویم که «امریکائیا در آتریک خیلی خوب نشو و نما کرده و زبردست تر و جالا کتر میباشد هر وقت آتریک روی کار بیاید خیلی خوشحال خواهند شد» اولین آتریک و سازشیکه احساس نمودم ساخته و پرداخته مسیومرنارد (M. Mornard) بود که اول مستخدم بلجیکی گمرک و بعد رئیس کل گمرکات ایران گردید این شخص در اداره گمرکی وطن خود بخدمت بسیار پستی مأمور بوده و پس

(۱) بهائیا متدین مذهبی میباشد که مسلمانها از ایشان نفرت نموده و تا چندین قبل مسلمانان متعصب ایشان را زجر و قتل مینمودند و در آنها مردمان قابل و وطن دوست یافت میشود *

معاون هموطن بدنام خود مسیونوز شده و بایران آمد مظفرالدین شاه مسیونوز را برای احداث و تشکیل اداره گمرک ایران انتخاب و جلب نموده بود ولی مشارالیه در کار خود بقسمی ترفی حیرت انگیز کرد که بزودی صاحب اقتدار و تمول بسیار و نزد دولت روس محترم گردید اول کاری که وکلا مجلس دوره اولیه کردند این بود که مظفرالدین شاه را مجبور نمودند که دهم فوریه ۱۹۰۷ (بیست و هشتم ذیحجه ۱۳۲۴) مسیونوز را بامشاغل برگ عذیده که داشت معرول و از خدماتش منفصل کرد در باره مشارالیه میگویند که اکنون در بلجیک از املاک و قصوریکه (از بولهای ایران) برای خود مرتب نموده بهره مند و محفوظ میشود همین جناب محترم بود که در چندین معامله راجعه بخرانه برای دولت ایران مراسم و پیشکاری نمود تفرقه موجوده گمرکات ایرانرا که شرح آن مفصلاً ذکر خواهد شد او تزیب داده و دو فقره استقراض از دولت روس که اکنون برای دولت ایران مورث اشکال و زحمت فوق العاده گردیده بسعی ایشان انجام گرفت *

مسیومرنارد معاون مخصوص مسیونوز و در تحت حمایت او بود وقتیکه مجلسیان مسیونوز را خارج کردند مسیومرنارد ترفی نموده و بر باست گمرک که یکی از خدمات مسیونوز بود سر بلند شد *

در هنگام ورود ما تقریباً بیست و پنج یاسی نفر بلجیکی بهراهی مسیومرنارد در تمام گمرکاتهای ایران مستخدم بودند شنیده شد که مسیومرنارد بکمک و همراهی سفارتین روس و بلجیک جهد بلیغ و سعی بینهایتی نمود که شغل خزانه داری کل را ضمیمه خدمت خود نماید ولی گویا مجلس درصدد تبدیل کلی بود وقتیکه صاحبمنصبان بلجیکی گمرک به نتیجه کوشش خود ناائل نشده و راه وصول بقصود را بروی خود مسدود یافتند بتدابیر دیگر مستمسک شده و نقشه دیگری پیش کشیدند که حتی الامکان اثرات مأموریت امریکائیا را غیر معنایه ولی نتیجه کشند *

زمان کمی از ورود ما بطهران مراسم و معامله استقراض يك ملیون و دو بیست و پنجاه هزار لیره انگلیسی از بانک شاهنشاهی ایران که در تحت کپانی انگلیس است انجام یافته و دو هفته قبل از ورود ما شروط متفق علیه قرار داد قرضه مزبور به کلی انجام یافته بود وکلا مجلس هم فی الواقع به آن استقراض راضی شده بودند ولی قبل از آنکه اقدام قطعی و تصویب نمایند چند نفر از وکلا رأی دادند که تا ورود ما تا عمل نموده و

از ما مشورت نمایند چون کابینه معامله مذکوره را تصویب نموده بود بسیار مجمله و اضطراب داشت که زود تر کار بپایان رسیده و معامله بکلی ختم شود *
 مسیو مرنارد بر حسب اشاره و ایامی بمرماه چند نفر از نوآب و طرفداران معروف روس که در خارج و داخله مجلس و کابینه بودند چندی قبل از ورود ما مسوده مواد قانونی پیشنهاد کرده بود که از آنجمله اختیار کلیه مصارف وجه آن اسقفراض موقوف برای کسبوفی مرکب از بانزده نفر که در تحت ریاست خود مسیوی مذکور باشند و جناب ایشان سردار و نقطه مرکزی آن کسبون باشند و بعد از آن تدبیر خزانه دار امریکائی که برای نظم و ترتیب امور مالیه می آید خود را در حالت تحیر و تذبذب کلی به ایند یا که در تحت اقتدار مسیو مرنارد و کسبونش که برای نظارت فرضه مزبوره تشکیل شده بود خدمت نموده و یا در جای خود نشسته و آخرین نفوذ کار آمد دولت را که مایه و قابل پیشرفت و اصلاح بی کارها نواند شد در تصرف و اختیار اجانب دیده و تماشا کند وقتی از این تفصیل مطلع شدم که آن مسوده بمجلس پیشنهاد شده است فوراً يك راپورت مختصری مبنی بر چگونگی حالت حاضره مالیه ایران نوشته و بکابینه پیشنهاد نموده و سوال کردم که آیا میل دارند حجره (رخنه) دیگری در این خانه و برانه احداث نموده و بی نظمی و هرج و مرج امور دولت را توسعه دهند؟ و يك دستور العمل ساده قانونی هم با راپورت مزبور فرستادم که چون اختیار نسخ و ابطال معامله مزبوره و رد مصارفیکه از قرارداد مزبور پیدا شده از وظایف خزانه دار کل است باید موقوف و موقوف با مضاه او باشد *

کابینه مسوده مزبوره را امضاء نموده و بمجلس فرستاد و ۳۰ مه (غرد جمادی الثانيه ۱۳۲۹) با اکثریت آراء گذشته و قانونی شد پس باینجه قبل از آنکه شروع بکار کنیم اولین کوشش عناصر اجنبیه آن آنریک که برای اشکال تراشی در پیشرفت امور و بستن دست و پای ما اتفاق نموده بودند در هم شکسته و از هم گسیخته شد و قتیکه مجلسیان نازکی حالت و اهمیت موقع را احساس نموده خیلی اظهار مسرت و خوشوقتی کردند *

در مدت اقامت در ایران تجربه برای من حاصل شد که مناسب است در این جا ذکر نمایم که چگونه مشرق زمینیان بمعاملات جزئی اهمیت میدهند از بدو ورود ما بدون اغراق صداها از اهالی ایران و اجانب مرا ملاقات نموده و بوجوب رسوم معموله مملکتی و مهمان نوازی بدیدن من آمدند ولی بسیار متعجب شدم از ملاقات جوانی که برای ملاقات من آمده و اظهار نمود که منشی (پیشکار) سردار اسعد میباشد فارغین بخاطر خواهند داشت

که سردار اسعد یکی از سرداران و خوانین بزرگ بختیاری است که در خلع شاه در سنه ۱۹۰۹ حصه و سهم کافی برای خود تحصیل نموده بود جوان مزبور گفت که «حضرت سردار اسعد در انتظار ملاقات شما میباشد و خیلی میل دارند که از شما بدینی بکنند» من گفتم که همه روزه بعد از ساعت پنج عصر در منزل خود که در بارک اتابک واقع است بوده و از ملاقات ایشان خوشوقت و محظوظ خواهم شد روز بعد رفعه بن رسید که سردار اسعد در خانه خود که واقع در کوچه بختیاریهاست ساعت شش عصر همان روز انتظار ملاقات مرا دارد روز بعد از منشی مزبور آمده و سوال نمود که چرا من حضرت معزی الیه را که «بسیار غیور و دارای شوکت و اقتدار است» منتظر گذارده و از ترفتن خود ایشانرا ملول گردانیده ام؟ من گفتم در مملکت ما این امور جزئی را اهمیت نداده و جزو رسوم اخلاقی و قوانین مهمان نوازی ندانسته و بر فرائض خود ترجیح و برتری نمیدهند از سبقت و مبادرت آن حضرت اجل در این ملاقات بسیار مسرور و محظوظ خواهم شد عصر همان روز سردار اسعد بدیدن من آمده و مذاکرات دوستانه باهم داشتیم روز دیگر برای بازدید بخانه ایشان رفته بعد معلوم شد که غرض سردار اسعد از دعوت من بخانه خود بزرگم کسانیکه مشارالیه را تحریک و تحریر نموده بودند یکی حصول عزت و زیادتی شرافت برای خود و دیگر تهتیک و تنقیص احترام و شئونات رفیب خودش یعنی سپهدار که رئیس الوزرای آلمان بود میباشد باین حال اگر سبقت بدیدن او کرده بودم بی شبهه سپهدار را دشمن قطعی خود فرار میدادم *

يك هفته پس از ورود ما یکی از ملاقاتیان ایرانی فرصتی یافته و با نهایت ادب بر رسید که «شما کی فرصت و عزم رفتن بسفارت روس دارید؟» قدری بعد از آن واقعیکه ظاهراً از طرف سفارت انگلیس آمده بود سوال فوق را نمود من جواب گفتم که از سفر دور و درازی آمده و تا يك ماه دیگر ممکن نخواهد بود که اثاث الیه (میل) خود را مرتب نمایم از آن روز به بعد هیچ روزی نمیگذشت مگر آنکه مستقیماً یا مع الواسطه خیر میرسید که سفراء در انتظار پذیرائی یعنی برای رفتن من بملاقاتشان میباشد بعد از دو هفته که مسئله مذکوره متوالیاً مذاکره و تکرار میشد بواسطه تحقیق ذیل امر متعجبکی واقع شد من تحقیق نمودم که اگر یکی از صاحب منصبان و ما مورین دولتی وارد پایتخت و مرکز شود تکلیف و وظیفه معمولی او در اینگونه امور چه خواهد بود؟ گفتند تازه واردی که از اعضاء ادارات دولتی باشد اول او در منزل خود از مردم پذیرائی میکند پس معلوم شد

که قضیه ملاقات بقسمی که پیش آمده خیلی موقع و بجا بوده اگرچه مذاکره این مسئله بسیار لغو و نامربوط بنظر می آید اما کم کم آن سوالات که (آیا ملاقات سفر میروم؟ و کی خواهم رفت؟) در صورتیکه مقصود از سفر فقط سفارتین روس و انگلیس بود اصلاً و رأساً مضمون و بیعت بزرگی شده که نه تنها دوازده تباطی دیپلوماسی اروپاییها را غرق کرده بلکه صاحب منصبان ایرانی را هم فرا گرفته بود *

من از سر گذشت اسف انگیز مسیو بیژ و که داکنر (عالم متبحر) معروف مالیه فرانسه بود مطلع شدم که دو سال قبل از ما بطهران آمده و چون دیپلماتهای روس و انگلیس و سایر دول اجنبیه را مردمان مهمان نواز جذاب القلوبی که همیشه برای مشورت و راهنمایی حاضر و آماده اند شناخته بود بقسمی در مصاحبت و ندیمی ایشان حاضر و فریفته و از ضیافتهاییکه سفره برای احترام وی مینمودند مفتون و مدهوش گردیده بود که آن کار جزئی را که برای آن بایران آمده (یعنی نظم و ترتیب امور مالیه ایران) بکلی فراموش و گمان کرد که فقط برای نوشیدن چای و بازی کتجنفه و سواری و هواخوری کردن برای حفظ الصحه بایران آمده است وقتی از خواب غفلت بیدار و بحیال اصلاح امور لازمه تکلیفیه خود افتاد که ملتفت شده و دانست که بحاجت او را هم از زمره بلجیکهای سابق پنداشته و بدید که برای اصلاح اموری که راجع و متعلق بمعاونت ایرانیان و وظیفه او میباشد مراجعت بوطن عزیز خود یعنی فرانسه انساب و اولی است خلاصه مسیو بیژ در هر حالت نسامح و تعال ماهرانه کاملی در اصلاح امور مالیه نمود پس از اختتام دو سال دوره مأموریتش بدوای ایران که بسیار صبور و نسبت با جانب زود باور و خوش عقیده بود وصیتی نمود وصیت مزبور عبارت از یک راپورت سی صفحه بود که بزبان فصیح و سلیس فرانسه با «تیب» (مادین خط نویسی) نوشته (طبع کرده) و رأی خود را ظاهر نموده بود که هر کس بجای مشار الیه منصوب شود باید چه قسم قوانین در تجدید و تشکیل امور مالیه اختیار کند مسیوی موصوف در مدت اقامت در طهران صحت و استقامت جسمانی بسیار نرغی کرده و پس از مراجعت بیاریس ثانیاً بمخدمت دولتی سابق خود برقرار ولی اداره مالیه ایران بهمان حالت بی نظمی و تزلزل سابقه باقی ماند *

آخر الامر والا حضرت نایب السلطنه در موتی بین گفتگو پرسیدند که «آیا برای ملاقات سفارتین روس و انگلیس خواهید رفت؟» چون خیال مذاکره و شرح و بسط آن بیعت نازک را نداشتم بطریقه مشرق زمینان جواب دادم که بحال مشغول نظم و

ترتیب اثاث البیت و به امور خانه خود بسیار گرفتار و بنوشتن و تدوین قانون اصول مالیات مشغولم که بکابینه و مجلس پیش نهاد تمام بعد از همه آنها در یکی از جلسات کابینه که اکثر اوقات مدعو می شدم وزیر امور خارجه ایران که شخص شمینی بود و محشم السلطنه لقب داشت در حضور اعضاء کابینه با کمال متانت و معقولیت این صحبت را بمیان آورد «نمایندگان دول اجنبیه مقیم طهران نمیدانند چرا شما بلافاصلان زفته اید و خیلی متعجبم که آیا سبب آن چیست؟ و نیز گفت بلجیکها و فرانسویها و سایر اجانب که برای ملازمت به ایران آمده اند همیشه ملاقات سفرارفته و اینگونه ملاقاتها را موجب از دیدار احترام و قدر و منزلت خود می شارند دیپلماتها نمیتوانند ملتفت شوند که امر بکابینه چرا رعایت این نکته را نمینمایند» من در جواب گفتم «عالی حضرتان! در این سوال بیجیده دقیق نکته و حکمتهای بسیاری است قبل از اینکه نکات مزبوره را بیان نمایم میخواهم سئوالی بکنم که آیا من صاحب منصب و مأمور دولت ایران نیستم؟ اگر هستم آیا نباید برسوم و قوانین معموله عمل نمایم؟» *

بعد قدری در آن باب بحث و مذاکره شد تا اعضاء کابینه راضی شده تصدیق و اظهار نمودند که بهیچ قسم و عنوان مجبور نمیشاید که سبقت و مبادرت در این ملاقات نمایند زیرا که حقیقه این سبقت و پیشدستی در ملاقات بر خلاف رسوم معموله مملکتست اعضاء کابینه از آن خیال و اظهار من مسرور شده و تعجب کردند که چگونه یک نفر اجنبی این طور با خلوص صداقت خود را از اعضاء دولت ما دانسته نه مثل سایرین که فقط بلاحفظه منافع شخصی مراعات این نکات را فراموش می نمایند *

اکنون که آن مذاکرات را بخاطر می آورم بیشتر محفوظ و خوشوقت میگردم و فیکه وزیر مختارهای روس و انگلیس ملتفت شدند که خیال پیشنهاد کردن قانونی برای اجراء مجلس دارم هوا خواهان و کسانیکه در تحت حمایت و عاطفت دولت روس بودند علانیه و صراحتاً تهدید کردند که قانون مرا کشته (یعنی بواسطه مخالفت و ضدیت نکلی بی اثر و بی نتیجه کرده) و یا اقلاً ضعیف و خنثی خواهند نمود ولی زود ملتفت شده و دانستند که غالب و کلاه در ظرف سه هفته معاشرت با ما بدرجه مساعدت در پیشنهاد ها و اعتماد باظهارات ما نموده اند که باعث مزید حیرت و تعجب دیپلماتها گردید مشاهده آن حالت برای دیپلماتهای مزبوره منظره بسیار هولناک و وحشت انگیزی بود که یکفر اجنبی که بالنسبه بابشان اجنبیت نامه دارد بدون اینکه اول زمین ادب ایشانرا برسیده باشد

چگونه با کمال اقتدار راه رفته و کار میکنند اگر اقدام بیک ملاقات چند دقیقه کرده و با
 اقلاً «کارت ویزیت» گوشه تا کرده خود را فرستاده بودم سازها کولک و رقصها شروع
 شده و از چهار سمت «دینر» ها (دعوت شام) بود که مثل باران بر سر ما باریده و باز
 دیدها بود که متوالی بعمل آمده و دیبلهای حسن اخلاقی بین داده میشد که برای زهدت
 هوای دوائر دیپلوماسی مشرفیه قابل و لایق بوده و نتیجه این میشد که قانون من از مجلس
 نگذشته و باقی مدت ما موریت ایران خود را صرف بازی تینس و گنجه می نمودم *

در خلال این حال و از یجهای فوق ایرانیها کلی بکار و معطل نمانده و از خواب بیدار
 شده و چند مرتبه چشمهای خود را بهم مالیده و حواس خود را تیز (جمع) کرده و میگفتند
 که «فرنگی با ما هست که انشاء الله احکام سفارتخانههای اجانب را متابعت نکرده و فرامین
 آنرا اطاعت نمی کنند بیائید تا معاونتش نمایم» *

در مشرق زمین افواهاات وار آجیف کفشهای هفت فرسخی دارد (یعنی اخباری اصل
 بسیار زود انتشار می یابد) سیزدهم ژون (پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۳۹) یعنی یکماه تمام
 پس از ورود ما و کلاً متفقاً قانون را تصویب و تنفیذ نمودند که اقتدار کلی در اصلاح
 امور مالیه از آن قانون برای ما حاصل گشت و با شوق و امیدواری تمام برای شروع بکار
 خود حاضر شدیم *

چنانچه اکنون معلوم میشود من خیال داشتم که بعد از تصفیه و ترتیب امور لازمه
 مثل اعلاز رسمی دولت در تعیین امور و مراتب خدمات دولتی در یک از ماهها ملاقات
 دیپلوماتهای اجانب برویم ولی آن دیپلوماتهای محترم از روز اول ورود ما بطوری
 هیاهو و مهمه کرده و نزل و نرزد در تمام دوائر افکند و بدرجه توجه عوام را بطرف این
 امر جلب نموده و مسئله مزبوره را بطوری بنفله نازک و دقیق رسانیدند که اگر آنوقت
 به آن امر راضی شده بودم آنوقع و اهمیت آخری را که برای حصول اعتماد و اعتبار ملت
 ایران که (خیلی گول خورده و شک زده بود) نسبت بخود تحصیل نموده بودم از دست
 داده و در افتدارات راجعه بوضع قانون و انتظار و امیدواری که ایرانیان بجاسعی من در
 اصلاحات داشتند نقصان کلی راه مییافت قبل از آنیکه يك سندی را در خانه خویش
 برای نشستن بجای خود بگذارم طوری آنتریکهای دیپلوماسی ساده خودشان را جلو
 راه مقصود من افکندند که اگر مغلوب آن آنتریکها شده و تن در داده بودم بواسطه آن
 عمل جزئی همردی حقیقی و معاونت ایرانیان را از دست میدادم و چنانچه از رفتن در

آندام که از سابق برای ما ساخته و گسترده شده بود نحاشی و امتناع نمیورزیدیم جرم
 و الزام بزرگی بر این خود نایب می نمودیم یعنی بواسطه آن نحاشی نسبت قصوری در ذکاوت
 و مال اندیشی ما راه مییافت *

اگر مطالعه کنندگان به پیش آمدهای مزبوره بخندند اجازه خواهند داشت زیرا
 که خنده ایشان مربوط بمصنف نبوده و تأثیری در او ننوده بلکه خود مصنفم خواهد
 خندید این قضیه کوچکرا هم برای اظهار جوهر اصلی و روح ذاتی که در بعضی نقاط
 طهران سزایت کرده بود درج میکنم چندی بعد یعنی تا مادامیکه مادر طهران بودیم
 آنتریکهای بی درین بود که لا تعد و لا تحص جلوراه مقصود مامی افکندند که همه برای
 بد نما کردن صداقت و تکذیب نوشته جات و تدابیر اشخاصی بود که انکار کرده بودند از
 اینکه آله اجرای مقاصد بولیگی دیپلوماسیهای اجانب بشوند *

اول ژون (سوم جمادی الثانیه ۱۳۳۹) سپیدار اعظم در پارک خود در طهران که
 خیلی با روح و خوش منظر بود مجلس دعوت «گاردن پارکی» (عصرانه در باغ) تشکیل
 داد معلوم و همین بود که یکی از مقاصد آن مجلس و مهمانی تلافی و تصادف (یعنی معرفی)
 امریکائیها با هیئت دیپلوماسی اجانب مقیم طهران بود خوب در خاطر دارم که وقت عصری
 که هوا هم قدری گرم بود با ژون خود سواره چگونه از خیابانهای گرد آلود بطرف پارک
 سپیدار حرکت نمودیم در بین راه محازی در سفارت انگلیس رسیدیم وزیر مختار محترم
 انگلیس را دیدیم که با خاتمش سوار و به همراهی سوارهای نیزه دار هندی از سفارت بیرون
 آمده و از ما گذشته پیشا پیش ما رفتند این اول مرتبه بود که سر جارج بارکلی
 (Sir George Barclay) را دیدیم و فتنیکه پیاغ رسیدیم هوای تازه خنک میوزید
 و فو رهای فشنک در هر طرف جستن نموده و رقاصی (یعنی در گردش و چرخ خوردن
 بودند) می کردند از راه پر لیج و خمی که از دو طرف آن گلها و درختهای منظم بود
 بخیمه (چادر) بندیزی رسیدیم موزیک دولتی هم در عقب آن خیمه در نوازش بود *

و فتنیکه مقابل چادر رسیدیم میزبان و جمعی از استقبال کنندگان را ملاقات نمودیم بعد
 از آن بحلیکه خیلی تنگ و خفه و مخصوص بدائره زنان و مردان اروپائی بود ما را رهبری کردند
 در حالیکه همه آنها بحالت و هیئت بی اعتنائی و شناختگی عمدهی سنگ صفت نشسته و بما
 که بعقیده خودشان مہمان نا خوانده بودیم خیره خیره نظر میکردند اگر چه پردهای چادر از
 سه سمت بسته و هوا جریان نداشت با آن حال احساس برودت هوای از مهر سردی

آنها میشد ما یعنی من وزتم و مسنر مکاسکی و زنش که همراه ما بدان محل آمده بودند در مرکز و وسط آن جمعیت ایستاده بودیم وقتی که آنخالت را مشاهده نمودم آهسته بگوش همراهان گفتم باید چنین تصور نمود که ما چهار نفر در صحرائی باهم مشغول صحبت و گفگویی باشیم خیالات و اقدامات سپیدار و محتمس السلطنه وزیر خارجه که رئیس تشریفات آن مجلس بود برای ایشان اسباب زحمت زیاد شده بود آنها میخواستند اجفای تقیضین نمود و عناصر مختلفه اجنبیه را یکجا جمع کنند ولی در آغاز فکر نکرده بودند که اول باید کدام کسی را بکدام کس معرفی نمود بعد از تأمل بسیار بهمین بکر میگفتند «خیر انشاء الله» اینگونه امور از قوه ایشان خارج بود *

ما همانجا ایستاده و با کمال تعجب و حیرت به نمونه و طرز کلاههای دراز مختلف که بسبب (مد) قدیم بود و اعضاء دلیر و شجاع سفارت خانها بسر گذارده بودند نظر نموده و توصیف آنها را میکردیم اکثر آنها غریب و نادر و چند نمره از سرشان بزرگتر بود تا مدتی در تعجب و تعجب از وضع آن کلاهها بوده و فکر میکردیم که جوانان انگلیسی چرا این قسم کلاههای بلند استوانه را بسر میکنند و اگر کوشایشان ممانعت نمی نمود سر و صورتشان در زیر آن کلاهها پوشیده میشد بعد ملاحظت شدیم که کلاههای مزبوره اسلحه اخلاقست که در طهران کیاب و عزیز الوجود میباشد (۱) چون حمل و نقل آن کلاهها از بالای کوه البرز کار مشکل بنظرشان می آمد دیپلوماتهای پست زیر دست آنها را از متر و کات رسی پیدا داشته یعنی از ما مورین سلف بر سیل ارث یا یادگار برای اخلاقشان باقی مانده بود معلوم میشود که ما مورین سابق بمرض (Megaloc phalia) استسقای سر یعنی بزرگی کلا که مرض معروفیت میتلا بودند (۲) تا ده دقیقه بدون اظهار کسالت و عجز بهان حال ایستاده و وقت خود را صرف نمودیم ولی بزودی آنخالت مانند یخ شروع به تحلیل رفتن گذارده یعنی مهانها بیشتر شده و بنای آمیزش را با یکدیگر گذارده و چند نفر از دوستان ما هم رسیدند مسنر میکاسکی بن اطلاع داد که سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس با او معرفی شده و خیلی میل دارد که با من هم معرفی بشود من هم در این

(۱) مناسبت توصیف کلاههای مزبوره با سلحه اخلاقی شاید این باشد که چشمهای کشاده خود را در زیر آن کلاهها پنهان نموده و خود را بنظر مردم با حیا و قدن جلوه میدادند *

اشتیاق و میل بودم بعد از ملاقات: در اثنا می گفتم و فتنه رشته سخن بطرف حالت حاضره مالیه و وضع کار و امید اصلاحات منتهی شده بود شخص محترم خوش سیمایرا دیدیم که از تردّد و اضطرابی که از بشره اش هویدا بود تأثیری در دل من پیدا کردید که باید آن عالیحضرت محترم شخص دیپلمات جلیل القدر بزرگی باشد تا مدتی نیز تیز بسر جارج نگاه میکرد وقتی که نظر او با چشمهای سر جارج دو چار و مصادف شد اشاره نمائینی کرده و چشمکی زد بعد از آن سر جارج گفت «عزیزم مسیو» (تریزر جنرال) (خزانه دار کل) آیا با ایم یا کلیوسکی کریل (M. Poklewski Koziel) وزیر مختار روس که مرد بسیار خوبی است ملاقات کرده آید؟ «من اظهار تأسف نمودم که تا بحال از این عزت و شرافت محروم میباشم سر جارج گفت «شاید از همین جا بگذرد من شما را با او معرفی خواهم کرد» بعد معلوم شد همان شخص محترمی که مضطربانه بفاصله دشت قدم از من دور ایستاده مسیوی معزی الیه بود در آن وقت مسیو یا کلیوسکی مشغول گردش و قدم زدن بود و چوب دستی (تعلیمی) خود را جرخ داده و جمعیت را تماشا میکرد بهمین حال از جلو ما گذشت و قتی که نزدیک سر جارج رسید سر جارج بازوی خود را بیازوی او زد بواسطه این اتفاق عمدی باهم دو چار شده و بدون وقوع هیچگونه تزلزلی در موازنه امور پلتیکی باهم ملاقی شدیم وزیر مختار فرانسه هم در آن محل حاضر بود ولی بواسطه فوت شدن وقت و عدم فرصت یا انصراف رائی که برای مشارالیه حاصل گشت دیگر در تمام مدتی که در طهران بودم بشرف و مسرت ملاقات ایشان نائل نشدم *

سر جارج بارکلی و مسیو یا کلیوسکی را در آن وقت و در هر موقع ملاقات دیگر خیلی خوش طبع و خوش محضر و با تریب یافتیم ولی بواسطه تکالیف رسمی سنگینشان در طهران اثر انقباضی از بشره ایشان هویدا و فرائض و وظائف آنان بالنسبه بطبعشان اکثر تا ملایم و نا هموار بود *

باید مردم در اکثر اوقات بین حالت شخصی و دیپلماتی امتیاز داده و فرق بگذارند یعنی ما مورین محترم گاهی خوش صحبت و خوش مذاق و بعضی اوقات در موقعیکه تحت احکام دول خود اقدامات رسمی میکنند دیپلماتی و «سور» (سخت گیر) میشوند اگر این قسم نکنند امور درهم و برهم و مرج شده و بی اعتدالی بزرگی در کارها واقع خواهد شد از برای بعضی دول کم اتفاق میافتد که برای نمایندگان و ما مورین خود

در مالک اجنبیه خصوصاً در مشرق احکام و دستور العمل جزئیات را بفرستند که چنین و چنان باید کرد یا حتی فلان امر باید انجام داده شود و صاحب منصبان و مأمورینی هم که در مرکز دولت متبوعه خود بوده و زمام حل و عقد روابط اجانب در دستشان میباشد بحالت الم انکیزی که از اثر و نتیجه احکامشان بظهور پیوسته اعتنا و توجهی نمیکند *

یکی از اولین مسائل مالیه که رأی مرا در آن برسیدند این بود که اداره نمکرا که یکسال است تشکیل شده باید جاری و برقرار داشت با اینکه باید نسخ و منقوض شود ملتهم خیلی شاکمی و ناراضی بودند بعد از تفتیش و تحقیق معلوم شد که عایدات و قیمت ششصد « پوند » انگلیسی (که معادل یکمخروار ایران است) نمکی که از معادن مملکتی استخراج میشد شصت و چهار فران که معادل با پنج دالر و هفت دهم دالر است میباشد در صورتیکه گمرک همان مقدار نمکیکه از خارج بداخله ایران حمل و وارد می شد یک یا زده دالر (قریب به نصد دینار ایران) بود و باینجهت کسانیکه قبل از انحصار مزبور استخراج کرده و می فروختند و هم اشخاصیکه در دهات و قرا وسط ایران سکونت داشته طرف ظلم و بی انصافی بسیار واقع می شدند علاوه بر این در مدت یکسال از قانون زر خیز و کج باد آور مزبور مبلغ جزئی یعنی قریب چهل و دو هزار تومان که تقریباً معادل با سی و هفت هزار دالر میباشد عاید دولت گشته و مبلغیکه از مات گرفته شده بود دو بیست و نه هزار تومان و فاضل مبلغ مزبور بی تناسب بمصرف مخارج اجزاء رسیده بود از همه گذشته بر حسب تعرفه گمرک نباید هیچ قسم گمرکی تعلق باجناس و اتمعه داخلی بگیرد بلاحفظات فوق فوراً رأی به نسخ قانون مزبور دادم زیرا که صلاح و بهبودی مات در آن منصور نبود و مجلس هم رأی مرا تصویب نمود *

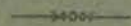
از آن تغییر جزئی اثر مشروطیت در قلوب اهالی محکمتر گردید و حال آنکه بواسطه قانون انحصار مزبور در معرض خطر و ضرر بود و هیچکس از آن انحصار بجز اجزاء و مأمورین آن اداره که از پیشرفت قانون مزبور فرجه شده بودند منتفع نمی شد (چون این بنده یکی از مأمورین اداره مزبوره بوده و از اول انحصار تا آخر انقراض در شعبه قصبه گروس بسخت تفتیش مستخدم بوده لازم دانستم که بجعلی از اطلاعات خود را بعرض قارئین محترم برسانم تا از حقیقت امر واقف و مستحضر گرداند * اگر چه ممکن است پس از ملاحظه شرح ذیل بمناسبت استخدام اداره مزبوره نسبت

طرفداری بین داده شود ولی چندان مرفق و تأخیری در من نخواهد کرد اولاً عایدات شعبه گروس را که اطلاع کامل از آن دارم اگر صدر نسبت فرار دهیم عایدات یکساله تمام شعب باضعاف مضاعف بیشتر از مبلغ مذکور باید شده باشد زیرا که تقریباً عایدات شش ماهه شعبه اداره نمک گروس یعنی پس از گذشتن چهار ماه از ابتدای انحصار که در گروس شروع بفروش و قانون مزبور مجرا شد و قبل از اینکه راه مکاربان و مشتریان نمک بواسطه سرما و برف تا زمان انقراض اداره مسدود شود عایدات شعبه گروس بتمنای پس از وضع مواجب اجزاء و مخارج مسافرت و بنای عمارت و خریدن ملزومات اساسی و مخارج فوق العاده عملیات استخراج و غیره بین پانزده الی بیست هزار تومان شد چون فروش عمده این معدن منحصر با هل جاف و بعضی از عشایر اگراد و مقدار نا قابلی هم به اهالی قرا گروس بوده و علاوه حرکت و ذهاب و ایاب اگراد هم منحصر به چهار پنج ماه موسم گرما بوده این مقدار قلیل شد ولی در سایر معادن که اینگونه موانع را نداشته خصوصاً معادنی که مجاور مرکز یا شهرهای بزرگ معروف بوده و در تمام مدت انحصار مشغول کار بوده اند بطور حتم عمل کردشان باید خیلی بیشتر از این شده باشد تا بیا بواسطه ارزان بودن قیمت نمک و امیدوار نبودن رعایا با اجرا و نفوذ آن قانون و انتظار القراض آن یا از سابق نمک ذخیره داشته و با کمال امساک امروز را بفردا رسانیده و با کمال عسرت و مشقت تلف شدن احشامشانرا از بی نمکی ترجیح بر اطاعت از قوانین دولتی میدادند چنانچه اغلب عشائر مزبوره به همین ملاحظه در اولین طلوع سالار الدوله بدون هیچ خوف و اجبار مشارالیه گردیده و علناً بنای مخالفت و یا غیرگی با دولت گذاردند اهالی گروس می گفتند فروش آن سال از حیث وزن یک بیست و پنجم سالهای قبل نبوده ثالثاً مخارج فوق العاده که در آن سال یعنی در ابتدای انحصار به تمام دوائر و شعب ولایات تحمیل شد منحصر بیک مرتبه بود مثل مخارج فوق العاده مسافرت و اعزام مأمورین با طرف و بنای ابنیه و عمارات لازمه در هر معدن و محمل و مخارج اساسیه و غیره که در سنوات بعد نمیبود علاوه بر اینها انقراض و نسخ اداره نمکرا اهالی گروس و اگراد آثار مشروطیت ندانسته بلکه نتیجه متابعت سالار الدوله تصور میکردند که رعایا را از دادن مالیات جدید معادن نمک نقاط متصرفه خود معاف کرده بود و اظهار مسرت از نفوذ خود پسندانه وی مینمودند ولی دو امر مسلم بود و محل انکار نیست یکی قصور و عدم دقت در انتخاب مأمورین امین و انحصار خدمات بزرگ مرکز و شعب را بسلسله جلیله

شاهزادگان با حقوق بی تناسب فوق العاده چنانچه شنیده شد که میگفتند « اداره نك طعام و طعام خوان شاهزادگان شده » و دیگر راهبرتهای سرسری بی خبران را که فقط برای اظهار اطلاع گفته محل اعتنا فرار دادن در هر صورت بعقیده شخصی خود من اگر اداره مزبوره تا کنون جاری و بتدریج رفع موانع و اشکالات را نموده و احتیاجات نامه نامه را بطرف خود جلب میکردند بطور حتم عایدات سالانه این اوقات بالغ بر چندین کرور تومان می شد * مترجم)



باب دوم



در شرح حالات سیاسی و چگونگی امور مالیه ایران که ماها دیدیم اقتدارات نایب السلطنه و کابینه و مجلس مسلك و طریقه دولت و وسائل وصول مالیات قروض داخلی دولت استقرضات از اجانب *

از روز اول که ما وارد طهران شدیم همواره ما را متنبه نمودند که هیچوقت نخواهند گذارد در باره ایران کار صحیحی نکنیم مستشاران و صاحب منصبان اجنبیه دیگر هم که بطهران آمده وساعی بودند که اصلاحات عملی کنند از همان اول مجبور شدند که با ایران را ترك و بدو رفتند و یا بطرفداری و حمایت « کسان دیگر » که بر ضد اصلاحات بوده بودند و برای ما هم همین را انبساط میدادند که با آن اعیان مقتدر صلح آمیزی اختیار نکنیم مراد از « کسان دیگر » که زود ملتفت شدیم صاحب منصبان و اعضاء دولتی مغتن و مقصد ایرانی بودند یعنی بقیه السیف و اخلاف دوره استبداد که بر ضد شرف مشروطه بوده و در زمان حکومت سابقه استبدادیه مصدر خدمات بزرگ و صاحب ثمن و اقتدار کشته و به تربیت و تحصیل اروپائی هم آراسته و بیروسته بودند و همه ایشان این نکته را بخوبی ملتفت شده و مراعات می نمودند که سلامتی و سهولت پیشرفت امور شان در این میباشد که آله کار و هوا خواه دولت روس شده و در تحت حمایت دولت مذکوره و آثار

و نفوذ قویه اش اغراض شخصی خود را مجرا نمایند این شقی را انبساط و اولی میدانستند از حمایت ابناء وطن خود که با کمال نواقص بی تجربه کنی و جهالت در اصول و اصطلاحات دولت مشروطه (که بمقاصد شان ضرر بزرگ میرسانید) دلیرانه و متهورانه دست و بازده و کوشش مینمودند *

این مسئله اول مطرح مزاج و تسخیر دواثر دیپلوماسی طهران شده بود که امریکائیها بیشتر از سه ماه در ایران نخواهند ماند خانم یکی از وزیر مختارهای محترم گفته بود که « بگماه دیگر امریکائیها را در راه انزلی مراجعت کنان خواهیم دید » هر قسم سعی بلیغی که در تصفیه و اصلاح امور مالیه ایران بعمل می آمد بیشتر اسباب مخمکه میشد *

در هنگام مسافرت بایران پنج روز در قسطنطنیه (اسلامبول) توقف کردیم جمع کثیری از مهاجرین ایرانی در آن شهر سکونت داشتند شهر مزبور پایتخت مملکت عثمانی و با طهران همیشه طرف مکاتبه و معامله می باشد در آنجا ایرانیان بسیاری را ملاقات کردیم که تازه از وطن خود مهاجرت نمود و بعضی از ایشان را بسبب امور بانکی نئی بلد کرده و با خود فرار نموده بودند از آنجمله نقی زاده بود که معروف ترین و کیل مشروطه خواهان تبریز بود مشارالیه بملاقات من آمده و نامدقی در باب بی نظمی و مشکلات امور ایران گفتگو نمود جماعت دیگری که خدمات نمایان در حرکت روسیه و وطن برستانه ایران نموده بودند نیز بملاقات من آمده و بیشتر ایشان تجار و علماء و اعضاء ادارت دیپلوماسی اجانب بودند این اولین مرتبه بود که از حالات رانجه و معموله ایران اطلاع عمیقی حاصل نموده و اعتراف کردم که حالات و پیش آمدهای آینده ایران اطمینان بخش نبوده و آن منظره ها شخص را مرعوب می نماید *

ایشان از بسیاری از امور ایران از آنتریکهای اجانب گرفته تا خبرهای شخصی و احوال مخاطرات جانی مرا آگاه نمودند در نصاب مختلفه که بن نمودند متفق علیه همه صراحت این بود که مجلس یا پارلمان سبب و علت تحریک و ترقی ایران بوده و بواسطه قانون و شهرت ایشان آثار و علائم ملیت و قومیتشان ثابت می شود دوستان و ملاقات کنندگان بما گفتند « اگر اطمینان و حسن عقیده و کلا را بطرف خود جلب نمائید گویا نصف کار شما انجام گرفته باشد و اگر به تحصیل رضایت و معاونت آنان موفق نیامدید بهتر است که از نتایج مساعی خود نان دست شسته و از اقداماتی که برای تحصیل و تکمیل نتایج میکنید صرف نظر نمائید » *

بسیاری نگذشت که درینم چه قدر بیانات ایشان درست و صحیح بود غفلت عمدی (تجاهل) از اثرات و نتایج آن دستور العلیا مانند سنگی جلوراه مستشاران اجنبیه بود که بایشان مصادف شده و همواره کشتی خدمات آنها را ریزش میکرد یعنی هر یکی از مستخدمین اجنبیه ایران که مراعات نکات و دستور العملهای فوق را نکرده و با غفلت می نمود اقداماتش بکلی بیحاصل و باعث سلب اعتبار مردم از اومی شد) اما در حصول و جلب اعتبار و محرمیت با مخفی ترین دوائر دیپلوماسی اجانب در طهران برای هر یک از مستشاران هیچگونه اشکالی در پیش نه بود و آن محرمیت بسیار واضح و دلغریب و برابگان دعوت و ترغیب می نمود اما اگر با چند تن از نمایندگان بعضی دول اجنبیه دوستی و خلوص ظاهری بدان قسم محکم و استوار میگردد این گونه حالات و سرنوشت مستشاران در آتیه در دفتریکه راجع با اعتماد و اطمینان مجلس یا پارلی و وطن پرستان بود ثبت می شد یعنی اطمینان مجلس یا احزاب ملی نسبت بایشان خاتمه می یافت *

در آن زمان دوائر دیپلوماتی طهران عبارت بود از وزیر مختارهای روس و انگلیس و سفیر عثمانی که هر سه بر نطفه پاتیکی مشغول بازی بودند سایر نمایندگان محترم و وظیفه شان بیش از این نبود که جماعتی از هموطنان و اتباع خود را که از دولت ورشکسته و بی پول ایران مواجب و وظیفه میگرفتند حمایت و نگهداری کنند اغلب آن موظفین بمناصب و القاب عالیه محترم و سرفراز بودند در ایران کمتر کسی بود که منصبش از «کرلی» (سرهنگی) کنار باشد و بستر از این منصب را امر عجیب و غریبی بشمارند مثلاً یک شخص ایتالیائی معروفی که مناسبت مختصر و بستگی موهومی با اداره جنگ ایران داشت خیلی خوش وقت می شد که خود را از پیش خود بمنصب «جنرالی» (سرتیپی) ترفی داده و خود را در زمره سرتیپان بشارت بیاورد *

این تصنیف در صدد بیان جغرافیائی ایران نیست و از وضع زندگانی و طرز عادات و اخلاق ملی مرکز تمدن مشرق نیز سخن نمیزاند لکن اگر ذکر این بک فقره را ترک نمایم بسیار ظالم خواهد بود بدون اینکه از مصنفین و مؤسسين مضمون کو که همیشه اروپائیهای طهران را (خوشامد) گفته و وجود آنان را بواسطه آراء سخیفه و بی حقیقت خود زنده نگاه می داشتند اعتراف و تمجید (خوشامد) بگویم خوبست وجداناتا تصور شود دولتیکه به تعجیل تمام رویزوال میرود در میان این خرابه متزائل جماعتی رنگارنگ بودند مثل صاحب منصبان بلجیکی کمربند ژاندار مری ایتالیائی «سرجنتها» (صاحب منصبان

پست) توپخانه آلمانی علما و منجربین و معلمین و مستشاران فرانسوی مشافان نظامی اطریشی منشیان انگلیس بانک مصاحبان و ندیمان عثمانی و از منی درباریا آخر همه ولی بررکترو با اهمیتتر عده کثیری از صاحبمنصبان و مشافان روسی فزاقها که در صورت ظاهر فقط مشاق ولی در هر گوشه و کنار متفرق و پراکنده بودند این اخلاط مختلفه روزانه بشغل شخصی خود مشغول بوده و ضمناً دولت شاهنشاهی ایران را بطرف نکبت و افلاس بانضمام حرکت بک پهلوی مخفیانه محالانه بطرف مقاصد و اغراض شخصی و پاتیکی خودشان حرکت و تکان محکی میدادند و ورود این بکشت امریکائیهای بد بخت بسر زمین ایران نمایندگان خوش منظر و تماشای خوش مزه بود برای آقایان محترم حتی خواتین معظمه سفارتخانههای اجانب که با کمال امنیت و راحتی مشغول تماشا بودند باین ملاحظه که بسیار غرابت داشت که ایشان یعنی امریکائیان بتوانند در تحت احکام و اوامر دولت ایران بادی وظائف و تکالیف خود مشغول باشند آخر کار از ترس اینکه میباید لذت و نزاکت آن منظره کم شود ده یازده نفر سویدی را بر فهرست مستخدمین و مشافان نظامی افزودند که محل حقوق و مواجب آنها از مالیاتی بود که از رعایای ایالات اخذ و جمع می شد *

چند هفته قبل از آنکه مجلس قانون سیزدهم ژون ما را تصویب نماید در صدد تفتحص و تجسس و اطلاع کامل از حالت مالیه ایران بر آمدیم *

کتابچه دستور العملی از مسیو مورارد در کرب بود ولی دسترسی به آن از قدرت ما خارج و غیر ممکن بود که آن را پورتهای را تحصیل نماییم و هیچ کس هم داوطلب بدست آوردن آنها نشده و خودشان هم بطریب خاطر بطور یقین نمیدادند در شعبهای دیگر وزارت مالیه هم نوشتهجات و «استاتستیک» (موازنات) مرتبی که حقیقی داشته و بشود چیزی از آنها فهمید نبود بجز میز و صندلیها که بزبان فصیح مانند آقایان محترم و حلیم ایرانی ساکت و صامت بیان حال خود را می نمودند همان آقایانی که در اداره مالیه فرضی و تقدیری و وطنشان مشغول ریاست بودند *

من میتوانم بگویم که مالیات ایران در سورنیکه کسی بتواند مفهوم یا وجود خارجی برای بیچیدکی فرض نماید خیلی درهم و پیچیده بود اگر کسی میخواست آنرا به بیچاند خامض و مشکلترا میشد خلاصه و مختصر این است که ایران هیچ مالیاتی معینی متعارفی نداشت در وزارت مالیه مذکورده جمعی از صاحبمنصبان و آقایان ایرانی بودند که هر

يك بردگري پيشی و سبقت جسته و بیشتر اوقات بی در پی تغییر و تبدیلی می یافتند در بیان و مهارت و توصیف ادعای اطلاعاتشان همین بس که تمام ثروت و نفوذ خود را صرف کرده و محتاج این بودند که چاله و کودال افلاکشان را پر کرده و بتوانند کپسهای خود را از مرض نپي بودن رهائی دهند آنوزارات مالیه حقیقه هشت اجزای بد شکل بنام نوبنی در تحت ریاست صاحب منصبان طبقه یست شعبهای مختلفه بود که آن شعب و دوائر منوط و مربوط با اطلاعات و نگارنی ایشان بوده و برای منفعت رسانیدن و خدمت بدولت از راه عایدات داخلی که آنرا مالیات نامیده و همچو شهرت داشت حاضر میشدند در دوائر مالیه هیچ تحصیل کرده و دیوانه گرفته « کلاس سویل سرویس » وجود نداشته و امتحان و محکمی نیز برای قابلیت و لیاقت در کار بود (۱) و وزرای از منته مختلفه سابقه مالیه خدمات و مشاغل اینوزارت خانه را یکسانی میدادند که نفوذ خاندانی یا کفایت و مهارت شخصی برای انجام آن خدمات داشتند هیچ صاحب منصبی نمیتوانست بقیمن کرده و مطمئن شود که تا روز دیگر بشغل و خدمت خود باقی و برقرار خواهد بود (حالت حقیقی و تصویر خیالات همه اجزاء را این مصراع تشریح می نماید وقت را غنیمت دان انقدر که بتوانی مترجم) هیچ وقت اتفاق نیفتاد که یکی از اجزاء مالیه مالیات را در تحت نظم و ترتیبی آورده و بر اساس معینی اسوار نموده و یا از برای مالیات « فورمولی » (مفتاحی) فرار داده باشد که بوجب آن دولت بتواند بفهمد که از عایدات مختلفه مملکتی چه مقدار جمع و وصول شده و یا باید جمع شود و چه قدر عاید خزانه شده است اقل این سعی را هم نکرده بودند که بفار جیکه بحرمانه بصلد و قهای خزانه طهران راه یافته و رخنه میکرد مرتب و منظم نمایند اولین تجسس و تقصصی که برای « بودجه » (موازنه جمع و خرج) عایدات مالیه کردم بودجه مخارج دولتی بود مترصد و منتظر بودم که باین وسیله اطلاع کاملی تحصیل کنم که عایدات دولتی از همه جهه چقدر بوده و چه اندازه از آن مبلغ برای پیشرفت و گردانیدن چرخهای وزارتخانههای مختلفه فرضی و ادارات تقدیری و شعب آن بمصرف میرسد ولی زود مطلع شدم که موازنه جمع و خرجی در کار نبود با اینکه مسئولان کفر که ذکرش سابقا گذشت در ظرف مدت دو سال با انواع حوادث و اشکالات مانعه چقدر سعی کرد که چیزی تحصیل کند که مصداق بودجه بوده و بتوان اسم موازنه جمع و خرج بر آن گذارد اطلاعات آن

(۱) « کلاس سویل سرویس » درجه از تحصیل است که محصل پس از اختتام آن درجه لیاقت خواهد داشت که در خدمات کشوری و اداره قلمی داخل شود * مترجم

شخص محترم از منبع و محرر شعبهای موهوم و فرضی عایدات و مخارج وزارتخانههای مختلفه و ادارات دولتی بیشتر از اطلاعی که از همه دفاتر مشهوره و محاسبات دولتی مستفاد میگشت مفید تر بود از آنروز که مشارالیه اقدام باین امر کرد که اطلاع قطعی از منشاء عایدات دولتی و محل صرف و خرج آن تحصیل کند که از کجا و بچه صیغه جمع و در کدام محل صرف می شود و زرا مالیه و مباشرین عایدات دولتی که مصدر خدمت بودند در باره اوسوه ظنی پیدا کرده و علاوه بر این در انظار صاحب مہضان وزارت جنگ هم خیلی از احترامات و اعتبار مشارالیه کاسته شد زیرا که خود را پلاحظه ادعای استحقاق و لیاقت معموله بجزاز و مختار دانسته که نصف عایدات دولتی را بمصارف شخص خود برسانند در عوض اینکه برای پیشرفت مقاصد اداره جنگ مثل هیئت دایره سیورسات جبه خانه حقوق ندما و معاونین سردار کلی مرخصخانه و دواخانه ریاده نظام بریگاد سواره توپخانه لشکر منظم ایران که در حکم ارواح سفلی یا برهائی موهوم که خوابهای ریب و نوبینکل (Rip Van Winkle) را برایشان میکردند بوده بمصرف برسانند (۱) در ظرف مدت هشت ماه که در طهران بودم چهار ماه آن را دولت مشمول فراهم نمودن لوازم جنگ باشاه مخلوع و برادر دیوانه اش شاهزاده سالار الدوله بود من هیچ قشون منظم معتمد به ندیدیم بجز آنکه آخر ماه برای مطالبه مواجب خود آمده و حواله ویرانی که متضمن مبلغ هنگفتی بود و فهرستهای را که وزارت جنگ برای ملبوس و سایر لوازم قشونی تصویب نموده بسرا می ریختند که باید خزانه دار وجه آن را ادا نماید *

دولت ایران با ایالات و ولایات چند منقسم است که هر يك از آنها دار الحکومه دارد که مرکز و حاکم نشین آن ایالت یا ولایت محسوب میشود معمولترین آنها ذیلا درج می شود :-

ایالات شالی: آذربایجان که دار الحکومه آن تبریز مازنداران که حاکم نشینش ساری گیلان که مرکز آن رشت خراسان که حاکم نشین آن مشهد است میباشد ایالات جنوبی: اصفهان که پای تخت آن شهر اصفهان فارس که حاکم نشین آن شیراز است میباشد در هر يك از ایالات و شهرهای بزرگ که مرکز امور دولتی ولایات و قصبات کوچک میباشد پیشکار مالیه از طرف اداره مرکزی طهران معین شده و تکلیفش این بود که در عرض سال انواع عایدات مختلفه دولتی را از رعایا وصول کرده و بعد از وضع

(۱) سرگذشت ریب و نوبینکل در خانه کتاب ذکر خواهد شد * مترجم

مخارج که عبارت از مخارج وصول مالیات و حقوق شخصی خود باشد باقی‌مانده و وزیر مالیه نماید جات صحیح و تفصیلی طریقه وصول مالیات در باب دیگر ذکر خواهد شد همین قدر از بیان کافی است که وزیر مالیه از این امر سهل و آسان مشغوف و مخطوط می‌گشت که در عوض پول بروات و احکام (مانند پروانه) به اسم پیشکاران اما کن مختلفه و وصول کنندگان عایدات دولتی صادر نماید و بدین طریق با کمال مسرت برای انجام خواهشهای اجزا و اعضای وزارتخانه‌های مختلفه مثل وزارت جنگ و وزارت عدلیه و وزارت داخله و وزارت خارجه و وزارت علوم حاضر و معاملات نقدی در این گونه موارد بکلی مغفور و ناپسند بود اگر کسی سؤال میکرد که وجه این بروات که وزیر مالیه باین کثرت صادر و منتشر می‌نماید آیا ممکن الوصول است؟ مسئله و مبغی جداگانه و دور از واقع بود هر وزیر مالیه طبعا مایل و ساعی بود که شهرت کند که در امور مالیه رئیس متقدر کامیابی بوده و علاوه بر این مطالبات و زرا و همقطارانش را ثابت و محقق نموده و فوراً می‌پرداخت که در عوض ایشان هم در اوقات معینه از هر گونه مساعدت و ملایمتی در باره مشارالیه مضایقه نمایند و بدینقسم ذمه دولت را پاک و ببری میساخت بطوریکه در ظرف چند سال گله زرکی از این پرندگان کوچک کاغذی یعنی بروات صادره وزارت مالیه و خزانه مرکزی باطراف و اکناف ولایات و ایالات پرواز نموده و در جیب و بشل طلبکارهای خوش عقیده خوش باور دولت مانند تجار و بازرگانان طبقه ادنی و مستخدمین عمومی پست و وظیفه خواران جاهل جای میگرفتند وجه بروات مزبوره معادل با چندین میلیون «دالر» سکه امریکاشده بود هیچ شخص عاقل زیرکی هیچوقت نمی‌توانست حساب آنها را مرتب و میزان کل را معین و اعتبار سلب شده و از دست رفته دولت را تحصیل کند پس آن بروات نصف اعتباری بسیار در طهران غیر محسوس و در جزو تروض دولتی محسوب نمی‌گشت وجه آن بروات يك معای بزرگ بیچیده شده بود که غیر از دست قدرت شافی طبیعت و قدر مطلق نمی‌توانست آن را حل نماید *

بعد از آنکه قانون سیزدهم ژون مالیه بمجلس پیش نهاد و تصویب و مجرا شد از حضرت معاون الدوله که در آن زمان وزیر مالیه بود خواهش کردم که بموجب این قانون جدید التفات فرموده تمام محاسبات نقدی بانگرا که متعلق بخزانه عمومیست بمن تقویض فرمایند زیرا که من خزانه دار کل میباشم حضرت معزی الیه مثل يك دوست صمیمی خالص تبسی کرده و گفتند که همین انسب و اولی است و نیز گفتند «که مسیوشوسر ان من

حاضرم که فی الفور این کار مهم یعنی محاسبات جاریه با بانک شاهنشاهی ایران را کلیه و مستقلاً بشما تفویض کنم و یقین دارم که در این زمان فاضل حساب یعنی طلب بانک از ما چهارصد و چهل هزار تومان (تقریباً معادل چهارصد هزار دالر) میباشد این است اخطاریکه بیان کرده و بانک را مطلع و مستخضر نموده ام که از این تاریخ بعد محاسبات را باسم خزانه دار کل نوشته و شما را طرف حساب با خود بدانند « من از آن حضرت تشکر نموده و بیعت و مبارکی در تحت توجه و تربیت ایشان بفرائض و وظائف خزانه داری ایران مشغول گردیدم این مقدار فرض و يك صحاب مطالبات لازمه اعضا کابینه آنحضرت که همه برای تأکید و مطالبه بروات فوری خود آمده و میگفتند که تأدیه این وجوه فوراً لازم است که دولت ایران را از انقلاب و بهم خوردگی حفظ نموده و برهاند در صورتی که جمع کل وجوه آن بروات معادل هفتصد هزار «دالر» (تقریباً معادل با هفتصد و هشتاد هزار تومان) بود *

یکی از دوائر وزارت مالیه که از همه بیشتر علاقه و ارتباط بیول داشت اداره ضرابخانه دولتی بود که در چند میل خارج از شهر واقع و در آنجا قرانهای ایرانی (که تقریباً معادل بانود) نه؟) سانت سکه «ممالک متحد» امریکاست) با ما شینهای کهنه فرسوده از شمشهای نقره که بانک شاهنشاهی بموجب قرارداد با دولت ایران وارد میکرد سکه میزدند چون بانک مزبور احتیاج روزانه بسیاری بمسکوکات نقره داشت و در محاسبات عمومیهم قران خیلی محل احتیاج بود چند وقت قبل که مسبودکی را که یکی از معاونین امریکائی بود بصرایخانه فرستاده بودم که آن کارخانه (نهال زر خیز) را معاينه و بازدید نموده و برای نظم و ترتیبش مهیا و آماده شود پس بهر حال در اداره و محلی که برای ما معین شده بود نشسته و بطرف معاون دیگر خود مستر میکاسکی که سمت دیگر میزنشسته بود توجه نموده و سعی میکردم که یقین کنم که «تمام عایدات و مخارج دولتی ایران در تحت نظارت ما در آید» *

«سرکولری» (ورنه متحد المسال) بهر يك از بنج بانگیکه در طهران دائر بود فرستادم که از این تاریخ بعد تمام اسناد و بروات دولتی فقط در صورتی محل اعتبار و معتابه خواهد بود که با مضای خزانه دار کل رسیده باشد علاوه بر این به تمام بانگها اطلاع دادم که هر میزان محاسبه و «کریدیت» (وجوه فاضله) مالیه که باسم هر یکی از صاحب منصبان دولتی دارند باید به «کریدیت» و حساب خزانه دار کل نقل و تبدیل نمایند که حسب

المقرر محاسبات در تحت نظم و ترتیب در آید يك نتیجه این اقدام که تا بحال هم هنوز معمول و ظاهر نشده این بود که فهرست مشروح و مفصلي از محاسبات عمومی نزد ما جمع و مرتب شد که بدون این تدبیر هیچ قسم اطلاع از آن ممکن نبود فهرست مزبور با اندازه مطلوب و پسنديده بود که میل نمیکردیم که از آن عطف نظر نموده و چیزی دیگر متوجه بشویم یکی از آن محاسبات « کریدیت » مسیو مر نارد مدیر بلجیکی کمرگ که با اسم اف. آر. سی (F. R. C.) نوشته شده و بسیار غیر منظم و بی ترتیب بود *

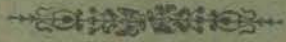
مناسب نیست که در اینجا شرح حالت بائیکی ایران را بتفصیل بیان نمایم ولی همین قدر که دولت ایران مشروطه است شاید کافی و مطابق با واقع باشد آثار و مظاهر سلطنت منحصر و محدود است بوجود سلطانی که دارای تاج و تخت و در زمان صغر سن نایب السلطنه نمایند او خواهد بود و هر وقت که بجائی حرکت می نمود آقایی با او بودند که مخارج و حقوقشان بسیار گران و تأدیه اش تکلیف شای بود و ایشان خود را در ایران می نامیدند ولی کارهای مهمه اصلی دولتی در قبضه هیئت پارلمان (مجلس شورای ملی) بود که عبارت از هشتاد نفر وکیل بوده باشد که بنسبت به سرشمارای ولایات و تعداد نفوس ایالات مختلفه ایران منتخب شده بودند هیئت کابینه که مشتمل بر هفت نفر وزیر و در تحت ریاست و نفوذ نایب السلطنه بودند بی درین برای قبول و تصویب مجلس معرفی میشد ولی چون بموجب قانون اساسی ایران مجلس اخبارات نامه و اقتدار کلی قانونی داشت و علاوه بر این میتوانست در هر موقع بحکم اکثریت آراء تبدیل کابینه را الزام نموده و یا بواسطه عدم اطمینان سلب اعتبار از آن هیئت نماید اختیار کلی در دست نمایندگانی بود که کثرت آراء اهالی ایران ایشان را انتخاب نموده بود *

روس و انگلیس دو دولت اجنبی بیگانه بودند که بر حسب گفته خود شان (آنرس) رعیت یا اغراض مخصوصه در معاملات ایران داشتند فارغین بخواطر خواهد داشت که در سنه ۱۹۰۷ میلادی مابین دولتین انگلیس و روس عهدنامه صلحی منعقد و تمضی شد که در آن حدود جغرافیائی نمود خود شانرا با این قسم که نقاط شمالی منطقه نفوذ روس و جنوب شرقی نفوذ انگلیس باشد معین و مرسم نموده بودند منتها دولت مشروطه ایران عبارت از ملتی بود که اسماً آزاد و مستقل و صاحب حکومت و نمایندگان دول اجنبیه اروپا و نماینده ممالک متحده امریکا در آنجا رفته و تماماً بطریب خاطر شاهنشاهی و استقلال دولت ایران را اعلان و تسلیم نموده بودند و نیز بموجب عهد نامه ۱۹۰۷ هم این شاهنشاهی و

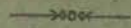
استقلال بین دولتین روس و انگلیس بطریب خاطر مسلم و تمضی شده بود *

استقراض خارجی ایران هم عبارت از چند فقره بود که دولت روس بسلاطین مختلفه ایران قرض داده و تمام آن قروض را بتوسط بانک استقراضی ایران که شعبه بانک دولتی روس است در طهران یکجا جمع کرده بود علاوه بر این قرض معروف از دولت هند هم جزو آن فروشی میباشد که در زمان سلاطین سابق دولت انگلیس از پول هند به آنها داده بود آخر همه قرضه ۱۹۱۱ بود که از بانک شاهنشاهی گرفته و قدری قبل از ورود ما بطهران قانوناً قرضه مزبوره را تمضی و معتبر نمود بوداند شرح حالات مفصل دیون و استقراضات مزبوره در باب دیگر ذکر خواهد شد علاوه بر اینها هم مقدار معتدیه غیر معینی دعاوی اجانب از دولت ایران بود که بیشتر آن ادا نشده و جمع کل آنها معادل چندین میلیون « دالر » امریکا میشد *

باری روی هم رفته این بود حالت دولت ایران در سیزدهم ژون ۱۹۱۱ (پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) که مسئولیت نظم امور مالیه بمن تفویض شد *



✽ باب سوم ✽



در بیان مسلك و طریقۀ عام النفعی که برای نظم و اصلاحات مالیه اتخاذ شده بود قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ وضع سلوك و روابط دول اجنبیه با دولت ایران قضیه استوکس تشکیل ژاندار مری خزانه غرض اصلی و مقصود حقیقی معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس * واضع است اشخاصیکه برای اصلاح امور مالیه معین شده بودند مادامیکه از طرف مصادر امور دارای اقتدار و اختیار نامه نمی شدند هیچگونه نظم و ترتیبی در اوضاع معشوشه متصور نبود و کسانیکه برای تصفیه همجوامر ستارگی منتخب شده اند از این هم که محل مشورت وزراء یا اعضاء کابینه (که مشغول وصول و خرج مالیه بودند) واقع شوند « دسپلین » (نظم جدید) امور مالیه حاصل نمیکشت بجهت اینکه تا زمان انتخاب

و تعیین خزانه دار کل صاحب منصبان و مباشرین مالیه اقتدار و اختیار کلی داشتند که تمام مالیات را جمع و خرج نمایند و وزراء و مباشرین مالیه نه بزیور علم و تجربه آراسته و مزین بودند و نه بر حسب عادت و خصائلشان لیاقت و اهلیت همجواری را داشتند که تقلب و اغتشاشاتی که در امور مالیه ایران چه در مرکز و چه در سایر ولایات راه یافته قطع و رفع و اصلاح نمایند *

بدیهی است که احتمال و امید اصلاح از کسانی متصور بود که از خارج جلب شده بودند در صورتیکه آنها هیچ توقع انصافی و یا امیدوار بشورنی از هیچ بنگ از صاحب منصبان ایرانی که بی در پیی بمناسب و مشاغل مالیه ایران مسین و منصوب میشدند نداشته و بغیر از صوابدید و رأی خود بصلحت بیکی کسی محتاج نبودند امید نائل شدن اصلاحات در صورتی متصور بود که روسای اجنبیه مالیه خود را از تحت اطاعت و نفوذ اعضا کابینه ایران خارج و آزاد نمایند *

مقصود من از نوشتن مسوده قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ (پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) این بود که اداره خزانه مرکزی مملکت ایران را بطوری تشکیل و مرتب نماید که خزانه دار اختیار جمع و خرج تمام مالیه و عایدات دولتی را بر اسم و رسم و از هر محل که باشد بعهده خود شناخته و یا اداره مرتب شود که از جانب دولت بتواند هر مبلغی را که صلاح بداند تأدیة بنماید در آن زمان عایدات دولتی منحصر نبود بوجهیکه بنسبت مباشرین و مأمورین وزارت مالیه و شعب آن جمع می شد بلکه عایدات ادارات پست و تلگرافات وزارت داخله وزارت خارجه وزارت عدلیه علوم و اوقاف و اداره مذکوره نیز ضمیمه آن میشد ولی اعضاء وزارت و ادارات دولتی بدون هیچ گونه توجه و اعتناء باحدی با پرسش و استفسار از کسی هر مبلغی که میخواستند و هر مقداری که میتوانستند گرفته و بمصارف شخصی خود رسانیده و اداره هم بتو که عایدات و مخارج را موازنه نموده و یا اینکه تناسبی در مخارج قرار داده و آن افراطات را محدود نماید باینجه برای دولت خیلی اشکال داشت که بتواند معلوم و معین نماید که مالیات دولتی چه قدر و با از کدام محل آمده و بکدام محل صرف میشود و اگر صرف میکردیم تا امور اداره را بسر فرصت کاملاً منظم نموده و سپس مسئولیت آن امر عظیم را بعهده بگیریم ممکن بود تجدید رأی یا تغییر در طبایع مصادر امور احداث شود خصوصاً که ریشه ارتجاعیون و کسانی که مخالف این اصلاحات بوده هنوز بحدی نازک نشده بود که بشود مطمئن شد

در این صورت احتمال میرفت که تمام کوششهایی که برای تنظیمات جدید بکار برده شده بکلی عاقل و معوق نماید باموانع و اشکالاتیکه در تصفیه و اصلاحات امور مالیه بود و اغتشاشات داخلی که تا چند روز قبل از تصویب و اجراء قانون مزبور جاری بود در عرض مدت هشتاد که در طهران مشغول کار بودیم قسمت عمده عایدات دوائر دولتی که در پایتخت و سایر ایالات واجب الوصول بود و بول غوده و نیز مخارج و مصارف فوق العاده را که برای دفع محمد علی میرزا (که بجهت استرداد تاج و تخت سلطنت حمله نموده) لازم شده بود بفرسخت و تاخیر برداختیم و همچنین حقوق و مواجب اجزاء و مأمورین بلتیکی که در ممالک خارجه مأمور بودند ادا شد در صورتیکه این اولین دفعه بود که حقوق چند ساله بابشان عاید گشت و منافع قروض دولتی و وجوهیکه تأدیة اش فرض ذمه دولت بود بانضمام مخارج ادارات مختلفه همه را فوراً کار سازی نمودیم و فخرست صحیح کلیه محاسبات دخل و خرج ادارات دولتی نیز داخل دفاتر اداره مرکزی خزانه گردید *

فهمیدن این مسئله خیلی مشکل است که قانون مزبوره و اجراء آن چه اثری داشت که دوائر اجنبیه را بضدیت و عناد و آزار نمود بدون تصور اینکه آن قانون چه فوائد و نتایج بی اندازه خواهد بخشید و از اجرائش موجبات حفظ و تأمین حقوق ایشان بیشتر و محکمتر شده و بدون شبهه تضییع یا تنقیضی در صرفه و صلاح طلبکاران چه رسمی و دولتی و چه شخصی حاصل نمیکشت ولی در عوض ایشان بوعیدهای بی نهایت خود افزودند در این صورت و با اینکه قانون مزبوره در چند جلسه مجلس مطرح مذاکره و تصویب گشته بود از همان روز اول شروع باجرائش روس علناً اعلان جنگ به آن قانون داده و آغاز مخالفت و ضدیت را گذارد وزیر مختار روس اظهار نمود که مستخدمین بلجیکی گمراگ هیچ گاه نباید در تحت محکومیت یا نظارت خزانه دار امر بکافی در آیند بایندرجه هم آکفا و قناعت ننموده و دولت ایران را تهدید و تشویف کرد که فشون روس تمام گمراکات شمالی را تصرف نموده و صاحب منصبان و مأمورین روسی در آن حدود تعیین خواهد نمود تا دو هفته بعد از این تهدید سفارت خانهای روس فرانسه آلمان ایتالیا اطریش متوالیاً اعتراضات و اولتیماتومهای خود شانرا مثل باران بوزار خارجه ایران باریدند بیشتر آن تعرضات و بهانه جوئیها بکلمات و عبارات خشن حقارت آمیز و برخلاف قوانین دیپلماسی نوشته شده و سعی و کوشش بسیاری نمودند که دولت

ایران را برسانند که از حقوق آزادی و استقلال خود صرف نظر نماید و زیر مختاروان انگلیس و هلند و امریکا و سفارت کبری عثمانی از آن حملات و مداخلات مبرا بوده بی طرفی و سکوت اختیار نموده بودند *

در بین این حملات کت کوات (Comt Quadt) که در آن زمان وزیر مختار آلمان مقیم طهران بود موقع را مناسب بنداشته و مرادیه رسمی بکابینه دولت ایران نوشته و باین بهانه و مستمسک اظهار مخالفت نمود که بروات حقوق اتباع آلمان مقیم طهران که مستخدم دولت ایران میباشند اگر برخلاف معمول سابق بجای امضای مسیو رنارد رئیس کل گمرکات ایران امضای مستر شوستر خزانه دار را داشته باشد بکلی منافی و مخالف با صرفه و منافع دولت آلمان خواهد بود بعد از تحقیق معلوم شد که صرفه و منافع دولت آلمان در ایران منحصر بود بمبلغ شش هزار تومان (معادل پنج هزار و چهار صد دار) که دولت ایران بدو نفر آلمانی بعنوان اعانه مدرسه و مرخصخانه آلمانی در طهران میداد این بود فوائد و منافی که یکی از بزرگترین و متمولترین دول اروپا از دولت مفلوک ایران مطالبه مینمود کت کوات در مرادیه خود ابعای دقیق طرز آمیزی بخزانه دار کرده بود که « یک شخص مستر شوستر نامی) شارژدافر سفارت ایتالیا هم بزرگترین وظیفه سیاسی منحصر باین بود که اسم شخص مسن معروف ایتالیائی را که مشاق نظامی و دارای منصب جنرالی است در جزو و موظفین دولت ایران نگاه بدارد در صورتیکه وجود جنرال محترم موصوف از هر گونه خدمات عاری و بیکار شده و تمام اوقات خود را به آرام گرفتن (دراز کشیدن) بر صندلی راحت صرف میکرد شارژدافر مزبور برای اینکه از رقیب و همکار دیپلماتی خویش یعنی وزیر مختار آلمان عقب نمانده باشد در مرادیه خود که بدولت ایران نوشته بکلمات ذیل اشاره کرده بود « شخص موسوم بخزانه دار »

شهرت یافت مسیو رنارد که مستخدم و مواجب خور دولت ایران و در تحت حمایت دولت روس بود اطاعت قانون دولت را نکرده و خزانه دار کل را تسلیم نمی نماید پس از چندی محقق و معلوم شد که مسیوی موصوف به بهانه و دسائس چندی خیال سرکشی و سر پیچی از حکم مجلس را در نظر داشت ولی از ترس اینکه میادا مجلس قرار داد شغل زر خیز آن شخص معز را (بوجوب تعدید و سفارشیکه نموده بودم) نسخ و ابطال نماید طوعاً و کرها محاسبات و بقیه نفوذ گمرکی را پیش من فرستاد از تعلل و تأخیر مسیو رنارد در فرستادن محاسبات معلوم شد که چون دفاتر گمرکی در کمال بی نظمی و بی ترتیبی بوده نمیخواستند

است که آن بی ترتیبیها فاش شود و نیز از این تسامح بامور دیگر منتقل شدم که بیانات و تشریحش بی فایده میباشد *

این جنک مضطرب و پریشان کنی تا اواسط ماه ژویه (اوآسط رجب ۱۳۲۹) جاری بود ولی بعد از آن تاریخ مسیو رنارد اطلاع داد که تمام صاحبان نصیبان بلجیکی گمرک حاضر و آماده شده که مقابل آن قانون سر تسلیم فرود آورده و اطاعت نمایند علت اصلی آن اظهار اقیاد این بود که مسیوی مشارالیه تا چندی بروات حقوق مستخدمین اجنبیه و گمرکی را صادر نموده و برای وصول بیانک بی فرستاد ولی بانک بروات مزبوره را نکول کرده بود پس مجبوراً راضی شد که قانون مرا تسلیم نموده و تن در دهد * در صورتی که تمام بانگهای مختلفه قول داده بودند که احترام قانون دولتی را رعایت و منظور نموده و بر و اینکه بدون امضاء خزانه دار کل باشد نکول خواهند نمود تکلیف ما بیش از این نبود که با صبر و سکون تمام منتظر وقتی باشیم که مستخدمین اجنبیه ادارات مختلفه بدون امیدواری بمساعدت و استظهار نمایندگان دلیبر دیپلوماسی بالطبع خودشان استدعای وصول مواجب خود را بنمایند و برخلاف رضا و چشم داشت دیپلوماتها برواتی را که بامضای خزانه دار است بیانک بفرستند *

در خلال این حال بین خزانه داری جدید و کابینه نیز مشکلات چندی پیش آمد سپهدار رئیس الوزراء بجهت مساعدت و حمایت از سفارشات من راجع باجرای قانون جدید مالیه خیلی بیعلاکی کوشش می نمود و مکرراً اطمینان میداد که در نحو خیانت و تقلبات مساعدت تام نماید عطوفت ایشان بدرجه رسیده بود که این امر را اعتراف نمودند که اگر چه ایشان در معاملات نظامی مهارت تام طبیعی داشته ولی بنا این حال برای تشکیل اداره جنک ترتیباتی لازم بود که ایشان ندانسته و خوشوقت میشدند که من در آن امور معاونت رانی یا ایشان کرده و ارائه طریق بنمایم این شعبه یعنی اداره جنک ما من و پناهگاه خوبی بود برای اشخاص بیکاره و بی اطلاع صرف و بست فطرنان کاهلی که ملبس بلباس جنرالی و کبسری و آجودانی بودند از همه مفسد تر و جملاً لئو دشمنان دوست نمائی که اکثر اوقات ملاقات با ایشان سر نوشت من شده بود وقتی که سپهدار نیت خود را با کمال صدق و خلوص اظهار کرد و حسن عقیده مرا در باره خود بلند و عالی تصور نمود بیومنه در انتظار و عجله بود که بداند کدام وقت تقاضا دولتی را از بانک وصول می نمایم و بی در پی توضیح و تشریح می نمود که بواسطه نفوذ و احترام

شخصی که در انتظار ایرانیان دارد می تواند تا چندی شیرازه دولت را از متلاشی شدن باز دارد یعنی تا وقتی که قدری اسباب معاونت پولی برای اعضای متهور اداره نظام فراهم و مهیا شود چهارم ژون (ششم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) (قبل از آنکه مجلس قانون مالیه که من نوشته بودم تصویب نماید) با مستر وود (Mr. Wood) رئیس کل بانک شاهنشاهی ایران قرار داده بودم که دوست و پنجاه هزار تومان برسم علی العجله بر سیل مساعده داده و جزواستقراض آتیه دوائی که مشغول مذاکره بودیم محسوب نماید ساعت هفت عصر همان روز سپهبدار کالسکه خود را به پارک اتابک فرستاده و پیغام داده بود که به پارک ایشان که منزل شخصیشان بود بروم زیرا که با وزیر مالیه در انتظار من میباشند فریب بغرب بود که به آن پارک خوش منظر با صفا رسیده و از ما بین ردیف طولانی سر بازان و صاحب منصبانیکه دارای درجات و مراتب مختلفه بودند گذشتم قدری بالاتر رفته و بعارت کوچک بیرونی و مہتانی آن که فضای کوچکی داشت رسیدم فضای مزبور مغزش به آجر و یا قالیها و میز و صندلی مزین بود وزیر مالیه را که در آنجا متفکرانه مشغول قدم رذن بود ملاقات نمودم چراغها هم روشن بود چای و سیگار که اقل ما بقنع و کمتر لازمه برای آن مملکت است صرف شده و در انتظار ورود حضرت سپهبدار بودم *

مغرب آنجا بسیار با روح و خوش منظر بود و از بالای مہتانی کوههای برف دار که تقریباً ده دوازده میل از شهر فاصله داشت از پشت خندق بخوبی دیده می شد در دامنه و پائین آن کوهها عمارات بیلاقی سفارتمغانها مثل زر گنده و قلهک و تمبریش و باغات و قطعات دیگر که عمارات و قصور بیلاقی امراء و اعیان طهران در آنها واقع است نیز دیده می شد *

یک مرتبه صدای فرمان صاحب منصبان نظامی با آهنگهای خشن و آواز مهممه و بهم خوردن اسلحه و سلام مستخدمینیکه مقابل عمارت ایستاده بودند بلند و از بین بلها قدم سبک نندی شنیده شد سپهبدار بزرگ (اعظم) وارد و سلام سرسری بطریق نظامی واقع شد سپهبدار در حالتی که آثار تفکر و تبحر از بصره اش هویدا بود در جای خود نشست قبل از آنکه شروع به گفتگو نمایم شخص ملای بختری وارد شده و نزدیک سپهبدار رفت و معلوم بود که توفع و خواهشی دارد بواسطه توفع زیاد ملای مزبور وزیر اعظم یکی از صاحب منصبان را طلبیده و با تغییر تمام حکم سختی باو کرد باین

جبهه ملای بیچاره پس پس رفته و از آن محل خارج شد * وزیر مالیه سر و صورتش را بحالت انقباض آهسته حرکت داده و بفرانسه گفت «مسبو شوستر! این حضر ترا می بینید چگونه شخص با اقتدار و نفوذی است! ملاحظه کردید که تسلطش بجه درجه می باشد! و چگونه خواهش آن ملای را رد نمود! و محبوسیکه در پاره او سفارش نموده بود فردا صبح بدارش خواهند زد!» وقتی که سپهبدار بواسطه چند دقیقه گفتگوی با ما وقت قیمتی خود را صرف نمود بکرتبه بجه تمام روی سخن را بطرف ضروریات مالیه وزارت جنگ برگردانید ایشان بزبان فارسی مکالمه می کردند زیرا که فرانسه بسیار کم میدانستند و وزیر مالیه که برای مترجمی طلبیده شده بود مطالب ایشان را ترجمه و تشریح نمود و حالت خطر «اگر بزودی پول فراهم نشود جان ما هم سلامت نخواهد بود» این اول مرتبه بود که کلمه پول را که کرارا در گفتگوی ایرانیان شنیده توانستم بفهم ولی دفعه آخر نبود *

من به آن حضرت جسارت نموده گفتم اولاً حالت وزارت مالیه هم که نظم و تصفیه آن را خرابه دار متقبل شده بهمین درجه خطرناک میباشد ثانیاً اقل چه مقدار وجه لازم است که بواسطه فراهم نمودن آن بتوان موقتاً افواجی را که مستعد شورش اند ساکت نمود وزیر اعظم بارچه کاغذی از جیب خود بیرون آورده و به وزیر مالیه داد که برای من بخواند وقتی که وزیر مالیه آن صورت را میخواند وزیر اعظم غرق فکر شده و چند دقیقه پائین رفت وزیر مالیه بمتانت تمام مضمون نوشته و جمع کلهش را خواند معلوم شد مبلغ جزوی بسیار نا قابلی یعنی چهار صد و شش هزار تومان اقل لازم و باید بعنوان پیشرفت کار فوراً حاضر و پرداخته شود نصف آن مبلغ هم برای تأدیه پس افت حقوق افواج موجب نگرفته نبود بلکه پیشترش بجهت فراهم نمودن قورخانه و ملبوس نظامی و ملزومات توپ خانه و مخارج متفرقه و حوادث اتفاقیه بود *

من هیچ جوانی نداده و حاشیه بر آن نیفزودم در این موقع رئیس الوزراء متفکرانه مراجعت نمود بنظرم آمد ما بینشان اشاره مبادله شده و با هم چشمکی زدند شاید هم من اشتباه کرده باشم *

وزیر مالیه گفت «حضرت رئیس الوزراء خواهش میکنند که جواب این امر میبم را بدهید» *

من دست راست خود را مأیوسانه باند کرده و گفتم جنابعالی! این مقدار غیر

بمکن است (C'est impossible) *

سپهدار از جای خود جسته و تکانش سختی خورده مثل اینکه گلوله باو رسیده باشد معلوم بود که کلمات فصیح ترغیب آمیز مثل شلیک نظامی بی دریغی از دهانش فرو میریخت وزیر مالیه که شخص خلیق دوست منشی بود رنگش زرد و متغیر گشته بن گفت شاید اشتباه کرده باشید؟ با سعی و کوشش زیاد بزبان فرانسه از رئیس الوزرا پرسیدم که آیا طریقۀ وندپیر مفیدی بنظر شما میرسد که بشود خون از منک بیرون آورد (۱)؟ هیچ جوابی بجز اینکه وجه باید فراهم بشود نداد *

عاقبت بعد از مدت مدیدی مذاکره صد هزار تومان ختم شد ولی بواسطه تجربیاتی که بعد برای من حاصل شد پیوسته حس دیانتهم از تأذیه مبلغ مزبور مرا ملامت نموده و خیالم ناراحت بود *

در موقع حرکت و بیرون آمدن نجوی و سرگوشی بین رئیس الوزرا و وزیر مالیه واقع شد شنیدم که رئیس الوزرا میگفت « این فرنگی مقابله و جنگ سختی میکند اما انشاء الله در موقع دیگر گرفتارش خواهیم نمود » *

تا یازده روز بعد از آن همه روزها شرف ملاقات امیر اعظم معاون وزارت جنگ را درک می نمودم در حالتی که پیوسته در بیان و تشریح حالات مهیب شورش انگیز خونریزانه که حتی الوقوع بود از فرسجاکن نقاش معروف گوی مسابقت می ره بود و نیز میگفت اگر خزانه دار کل میزان معتدل وجهی را که رئیس الوزرا بزرگ وطن پرستان طلبیده و معین نموده مینماید همه این مخاطرات بوقوع خواهد پیوست این گونه اظهارات درد ناک و خواهشهای الم انگیز را هیچ چیز نمی توانست رد نماید مگر خزانه نویسد دل سنگین *

پانزدهم ژون ۱۹۱۱ (هفدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) یعنی دو روز بعد از اجراء قانون مالیه که اختیارات نامه در عایدات دولتی بجزانۀ دارد حضرت سپهدار در یکی از جلسات مجلس پر خواسته و اظهار عدم رضایت نمود از اعتراضات خود خواهانه که قانون مزبور در اجراء مقاصد سنگین رئیس الوزرا و وزیر جنگ نموده بود و قتی که در کوششهای متهورانه خود برای تحصیل وجه بیجهت اداره لشکری اثر نامهربانی و عدم مساعدت از بشره و کلا احساس نمود غضب بر او مستولی شده و متغیرانه با شوکت

(۱) این مثل ما بین امریکائیها معروف و کتابه از اصرا محال است * مترجم

تمام از مجلس خارج و در کالسکه خود نشسته بهمراهی یکسته سوار گارد که نزدیک در مجلس انتظارش را داشتند حرکت و بکاسکی خود حکم نمود که « بفرنگستان برود » (مرا به اروپا ببر) کالسکه صدر اعظم بجهت تمام از دروازه شهر خارج شده و از جاده دو بیست و بیست میلی انزلی بطرف بحر خزر رهسپار شد در خلال اینحال شهرت نمود که شاهزاده سالار الدوله برادر شاه مخلوع شهر تبریز را (که در شمال غربی ایران واقع است) تصرف نموده و به اهالی وعده داده است که اگر او را بسلطنت شناخته و شهنشاهیش را تسلیم نمایند کلیه عواید و مالیاتهای دولتی را غیر از وجوهی که برای مصارف شخصیش لازم خواهد شد بالتام نسخ و رعایا را از تأذیه آن معاف نماید آراء و عقاید مردم در باره سپهدار مختلف شد بعضی ها میگفتند که صدر اعظم مغلوب الغضب به برادر شاه مخلوع خواهد پیوست برخی را عقیده این بود که از بحر خزر عبور نموده و بروسیه و اروپا خواهد رفت *

یک هفته قبل از حرکت سپهدار ناصر الملک نائب السلطنه هم با جدت تمام اطلاع داده بودند که ایرازا ترک خواهند نمود بدین ملاحظه که مجلس بودجه جمع و خرج در باربان را بدون صلاحدید و استصواب ایشان تصفیه و تصویب و بسیاری از مواجبه را تخفیف داده و کسر نموده بود هشتم ژون ۱۹۱۱ (دهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) والا حضرت مرا طلبیده که بمنزل شخصی ایشان بروم و مدت مدیدی مساعی و زحمات و افکار خود را که بدون شبهه تمام صحیح بود بیان می نمودند و نیز از طرز رفتار و سلوک و کلام سخن بیان آمد من بوالا حضرت عرض نمودم که حرکت یا شهرت حرکت شما نه فقط اصلاحات تازه مالیه را منقلب و دیگرگون مینماید بلکه تمام دوائر و ادارات دولتی را نیز متزلزل و دوچار خرابی و بی نظمی خواهد نمود *

اگر چه بن وعده فرمودند که از خیال حرکت منصرف شوند ولی تا مدتی با و کلا مشغول همین مذاکره بودند خیال نمودم مناسبت که خیال حرکت والا حضرت را بسر خارج بار کلی وزیر مختار انگلیس بانضمام این رأی اظهار نمایم که چون والا حضرت با سرادارد گری وزیر خارجه انگلیس روابط دوستانه دارند و مشار الیه هم رعایت احترام ایشان را بسیار منظور مینماید خوبست تلگراف دوستانه بوالا حضرت نموده و به منع حرکتشان از طهران اصرار و تأکید نماید اگر چه بهمین خیال اقدام شد ولی گویا خود والا حضرت در این اثنا از آن خیال منصرف شدند *

همه روزه بدرک خدمت ایشان نائل میشدم در صورتی که از حالت حاضره ایران خیلی ملول و افسرده و از بی استعدادی مردم عوام و نفاق و کدورت بین تمام اعضا دوائر دولتی مأیوس گشته بودند از یکطرف مابین کابینه و وکلاء همیشه تقار و کشاکش و از طرف دیگر هم ضدیت و مخالفت سختی ما بین احزاب مختلفه سیاسی رخ نموده بود * حرکت ناگهانی سپهبدار هم بیشتر باعث اغتشاش مملکت و عدم اطمینان مردم شد سایر وزراء با او تا گرفتار دوستانه مخایره می نمودند تا روز هجدهم ژون ۱۳۲۹ (پنجم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) که وارد رشت شد ظاهراً قدری غضبش تسکین یافت اگر چه تا آنوقت هم هنوز اراده رفتن خود را بفرنگستان بعنوان حفظ الصحه و برای معالجه اظهار می نمود ولی سایر وزراء مصر و مجد بودند که با باید سپهبدار مراجعت نماید و با همه مستغنی خواهند شد *

در این اوقات اکثر در جلسات کابینه حاضر می شدم که ایشان را از حالت نازک و خطر ناک مملکت بیا ماها تم که از مطالبه وجوه غیر ممکن الوصول برهیز و اجتناب نمایند حضرت امیر اعظم که در آن زمان بشغل معظم معاونت موقتی وزارت جنگ ممتنع و سرافراز بود بیشتر از همه پیشگوئی نموده و سبب خرابیها را تشریح میکرد امیر اعظم بدرجه در کارهای ناشایسته معروف بود که بسزای اعمالش سزاوار ماندن سالها در محبس بود من شخص امینی را معین کرده بودم که امور مالیه وزارت جنگ خصوصاً محاسبات راجعه بشخص معاون موقتی را تفتیش نماید نوزدهم ژون (بیست و یکم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) در موقعی که من هم در جلسه هیئت وزراء حاضر بودم امیر اعظم اظهار و اعلان نمود در صورتی که مبلغ ناقابل یعنی چهل و دو هزار تومان برای مواجب قشون فراهم نشود فردا شورش و بلوای عمومی افواج ساخلوی طهران شروع خواهد شد من با نهایت ادب از ایشان سؤال نمودم که مثل این مبلغ را که ده روز پیش برای مواجب ماه قبل افواج داده بودم بجه محل صرف شد ؟ آنحضرت جواب داد «رفت همه بانواع مفاسر گرسنه تقسیم گردید» من پرسیدم که آیا از آن مبلغ چیزی باقی نیست ؟ جواب داد که «بکفرا نهم در خزانه نظام باقی نمانده» در این موقع مناسب دانستم که دفتر یادداشت بغلی خود را که آورده بودم بیرون آورده و با ایشان نشان دهم که پول مواجب ماه گذشته افواج را با وجوه مصارف دیگر نظامیکه جمعا هشتاد و سه هزار تومان می شد یکی از تجار داخله سیرده و در آنوقت عین آن مبلغ پیش شخص تاجر

موجود و شورش افواج را که آنصاحب منصب دلیر نظامی پیشگوئی میکرد صرف تدبیر بود *

تاریخ و مقدار وجوه مزبوره را از یاد داشت خود خوانده و از ایشان پرسیدم که آیا اینها صحیحست حضرت امیر اعظم معاون موقتی قامت شش فوت و پنج انجی خود را با کلاه و زینش راست نموده (۱) و چشمهای شمیم خود را کشوده و مغرورانه دستهای خود را بسینه گذارد و بحضار نگاه کرده و گفت «آیا این امر باعث هتک شرف و خلاف احقرام من نیست؟» چون دید انکار او بیشتر باعث تولید شک در دل حضار می شود روی سختر با طرف دیگر گردانیده و آخر الامر گفت «اگر هم هشتاد و سه هزار تومان باس من ذخیره شده باشد منکه اطلاع ندوام» این بیان آخری بیشتر دل اعضا کابینه را مشکوک نمود بالاخره اتفاق آراء بر این شد که امیر اعظم محاسب (مستوفی) کل وزارت جنگ را طلبیده تا از او تحقیق شود بر حسب خواهش من همه حضار اطراف مجلس نشسته تا اینکه مستوفی مزبور آمد امیر اعظم برخواسته و از مجلس بیرون رفت و بعد از مختصر صحبتیکه بجه با مشار الیه داشت مراجعت نمود از تبسم خشمگین مسرت آمیزی (خنده فبا سوخته) که از بشره اش ظاهر شد صحت و صدق قول من بر همه اهل مجلس و بر خودش واضح و ثابت گردید وقتیکه بعد از حیرت تمام معلوم گشت که مواجب ماه گذشته افواج را نیرداخته و باین وسیله سهل و آسان که افواج در شرف گرو (شورش) بودند اجماع طبقات نظامی موقوف و ملتوی گردید *

عصر همان روز یازدهم ما یعنی معاونین امریکائیم اظهار مسرت زیادی از ورود مسرت گزین نمودند مسرت موصوف قبل از حرکت ما از واشنگتون بسمت مدیری مالیه ایران معین شده و در آن وقت از جزیره قلی بین که در آنجا رئیس گمرک بندر آلائی لوی بوده مستقیماً بطهران آمده و معاون بزرگ من هم بود *

بیست و سوم ژون (بیست و پنجم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) شهرت کرد که سپهبدار از رشت تلگرافی بوالا حضرت نایب السلطنه نموده که اگر چند ماده قانون مالیه سیزدهم ژون اصلاح و مرمت شود (که باعث از دیاد اختیار و نفوذ او در تعیین خرج و مصارف مالیات ملت گردد) مراجعت نموده و بکارهای خود مشغول خواهد گشت وقتی که وکلاء مجلس این خبر را شنیده منسخرانه فاه فاه خندیدند *

(۱) يك فوت دوازده انجی و سه فوت معادل با يك ذرع میباشد *

این خبر هم شهرت نمود که مابین مردم خصوصاً بین طبقه مستوفیانی که علاقه و ارتباط باین ایالات داشتند بر خلاف امریکائیهها تشکیل انجمن و مجالس سرری شده *
مقارن همین اوقات مستخدمین و اعضاء وزارتخانههای مختلفه در صدد بیان و مستمسکی بودند که عموماً کارها را تعطیل کنند من باشاعه اعلانی بمقاد ذیل مجبور شدم که هر يك از مستخدمین که از خدمت خود کناره جویی اختیار کرده و از شغل دولتی دست بکشد اسم او از دفتر مستخدمین تا ابد خارج خواهد شد در این موقع مسئولیت و زحمات تمام دفاتر (شعب) وزارت مالیه را بعهده خود گرفته و وزیر مالیه و معاون وی و مدیر کل و رئیس کابینه را از خود ممنون نموده و آنها را بحال خودشان وا گذارده و از هر گونه زحمات لازمه و اجراء احکام و امضاء پروات دولتی خلاص گردانیدم *

از ابتدای تاریخ سیزدهم ژون مسیو مرنارد و مسیو پاکلیوسکی کزیر وزیر مختار روس در نرغیب و تهدید بانك شاهنشاهی ایران کوشش وسیعی وافی نمودند که پروات (حوالجاتی) که فقط امضاء مسیو مرنارد را دارد قبول نموده و وجه آزار به پر دازد بزرگترین پروات مزبوره حواله سیصد و شصت هزار «روبل» (منات) بدهی دولت ایران بود (۱) که از بابت قیمت بار بکجهاز تفنگهای مسنعمل «ریفل» که چند ماه قبل در زمان وزارت مالیه وزیر ماهر جری یعنی سپهدار برای دولت ایران خرید و قرار شده بود که این اسلحه در ایران با داره جنگ تحویل و سپرده شود (۲) ولی تا آن زمان بازلی هم نرسیده بود قیمتی که برای اسلحه مزبوره معین شده سه مقابل قیمت معمولی بازار اروپا بود مناسبت که توضیح این اختلاف قیمت از دولت روس و سپهدار سوال شود *

نایب رئیس بانك شاهنشاهی انکار نموده و جواب داد که مخالفت قانون مجلس بهیچ قسم برای او امکان نخواهد داشت چون به رئیس بانك سپرده بودم که بوزیر مختار روس بگویم که مجرد ورود و تحویل اسلحه مزبوره تمام پول داده خواهد شد و وزیر مختار روس و مسیو مرنارد هر دو مجبور شدند که در مخالفت خود اصرار و مبالغه نمایند *

تا آن وقت مسیو مرنارد را ملاقات نکرده بودم بیست و نهم ژون (دوم رجب ۱۳۲۹)

(۱) «روبل» (منات) معادل با پنج قران و نیم تا شش قران و یک روپیه و «آه

تا دوازده آنه کورغنت با اختلاف اوقات می باشد *

(۲) «ریفل» تفنگهای خان دار است *

کابینه برای ختم و اتمام این مسئله حکمی به مسیو مرنارد نوشت که باید قانون سیزدهم ژون را (که تا آن زمان اطاعت نکرده بود) بعهده شناخته و متابعت نماید من رفعه به محشم السلطنه وزیر مالیه و معاون رئیس الوزرا نوشتم که دیگر نمی توانم به بیم کار با اینحال یافی باشد اگر برای قبول و اطاعت نمودن مسیو مرنارد تفوذ و اقتدار مجلس و قانونش را اقدامات فوری نشود مجبور خواهم بود که مستقیماً بمجلس راپورت نمایم *

دوم ژویه ۱۹۱۰ (پنجم رجب ۱۳۲۹) کابینه «مستعفی شد» ولی زود ملتفت شدم که علت غائی و غرض اصلی اعضاء کابینه از این استعفا تعطیل و التوائی جریان امور بود و مایل بودند که امور کابینه موافق دخواه خودشان باقی بماند «استغفای» کابینه در ایران صرف لفظ است و حقیقت صحیحی ندارد فقط دلالت بر این امر میکند که چند نفر از اعضاء کابینه از امری رنجیده و مکدر شده اند *

در این موقع وزیر مختار انگلیس اظهار کرد که من در این مناقشه با مسیو مرنارد شرکتی نداشته و این تشکیل و اختیارات راجعه بامور مالیه که در تنقید و اجرائش کوشش می نمایند موافق میل و دخواه منست *

ولی قشون بلجیکی گمرک تهدید میکنند که اگر بنا شود در تحت تفوذ و اقتدار خزانه دار کل در آیند در آن واحد همه مستعفی خواهد شد این تهدید بلجیکیها و رنجش و تهدیدات دولت روس کابینه دولت ایرانرا بسیار متزلزل و پریشان نمود علاوه بر این چند نفر از اعضاء کابینه که بطور یقین محشم السلطنه وزیر خارجه و معاون رئیس الوزرا هم جزو ایشان بوده بواسطه تهدیدات یا چون از تغییر و تصرف در طبقه سابقه مالیه چندان خوش نبودند بقسسی پریشان و مشوش خاطر شده که تقییری در مسلکشان (که در امور مالیه بکار می بردند) راه نمی یافت این صاحب منصب محترم کابینه چهارده هزار تومان برای حقوق خدمات دوره سابقه اش که موجب نگرفته مطالبه می نمود که چند سال قبل یکی از اعضاء کسیون تصفیه سرحد بندی ایران و عثمانی بوده است خلاصه کتری از ایرانیان بودند که چندی بخدمات دولتی مأمور شده و مطالبه حقوق خدمات مانیه خود را نمایند زیرا که ملت حق ناشناس قدرمدان قدر خدمات و زحمات ایشانرا شناخته و حقوقشان را نپرداخته بلکه اقلاً تشکری هم از ایشان نموده است *

آخر الامر هشتم ژویه (بازدهم رجب ۱۳۲۹) از مجلس هیئت وزراء حکمی صادر

شد که مسیو مرنارد باید خود را حاضر نموده و صراحةً بگوید که آیا برای اطاعت و تمکین از قانون سیزدهم ژون که نفوذ و اقتدار خزانه دار کل را بر تمام شعب مالیه و گمرک اعلان میکند (یعنی قانونیکه مفادش اقتدار خزانه دار است در تمام دوائر مالیه و گمرک) آماده است؟ مسیو مرنارد ساعت ده صبح حاضر شد بعد از گفتگوی بسیار شرحی از خدمات ما مورین بلجیکی گمرک و مشکلات عارضه بفرانسه بیان نمود و گفت «هرگونه تغییر در طریقه حاضره باعث پیشرفت امور گمرکی او خواهد بود و اظهار کرد که حقیقه ما خود مان هم هیچ وقت غرضی غیر از متابعت قانون نداشته ایم» معاون رئیس الوزرا بهین گفت «آیا شما هم میل دارید گفتگوئی بکنید؟» جواب دادم که بجهت این کار لغو بیجا بهیئت وزرا نیامده که از کسی بیروسم آیا مستخدم دولتی قانون آندوات را اطاعت میکند؟ ولی در صورتیکه چنانچه همه شنیدید خود مسیو مرنارد برای اطاعت و تسلیم قانون حاضر است دیگر احتیاج باین مذاکرات نخواهد بود بجز اینکه مشارالیه قانون را اطاعت نماید مسیوی موصوف فوراً با حسن خلقی تمام بطرف من توجه و شروع به تشریح حالت حاضره امور گمرکی و طریقه مداخله و تصرف در وجوه عایدی آن کرد من خیلی میل داشتم با مشارالیه در آن باب گفتگو تمام وعده نمود که صورت تمام پولهای ذخیره شده دولتی را که بیانگهای مختلفه برده برای من خواهد فرستاد و تمام وظائف و تکالیفی را که از طرف اداره خزانه برایش معین و نوشته شده با سر و جان قبول خواهد داشت *

در این موقع با ماژور استوکس (Major Stokes) «میلتیر آتسه» (مامور نظامی) دولت انگلیس ملاقات کرده و معرفی شدم دوره خدمت چهارساله ما مورین نظامیش در ایران فریب الاختتام بود بسیاری از مردم مرا از معاشرت با ماژور موصوف منع نموده و آگاهانیدند که مشارالیه جاسوس دولتین روس و انگلیس و دشمن سختی برای پیشرفت خیالات عالیله ملت ایران میباشد ماژور استوکس صاحب منصب فوج هندی انگلیس بود و زبان فارسی را می توانست بسهولة تمام بخواند و بنویسد و گفتگو نماید و چند مرتبه هم در داخله ایران مسافرت کرده و از عادات و اخلاق مردم ایران و نیز از عناصر بلجیکی مختلفه ولایات بصیرت و اطلاع کاملی داشت چون از مدت مدیدی بود که در صدد تشکیل یکدسته ژاندارمه مخصوصی بودم که مستقیماً در تحت اطاعت او آمر من بوده و ما مورین خزانه را در وصول اقسام عایدات مختلفه مالیه ممالک محروسه معاونت نمایند زیرا که ژاندارمهای موجوده دولت ایران همان قسمی که

دولت را در وصول مالیات امدادی نمودند همین قسم هم در خارج از طهران در صدد حیث و میل و تفریط مالیه بودند و علاوه بر این آنها هم مثل سایر طبقات افواج منظم ایران موهومی و فرضی و در تحت نظارت و سرپرستی وزارت داخله ایران منتها در تحت فرمان صاحب منصبان نظامی طهران بوده و با کسانی که سابق و راغب بودند که بنیاد مالیات مملکت را بر اساس رزین و معکنی قرار دهند هیچ علاقه و ارتباطی نداشتند پس خیلی لازم بود که دولت برای وصول مالیات در امکانه و نقاط خارج از پایتخت در چهار نقطه مهم بزرگ مثل تبریز و قزوین و اصفهان و شیراز دسته افواج منظمی بطرز جدید تشکیل دهد من مناسب دانستم یک دسته موسوم بژاندارمری خزانه تأسیس نمایم که در تحت فرمان خزانه دار بوده و جزء لاینفک اداره مرکزی خزانه باشند امید بود که باین رویه در ظرف مدت یکسال چند هزار قشون منظمی فراهم و برور ایام در ظرف چند سال این هیئت نظامی از ده بدوازده هزار و بیشتر رسیده و باین تدبیر وصول و جمع آوری تمام مالیاتهای دولتی سهل و آسان گشته و دوات بدانند چه مقدار وجه را باید وصول نمایند و رعایا هم تکلیف فرضی مالیاتی خودشان را بدانند که چه مبلغ باید بدهند دهاقین و فلاحین اهالی رنجور و کسبه و ملاکین جزء هیچگونه تفرّد و سرکشی از نادیه مالیات متعلقه بخود نداشتند لکن حالات و پیش آمدهای عجیب و مخصوصی آن مملکت متقاضی بود که قبل از آنکه دولت بطلبه و دیانت ما مورین مالیه قانع و مطمئن شود فوای لازمه خود را برای وصول مالیه جلوه دهد بعد از گفتگوی بسیار با ماژور استوکس یقین نمودم که مشارالیه بر حسب قاعده برای تعلیم و تربیت افسران و تالیفهای ژاندارمری خزانه بشود و مناسبتر از سایرین میباشد و نیز مطابعم شدم که مشارالیه مایل برفتن از ایران نیست زیرا که برای مستقبل ایران و زندگی جدیدش ذوق ساده خالصی داشت بدون رسمیت بطور ساده از او خواهش نمودم که ریاست ژاندارمری آینده خزانه را در تحت نگرانی و سرپرستی من قبول نماید بعد از آن مکتوبی بسر جارج بار کلی وزیر مختار انگلیس نوشتم که چنانچه سابقاً اظهار کرده بودم بسیار خوشوقت و مانم که پس از اختتام مدت خدمت میلتیر آتسه گی ماژور استوکس را بوسایل (عناوین) ممکنه برای تشکیل فوج ژاندارمری خزانه بکار دارم بعد از قدری مراسله و مکاتبه با سفارت بیست و دوم ژویه ۱۹۱۱ (بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹) وزیر مختار انگلیس کتباً اطلاع داد که بر حسب امر دولتی متبوعه اش «بر ماژور موصوف لازمست قبل از آنکه شغل

ریاست ژاندارمری خزانه را قبول کند از خدمت نظامی دولت هند انگلیس خود مستعفی شود « چون مذاکرات اولیه و قرار داد اصلیه اش هیچ اشاره باین نکته نشده بود که برای خدمت ژاندارمری خزانه باید اول از خدمت و منصبی که در فوج هندی انگلیس دارد استعفا نماید و چون ملازمت مشار الیه باین قسم (یعنی با داشتن خدمت نظامی هندی) آنهم سه ساله در انتظار ایرانپان غیر مطبوع واقع می شد بقین نمودم که چنانچه بر حسب اظهار دولت متبوعه اش مستعفی شود استعفای او قبول خواهد شد ماژور مشار الیه تلگرافاً مستعفی شد دو هفته بعد که ماگان میگردیم عملاً و معنای این معامله تصفیه یافته بسیار متعجب شدم که هشتم اوت (دوازدهم شعبان ۱۳۲۹) سفارت انگلیس صراحتاً بدولت ایران اطلاع داد که « اصرار در مستخدمی ماژور استوکس در صورتی قبول خواهد شد که در نقاط شمالی ایران مأمور نشود » و باین اطلاع حیرت انگیز فقره دیگری هم ضمیمه شده بود که « اگر دولت ایران برخلاف این صورت اصرار کند دولت انگلیس حقوق و دعاوی دولت روس را در باب اقداماتی که برای محافظت منافع (موهومه) خود در شمال ایران متاسب دانسته قبول و تسلیم خواهد نمود *

نوزدهم اوت (بیست و سوم شعبان ۱۳۲۹) « نویسن » (اعلان) دیگری فرستاده شد که تهدید و تنبیه هشتم (یعنی روز قبل) را تجدید و تاکید مینمود *

دولت انگلیس در موقعیکه برای مستخدمی سه ساله يك نفر از رعایایش آنهم در یکی از شعب یکی از دوائر دولتی ایران اظهار شده بود با کمال صحت و استقرار مشاعر غیر رسماً رضایت خود را اظهار نمود مشروط و معلق باین شرط که باید مشار الیه از خدمت سابقه فوج هندی انگلیس مستعفی شود ولی پس از وقوع مذاکرات مزبوره با کمال صداقت و بدون اینکه در مواقع قانونی دولتین اختلافی ظاهر شود و یا منافعشان نقصانی وارد آید دفعه از گفته خود نحاشی و امتناع ورزیده و وعده خود را بکلی فراموش نمود دولت انگلیس نه فقط از وعده و قرار داد اولیه خود استنکاف نمود بلکه با کمال اطمینان قباب و طیب خاطر با دولت اجنبی دیگری در این امر شرکت نمود که دولت ایران را تهدید و تخویف نماید که از حفظ حقوق حقه شاهنشاهی و استقلال خود صرف نظر نماید *

غرض من از انتخاب ماژور استوکس نه باین ملاحظه بود که مشار الیه رعیت انگلیس است بلکه برعکس نکته را که بکلی در نظر نداشتم همین مسئله بود فقط مقصود اصلی من این بود که در آن امر معظمی که در نظر داشتم مشار الیه لایق و سزاوار تر از سایر

شهید المیرزا محمد علی قزوینی



میرزا محمد علی قزوینی



میرزا محمد علی قزوینی



میرزا محمد علی قزوینی



میرزا محمد علی قزوینی



میرزا محمد علی قزوینی

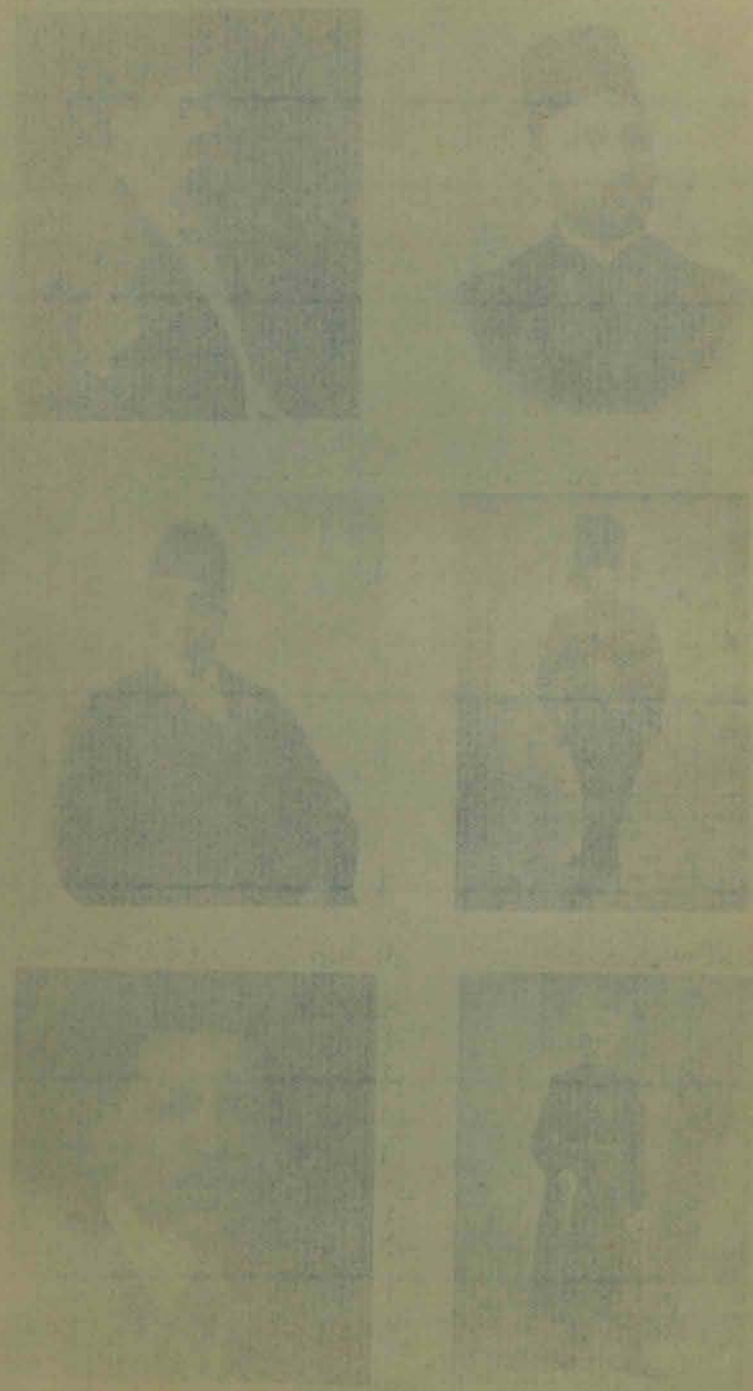


کسانی بود که برای انجام آن خدمت حاضر شده بودند و نیز در تسریع و تکمیل نظم جدید امور مالییه ایران اهمیت نامی داشت این ژاندارمری خزانه که ما در صدد تشکیل آن بودیم نه فقط برای نمایش «فرم» لباس بلکه جزء لازم و مهم نظم امور مالییه بود زیرا که بدون داشتن افواج مشق آموخته ماهر کامل السلاح بجهت معاونت مأمورین مالییه و ابقاء نظم و انتظام شایسته سزاواری در ولایات و اقطار بعیده هیچگونه امید وصول مالیاتی نبود برای من بخوبی امکان داشت از آشنایان خود که از صاحب منصبان «پش» شده و موظف افواج ممالک اتا زونی امریکا بودند جاب و مستخدم نمایم و هر کاری که میخواستم می توانستم با ایشان رجوع نمایم ولی ماژور استوکس میتواند بخوبی از عهده این امر بر آید و تجربیات و لیاقتها را دارا بود که اشخاص دیگر دارا نبوده و از عهده بیرون نمی آمدند اگر چه بهر درجه هم هوشیار و زیرک بوده باشند باین مناسبت خیال استخدام مشارالیه را داشتم تا امروز هم مطلقاً نتوانستم انکشاف نمایم که در شمال ایران چه فوائد غیر معینه بود که دولتین انگلیس و روس بحفاظت آن اصرار داشتند بر واضح و آشکار است که انگلیس و روس تشریح و توضیحی از منافع خود در معاهده ۱۹۰۷ نه نموده و دولت ایران هم از آن اطلاعی نداشت حتی خود دولت انگلیس هم تا بیست و دوم ژوئیه ۱۹۱۱ (بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹) از آن منافع مطلع نبوده والا چگونه می شد دولت انگلیس استعقای ماژور استوکس را از ملازمت فوج هندیش قبول نماید تا مشارالیه بتواند معاهده و قرارداد خود را امضاء نموده و من هم شغل ریاست ژاندارمری فوج خزانه را باو بسپارم *

این مسئله را هم بجهت تکمیل تاریخ باید ذکر نمود نوزدهم اوت ۱۹۱۱ (بیست و سوم شعبان ۱۳۲۹) سفارت روس یادداشتی مطابق شرح ذیل بوزارتخارجیه ایران نوشت *

« بواسطه عال و موافیکه از چندی قبل برای دولت امیر اطوری روس واضح و مسلم شده مأموریت ماژور استوکس را بر ریاست فوج مسلحی که موسوم به ژاندارمری و برای وصول مالیات است با منافع خود مناسب نمی دانند من مأمورم که نسبت باین انتخاب «پروتست» نمایم که اگر دولت ایران باین اظهار اعتنا ننماید دولت امیر اطوری روس حق خواهد داشت که در شمال ایران مسلک و تدابیری که بنظر خود برای محافظت حقوق خویش لازم بداند اختیار کند *

همین که از اولین مراسله سفارت انگلیس بدولت ایران اطلاع یافتیم خیالات خود



را بر حسب تفصیل ذیل کتباً بوزیر مختار انگلیس اظهار داشتیم *

من اجازه میخواهم که در این امر مهم بدون رسمیت کتباً اطلاع دهم از مضمون انتباه نامه که از طرف دولت متبوعه شما بوزیر خارجه ایران امروز عصر رسیده بسیار متعجب گردیدم که مفاد آن برخلاف انتخاب مازور استوکس به سمت مستخدمی خزانه بود یقین دارم که تاکنون از حقیقت مجاری این مقدمه کاملاً مستحضر شده اند و لازم باطن او تکرار نخواهد بود نظر بمفاد مراسله که حسب الامر دولت متبوعه خود در بیست و دوم ژوئیه گذشته بن نوشته بودند بدین مضمون که مازور استوکس در صورتی می تواند این خدمت را قبول نماید که از خدمت فوج هندوستانش استعفا نماید علت اختلاف بین و آشکاری که از این مراسله امروزه ظاهر می شود تصور و تعقل نمی توان نمود *

دولت شما از شرکت آتی و بی مقدمه خود با دولت دیگر برای منع دولت ایران از مراعات حقوق مسلمه خود می تواند موقعاً که در انتظار اهالی ایران برای من حاصل شده بخوبی تصور و مقایسه نماید در صورتیکه خود آندو دولت با کمال احترام حفظ آزادی و استقلال دولت ایران را متفقاً و منفرداً اعتراف و تصدیق (ضمانت) نموده اند * خیالات و احساسات شخصی من چندان اهمیتی ندارد ولی موفق شدن یا نا کامیابی من در این شغل مهم برای خود ایرانیان که امور مالیاتی خود را بدست من سپرده اند و هم در انظار هموطنانم بسیار اهمیت خواهد داشت که طبعاً دلچسپی و میل مغرطی بوفوق شدنم اظهار می نمایند *

قبل از آنکه این شغل را قبول کنم یقین قطعی صریح داشتم که هیچ يك از دولتین معظمین که در این مملکت منافع و اغراض مخصوصه دارند اعتراضی به قبول من نخواهند داشت و بی شبهه همچو اظهاری (اگر هم میکردند) بکلی بی معنی و بی اصل نبوده * من مطمئنم که هیچ کس بهتر از خود شما از این امر مطلع نخواهد بود که انتخاب مازور استوکس ابداً تعلقی بمقاصد پلتیکی نداشته و هیچگونه غرضی در بین غیباشد و هیچ شخص عاقل مآل اندیشی نسبت بن گان نخواهد کرد که بوسیله خدعه های پلتیکی او آده نفوذ در امور این مملکت داشته باشم زیرا که در انظار مردم همجواری آده را تمسخر نموده و نتیجه اش خلل و فساد کلی در امور من خواهد بود *

در اینصورت این را حمل بجه میتوان کرد وقتی اولین قدمیکه که در این امر مهم

برای نظم و اصلاح این پریشانی و بی نظمیها بر میدارم می بینم آندو دولتی که کراً « برای ترقی و ترفیه حال این مملکت و اهالی ستمدیده اش که من میخواهم خدمتی بایشان نمایم اظهار خواهش صادقانه نموده اند همانند دولت ممانعت و مخالفت از وعده های خود مینمایند *

آیا وزارت خارجه شما بخوبی میتواند تصور نماید درجه و میزان مخالفتی را که در این معامله اختیار نموده و از این سبک و مسلک بسیار جدید که فقط برای نا کامیابی من اختیار شده در اذهان ایرانیان چه می نشیند علاوه بر این مجبور میباشم که در این امر مهم از هر گونه معاونت دوستانه اخلاقی دولت شما مأیوس شده و متوقع هیچ قسم همراهی نباشم *

اگر در این مملکت هم مانند سایر ممالک متحدنه مردمان عالم تربیت شده تجربه آموخته قابل بسیار می بود نتیجه این اعتراض شما اگر چه اصولش صحیح نیست ولی چندان بد نبود و لکن چنانچه خود شما میدانید در این مملکت که اشخاص کار دان کیاب و نادر است اختیار این مسلک ماحی مساعی و مواقع کامیابی من میباشد *

امیدوار و مطمئن میباشم که دولت متبوعه شما بوضعی در این امر رفتار نموده و مسئله فوق را باین نظر ملاحظه نماید قطع نظر از اینکه مراحه بگویم اینگونه مداخلات در معاملات داخلی ایران و امور معموله مالیه اش که من برای نظم و اصلاح آن کوشش میکنم بکلی مداخله غیر مطلوبه است *

احساس میکنم مجبوریت این امر را که بواسطه مکاتبات عمومی و توضیحات رسمی راجع باین معاملات از بدو ورودم بطهران هموطنان عزیز خود را کاملاً مطلع گردانم مناسب نیست که اظهار تاسف از اینگونه اقدامات تمام ولی بین دول و افراد مردم معاملات منصفانه هم وجود خارجی داشته و معمول به میباشد در این معامله احساس مینمایم که بی شبهه تجربیات خود بدرجه کافی و ظاهر است که بهیچ قسم سزاوار تجربه و آزمایش نیست *

از مشاهده این حالات واضح و آشکار میشود که معاهده ۱۹۰۷ از جهت عبارت علقه و ارتباطی با استخدام مازور استوکس در معاونت خزانه دار نداشته مگر اینکه حقیقه تیاثر مسخره آمیز مردم فریبی باشد *

زیرا که اولاً در تمهید معاهده مزبوره چنانچه روز نامه ورلد (world) منطبعه

لندن نگاشته و تصدیق میکند که دولتین روس و انگلیس متفقاً احترام استقلال و آزادی شهنشاهی ایران را معاهده میکنند و خواهشهای صادقانه امضاء کنندگان را که روس و انگلیس باشند برای حفظ و بقاء نظم در تمام مملکت و تکمیل مراتب دوستی و صلح طلبی اظهار میکنند آیا یکی از اصول استقلال و شهنشاهی این نیست که اگر بخواهد امور داخلی خود را مطابق قانون بین المللی نظم دهد حق داشته باشد که افسران بیگانه و خودی را در مملکت خود مقرر کند؟ آیا این حق را از این حدود خارج میتوان تصور نمود؟ و آیا باعث سلب اقتدار امیر اطوریس در آن ملک نخواهد بود؟ ثانیاً مفاد ساده آن عهدنامه این است که هیچیک از آن دو دولت امضا کننده نباید امتیاز یا تکیه یا تجارتی، مثل امتیاز راه آهن و بانک و تلگراف و شوارع و حمل و نقل (شوسه) و بیمه و غیره برای خود یا حمایت رعابای خود در منطقه نفوذ دولت دیگر بخواهد ولی این معامله معامله امتیازی نبود و ماژور استوکس هم نه عنوان بانک داشت و نه امتیاز راه آهنهای پلنیکی یا تجارتی و قبول نمودن مشارالیه بخشی خود و طیب خاطر خدمت دولت ایران را هم تعبیر و تفسیر بخواهد یا حمایت دولت انگلیس نمیتوان نمود *

مخالطه دوم آن دو دولت این بود که خود وزارت خارجه انگلیس هیچگاه تقرر ماژور استوکس را تا وقتی که روسها او را باین خیال متوجه ساختند مخالف با اصول عهد نامه خود تصور نکردند شهادت صحت و واقعیت این امر همان است که فوق ذکر شد * دولت ایران می توانست بتوی اظهار نماید در صورتی که عبارت آن عهد نامه علاوه بر مفادش صاف و واضح می باشد مفهوم آن محتاج به تفسیر نخواهد بود *

معامله و رفتار بکه دولت انگلیس نسبت بدولت ایران و خزانه دارش نمود اگر بین مردم واقع می شد دور از صداقت و دیانت بشمار میرفت سرادوارد گری وزیر خارجه انگلیس چند مرتبه کوشش نمود که مسلک خود را توضیح نماید که اجازه دادن بدولت ایران در خصوص استخدام ماژور استوکس مبدا مخالف با مفاد یا مقصد عهدنامه ۱۹۰۷ انگلیس و روس باشد از استعمال کلمه مفاد یا مقصد صراحة ثابت میشود که در عبارات عهد نامه مزبوره کلمه نبوده که مستلزم این تعبیر بوده باشد علاوه بر این سوال سزاوار نخواهد بود که اگر استخدام ماژور استوکس منافی با آن عهد نامه بود چرا وزارت خارجه انگلیس این نقاضت و منافات را در ابتداء این معامله تصور نمود؟ آیا وزارت خارجه انگلیس چگونه این معامله را مشروط باستعفای ماژور موصوف

از خدمت نظامی قوج هند قبول نمود حقیقت واقع این است که چون روزنامه های نیم رسمی روس خصوصاً نووورومیا در خصوص تفرر ماژور مزبور بنای هیاهو داد و فرباد را گذارده در صورتی که بدون شبهه آن آوازه با اشاره وزارت خارجه سنت بطرسبرگ بلند شده بود خصوصاً که در اروپا در آنوقت کشمکش مسئله صراکو در میان بوده و خیلی شدت داشت سرادوارد گری ظاهراً خود را مجبور یافت که بهانه امتیاز و اختیار کند که بتواند از وعده خود درباره اجازه دادن ملازمت ماژور استوکس طفره بزند باین احتیال که میباید مرتکب امری شده باشد که باعث ونجش دولت روس شود زیرا که بی شبهه در صورت وقوع پیش آمده های ناگوار با آلمان مشارالیه توقع حمایت از دولت روس داشت در این موقع بود که مفاد و مفهوم عجیب و نوظهور آن عهد نامه کشف شد که دولتین متعاهدین بتوانند بدان وسیله اصلاحاتی را که دولت ایران در نظر دارد تعبیر بسلب منافع از خود در آورده خود بنمایند در صورتیکه قطعاً بیان و تشریح آن منافع در عهد نامه نشده بود *

روز بکشنبه نهم ژویه (دوازدهم رجب ۱۳۲۹) سپهبدار بی سرو صدا وارد طهران شده و در خانه خود نشست و در را بروی اغیار بسته و بیچند نفر از دوستان صمیمی محترم خود از مردم رو پنهان نمود شهرت یافت که مقصود او این بود که اقدام سختی برخلاف مجلس و خزانه دار نماید سپهبدار اظهار کرد تمام حقوق و اقتداراتی را که در سنه ۱۹۰۹ بزور شمشیر سپهسالاری افواج ملی تحصیل نموده خزانه دار کل آنها را سلب کرده است در خلال اینحال شاهزاده سالار الدوله برادر شاه مخلوع از قسمت آسیای عثمانی از حوالی بغداد داخل ایران گردیده و عشایر را کرد را دور خود جمع می نمود که حمله دیگر برای استقرار خود به سلطنت ایران بنماید افواج دولتی در حدود میدان کلیه ناب مقاومت نیاورده و در آن موقع کار بقسسی خطرناک شد که مجبور شدم که بوالا حضرت نایب السلطنه اظهار نمایم که اگر تدارک کافی برای جلوگیری از آن حرکت راه زنانه دیده نشود منتهج به نتائج وخیمه خواهد شد *

چون مسبب مرناورد تا اول ژویه (چهارم رجب ۱۳۲۹) وعده خود را وفا ننموده و بقابای و جوه فاضله گمرگیرا که بیانک سپرده بود بن رد نکرد مراسله مجلس بیلافیش که در خارج طهران واقع بود نوشته و تلفونی نیز نمودم که اگر تا ساعت چهار بعد از ظهر همان روز بقابای و جوه نقدی گمرکی را باسم من منتقل ننماید مجبور خواهم شد

که انکار او را مجلس را بمرت کرده و سلوک و رفتارش را برخلاف وعده حمل کم قدری بعد از تلفون و قبل از آنکه مکتوبی که بنوسط یکفر سواره ژاندارمه فرستاده بودم باو برسد تلفون کرد که وجوه گمریکه در بانک است بوجب همین صورت تلفون دریافت نموده و بقبضه تصرف خود بگیرد *

سیزدهم ژویه (شانزدهم رجب ۱۳۲۹) باحتمال اینکه میادا بانک استقراضی روس اقدامات خزانه دار را مسلم نداشته و مبلغ معنیه عایدات گمرکی را که در تصرف خود دارد تحویل نماید و از این رو تأدیه قسط قرض روس و سود آن بعهده تأخیر افتد مسبودایه متوپولیس (M. Deamantopoulos) رئیس موفی بانک را ملاقات کردم معلوم شد آن انتقال وجوه در دفاتر بانک هم ثبت شده و از آن مبلغ قسط طلب خود را برداشته و باقی را بر حسب فرار داد سابق باسم خزانه دار کلی بجمع دولت آورده بود *

تا آن زمان مجلس بیشتری از پیشنهاد های مرا تصویب نموده بود خصوصاً استخدام جمع کشوری امریکائی برای معاونت در امور خزانه مطابق معاهده که بعد از آن تاریخ فرار داد می شد من سعی و کوشش میکردم که اشخاص درستی را برای این کار انتخاب و جلب نمایم چند روز بعد مراسلات متعدده از سفارت انگلیس رسیده و استفسار از رضایت من در خصوص استخدام یککنفر صاحب منصب سویدی برای ریاست ژاندارمری خزانه و باستخدام مائور استوکس فقط در منطقه جنوبی ایران شده بود قبول هیچیک از آن دورای چندان قیمت صحیحی نداشته و بحال خزانه نافع نبود زیرا که اولاً صاحب منصب سویدی نه از زبان مملکت واقف بوده و نه از جغرافیای آن ثانیاً قبول شق ثانی بکلی منافی با امتناع دولت ایران از شناختن تقسیم مملکت بتطقه های نفوذ بود بدون شبهه یکی از اشکالات بزرگ که مانع از کوشش و پیشرفت های من شده بود همان پیروی و اطاعت حکم مجلس بود که بوجب آن این فرار داد مائور استوکس را مشروط بدین شرط قبول نمایم و اگر بهمان قسمی که دولت انگلیس خواست کرده اقدام بدان امر مینمودم یعنی بمأوریت استوکس فقط در منطقه جنوبی راضی می شدم خوف این میزفت که رسماً منطقه های نفوذ مفروضه را که دولتین روس و انگلیس سعی می کردند که دولت ایران را مجبور بقبول آن گردانند اعتراف و قبول کرده باشم *

هفدهم ژویه (بیستم رجب ۱۳۲۹) مراسله را دیدم که وزیر مختار انگلیس مقیم

طهران یکی از صاحب منصبان دیگر دیپلماتی ایران نوشته و متضمن مضمون تلگرافی بود که وزارت خارجه انگلیس طهران مخایره نموده بود که در معاملات راجعه بعایدات گمرکی با دولت روس موافقت نماید و از بجزای موثقی اطلاع حاصل نمودم که سر ادوارد گری مکتوبی بوزیر مختار انگلیس نوشته که موقع و حالات عمومی اروپا (مسئله مراکش) بنوعی واقف شده که خود را مجبور به آن اقدام دیده بود شنیدم که سفیر انگلیس از مراسله مزبوره خیلی پریشان شده و خود را مجبور دید که مضمون آن نوشته را بسفرای دیگر (یعنی وزیر مختار روس اطلاع دهد) *

هیجدهم ژویه (بیست و یکم رجب ۱۳۲۹) در موقعیکه به تحصیل اطلاع از منبع و مأخذ های مالیات دولتی شروع نموده بودم دفعه یک پیچیدگی جدید پریشان کنی نمودار گشت دیری از شب گذشته بود تلگرافی بن رسید که در همان روز محمد علی با چند تن از متابعینش که در ادسا تحت حمایت و نگرانی روسها بوده از قمش تپه که نزدیک بسر حد روسیه و در ساحل بحر خزر واقع است وارد ایران گردیده (۱) این خبر ناگهانی

(۱) وقایع نگار تمس و رود محمد علی میرزا را بتاریخ هیجدهم ژویه (بیست و یکم رجب ۱۳۲۹) چنین می نگارد: « محمد علی شاه مخلوع با شش نفر از همراهانش به قمش تپه فرود آمده است و منجمه از همراهان او برادرش شعاع السلطنه و آن شخص معروف بامیر بهادر چنگ میباشد احتمال می رود که تا روز پنجشنبه بجانب استرآباد که حاکم ندارد رهسپار شود از وقتیکه شاه مخلوع علی الظاهر بزم و بنه و کارلر باو حرکت نموده در این جا افواهاات بی دری شیوع یافته که بهمین نزدیکی مراجعت بایران خواهد نمود *

دولت ایران توجه دولت روس را بپنجاب این امر منعطف نموده وهم ورود ارشدالدوله « آگنت » (وکیل) شاه را که در این اوقات چنانچه شهرت دارد با تذکره جعلی و مقدار زیادی تفنگ و فشنگ از باد کوبه عبور کرده بدولت روس اظهار داشته اند دولت روس از دادن هر قسم کمک و معاونت دولت ایران انکار و امتناع نموده ارشدالدوله هم بحدود ترکانه رهسپار شده *

متجاوز از یک سال است آتربک و سازش شاه مخلوع باآرا که جاری میباشد دولت روس بواسطه « پرونگال » (صورت مجلس ۱۹۰۹) با دولت ایران راجع به تأدیه قسط سه ماهه محمد علی مجبور و ملزم شده که از آن آنریکها بمانعت نماید و فرار شد که در صورت وقوع چنین امری (یعنی مداخله شاه مخلوع در امور ایران و سازش با ابلات)

مثل شهاب تاقیبی بود که متضمن حیرت و استعجاب فوق العاده گردید زیرا از وقتی که سالار الدوله برادر شاه مخلوع از طرف حدود غربی وارد ایران شده و شهرهای بی اصل و روید محمد علی از حد تجاوز نموده بود اهل طهران تصور و باور نمی کردند که دولت روس همچو جراتی بنماید که با معاهده محکی که دو سال قبل با دولت انگلیس و ایران نموده علناً تقاضت و مخالفت کند *

وظیفه وی توقیف و بکلی قطع شود با این حال شاه مخلوع با کشتی روسی وارد ایران شده و شیوع کامل دارد که حرکات او در روسیه از ما مورین دولتی آنجا مخفی نبوده است * در دوائر روسی اینجا علناً از مراجعت شاه مخلوع اظهار مسرت نموده و ورود او را با کمال اطمینان اظهار میدارند *

علی الظاهر همچو پنداشته اند که اهالی ایران از مجلس بکلی متاثر و بیزار شده و گاشنگان و وکلاء شاه حمایت شاه سوندها و ترا که را برای خود تحصیل نموده اند و برادرش سالار الدوله از کردستان بجمایت او برخواسنه و سپیدار هم در طهران از عود ترتیبات استبداد بی میل نمی باشد و مسافرت جدید برشت نیز شاهد اثبات همین مدعا است از این خیالات معلوم میشود که ایشان از این اتحاد حیرت انگیزی که مجلس و مطابع بواسطه استشام رایحه این خطر بتازکی اظهار داشته غفلت نموده اند و در وفاداری و صداقت هزار و دو بست نفر بختیاری که در طهران می باشند نسبت ب مجلس نیز شکی نیست اگر این امر دوامی پیدا کرده و کار بهمین پایه بماند احتمال نمیرود که شاه مخلوع بمقدود خود نائل شود علاوه دو چار صعوبت و مشکلات بسیار خواهد شد و تخطی ترا که و شاه سوندها نیز از نقاط مسکونی خود مشکل بنظر می آید : و علاوه بر این معلوم نیست کمک یولی از کجا ب محمد علی و اتباعش خواهد رسید *



— «*» باب چهارم «*» —

اقدام و کوشش محمد علی میرزا شاه مخلوع برای استرداد بدست آوردن سلطنت ایران آتوریک و سازشها و اغراض روس اقدامات نظامی بر خلاف شاه مخلوع و برادرانش فتوحات و کامیابی افواج ملی مغلوب و مقتول شدن ارشد الدوله *
سابقاً راجع بپورود محمد علی در قمش تیه ذکر شد که تا شششنبه (یعنی دو روز بعد) وارد استر آباد خواهد گردید *

نوزدهم ژویه ۱۹۱۱ (بیست و دوم رجب ۱۳۲۹) یعنی روز بعد از وصول آن خبر جمیع پارتیها و احزاب سیاسی مجتمع شده و یک کابینه متفق علیهمی مشتمل بر اشخاص ذیل تجلس معرفی شده و تصویب گردید *

سپهدار: رئیس الوزراء (بدون دفتر و قلمدان وزارت) مصمصم السلطنه: (بزوک بختیار بیا) وزیر جنگ و ثوق الدوله: وزیر داخله قوام السلطنه: (برادر وثوق الدوله وزیر عدلیه مشیر الدوله: وزیر وزیر هست و تلگراف حکیم الملک: وزیر علوم و معارف معاون الدوله: وزیر مالیه محشم السلطنه: وزیر خارجه *

مجلس از همان شب قانون نظامی سختی تصویب و مجرا داشت که از حالت محاصره خیر مبداد و اجراء آن قانون را بعهده و اختیار مثبت وزراء و وزیر جنگ موکول نمود *
با وجود آن اظهار جرأت آمیز دلیرانه نمایندگان اضطراب و وحشت فوق العاده در تمام نقاط طهران مشاهده میشد ملتین خائف بودند که مبادا روسها باز میخواهند شاه مخلوع را معاودت داده و دوباره او را بروی کار آورده و شهر را بدست طوائف ترکان که همراه او میباشند بیاد غارت دهند طرفداران شاه یعنی آن عنصر های ارتجاعی نیز خائف بودند که مبادا ملین از ایشان انتقام کشیده و هر وقت که موقعی بدست یابا ورنند آنها را حبس و زجر نمایند *

در این موقع در ایران هیچ قشون و افواجی موجود نبود مگر در دفتر وزارت جنگ ژاندارمه و پولیس پایتخت هم بیشتر از هزار و هشتصد نفر نبوده و آنها هم کامل السلاح

نبودند فی الحقیقه تمام آن پولیس و ژاندارمه برای نگاهداشتن نظم داخله طهران لازم بود *

اخبار متواتری رسید که ترکانه دسته دسته در حدود شمال شرقی ایران در نعت بیوق شاه مخلوع جمع میشوند و عموماً خوف آن میرفت که در ظرف چند هفته بدرواز شهر برسند *

سالار الدوله برادر شاه هم از حدود همدان شروع به پیش آمدن گدارده بود و همچو شهرت داشت که چندین هزار نفر عشایر اکراد را دور خود جمع نموده است کابینه جدید ایران هم در مقابل آن خطرهای دوپهلوی متزلزل بود *

دولت ایران تا آن وقت با آن فشارهای مترانده متوالیه تا یک درجه با استقامت و استقلال کار میکرد ولی مائین و دستگاه کارخانهای دولتی شروع بکند شدن گدارده و در ظرف چند روز حکومتی باقی نماند بیزعه قلیلی از مردم که پیش آمده و خود را بجهت محافظت و نگاهداری مشروطه و اقدامات لازمه فوری برای دفع بلوائیاتی که دولت را تهدید کرده ظاهر میداشتند *

رئیس همه آنها یفرم خان رئیس پلیس و ژاندارمه طهران که ذکرش سابقاً گذشت بود یفرم خان ارمنی و از اهل آن قسمت از ارمنستان که در تحت تصرف عثمانی است بوده و چند سال قبل از آن برشت آمده و در آنجا رشته تجارت مختصری داشت از سابقه حالات او بسیار کم مطلع می باشم ولی اعتقاد عموم این بود که آن کسیکه با اسم یفرم خان موسوم است بمنزله سر و کردن مهم عساکر ملی که از سمت رشت روانه شدند بوده و سپهدار اعظم برای آنها فقط صورت منرسکی بود *

بعد از آنکه در سنه ۱۹۰۹ طهران را بقبضه تصرف خود در آورده و دولت مشروطه را معاودت دادند یفرم بر بابت اداره نظمیه و پلیس پانخت ما مورشد مسئولیت و عظمت این منصب در ایران خیلی بیشتر از آن اهمیت است که مابین ملل متمدنه معمول میباشد *

یفرم خان در خلال مدت خدمتش بکدسته نوج مسلح منظمی که در هیچ زمان دولت مشروطه مثل آترادار نبود تشکیل داده و نگاه داشت و بمعاونت فوج مزبور توانست که نظم عمومی را در شهر برقرار بدارد و این قابلیت را هم داشت که مردم را بطرف خود جذب و جلب نموده رضایت و وفاداری آنها را باقی و پایدار بدارد با وجود

تعلیم و تحصیل محدودش بسیار صاحب تدبیر و بدون شبهه باعلی درجه داری جریزه و ایانت نظامی و بی اندازه متهور و بی باک بود *

در این بحرانیکه ایرانیان به آن دوچار شده بودند یفرم خیلی زود ترفی کرده و از طراز اول بشار میرفت *

اگرچه در نظر مسلمانان مسیحی و کافر بود ولی با این نقص بزرگ و حسادتهائیکه اکثر مردم نسبت باو داشتند اقتدار و نفوذ بزرگی برای خود جلب کرده و این هم مسلم بود که علاوه بر محافظت شهر دولت مشروطه را نیز از خطرات قشون شاه مخلوع نجات و خلاصی داد *

اثر و نتیجه آن اعلان قانون نظامی این شد که نوزدهم ژویه (بیست و دوم رجب ۱۳۲۹) صمصام السلطنه بمناسبت اینکه وزیر جنگ بود حاکم نظامی طهران گردیده و باین وسیله حیات و محیات تمام هموطنان را بقبضه اختیار خود در آورد *

اولین اقدامیکه اظهار نمود این بود که عدده کثیری از ارتجاعیون و سازشیان معروف که بعد از شاه مخلوع باقی مانده و بواسطه مخالفت و ضد بینی که با اساس و پیشرفت دولت مشروطه نموده اند باید دستگیر شوند کابینه فرستی که مشتمل بر اسامی سی یا چهل نفر از همان طبقه اشخاص بود مرتب نمود و بتایب السلطنه اراده و به یفرم داده شد که آنها را دستگیر نماید *

بیستم ژویه (بیست و سوم رجب ۱۳۲۹) نایب السلطنه سرا طلبیده و تا دیر زمانی در آن باب مذاکره و صحبت میکردیم من رأی دادم که باید فوراً قشونی از طهران بمقابل شاه مخلوع فرستاده شود تا اشخاصیکه در طهران و سایر نقاط مایل باین ترتیبات جدید نبوده و مطمئن میباشند که هیچ دفاعی از طرف دولت نخواهد شد سر جای خود نشسته و در ایشان تاثیر کند نایب السلطنه این رأی مرا پسندیده و امر نمود که بین صمصام السلطنه و یفرم و من در این باب شور شود این نکته را هم بتایب السلطنه خاطر نشان کردم که مجلس را و ادار نماید که قانونی در خصوص اعدام یا دستگیر نمودن شاه مطرود و برادرانش که برای مخالفت با دولت مسلح شده اند نافذ و مجرا داشته و برای هر گس که آنها را معدوم و یا زنده دستگیر کند جایزه و انعام بزرگی معین نماید والا حضرت این خیال را هم خیلی پسندیده و وعده نمود که بکابینه و مجلس سفارش آیکیدی نماید که آترامجرا و معمول بدارند نایب السلطنه این مطلب را نیز بیان نمود که عدده از

ارتجاعیون بسیار بد نام را در همین یکی دو روزه یازم گرفتار خواهد نمود من رأی دادم که این کار باید فوراً صورت بگیرد چرا که هر روز شك و خوف و پریشانی خاطر عموم زیادتر میشود *

آن روز صبح بطریق بسیار محرمانه مطلع شدم که مکتوبی از طرف دولت انگلیس سفارت دولت مزبور در طهران باین مضمون رسیده بود که دولت انگلیس در باره اجازه دادن دولت روس شاه مخلوع را برای تحصیل و استرداد سلطنت بواسطه نقص معاهده و خلف وعده های شاه و تخلف از شرایط رسامه صورت مجلسی که بین دولت مشروطه و آندو دولت در سپتامبر ۱۹۰۹ امضاء شده بود معارضه و پروتست خواهد کرد لهذا با کمال اطمینان بنایب السلطنه اظهار نمودم که دولت انگلیس نمی تواند از این عهد شکنی علنی محمد علی اعراض کند و گفتم که شما می نویسد مطمئن بشوید که دولت انگلیس هم این اقدام ناپسند را بطریقی اطلاع خواهد داد حضرت ایشان از تقریر من خیلی مطمئن شدند *

همان شب تلگرافی از محمد علی برای سپهدار رسید و باو حکم نموده بود که حکومت طهران را بقبضه تصرف گرفته و تنظیم امور آنجا را تا ورود وی برقرار دارد سپهدار ما بین مردم انتشار داد که بشاه مخلوع تلگراف ذیل را جواباً بخارده نموده است :-
« ملت هیتجگاه زیر بار حکمرانی شما نخواهد رفت » ولی این مسئله بسیار محل تردید بود که آیا سپهدار همچو تلگرافی کرده است یا نه ؟ *

در آن موقع آشکار شد که بعضی از اعضاء کابینه با شمولیت سپهدار و محتشم السلطنه و معاون الدوله هم خود را برای مدافعه شاه مصروف نموده بودند سپهدار ساکانه در عمارت بیلاقی خود در شمیران که خارج از شهر بود مقیم شده و روز بروز اجراء احکام یفرم را راجع بدستگیری مستبدین بتأخیر می انداخت اهل طهران فوراً از مخالفت سپهدار ظنین شده و کابینه هم حقیقتاً باقی نمانده بود *

بیست و یکم ژویه (بیست و چهارم رجب ۱۳۲۹) با صمصام السلطنه در آن باب صحبت داشتم ابهتان اظهار نمودند که دو هزار نفر از ایل بختیاری مأور شده که فوراً در اصفهان جمع و حاضر حرکت بسمت طهران شوند برای حرکت همچو فوجی و رسیدن نشان بطهران تقریباً ده روز وقت لازم بود من برای خان بختیاری که حاکم اصفهان بود بجهت مصارف ابتدائی حرکت بختیاریها تلگرافاً بولی برات نمودم صمصام السلطنه

نیز وعده کرد که بکابینه و مجلس اصرار نماید که مبلغ صد هزار تومان برای قیمت جان محمد علی و بیست و پنج هزار تومان برای هر یکی از برادرانش شاهزاده سالار الدوله و شاهزاده شعاع السلطنه معین نمایند وزیر جنگ باندازه مایل و شایق باجراه این امر بود که اظهار داشت در صورتیکه مجلس تردید با تأملی در تصویب و تأدیه این میزان داشته باشد از املاک شخصی خود فراهم خواهد نمود *

صمصام السلطنه سناً بین شصت و هفتاد و شخص بلند و مستقیم القامه و مختصر تحصیلی هم نموده بود لکن نخوت و رعونت شخصی زیادی داشت در صورتیکه قلب او بسیار ساده و بیچگانه بود ولی نیت خوبی داشت و با این حال بسیار زود از آثر بکهای برادران و خویشان خود فریب خورده و در تحت اثر سازشهای ایشان میرفت در آن موقع احساس سختی از مسئولیتهای فوق العاده که بدمه او تعلق گرفته بود نموده و بسیار مایل بود که فرائض خود را بطریقه بسندیده انجام دهد برادر او سردار اسعد چند وقت قبل از آن با اروپا رفته و بدین جهت صمصام السلطنه در ایران رئیس ایل بختیاری بشمار میرفت *

در بین صحبت بن گفت که بدرجه دل بستگی و میل بشروطیت دارم که امروز صبح بنایب السلطنه گفتم که خوبست مرا علی الظاهر بیست سفارت نزد محمد علی روانه بکنید که بعد از ملاقات طیانچه بسینه او گذارده و او را بکشم و نیز اظهار نمود که « من مرد پیری هستم و بسیار مایلم که جان خود را برای پیشرفت اساس مشروطیت تقدیم نمایم در صورتیکه بتوانم وطن خود را از وجود آن ظالم بیبیک ناپاک پاک کنم بقدا نمودن جان خود حاضریم » ولی نایب السلطنه این نقشه را رد نموده و نه بسندیدند *

بعد از آن صمصام السلطنه از من سوال نمود که آیا بمناسبت حکومت نظامیست حق و اقتدار دارد که وجهی برای مصارف دفاع و جلوگیری از مفاسد عمومی بحرف برساند ؟ وقتیکه باو گفتم قانون اینگونه اقتدار را بشما داده خواهش نمود که صد هزار تومان بین اشخاصیکه برای اعدام محمد علی و برادرانش فرستاده می شوند تقسیم نماید جواب دادم که بعقیده من اینگونه اقدامات وظیفه اداره نظام و پلیس میباشد مشار الیه نسبت سپهدار و محتشم السلطنه و معاون الدوله ندیم اطمینان خود را اظهار داشت و متقابل شد که از آن بعد مواجب افواج مرکزی را در طهران از خودش شخصاً ادا نماید یعنی بعد از دیدن سان حقیقی نه فقط بصرف صورت حساب و فرد هائی که

مستوفیان نظام و وزارت جنگ می نوشتند. عبارة اخیری این چهل و دو هزار تومان
موجب افواج موجوده تنزل نموده و بدواً ده هزار تومان تبدیل میشد *
تا آن زمان هنوز عده از ارتجاعیون در قریه زرگنده که محل بیلافی سفارت
روس است متخصن بودند آنحصه از مملکت بکلی در قبضه و تصرف روسها و از
مداخله دولت ایران مستثنی میباشند. ارتجاعیون از آنخل امن نسبت بدولت مشروطه
شروع به تفتین و افساد (موشک دوانی) را گذارده و در تمام طول مدت آن مناظر
جنگی مستعد بلوی بودند *

در آنوقت در طهران یککسته بختیاری موجود بود که عددشان تقریباً بیش صد
تفر بالغ میشد و خوانین بختیاری آنها را بطور گارد اعزازی برای خود نگاهداشته ولی
حقیقه از دولت موجب میگرفتند ایشان برای مهلت محتمله آینده بطور نقطه
مرکزی واقع شده بودند *

یفرم نقشه و تدبیر خود را برای حمله بشاه مخلوع بجهت من شرح و توضیح داد ولی
گفت نمیتوانم هیچ یک از وزراء را در این کار مداخله داده و محرم بدانم زیرا که بایشان
اطمینانی ندارم اجزاء و تابعین خود را واداشته بود که نشنک و گلوله های توپ
شنیدری که از طرف بریگاد قزاق به آنها داده شده دو مرتبه پر کنند زیرا که جرئت
نی کرد آنها را بهمان حال بکار برد و گفت که سپهدار سزاوار دزدن یا گلوله ریز
نمودن است یفرم از مجلسیان بسیار غضب ناک بود بواسطه اینکه مجلس مختصر وظیفه
ماژورهای آلمانی را که صاحب منصب ماهر توپ «مگرم» بود قبول و منظور نه
نموده و مشار الیه در سال قبل در موقعیکه تحت فرمان یفرم در جنگ بوده زخم برداشته
بود وجود و خدمات مسبوهار در آن مهمیکه بطرف استرآباد در پیش بود بسیار
لازم ولی از آن سلوکی که درباره مشار الیه شده خوشدل نبود مشار الیه چون فقط
مستخدمی دولت ایرانرا بسمت معلمی نوبتجاه دشت شرکتش در جنگ حقیقه موکول
بقبول و رأی خودش بود پس از چندی که توانستم وظیفه او را برقرار نمایم متقبل
شد که همراهِ یفرم برود *

شاید در انموقع حسینقلیخان نواب از هر کس محبوب تر و پیشوای حقیقی ملین
ایران بود مشار الیه شخصی بود که بواسطه لیافت ذاتی و خصائص شخصی در هر مملکت
و در هر حال می توانست بران خود مقام منبع و مرتبه بلندی تحصیل کند نواب از چندی

قبل وزیر خارجه و مشغول کار بوده تا وقتیکه در دسامبر ۱۹۱۰ (ذی حجه ۱۳۲۸)
بواسطه سلوک نوهین آمیز سفارتین روس و انگلیس مجبور باستعفاء و ترک خدمت
پشتیکی خود گردیده و از آن روز به بعد آن راد مرد در صورتیکه صراحتاً از قبول
مشاغل رسمی انکار داشت همواره بدون موقع رسمیت برای سعادت و بهبودی حالات
ایران مشغول با اقدامات بود *

سن معزی الیه بجاه و پنج ولی با بشرد و ظاهر بسیار متمیزی بود تحصیل و تربیت
کامل اروپائیا نیز دارا و زبان انگلیسی و فرانسه و فارسیرا در نهایت خوبی و سهولت
علی السواء مکالمه می نمود چیزیکه از همه پیشتر باعث خصوصیت و لیاقت و تمجید معزی
الیه گردیده این بود که به تدین کامل در امور دولتی و شخصی معروف و شخصاً از حزب
سیاسی دیوکرات بوده و حقیقه رئیس معنوی حزب مزبور شناخته میشد اگرچه
بسیاری از مردمان دیگر چه در نجاس و چه خارج از مجلس خود را پیشتر از مشار
الیه جلوه و نمایش میدادند در تمام مدت آشنائی من با مشار الیه تا روزی که از طهران
خارج شده او را شخص محترم بلند هم با حوصله و وطن دوستی دیدم که برای خدمت
کردن و فایده رسانیدن بوطن خویش همواره خود را وقف نموده بود *

در بین مذاکراتیکه در منزل نواب واقع شد یفرم اظهار نمود که همان روز صبح
حکمی از طرف هیئت وزراء باورسیده که باید تقریباً بیست نفر از ارتجاعیون معروف که
صورت اسامی ایشان را معین نموده اند دستگیر نماید ولی یک ساعت قبل از آنکه
حکم مزبور بموقع اجرا گذارده شود سپهدار (که تا آنوقت برای صرف نام رئیس
الوزراء بود) یفرم را بای تلفون طلبیده و امر کرد که حکم مزبور موقوف و ملتوی بماند
در آن اثنا یکی از صاحب مناصب یفرم آمده و راپورت داد که پلیس شخصی را
موسوم بنظام السلطنه بانضمام عده دیگری از ارتجاعیون دستگیری نموده ولی خود
شان اظهار نمودند که حسب الامر سپهدار مشغول مرتب نمودن فشنون دلوطلبی بوده
اند یفرم گفت سپهداری شبیه حکم باستخلاص اشخاص مزبوره خواهد نمود و در
صورتیکه امر او را مخالفت نموده و حکمش را امتثال نکنم چون سپهدار با بعضی از ملاها
روابط دوستانه دارد شاید مرا باین عنوان که کافر میباشم بد نام و لکه دار نموده و
باین وسیله خود را در نظر صنفی از مسلمانان فرمان و شخص اول قلم دهد عقیده
یفرم این بود که باید خود سپهدار را دستگیر نمود ولی بملاحظه آنها در آن امر

تردید داشت *

در خصوص طرح و نقشه تشکیل ژاندارمری خزانة با یفرم گفتگو نمودم مشار الیه بواسطه صداقت و ساده دلی که داشت از آن مذاکره بندگان شده که شاید در ضمن این تشکیل خیال تقسیم ایران مرکز خاطر روس و انگلیس باشد خصوصاً باین مناسبت که بنا بود ماژور استوکس بصاحب منصبی فوج مزبور معین و مأمور شود در آن ملاقات مذاکره و قرارداد فراهم نمودن و مرتب کردن فوج سواره مخصوصی از داوطلبان که در تحت حکم و فرمان یفرم باشد بعمل آمد *

صبح روز بعد که بیست و سوم ژولیه (بیست و ششم رجب ۱۳۲۹) بود صحمام السلطنه و ارباب کیخسرو برای مشورت و اظهار نقشه خیالات خود بپارک انابک آمدند شخص اول شکایت مفصلی از سپهدار کرد که شخص غدار مکاری است و نایب السلطنه هم که ضعیف و متلون المزاج میباشند و گفت که نقشه برای اعلان اعدام یا دستگیری شاه مخلوع و برادرانش بکابینه اظهار کرده ولی وزراء متعذر شده که می ترسند رأی او را به مجلس پیشنهاد کنند زیرا که آنگونه امور امور خلاف عادی بود و نیز کابینه به پیشنهاد کردن مسوده اظهار به من بجاس راجع به برقرار داشتن وظایف ماژور استوکس که مجبور شده بود پس از اتمام دوره خدمت در ایران از خدمت فوج انگلیس هند مستعفی شده و از آن شغل دست بردار شود و اضی گردید صحمام السلطنه اظهار نمود که باصفهان تلگراف نموده سه هزار نفر بختیاری دیگر بسمت طهران حرکت نمایند *

در این موقع اوضاع و حالات طهران آهسته آهسته روبه بدی گذارده و خیال حمایت شاه مخلوع رو به از دیاد بود و کابینه جدید متفق علیهی هم که اعضاء آن نیز باهم متفق بوده و خیلی توقعات و امید واریها به آن میرفت شکسته و در زدار شد یعنی آن سه نفر اعدالی که سپهدار و محتشم السلطنه و معاون الدوله باشند با چهار نفر همکار دیگر خود که دیوکرات بودند علناً بنای مخالفرا گذاردند از طرف آن سه نفر در خصوص دستگیری و مجازات مفسدین معروفیکه آشکار و علی روس الاشهاد برخلاف پیشرفت دولت مشروطه اقدامات میکردند قصور کلی واقع شد چیزیکه کارها را از همه بدتر و خراب تر نمود این بود که سپهدار عده معتد بهی از وکلاء مجلس را با خود هم رأی و هم عقیده گردانیده بود که از اقداماتی که برخلاف میل و رأی او کرده میشد

منع و جلوگیری نمایند *

چون امر کرده بودم که پانصد نفر ژاندارم خزانة فوراً گرفته شود تا دو روز بعد بفراهم نمودن ملبوس و تهیه اسلحه آنها صرف شد در این اثنا با روسای هر دو حزب مجلس مشورتهای متعدده نمودم معلوم شد آنها هم کم کم ملتفت شده اند که باید اقدام قطعی برای حفظ موقع بعمل بیاید *

بیست و پنجم ژولیه (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۹) وکلاء مجلس با اکثریت تمامه رأی باخراج و تبعید سپهدار و محتشم السلطنه داده و فوراً هیئت را نزد نایب السلطنه فرستادند که از او استعفاي آن دو وزیر را خواهش کند و قبول شد آن اقدام قدری هوای کدر اغتشاشات را صاف نمود از جمله اقداماتی که کرده شد این بود که کابینه جدیدی تشکیل بدهند که حقیقه برای استقلال دولت مشروطه کار بکنند *

مجد الدوله که دو روز قبل بتوسط مأمورین یفرم گرفتار شده بود بواسطه اینکه برخلاف نظم و امنیت عمومی تقنین و افساد نموده بوجوب حکم نظامی محکوم بدار زدن و روز بیست و پنجم حکم قتلش صادر شد قدری بوقت معین اجرا حکم مجبور باقی بود که مراسله از سر جارج بار کلی وزیر مختار انگلیس بدولت ایران رسید که باید شخص توقیف شده را قبل از مجازات استنطاق رسانه بنمایند و صراحتاً اظهار داشته که سفارت انگلیس قتل مشار الیه را نمی پسندد علت آن اقدام این بود که مجد الدوله از طرف دولت انگلیس نشان (K. S. M. J.) را دارا و آن نشان متعلق بطبقه مخصوصی بود و خود وزیر مختار هم آن نشان را دارا بود *

این مداخله اگر چه بی شبهه برخلاف مقصود اصلی سر جارج بار کلی بود لکن خیلی بد بود زیرا که معدودی از مردمان جبونرا ایقان میداد که دولت انگلیس و روس در باطن از اجرا نقشه های شاه مخلوع حمایت میکنند حتی اینکه یفرم هم همین عقیده را داشت و قتی که مجد الدوله را دستگیری کردند بک نفر ژاندارم و دو نفر نوکر مجد الدوله کشته شد و یکی از آن دو نفر خدمتگار مشار الیه بود *

بیست و ششم ژولیه (بیست و نهم رجب ۱۳۲۹) کابینه جدیدی بر حسب ذیل تشکیل یافت :-

صحمام السلطنه رئیس الوزراء و وزیر جنگ و نوب الدوله : وزیر خارجه حکیم الملك : وزیر مالیه مشیر الدوله : (برادر مؤمن الملك رئیس مجلس) وزیر عدلیه علاء

السلطنة : وزير علوم و معارف قوام السلطنة : وزير داخله دبیر الملک : وزیر پست و تلگراف *

روز بعد خبر رسید که پیش فراول افواج و اتباع محمد علی به چند میلی شهر شاهروند که واقع در شمال شرقی پایتخت است رسیده اند پیشکار الیه آنجا تلگراف کرد که از طرف شاهزاده شعاع السلطنة حکمی باور رسیده که بدون تأمل و تأخیر تمام مالیاتی را که وصول و جمع نموده است بحاکمیکه از طرف شاه مظلوم معین شده تسلیم نماید و تهدید نموده که چنانچه تردد از آن حکم نماید کشته خواهد شد آن مشروطه خواه وفادار خودش تلگراف مزبور را نموده و خواهش کرده بود که جوابش را تاخیر نکنم زیرا که وصول جواب آن تلگراف سبب قتلش میباشد روز بعد تلگراف نمود که چهار صد نفر ترکان بقمه وارد شهر شده و مقام دفاتر دولتی و خانهای مردم را غارت نمودند خود او با خانواده و متعلقینش فرار کرده و در خانه دوست ارمیش پناه گزین شده است *

بیست و هشتم ژولیه (غره شعبان ۱۳۲۹) تمام وزراء نوشته قرار داد مستخدمی مائوراستوکس را امضاء کردند و باین ملاحظه توانستم مقدار کافی از سند های استعاضی (۱۹۱۱) بانک شاهنشاهی را برای پرداختن وظیفه مائورمذکور بخرم در صورتیکه استعاضی مشار الیه قبول شود *

در همان روز یکی از وکلای مجلس بکنفرنداتی ایرانی را (که به بعضی ملاحظات از ذکر اسمش صرف نظر نموده ام) بن معرفتی نموده و اطلاع داد که مشار الیه بر حسب گفته خودش از ملاقات « ویس فونسل » روس مقیم طهران مراجعت نموده و میگوید که « ویس فونسل » با و اصرار کرده که برای جلب حمایت و خوشنودی دولت روس شما را کشته و یا مسموم نماید زیرا که من « نقشه های روس را در ایران درهم و برهم کرده و خنثی می نمودم » مقصود اصلی از آن ملاقات و مذاکرات این بود که چون « جنرال فونسل » روس میخواست بمحرمانه پیغامی برای محمد علی بفرستد فدائی مزبور را میخواست پیغام بر خود فرار دهد این تفصیل حقیقت داشت ولی من او را پنهان نمودم زیرا بجز اینکه حالات و مقاصد مرا بر ایشان و درهم نماید فایده دیگری نداشت *

از ایرانیها باتباع پلیس بفرم فوراً اطلاع داده و آن شخص دلاور را پس از زد و کوب بسیار زنجیر و حبس نمودند *

بیست و نهم ژولیه (دوم شعبان ۱۳۲۹) مجلس قانون ذیل را جاری نموده و اشاعه داد که صد هزار تومان برای اعدام یا دستگیر کردن محمد علی و بیست و پنج هزار تومان برای هر یکی از برادرانش معین شده و فرار داد وظیفه مائوراستوکس را نیز قانوناً تصویب نمود بعد از همان روز وزیر مختار روس بوزارت خارجه آمده و اصرار کرد که معاهده مائوراستوکس را امضاء نکنند و تهدید کرد که در صورت امضاء معاهده مزبوره دولت روس معارضه سختی خواهد نمود وزیر خارجه ایران بقسمی ترسیده که فوراً رقعہ بدین مضمون بن نوشت که قانون وظیفه مائوراستوکس تا وقتی که با امضاء نایب السلطنة نرسد بموقع اجراء گذارده نخواهد شد ولی هر دوی ما بخوبی این نکته را میدانستیم که آن عذر حقیقت نداشت بهر حال در ایران این قسم تدابیر را ظاهر داری رسانه میگویند *

چندی قبل از آن تفنگهای « ریفل » و فشنگهای روسی که سپهدار با سفارت روس قرار داد کرده بود به انزلی رسیده و از راه رشت بطهران می آوردند و ورود آن خور خانه را بنوعی فرار داده بودند که احتمال قوی میرفت که اتباع شاه مظلوم در بین راه آنها را بچاپند ولی از فراریکه معلوم شد عده معتمدی از آن صندوقها که عبارت از هفت هزار قبضه تفنگ و چهار میلیون فشنگ بود بتروین رسیده و از دستبرد یاغیان محفوظ ماند آن خورخانه برای انبار نظمی طهران بسیار بموقع و لازم بود زیرا که در آن وقت دولت مشروطه تقریباً بی اسلحه مانده بود من هزار و پانصد قبضه « ریفل » و شش صد هزار فشنگ آنها را برداشته و در عمارت تحتانی (زیر زمین) منزل خود در پارک اتابک انبار کردم که محفوظ بماند تا وقتی که برای ژاندارمری خزانه لازم شود در ایران اسلحه و آتش خانه بشکل عجیب حیرت ناکی بدون ملاحظه اینکه حساب تعداد آنها رسماً ثبت و ضبط شده است غیب و نابود میشود و باید همیشه آنها را مقابل چشم خود گذارد *

تا کنون از وضع سلوک و همراهیهای دولت روس نسبت به پیش رفت مقاصد محمد علی برای استرداد تاج و تخت سلطنت ایران چیزی بیان نشده در هر صورت ما مورین روس نه کاهل بوده و نه ساکت و آرام می نشستند دو سال قبل دولت



روس از جانب خود و از طرف دولت انگلیس مسئولیت ذیل را بعهده گرفت که شاه مخلوع را مجبور و بایبند بایفاء عهد خود کرده یعنی برخلاف دولت مشروطه ایران اقدام به هیچ قسم شورش یا تکیه نه نماید و این مسئولیت مطابق ماده بازدهم صورت مجلس نهم سپتامبر ۱۹۰۹ (بیست و سوم شعبان ۱۳۲۷) است که هر يك از آن دو دولت آن صورت مجلس را امضاء کرده بودند دولت روس از فرار محمد علی از ادا و عبورش از روسیه و با کشتی روسی از دریای خزر گذشتش و وارد بخارا ایران شدش نه فقط برای جلوگیری از تحریکات پلشکی بلکه برای منع مخالفت حقیقی با دولت مشروطه ایران بکلی از «اقدامات لازمه» کوتاهی کرده بود حقیقت واقع این است که عبور محمد علی از محلی که مأمورین تذکره روس دفت و تفتیش کامل می نمودند با جمعی از همراهان خود ملبس بلباس رسمی با ریشهای مصنوعی با مقداری تفنگ و توپهای سریع الاطلاق (مسلسل) که بر صندوق آنها آب معدنی نوشته بود بانضمام داشتن تذکره جعلی دروغی که خود را مطابق گفته خود روسها «خیل نام تاجر بغدادی» و نمود کرده بود برای اشتباه کاری و اغفال صاحب منصفان خالی الذهن تذکره از دقت در تفتیش کافی بود دولت روس بخواست علی الظاهر بر تمام اهل عالم آشکارا کرده و بفهاند که از حرکات محمد علی بکلی بی خبر و بی اطلاع بوده *

(مصنف ترجمه اعلان قانونی اعدام و دستگیر کردن محمد علی شاه مخلوع را بانگلیسی ترجمه نموده و ترجمه مزبور عین همان اعلان و توضیح واضح میباشد باین جهت بدرج صورت اصل آن اعلان اکتفا شد)

ترجمه اعلان مزبور از فرار ذیل است :

چهارم شهر شعبان ۱۳۲۹ بر حسب رأی مجلس مقدس اعلان میشود *
کسانیکه محمد علی میرزا را اعدام یا دستگیر نمایند يك صد هزار تومان به آنها داده می شود *
کسانیکه شعاع السلطنه را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنج هزار تومان بآنها داده می شود *
کسانیکه سالار الدوله را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنج هزار تومان بآنها داده میشود *
و نیز اخطار میشود که اگر داوطلبان خدمات مزبوره بعد از انجام خدمت کشته

شدند مبلغهای فوق الذکر بهمان نسبت بپورته آنها داده خواهد شد و این مبلغ در خزانه دولت موجود است و بعد از انجام خدمت نقداً بانها پرداخته میشود *

محل امضای حضرت رئیس الوزراء

طهران - مطبعه تمدن *

محمد علی تا چندی در وینه توقف نموده و برای حمله بایران اسلحه میخرید بعضی اقدامات دیگر در وینه اش از بیانات آخری ارشد الدوله جنرال بزرگ شاه مخلوع که بهعراهی مشارالیه بایران مراجعت نموده بود یعنی در استنطاق شب قبل از قتلش پس از آنکه بدست افواج ملی در تحت کماندانی (فرماندهی) یفرم گرفتار و دستگیر و عاقبت بتوسط همان افواج کشته گشت معلوم و آشکار شد :-

مسبومور «کرسپاندان» (وقایع نگار) روز نامه تمس لندن که در مجلس نظامی شب قبل از کشته شدن ارشد الدوله حاضر بود صورت استنطاق و تقریرات مشارالیه را راجع به آن اقدامات مطابق شرح ذیل نوشته است :-

(پس من در وینه با محمد علی ملاقات نموده و سفیر روس هم بلاقات ما آمد (۱))
(۱) چون مسبومور زبان فارسی را خوب می فهمید بیان مشارالیه راجع بذاکرات سفیر روس در وینه پاشاه مخلوع و جنرالش خلاف واقع نبوده است بعد از آنکه من همان بیانات را در مراسله سر باز «با امضا» خود برای درج در روز نامه بیست و یکم تمس لندن فرستادم دولت روس در لائحه رسمی خود از اینکه سفیر مقیم وینه اش چنین اظهارات را نموده باشد انکار و رزید و مدعی شد که این خبر بکلی بی اصل و جعلی است چندی بعد وقتی که صورت آن لائحه انکاریه در مجلس و کلاه عمومی انگلستان مطرح مذاکره گردید اکثریت آراء لائحه مزبوره را بخنده استقبال نمودند بعد از آن ملتفت شدم که انکار رسانه روس در آن موقع افلا از حیث عبارات و کلمات صحیح بوده همچو ظاهر میشود شخصی که ملاقات و مذاکرات مزبوره را با شاه مخلوع و جنرالش نموده وزیر مختار دولت روس در وینه نبوده بلکه مسبودیهارت و يك معروف وزیر مختار سابق روس در طهران بوده است مشارالیه هر قدر قدرت که در قوه داشت به فعلیت رسانید که شاید بتواند دوباره محمد علی را به تحت سلطنت ایران برقرار نماید وقتی که آن ملاقاتها در وینه واقع شده بود مسبودیهارت و يك در بلگرید وزیر مختار بوده و چند مرتبه از آنجا به وینه آمده و ملاقاتهای مزبوره را با شاه مخلوع و ارشد الدوله کرده

ما از او خواهش كلك نمودیم مشارالیه گفت « دولت روس در این موقع نمی تواند بشما امدادی نماید زیرا که دولتین روس و انگلیس در خصوص عدم مداخله در ایران تعهد نموده و با هیچ يك از مواد آن عهد نامه مخالفت نخواهند ورزید دولتین مصمم شده اند که هیچ قسم مداخله در امور داخلی ایران ننمایند لکن از طرف خود نان (یعنی سمت ایران) میدان صاف و راه باز است اگر معاوضتی در کار شما نتوانیم بکنیم ممانعت و اخلاقیهم نخواهیم نمود دیگر موقوف بر آری خود شما است اگر امید نیل بمقصود دارید خود نان باید اقدام کرده تا کامیاب شوید در صورتیکه امید وار برسیدن سلطنت میباشید پس باید فوراً شروع با اقدام بکنید ولی این مطلب را بخاطر داشته باشید که ما نمی توانیم ککی بشما بنماییم و اگر هم کامیاب نشوید ما مسئول نخواهیم بود « ما جواب دادیم « بسیار خوب لکن آیا میتوانی این کار را کرده که مبالغی برای ما فرض کنید؟ » جوابداد « خیر این هم بکلی غیر ممکن است! » اگر چه ما خیلی خواهش و التماس کرده و ملاقات ثانویه با او نمودیم ولی مشارالیه خواهش ما را رد نمود فقط ایما و اشاره نازکی باین امر کرد که اگر استاد جواهرات، را که محمد علی در بانک استقراضی روس در طهران گرو گذارده همراه داشته باشد می توان باعتبار آن اسناد وجهی فراهم کرد ولی اسناد مزبوره همراه شاه نبود و نتیجه از مذاکرات مزبوره حاصل نشد *

شاه مخلوع با همراهان و غور خانه و لوازم جنگی بسنار از بندری که در نقطه شالی باد کوبه واقع است سوار کشتی کرسٹوفروس (Christoforos) روسی شده و پس از عبور از دریای خزر در قمش تپه پیاده شد اگر ثابت و محقق شود که در دوائر عالییه دولتی روس از خیالات و حمله های شورش انگیز شاه مخلوع برای تحصیل تاج و تخت بود من از حقیقت آن وقایع اطلاع نداشتم تا وقتیکه در ژانویه گذشته در مراجعت از ایران بویته رسیدم چون از محاوره فارسی ترجمه « آمباسادور » (Ambassdor) و مینیستر (Minister) فقط يك کلمه است وقتی که ارشد الدوله در حضور مسیو مور و صاحب منصبان افواج ملی ایران شب قبل از فوئش شرح ملاقاتهای مذکوره را با نماینده های دیپلوماسی روس در ویته بیان میکرد (همان لفظ مشترک فارسی را استعمال نموده بود) مسیو مور و دیگران بذهنشان همچو متبادر گردیده بود که مقصود ارشد الدوله از نماینده دیپلوماتی همان وزیر مختار روس در آنجا بوده و حال آنکه اشاره جنرال بهان مسیو دیپارت ویک معروف بوده است *

سلطنت ایران ذکری نبوده مردم نباید اطلاع و مساعدت در اقدامات مزبوره را نسبت بدولت روس داده و باین احتمال که نمایندگان دیپلوماتی بلگرید و وینه روس اقدامات شاه مزبور را بکابینه دولت متبوعه خود اطلاع و راپورت داده اند از آن دولت بد گمان شوند و باید قبول و باور نمایند که فرار شاه تا جائیکه روسها دست اندر کار و دخیل بوده اند امر اتفاقی و بدون اطلاع ایشان بوده است لکن وقایع و اقدامات مزبوره در تمام ادارات دولتی آن مملکت بخوبی واضح و معلوم بود ده روز قبل از ورود محمد علی بکاخ ایران وزیر مختار روس در طهران در «دتری» (مجلس دعوت شام) که در آن مردمان بسیاری حاضر بودند موقع اظهار یافته و گفت که در ظرف چند هفته دولت مشروطه ایران خاتمه خواهد یافت در آنوقت بیان مزبور تولید حیرت و تعجب زیادی نمود ولی وقتیکه در هجدهم ژولیه (بیست و یکم رجب ۱۳۲۹) خبر ورود محمد علی بطهران رسید کسانی که وعده وزیر مختار را شنیده بودند اشاره و مقصود مشارالیه را بخوبی ملتفت شدند این امر بخوبی ظاهر و معین شد که خبر ورود شاه مخلوع بکاخ ایران باعث خوشوقتی و خوشحالی علنی نمایندگان قونسلخانهای روس در تمام ایران گردیده و توانستند احساسات و همدردیهای خود را با اتباع شاه پنهان نموده و خود داری کنند باینهم قانع نشده بلکه در ده دوازده موقع مختلف متفقاً اقدامات صریح قطعی نمودند که افواج و گاشنگان شاه مخلوع را که برای مغلوب نمودن دولت مشروطه سعی و کوشش می نموده امداد و معاونت نمایند محمد علی بهترین وسیله برای پیشرفت مسلك ظالمانه صاحبمنصبان روس و جلب نمودن قدرت و منافع مملکت بطرف ایشان بود ما مورین روس بخوبی ملتفت شده بودند که دولت مشروطه خصوصاً با بودن هیئت هشاد نفره اعضا منتخبه به آن درجه مطیع نخواهد بود که بکنفر سلطان مستبد را بتهدیدات خود رسانیده و او را راضی و مطیع نمایند که خود را بایشان فروخته و از این راه بمقاصد دولت امپراطوری روس خدمت کرده باشد *

بیست و سوم ژولیه (بیست و ششم رجب ۱۳۲۹) دولت ایران نوپسی (اطلاع متحد الماک) بتمام سفارتخانهای طهران فرستاده و از امضاء قانون نظامی شدن شهر به آنها اطلاع داد اکثر سفراء بطریق متعارف جواب داده و توجه دولت را بطرف بعضی از مواد عهد نامه ترکان جای معطوف داشتند بر خلاف سفارت روس که از اول با يك لهجه خشن بسیار مخالفانه بنای ضدیت را گذارد از جمله چیزهاییکه ادعا نمود این بود که

حق صریح خواهد داشت در هر موقع که بخواهد «رعایای غیر قانونی» خود را که در سراسله سفارت توضیح شده بود دستگیر نموده و ایشان را منع «از مداخله در انقلابات مملکت» که در شرف وقوع بود نماید. غرض اصلی ادعای بین اظهار مزبور این بود که سفارت و قونسلیخهای روس در مقام ایران بهانه بدست داشته باشند که سردهان جنگجوی معروف ایران را با احتمال اینکه مبادا برخلاف محمد علی با دولت همراهی کنند باین بهانه که مشار الیه طبقه از رعایای روس میباشند متهم و دستگیر نمایند اگر نپذیرد مزبور راجع بدستگیر نمودن رعایای روس که «در آن وقایع مداخله و شرکت نموده بودند» مطابق التعل در موقع اجرا گذارده میشد لازم بود که اول اکثر قونسلیها و مستخدمین قونسلیخهای روس را چنانچه بعد ظاهر و آشکار شد دستگیر نمایند *

فونسل روس مقیم رشت ازین درجه هم پیشتر وتند ترفته و صراحة ارآده خود را بدولت ایران اطلاع داد که دارد کسانی را که گمان تبعیت روس در حق آنها میبرد توقیف نموده تا بوقت فرصت یعنی تا بعد از اتمام آن شورش و انقلابات تحقیق نماید *

سی و یکم ژولیه (چهارم شعبان ۱۳۲۹) که هنوز محمد علی درست وارد خاک ایران نگردیده و اقداماتش برای مغلوب و مضعل نمودن مملکت چندان پیشرفت آکرده بود دولتین روس و انگلیس مرامله ذیل را که راجع با اقدامات جنگی شاه مخلوع بود فرداً فرد بدولت ایران ارسال داشتند. مرامله سفارت انگلیس از قرار ذیل است:—

نظر باینکه شاه مخلوع بر خلاف مصلحت و رأیهاییکه مکرر دولتین انگلیس و روس در اوقات متعدده باو داده اند که از هرگونه اقداماتی که باعث شورش و انقلاب ایران شود اجتناب نماید اکنون بخاک ایران وارد شده دولت انگلیس (روس) اظهار میدارد که حق وظیفه شاه مخلوع که مقدارش در صورت مجلس سابق معین شده بود ساقط شده است و چون مشار الیه وارد ایران گردیده دولت انگلیس (روس) نمی تواند در امور راجعه باو مداخله نماید لهذا اظهار میدارد که دولت انگلیس (روس) در این مناقشه که بدبختانه برای ایران پیش آمده بیطرف بوده و بهیچ قسم مداخله نخواهد کرد عین همین مرامله هم از طرف سفارت روس فرستاده شد بواسطه غفلت بجرمانه یعنی (غفلت عمدی) یا اقلاً اغماض یکی از دولتین مشار الیهما که معاهده مؤلفی برای جلوگیری از پیش آمد چنین واقعه نموده بود دولت ایران دوچار جنگ خانگی گردید *

در موقتی که اظهار عدم مداخله مذکوره از طرف آن دو دولت پیش نهاد شد اگر حقیقه آن بیطرفی را مراعات مینمودند ایران میتوانست خود را از مشکلاتیکه باو مصادف شده به آسانی نجات دهد ولی ملاحظ منصفان و ما مورین روس چقدر خوب رعایت اقلان اسم «بی طرفی» را در ایران نمودند از وضع سلوک و مداخلاتشان در وقایعی که ذیلآ نگاشته میشود میزان بیطرفی آنها بخوبی واضح و ثابت خواهد شد *

بیست و نهم ژولیه (دوم شعبان ۱۳۲۹) فونسل موقتی روس در اصفهان بمضمون بیطرفی کاملاً عمل نموده و مکتوب ذیل را بوزارت خارجه ایران فرستاد:—

بر حسب اطلاعی که بقونسلیخانه رسیده حکومت اصفهان میخواهد مجلسی از علماء و اعیان و معتبرین و تجار شهر منعقد نموده و مسوده تلگرافی باسم نمایندگان دول اجنبیه ترتیب دهد که آنها یعنی ملت محمد علی را بخوامسته و برخلاف ورود او پروتست نمایند قبلاً خواهشمند است که در مواقع مقتضیه رسماً به آنها اطلاع دهند که چون این معامله تعلق بایران و ایرانیان دارد زحمت دادن بسفارت و قونسلیخهای امپراطوری بی سود خواهد بود *

مجدداً مکتوب ذیل را بمبیت خود ایشان فرستاد:—

شما نباید عبت در معامله محمد علی شاه بسفارت و قونسلیخهای امپراطوری روس زحمت دهید زیرا که مداخله در اینگونه امور حق نماینده خارجه دولت ایران است و دولت ایران جلوگیری از پیش آمد اینوقایع نموده و مانع شود و بر اولیاء دولت لازم است که این گونه امور را تصفیه نمایند *

شخص رشید الملک نامی که رعیت ایران و حاکم سابق ولایت اردبیل بود بسر کردگی افواج دولتی ما مور شده و خائنه در مقابله با عده قلیلی از طایفه شاه سوند که همیشه حامی شاه مخلوع بودند فرار نموده و مقصر یاتیکی گردید دولتین مشار الیه را دستگیر نموده و در تبریز حبس کردند بیست و هفتم ژولیه (سلخ رجب ۱۳۲۹) جنرال فونسل روس مقیم تبریز خواهش استخلاص او را از نایب الحکومه آنجا نمود (۱) و قتیکه مطلع

(۱) در جواب پروتست رسمی که دولت ایران راجع بمعامله مذکوره بسفارت روس نموده بود سفارت روس رسماً مسئولیت احکامی را که بجنرال فونسل تبریز که «اقدامات لازمه را عمل نمایند» داده قبول و اعتراف نمود * احکام مزبوره راجع بمنع مجازاتی بود که نسبت رشید الملک تهدید شده بود *

شد که بموجب حکم دولت مشروطه رشید الملک مجبوس شده سیصد نفر سالدات روسی را که تماماً کامل السلاح بودند بعارت حکومتی فرستاد مستخلفین ایرانی را زده و خارج کرده و بنایب الحکومه توهین نموده و رشید الملک را خلاص کرده و بردند چندی بعد همین رشید الملک باتباع شجاع الدوله باغی ملحق شده و شهر تبریز را تهدید نمود (۱) اقدامات جنرال فونسل روس دیده شد که چگونه اقداماتی بود که اگر آن اقدامات ما بین دو دولت مساوی واقع شده بود منجر بچنگ فوری میشد سفارت روس بعدریکه برای برائت ذمه خود از دادن حکم مزبور نوسل نمود این بود که «نمایندگان دولت روس فقط حمایتی از رشید الملک کرده بودند» و حال آنکه حقیقتاً هیچ حکم مجازات قطعی در باره رشید الملک صادر نشده بود و اگر هم میشد تفاوتی بحال آن ظلم قبیح نه نموده و باعث رفع آن نمیشد *

شواهد متعدده دیگر برای اثبات مداخلات مخالفه ما مورین دولت روس در معاملات ایران که دولت شاهنشاهی دوست آنها بود در دست است که اگر یکی از آنها میان دو دولت مساوی القوه واقع شده بود باعث چنگ میگردد (۲) دولت ایران در موقع وقوع هر اقدام و مداخله بیروتست دیپلماتی خود را مستقیماً بوزیر مختار روس در طهران و بنوسط سفراء خود به بطر سبرگ ولندن اظهار می نمود ولی دولت روس ابتدا اعتنائی به پروتسهای مزبوره نکرده سهل است که در دفاتر دولتی هم آنها را ثبت و ضبط ننموده و هیچ يك از صاحب منصبان و ما مورین خود را هم برای ارتکاب قبایح مزبوره تشبیه و مجازات نکرد *

بعد از ظهر سی ام ژولیه (سوم شعبان ۱۳۲۹) شخص محترم نظامی ایرانی در حالیکه اندامش از طباطبای چخماق سر خود و فشنگ پوشیده و تقریباً سیصد عدد فشنگ یا بیشتر

(۱) شجاع الدوله لقبی بود که رحیم خان (محمد خان) راهزن که ذکرش در مقدمه کتاب گذشت برای خود اختیار کرده بود * قشون و افواج روس در حوالی تبریز پیوسته مشارالیه را حمایت و محافظت مینمودند و او نیز با صاحب منصب روسی دوستانه و برادرانه سلوک می کرد دولت روس وجود مشارالیه را برای یاقی داشتن سالداتهای خود در آذربایجان بهانه قرار داده بود *

(۲) شواهد دیگر در سراسله است که مصنف بروز نامه تمس لندن نوشته است

رجوع بضمیمه «ج» شود *

به حمایت و سینه و کمر و شانهای خود آویخته بود بکابینه برای ملاقات من آمد خیلی ظاهر رعب ناکی داشت بمن اظهار نمود که از طرف دولت ما مور است که وی اولین حمله را به شاه مخلوع بنماید لقبش سردار محیی و سابق ملقب به معزالسلطان بود و در آن پیش قدمی که در سنه ۱۹۰۹ از جانب افواج ملی بسر کردگی سپهدار بعسل آمد شریک بوده و مشارالیه را محارب و جنگجوی بسیار جری میدانستند شخص مزبور اندامی درشت و چکهای زرد در پا داشت و متقبل شده بود که چند صد سوار داوطلب تشکیل داده و با خود ببرد که در شاهرود از ترکانهای باغی جلوگیری نماید ابتدا برای خواستن بیست و شش هزار تومان برسم علی الحساب و برای مصارف ابتدائی اظهار نامه که وزیر چنگ آنرا امضاء کرده ارائه نموده و مبلغ مزبور از بابت صاحب منصبی نظامی و موجب حکومت شهر استرآبادش بود (استرآباد محلی بود که هرگز احتفال رسیدن سردار محیی به آنجا نمیرفت) و نیز برای بعضی مخارج متفرقه که خود مشارالیه اختیار و اقتدار در تعیین آن مصارف داشت سابقاً هم مبلغ شش هزار تومان از طرف دولت بهمن شخص از بابت موجب پیشگی حکومت کرمان رسیده و هیچگاه به آن سمت نرفته بود بعد از مراسلات بسیار تند با کابینه مبلغ مزبور را بمشارالیه پرداختم ولی زود مطلع شدم که مطالبه وجه مزبور اولین سلسله از حملاتی بود که از جانب کابینه بجزانته عامه کرده شده و تا پنج ماه بعد که از طهران خارج شدم آن سلسله جاری بود کتر کسی بود که بهانه برای گرفتن پول داشته و تصویب کابینه با وزارت جنگرا در دست نداشته و ادعای خود را بجزانته اظهار ننماید آن سلسله و در حقیقت رودخانه مطالبات متوالیاً جاری بوده و هیچگاه منقطع و مسدود نمیگردید باید گفت که آن سعیهای کابینه فی الواقع سخاوت و بخششی بدوستان خود بود منتها ملون بلون شکست دادن شاه مخلوع * در المنوقع بود که طوائف بختیاری بهمرای خوانین خود از طرف جنوب بنای ورود بطهران گذارده و اکثر آنها قسمی بجای و بموقع و الحق و الانصاف خطر ناک و بیعیوض مطالبه می نمودند که چندین مرتبه در ماههای بعد به تهدید مجبور شدم که در صورتیکه کابینه آنگونه خیالات غارتگری خزانه را امضاء نماید استعفاء خواهم نمود حتی حکیم الملک هم که در آنوقت وزیر مالیه بود اظهار شرمندگی و نفرت از افعال سرداران بختیاری نموده و گفت «اگر کابینه حمایت آنها را جاری ندارد من نیز مستعفی خواهم شد» اول دسته بختیاری که بطهران رسید در تحت سرکردگی معین هایون یکی از خوانین

جوان بختیاری بود که بعد ها وطن پرستی حقیقی اظهار و شجاعت بسیار در جنگها نمود *
 قریب ستم اوت (هفتم شعبان ۱۳۲۹) بود که شاهزاده سالار الدوله بشهر کرمانشاه
 که واقع در جبهه غربی ایران است رسید بعد از آنکه تجار را از دادن مالیات (گمرک)
 منع نمود فوراً مبلغ پنجاه هزار تومان بعنوان فرض از ایشان خواست و مثل آن خواهش
 را نیز از شعبه بانک شاهنشاهی آتجا نمود ولی ایشان انکار کردند *

در این موقع کابینه بشمولیت مصمص السلطنه که رئیس الوزرا بود بواسطه
 اینکه از غارتگری و چپاول رسانه خزانه که از طرف ایشان جاری بود پروتست نموده
 بود بنای اظهار مخالفت را با من گذارد رئیس الوزرا از وعدههاییکه درباره مساعدت
 در تشکیل ژاندارمری خزانه نموده از قبیل دادن اجازه برای تعیین محل سرباز خانه و
 لوازم دیگر که در تصرف وزیر جنگ بود تخلف و انکار ورزید *

در آزمون افواج دولتی مشتمل بود بر عده غیر معینی از بختیاری غیر منظم که در
 اصفهان و راه طهران و در خود پایتخت بودند و هزار و دویست نفر پلیس و پانصد نفر
 ژاندارام در خود پایتخت و پانصد نفر ژاندارام دیگر هم در قزوین در تحت فرمان یکی از
 « لفتنت » (وکیل) های یفرم و بقدر دویست نفر هم داوطلب یا بر حسب مشهور
 مجاهد ارمنی بودند *

هشتم اوت (دوازدهم شعبان ۱۳۲۹) خیر رسید که ارشد الدوله دسته از افواج
 دولتی را در دامغان که در شمال شرقی طهران واقع است شکست داده و عده از افواج
 دولتی هم در آن موقع از اردوی خود فرار نموده و باتباع شاه مخلوع ملحق شدند زمانیکه
 سپهدار وزیر جنگ بود آن دسته از افواج را با دو توب به آن محل ما مور کرده بود
 توبهای مزبوره هم با قورخانه و لوازم ضمیمت قشون شاه مخلوع شده و بدست آنها افتاد
 عقیده بسیاری از مردم این بود که این واقعه نا گوار نتیجه پیش بینی و اقدامات سپهدار
 بوده است و در آن موقع خیانت و مخالفت مشارالیه با دولت مشروطه نزد عموم مسلم گردید
 در اثناء ماه اوت عده از دسته های افواج ملی برای مقابله و جلوگیری از شاه مخلوع
 بشمال ایران (طهران) فرستاده شد اولین غلبه و فتح نمایانیکه افواج دولتی کردند
 در فیروز کوه که در بین سلسله کوههای شمال شرقی طهران واقع است بود در تنگه
 بسیار تنگی آن سردار جوان بختیاری یعنی معین همایون رشید السلطانرا شکست داده و
 او را دستگیر نمود شصت نفر از اتباع رشید السلطان در آنجنگ مقتول گردید *

در شب پانزدهم اوت (نوزدهم شعبان ۱۳۲۹) هشتصد نفر سوار های اتباع
 شاهزاده سالار الدوله شهر همدان را تصرف نموده و از طرف افواج دولتی مقیم آتجا هیچ
 مدافعه بعمل نیامد *

نقل و حرکت و محل توقف شاه مخلوع امر مجهول غیر معینی بود انواها شهرت داشت
 بعد از آنیکه شنید قیمت سزاو صد هزار تومان معین شده مضطربانه فوراً پسمان
 کشتی که از زمان ورودش در کنار لنگر انداخته بود پناهنده شد در این موقع یفرم
 خان دسته های کوچکی را از ملایان انتخاب کرده و برای محافظت طرق تنگه هائیکه
 بطهران منتهی میشد مأمور نمود و خیال داشت که بکده قشونی هم از طرف پشت
 سر افواج محمد علی یفرستد که راه اتصال آنها را بدریا قطع نماید و خود یفرم نظر به
 اهمیت و حالت نازک طهران مصمم شده بود که در همان جا بماند و بمقابله قسمت عمده
 افواج شاه مخلوع نرود تا اینکه خود آنها بفاصله نزدیکی پهای تخت برسند *

پانزدهم اوت (پانزدهم شعبان ۱۳۲۹) بدعوت « دتر » در فلک مدعو بودم که کرنل
 اچ آر بدوز (Colonel H. R. Beddoes) نماینده کبانی سلیمان و برادران لندن
 آن مهمانی را داده بود دعوت شدگان دیگر سر جارج بار کئی وزیر مختار انگلیس و
 همقطار روسیث مسبو پا کلیوسکی کزبل و مستر مور وقایع نگار روز نامه تمس لندن
 بودند در آنجلس از حالت حاضر آن وقت ایران گفتگو بمیان آمد وزیر مختار روس
 نتوانست عقیده خود را درباره شاه مخلوع پنهان نموده و از روی بی پروائی گفت شاه
 عنقریبیست که مظفر و منصور طهران را فتح خواهد نمود مسئله استخدام ماژور استوکس
 نیز مفصلاً مورد بحث و گفتگو گردید بعد از شام چند دست گنجینه بازی نمودیم
 « شانس » (خوش نصیبی) من دران بازی و لیاقت امر بکائیا در نظم امور مالیه بوزیر
 مختار روس اثر آشکار غریبی نمود *

در شب مزبور با وزیر مختار روس از آن محل بیرون آمده و باهم قدری بر پشت
 بام راه رفتیم مسبو پا کلیوسکی کزبل شخص بسیار خوش معاشرت و خوش صحبتی بود
 مکرر بطرف بی قابلیتی دولت مشروطه ایران اشاره نمود بفته و بسمقدمه سؤال نمود که
 آیا میل دارید وقتی که محمد علی دارای اقتدار شود در تحت سلطنت او خزانه دار کل
 چنانچه اکنون هستید یا وزیر مقتدری بشوید؟ و بین اطمیناندار که اگر به آن امر
 راضی شوم حمایت کلی دولت روسرا بطرف خود جلب نموده و بمعاوضه وصله مناسبی

ناائل خواهم شد چیزی که برای من در اظهار قبول آن خواهش لازم بود این بود که ساکت نشسته و مداخله در امور ننمایم تا وقتیکه تغییرات مزبور واقع شود اگر چه اظهار مزبور را بکلمات بسیار با نزاکتی بیان نمود ولی در معنی و مفهومش هیچ جای تردید و شبهه نبود من یقین دارم که وزیر مختار آن رأی را بسیار مناسب و بیجا تصور کرده و از آن اظهار هم قصد توهینی نداشت اگر آن بیان آنرا از تزینات عبارت و شاخ و برگ دیپلماسی عاری کنیم این میشد که معاونت در رأی دادن بدولت موجوده ایران را ترک نموده و بگذارم که مشارالیه در مفلوك و مفلوج کردن دولت ایران مبادرت نماید و من در تحت تسلط جانور ظالم سببی که عید و عید کابینه بطرس بزرگ بود مستخدم شوم بوزیر مختار گفتم که من متقبل شده و عهد نموده ام که بیژان لیاقت و استطاعت خود بدولت ایران به بهترین قسمی خدمت نمایم نتیجه آن هر چه میخواهد بشود ولی میل ماندن در تحت اقتدار و نفوذ محمد علی را ندارم *

این امر بخوبی مرکز ذهن من شده است که دیپلماتهای روس در طهران و وینه بملاحظه اینکه نماینده دولتی بوده اند که وزارت خارجه انگلستان درباره آن دولت رسماً اظهار داشته بود که ایشان نه اطلاع از نقص «بروتنگال» (صورت مجلس) و فرار داد سبتمبر (۱۹۰۹) دارند و نه شرکتی؛ این جهت اظهار میل و اشنایق تام فوق العاده در کامیابی شاه مخاوع داشتند *

پانزدهم اوت (نوزدهم شعبان ۱۳۲۹) تاجب السلطنه در صحبت طولانی خود تصویر اسفناکی از حالت حاضر ایران کشیده و بهر حال از طرفه نظارت و نگرانی که در امور مالیه دولت ایران بعمل آمده اظهار اطمینان نمود و بیان کرد که هر وقت کسی مصمم شد عایدات مالیاتی ایران را در تحت نظارت موثری نگاه دارد شکایتها بود که از هر طرف بلند می شد *

سه نفر از صاحب منصبان سویدی که مستخدم دولت شده بودند وارد پایتخت شده که خدمات خود را راجع بمشاقی زاندار مرئی در تحت او آسر وزارت داخله انجام دهند * بعد از مذاکرات و مباحثات بسیاری که بین من و کابینه واقع شد فرار بر این شد که مواجب افواخی که موسوم بمرکزی بودند مستقیماً از خزانه داده شود نه بتوسط وزارت جنگ نتیجه فرار داد مزبور این شد که با کمال «اکونومی» (صرفه جوئی) مواجب آنها پرداخته شد یعنی بدون اینکه دیناری تفریط شده یا حقوق کسی لا وصول بماند *

بیستم اوت (بیست و چهارم شعبان ۱۳۲۹) شهرت یافت که شاهزاده سالار الدوله پادشاه هزار فشان در همدان توقف نموده و تهیه حرکت بطهران را می بیند در آن وقت تمام افواج دولتی چه در خود پای تخت و چه در اطراف بیشتر از سه هزار نفر نبودند این شهرت باعث هیجان دیگری علاوه بر سابق شد *

سه شنبه بیست و دوم اوت (بیست و ششم شعبان ۱۳۲۹) جشن میلاد سال چهاردهم سن شاه جوان بود و بر عایت احترام آن جشن سلام بزرگی در عمارت بیلاقی خارج طهران منعقد شد من خود نتوانستم در آن سلام حاضر شوم لکن معاون بزرگم مستر کرنز در آنجا رفته بود و یکدانه دندان «نروال» (کرگدن دریائی) که آدمیرال پیری (Admiral peary) از سفر سابق خود از قطب آورده و بر آن اسم منکشف معروف نقش شده بود تقدیم نمود آن دندان «نروال» (Narwhal) بتوسط شارژ دافر ایران مقیم واشنگتون به مستر کرنز سپرده شده بود که آن یادگار قیحتی را به شاه تقدیم نماید *

سلطان احمد شاه تا آن زمان هنوز مستر کرنز را ندیده بود بواسطه سهو مترجمین شاه تا مدتی در این اشتباه باقی بود که خود مستر کرنز منکشف معروف می باشد و آمده است که آن دندان را شخصاً تقدیم نماید آخر الامر توضیحات صحیحی داده شد که مستر کرنز را آسوده نمود *

در این موسم زندگانی و تعیش در طهران آرام و راحت نبوده چرا که هوا خشک و بی درجه حرارتش زیاد بود چیزی که بسیار زحمت میداد آن گرد و غبارهای غلیظی بود که از صبح زود که عبور و مرور در کوچهها و راهها شروع میشد تا دیری از شب فرو نمی نشست از حسن اتفاقات در پارک انابک مثل سایر عمارات بزرگ ایران اطافهای زیر زمینی داشت که تالی حجرات فوقانی بود هوای آن منازل حتی در گرمترین اوقات روز خنک بود من دفتر شخصی خود را در آنجا قرار داده بودم در تمام مدت تا بستن یعنی از وسط ماه ژوئن تا آخر سبتمبر جمیع سفارت خانهای خارجه و اغلب اروپائیهای سکنه طهران و بسیاری از ممولین ایرانی از شهر خارج شده و به امکانه بیلاقی مختلفه خود که هشت میل یا بیشتر از شهر دور و در دامنه کوه واقع است میروند ولی چون در همان اوقات تازه شروع به نظم و ترتیب امور خزانه نموده بودم لازم دانستم که در شهر که ادارات دولتی نیز در آنجا بود توقف نمایم *

در او آخر ماه اوت مطالبات پول از طرف سرداران بختیاری در طهران بجدی سخت شد که مجبور شدم تا وقتی که خدمت معین نظامی از آنها بوقوع و ظهور نرسد از قبول درخواستهایی که در باره حقوق آنها داده شده بود انکار و نکول بنام بختیاری ها تصور نموده بودند که بواسطه بیکاری تمام افراج نظامی دولت در ننگهای مشکلات گیر کرده است و ظاهراً اراده داشتند که از موقع حاضر فائده و انتفاع کلی ببرند وضع پول دوستی آنها بجدی آشکار بود که هیجان و احساسات سختی در طهران بر خلاف ایشان بروز نمود *

در اثناء ملاقاتی که سفرای روس و انگلیس از من نموده بودند صحبت از استعراض چهار میلیون لیوه بمیان آمد که از چندی قبل با نمایندگان کپانی سلیمان و برادران لندن مشغول مذاکره و ترتیب آن بودم *

بعد از آن سر جارج بار کلی عدم اطمینانی که از اغتشاش راههای تجاری جنوب بدولت انگلیس عارض شده اظهار نمود و سوال کرد آیا ممکنست اقدامی برای تأمین طرق مزبوره نمود؟ من برای مشارالیه توضیح کردم که جلب ایل بختیاری از آن صفحات و ظلیلد نشان بطهران برای شرکت در محافظت دولت مشروطه بر خلاف حمله های شاه مخلوع بی شبهه قطعات بسیاری از آن راهها را غیر مأمون گردانیده است و در چنین موقعی دولت ایران حقیقه هرگز مسئول این اتفاقات نخواهد بود! بعد از آن سر جارج بار کلی رأی داد که خوبست ترتیب فراسوران و مستحفظین آن راهها را خود شما بعهده بگیریید یا اقلاً عده کافی از ژاندارمری خزانه که تازه تشکیل یافته است برای عود نظم در خطوط مزبوره بگیریید و گفت که اگر بتوانم بدولت متبوعه خود تلگراف میبنام که شما راضی میباشید که این کار را بعهده خود بگیریید و وزارت خارجه انگلستانهم ازین پیشانی آسوده خواهد شد زیرا که متوالیاً در مجلس و کلا عمومی از عدم مواظبت کافی در فوائد تجارتی انگلیس در آن قسمت از ایران سئوالات و حمله های سخت میشد من جواب دادم که اگر دولت انگلیس کمک کافی در تشکیل فوری ژاندارمری خزانه نماید راضی خواهم بود که با تصویب کابینه ایران مسئولیت این امر را بعهده خود بگیرم ولی جزء اعظم تشکیل ژاندارمری خدمات ماژور استوکس میباشد و تا وقتی که خزانه از خدمات قبلی ماژور موسوف محروم باشد معلوم نیست که چگونه ممکنست کار دیگر مشکلترا برآید خود بگیرم خصوصاً کاریکه دولت انگلیس خواهش تکمیل آنرا داشته باشد

درین صحبت باین امر دور از انصاف اشاره نمودم یعنی بوضع سلوک دولت انگلیس در انکار و تخلف از وعده خود راجع باستخدام ماژور استوکس و اتحاد و شرکت علنی با مقاصد روسها حتی در مداخله در حقوق بسیار جزئی سلطنت شاهنشاهی ایران بطور مزاح با تبسم گفتیم نظر باینکه سلوک دولتین تا ایندرجه بر خلاف ترقی ایرانست اگر بعضی امتیازات بدولت آلمان که از چندی قبل ساعی بوده که در قسمت غربی ایران راهی باید داده شود شاید مناسب باشد وزیر مختار انگلیس بقسمی از این شوخی مرعوب شد که من فوراً حرف خود را تغییر داده و مذاکره مذکوره را مسکوت عنه گذاردم *

در این زمان بکدسیته بختیاری در تحت ریاست امیر مخم در حدود همدان ساخلو بوده که از پیشقدمی اتباع سالار الدوله جلوگیری نمایند (۱) بختیاریهای مزبور موجب خود را گرفته بودند ولی سرداران آنها خصوصاً سردار جنگ که یکی از برادران صمصام السلطنه بود در طهران درخواست و اصرار زیادی نمود که مبلغ دیگری موازی شصت هزار تومان بایشان داده شود قبل از آنیکه امیر مخم و سوارانش مأمور برفتن بمیدان جنگ بشوند خیال این تقب زدن بخزانه دولت ورشکسته ایران چنان بی پرده بود که مجبور شدم خیال مزبور را با داره روزنامه داخلی اطلاع بدهم آن خبر بزودی در طهران شهرت یافته و سرداران بختیاری را مضطرب و پریشان نمود *

بیست و هشتم اوت (سوم رمضان ۱۳۲۹) ترکمانانی که در تحت حکم ارشد الدوله بودند هنگامی که بطرف طهران پیش می آمدند در نزدیکی قصبه ایوان کیف با دسته مختصری از افواج غیر منظم دولتی مصادف شده و آنها را شکست دادند قصبه مزبوره بجاه و شش میل از پای تحت فاصله دارد فوراً کمک مختصر دیگر در تحت ریاست امیر بجاهد برادر کوچک صمصام السلطنه فرستاده شد *

چهارم سنه امیر (دهم رمضان) خبر رسید که ارشد الدوله نزدیک فریه امامزاده جعفر که بفاصله چهل میل طرف جنوب شرقی طهران واقع است رسیده فوراً یغرم سیصد و (۱) صداقت و درستگاری امیر مخم امر بسیار مشکوکی بود دو سال قبل در سنه ۱۹۰۹ م بر خلاف مبین طرفدار شاه مخلوع بود چندی بعد از حرکات حیوانانه اش در جنگی که بین قسمتی از اتباع سالار الدوله و بختیاریهای ابواب جمعی مشارالیه واقع شد بدگانی مردم نسبت باغراض حقیقی اویغین پیوست آن دسته سواران دولتی بدون اینکه مدافعه از خصم کنند شکست خورده و فرار نمودند *

بنیام سوار انتخاب نموده با اتفاق مائزور هاز مشاق آلمانی نویخانه با يك عراده توپ ما کریم و سه عراده توپ شنیدر سریع الاطلاق از طهران حرکت کرد شهرت نمود سواران بختیاری که در تحت فرمان امیر مجاهد بوده شکست خورده اند. مستر مور و وقایع نگار روز نامه تمس لندن و مستر مولونی (m. moloney) مخبر اداره روتر با مستر مریل (m. morrill) معاون امریکائی من که چندی قبل وارد طهران شده و در فوج ژاندارمری خزانه مستخدم بود بیدان جنگ روانه شدند باین خیال که با فوج دولتی ملحق شده و آن جنگ را علانیة مشاهده نمایند *

سه شنبه بیجم سنابهر (یازدهم رمضان ۱۳۲۹) ساعت یازده صبح (یک ساعت قبل از ظهر) افواج ملی در تحت حکم یفرم به اتباع شاه مغلوع که در تحت فرمان ارشدالدوله بودند حمله کردند اتباع ارشدالدوله مشتمل بر دو هزار نفر ترکمان و عده از اهالی ایران که هزار و چهار صد نفر آنها سواره و افواج دولتی مشتمل بر یازصد نفر سوار بختیاری و صد و هشتاد نفر از داوطلبان ارمنی و عده قلیل ژاندارم بانضمام سه عراده توپ شنیدر و یک دستگاه توپ ما کریم سوارهای بختیاری در تحت حکم سرچ سردار بهادر و سردار محشم بودند و سایر افواج دولتی در تحت فرمان امیر مجاهد و در دو میل امامزاده جعفر با ارشدالدوله مقابل شدند آنها مرکب از چهار صد نفر بختیاری و عده قلیلی ژاندارم بودند ساعت یک قبل از ظهر ارشدالدوله از نیه که بقدر نیم میل مربع فضای آن بود بالا رفته و آنها را سنگر فرار داد و با چهار توپ خود از خصم مدافعه می نمود سبب صد نفر ترکمانها را به یکی از دهات و رامین فرستاد که اهالی را مضطرب نمایند و قتیکه افواج دولتی در تحت حکم یفرم آن روز صبح بحوالی محل مزبور رسیدند صدای شلیک توپ و تفنگ شنیده میشد که بین افواج امیر مجاهد و ترکمانها رد بدل میگردد *

یفرم مائزور هاز و سردار بهادر و سوارهای ابواب جمعی مشارالیه را با توپ ما کریم بجل مرتفعی سمت بین افواج ارشدالدوله فرستاد ایشان از راه مخفی و بنامگاهی که بنظر نمی آمدند به آنجل مرتفع رفته و فوراً با توپ ما کریم شروع به آتش فشانی به ترکمانان نمودند مطابق تقریر خود ارشدالدوله در موقع استنطاق (بعد از آنیکه دستگیر شد) غرض توپ ما کریم ترکمانها را مرعوب ساخته و زهره خود را باختمند سرکردگان آنها هر قدر سعی کردند که آنان را منظم نگاهداشته و از فرارشان مانع شوند نتوانستند و قتیکه سواره بختیاری در تحت سرکردگی سردار بهادر برایشان حمله نموده و آنها را در هم

شکستند ترکمانان با کمال خوف و دهشت فرار را بر فرار اختیار نموده و پای ارشدالدوله زخم برداشته و نتوانست فرار نماید دسته از بختیارها مشارالیه را دستگیر نمودند * از ترکمانان بین شصت و هفتاد نفر مقتول و سیصد یا چهار صد نفر مجروح و دستگیر شدند باقی آنها از طرف جنوب بسرعت هر چه نامتر فراراً داخل جاده مشهد شده که از آن راه بحدود و سامان خود که در سرحد شمال شرقی ایران واقعت مراجعت نمایند جنگ مزبور ساعت یک بعد از ظهر روز سه شنبه ختم شد بختیارها تعاقب از خصم نموده زیرا که اسبهای آنها بواسطه مسافرت طولانی شب گذشته و صبح آن روز خسته بودند *

در نیمه شب بعد ارشدالدوله را بار دوگاه در روده و چادر خود یفرم بردند سرداران ملی با کمال حسن خلق و خوش سلوکی بالورفتار کرده و زخم مشارالیه را شسته و مرهم نهاده و او را آرام و راحت نموده خوراک و آشامیدنی و سیگار نیز برای او حاضر کردند ارشدالدوله در وسط دائره که مرکب بود از یفرم و مائزور هاز و سرداران بختیاری و مستر مور و مستر مولونی و مستر مریل تکیه داده بود *

از حرکات شاه در وینه و اقدامات بعد از بیرون آمدنش سؤال نمودند جواب داد که با محمد علی میرزا دو مرابه سفیر وینه روس را ملاقات نمودیم سفیر شاه گفت که «نه دولت روس میتواند در این کشمکش داخلی شرکت و مداخله نموده و شایا امداد دهد و نه دولت انگلیس یعنی در ورود شاه بایران برای استرداد سلطنت لکن اگر شما خود تان بتوانید این کار را انجام دهید راه صاف و بی مانع است» ارشدالدوله گفت که محمد علی قشون و اسلحه و پول از سفیر مزبور خواست ولی سفیر جواب داد ممکن نیست! بفر حال سفیر روس قدری اطمینان بها داد که توانستیم سه عراده توپ اطریشی که در صندوقها بسته بودیم همراه خود از وینه بیاد کوبه آورده و از مملکت روسیه بدون هیچ اشکال و مانعی عبور دهیم برای تذکره و اسبابهای ما پرسش و دقتی بعمل نیامد وقتی که سؤال نمودند که چگونه آن صندوقهای وزین و قورخانه را از روسیه عبور دادید که حقیقت امر مکشوف شد! جواب داد که بر آن صندوقها آب معدنی نوشته بود محمد علی هم با تذکره جعلی و ساختگی سفر میکرد در آن تذکره اسم او خلیل قلم تاجر بغدادی نوشته شده بود *

ارشدالدوله مقداری قورخانه و جیبه خانه همراه داشت و نوکرهای او همه مسلح

بودند به تفنگ های کاربین (Carbines) (لوله کوتاه) اطریشی برای سوار و یک
 مندوقی همراه داشت که مبلغ بسیاری مسکوک ایران در آن بود *
 درین گفتگوی با سرداران خواهش و التماس زیادی بر ایجان خود کرد که از
 کشتنش صرف نظر نمایند لکن با عبارات مختصر و بالخاص تمام خواهش نمود که مجلس را
 ختم کرده و بگذارند آرام کنند سرداران باو اطمینان دادند که امشب را میتوانی به
 آراعی و راحت تمام خوابیده و برای فردا مهیا باشی *

صبح زود روز بعد بیست نفر ژاندارم ما مور شدند که ارشدالدوله را در حالتیکه
 دستهایش باز بود نزدیک دیواری برده و بر او شلیک کنند بعد از شلیک بر و افتاده
 و دستهای خود را بلند نموده و حرکتی داد ولی بعد از امتحان معلوم شد که هنوز زنده
 است و فقط یک گلوله باو خورده چند دقیقه او را بهمان حال گذارده و ژاندارم ها
 را امر بیازگشت نموده و بعد از آن دسته از داوطلبان ارمنی را حکم به پیش رفتن دادند
 زیرا که ژاندارمها تیراندازی بسیار بد مشکوکی امتحان دادند دراز گوشه را که اتفاقاً
 ما بین ارشدالدوله و دیوار آمده بود از آنجا راندند در این حال ارشدالدوله برانو بلند
 شده و به فارسی بصدای بلند گفت « زنده باد محمد علی شاه » وقتیکه شلیک دوم را
 کردند چند گلوله باو خورده و فوراً افتاد و مرد *

در هنگام گلوله ریزی با ارشدالدوله نه یفرم در آنجا بوده و نه سرداران بختیاری ولی
 مستر مور و مستر مولونی و مستر مرپل حاضر بودند *

ارشدالدوله بدون اظهار خوف و بدون هیچ آثار ندامت و انفعالی از افعال خود که
 برخلاف دولت اقدام کرده بود جان داد قبل از کشته شدن خواهش کرد که نعشش
 را در طهران پیش عیالش فرستاده و « لاکت » (Locket) (مدال بیضوی شکلی
 کوچکی که از طلا ساخته و تصویر کوچک و یا چیز یادگاری در آن میگذارند) با زنجیر
 طلا که در گردن داشت با نعشش دفن نمایند ششم سپتامبر (دوازدهم رمضان ۱۳۲۹)
 او را بطهران آورده و روز دیگرش در میدان توپخانه برای معاینه عمومی نعشش دادند
 نعش او را جلو عرابه متعارفی واداشته و جمیعت کثیری از مردم آن منظره را مشاهده
 نمودند مقصود از آن کار غیر عادی لزوم این مسئله بود که دولت خواست مردم واضح
 و ثابت شود که ان جنرال مشهور واقعاً کشته شده و ترکانها شکست خورده اند روز
 بعد یفرم گفت سبب قتل فوری ارشدالدوله در میدان جنگ این بود که اگر او زنده

سردار سید محمد علی کرمات در یکسپهر



سردار سید محمد علی کرمات در یکسپهر



سردار سید محمد علی کرمات در یکسپهر



سردار سید محمد علی کرمات در یکسپهر



سردار سید محمد علی کرمات در یکسپهر



سردار سید محمد علی کرمات در یکسپهر



بظهران می آورند بی شبهه سفارت روس بهانه ای استغلاصش فراهم می نمود *
 روی هم رفته فتح منور ملیین آخرین لطمه و ضربتی بود که بامید واریهای شاه
 مغلوع در گرفتن ظهران وارد آمد ارشدالدوله از جری و ماهرترین جنرالهای شاه مغلوع
 بشار می آمد. و به تردستی و چالاکي عجیب منورانه خود را بمیل میلی های تخت
 رسانید اگر قشون بفرم مانع از پیش آمدن مشارالیه نشده و او را شکست نداده بود
 بی شبهه بدون هیچ مدافعه مؤثری ظهران بقدرق او درآمده و برای غارت و بجا
 بترکانان سپرده می شد تصور نتیجه ایجان شدن هزارها مردم وحش در شهر و چاول
 خود سرانه و غارت دل بخواه امر بسیار مشکل و هولناکی بود چهار عراده توپ و
 عده بسیاری تنک و ریفل که غنیمت افواج می شده بود با عده کثیری از ترکانان
 اسیر شده را که غالب آنها پیر و پادشهای سفید بودند در چند روز بعد وارد ظهران
 نمودند قسمت عده ترکانها که از جده خراسان (سرخاقت) معیلاً فرار نموده همپو
 گان میکردند که سوارهای بختیاری ایشان را تعاقب خواهند نمود با اینکه يك نفر
 سوار هم عقب آنها رفت طوری پیشاپیش فرار نمودند که تعداد زیادی اسبهای آنها از
 خستگی بیکر شده و سقط گردید تلگرافخانههای کرچک بسیاری در ارض آن راه متعاقب
 بشبهه مشهد کهنی هند و اروپا واقع است رئیس تلگرافخانه انگلیس طهران که رئیس
 کل شعبهای مزبوره بود بمجرد اینکه از شکست ترکانان مطلع شد فوراً تمام تلگرافچیان
 بین راه تلگرافاً دستور العمل داده و سفارش نمود که در هر جا بترکانها اطلاع دهند که
 «بختیاریها در بی ایشان میباشند» نتیجه آن تدبیر این شد که باغیان بسرعت تمام
 گریخته و نتوانستند اهالی دهات و قرا کوچک بین راهرا غارت نمایند چنانکه سابقاً
 غارت کرده و باور حتم بازم غارت میکردند *

در آن موقع خبر رسید که شجاع الدوله با استمداد زیادی از شاه سوند ها شهر
 تبریز را تهدید شدیدی می نماید بهر حال بعد از شکست ارشدالدوله بقیه السیف قشوقی
 که شاه مغلوع و همراهش امیدواریهای پانینی به آنها داشتند فقط افواج برادرش
 شاهزاده سالارالدوله در حدود همدان بودند *

* * * باب پنجم * * *

اقدامات نظامی و لشکری برای جلوگیری و دفع شاهزاده سالارالدوله شکست خوردن مشارالیه از قشون درانی نتایجی که از ضبط نمودن دولت املاک شعاع السلطنه را بعمل آمد سواد مراسله خود که به تمس لندن نوشته بودم *

در اوائل سبتمبر افواج دولتی که در تحت حکم امیر مخم سردار بختیاری بودند در حدود قصبه ملایر از اتباع شاهزاده سالارالدوله شکست خورده و از بختیاری ها دو بیست نفر اسیر و مقتول بشمار آمد و نیز مقداری تفنگ و فشنگ و توپ بغارت رفت سردار غدار شان اظهار نمود که مبلغ بازده هزار تومانی که چند روز قبل از شعبه بانک شاهنشاهی ممدان گرفته بود نیز بغارت رفته است يك جنرال دیگر دولتی که معروف بامیر نظام بود چند عراده توپ بزرگی که دولت برای محافظت ممدان بشمارالیه سپرده بود بطریق بسیار مشکوکی بسالارالدوله تسلیم نمود *

بازدهم سبتمبر (هفدهم رمضان ۱۳۲۹) نیز جنگ دیگری مابین افواج دوانی در تحت ریاست معین هایون و اتباع و همراهان شاه مخلوع و برادرش شعاع السلطنه در سوادکوه واقع گردید عساکر شاه مخلوع بکلی شکست خورده و آن دو برادر با کمال تمام در تاریکی مه غلیظی فرار نمودند در آن موقع شهرت یافت که شاه با هفت نفر از همراهانش بقمش تپه فرار نموده است *

هجدهم سبتمبر (بیست و چهارم رمضان) سالارالدوله بسخت طهران حرکت نمود در صورتیکه علی الظاهر هیچ گونه ثبات و جلوگیری از طرف افواج دولتی بعمل نیامد در اعلانی که بملت نموده بود خود را شاه خوانده و از محلی هم بیست و چهارم سبتمبر (سوم شوال ۱۳۲۹) پس از آنکه بفرم و نویخانه اش با سواران داوطلب به بختیاریها ملحق شده و با تمام قوای سالارالدوله مصادف گردید در ده کوچکی معروف به باغ شاه که مابین شهر قم و قصبه نوبران در نود میلی طرف جنوب شرقی طهران واقعست عساکر یاقی را شکست دادند از سرداران بختیاری سردار بهادر و سردار محشم و سردار جنگ همراه فرم خان بودند عساکر سالارالدوله کلاً شش هزار نفر بوده بانصد

نفر از ایشان مقتول و مجروح و دو بیست نفر دستگیر شدند در صورتیکه عدد افواج دولتی در هر صورت کمتر از دو هزار نفر و عدد تلفاتشان حیرت انگیزانه فقط دو نفر مقتول و شش نفر مجروح بشمار آمد شش عراده توپ و مقدار زیادی فشنگ و جبهه خانه بتصرف لشکر ملی آمد و شاهزاده سالارالدوله بسرعت هر چه تمامتر پشت میدان جنگ نموده و بطرف جنوب غربی فرار کرد و آرزوی طهران و سلطنت از سرش فوراً محو و نابود گردید اگر افواج ملی مشارالیه را فوراً تعاقب نموده بودند بدون شك دستگیر شده بود زیرا که در محلی بیشتر از چند میل با عساکر ملی فاصله داشت *

بهر حال در اوائل اکتوبر ملتیان در دو جنگ فایح و مظفر گردیدند نتیجه این شد که شاه و برادرانش فرار نموده و عساکر و عناصرشان از هم پاشیده و متفرق گردید *

افتخار دو فتح مزبور بواسطه قدرت و جرات و اقدامات مدیرانه فرم خان حاصل گشت مشارالیه پس از مراجعت بطهران مورد اعطاء يك شمشیر مرصع و بیکاندانی افواج شمالی و ماهی سیصد تومان موجب از طرف مجلس مفتخر گشت *

چنددسته کوچک از پیروان شاه مخلوع هنوز در حدود استرآباد باقی بودند که فریب هشتم اکتوبر (چهاردهم شوال) معین هایون با یانصد نفر سوار بمقابله و مدافعه ایشان بدان صوب رهسپار گردید *

نائب حسین دزد معروف در حوالی شهر کاشان که در نقطه جنوبی طهران بین قم و اصفهان واقع است دو باره بنای مخالفت و سرکشیرا گذارده و اسباب زحمت دولت گردید دولت بر حسب رأی من دو بیست و پنجاه نفر از ریگاد قزاق با چند صاحب منصب روسی برای جلوگیری مشارالیه گسیل داشت که بسیصد نفر سواران بختیاری که از سمت اصفهان می آمدند ملحق شده و متفقاً با او مقابله کنند ولی بدون اینکه قزاقها اقدامی نمایند که از آن نتیجه صحیح عملی حاصل شود بطهران مراجعت نمودند *

چهاردهم اکتوبر (دهم شوال ۱۳۲۹) از هیئت وزراء حکمی صادر شد که از جهت خزانه داری کل باید اموال و املاک شاهزاده شعاع السلطنه و سالارالدوله را توقیف و ضبط نموده و جزء خزانه محسوب دارم *

بدون شبهه صدور حکم مزبور بقاعده و مطابق قانون بود زیرا که آن اشخاص نه فقط نقض عهد و مخالفت با دولت مشروطه نموده بودند بلکه سر کرده و رئیس یاغیان شده و به آنها شرکت علنی در بقی و فساد نمودند *

وقتی که دولت ایران با اقدام در این امر مصمم شد یکی از اجزاء وزارت خارجه را
بعفارتخانهای انگلیس و روس فرستاد نقطه باین قصد که خیال مزبور را دوستانه با ایشان
اطلاع داده و این نکته را هم گوشزد شان نماید که چنانچه ایشان نسبت با املاک مشار
الیهما ادعائی داشته باشند دولت منافع و حقوق اجانب را بکمال خوبی حفظ خواهد نمود
هیچ يك از آن دو سفارت اظهار تعرض و مخالفتی نمودند *

یکی از مواد فقرات حکم مزبور نیز همین مسئله بود که در فقره فوق گذشت *
دو شنبه نهم اکتوبر (پانزدهم شوال ۱۳۳۹) برای اجراء حکم مزبور دستور العملهای
لازمه دادم چون برای ضبط املاک مزبوره هیچگونه انکالی متصور نبود شش دسته
هفت تقریرا که هر دسته مرکب بود از يك نفر مستوفی (مخاسب) خزانه و يك صاحب
منصب ژاندارمری و پنج ژاندارم خزانه برای توقیف و تصرف آن املاک مأمور نموده
و بایشان امر کردم که تمام املاک مشارالیهما را چادر خود شهر و چه در خارج شهر از
طرف دولت در قبضه تصرف خود در آورند *

بزرگترین آن املاک پارک و عمارت شاهراه شعاع السلطنه بود که در نزدیکی
پارک اتابک (یعنی در آن محله) واقعست عمارت مزبوره بسیار عالی و از مبلمای کیاب
گران بها از قبیل بده ها و فروش (قالی) و اشیاء متفرقه دیگر بود اطراف عمارت
مزبوره باغ بزرگی بود که بدیوارهای ضخیم محکی تحاطب بود در آن عمارت بعضی از
زوجات و اطفال و مادر شعاع السلطنه اقامت و سکنی داشتند *

وقایعیکه در موقع ضبط املاک معهوده اتفاق افتاد از راپورت رسمیکه ذیلآ درج
شده بخوبی معلوم می شود :- بتاريخ دهم اکتوبر (شانزدهم شوال ۱۳۳۹) سواد این
راپورت را در جزه راپورت خود برای هیئت وزراء فرستادم ترجمه راپورت مزبور که
اصلاً بزبان فرانسه نوشته شده بود بر حسب ذیل است :-

طهران: دهم اکتوبر ۱۹۱۱ خدمت هیئت وزراء افتخار حاصل میکنم که راپورت
ذیل را که بآدره خزانه رسیده راجع اجراء حکم توقیفی مورخه چهارم اکتوبر ۱۹۱۱
(شانزدهم شوال ۱۳۳۹) که از طرف آن هیئت محترم در خصوص ضبط تمام املاک
شعاع السلطنه و سالار الدوله یاغیان بنام دولت شاهنشاهی صادر شده بود بعرض برسانم
بجواب حکم مزبور بشش دسته که هر دسته مرکب از يك مأمور محاسب و يك نفر
صاحب منصب پنج نفر از ژاندارمه بود دستور العملهای لازمه و توضیحات راجع بچگونگی

و محل هر یکی از شش ملك مزبور دادم *

چهار پارچه از آن املاک متعلق بشعاع السلطنه است يك باغ در شهر و باغ دیگر
در نزدیکی قلک معروف به چیز و دو ملك دیگر واقع در خارج طهران معروف به دولت
آباد و منصور آباد و دو ملك دیگر که یکی در بلوک شهر یار و دیگری مردآباد می باشد
متعلق بسالار الدوله است *

به مأمورین دستور العمل داده بودم که املاک مزبوره را با اسم دولت با صلح
و مسالمت قبضه و تصرف نموده و بیباشرین و ضباط مراتب مندرجه حکم هیئت وزراء را
اطلاع دهند و چنانچه آن املاک در اجاره اتباع خارجه باشد بمسئله جریمین اطلاع
دهند که از طرف دولت شاهنشاهی بکمال خوبی رعایت احترام قرار دادشان خواهد
شد ولی مال الاجاره را تا انقضاء مدت اجاره باید بموجب اقساط مقرر در اجاره نامه
ببخزانه دار کل دولت به پرداختند *

بعبارت صریح و ساده به مأمورین سفارش و تأکید نموده بودم که اگر واقعه غیر
منتظره رخ نماید در نهایت حزم و احتیاط و با کمال تحمل و بردباری سلوک نمایند و در
هر صورت باید هیچگونه سختی اگر هم لازم شود بدون اطلاع راجزه من ننمایند *
دیروز که نهم اکتوبر (پانزدهم شوال ۱۳۳۹) بود ساعت ده صبح یکی از آندسته
ها که عبارت بود از يك نفر محاسب و دو نفر مهندس و يك صاحب منصب و چهار تاپین
ژاندارمری خزانه بطرف پارک شعاع السلطنه (که واقع در شهر است) روانه شدند *
ترجمه راپورت نهم اکتوبر را که با امضاء علی اصغر صاحب منصب ژاندارمری و
محمد ناظر افسر اهل قلم خزانه بود ذیلآ مینگارم :-

(خدمت مستر شوسفر خزانه دار کل ایران: امروز که پانزدهم شوال است ساعت
ده صبح (دو ساعت به ظهر مانده) امضاء کتبه ذیل بهمراهی میرزا علی اصغر خان و دو
نفر مأمورین مهندس خزانه و چهار ژاندارم بپارک شعاع السلطنه رفتیم وقتی که بدر
پارک رسیدیم چند نفر از قزاقهای ایرانی ما را از دخول منع نمودند پس از آنکه حکم
ضبط تمام املاک شعاع السلطنه را ارائه نمودیم داخل باغ شده و یک نفر ژاندارم را
نزدیک در باغ گذاردم سپس بیاز نمودن اطافها و نوشتن صورت اثاث البیت و مبلمها
شروع نمودیم *

در این اثنا يك نفر قزاق بتوسط تلفون بقزاق خانه اطلاع داد بفاصله کمی دو نفر

صاحب منصب روسی وارد شده و با نشد مقام گفتند « شما حق داخل شدن بیایغ را نداشته و باید فوراً خارج شوید » همینکه میرزا علی اصفهانی از روسی اظهار داشت که بموجب حکم دولتی ما موریتووف می باشیم ایشان بیایغ را نگذاشته و گفتند « چنانچه فوراً خارج نشوید بقزاقها فرمان خواهیم داد که شما را گلوله ریز کنند » و واقعاً هم دوازده نفر قزاق روس که منتظر ورود شان بودند طلبیده و ایشان را بجمله و بورش با حکم نمودند میرزا علی اصفهانی هر قدر سعی و کوشش نمود که بتوسط تلفون پیش آمد حال را اطلاع دهد بی سود شد

چون اجازه و حکم سخت گیری پیش از آن نداشتیم ما مورین خود را طلبیده و از بیایغ خارج شدیم با افعال افسران و نزاعهای روسی تا منتهی ایبه خیابان بتعاقب ما آمده و بتخویف می نمودند که تعجیب در رفتن کنیم *

(اعضاء : محمد نظر * علی اصفهانی)

و بموجب راپورت شفاهی که ابن مامور خزانه داد صاحب منصبان روسی بالیاس تمام رسمی نظامی و کام السلاح بوده و مامورین را تهدید به قتل نموده بودند * پس از آنکه مامورین از بیایغ خارج شده و راپورت فوری را بمن دادند ساعت یازده و نیم صبح (نیم ساعت به ظهر مانده) تلفون ذیل را بجناب مسیویا کلیوسی کریل وزیر مختار روس نمودیم :-

(زرگنده : عالیجناب مسیویا کلیوسی کریل وزیر مختار روس) متأسفم از اینکه بجنابعالی اطلاع دهم که امروز ساعت نه صبح نمایندگان خود را بسخنات حکمی که از طرف دولت شاهنشاهی برای ضبط املاک شعاع السلطنه صادر شده بود فرستادم پس از آنکه نمایندگان سر بور بیایغ مشار الیه را تصرف نموده و مشغول به ترتیب فہرست رسمی بودند دو نفر صاحب منصب روسی باده نرف قزاق روس از قونسلخانه شما به بیایغ مزبور رفته و مستحقظین و نمایندگان را امر بجزوج کرده و ایشان را تهدید نموده اند که چنانچه خارج نشده یا مرتبه دیگر در آن حدود و خیابان بروند بر آنها شلیک نمایند نمایندگان بواسطه این تهدید از آن محل خارج شدند یقین دارم که جنابعالی خواهید دانست که ابن وضع سلوک و رفتار صاحب منصبان قونسلخانه شما بکلی ناجائز و خارج از قاعده بوده است دوستانه ماتمس و خواهش نمودم که به قونسلخانه خودتان فوراً حکم به برداشتن سر باز و مستحقظین بیایغ مزبور داده و خروج ایشان را بمن اطلاع خواهید داد *

(امضا : دبلیو مورگان شوستر خزانه دار کل *)
 پس از تلفون مزبور مراسله نیز برای تاکید و توثیق آن تلفون به مسیویا کلیوسی کریل نوشته و فقره که زیلاً نگاشته میشود بر آن افزودم :- (چون حکمی که از طرف هیئت وزراء صادر شده فوری الاجراء است) تا کریم از اینکه حکم مزبور را بموقع اجراء گذارم باین جهت مناسب دانستم که جنابعالی را مطلع نمایم از اینکه فردا صبح ساعت ده نمایندگان خود را فرستاده که بیایغ محبوث عنه را تصرف نمایند و بمیانہ متوقع و امید وارم که اقدامات لازمه بعمل خواهد آمد که هیچ واقعه ناگواری واقع نشود و مجدداً اظهار تأسف می کنم از اینکه تجدید رای حاصل شود (من ہستم وزیر عزیزم) (۱) *

ساعت یازده شب جواب تلفون از طرف مسیویا کلیوسی کریل بر حسب ذیل رسید :- بحرمانہ : طهران : مسیویا مورگان شوستر : تلفون و مراسله شمار رسید دولت آباد ملکی است که در اجاره دوفتر از رعایای روس می باشد و باید هیچ اقدامی بر خلاف اجاره ایشان کرده نشود مگر در صورتیکہ جنرال قونسل مطلعین شود کہ منافع رعایای روس محفوظ و مداخلہ و تصرفی در کنترات (قرارداد) مستاجرین نخواهد شد بارعایت صریح شرط مزبور از جناب سفارت روس در اقدامات دولت ایران در بارہ ملک شعاع السلطنه ممانعتی نخواهد شد سفارت روس دولت ایران را مسئول هر گونه دعاوی کہ رعایای روس بر شعاع السلطنه دارند خواهد دانست (امضا : مسیویا کلیوسی) *

توجه مخصوص هیئت وزراء و معطوف بدستگاه میگردد آنکہ عالیجناب سفیر روس نہ فقط جواب خواهشیکہ در تلفون خود راجع به برداشتن سر بازان و مستحقظینشان از بیایغ شعاع السلطنه واقعه در طهران نموده بودم بسکوت عنه گذارده بلکه در جواب تلفون خود اشاره بتلك دولت آباد کرده کہ خارج از شهر و ابتدا ذکر می در هیچ يك از تلفون و مراسله خود از آن نکرده بودم *

پس از اطلاع ثانوی بجناب وزیر مختار روس کہ امروز ساعت ده صبح مامورین و نمایندگان خود را بیایغ شعاع السلطنه برای ضبط و تصرف خواهم فرستاد و ابتدا جوابی شنایده نشد امری بغیر از اجراء ارادہ قانونی خود باقی نماند *

(۱) گاہ من ہستم گناہ از احترامات دولتہ است *

امروز صبح ساعت ده مستر کرنز نماینده خود را با پنجاه نفر ژاندارم خزانه و پنج صاحب منصب ایرانی فرستادم بانضمام پنجاه نفر ژاندارم اداره پولیس شهر در تحت فرمان سه نفر از صاحب منصبان خود شان تمام هیئت نظایی مزبور در تحت حکم صریح یکی از معاونین امریکائیم مستر موریل بود *

مستر موریل و سایر صاحب منصبان سفارش و غدغن اکیدی نمودم که بموجب آن باغ شعاع السلطنه را اگر ممکن باشد بصلح و مسالمت تصرف و ضبط نمایند و چنانچه از طرف مستحفظین سابق اظهار مخالفت و ممانعتی شود هیچگاه سبقت در بکار بردن قوه جبریه نکرده و تأمل کنند تا از طرف فراولان به آنها حمله شود ولی در هر صورت باید حکم مزبور را اجراء نموده و باغ را تصرف نمایند *

پس از گرفتن حکم و دستور العمل و رسیدن محازی باغ مستر کرنز و مستر موریل با یکدیگر صاحب منصب ژاندارم خزانه که زبان روسی میدانست بقونسلیخانه روس که نزدیک بود رفته و مسبوقاً با جنرال قونسل روس را ملاقات نمودند مستر کرنز بعمادت صاحب منصب ژاندارم روسی غرض خود را بجنرال قونسل روس نماینده و حکمی که بایشان داده شده بود برای مشارالیه خوانده و اظهار داشت که اداره خزانه رعایت احترام حقوق اتباع خارجه را خواهد نمود سپس مستر کرنز از مشارالیه خواهش نمود که فراولان باغ را از آنجا بر دارد *

پس از مختصر مذاکره جنرال قونسل از برداشتن مستحفظین و مامورین خود صریحاً امتناع نمود این نکته را هم توضیح می نمایم که از تقریرات و بیانات جنرال قونسل برای مستر کرنز و مستر موریل یقین قطعی حاصل شد که خود مشارالیه مستحفظین را در باغ مزبور از طرف خود گذارده است باز هم تکرار میکنم که قونسل مزبور انکار صریح از خارج نمودن فراولان خود نمود باین واسطه مستر کرنز بمشارالیه اطلاع داد که امروز باغ مزبور را بقوه جبریه تصرف خواهد نمود *

بعد از آنکه اذاعات لازمه بعمل آمده و حجه تمام شد ژاندارمهای دولتی بطرف در آهن باغ رفتند در آنجا شش هفت نفر قزاقهای ایرانی را با تفنگهای ریفیل دیده و به آنها امر نمودند که در را باز نمایند و چنانچه از دخول ژاندارمهای دولتی بصلح و مسالمت ممانعت نمایند قوه جبریه بکار برده خواهد شد قزاقهای ایرانی جواب دادند که کلید پیش ما نیست چون مامورین دولتی نمیخواهند کار بطول بیاورند بطرف در دیگر باغ

که فاصله کمی با در آهن داشت رفته و از آن در داخل شدند و بقزاقان ایرانی اطلاع دادند که در صورت عدم مخالفت و ممانعت و تسلیم الحجه میتوانند به آرامی و خوشی از آن محل خارج شوند قزاقها هم قبول کرده و پس از تسلیم اسلحه خود بصلح و مسالمت خارج شده و باغ را بقصر ژاندارمهای خزانه دادند *

احکام موصوفه سخت در برداشتن صورت صحیحی از مبل و اثاثیه و سایر اموال موجوده به مامورین داده شده بود و هم به باطن الحلاج داده شد که زحمتی برای زنهائی که در اندرون می باشند نخواهد بود و کسی متعرض ایشان نمیشود تا بوقت فرصت خود شان خارج شوند علاوه بر این بتوسط یکی از منسوبین خانواده که در اندرون سکونت داشتند پیغام داده و اظهار تأسف از ارم آن اقدام که باعث زحمتشان شده بود نموده و گفتم «حضرات مطمئن باشند که کسی زحمت و تعرضی بایشان نخواهد داشت و میتوانند تزلزانیکه منزل دیگری برای خود ترتیب دهند در آنجا بمانند» *

امروز ساعت دو و نیم بعد از ظهر راپورت تلفونی از صاحب منصب ایرانی که در باغ گذارده بودم رسید که چند دقیقه قبل سه نفر صاحب منصب که دویشان از قونسلیخانه روس و دیگری ایوب خان سرهنگ بر بگه قزاق بود بالباس رسمی و مسلح بدر باغ آمدند فراولان با دست ایشان اشاره کرده که کسی اجازه داخل شدن ندارد صاحب منصب قزاق مزبور از کالسکه پیاده شده و بطرف در باغ آمد افسران روسی فریاد کردند که «اگر پیشتر بروی فراولان ترا با گوله خواهند زد!» جواب گفتم «نه!» کشیکچیان بایشان گفتند «ما اجازه شایک نداریم» بر حسب اطلاع صحیحی که رسیده روسها بنای توهین و تهدید را بصاحب منصبان و مامورین دولتی گذارده و پس از چند دقیقه بدون وقوع حادثه مراجعت نمودند *

دیروز ساعت شش عصر (قریب بفرج) راپورت زبانی از مامورینیکه که برای ضبط نمودن دولت آباد و منصور آباد فرستاده بودم رسید که پس از آنکه با دسته های خود بدو محل مزبور رسیده و حکم ضبط و تصرف آن دو ملکرا برای کسانیکه حاضر بودند خوانده و بسبوت تمام هر دو ملکرا تصرف نمودند سپس مستحفظ برای در معین نموده و وارد عمارت دولت آباد شدند پس از آنکه زمانی دو نفر افسر قونسلیخانه روس بالباس رسمی به همراهی چهارده پازده نفر قزاقان روسی بقتله وارد شده و داخل عمارت گردیدند یکی از افسران قونسلیخانه روس بک دست صاحب منصب ژاندارم روسی را گرفته

ویک قزاق روس دست دیگرش را و شروع بگردش و تجسس لباس های آن افسر نمودند که مبادا اسلحه با او باشد پس از دستگیر نمودن افسر مزبور ژاندارمها را هم بیک در امکه مختلفه که بودند دستگیر نموده و اسلحه آنها را گرفتند و ایشان را در اطافی در تحت مستحفظی سه نفر قزاق حبس نموده و از آنجا به منصور آباد که فاصله دو کیلومتر است رفته و در آنجا هم همین کار را کردند پس از جمع نمودن مجوسین افسران قونسلخانه روس صاحبمنصبان دولتی را با خود سوار کالسکه نموده و سایر ژاندارمها را سوار الاغ نمودند و ایشان را به آنجالت مانند مقصرین و مجرمین در تحت حراست قزاقها بقونسلخانه روس در طهران بردند *

در قونسلخانه صاحب منصبان روسی با افسران دولتی گفتند که « چون شعاع السلطنه و سالارالدوله رعیت روس میباشد » دو باره نباید مرتکب چنین امری بشوید و پس از تاکید زیاد اسلحه و فشنگهای ژاندارمها را به آنها داده و ایشان را مرخص نمودند *

اما نتیجه اقدامات راجعه بملک چیز که نزدیک قلبک است بموجب راپورتیکه از دسته ما مورین آنجا رسیده این شد که بدون اشکال چیزی را بصلح و مسالمت تصرف نمودند *

اقدامات راجعه باملاک سالارالدوله چون قدری دور است هنوز اطلاعی فرسیده است * این راپورتها بدون اینکه عقیده صاف و خالص خود را اظهار نه نمایم نمیتوانم ختم کنم که جنرال فونسل روس و صاحب منصبانش کلیه اقدامات ناجایز بغیر حق و قطعاً بر خلاف قوانین سلطنت و استقلال دولت شاهنشاهی ایران عمل کرده اند اکنون میتوانم بگویم که بعقیده خودم نمایندگان و ما مورینم با اشکالات دقیقیکه در کار بوده در مقام اقداماتشان با کمال صحت و شرافت و با نهایت صداقت رفتار نموده اند *

پس از حدوث واقعه مزبوره در مقاله یکروز نامه بر حسب اشاره روس درج و طبع شده بود که مستر کرنز مذاکره کانفرانس (مشورت) یا جنرال فونسل روس را ناقص گذارده و قطع نمود یعنی در صورتیکه هنوز « کانفرانس باقی و نتیجه آن مجهول بود مستر کرنز حکم ضبط و تصرف املاک مزبوره را ثانیاً بموقع اجرا گذارد » *

همچو « کانفراسی » به آن قسم که نوشته شده بود واقعاً حقیقت نداشته بلکه مستر کرنز بدون رسمیت دوستانه مسیو یاخبتانف را برای جلوگیری از وقوع هر حادثه

افسوسناکی که احتمال میرفت ملاقات نمود وقتی که مستر کرنز ملثفت شد که بهیچ قسم اطعینان و توضیحات لازمه نمیشود که آن صاحب منصب متعذر را از وضع سلوکی که اختیار کرده و سعی در نفوذش دارد منصرف نماید از قونسلخانه خارج شد در حالتیکه اظهار می نمود که در موقع تصرف املاک مزبوره امیدوارم هیچگونه اشکالی پیش نیاید * دو ساعت بعد از تصرف نمودن مامورین خزانه پارك شعاع السلطنه را دیده شد که مسیو پتروف (M. Petroff) و هاید براند (M. Hildebrand) یعنی همان دو ویس فونسل که روز قبل با اقربای خود شان حمله اول را بدر باغ نموده و به مستحفظین توهین و شغاشی کرده و ایشان را تهدید بقتل نموده بودند که شاید قراولان نادانرا مشتمل نموده و صبر و سکونت را از دست داده مرتکب امری شوند که صاحب منصبان روس بعد ها تعبیر بتوهین دولت روس کنند بعبارة اخری چون دیدند که کوشش شان در گرفتن املاک مزبوره با آنکه خلاف قانون بود بی نتیجه و خفتی ماند عمداً خواستند که دولت خود شان را در معرض معارضه و گرفتاری دوچار نمایند *

خوش بختانه بطوری دستور العمل های سخت و سفارشات موکده بژاندارمهای خزانه شده بود که بکلی خود داری نموده و از شغاشی و توهینات آن دو ویس فونسل دلاور که برای به دام انداختن ایشان بکار برده بودند از جا در نرفته و قافیه را ته باختند ناچار مایوسانه مراجعت نموده و راپورت های بی اصل صرف دادند که بایشان توهین شده و حال آنکه خود شان بهمین قصد رفته بودند که مامورین را بر انگیزانیده و مستمسکی بدست بیاورند *

مسیو یاخبتانف ازادانه راپورتهای دروغ به پتر سبرگ داده و از وزیر مختار خود شکایت نمود بدلائل قوی باین دارم وزیر مختار در مقام این موارد افعال جنرال فونسل را انکار نموده است چندی بعد از آن مسلك رسانه که دولت روس اختیار نمود فقدان حقیقی هر قسم نظم و موافقتی در وزارت خارجه روس کشف شد اگرچه تحقیق و تصفیه این گونه امور وظیفه نماینده دیپلماتی طهران بود ولی کابینه پتر سبرگ بواسطه عروج و اکثریت حزب اتحاد و ترقی معروفي که یکی از اعضاء آن مسیو کوکوستاف (M. Kokoutsoff) بود از عناصر صدق و انصاف صرف نظر نموده و حمایت جنرال فونسل متعذر خود را بر توهین وزیر مختارشان ترجیح داد اهمیت دادن به راپورتهای دروغی یاخبتانف فقط باین ملاحظه است که موافق اغراض میری آن

کاپنه می باشد *

بی اعتدالی و بی احترامیها بلکه وزیر مختار خودشان و وزیر مختار انگلیس نسبت به مسیو پاختانف شری داشتند مشهور هر عارف و عالی کردید سر جارج بارکلی بنیرائی دوستانه هم از او نمی نمود و میگفت که حرکات و اختیاف در معامله شعاع السلطنه مانند کارهای مجانبین است و رابطه ما بین مسیو پاکلیوسی کریل و پاختانف بعدتی دقیقی و نازک شده بود که در مجلس بال ارتض رسمی سالانه که نوزدهم دسامبر در سفارت روس منعقد شد نه خود جنرال قونسل شرکت در حضور داشت و نه فامیل و اجراء قونسلخانه اش و حال آنکه تقریباً تمام اروپائی های طهران در آنجا حاضر بودند *

بعد از ظهر همان روزیکه نزارهای پاختانف ژنرالهای خزانه را از باغ شعاع السلطنه بیرون کرد بودند مسیو پاکلیوسی کریل از زرکنده محل پلافلش که چند میل خارج از شهر است جنرال قونسل را پای تفنون طلیده و موخته نمود که چرا در آن معامله مداخله کرد و مذاکرات سختی بنوسط تفنون ما بینشان واقع شد آخر کار سفیر روس از پاختانف پرسید که آیا عذر موجه معنوی برای آن اقدامات داشته اید شخصی ثانی جواب داد که دلالی نرد من موجود است ا بعد از آن پاکلیوسی گفت اگر عذر موجهی ندانته بهتر است که فوراً مستمکی برای خود تحصیل کنید زیرا که خزانه دار با تفنون از این اقدامات شکایت نموده است پاختانف جواب داد که عنقریب « بعضی نوشتجات را خواهم فرستاد » (۱) پاختانف فوراً رافعی به بانک استقراضی روس فرستاد که فراداد نامه توریه را که شعاع السلطنه در چند سال قبل در موقع ترتیب و تنظیم شروط فراداد خلع محمد علی بانك مزبور سپرده بود بگیرد شعاع السلطنه نوشته مزبوره را باین امید به بانک روس سپرده بود بانك بتواند معاونت آن سند دو بیست و بیست و پنج هزار تومان از دولت مشروطه وصول نماید باین بهانه که شعاع السلطنه (برادر شاه مخلوع) اتمباع را به بانک مقروض است و حال آنکه مشهور بود مشارالیه عوض فرض مقدار کلی از بانک طلبکار است حقیقت شرح فوق را چندی بعد توانستم بوسیله سواد وصیت نامه که قبل از فتنش از ایران نوشته بود ثابت و مدلل تمام قصد

() تمام مکالمه وزیر مختار روس و پاختانف در همان شب بتوسط شخص ایرانی که مستخدم تفنون بوده و زبان روس را خوب میدانست بن رسید خود او این مذاکرات را پیش خود شنیده بود *

بانك روس که میخواست به مکر و تقلب آن مبلغ هنگفت را از دولت بیچاره ایران وصول نماید بقسمی بر همه مکشوف بود که وزیر مختار انگلیس از دولت ایران طرفداری نموده و آن خیال فاسدی اصل را خنثی گذارد این کاغذ جعلی بود که پاختانف توانست اقامه ادعای خود را بنماید که باغ شعاع السلطنه در بانک روس رهن میباشد ماخذ صحیح محاسبات شعاع السلطنه با بانک از محل محرمانه موثقی فوراً بن رسید و همچنین بدست آوردن پاختانف نوشته مزبوره را در همان روز از بانک روس دولت روس هرگز برای اثبات ادعای خود هیچ گونه اظهاری هم نه نموده بود که بانک روس در املاک شعاع السلطنه غرضی با حقی داشته است (۱) *

هشتم اوت (دوازدهم شعبان) که دولتین روس و انگلیس شروع به تهدید دولت ایران نموده بودند تا از مستخدمی ما ژور استوکس برای تشکیل ژاندارمری خزانه صرف نظر نماید در این موقع شروع باستحکام روابط دوستانه غیر رسمی با مسیو پاکلیوسی کریل و سر جارج بارکلی نموده سعی میکردم که ایشان دولت متبوعه خود شان را از فوائد ترك مخالفت و سلوک بی انصافانه نسبت بایران بپاگاهانند بعقیده من

(۱) ترجمه ماده چهارم و ششم وصیت نامه شعاع السلطنه

ماده چهارم

در این تاریخ مبلغ شانزده هزار تومان بحساب جاری در بانک استقراضی « روس » دارم و قریب بیست هزار تومان هم در بانک شاهنشاهی دارم ولی بواسطه اختلافی که در بین است وجه مزبور را نداده و بدون عنوان صحیح قانونی آنرا نگاهداشته اند او سیاه من سعی و کوشش در وصول آن کرده و حق ورثه صفار مرا تعقب نموده و نگذارند از بین برود *

ماده ششم

در این تاریخ فروض من فقط مخمراست به يك طرفرا سند چهل و شش هزار تومان به مادرم نرخت السلطنه که مبلغ سه هزار تومان از آن پرداخته شده و چهل و سه هزار تومان دیگر بر ذمه من باقی است بوجوب سندی که بانشاء و خط منتخب الدوله می باشد *

علاوه بر مبلغ مزبور که بمادرم مدیون میباشم دیگر بوجه من الوجوه دیناری با حدی مقروض نیستم و اگر کسی سندی ایراز نماید بکلی بجهول و از درجه اعتبار ساقط است و هیچ بدهی و فرضی غیر از فقره فوق الذکر بکسی ندارم *

آن دو شخص محترم هر دو اعتراف داشتند که آن اظهار بسیار مناسب و بجای بوده و معال
به هیچ غرضی نمی باشد مگر امید حصول معاونت کافی برای امر بسیار مشکلی ولی خیالات
کابینه پترسبرگ بکلی مخالف با اصلاح سریع امور مالییه ایران بود دولت روس یقین
حاصل نموده بود آن توفقی را که از مامورین بلجیکی گمرک داشته از مامورین امریکائی
نمی تواند امیدوار باشد اگر چه معلوم نیست ذکر این مطلب هم در اینجا بوقع باشد
(یعنی آن مسلكی را که مامورین بلجیکی گمرک در تحصیل رضای دولت روس پیش گرفته
بودند احتمال تغییرت که مامورین امریکائی خزانه آن مسلك را پیروی نمایند * مترجم)
بالاخره یازدهم اکتوبر (بیست و یکم شوال ۱۳۲۹) مسیویا کلیوسکی مرسله بن
نوشت که دولت متبوعه اش مکتوب اعتراض خود را در باب استخدام مازور استوکس
پس نخواهد گرفت (یعنی استخدام مازور مزبور را هیچگاه نخواهد بستید) از اقداماتی که
دولت روس برای برهم زدن استقراض چهار میلیون لیره با سود مناسبی که با اعضا
کپائی سلیمان و برادران لندن مشغول مذاکره و تصفیه شروط آن بودم نمود و از این
طرز اظهار مخالفتش در مسئله استخدام مازور و از مسلك جدیدی که در معامله شعاع
السلطنه اختیار نموده بود برای وکلا مجلس و من یقین حاصل گشت که دولت روس
مصمم شده است که از حالات و مواقع بسیار پریشان اروپا و ضعف بسیار آشکار
وزارت خارجه انگلیس در روابط با روس راجع بمعاملات ایران مواقع را غنیمت
شمرده و فایده برگیرد *

بواسطه محروم شدن از خدمات مازور استوکس که منج ترقی ابدی ایران میشد و
از دست رفتن فوایدی که از استقراض چهار میلیون لیره معهوده برای افزونی مالیات و
اصلاح امور مالییه متصور بود تمام امید واریهائی که برای اصلاح و تکمیل امور مالییه
دولت ایران داشتم مبدل بیأس گردید در این موقع مناسب ندانستم که وقایع مزبوره
پیش از این در پرده استتار بماند هفدهم اکتوبر (بیست و سوم شوال ۱۳۲۹) در اثنا
گفتگوی با وقایع نگاران تمس لندن و وکیل روزنامه روتر موقع یافتیم که اظهار تمام که
از منصرف نشدن روس از اقدامات جا برانه خود و مجبور نمودن دولت ایران را به ترك
استخدام مازور استوکس و سکوت تام انگلیسها در این اجبار بخوبی ظاهر میشود که
دولتین حقیقه مایل بنظم و اصلاح امور مالییه و ترقی ایران نمیباشند چون وقایع نگاران
مزبور خودشان بوقت و موقع حاضر بودند بتوضیحات لطیفه اقداماتی که برای خنثی و

فاسد نمودن کوششهای من شده بود بخوبی برخوردار و ملتفت شدند ولی چون روزنامه
تمس لندن که آله نیم رسمی وزارت خارجه انگلیس شناخته میشود در نمره نوزدهم
اکتوبر بیانات مرا به بی انصافی و بی حقیقتی حمل نمود مجبور شدم که از آن حمله و
اتهام دفاع نموده و عموم ملت انگلیس را از حقیقت امر با آگاهی یابن امید که شاید
دولت انگلیس کوشش کرده و دولت ایران را بگذارد که آزادی و استقلال خود را
محافظت نماید چنانچه آن دو دولت هر دو رسماً رعایت احترام آن آزادی را تعهد
نموده اند *

توضیح مختصری از حقیقت حال حاضره نوشته و پس از مشورت با عده از ایرانیان
محترم و امضاء و تصویب غیر رسمی کابینه بیست و یکم اکتوبر مکتوب سر بازی (علنی
و با امضاء) به اداره تمس لندن فرستاده و خواهش درج آن را نمودم (۱) *
مراسله مزبوره در دو نمره دهم و یازدهم نوامبر تمس اشاعه یافت وقتی که نمره اول
ان رسید وزیر مختار انگلیس شخصیرا پیش من فرستاده و سواد آن مراسله را از من
خواست من هم سواد مزبور را برایش فرستادم روزنامهجات انگلیس با توضیحات و
نشریحات مختلفه مراسله مرا استقبال نموده و بهمین ملاحظه در مجلس وکلا عمومی
توضیحات و مسئولات متعدده از وزیر خارجه انگلیس شد *



«*» باب ششم «*»

اولتیماتوم اول دولت روس بدولت ایران رأی دادن و نصیحت کردن دولت انگلیس
به قبول آن معذرت خواهی دولت ایران اولتیماتوم دوم روس *
تا او آخر اکتوبر (اوایل ذیقعد ۱۳۲۹) دولت روس عساکر خود را در انزلی
بیاده نموده و در باد کوبه نیز قشون فوق العاده حاضر و آماده کرد در این موقع دولت
انگلیس هم بدولت ایران اطلاع داد که «دواسکاترن» (دسته) سواره هندی به بوشهر
که واقع در ساحل خلیج فارس است خواهد فرستاد این فوج بسمت شیراز برای محافظت
قونسلخانه و انگلیس روانه خواهد شد *

سردار کفش زرد یعنی سردار محیی اول کسی بود که پیشتر از همه برای تهیه فور

(۱) بضمیمه «ج» رجوع شود *

خانه ولوازم جنگی پول از من گرفته بود در بندر جز از آن که آن حدود شکست خورد قونسلخانه روس و کشتیهای جنگی آن دولت هر دو علناً بمساکری باغی معاونت و امداد کردند دوم نوامبر (دهم ذیقعد ۱۳۲۹) مسیو پا کلیوسکی کزیر وزیر مختار روس و زارمخارجه ایران آمده و از طرف دولت متبوعه خود شفاهاً مطالبه و پروتست کرد که ژاندارمری خزانه را فوراً از پارک شعاع السلطنه برداشته و آن محل را تسلیم نزاقان ایرانی نمایند و نیز مطالبه نمود که باید معذرت رسمی از سفارت روس برای هتک شرف و احترام صاحب منصبان قونسلخانه اش بعمل آید ولی بشکایت و پروتستهای دولت ایران راجع بمداخلات روسها در معاملات داخلی و امور مملکتی و شکستن صولت سلطنت ایران ابتدا اعتنائی ننموده و مراسله شکوائیه دولت ایران را رد نمود در صورتیکه قبل از آن اتفاقات مراسله مزبور را گرفته و رسیدش را هم داده بود *

وزیر مختار مزبور اظهار نمود که از طرف دولت متبوعه خود مأ مورم که جواب سرحدی لاواعم از کابینه دولت ایران بگیرم * وزیر خارجه دولت ایران جواب داد که در این معامله مهم بدون مشورت با هیئت وزراء هیچ کاری نمیتوان نمود *

بعد از دو روز بحث و مذاکره کابینه ایران از من رأی خواست که اختیار کدام طریقه برای ایشان انبب و اولی است در صورتیکه از طرف من بکلی تمحاشی و امتناع از مداخله در این گونه امور شده بود رأی خود را بدین طریق اظهار نمودم که اگرچه مطالبات دولت روس بکلی خارج از قانون و ظالمانه است ولی اگر کابینه دولت ایران در حفظ حقوق و استقلال خود مجتهد و ثابت قدم باشد انجام این معامله بسیار مشکل و محکم خواهد بود *

همان روز که اولتیماتوم زبانی داده شد واقعه دیگر پیش آمد * بعد از کوششهای بیفایده بسیاری که ملاکین و متعولین طهران برای عدم تأدیه مالیات املاک خود نمودند عده قلیلی ژاندارمه خزانه را فرستادم که موافق رسوم معموله مملکتی مالیات املاک ایشان را بقوه جبریه وصول نمایند یکی از مشاهیر ایشان پیرس علاوالدوله بود که یکی از ارکان خانواده سلطنتی و حاکم سابق شیراز بوده *

چون آخر کار علاءالدوله رئیس مأ مورین خزانه را که بفرمانه مشار الیه فرستاده بودم از خانه خود بیرون و هتک شرف مأ مور دولتی را نموده بود رئیس مزبور را بهمراهی



مجلس دولتی در تهران در روز ۱۳۲۹



مجلس دولتی در تهران در روز ۱۳۲۹



مجلس دولتی در تهران در روز ۱۳۲۹



مجلس دولتی در تهران در روز ۱۳۲۹

پنج نفر ژاندارم خزانه فرستادم که بر درب خانه او ایستاده و آنجا را توقیف نموده و به پرنس اطلاع دهند که تا وقتی که مالیات دولتی خود را نپردازد اموال او ضبط خواهد بود. علاءالدوله از در دیگر خانه خود بیرون رفته و خود را بخانه صمصام السلطنه بختیاری رئیس الوزراء که نزدیک بخانه او بود انداخته و با چشم های پر آب از وضع رفتار وحشیانه مأمورین خزانه که نسبت باو سلوک نموده بودند شکایت کرد چنان در دل رئیس الوزرای دوست خود اثر کرده و بطوری دل رئیس بختیارها را ریبوده و فریب داد که امیر مجاهد برادر رئیس مزبور برای راندن افسران ژاندارمهای مأمورین خزانه مأمور شد امیر مجاهد بواسطه اینکه محاسبات و مطالبات کلی که برای مصارف سواران و اتباع خود مطالبه نموده رد و نکول کرده بودم و باینجهت هتک شرافت و عزت او شده دشمن جانی من بود مشارالیه با پسر علاءالدوله که سرهنگ رژیان جدید بود بادهسته از سواران بختیاری بمنزل علاءالدوله رفته و بمأمورین و ژاندارمهای خزانه که هیچ همجوگانی نمیکردند حمله آورده و با چوبهای بزرگ و زین آنها رازده و تفنگ های آنان را گرفتند این واقعه در عصر تنگی واقع شد *

روز دیگر از طرف صمصام السلطنه رئیس الوزراء رفعه مبنی بر اعتراف با اقدام خود در آن واقعه بمن رسید من جواب دادم که باید فوراً عذر خواهی کامل کتبی از واقعه مزبوره نموده و سر تکبیر را سزا و محازات داده و مالیات معهوده را فوراً ادا نماید روز دیگرش رئیس الوزراء در مجلس هیئت وزراء عذر خواهی مردانه نموده و معذرت نامه جداگانه کتبی نیز فرستاد و گفت که من مرد معمر تند مزاجی میباشم چون پرنس علاءالدوله با چشم های پر اشک خود را بخانه من انداخت « از حالت طبیعی خارج شدم » *

صمصام السلطنه تفنگ های ژاندارمه خزانه را علناً و علی رؤس الاشهاد بتوسط معاون نظامش و سواران بختیاری رد نموده و مقام مالیات مزبور را نیز پرداخت اثر و نتیجه این قضیه بسیار مفید و با اهمیت بوده و باین واسطه درجه عزت و مرتبت خزانه بسیار بلند شد بسیاری از امراء و شاهزادگان دیگر که خیال مخالفت و سرپیچی از این قانون داشته فوراً مالیات خود را پرداختند اگر باین هتک شرف ژاندارم خزانه اهمیتی داده نشده و قضیه مسکوت عنه می ماند بهتر از همه این بود که اداره خزانه را ترك و تعطیل نمایم در ایران این گونه واقعات را بسیار اهمیت داده چه حکام بزرگ و چه

ادنی مامور دواتی مجبور و مقید اند که شئونات خود را حفظ نمایند *
 ششم نوامبر (چهاردهم ذیقعد ۱۳۲۹) یعنی بعد از چند روز که کابینه در این
 باب (راجع بمسئله اولتیماتوم) مذاکره و مشورت نمود یکی از صاحب منصبان وزارت
 خارجه را بسفارت روس فرستاد که شفاهاً جواب اولتیماتوم روس هارا بگوید جواب
 دوات ایران حاوی اظهار مسلک جلیل القدر (مشروطه) و وعده تحقیق کامل در
 حقیقت واقعه شماع السلطنه بدون طرفداری از کسی *

در این موقع جراند ایران تهدید و تخویف غریبی بدولت روس برای تصرف
 کردن ایالت گیلان و بلوک توالش کردند بدون شك دولت روس از ثبات ایرانیان و
 طرز جواب گفتنشان بسیار متعجب گشت *

هفتم نوامبر (پانزدهم ذیقعد ۱۳۲۹) مراسم از سر جارج بارکلی وزیر مختار
 انگلیس بمن رسید وی خواهش ملاقات کرده بود برای اینکه تلگرافها را که دولت متبوعه
 اش باو بخاریه نموده آراء نماید روز بعد حسب المقرر آمد تلگراف مزبور از طرف سر
 ادوارد گری بسرجارج بارکلی بود که مرا مطلع نماید از اینکه تعیین مسبولکفر که از
 رعایای انگلیس بوده بسمت تفتیش و نظارت مالیه تبریز باعث بهانه و اعتراض دولت
 روس برای حفظ منافع خود در آن حدود خواهد شد و خوف این می باشد که ایالات
 شمالی ایران را تصرف نماید از طرز گفتگوی وزیر مختار انگلیس بر واضح بود که آن تهدید
 باشاره روسها بوده منتهی از پرده وزارت خارجه انگلیس جلوه نمود مأموریت مسبول
 لکفر به تبریز حقیقه چند هفته قبل از آن تاریخ معین و نصفیه شده بود که خرج
 تراشی های دو ساله آنجا را که تقریباً یک میلیون تومان میشد تحقیق و تفتیش نماید مسبول
 لکفر یکی از معاونین معدود اروپائی من بود که زبان فارسی را میدانسته و از اشکالات
 و پیچیدگیهاییکه در طریقه وصول مالیات بود اطلاع کامل داشت و در تبریز هم مدتی
 اقامت داشته و از معاملات آنجا بخوبی مسبوق بود از اعتراضات دولت روس در باب
 مأموریت مسبولی مزبور خیلی متعجب شدم و حال آنکه از دو سال قبل در وزارت مالیه
 در طهران بخدمت بزرگ محترمی مشغول بوده و چنانچه مشهور است طهران هم یکی از
 بلاد منطفه روس یا شمالی ایران محسوب میشد منتهی فرستادن مسبولکفر برای انجام
 مأموریت خاصی از طهران که بکنقطه شمالی است به تبریز تبدیل از نقطه شمالی به
 نقطه شمالی دیگر بود *

من بسرجارج بارکلی جواب دادم که همواره مترصد و مائل به این امر بوده و می
 باشم که حقوق سقّه قانونی دولت روس و سائردول را در ایران حفظ نمایم اما چنانچه شای
 میدانید در این معامله نمیتوانم بیشتر از مسئله استوکس تسلط دل بخواد دولت اجنبیه را
 در مملکت ایران اعتراف کنم زیرا که دولت ایران رسماً و قانوناً نفوذ اجانب را انکار
 نموده است و من اجازه ندارم بیشتر از یک مرتبه این گونه معاملات را رعایت نمایم و نیز
 این مسئله را ضمیمه جواب خود تقرر دادم که اگر دولت روس در امور راجعه بمن
 اظهار دوستی نماید تعهد و ضمانت کمال مراعات را در صرفه و صلاح دولت مزبوره
 خواهم نمود *

چون بسرجارج جوابهای مرا شنید مانند مریدی که دارو خورده باشد متغیر گشته
 و بدون هیچ حجتی مراجعت نمود *

یازدهم نوامبر (نوزدهم ذیقعد ۱۳۲۹) مجلس بانفاق آراء قانونی وضع نموده و بمن
 اختیار داده بود که در تفرامریکائی را بعنوان معاونت مالیه کنترات و جلب نمایم *
 همان روز وقت ظهر مسبول ژانرس (M. Giers) منشی امور شرقیه قونسلخانه روس
 کتباً مطالبات قدیمی روس را از دولت ایران تجدید نمود مسبولی مزبور اظهار نموده
 بود که اگر چهل و هشت ساعت این مطالبات قبول نشود روابط پانسیکی دولتین قطع
 خواهد شد *

روز نامه نس لندن در «آرئیکیلی» بر جواب من تنقید کرده و در آخر مرا متهم
 کرده بود که طرفداری وطن پرستان ایرانرا نموده ام من نمی توانم تصور بکنم که مقصود
 نس طرفداری کدام کس و کدام فرقه بود که نکرده بودم در صورتیکه مشغول بخدمت
 دولت مشروطه بودم *

همین وقت بود که کاغذ من در ایران بفارسی ترجمه شده و بعنوان رساله طبع و
 انتشار کامل یافت بواسطه این اتهام روز نامه داخلی «تمدن» فوراً و علناً اقدام بطبع و
 انتشار رساله مزبوره نمود اگرچه من هیچ قسم طرفداری و مداخله ننموده بودم *

نا یازدهم نوامبر (نوزدهم ذیقعد ۱۳۲۹) بواسطه اسبابی که روسها ظاهراً برای
 تصرف حدود شمالی ایران فراهم نموده بودند کابینه ایران در خوف و هراس افتاده و با
 دولت انگلیس مشورت نمود که چه مسلکی را اختیار کند سر ادوارد کری فوراً تلگراف
 نصیحت آمیزی کرده و رأی داد که اولتیماتوم روس را فوراً قبول کرده و معدرتی بمقتضای

میل و رضایت دولت روس نیز نخواهد *
 مصلحت السلطنه رئیس الوزراء امر نمود که تمام ژندارمه خزانه را از باغ شعاع

السلطنه بردارم همچو ظاهر میشد که این سردار معمر ساده لوح از چند روز قبل در
 تحت تسلط و اقتدار دولت روس در آمده بود و کلاهی مجلس قدری در صداقت و خلوص
 مشارالیه سوء ظن پیدا کرده بودند *

بعد از آنکه حکم مزبور بمن رسید در صورتیکه برخلاف حکم سابق که در خصوص
 ضبط و توقیف املاک شعاع السلطنه صادر شده بود تنها امضاء و زیر اعظم را بعضی
 امضاء هیئت وزراء داشت چاره غیر از جواب ذیل نداشتم که بگویم: - تا مادامیکه
 این حکم امضاء هیئت وزراء را نداشته باشد حکم اولی را نسخ و باطل نخواهد نمود و آنها
 را مجبور نمودم که با املاک مزبوره را در تحت محافظت و سرپرستی فرستادگان من باقی
 گذارده و با مسئولیت کلیه امور را به دیگری رجوع نمایند *

در این موقع پیچیدگی و انقلابات بجران کابینه شروع شده و بطوری کارها مفسوش
 شد که وزیر مالیه در معاینه هر کس که میرسید می گفت «استعفی شده ام» در صورتیکه
 روز بعد در کابینه مالیه مشغول بکار خود بود *

هجدهم نوامبر (بیست و هشتم ذیحجه ۱۳۲۹) مفارقت روس بدولت ایران رسماً
 اطلاع داد که چون مواد اولتیماتوم قبول نشده روابط پانسیکی میان دولتین مقطوع است
 ولی معاملات تجاری کافی السابق بتوسط فونسل خانه روس جاری و باقی خواهد بود
 شهرت کرد که چهار هزار نفر قشون روس از قفقاز به بطرف ایران حرکت نموده *

اعضاء کابینه ایران پس از دفت و شور بسیار در عمل کردن به نصیحتهای سرادوار
 گری که مشعر بر قبول خواهشهای روسها بود متفق الرأی شده و برای من حکم کتبی
 فرستادند که املاک شعاع السلطنه را بامورین روس تسلیم و رد نموده و ژندارمهها را
 بکلی از آنجا بردارم پس املاک مزبوره را رد نموده و رسید کامل میل و ساز اشیاء
 را گرفتم *

ظاهراًست که تا آن وقت وزارت خارجه انگلیس از این مسلك و حرکات وحشت
 انگیز روسها ترسیده و بهمین جهت دولت ایران را بقبول فوری اولتیماتوم روس نصیحت
 نمود که شاید قشون روس را از آن پیش قدمی باز دارد و از این رویارمان انگلیس به
 شکستن روسها مواد عهد نامه ۱۹۰۷ را نتواند اعتراض کند *

در این اثنا هیئت کابینه جدیدی تشکیل و معین شده و در معذرت خواستن
 از روسها متفق الرأی شدند *

باین جهت بیست و چهارم نوامبر (دوم ذیحجه ۱۳۲۹) وثوق الدوله وزیر خارجه
 ایران بالباس و هیئت تمام رسمی بقونسلیخانه روس رفت و دست وزیر مختار روس را
 گرفته و گفت «جنابعالی! از طرف دولت خود ما مور میباشم که بواسطه بد سلوکی
 که نسبت فرستادگان جنابعالی در خصوص املاک شعاع السلطنه شده از شما معذرت
 بخواهم» بعد از آن يك مضحکه دیپلماتی واقع شد که فقط کابینه روس که تمدن را
 پشت سر نهاده و پس یازده مرتبکب آن شد *

وزراء ایران ظاهراً بقین کرده بودند که ذلت خود و تحویل املاک مزبوره غضب
 روس هارا نسکین داده و معامله را بکلی خاتمه خواهد داد ولی آن وزراء جاهل نادان
 ایران حقیقت اراده پانسیکی روسها را بخاطر نیلورده و ملتفت نشدند راضی گشتن کابینه
 بمطالبات روسها آخرین آرزوی روس نبود اگر روسها حقیقه و فی الواقع فقط
 عزت و شرافت ما مورین متمدن خود را طالب بودند معذرت و وثوق الدوله معامله را بکلی
 ختم مینمود ولی خواهش اصلی روسها این بود که میخواهند بهانه بدست آورده که
 قشونشان نقاط شمالی ایران را اشغال و تصرف نمایند زیرا که حقیقه قبل از فرستادن
 اولتیماتوم شروع بکار نموده بودند سرادوار گری بتوسط سفارت انگلیس مقیم طهران
 کابینه ایران را اطمینان داد که اگر معذرتی از روسها خواسته شود ولو قشون روسهم
 داخل ایران شوند خارج خواهند شد ولی معلوم نیست که سرادوار گری بکدام
 وثیقه و اطمینان و بموجب کدام حکم دولت ایران را بقبول خواهشهای روس رأی و
 اطمینان داد *

وزیر مختار روس در موقع عذر خواهی و وثوق الدوله و اظهار رضایت ایران بقبول
 مطالبات اولتیماتوم اولی روس ظاهراً راضی گشت ولی به او حکم شده بود که وثوق الدوله
 را از اولتیماتوم دیگر که در شرف طلوع است اطلاع دهد *

تجربری که بواسطه این تسخیر و حشیانه از صورت آن نماینده ایران ظاهر گشت
 تصورش بسیار مشکل است وزیر مختار انگلیس آن ملاقات معذرترا معین نموده بود
 چون اتفاق تازه در آن اوقات واقع نشده بود که از او احتمال این گونه حرکات برود بر
 واضح بود که اراده روس وارد کردن قزاق بشمالی ایران بوده ولو دولت انگلیس هر چه

بگوید و با دولت ایران هر چه بکند انتظار و امیدواری که روسها از دیر زمانی داشتند که از يك طرف به هندوستان و از طرف دیگر بخلیج فارس برسند وقت آن رسیده شعله آتش سیاسی سراکو بدرجه مشتعل بود که روسها یقین نموده بودند که از طرف انگلیسها هیچ گونه اعتراضی در اقداماتشان بعمل نخواهد آمد *

دولت روس بر حسب وعده خود ظهر بیست و نهم نوامبر (هفتم ذیحجه ۱۳۲۹) اولتیا توم ثانی خود را اظهار نموده و مطالبه کرد که در ظرف چهل و هشت ساعت باید قبول شود *

مضمون مراسله اولتیا تومی روس بدرجه مهم بود که مناسب است سواد آترا در اینجا نقل نمایم *

ترجمه سواد اولتیا توم ثانی روس :-

چنانچه روز جمعه بیست و چهارم نوامبر (هفتم ذیحجه ۱۳۲۹) افتخار اظهار حامل نموده بودم منتظر حکم دولت متبوعه خود بودم که اسبابی که دولت روس را مجبور با اولتیا توم دیگر نموده اظهار نمایم احکام مزبوره اکنون بن رسیده و از اینجه از جانب دولت روس افتخار اظهار مطالب ذیل را باینجا عالی حاصل میکنم *

انفصال مسنر شوستر و مسیول کفر از خدمات سر جوعه شان تکلیف سایر مامورین امریکائی که مسنر شوستر ایشان را انتخاب نموده تا نایب معین میشود *
اطمینان و وعده صریح دولت ایران که بدون رضایت سفرای انگلیس و روس مأمورین اجنبیه برای خدمات خود انتخاب نکند *

اداء مصارفیکه جبران خسارت دولت روس را در این لشکر کشی و سوقی عسکر بناید *
تعیین مقدار و طریقه تأدیبه خسارت مزبوره بعد از رسیدن جواب دولت ایران معین خواهد شد *

فقرات ذیل توضیحی است از ظرف وزیر مختار روس بر این اولتیا توم :-

من از فرائض خود می شمارم که اسبابی که باعث این حرکت روس شده بیان نمایم *
اولاً دولت روس برای جبران حرکات مسنر شوستر که باعث هتک شرف مامورین دولت مشارالیه شده بود مجبور گردید که بایران سوق عسکر نماید *

ثانیاً خواهش اصلی دولت امپراطوری این است که موجبات حقیقی مخالفت بین دولتین رفع شده و در آیه بناهایی نماید که عمارت دوستی و روابط مودت محکم بین

دولتین برقرار ندارد و حل جمیع مشکلات روسرا چنانچه هنوز باقی است باطمینان و زودی بکند *

ثالثاً با وجود اسباب مذکوره فوق لازم است که بگویم: دولت امپراطوری روس بیشتر از چهل و هشت ساعت انتظار اجراء خواهش های سابق الذکر خود را نخواهد کشید و در این مدت قشون روس در رشت خواهد ماند و اگر جواب اطمینان بخشی نرسد بعد از انقضاء مدت مزبوره قشون روس پیشقدمی خواهد نمود و بدیهی است که در این صورت وجه خساره روس زیادتر خواهد بود *

اثری که این « مطالبات » محقرانه بکابینه و مجلس و رعایای ایران نمود در تصور بهترین کجند تا در تحریر *

عبارت آن اولتیا توم که بفارسی نوشته شده بود بطوری موهم بود که معنی آن واضح نمیشد خصوصاً در مقامیکه مطالبه « جبران و جریمه » نموده و در ذکر « حل مشکلات روس بزودی و اطمینان که هنوز باقی است » اشاره شده بود *

هانوقت که آن اولتیا توم داده شد رفعه از وزیر مختار روس رسید که بدولت ایران اطلاع داده بود « بواسطه تلگرافی که زوجه السلطنه مادر شعاع السلطنه به امیرا طور و امیرا طریس دوات روس نموده مشارالیه و تمام املاک شعاع السلطنه در تحت حفاظت درت روس در آمده » خاتم مشارالیه از رعایای ایران بوده و دولت روس بواسطه تلگرافی که باو نموده او را از این قید آزاد نمود *



— « باب هفتم » —

بلواهای راجع بامر نان رد نمودن مجلس اولتیا توم روس را حمله نمودن و داخل شدن قشون روس بایران نقشه مستعد شدن ایرانیان برای مقابله و مدافعه اقدامات زنان ایرانیان در آن امر انفصال مجلس بواسطه تردستی و چالاکي بیست و چهارم دسامبر *
در اولتیا توم بیست و نهم نوامبر (هفتم ذیحجه ۱۳۲۹) روس از دولت انگلیسهم اسعی برده شده بود اگر چه وزیر مختار انگلیس علی الظاهر مداخلتی در آن امر نداشت قبول نمودن ایرانیان فقرات اولتیا توم روس را مانند تسلیم نمودن سلطنت خودشان بود بروس و انگلیس بعد از اندک مدتی از وصول آن اولتیا توم در پاریس انگلیس از سر

ادوارد گری نوضیح خواستند که چرا اسم دولت انگلیس نیز در آن اولتیماتوم تریک شده جوابداد که با تمام مطالبات و اظهارات روسها هم عقیده می باشم مگر فقط شرط ادا خساره روس ها را که ممکن است استثنا نمود زیرا که تأدیه این مبلغ برای افواج ایرانی که مستحفظ راههای تجاری انگلیس در جنوب میباشد احتمال ضرر داد و ممکن است از این راه نقصان کلی به تجارت انگلیس وارد شود گویا فقط همین یک مسئله بود که وزارت خارجه انگلیس بتواند با اولتیماتوم روس مخالفت نماید سرادوارد گری در اتنا اظهار خیالات خود مرا بجز می منم نموده بود که «ساعت سیاحت ایران را بکوک کرده و عقربک آن را بر گردانیده» و بهمین جهت نا کامیاب شده و باید از ایران بروم *
نائب السلطنه بعد از ظهر بیست و نهم نوامبر بعد از گذشتن دو ساعت از وصول اولتیماتوم روس سرا نزد خود طلبیدند دوست قدیمی من هم محشم السلطنه که محرمانه با صمصام السلطنه رئیس الوزراء متحد شده نیز در کابینه والا حضرت بود *

نائب السلطنه گفتند که دولت ایران در «مسئله نان» خیلی مضطرب و پریشان می باشد *

در ایران کمی وزیادی نان سبب آزمایشی است برای بقایای تغییر کابینه و حکومت مهمترین مائکولات و قوت غالب مردم ایران نان گندم است بختن نان خصوصاً در شهرهای بزرگ در خانها معمول نیست بلکه در صدها دکانهای بازاری نان بقطع و پارچه های بزرگ پخته میشود که تقریباً قطر و ضخامت آن نیم الج است مردم آن نانها را مثل کاغذ لافافه قرار میدهند در راهها دیده شده که قطعهای پنبه یا بعضی میوهها را در آن می پیچند *

در موسم درویدن گندم در وقت تابستان دولت یک قسم مالیهاتی از محصول آن میکبرد در حوالی پای تخت و شهرهای بزرگ کندمهای دولتی را در انبارهای دولتی جمع میکنند که مردم در موسم زمستان و مسدود شدن راهها دسترس بگندم خوب ارزان و فراوان داشته باشند از زمانه درازی که ابتدا آن معلوم نیست این تدبیر معمول به دولت ایران است و اگر این مال اندیشی را نکرده و کندمها را پس از جمع شدن بفروشد اعیان و متمولین نقاط حاصلخیز متفق شده و مقدار کندمیکه روزانه برای نانواهای بازاری لازم میشود بمیل خود بهر نرخ و قیمتیکه بتواند گران کرده و میفروشند از اینجهت فوراً نان گران و کیاب شده و «شلوغی» بلوهای سخت شروع

میشود برای جلوگیری از اینگونه اتفاقات عادت دولت بر این میباشد که از ابتدا پائیز مقداری کندم بقیمت عادله بنانواها میفروشد و باین تدبیر توجه و خیال عموم را که دولت کندم دارد جلب نموده و قیمت کندمها معادل نگاه داشته و خیالات «سوسپاتی» (بجامع) ملاکین را در هم میشکند *

همین فقره نان و کندم بود که تأیب السلطنه و کابینه را بر حمت و تشویش انداخته بود در شمالی ایران خصوصاً حوالی طهران حاصل زراعت کندم بسیار کم عمل آمده بود این کمی کندم بیشتر بواسطه خشک سالی و کم آبی و علت دیگرش بی نظمی و پائمال شدن و غارت زراعات که از ابتدا ورود محمد علی به ایران شروع شده و جاری بود سپس جنکهای کوچک تابستان و طول اقامت و توقف عده بسیاری بختیاری و سایر فسون و افواج غیر منظم در حوالی پایتخت قاطرچیان و شتر داران و سایر مکاربان را ترسانیده و فرارانیده بود در صورتیکه مکاربان مزبور محل اعتماد مردم بوده و ملاکین همیشه بتوسط همین مکاربان کندمهای خود شانرا حمل بشهر می نمودند *

وظیفه و تکالیف خزانه دار فقط همین قدر بود که مالیات و حقوق دیوانی کندم را مثل مالیات جو و برنج و کاه و پنبه وصول کرده و کندمها را حمل بشهر نموده و تقسیم نماید در موقعیکه کابینه امر نمود که کندمهای انبارهای دولتی و مقدار و محل حل آن را که برای عمال و مباشرین آن انبارها بسیار پرفائده و بار آور بود در تحت حفاظت و نظارت خود در آورم به آینده خطرناکی مصادف شدم *

بهمین مناسبت کوششهای بی اندازه و سعیهای فوق العاده نمودم برای جمع آوری کندم از نقاط بیده و رسانیدن بر کر قبل از آنکه راهها (بواسطه سردی و بارندگی) مسدود شود و نیز کوشش کردم که اعضا بلدیة طهران را از جمع کردن مال و ثروت بواسطه فشار و آنگی دادن ب مردم از بجزای نان چنانچه معمولشان بود باز دارم متمولین ارتجاعی متعددی که برخلاف طرز حکومت حاضر آن زمان بودند دائره «انحصاری» تشکیل داده که از آن جلب منافع شخصی و نیز بر ایشان نمودن حکومت مشروطه حاصل می شد *

به نائب السلطنه و کابینه کفتم اگر بخواهند در این امر مهم اقدام نموده و مرا احاکم با دیانت طهران قرار دهند در قبول و انجام آن حاضر خواهم بود ایشان وعده نمودند که تغییر و تبدیلات لازمه خواهند داد ولی بر حسب معمول باندازه تا اخیر افتاد که اوضاع

بدتر شده و بی در پی بلواهای کوچک و مختصر واقع شده و بسبب رفعت میبشد *
 راجع به همین امر نان قضیه نا کواری پیش آمد يك نانواي معروف بدنامی بود که
 از اعضاء عمده اداره « انحصار نان بلديه » و بزرگترین متقلب و مضر بحال خزانة و
 مشهور بود که چند مرتبه در زمان ریاست خود چند نفر را بواسطه مختصر جرمی در
 تنور نانوائی خود سوزانیده است در اثنا ذکر آن شخص و آثار يك و خیانتهای او یکی
 از مشاورین ملی گفتم این شخص بسیار سبب بی نظمی امر نان طهران شده و نان بسیار
 پست معشوشی مردم میخوراند باید « مردم را از وجودش آسوده نمود » دو روز بعد
 که قدری دیر تر باده خود رفته بودم یکی از معاونین ایرانیم اطلاع داد که « آن نانوائی
 معروف بر حسب آرزوی شما کشته شد » فیس میران تعبیر و احساس تالم از این خیر
 را بقارئین و امیگذارم اصلاً شخص مزبور بتوسط دیگری کشته شده بود اگر چه در
 علت و بسبب کشته شدن آن شخص رای من هیچ مدخلیتی نداشت ولی مصمم شدم که
 آینده در اظهار خیالات خود با تأمل و احتیاط سخن رانم چون آن مرد بد قسمت
 شخص سفاکی بود که خون مردم را ریخته و بواسطه دزدیدن و غارت نمودن مال فقرا و
 غربا مسمول شده و اکثر اوقات مردم را بی نان و بیقوت کردانیده بود شاید بالنتیجه
 درباره مشاوریه ظلم و بی انصافی نشده باشد ولی تأثیری که کشته شدن غیر منتظره
 آن شخص بدوست ایرانی من کرده بود تالم و زحمت زیادی بمن میداد از آن وقت به
 بعد نظم مسئله نان سهل تر گردید *

عصر بیست و نهم نوامبر در مجلس واقعه غریب فوق العاده اتفاق افتاد مصمصام
 السلطنه رئیس الوزرا از منزل نایب السلطنه مجلس رفت تا کابینه جدیدی را که
 تشکیل داده معرفی نماید جزء اسامی وزرا اسم محشم السلطنه هم بود که نامزد وزارت
 عدلیه شده بود اعضا مجلس که از دیر زمانی بانتخاب وزراء غیر معروف از طبقه وسطی
 عادت کرده بودند برخلاف آن کابینه شدند رئیس الوزرا برخلاف رای دوستانش
 بشرکت محشم السلطنه در کابینه باین جهت اصرار داشت که مشارالیه با مشاهیر اعضاء
 فونسلخانه روس تعلقات عمیقه دارا بود *

آن رئیس الوزرا سالخورده شروع بخواندن فهرست اسامی وزرا نمود چون باسم
 وزیر عدلیه رسید باین هیئت مقدسه و کلام در باره رد و قبول مشارالیه بحث و
 مذاکره شد *

شاهزاده سلیمان میرزا « لیدر » (نماینده) حزب دیموکرات بحال مخصوص نطق
 رفته و اظهار کرد اگر چه رئیس الوزرا طرف اطمینان کامل و کلام میباشند ولی حزب
 دیموکرات نمیتواند یکی از اعضاء کابینه سپیدار را بسمت وزارت بشناسند در حالتیکه
 صدا های غضبناک و خشم آلوده اعتماد لیون بلند بود رئیس الوزرا بحال مخصوص نطق
 رفته و تقریر سختی برخلاف حزب دیموکرات نمود مؤمن الملك رئیس مجلس رئیس الوزرا
 را متنبه نمود که بر حسب قوانین داخله مجلس قدری ملامت و نرم باید گفتگو نماید باین
 جهت رئیس الوزرا تعرض نموده و از مجلس خارج گشت در حالتیکه با خود میگفت
 بختیارهای خود را آورده و تمام دیموکراتها را بقتل خواهم رسانید رئیس روحانین طهران
 بر رئیس مجلس و حزب دیموکرات حمله و تعرض نمود رئیس مجلس آن شخص را قسم داده
 و سه مرتبه امر بسکوت نمود در مرتبه سوم بواسطه مخالفت با قانون داخلی مجلس شخص
 مزبور مقصر و مستوجب حبس گردید و قتیکه کار بانجام رسید هیئت مجلس با آواز و
 مهممه متفرق شده و ذلت و حقارت آن جلسه پارلمان ایران ثبت اوراق تاریخ گردید *
 آن پیش آمد و منظره هولناک اوانتهائوم روس پای تخت را بهرج و مرج و اهالیش
 را بجوش و خروش در آورد هیچ چیز جلوگیری از عناصر آن بلوای غیر منظم نمی نمود
 مگر ریاست نظمیه مسیویف در این زمان عدد ژاندارمری خزانة هشتم نفر بود که
 تقریباً همه آنها در طهران حاضر و مشق آموخته و بالوازم جنگ و اسلحه کامل در تحت
 فرماندهی چهار نفر امریکائی بودند که سه نفر شان تازه وارد طهران شده بودند *

از این سعی و کوشش رئیس الوزرا بداخل نمودن محشم السلطنه در جز کابینه و
 تخویف و تهدید بکار بردن بختیاری برخلاف دیموکراتها برای ایشان یقین حاصل شد
 که سازش روسها بوزرا نیز تأثیر نموده و دولت مشروطه در معرض خطر است پرنس
 علاوالدوله که تخاصی و انکار از تأدیه مالیات ملکش نمود تا وقتیکه قوه جبریه ژاندارمه
 بکار رفت آشکار شد که با چند نفر از مشاهیر ارتجاعیین و مخالفین سلطنت جدید ایران
 بحرمانه سازش نموده بود که از دولت روس خواهش کنند تا ثانیاً محمد علی را بسطنت
 ایران برقرار نمایند پلیس نوشته اظهاریه ایشان را که بدولت روس نوشته بودند گرفت
 در صورتیکه امضاء « امیر » و چند نفر دیگر را داشت *

روز بعد از اظهار آن دو اولتهائوم حسین قلی خان نواب و مسیویفم تعلقات من
 آمده و در آن باب مشورت نمودند من گفتم خوبست ایشان مجلس و کابینه اطلاع

دهند تا بهر تدبیریکه بحال ایران مفید تر بوده صلاح بدانند بدون ملاحظه حال من و معاونین امریکائیم عمل کنند از بعد از ظهر تا عصر همانروز و کلاً پیش من آمده و مشورت نمودند بهمه ایشان همین جواب را گفته و توضیح نمودم که هر اقدامی که دولت در تصفیه اصلاح این امر بکند برای نیکامی آینده من مفید و منتهج اثر مهمی خواهد بود و از اینجاست هیچیک و پروائی ندارم زیرا که بوعده خود وفا نموده و بهر اقدامیکه مجلس در التخصوص بکند حاضر و راضی خواهم بود *

صبح روز بعد یعنی اول دسامبر (نهم ذیحجه ۱۳۲۹) وقتیکه با اداره خود داخل شدم شنیدم که پرنس علاءالدوله را در موقع بیرون آمدن از خانه خود سه نفر از بالاخانه مجاور با چند کلوله کشته و بعد از اندک زمانی سرد *

سعی دیگر برای کشتن مشیر السلطنه صدراعظم محمد علی بود در حالتیکه سواره عبور میکرد پایش مجروح شده و برادرزاده اش که با وی بود کشته شد *

این اقدامات بدون شبهه نتیجه خیالات اعضاء انجمنهای سری طهران بود برای اینکه تصور نموده بودند که مجمع منظمی برای خفه کردن مشروطه ایران و رجوع باستبداد و انتقام بتوسط محمد علی دائر شده باین جهت اقدام بقتل ایشان نمودند فروختن این دسته از مخالفین مشهور دولت و مملکت خود را بروسها خصومت و غضب احزاب ملی را زیاد تر نمود اعضاء انجمنهایی که در سنوات سابقه آتقدر نمایشهای یا اهمیت مردانه داده و برای آزادی ایران اقدامات کافی مینمودند نا هنوز هم بکلی معدوم نشده و باقی بودند اگرچه بنظر ایشان دیگر خطری برای مشروطه نبود ولی بکلی متفرق و پراکنده نشده بودند ولی وقتیکه مشروطه دوچار خطر شد فوراً از جای خود جسته و بحرکت آمدند بیشتر اعضاء آن مجمع را فدائی مینامیدند و در هر حال و هر موقع برای دفاع و مقابله با خصم خود که مانع از پیشرفت خیالاتشان بود آماده بودند *

نتیجه قتل پرنس علاءالدوله خیلی بزرگ بود قبل از آنکه اثر وحشتناک آن قتل آرام بگذرد وحشت و اضطراب تمامی دردلهای اعیان و مأمورین دولتی پیدا شده که هم بر ایشان و هم بر سایرین بخوبی واضح میشد زیرا که نفس لوامه شان در ادا وظیفه و حقوق وطن خود پاک نبود *

وقتیکه مصمص السلطنه خبر قتل دوست خود پرنس را شنید بی اختیار اشکش جاری شده و بخودانه قسم خورد که ریشه اشخاصی که بقین بازنکابشان داشت از لیخ

وین بر کند و گفت که « بیست نفر دیوکرات را بقتل خواهم رسانید » * علت و سبب اولتیماتوم دوم روس را بعضی هامبئی بر دو بهانه تصور نموده بودند اگر فرضاً صحیح هم باشد بهگانه بوده است یکی این بود که مسیولکفر را که از رعایای دولت انگلیس بود بریاست مالیات تقاطی که منطقه نفوذ روس بود معین و نامزد کرده بودم دیگر آنکه مراسله و آرتیکلی که پروزمانه تمس لندن نوشته ترجمه آن را به فارسی طبع و توزیع نموده بودم اتفاقاً هر دوی آنها برخلاف راستی بود *

اگرچه مطالبات و کوشش های متناقضه روسها که میخواستند حقایق خودشان را ثابت نمایند ایرانیان را پریشان و بی حس نمود و دولت مشروطه ایران هم در این سنوات اخیره بحرکات فریب دهنده جا برانه بلکه سبعانه کابینه پطر سیرگ عادی شده ولی چنین لطمه و فشاری را منتظر و امیدوار نبود *

کابینه ایران تصور نموده بود که خصومت علنی انگلیس و آلمان سبب ازدیاد مخاطره امنیت اروپا خواهد شد اگرچه رنجش معامله مرا کو آرام گرفت ولی اثرات آن هنوز بکلی محو نشده و ظاهر بود و نیز احساس نموده بودند که سرگرم بودن سرادارد کری تعاللات و بحران خطرناک اروپا نقشه و خیالات او را که در آسیا برای توسعه منافع دولت انگلیس کشیده بود از خاطرش محو نموده بتا بر این ظاهر میشد که روسها برای اجراء مقاصد دیرینه و رسیدن به آرزوهای قدیم خود برای تصرف نمودن ایران و بنا نمودن استحكامات جنگی دریائی در خلیج فارس آزادانه مستعد بودند روسها وقتی میتوانستند مقاصد خودشان را در ایران اجراء نمایند که افلاً مخالفت و مناقضت ظاهری با مواد عهد نامه ۱۹۰۷ نکرده باشند بواسطه این تدبیر و اتخاذ این مسلک پلتیکی وزارت خارجه انگلیس را بحیالانه از پریشانی هائی جواب توضیحات پارلمان رهائی میدادند که چرا روسها پای بتد نمود عهد نامه نمیشدند *

ایرانیان با این حال چنانچه از واقعات و اقداماتشان ظاهر میشد حسن عقیده کامل درباره بزرگترین ملل مسیحیه عالم داشتند که با احترام عهد نامه و ایفای وعد های مقدس خود پای بند خواهد بود و گمان نکردند که تمام حیات ملی و آزادیشان بواسطه مختصر بهانه موهوم بی اصلی ممکن است در ظرف یکشب بمعرض خطر بیفتد * دیر ملتفت شدند که فریب خورده اند اگرچه فهمیدن این نکته هم بسیار مشکلت که اگر فرضاً هم از حقیقت امر زود مطلع میشدند چه میتوانستند بکنند و اگر

روسها بهانه که بسته بودند مسدود و رفع میشد حلیه های دیگر تراشیده و برای تعدبات خود مستمسک فرار میدادند دامی که اطراف ایرانرا محاصره کرده و در آن سرزمین گسترده شده بود بنوسط آندستها و از آن قسمت کره بود که حرکت غیر منتظر و غیر متوقعی بصحبه شطرنج اروپا در تابستان ۱۹۱۱ داده بود خرس بقدری ماهر و چالاک بود که قبل از آنکه وقت و موقع بگذرد در بسمان یا قزاق دام را حرکت داده و صید خود را گرفتار نمود *

ابن بجران و بیلانی که برای دولت ایران پیش آمد سبب این شد که هرکس در باره همسایه خود بدگمان گردید روساء و مصادر را نور مملکت هم دو فرقه شده بودند کابینه در تحت ریاست صمصام السلطنه يك طريقه و مسلك اختيار کرده و کابینه نایب السلطنه را هم با خود متفق نموده بودند و کلاهی مجلس هم بواسطه اینکه خود را وطن پرست و حافظ حقوق ملت و مسئول استقرار مملکت دانسته و دو مقابل آن مسئولیت بقا سلطنت را طالب بودند بر خلاف رأی و عقیده کابینه مشی می نمودند - حکام و روسای ایران که ارکان کابینه آنوقت بودند بامسئولیتی که داشتند بواسطه اولتیماتوم و مظالم روسها و سختی هائیکه در ضمن آن اولتیماتوم با ایرانیان مصادف میگشت و با از پس پرده تهدیدات متوالیه روس هموطنان قانونی خود را با شمشیر برهنه روسها مقابل میدیدند و یا بسبب سستی که بعد از باختن نزد پلتيك با چالاکتر از خود بر ایشان حاصل شده بود تا خوش و نا راحت بودند با وجودیکه احتمال خیانت و عهدشکنی در آن امر میرفت اولتیماتوم را قبول کردند *

باین جهت روز اول دسمبر قدری قبل از آنکه موعد چهل و هشت ساعت اولتیماتوم روس که برای قبول اظهارات و مطالبات خود معین کرده بود منقضی شود کابینه رای خود را در مجلس علنی اظهار نمود که رضایت قانونی مجلس را بر طبق مسلكي که قصد و اختیار کرده بود جلب نماید *

يك ساعت قبل از ظهر محوطه و عمارت پارلمان از انبوه مردم منتظر و مضطرب بر بود و نیز امکنه که برای تماشاگران در مجلس معین شده بود از مشاهیر ایران و وکلاهی عدلیه و اعضاء سفارتخانههای اجانب پر شده بود زیرا که ظهر همان روز سرنوشت ایران از حیث ملیت معلوم میشد *

کابینه بقبول مطالبات روس مصمم شده و رعایت هر نکته را که احتمال رضایت مجلس در آن میرفت ترك نمود صمصام السلطنه رئیس الوزرا در موقعیکه بقین نمود که برای بحث و مذاکره و کلاهی در باب اولتیماتوم روس وقت کافی باقی نمانده قریب بظهر هنگامیکه موعد در شرف انقضاء بود اظهار کرد که « وکلاهی اختیارات نامه بکابینه بدهند تا اولتیماتوم روس را قبول نماید » *

این رأی و اظهار در حالت سکوت تام خوانده شد بعد از ختم آن بطوری سکوت و بیت بر تمام مردم طاری شد که هفتاد و شش نفر وکلاهی موجوده پارلمان از پیر و جوان و علماء و پیشوایان مذهبی و وکلاهی عدلیه و اطباء و شاهزادگان در جای خود مثل اشخاص سکه کرده بی حس و بی حرکت ماندند *

يك عالم محترم اسلامی ایستاده و در موقعیکه وقت بسرعت و بیخبر میگذاشت و ظهر آن روز آن امر از اختیار ایشان خارج میگشت و هیچ رأی نمیتوانستند بدهند آن بنده خدا تعلق مختصر مناسب حال و بموقعی نموده و گفت « شاید مشیت خداوند بر این امر فرار گرفته باشد که آزادی و استقلال ما بزور از ما سلب شود ولی سزاوار نیست که ما خود مان بامضاء خود از دست داده و ترك کنیم » و دستهای مرعش خود را برای داد خواهی و نظلم بسمت مردم حرکتی داده و در جای خود نشست *

الفاظ و عبارات آن شخص بسیار ساده و مختصر بود ولی مثل اینکه پروبال داشت بر معنی بود اینگونه مکالمه کردن در مباحثه فلسفی آسان ولی در پیش نظر يك شخص ظالم قهار ستم پیشه بسیار مشکل و دشوار است و حال آنکه طرفدارانش از « گاری » (غرقه) ها خیره خیره باو نگر بسته و در دلهای خود او را برای حبس و شکنجه و نفی بلد نمودن یا بدتر از آن نشان مینمودند *

و کلاهی دیگر نیز بهان مسلك مشار الیه را متابعت در نطق نموده و بواسطه تنگی وقت نطقهای مختصر داده و از عزت و شرافت موکلین خود حمایت نموده و حقوق زندگی و استقلال آنان را که باشکال زیاد بدست آورده بودند اعلان کرده و داد خواهی شایانی از طرف ملت خود نمودند *

چند دقیقه قبل از ظهر رأی عمومی گرفته شد یکی دو نفر که بسیار جیون و کم جرات و مثل زاغ و از اشخاص پست فطرت بودند خود را پنهان نموده و کاره گیری اختیار کرده و بی خبر از مجلس خارج شدند چون اسمای وکلاهی خوانده شد هر يك در

جای خود ایستاده و رای خود را عیناً اظهار نمود *

و فیکه فهرست اسامی تمام وکلا، خوانده شد تماماً از پیشوایان روحانی و سایر طبقات از جوان تا پیر هشتاد ساله کمترین تقدیر خود را بر صفحه اظهار انداخته و از طرف ملت از جان گذشته پامال شده خود که آینده ظلمانی خطرناکی در پیش داشتند بهیئت اجتماع جواب داده و اولتیماتوم روس را رد نمودند بخطر انداختن جان خود و خانواده و کسان خویش و گرفتار شدن بچنگال و دندان خرس بزرگ شما لیرا بر فدا کردن عزت و شرافت و حقوق آزادی و استقلال موکلین خود که تازه تحصیل نموده بودند ترجیح دادند * در موقعیکه اشکهای تماشائیان جاری و نعره های خوشحالی آنها برای تمجید و تحسین بلند بود اعضا کابینه شرمنده و بیمنتاک بیرون رفتند وکلا هم برای چاره جوئی و تدبیری برای جلوگیری از آن واقعه که برای ملت پیش آمده بود منتشر و متفرق شدند *

بواسطه این اتفاق و اکثریت آراء وکلا مجلس مطابق قانون اساسی کابینه مضمحل و منحل گردید *

بسیاری از مردم در خیابان لاله زار که خیابان معروف طهرانست جمع شده و نرها بلند بود که مرده باد خائنین ملت و خدا را گواه طلبیده که برای محافظت وطن خود بیجان دادن حاضر خواهند بود *

چند روز بعد مابین وکلا و کابینه معرول شده در یک جلسه سری در رد وانکار اولتیماتوم روس اتفاق آراء شد در خلال این حال هزارها عساکر و فراقان روس با توپخانه پی در پی در شمال ایران وارد میشدند از قلبس و جافا از راه خشکی و از باد کوبه و بحر خزر گذشته و در بندر انزلی ایران پیاده شده و بطی مسافت جاده دو بیست و بیست میلی از کوههای البرز بطرف قزوین و طهران شروع نمودند *

در حکومت طهران مشورت بعد از مشورت بود که واقع میشد و سازشها که بر خلاف وکلا می شد ولی بواسطه ترس ساکت و آرام گردیدند ارکان مجلس با این مخاطرات که یقین بضرر خود داشتند روز بروز در رأی خود مستقل تر و ثابت قدم تر بودند *

ممکن نیست که حالت شبها و روزهای مشوشانه ماه ظلمانی دسمبر را در پایتخت شرح دهم مثل اینکه در هوا هم قسعی خوف و هراس پنهان و پوشیده بود گویا کوههای

بر از برف هم از منظره های المناک مملکت که بر آنها گذشتی بود متألم و متأثر بودند * از طرف علماء و پیشوایان روحانی حکم به تحریم و بایکوت امتعه روس و انگلیس شد ایرانیان سواری تراموه طهران را که به سبک قدیم بود بگمان اینکه متعلق بروسهاست نیز ترک کردند و وزیر مختار بلجیک از این مقدمه بر افروخته شده و اعتراضات بسیار بوزارت خارجه ایران نمود بجهت اینکه اداره تراموه متعلق به بیکی از اینها وطن مشارالیه بود تمام آن روز تراموهای مزبور خالی و بدون مسافر میگردیدند جوانان و شاگردان مدارس و زنان دسته دسته فضای خیابانها را پر نموده و مسافری نیکه از روی بی اطلاعی اتفاقاً سوار شده پیاده می نمودند در پیچه و شبشهای مغازه های آن امتعه روسی غمناک داده و فروخته میشد شکستند سعی و مواظبت تامی نمودند که کسی بطای نخورد اگر چه چای هندوستان هم باشد زیرا که اغلب چایهای طهران از روسیه می آمد و بهیئت اجتماع بسفارتخانهای دول خارجه می رفتند که از نمایندگان دول عالم برای ملت ما بوس خود داد خواهی کنند *

بگروز شهرت میکرد که مشاهیر ملاحای نجف اعلان جهاد و جنگ مذهبی برخلاف روسها نموده اند (۱) روز دیگر خبر میرسید که نشون روس در قزوین شروع بگلوله ریزی و قتل عام نموده است *

بایکوت امتعه انگلیس در جنوب ایران بقدری اهمیت پیدا کرد که فوج هندی انگلیس در شیراز به اشکال تمام برای خود آذوقه تحصیل میکردند ملاحای معروف آنجا اسکناس بانک شاهنشاهی را که انحصار بانگسها داشت حکم بنجاست آن نموده و بیانک رد کرده و در عوض مسکوکات دولتی میگرفتند تقریباً هر روز بیست هزار تومان اسکناس مبادله بپول میشد *

بگروز بتوسط پلیس مخفی دو نفر از اعضاء هیئتی که برای کشتن خزانه دار سازش (۱) سیزدهم دسمبر (بیست و یکم ذیحجه ۱۳۲۹) ملا محمد کاظم خراسانی مجهد معروف نجف در موقعیکه در شرف حرکت بطهران بود برای اعلان جهاد مذهبی برخلاف روسها بقتلاً بواسطه علت مخفی فوت نموده در طهران بقتن شده بود که بتوسط حامیان و معاونین روسها مسموم گردیده است آن ملای معروف و دو نفر از همکاران و دوستانش حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل و ملا عبدالله مازندرانی در امداد و معاونت ملیین و مشروطه طلبان ایران بیشتر و بیشتر از سایر پیشوایان اسلام مجاهدات نمودند *

نموده بودند گرفتار شدند پلیس بمنزل ایشان حمله و یورش برده و در آنجا دستگامه مختصری که برای ساختن «بب» فراهم شده بود بملاوه چند «بب» که از شوره و گلبسیرین ساخته شده بود پیدا کردند در ضمن استنطاقات در اداره پلیس اقرار نمودند که چند نفر از ایرانیان که برخلاف سلطنت جدید بوده بایشان پول داده اند تا در موقعیکه با کالسکه از خیابانها میگذردم با «بب» مرا تلف کنند *

دیگر در همی صورتی زندگانی در طهران برای من مناسب و صلاحیت انداشت در موقعیکه در اداره خودنشسته بودم آوازه های کلوا له ها بود که از خیابانهای اطراف باغ می آمد بواسطه جنگلهائیکه مجاور پارک واقع میشد اینگونه اتفاقات امر خلاف معمولی نبود و در شبها تقریباً آوازه خوانی طبلانچه «موزر» واقع میشد مأمورین روس که پاره از دستجات قشون و فراقهای ساخلوی روس در قزوین جدا شده و پیش آمده بودند هر روز صبح زود با قزاقان برای معاینه نقشه پارک می آمده و مستحفظین پارک صورتهای مهیب و هولناک خود را نشان داده و کردش می نمودند بدون شبیه ان قشون بسیاری که روسها بایران وارد نموده بودند فقط برای اخراج من بود نتیجه حمله های زهر آلود خصوصت امیزی که روزنامه های نیم رسمی روس برخلاف من میکردند حقیقه باعث تشویق و ترغیب بلکه دعوتی بود برای اشرار و بدسگالان و فراریان پلتنیکی قفقاز که (صدها در طهران بودند) برای ضرر رسانیدن بن باین امید که حقیقه یا بصرف خیال از دولت روس دوباره تأمین برای خود حاصل کنند چنانچه قاتلین صنیع الدوله (مرحوم) هم همین تأمین و خاطر جمعی را برای خود تحصیل نمودند *

یکروز عصر تنگی در موقعیکه بازن خود مستعد رفیق بهمانی مختصری بودم خبر رسید که سه نفر قفقازی در خیابان مجاور پارک منتظر من میباشند ان خبر صحیح بوده و صحت ان هم به ثبوت پیوست باین ملاحظه خیال نمودم که ماندن در منزل انسب و اولی است در این موقع چند نفر از احزاب ملی و وطن پرستان از من خواهش نمودند که بایشان اذن بدهم تا هیئتیی برای جلوگیری از کوششهاییکه برخلاف جان من شده بود مرا محافظت نمایند من هم راضی گشتم (۱) از ان وقت به بعد مستحفظین داوطلب روز و شب

(۱) بسیار متأسف شده از شنیدن این خبر که یکی از ان «والنتیر» یعنی داو طلبان را چند هفته بعد از حرکت من از طهران بواسطه این که فدائی خطرناکی بود بهارا زدند *

مواظب من بوده و هیچ وقت غفلت نه نموده و از من منفک نمیشدند مگر وقت خواب * چهاردهم دسامبر (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۹) ماژور استوکس از طهران حرکت نمود که بدسته خود در هندوستان ملحق شود *

روز دیگر سفارت روس بدولت ایران اطلاع داد که اگر در ظرف شش روز تمام مواد اولتیاتوم قبول نشود چهار هزار نفر قشون ساخلوی قزوین بسمت طهران حرکت خواهد نمود چند روز بعد از ان از اثر پردهای نیاتری و در حمایت اقدامات روس دو هزار نفر ترا که از حدود ما زندران حرکت نموده و حقیقه تا دامغان هم رسیده و از انجا پانشت را تهدید می نمودند در انزمان طهران بیشتر از ششصد نفر نمیتوانست قشون برای جلوگیری ایشان بفرستد يك هموقشون بزرگی در تحت فرماندهی بیکی از (افتنت) های مسیو فرم فرستاده شد که انها را از پیشقدمی ممانعت نماید *

پیغامات و تلگرافات اطمینان بخش و اظهار همدردی از جانب تمام مسلمانان عالم بطهران هجوم آورد چند فقره از ان تلگرافات دماغ کابینه ایران را که از جنبدی قبل به تسایم کردن خود و ملت خویش بروسها راضی گشته بودند مثل توده آتش سوزانید * انجمن دفاع ایرانیان از کلکته تلگراف ذیل را بکابینه مخبره نمود: «هرگز بقبول مطالبات جدید راضی نشوید بلکه از اثر یکپائی که در نخست و مسلمانان عالم ظاهر شده قابله بگیریید حتی زنان هندوستان هم بسیار برانگخته شده اند فشار شاهی برای تحصیل اجازه و تسهیل کشیدن راه اهانت بنصیحتهای جنوب اعتماد نکنید تعلقات و روابط امریکائیها را زیاد کنید (۱) *

وقتی وزیر خارجه عثمانی در جواب پارلمان اسلامبول توضیحی داده و نقشه حالت حاضره ایران را رنگ تمسخر امیز نوی داد ان ظریف عثمانی جواب داد که ازادی و استقلال ایران هیچ در خطر نیست زیرا که معاهده روس و انگلیس ضامن حفظ ان (۱) این تلگراف نیم مخفی حالت اصلی محصور شدن انگلستان و طهران و سایر ممالک دیگر را واضح می نمود *

اطلاع کامل حاصل نمودم که ایرانیان یقین کرده بودند در صورتیکه مجلس سهولت کشیدن راه امن را بروسها تفویض نماید روسها قشون خود را از ایران معاودت خواهند داد و اشکال تراشیهای اولتیاتوم بخوبی رفع خواهد شد جمله آخر تلگراف مزبور اشاره بهصفت می باشد *

میباشد در صورتیکه در آنوقت دوازده هزار نفر قشون روس تمام نقاط قلمرو شمالی ایران را تصرف نموده بود *

مجلس برای خلاصی از این مسلکهای مختلفه و رهائی از این محمصه های تازه بسیار کوشش و سعیهای غریب نمود یکی از انخیالات تازه که بنظرشان جلوه نمود این بود که ممالک متحده انازونی امریکا را بهانه دهند که در معاملات ایران مداخله نمایند شبی چند نفر از لیدران احزاب و ارکان معروف مجلس بملاقات من آمده و خواهش نمودند که مسوده قانونی مختصری ترتیب دهم تا کشیدن راه آهنهای لازمه را که محل بحث است رعایت کنند و جای اسم را خالی گذارده تا آن قانون را فوراً امضاء و اجراء نمایند و اسم شخص منقول یا جماعتی از متمولین امریکا را بنویسم و تاگرافاً از نیویورک اجازه تحصیل کنم تا آن متمولین از دوات متبوعه خود اجازه و اطمینان تحصیل نموده و شروع بکار کنند و سمت این خیال عمیق را تعمین نموده و اظهار کردم که متأسفانه نمی توانم در این کار مداخله و اقدام نمایم *

مشیرالدوله که فقط اسماً وزیر عدلیه بود اگر چه در موقع وصول و اشاعه اولتیماتوم از اقدامات کابینه بکلی خارج بود کسی را پیش من فرستاد که سؤال کند اگر مجلس اختیارات نامه بمن بدهد آیا میتوانم با روس و انگلیس تصفیه آن شروط را بکنم و نیز گفت برادرش که رئیس مجلس است منتهای میل و ارزو را بانجام کار بدین قسم دارد و گفته است که اغلب و کلاً نیز طرفدار این رأی میباشند من تشکر نموده و گفتم بنظرم میرسد که مداخله در این کونه امور و طبقه و تکلیف کابینه است نه خزانه دار خصوصاً در صورتیکه اشاره یکی از اصول مقاصد ان اولتیماتوم راجع بمن می باشد بعضی از وکلاء هم رأی دادند که دوات باید بمطالبه روس در انفصال من از شغل خزانه داری راضی شود ولی بعنوان مستشاری مجلس مرا در ایران نگاه بدارند *

وقتیکه مجلس در کمال باس هیئت دوازده نفره را نزد نایب السلطنه فرستاد که باو اطلاع دهند که چون مجلس هیچ اعتماد و وثوقی باعضاء کابینه ندارد در شرف اختیار مسلک جدیدی است که به نایب السلطنه اختیارات نامه بدهند تا با روس و انگلیس شروع بمذاکرات نموده و از جانب دوات ایران بشرايط مناسبی با آن دودوات صلح نماید و نك والا حضرت مثل میت سفید شده و از بسیاری حزن و اندوه پریشان گردیده و وکلاء را تهدید نمود که اگر سرتبه دیگر این خواهش را تکرار نماید بغاضله نیم ساعت

بسمت انزلی حرکت خواهم نمود و حکم داد که کالسکه اش را حاضر نمایند *

وقتی هر چهار فرقه سیاسی ایران یعنی حزب دیوکرات و اعندالیون و اتحاد و ترقی و حزب داشناک سیون (Dashnaktiyoan) (جماعت ارامنه) بتوسط وکلاء خود جمع شده و قرار دادند که از اقدامات آینده قشون روس و پیشقدمی بجانب پایتخت جلوگیری نمایند تمام قشون طهران که در آنوقت میتوانست حاضر شود منحصر بود بدو هزار سوار بختیاری و سیصد نفر مجاهد ارمنی با چند توپ مسلسل مکرم و تقریباً سه هزار نفر فدائی «والاقتبر» وطنی که قسم خورده بودند که دولت مشروطه ایران را محافظت و حمایت نمایند تمام این قشون فدائی هیئتی بودند بیتنظم و بی اسلحه ولی شجاع و متهور بشهادت شجاعت و رشادتهائیکه چند هفته بعد از برادران تبریزیشان از آنان بظهور رسید که تا شش روز با قشون و دو باطری توپخانه روس که عددشان پنج مقابل مجاهدین بود مقاومت نمودند در صورتیکه هیچ توپ و توپخانه همراه نداشتند اگر راههای کوههای طهرانرا تصرف و قبضه می نمودند بدون شبهه برپانزده هزار قشون روس غالب می آمدند بجهت اینکه آن فدائیان آرزوی فوق العاده برای مقابله با قشون روس داشتند *

علاوه بر قشون مزبور هزار و یکصد نفر ژاندارم خزانه نیز در آن زمان بود که به تربیت چهار نفر صاحب منصب ماهر و شجاع امریکائی تربیت یافته بودند این فوج ژاندارمری از مردمان وطن پرست ایران که حقیقه میخواستند خدمت بوطن خود شان نمایند انتخاب شده بود و من تعهد کرده بودم که آنها را با اسلحه و مشق نظامی نگاه دارم و بعد از چندی سی و پنج نفر صاحب منصب ایرانی که فرمانده آنها بودند چون مغلوب شدن مجلس را شنیدند پیش من آمده و بجز تمام خواهش کردند که برای دفاع وطنشان به آنها اذن جنگ داده شود من قرائن بسیاری داشتم بجهت ثبوت اشتیاق فوق العاده آنها برای مقابله با روسها *

در موقعیکه لیدران و پیشوایان فرق سیاسی برای مقابله کردن با روسها مصمم شده بودند وقت نيك شبی اعضا کیتی حفاظت (محافظ) مرا ملاقات نموده و رأی و صلاح مرا بطریقی برای اجراء مقاصد خود سؤال و پرسش کردند خوب بخاطر دارم بی اصلی و موهوم بودن ان ملاقات را که دوازده نفر لیدران منتخب شده طبقات مختلفه عجیب و اجنبی با مسلکهای مختلفه در زندگانی مشورت کردن از شخصی که باعتقاد آنها کافر و

بی ایمان بود در امری که ایا ایشان باید اقدام شجاعانه موثری بکنند و آیا این اقدام از هزارها نفوس خوف و مرگزارف خواهد نمود و بالاخره آیا ضررهای جسمانی خارج از قیاس را باید از مردم دور بکنند *

سه ساعت در این باب مذاکره نمودیم آخر الامر مجبور شدم که برخلاف مسلك و رضای خود اظهار این رأی را بکنم که اگر قشون ایران مختصر قدیمی در شمال طهران برخلاف قشون روس بردارد بعد از آب شدن برفها یعنی بهار آینده پنجاه هزار نفر قزاق روس داخل ایران شده و شراره آخری آزادی و استقلال ایران را پایمال خواهند نمود نه يك بيوه زن و نه يك طفل یتیم را باقی خواهند گذاشت که بر قبرهای سر بازان فدائی ایران ماتم سرائی کنند *

اگرچه آن مذاکرات بسیار المنالك و عجیب بود و شاید هم حق نداشتند که مسئولیت آن کار را بعهده شخص اجنبی وا گذارند اما از یاد آوردن آن قضیه خیلی خوشحال میشوم که وقوع و پیش آمد مصیبت خط ناک را بایشان اطلاع داده که مغربی از آن نداشته و خواه مخواه آن مصیبت وقوع می پذیرفت *

باری علی الظاهر بمخالفت محرمانه با مطالبات روسها راضی گشته و نوشنجانشان را برجیده و رفتند باب مختصری علاوه بر ابواب مقرره نوشته شد که در نظر بیشتر اهل عالم معنی درست صحیحی ندارد ولی نزد اشخاصی که آن واقعه برایشان گذشته ملموز معافی و فوائد است *

در این وقت در اطراف طهران شهرت داشت که بواسطه تهدید و رشوهاییکه مامورین معروف روس با کثرت و کلاه ایران بکار برده مجلس بقبول آن شروط راضی و مطیع خواهد گشت در این هنگام زنان ایران اقدامات معززانه وطن پرستانه نمودند که سر آمد همه کارهایی بود که از ابتداء تجدد حیات ایران نموده بودند *

زنان ایران از سنه ۱۹۰۷ يك جنبش بسیار ترقی نموده بودند اگرچه از حزب «رادیکل» بشمار نیامده و ترقی آنان ذاتی و اصلی نبود ولی با این حال از ترقی یافتگان عالم محسوب میشدند آن اقدامات زنان خیالات مندرسه قرنهارا خراب و فاسد نمود و **مجموع** **حیثیت** اینقول وارد نمیشود که آتوقایع طبیعی و حقیقی بود *

اگر بگویم که این قوه قویه اخلاق که مردان مشرقی آنها را سر آمد متاع و اثاث مشرق زمینیان نامیده و بواسطه اهالی ایران خوب منظم گردیده و بجهت مخالفت بد قسمت

کم عمری بزودی بمرده شده بود شاید بیان واقع باشد آن زنان برای زنده نگاهداشتن روح ازادی کوششهای بسیاری نمودند در حالتیکه ایشان در تحت دو قسم فشار و مظالم بودند یکی پلٹیکی و دیگری تمدنی و معاشرتی و در اتخاذ طرق حکومت مشروطه و اموختن قوانین پلٹیکی و معاشرتی و اخلاقی و تجارتی از اهالی مغرب زمین بیشتر از مردها مایل بحرکات خوشناتی ملیانه بودند نظیر این امر غریب این است که بسیاری از علماء نیز این ارزوی مردم را امداد و معاونت می نمودند استمداد ملت از ترقیه که همیشه در موقع تغییرات و انقلابات فوائد قدیمی خود را طالب بوده بیشتر مورث تعجب مینگردد در صورتیکه نقصان کلی از آن تغییرات پلٹیکی بمنافع تاریخی ایشان میرسید *

در ظرف مدت پنجسال یعنی پس از آن انقلابی که بدون خون ریزی در سنه ۱۹۰۶ به ارزوهای خود مشعشعانه کامیاب شدند هنوز از اثر مظالم مظفرالدین شاه شراره و شعلهای غضب الوده از چشمهای مستوره زنان ایران اشکار بود و در جد و جهد تحصیل ازادی جدید و علامات آن با کمال سعی بعضی رسوم مخصوصه را که از فرون پیش در ایران معمول بود ترک نمودند *

موقع بسیار یافتیم که ظهور اثرات و اراده های عالیه زنان اسلامی که بی دریغی واقع می شد به بینیم *

ماها که اروپائی و امریکائی هستیم از زمانه دوازی بشرکت دادن زنان مغرب زمین در معاملات و پیشها و علم و ادب و فزیک و پلٹیک عادی شده ایم اما چه میتوان گفت درباره زنان پرده نشین و محجوب مشرق قریب که بفاصله کمی استاد و مدیر جرائد و بانای کلوپ زنانه و نطق مضمین پلٹیکی شده و با کمال قوت مشغول بتر و یج و ترقی خیالات مهمه مغرب زمین می باشند معلوم نیست مملکتی که از قرون عدیده باین طرف در تاریکی و خاموشی استمداد پیچیده شده خیال اشتراک مملکتشان در تجدید زندگانی پلٹیکی و تمدنی از چه وقت طلوع نموده و این اعتقاد راسخ آنها در قوانین پلٹیکی و تمدنی از کجا پیدا شده **۱** هیچ محل تردید و شبهه نیست که این گونه خیالات در ایشان حادث شده و حال هم هنوز باقی است و عقل و ادراکی که بواسطه تجربه عملیات سالیهای دراز عموماً تحصیل نموده اند بر آن خیالات افزوده شده *

زنان ایران نمونه مشعشی از لیاقت و دلهای پاکیزه خود در قبول خیالات جدید و اظهار نموده و با تهور و مجاهدت بتکمیل خیالات خویش مشغول گشتند *

پس از چند روز از ورود بایران در تحصیل عقائد ملی یعنی مجلس و جماعتی که وکیل و محل امیدواری و خیالات بیشتر اهالی ایران بودند نائل شدم پس از حصول امر مزبور فوراً بیک اثر بزرگ دیگری اگر چه مخفی بود منتقل گردیدم که آن اثر مرا از جشنان مهربانی که از روی حسد و رشک بجرکات من بود محافظت نمود در طهران شهرت داشت که دو چین ها و دسته ها از اعضاء انجمنهای سری زنان هستند که تغنی و کنام و در تحت او امر سرگر معینی که زمام نظم ایشان را در دست داشت میباشد تا امروز هم نه اسم هیچیک از آنها را دانسته و نه لیدران آن فرقه را می شناسم ولی از طرق عدیده مطلع شدم که هزارها از جنس ان زنان ضعیف در پیشرفت کارهای من مساعدت می نمایند *

ذکر نظائر چندی برای اثبات این مطلب کفایت میکند در تابستان گذشته یکروز صبح در موقعی که در اداره خود نشسته بودم گفتند یکی از منشیان ایرانی دفتر خزانه برای مذاکره امر لازمی خواهش ملاقات دارد در مشرق زمین اخبار و اتفاقات عجیبه بی مقدمه و بی سابقه بانسان میرسد که ان خواهش را نمی شود به هیچ قسم سهولت رد نمود ان فرد جوان داخل شد تا ان زمان او را ندیده بودم بزبان فرانسه با هم گفتگو کردیم بعد از اظهار معذرت و اجازه مکالمه از ادانه گفت مادرش طرفدار ما بوده و بشارتیه تاکید نموده که بن بگوید که زن من باید بخانه فلان امیر ایرانی که خانواده او مهانش کرده بودند نرود زیرا که امیر دشمن حکومت مشروطه است و رفتن زن من بخانه مشا لیه باعث بدگمانی ایرانیان از من خواهد شد از او تشکر نموده و تا انوقت خود منم از ان مقدمه دعوت اطلاع نداشته و زود ملتفت شدم که همان قسم تدبیر شده و پیروی نمودن انهم نصیحت کرده شده بود ثانیاً ان جوانرا طلبیده و سؤال نمودم که مادرش از چه راه از این معامله مخفی شخصی زن من اطلاع یافته است جواب داد که مادرش در انجمن سری زنان عضویت دارد و در اینجا این مسئله مطرح مذکره و بحث گردیده و فرار شده است که این امر را بن اطلاع دهند *

در یکماه دیگرتازه تری جماعت بسیاری از زنان فقیر و پریشان ایرانی بیارگ اتابک آمده که بن اظهار نمایند که چون اداره خزانه نمیتواند وظائف و مستمریای دولتی مرد مرا برساند و بیش از یکلیون دالر قرض دارد و مثل این وجه برای مصارف قشون داوطلب که با شاه مخلوع جنگ میکنند لازم دارد مخالف و بر ضد من میباشد

یکی از معاونین ایرانی خود را فرستادم که آنها را ملاقات نموده و سؤال نماید که کدام کس آن اعتراضات را بایشان تعلیم نموده است آن شخص مراجعت نموده و اسم یکی از مشاهیر مخالفین را که آنوقت در امداد و طرفداری معامله محمد علی بود ذکر نمود جواب دادم که اگر به آرای و سکونت تمام متفرق و منتشر شوند فردا جواب به آنها داده خواهد شد و آنها نیز متفرق شدند *

بعد از آن یکی از انجمنهای زنان توضیح مشکلات مالی و ممکن نبودن تأدیبه آنوظائف را بسبب حوائج مهمه دولت مشروطه فرستادم بانضمام این خواهش که در آینده از این گونه شورش و دهاو برخلاف خزانه منع و جلوگیری نمایند اگر چه بعد از آن تاریخ تأدیبه وظایف ممکن نشد ولی از جانب زنان هم دیگر اجماع و شورشی در آن باب بعمل نیامد *

در طهران معروف بود که هر وقت زنها برخلاف کابینه یا دولت بلوا و شورش میکنند حالت کابینه و دولت بسیار خطرناک و سخت خواهد شد *

در موقع ضبط و توقیف املاک و اموال شعاع السلطنه چون دولتروس ملتفت شد که قونسل جنرال هیچ بهانه قانونی برای جلوگیری و منع از آن اقدام ندارد متوسل باین تدبیر شده و این حیل را اظهار نمود که پارگ شعاع السلطنه واقعه در طهران در بانک استقراضی روس کرو میباشد و مالکشر بیانک مزبور دو بیست و بیست بلجهزار دالر مفروض است همه میدانستند که ان ادعا لغو و آن مطالبه بیجا است و لکن چون آن طریق سرانته طریق مختار و مرضی عمومی نبوده و شاهزاده یاغی برای حفظ املاک خود از ضبط شدن آن مکر و توریه را نموده بود من نتوانستم بطلان ان ادعا را اثبات و خلاف آن را مدلل نمایم بانک روس هم در عوض ار آه نمودن دفاتر و اقامه شهود برای اثبات ان قرض مانند کرها بی اعتنائی می نمود *

در اینموقع دلیل بینی برای شجاعت و وطن پرستی یکران ایرانی بدست آورده و درجه میزان همراهی او را یا خزانه دولت مشروطه احساس نمودم *

یکی از مشاهیر معاونین ایرانیم که شخص وطن پرست تربیت یافته عالی بود بملاقات من آمده و اظهار داشت که خواهرش که یکی از زوجات شعاع السلطنه است سوادی از وصیت نامه اخری ان شاهزاده که همان سال قدری قبل از حرکتش از ایران مطابق رسوم معموله مذهبی و اسلام بطوریکه سزاوار بکفتر شخص ابرو مند بیست بدست آورده *

در آن زمان به برادر خود اطلاع داده که آن سند را که در واقع فهرست و صورت تمام اراضی و املاک آن شاهزاده را چنانچه باید و شاید حاوی بود بن نشان دهد سواد مزبور متضمن بیان مشروحی بود از تمام محاسباتی که شاهزاده مشارالیه ب مردم بده کار و طلبکار بود در حقیقت راپورت کاملی از دارائیش بود با اینکه در اراءه سند احتمال خطر جان خود و فرزندانش بسیار میرفت با اینحال چون مشارالیه یقین کرده بود که اراءه آن سند از وظائف بلکه فرائض وطنی او میباشد سواد آنرا پیش من فرستاد به امداد سند مزبور توانستم از کذب اخیری دفاع کنم که دولت روس برای دروغ و اقدامات قانون شکنانه و خاصانه ما مورین قونسلیخانه خود در آن معامله اعتماد کرده بود *

در آن ایام تاریخ نامی که اوام مردم در تردید بود که آیا مجلس باقی خواهد ماند یا منقصل میشود؟ زنان ایران با هیجان و حرارت قلبی برای محافظت آزادی و محبت فوق العاده وطن خود آخرین اقدامی که آنان را بر مردان تقوی و برتری داده و دلیل شجاعت و وطنیشان بود بعرضه ظهور رسانیدند شهرت دائمی که و کلا و نمایندگان در چند جلسه سر می مجلس قرار داده بودند که مطالبات روسها را تسلیم نموده و راضی شوند بازاریان و اهالی پانخت فرقه فرقه شده بودند در اینصورت ملیین و کلا را چگونه به اداء وظائف خود شان مجبور می توانستند بکنند

در این موقع زنان ایران جوانی مهیا نموده و سیصد نفر از آن جنس ضعیف از خانه و حرم سراهای محصور با افر و خنگی بشره که از عزم ثابیشان خبر میداد بیرون آمده در حالتیکه در چادرهای سیاه و نقابهای مشبک سفید مستور بوده و حرکت نظامی می نمودند بسیاری از ایشان در زیر لباس با استیهای خود طپانچها پنهان داشتند یکسره بمجلس رفته و در آنجا جمع شده و از رئیس مجلس خواهش نمودند که تمام آنها را اجازه دخول دهد رئیس مجلس بملاقات نمایندگان ایشان راضی شده در اطاق ملاقات با رئیس مقابله کرده و طرف مذاکره شدند با این خیال که مبادا خود یا همراهانش مطلب و مقصود شانرا درست تلفت نشوند آن هیئت مادران و زوجات و دختران محبوب ایرانی طپانچهای خود را برای تهدید نمایش داده و تقابهارا پاره کرده و دور انداخته و اراده و عزم آخری خود را اظهار و اعتراف کردند که اگر و کلا بمجلس در انجام فرائض خود و محافظت و برقرار داشتن شرف ملت ایران تردید نمایند مردان و فرزندان و خود مان را کشته و اجساد مان را همین جا می اندازیم *

اگرچه مجلس از يك شرق دست فاعله های روسی در یکی دو هفته بعد از پاد آمد ولی از آلابش فروختن حقوق وطنی ملت خود مبرا گشت *

آیا با این حال سزاوار نیست که به آواز بلند فاش و برملا گفته شود که « عزت زنان نقاب پوش ایران پاینده باد » بواسطه اطمینان و اتکال با اوام مردان که همیشه در مقابل نظرشان مجسم بود فرصت تعلیم خود را بروفق خیالات جدیده از دست داده و محروم گردید و نتوانستند از آن اقدامات خود فائده صحیحی ببرند با اینحال و با سراغبت و ممانعت مردان از پیمان آزادی سیراب شدند همه روزه بولهای خود را برای اعانه مملکت خود میدادند و خدام وطن را تشویق نموده و هر لحظه بچشم حسرت مادرانه بر آنها می نگریستند در آن موقع و آن ساعت دهشت ناک حزن افزا که دلهای مردان ضعیف شده و خوف حبس و زجر و دار و گلوله ریز شدن بر شجاع ترین اهل مملکت راه یافته و باعث خفقان قلبیشان شده زنان کوتاهی نکرده و از دیگران عقب نماندند *

چون روسها از تهدید و دادن رشوه برخلاف مجلس فائده نبردند مجبوراً بخواب کردن آن حکم دادند *

بعد از ظهر بیست و چهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) کابینه که از طرق عدیده معزول شده بود مجبور بکار بردن يك ضرب دست برخلاف مجلس شد بتوسط عده ژاندارمه و دسته از ایل بختیاری بخارج کردن تمام و کلا و مستخدمین و اجزاء جر داخله مجلس کامیاب و کامران شدند و بعد از آن درها را بسته و مقفل نموده و عده کثیری از گارد هایون که معروف به رژیم شاهی بود برای محافظت مجلس گذارده و بوکلا تهدید نمودند که اگر در مراجعت به آنجا یا جمع شدن در جای دیگر سعی نمایند کشته خواهند شد شهر طهران فوراً بطرز حکومت اولیه یعنی استبدادی و نظامی گردید آن هفت نفر مدیر که از پیش خود بطور دل بخواه تشکیل شده بودند به آن امر مهم خوفناک اقدام نمودند باطمینان آنکه قشون زیاد بختیاری که تقریباً دو هزار نفر و بعد از شکست دادن قشون شاه مخلوع در سبتا بهر گذشته در پای تخت جمع شده بودند دو مرتبه بحکم و تصدیق نواب و ما مورین محافظت دولت جدید و حمایت ایشان مقرر خواهند شد نواب روس بترغیب و مطعن کردن اعضا کابینه معزول شده که مقاصد و اغراضشان طرفداری روسها بود تا ایل شده و بمقصد خود رسیدند ممکن نیست دانستن این امر که چه مقدار طمع و خوف آن کابینه معزول شده را در ظل حمایت

اغیار بخالفت و خرابی مملکت خود حاضر و راضی گردانید ولی بدون شبهه از هر دو مملکه حصه و سهم کافی داشتند رئیس الوزرا یکی از مشاهیر سرداران بختیاری و وزیر جنگ بود سردار محتشم سردار دیگر بختیاری بود که فقط از پیش خود وزیر جنگ شده بود آن سرداران هیبتی بودند مرکب از وطن پرستان کوهی و صحرائی بایانهای شهری که همیشه قشون وفادار و راهزن طماع ایران بودند صفت و خصلت شماری آنها شاید فطری و جبلی بوده که در مقابل قزاق و توپ خانه روس زندگانی با شرف و موقع عزیز خود را به ثمن بخشی نقد بعلاوه وعده فریب آمیزی فروخته و خاتمه دادند یعنی امتداد وزارت عظمائی مثل وزارت مالیه که ابدالدهر در خانواده و طایفه ایشان باقی باشد چون بر خلاف رأی مجلس که هیچ اطمینانی بایشان نداشت بحمل اسلحه مصمم شدند آن قشون دیگر با اسلحه دولت مشروطه یعنی ژاندارنه طهران بسرکردگی آن سرد شجاع ارمنی یعنی بقرم خان که ظاهراً از سازش کابینه با روسها دل خود را باخته و موافقت با ایشان نن در داده بود برده آخری دولت مشروطه را پیچیده و آخرین اثر او را محو نموده و خاتمه داده و سرانجام حیات مملکت و استقلال خود را برحم و وجدان ان هفت نفر مأمورین یا حکام مشرفی که مملکت خود را بر وسع فروخته تفویض نمودند این اقدام خاتمه افسوسناکی بود برای جد و جهد شجاعانه آزادی و نور علم *

عصر همان روز بسیاری از وکلاء منفصل شده به اداره من آمدند من ایشانرا خوب میشناختم که تربیت یافته و تحصیل نموده از ویا و باجرات و دیانت بوده و بوطن پرستی ایشان اعتماد کلی داشتم تحمل انحرک خارج از قانون هموطنانشان بنظر آنها صعب تر از یک بلای پلنیک یا توهین مذهبی بوده و حرکت و خشیت و جرم بزرگی بود با اشکها و آواز سرنمش و دلهای پریشان مردد بودند که ایا وزراء سابقه و کسانیرا که خرابی دولت و مملکت را بنهایت درجه رسانیده بودند بکشند یا بر حسب خیالات مشرفی ها مسلك خود کشتی را اختیار کنند از من مشورت نموده و رأی خواستند من در پریشانی و تبحر واقع ندادم که ایا درباره محافظت جانهای عذاران مشهوری که ملت خود را بی پناه کرده بودند حق خواهم داشت؟ اخرا لا مرا ایشان را مجبور کردم که از آن مرد و خیال منصرف شوند یعنی نه خود را بکشند و نه وزرا را زیرا که از کشتن هموطنان باغی هیچ نتیجه صحیحی عایدشان نمیشد بجز اینکه حيله و بهانه های روس و انگلیس را رنگ آمیزی نوی بدهند که بگویند ایرانیان قابل نظم دادن و مرتب نمودن امور مملکت خود

نی باشند *

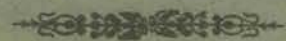
چون عنصر آخری و کلای دولت مشروطه که برای تحصیل آن چندین هزار نفر جنگها نموده و خون خود را فدا کرده و دوچار انواع مصیبتها و گرفتار اقسام بلاها شده بودند در یکساعت بدون ریخته شدن بکته طره خون محو و نابود شد مردم ایران بر مقام اهل عالم اعتماد و متانت خود را نمایش دادند که شاید سایر ملل متمدنه نظیر آنرا نتوانستند بعرضه ظهور رسانند *

کرا از من سؤال کرده شد که آیا ایرانیان قابل نظم امور مملکت خود میباشند، ایا ایشان بی اطلاع صرف نی باشند؟ و ایا روح ملیت و قومیت و علم بحقوق خود دارند؟ همه میدانند گفتن عبارات وطن پرستانه و اظهار احساسات ملی نمودن در مواقع صلح آنها مابین مردمان مطیع فرمان بردار و وقتیکه هیچ احتمال خوف مقابله سخت با فوج وحشی و تصادف به آفات و بلا یا نیاید چقدر سهل و آسانست ولی وقتیکه يك هیئت هفتاد نفره وکلاء مسلمان در حالت خوف عاجل و حبس یا سر نوشتی بدتر از آن از قشون قوی تر و از حیث عدد نفوس بیشتر از خود بارشوه و سازشها و تهدیداتی که یوما فیوم به آنها میشد مقاومت نمودن و در قعر گمنامی و خوف اعدام رقتن و با این حال انکار از ترک غرت و شرافت ملت خود نه نمودن کار بسیار مشکلی است تصور میکنم از این بیانات پایه احساس و درجه ملیت بخوبی واضح و مسلم شده و همینقدر کافیست * هر کس حال آنوکلا ملت ستم دیده بلا کشیده را دز آن روزهای سیاه ظلمانی میدیدد نمیتوانست که ایرانیان را دوست نداشته و بارز وهای عالی و منصفانه ایشان اظهار همدردی نکنند قصور آنها معروف است ولی انقصور تقصیر اطرافیان یا کسانی که افعال و اقوال ایشان را اشاعه می دادند بود *

انکار لیاقت ایرانیان در نظم و تمشیت امور خود در امکانه که بر آنها حمله کرده شد سبقت بر سؤال گرفته است (یعنی این انکار جواب قبل از سؤال و از درجه اعتبار ساقط است مترجم) این امر را که ایرانیان در پلنیک عملی و در « نیکبک » اصول تشکیل و نظم دولت مشروطه و کالتی خود اطلاع کامل ندارند شاید کسی نتواند انکار نماید ولی در اینکه ایشان بطریقه مخصوصی استعداد کاملی برای ترقی دادن تربیت و اخلاق و لیاقت خود داشتند هیچ محل تردید نخواهد بود بنحسب زنگانی ملی بسیار کم است و چیزی نیست این مدت برای اصلاح امور شخصی بکفر کافی نمیباشد با این

حال ایرانیان بواسطه مساعی و کوششهای بنحیسه خود و حال آنکه در تمام آن مدت گرفتار بر بشارت‌های امور داخلی خویش و دوچار مشکلات دول دوست نمای اسمی بودند تا درجه معتد بهی بقاصد خود نائل شدند سعی و کوششی را که ملت ایران برای قلع و قمع بکفر مستبد خود خواه کرده بواسطه اینکه از ادبیکه تازه بزحمت زیاد و جدیت بسیار بدست آورده بودند سلب کرده بود آن دو دولت اروپا در تمام عالم منتشر نمودند که اهل ایران مردمان ناچیز و بی کفایتی بوده ولایق و شایسته تشکیل دولت مستقل محکی نیستند و نمیتوانند امور داخلی مملکت خود را منظم نمایند *

کسانیکه از حقیقت امور ایران اطلاع کامل ندارند اگر از موانع و اشکالاتی که باعث زوال آن دولت شده مستحضر شوند تصدیق خواهند نمود که اندولت بیچاره و بی پشت و پناه صید کنجبه بازهای ملخوس دولی شده که از چند قرن باین طرف مشغول ازمایش و امتحان بودند و جان و عزت و استقلال بلکه هستی رعایای آن دولت بیچاره را تاوان قمار یا شرط و سبق دولتی قرار داده بودند که بر سائرین پیشی بگیرد *



— «باب هشتم» —

در میزان روابط و تعلقات من با دولت حقیقی ایران قتل عام تبریز و رشت و انزلی بتوسط قشون روس حرکت و خارج شدن از طهران *

از اول دسمبر (نهم ذیحجه ۱۳۲۹) که کابینه صحصام السلطنه بقبول کردن اولتیماتوم روس بپجلس رأی داد علناً روابط وزراء با من تغییر نموده و ظاهراً مصمم شده بودند که بهیچ قسم با مطالبات روسها مخالفت ننمایند و متوقع بودند که بواسطه مستعفی شدن فوری بدون تحصیل اجازه مجلس راه آنها را سهل و آسان نمایم *

اگر چه بالطبع میل مفرضی باستعفا داشته ولی هیچگاه خیال عدم تصویب مجلس هم در دل من نگذشته بود در صورتیکه مجلس دو مرتبه قانوناً رأی و پیش نهاد کابینه را در قبول آن اولتیماتوم رد نموده بود استعفا من بدینقسم یعنی بدون اطلاع و رضایت و کلاماً شاید غضب یا سلب حقوق مجلس میشد با اینحال مکرر با مشاهیر و کلاماً و ما مورین معزز دولتی مذاکرات نموده و با کمال صداقت بایشان گفتم که من برای نصرت و معاونت دولت ایران آمده ام اگر پس از مستعفی شدن بتوانم خدمت لا بقدر

و مناسب تری بدولت بکنم با کمال شغف قلب و طیب خاطر حاضر و راضی میباشم جواب متفق علیه آنها این بود که چون تعیین خدمت و ما موریت شما از اول بتصویب مجلس بوده اگر بدون اجازه مجلس مستعفی شوید حقیقه مخالفت با مجلس نموده و حتماً و کلاماً نسبت مخالفت و عهد شکنی بشما خواهند داد بسیاری از ایرانیان چه از طبقه اعیان و ما مورین دولتی با عموم اهالی مرا ملاقات نموده و تماماً خواهش نمودند که در هیچ حال استعفا ندهم زیرا که آن استعفا خاتمه کاملی بامید واره های دولت مشروطه و مشروطه طلبان خواهد داد *

از ظهر روز اول دسمبر کابینه صحصام السلطنه هیچ سمت قانونیت نداشت بواسطه عدم اطمینانی که و کلاماً از آن کابینه داشتند و هم باین جهت که سرداران بختیاری چون تازه مزه حکومت و ریاست را بواسطه رئیس الوزراء بودن یکی از سرداران نشان چشیده و مایل بانزوا و راغب بگوشه نشینی و کناره گیری مثل زمان سابقشان نبودند علاوه بر این ما بین سرداران بختیاری و فونسلخانه روس اتحاد جدید محکی شده بود بکلی واضح بود که دولت روس ایشانرا ترغیب بدانعفاله کرده و بر حسب رأی آن دولت اقدام نمودند *

بعد از آنکه مطالبات روس را مجلس رسماً رد نمود و حال آنکه دولت روس هرگز همچو گمانی نمیکرد ما مورین و کاشتگان روس در طهران از راههای دیگر سعی و کوشش نمودند که اولتیماتوم روس افلاً در ظاهر قبول شود یعنی باین امر فاعت نمودند که آن اولتیماتوم را علی الظاهر قبول بکنند در آن هنگام که امور مملکتی پریشان و اهالی مضطرب و مشوش بودند تقود بسیاری به اسم دولت روس ما بین فقراء و مساکین تقسیم کرده شد در مساجد عدیده که عده کثیری از مردم جمع شده و بر حسب عادتشان برای کنی و تنگی نان دعا می نمودند از طرف دولت روس غذا بهزارها فقرا ایرانی باین عنوان که خصومت و ضدیت مجلس با روسها سبب کنی و تنگی نان شده است تقسیم کردند با اینکه معلوم بود که پول آنها را روسها داده اند شنیدم کتر از صد هزار روبل در این راه خرج نشد *

عصر اول دسمبر بعد از کشته شدن پرنس علاء الدوله ورد شدن کابینه از طرف مجلس خبر رسید که بسیاری از خوانین بختیاری که بیشتر از سایرین با من عداوت و خصومت داشتند باشاره امیر مخم غدار بر انگیزته شده و اتفاق نموده اند که بنزل من در یارک اتابک حمله نموده و خزانه دولتی را تصرف کرده و دفاتر را آتش زده و امر بکائینها را از

خدمتشان منفصل بنمایند امیر مجاهد و بسیاری از بختیارها مقدار زیادی پول برای مصارف و مقاصد اتباع خود در تابستان گذشته از من گرفته و من بگرفتن صورت حساب و مخارج آن وجوه مصر بودم *

چون این خبر بمن رسید یکی از دوستان ایرانی خود را بر کمر مخصوص بختیارها فرستادم که بخوانین اطلاع بدهد که اگر خیال چنین اقدام بیبوده دارند لازمست که ثانیاً فکر و تأمل نمایند مقصود من بی شبهه اطلاع دادن به آنها بود که از طرز خیالات و رفتار ایشان مطلع میباشم گارد ژاندارمه خزانه پارک اتابک را از بنجاه نفر سابق بیشتر نمودم که مجموعاً یکصد و بنجاه نفر همیشه انجا بر سر خدمت بودند بختیارها هیچ نیامدند *

قدری بعد از این واقعه ما بین یفرم خان و سرداران بختیاری تقاضت و عداوت سختی واقع شد و تا مدت مدیدی هر ساعت احتمال مصادمه سخت با اسلحه بین بختیارها و پلیس و ژاندارمه یفرم خان میرفت یفرم از ریاست نظمیه و پلیس شهر مستعفی شد شهرت نمود که بختیارها با بریگاد قزاق در تحت حمایت روس و فرمان کرنل زاباسکی در گرفتن اسلحه از پلیس طهران و متابعین یفرم خان سازش و اتفاق نموده اند این سوئمن مخوس بینظمی و پریشانی شهر را زیاد تر نموده و هر ساعت احتمال بغاوت و خونریزی شدید میرفت و فدائیانی که عددشان دو هزار نفر بود اعلان کردند که برای مقابله حاضر و مهیا میباشند *

منازعه بین یفرم و بختیارها رفته رفته باصلاح انجامیده و خاتمه یافت و شخص مذکور یعنی یفرم مسئولیت نظم اداره پلیس را بعهده گرفت *

عزت و شئون ما بواسطه جاسوسان نظامی روس در پارک اتابک روز بروز زیادتر میگردد مخصوصاً چهارم دسمبر (دوازدهم ذیحجه ۱۳۲۹) یکی از آنها سعی نمود که نسبت بمستخفین و فراوان توهین نماید *

از وضع سلوک و رفتار و تئوق الدوله وزیر امور خارجه و برادرش قوام السلطنه وزیر داخله احساس مهر سردی اشکاری نمودم اگرچه آندو نفر از سابق با من دوست بوده ولی ان تغییر مسلك و رویه جدید از زمانی شروع شد که ماثفت شدند که مسیو لکفر را برای تفتیش و تحقیق حبله و تقلباتی که از يك سال قبل از آمدن من بطهران و بعد از ان در امور مالیه انجا جاری بود میخواهم به تبریز روانه کنم مالیات ایالت اذربایجان

تقریباً بکلیون تومان بشار می آمد اما از چندی قبل از آنکه شغل خزانه را بعهده بگیرم و همچنین در تمام تابستان که خزانه دار کل بودم بر حسب اظهار خود پیشکار ایرانی مالیه انجا يك « ساتیم » (پنج يك بکشاهی پول ایران) برای دولت وصول و جمع نشده بود باین جهت لازم بود که بیشتر از پیشتر تحقیق و رسیدگی نمایم زیرا که فصل تابستان برای پیشکار وقت و موسم خوبی است برای وصول مالیات معرمانه خبر رسید که پیشکار قسمت و نصیب خود را گرفته و بار خود را بسته و حکومت مرکزی یعنی طهران و خزانه دار را تمسخر میکند آن بی پروائی و بی اعتنائی پیشکار مالیه اذربایجان شاید باین واسطه و باین اطمینان بوده که مشارالیه پدر آن دو وزیر سابق الذکر یعنی وثوق الدوله و قوام السلطنه بوده سبب عداوت و مخالفت بی مقدمه و آتی ایشان پس از اطلاع از مأموریت مسیو لکفر به تبریز بظهور پیوسته و از این تقریب سبب نیز بخوبی واضح و آشکار میشود *

سازش و آتربکهای عمیق و جلب منافع شخصی بقدری در ایران رایج و معمول است که بسهرات تمام میتوان فهمید که ان دو وزیر براجعه به ان سرعت بقبول اولتیماتوم روس حاضر و به ان اسانی راضی شدند در صورتیکه بخاطر یاوریم یکی از فقرات ان مطالبات را که « عزل فوری مسیو لکفر از خدمت دولت ایران » باشد *

امور مذکوره فوق و اقداماتی که کابینه بتردستی در بیست و چهارم دسمبر (دوم محرم ۱۳۳۰) برخلاف مجلس نمود روابط و تعلقات بین من و کابینه را بخوبی تشریح می نماید و فتنه که ملازمت و شغل مرا هینت و کلاه مجلس تعیین و اختیارات نامۀ مرا در امور واجعه بمالیه تصویب نمودند سیزدهم ژون (یازدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) قانونی را جاری و معمول داشتند که یکی از مواد مهم ان اقتدار کلی خزانه دار در تکالیف و فرائض مالیه بود در زمان حکومت و اقتدار هر کابینه که باشد این اقدام همان درجه و مرتبه صاحب منصبان قرضه عثمانی را اظهار می نمود *

وقتیکه مجلس با جبار منفصل و تبه شد امریکائیا بدون هیچ عنوان و بی معاونت کسانی مانند که آنها را مأمور کرده بودند تا وقتیکه ان کابینه که آن وزراء حقیقه بزور پلیس و ادعای باطل تشکیل داده و در قبضه خود در آورده بودند بر سر کار بود امریکائیا بی معاون و بی حامی میانند نه اختیار و اقتدار قبول و تصویب آنهاست را داشته و نه میل آنرا دارا بودم بواسطه انفصال مجلس ان امیدواری آخری که بتوانم خدمت صحیحی بکنم که بحال ایرانیان نافع و مفید باشد مبدل یاس گردیده و مجبور

شدم که کار خود مان را خاتمه پذیرفته تصور نمایم *

از قبل از بیست و چهارم دسمبر کابینه بتوسط صاحب‌منصبان و مامورین مکرر رای میداد که مستعفی شوم برای ترغیب و تخریب این کار و قبول اظهارات خویش وعده نمودند که علاوه بر تمام حقوق و مواجیکه دولت ایران بموجب قرارداد دادنی بود يك نشان شیر و خورشید درجه اول یعنی همان نشانیکه تا آنوقت با امراء و صاحب منصبان طبقه اعلی داده میشد بانضمام يك رضا نامه قانونی در عوض خدماتیکه بملت ایران کرده بودم با حق تعیین هر کسرا که بخواهم بخواهم با اضافه اعزازات و احترامات فوق العاده دیگر بمن بدهند من جواب دادم مادامیکه رضا نامه اطمینان بخشی از وکلاء تحصیل نکنم و تا مطمئن نشوم که ایشان آن استعفا را حمل بر عهدشکنی و عدم مراعات حقوق و غبطه مجلس نخواهند نمود مستعفی نخواهم شد اگرچه آن رضا نامه یا اظهار نامه شخصی و غیر رسمی هم باشد همین اطمینان برای من از نشان مرصع و پارچه کاغذ و انعامات دیگر کافی و اولی تر خواهد بود وقتی باین ترغیب و تخریبها قانع و راضی میشوم که از طرف کسانیکه نمایندگی قانونی و وکالت داشته و خدمت مرا تسلیم و تصویب نموده اند داده شود شنیدم اعضا کابینه این جواب مرا چشم تا پسندید کی نظر نمودند *

چند روز قبل از شروع انقلابات و نردستی بیست و چهارم دسمبر کابینه مسلك مخالفت بلکه خصومت بینی با من اختیار کرد و خواهان بختیاری نیز تهدیدات خود شان را بجماله کردن محل سکناى من و غارت خزانه دولتی تجدید نمودند *

انفصال و معدوم شدن مجلس خاتمه بود برای دولت مشروطه ایران *

بعد از ظهر روز بعد که روز عید « کریسمس » (Christmas) (مولود مسیح) بود بشرف ملاقات رئیس کابینه وزارت خارجه نائل شدم کاغذی بفارسی بمن داد که ترجمه آن ذیلاً درج می شود (سراسله مزبوره در نسخه اصل از فارسی با انگلیسی ترجمه شده و اکنون در اینجا از انگلیسی بفارسی) - جناب مستر شوستر معزز محترم! چنانچه جناب عالی مسبق و مطلع می باشید کسیونیکه مغرب بیست و نهم ذیحجه ۱۳۲۹ از جانب مجلس با اختیارات نامه منتخب شد برای اقدام در تصفیه و اصلاح مواد اولیایم دولت روس که روز اول همان ماه هیئت وزراء بقبول آن رای

داده بودند خلاصه و نتیجه آن اقدامات بسفارت روس رسماً اطلاع داده شد (۱) نظر باینکه یکی از فقرات اولیایم مذکور راجع بمعادوت و انفصال وجود محترم جنابعالی از خدمت دولت ایران و قطع تعلقات اشخاص از امور مالییه می باشد بوسیله این سراسله از بختیاری حالات جنابعالی را مطلع می نماید امور راجعه بشغل خزانه داری و تکالیف کسیرا که جنابعالی دفاتر و شغل خزانه را بلومی سپارید و مرتبه و مشاغل سایر مامورین امریکائی را که برای مستخدمین دولت ایران طلبیده شده اند در قرارداد دولتی که بعد برای جنابعالی فرستاده میشود معین خواهد شد *

نوشته مزبور امضاء هفت نفر وزیر سابق را داشت که صحصام السلطنه و وثوق الدوله هم در امضاء آن شریک بودند *

در موقع وصول آن حکم عزل که بکلی برخلاف قانون بود قبول نمودن یکی از سه مسلك بنظم آمد که در اختیار هیچ يك مانعی نداشتیم قبول یابد نمودن احکم را بقوه جبری و یا آنکه هیچ جواب نداده و انجام آنرا بعهده کابینه حقیقی که بعد تشکیل میشود موکول نمایم اگر مسلك آخری را اختیار میکردم تا حال به پنهان در ایران مانده بودم لکن رد نمودن احکم خارج از قانون منجر به بلوی و خونریزی شدیدی در طهران میشد زیرا که مردم هم از بسته شدن مجلس متنفر و منتظر پناه بودند در صورتیکه مسلك مختصانه با کابینه و رئیس آن که بجهله و مکر برای خود اقتدارات دولتی را فراهم نموده بودند اختیار میکردم ممکن نیست بگویم که نتیجه چه میشد *

اغلب وکلاء معزول شده برای اجماع نقشه کشیده و بجهت انفصال مجلس برخلاف اصول مشروطیت و مخالفت نایب السلطنه با قسم خود و یاغی و غدار قرار دادن وزراء تدارک بلوی میدیدند چیزی از آن اجماع و بلوی جلوگیری نمی نمود مگر نظم و نسق بسیار سختی که پاپس یفرم داده بود و همچنین حاضر بودن دو هزار بختیاری در طهران که دستجات کوچک آنها در معابر گردیده و مردم را از ارتکاب برخلاف نظم باز میداشتند

(۱) آن کسیون هیچ گاه قانوناً منتخب نشد و نه همچو اظهار و اقدامی از طرف هیئت مردم که اعضا کسیون نامیده شده اند اختیار و تصویب کرده شد مصنف مستند و دلیل صحیح آن واقعه را دارد دلیلی که از همه ادله در دلها بیشتر اثر کرده و نقش می بندد این است که آن قسم اقتدار و اختیار از طرف مجلس داده نشد چیزی که حقیقت دارد و واقع شده این است که وزراء قبل از سعی به برطرف نمودن من اقدام بانفصال مجلس نمودند *

و ترس از بزرگوار فزونی و خوف زیاد شدن قشون روس مستغظین سفارتخانه روس در طهران در صورتیکه قشون روس بفاصله هشتاد میلی طهران یعنی در فزویین بود که ملترا از حمله بوزرا و کسانیکه احساس خیانت و تقلب از آنها نموده بودند باز میدادند بفرم و وزراء مخصوصاً و توفیق الدوله در اطراف خانهای خود گارد و مستغظ بسیاری ساخلو نموده بودند *

بعد از تفکر بسیار مصمم بخارج شدن از ایران گردیدیم زیرا که تکلیف فرضی من هین بود و از ماندن امریکائیا در ایران از آن به بعد فائده مترتب نمیشد باین جهت بیست و هشتم دسمبر (چهارم محرم ۱۳۳۰) جواب ذیل را بهدنت کابینه نوشتم :-
 جواب افتخار اظهار این مطلب را حاصل میکنم : که در خصوص اختتام مدت فرار داد التجانب با دولت ایران و انفصال از شغل خزانه دارم اطلاع داده بودید بعد از تعیین شخصیکه مسئولیت دولتی خود را باو منتقل و تسلیم نمایم و بعد از تعیین مرتبه و مشاغل چهارده نفر امریکائی مددکار و معاونینم که در انخصوص اظهار شده بود که در مراسله دیگر از طرف هیئت محترم معین خواهد کردید به بهترین قسمی قبول داشته و بطرز صحت عمل خواهد شد بالفعل شغل آئینده معاونین امریکائیم بزرگترین خیال لازم و مهم من است (۱) *

(۱) علاوه بر مستر شارل مکاسی و مستر بروس دکی که بهمراهی هم بطهران آمده بودیم و مستر کرتز که در نوزدهم ژون وارد شد امریکائیا که بر حسب اجازه قانونی و امر مجلس در اوقات مختلفه تعیین ملازمت و قرار داد آنها را نموده بودم وارد شده بودند مستر لورین پی جور دان (M. Loring. P. Jordan) و رابرت آبرات (Brott) (M. Robert. R. سکرتر (منشی) و مستر فرنک جی ویلی (M. Frank. G. Whilney) و مستر پی جی فیتمس منس (M. P. J. Fitzsimmons) محاسب خزانه و مستر جی ان مریل (M. J. N. Merrill) و مستر اسکار پرنس (M. Oscar. Prens.) و مستر جون ایف گرین (M. John. F. Green) و مستر ای پی لوری (Lowry) و مشافان و صاحب منصبان خزانه و مستر دلیو جی ادانون (O'Donovan) (M. w. J. و مستر نیورن پی بون (M. Turin. B. Boone) و مستر دی جی واترز (M. D. J. Waters) معاونین اداره اغلب این اشخاص تا او اخر ماه نوامبر و اوایل ماه دسمبر وارد طهران شده بودند *

سید یاس مایه در طهران در مجلس

از باغچه مایه در طهران در مجلس



مستور کتن معانین در طهران در مجلس

مستور مکاسی معانین در طهران در مجلس



مستور کتن معانین در طهران در مجلس

مستور مکاسی معانین در طهران در مجلس



چند روز قبل از عید « کریمش » مطلع شدم که مشاقان نظامی امریکائی و صاحب منصبان ایرانی ژاندارمری خواهش ملاقات مرا دارند آن خواهش قبل از زمانی بود که آن اقدامات کابینه که در بیست و چهارم دسامبر بر خلاف مجلس نمود احتمال برود *

بعد از ظهر روز عید صاحب منصبان مزبور را حسب المقرر ملاقات نمودم چون میدانستم که اهل طهران چقدر مایل بشنیدن اخبار واهی و بی اصل میباشد شورش روز قبل را که برخلاف کابینه شده بود بخاطر خود داشته و مواظب بودم نطق مختصری نموده و بمشاورالیهم گفتم! شما فقط صاحب منصبان اداره مالیه میباشدید و باید از هر گونه اقدامات و مذاکرات عمومی پانیک اجتناب و پرهیز نمائید. با آنکه آن ملاقات و مذاکرات بر ملا و در حضور جمعی از پیشخدمتان و نماشاجیان بوده و نهایت احتیاط و مآل اندیشی را مراعات نموده بودم در شهر منتشر شده و شهرت کرد که ژاندارمه خزانه را طلبیده بودم که ایشانرا مسلح نموده و برای افتتاح مجلس مأمور گردانم بعد از ملاقات مزبوره مراسم را جمع بان افواه از جانب وزرا رسید *

بیست و چهارم دسامبر (دوم محرم ۱۳۳۰) از جانب حاکم موقتی (نایب الحکومه) تبریز خبر رسید که افواج روسیکه در اینجا ساخلو بودند شروع بقتل عام سکه نموده اند قدری بعد از آن خط سبم بخابره تلگرافی هند و اروپا قطع گردیده و باب بخابره مسدود گشت بعد از تحقیق معلوم شد که از اثر کلولد قطع شده بود علاوه بر قشون موجوده روس در تبریز افواج دیگر نیز در بین راه جلفا و تبریز بودند علت اصلی قتل عام یا قتل تبریز معلوم نیست مشهور بود وقتی که چند نفر سالدات روسی تقریباً ساعت ده شب بیستم دسامبر (بیست و هشتم ذیحجه ۱۳۲۹) به پناه کشیدن رشته سبم تلفون پیام عمارت مرکز پلیس (اداره نظمیه) بالا رفته و از طرف مستخفظین ایرانی از آنها پرسش و ممانعت شده بود سالداتها با شایک تفنگ جواب دادند صبح بهارش در بازارها قتل عام شروع شده و تا چند روز همان قسم جاری بود نایب الحکومه راپورت داد که قشون روس مشغول بقصابی و کشتار شده اند زنان و اطفال و مردم بی طرفرا نیز در معابر میکشند تقریباً چهار هزار نفر قشون و دو باطری توپخانه روس اطراف شهر تبریز حاضر و موجود اند تقریباً هزار نفر فدائی تبریزی در قلعه قدیم که معروف به ارگ است پناهنده شده ولی با اسلحه و نورخانه کمی و توپ هم نداشتند روسها

انبارها تا چند ساعت کلوله ریز نموده و بسیاری از فدائیان را کشتند چون قشون روس عدداً زیادتر و با توپخانه بودند عاقبت غالب شده و فتح نمودند در آن موقع حالت دهشتناکی با اهالی تبریز طاری شده بود که جان و شرف هیچیک از اتباع ایران محفوظ نبوده و امنیت نداشتند در موقعیکه مسیوپا کلبوسکی کزبل وزیر مختار روس مقیم طهران بجنرالی که قشون روس در تبریز تحت فرمان او بود تلگرافی نموده و او را به ترک جنگ و اسکات امر کرده بود زیرا که در پایتخت در آن موقع آن امور در تحت مذاکره و تصفیه بود جنرال مزبور بوزیر مختار جواب داد که فرمانفرمای فقط از تغلیس بمن چنین امر نموده محکوم و مطیع حکم طهران نیستم *

روز سال نو میلادی که مطابق با دهم محرم و روز ماتم بسیار پررگبت در تقویم مذهبی ایران روز مقدس و محترمی بشمار میرود حاکم نظامی روس در عمارت دولتی تبریز که بیرقهای روس بر آن افراشته شده بود نفع الاسلام را که رئیس روحانیین تبریز بود با دو نفر ملای دیگر و پنج نفر از صاحبمنصبان بزرگ و ماورین ایالت تبریز بدار کشید چنانچه انگلیسی اظهار می نماید (نتیجه این ستم و ظلمیکه بر ایرانیان وارد آمده مثل آنست که کتر بری (Canterbury) پادری بزرگ را در روز «گود فرایدی» (Good Friday) (که یکی از اعیاد مقدس ملی مسیحیانست) بدار بزنند بر قلوب انگلیسها تأثیرش مانند همان تأثیر است که بدلهای ایرانیان راه یافته) از آن زمان بیعدروسها در تبریز هر ایرانی را که میخواستند بدار زده و مجرم «مشروطه طلبی» مجرم نموده و میکشیدند و همه روزه نعل و کشتارچه با داروچه با تفنگ جاری و معمول بود در آغاز شروع و شهرت فتاهای مزبوره یکی از اجزاء اداره وزارت خارجه سنت پترز برگ در موقع ملاقات یا مدیر جریده اظهار نموده بود که روسها انقام خود را بدست خود خواهند گرفت تا وقتیکه درد و آخر بن فطره اثر انقلابی (دیوکرات) از بیخ کنده شده و از بن بر آید *

بسیاری از مردم پس از اطلاع از تهدیدات هولناک و بخاطر آوردن انتقامی را که روسها در سال ۱۸۷۱ میلادی (مطابق سنه ۱۲۹۸ هجری) در ترکستان کشیده که اسکوبلف (Skobeloff) هشت هزار نفر ترکمان بی پناه را در دینگلته (Denghiltepe) بقتل رسانید (فقط باین مناسبت که طول زمان امنیت در آسیا بنسبت عدد مقتولین است) و قسمتی از اهل چین را در آبادی «بلاگواس چنک» (Blagosout chenk)

که واقع در کنار رود خانه «آمو» می باشد روسها در سنه ۱۹۰۰ میلادی (مطابق سنه ۱۳۱۷ و ۱۸ هجری) باین خیال که رعب خود را در دل اهالی چین جای دهند که در آینده در جلو معاملات و مقاصدشان اشکال ننموده و از مشقت رهائی یابند امر بکوج کردن از آن محل نمودند اهالی آن قریه اظهار داشتند که کشتی با سائو و سابل عبور از آب ندارند ان مسخرهای روسی با اهالی بیچاره حکم یربختن در آب نمودند و باین قسم تمام اهل آن آبادی را در رود خانه مزبوره غرق کردند در اضطراب بودند *

با تصادف و پیش آمد وقایع مزبوره فهمیدن معنی مقاله نیمه رسمی «نویوریای» روس که می نویسد «در این حال حقیقت انسانیت و مروت منقضی ظلم است و باید تمام اهل تبریز را مسئول قرار داده و بسر ایشان برسانیم برای اعراض و چشم پوشی روسهم حادی خواهد بود» چندان مشکل نیست *

از تجربه و عادت صریحاً ثابت می شود که دولت روس با داشتن قدرت در اقدامات مزبوره بهیچ قسم از وعده خود کوناهی و تخلف نخواهد نمود و گفتن اینکه هولناکی و مدعش بودن حالات تبریز هرگز حقیقه معلوم نخواهد شد شاید از تکذیب و تنقید مصون و محفوظ بماند روسها توجه و اهتمام کاملی در توقیف و ضبط اخبار نموده و بلا مانع انواع کشتارها مانند بدار کشیدن یا بتوپ بستن یا با گلوله تفنگ کشتن کرده و بعد بانواع بیرحمیها مثل داغ و شکنجه و مثله با اجساد مقتولین رفتار می نمودند قصاصهای سبعانه و معاملات بدتر از آنچه ذکر شد با زنان و اطفال در معایر شهر آن بیچارگان سند خوبی برای اثبات ادعای روس که خود را حامی انسانیت میخواهند بوده و دلیل متقنی است برای افسران نظامی ملتی که حاکم مطلق و رئیس کل خود را حامی ترقی مجلس صلح عمومی و طرفدار اینگونه آدمیت میدانند *

همان اوقات که قتال در بازارهای تبریز رواج و شیوع داشت واقعه مهم دیگری نیز پیش آمد در رشت و انزلی که با تبر زده ها میل فاصله دارد قشون روس بدون مقدمه و بی اطلاع و بی اشتعال بکنفرانس ایرانی را با بسیاری از سکنه آن حدود با تفنگ گلوله ریز نموده و کشتند بعد از آنکه کابینه ایران اطمینان کامل در قبول تمام فقرات او استیانوم بفرست داد انخوار بزی رشت و انزلی واقع شد اطمینانی که دولت انگلیس در رأی خود علناً داده بود که (پس از قبول مطالب و مواد او استیانوم قشون روس که بایران حمله نموده و داخل شده مراجعت خواهند نمود) و شرطیکه دولت روس

رسماً کرده این بود: که تا وقتی که واقعه تازه واقع نشود که باقی داشتن قشون لازم باشد یعنی در این صورت قشون از ایران خارج خواهد شد *

در روشنائی و انعکاس واقعات سابقه الذکر بخوبی واضح می شود که ایرانیهای بی پشت و پناه بد بخت که در مقابل قشون روس هیچ بوده و روسها آنها را شکار خود قرار داده بودند آیا ممکن است که در آن واحد در تبریز ورشت و انزلی با فوج روس حمله نمایند و حال آنکه روسها هم از حیث اسلحه قوی تر و مستعد تر و هم از حیث عدد بیشتر از آنها بودند *

در فاصله بین بیست و پنج دسامبر و هفتم ژانویه (بین سوم و شانزدهم محرم ۱۳۳۰) رود خانهای خشم و غضب بوزرا، خانان ملت فروش حمله و تهاجم نموده و بدریج زیاد شد برونست و اظهار مخالفتهای تلگرافی از ولایات و ایالات بر ایشان هجوم آور شده و نایب السلطنه و کابینه را برای حمله بوکلاه مشروطیت ملامت و توبیخ نمودند مگر بوزرا گفتیم: که منفصل شدن از مشاعلم قبل از آنکه نایبی بجای من معین شود امور خزانه را بحالت فلج خواهد انداخت و اگر اقدام فوری در این باب نشود بموجب قانون سیزدهم ژون مجبورم که مشاعلم خود را بمعاون بزرگ خود مستر کرکز تفویض نموده و برای اصلاحات کلیه امور مالیه مشارالیه را نامزد کرده و طهران را وداع نمایم کابینه و نایب السلطنه وعده نمودند که مستر کرکز بعنوان خزانه دار کل جا نشین من خواهد بود اگر چه خود مشارالیه آرزوی ماندن در ایران را نداشت ولی سفارتین انگلیس و روس تهدیدات سخت نموده بودند که در صورتیکه غیر از مسیومور نادر رئیس باجیکی گمرک دیگر برای آن کار انتخاب کنند بعد از کوشش بی فایده دو هفته کابینه که شاید انتخاب متفق علیهمی نمایند و بعد از آنیکه از دو روز قبل بکابینه اطلاع داده بودم که اگر تا چهل و هشت ساعت جا نشین مرا معین نکنند خودم معین خواهم نمود هفتم ژانویه امور مالیه را بمستر کرکز سپردم که طبقه قانونی برای استخلاص خود اختیار کرده باشم *

عصر آن روز خدمت خود را رسماً بمستر کرکز تفویض نموده و قبض و اقباض هم بعمل آمد و بوزرا و بانگها هم تغییر و تبدیل جدید را اطلاع دادم و اختیارات نامه خود را راجع به توشیحات رسمی و دفاتر خزانه داری دولتی بمستر مکاسکی سپردم * چند ساعت بعد نماینده از طرف کابینه تلفون کرد که با مراسله مهمی عزم ملاقات

مرا دارد بعد از آمدن حکم قانونی از طرف نایب السلطنه آورد تاریخش پیش نوشته شده ولی در اصل الحکم تصرفی نشده بود بانضمام مراسله از جانب وزرا که مسیومور نادر را بسمت خزانه داری موقتی معین نمایم اگر چه مراسله و حکم مزبور در وقت تنگی من رسید ولی بدون شبهه وزرا مبدانستند که در هیچ حال خدمت خود را بمسیومور نادر نخواهم داد زیرا که اخلاق و عاداتش معروف بپندی و بدنام بوده و از رویه بینظمی کارهای او بخوبی مستحضر بودم این نمونه است از مسلک و طریقه ایرانیها باری حکم و مراسله مزبوره را بمستر کرکز که تازه تمام خزانه داری را بدست گرفته بود دادم * مستر کرکز فوراً بوزرا اطلاع داد که حاضر است که خدمت خزانه داری را بجانشین معهود خود انتقال دهد مشارالیه و سیزده نفر دوستان امریکائیش بواسطه اینکه دولت ایران بموجب اعتراف خود از قرار دادش تخلف نموده مضمم شدند که آنمملکت را ترک نمایند *

نهم ژانویه (هجدهم محرم ۱۳۳۰) نایب السلطنه پیغام فرستاد که روز بعد میل ملاقات و وداع با من دارد و شاه کم سن هم میل دارد که در دربار مرا ملاقات نموده و از زحماتم تشکر نماید *

روز دیگر در کالسکه نشسته و مرتبه آخر بدر بار رفتم که اعلیحضرترا ملاقات نمایم چون بهارات سلطنتی رسیدم از مابین صفوف ممتده در باربان معمر افسرده دل و صاحب منصبانیکه لباسهایشان میدرخشید و خدام متعلق فرمانبردار گذشتم شاه جوان بسیار کم جرأت و جبون بود چنانچه در جلسات خصوصی درباری نیز عادتاً می نرسید بتوسط مترجم مکالمه و گفتگو نموده و خدمتیکه برای اصلاح امور مملکتش کرده بیان نمودم با متانت و سنجیدگی تمام تشکر نمود ادعیه صادقانه خود را برای شادمانی و کامیابی و استقلال شاه تقدیم نمودم اگر چه زانگانی با استقلال شاه مشکل بنظر می آمد *

اعلیحضرت وعده نمود که يك قطعه عکس خود را در قاب مخصوص گذارده و برسم یادگار برای من بفرستند ولی بسیار کم امید وار بدیدن عکس مزبور می باشم *

از آنجا بجل مخصوص نایب السلطنه رفتم و چند ساعت وقت خود را در گفتگوی با والا حضرت صرف نمودم ایشان اظهار تأسف بسیار از حرکت من نموده و اظهار اندیشه و خوف سختی از آینده مملکت می کردند *

در این اثنا مستر کرکز با وزیر مختارهای روس و انگلیس شروع بمراسلات نمود

که آنها را بستند می مددگاران امریکائی حاضر و راضی کند که یکم رتبه بواسطه قبول دولت ایران اولتیا تو م روس را فرار داد های مزبوره شکسته و رسته مراسلات کسینته شد و آن امریکائیها هم حق مراجعت حاصل نمودند. مستر کرتز بخوبی ملتفت شد که وزراء ایران فقط احکام و دستور العملهای سفارت روس را اجراء می نمایند. وقت را غنیمت دانسته و حرکت را بر تصفیه و تسویه سائر امور ترجیح دادیم *

چون اسباب مسافرت آماده و تکمیل شد صبح پنجشنبه یازدهم ژانویه (پنجم محرم ۱۳۳۰) پارک انابک را گذارده و بطرف انزلی رهسپار شدیم. نایب السلطنه «اتوموبیل» نوی را که تازه برای سواری شاه و خودش وارد کرده بود بیجه سواری من فرستاد جمعیت همراهان عبارت بود از مسیس شوستر و دو دختر کوچک و معلمه آنها و مستر فدواردیل (M. Fdiourd Bell) منشی سفارتخانه امریکا در طهران که تعطیل مختصری گرفته و پاریس میرفت صندوقهای خود مان را پیش فرستاده بودیم چیزی که باقی مانده این خیال بود که آبا قبل از مسدود شدن راههای کوههای بین طهران و بحر خزر بواسطه برف می توانیم عبور کنیم *

صبح صاف باشکوهی بود که کوههای شمالی طهران از برف پوشیده و سفید شده بود خورشید در آسمان صاف شفاف و درخشان و نسیم با روح جان بخشی وزیده و هوا موافق ولی دلهای ما غمگین و افسرده بود که کارهاییکه بخوشی و شوکت امیدوار با انجامش بودیم بختانه آبی غیر منتظره تبدیل یافت *

وقتیکه مابین حلقه دوستان امریکائی و ایرانی ملول و افسرده خود ایستاده و در شرف داخل شدن به «اتوموبیل» بودیم ناچار از عصر ورود خودمان در همانجا در هشت ماه قبل بغاطر آورده و حقیقت آن خیال از خاطر م عبور نمود که امیدوار بهای ملت مسلمان با تحملی که از مدت مدیدی برای تجدید عزت و شرافت از دست رفته خود در عالم تحمل انواع مصیبت نموده بودند چگونه از بیرحمی اقواج یکی از مال مسیحی که ناممدن نامیده میشوند از بیخ کنده و ازین قطع گردید *

ساعت نه و نیم صبح از دروازه قزوین طهران خارج شدیم. مستر و ارات فرانسوی «شفر» شاه سکان و زمام «اتوموبیل» را در دست داشت *

هرگز فراموش نخواهم نمود آن احساسات و تألمات خود را در موقعیکه از خیابانهای شلوغ پر جمعیت طهران که همه مردم بکار خود مشغول بودند گذشته و بجاده شوسه

خاموش بی صدا رسیدیم. وقایع هشت ماهه گذشته بقلب من هجوم آورد کسی نمیتواند منظره آرزوهای ناقص ناگام را بجز در این خیال که همه آنها گذشت بدون احساس الم ترک و فراموش نماید آرزوی بسیار و میل مفراطی بخدمت باهل ایران داشتم وقتیکه سکنه طهران از حرکت انروز ما مطلع شدند بسیاری از نمایندگان خود را پیش من فرستاده که اطلاع بدهند که جمع کثیر و جم غفیری برای وداع مایل بملاقات من می باشند. جواب دادم: میل ندارم همچو بجمعی پیش من جمع شده و شایسته هم نیست چون آن خبر بکابینه رسید پلیس بنمایندگان انجمنهای مختلفه اطلاع داد که هیچ بجمعی مأذون نخواهد بود که بدین قسم اجتماع نماید. وقتیکه «اتوموبیل» ما از محازات باغ شاه عبور می نمود دسته های ژاندارمه خزانه را دیدیم که در اردوگاه خود مشغول مشق نظامی بودند. اگر چه بعضیها ایشان را بیچشم حقارت میدیدند ولی هیشکی بودند که اگر نظم و ترقی بانها داده میشد اکثر مسائل مهم و دشوار ایران بواسطه آنها حل و آسان میگردد *

ساعت سه و نیم بعد از ظهر همان روز وارد قزوین شده و از آن شهر که مملو از قشون روس بود گذشتیم. وقتیکه از دروازه اخیری عبور میکردیم یکدسته سالدارت روسی که قریب پنجاه نفر با زیاد تر بودند دیدیم چند نفر از ایشان با کمال متانت و وقار خم شده همچو می نمود که میخواهند از زمین سنگ بردارند ولی اگر میخواستند بطرف ما شین ما بیاندازند سنگشان باقی رسید زیرا که بسرعت تمام حرکت می نمودیم غیر از این واقعه هیچ توهینی نسبت بما واقع نشد *

چون بمهناخانه و «استاسیون» بوناک (Bulnak) رسیدیم که مختصر و مختصر و دور از کنار جاده شوسه واقع و با قزوین بانزده میل فاصله داشت بوران و برف شروع شد در ظرف ده دقیقه بواسطه برفهای خشکی که باد آنها را مانند ابر غلیظی بسرعت از کوهها می آورد جاده بکلی محو شد در آن که سنگی شب را بسر بردیم صبح بعد شهرت کرد که جاده بکلی مسدود شده است بعضی ها میگفتند ممکن نیست که بتوانید از قله و تنگه های آن کوهها عبور نمائید. دو ساعت وقت لازم بود که بتوان برفهای «اتوموبیل» را با حرارت آتش آب و یاک نمود زیرا که نصف «اتوموبیل» مزبور بر از برفهای بوران شده بود. ساعت ده و نیم روز بعد سوار شده و حرکت نمودیم چون به بلندترین قلهای نزدیک شدیم دیدیم که راه بواسطه برفهای چهار فوطی بسته شده است (هر سه فوت

بلك كرمي باشد) معاونت عده كثرى از عملجات راه كه اكثر اوقات ما را از ميان بر قبا پيرون كشيده و خلاص مي نمودند و بواسطه مهارت و فطانتى كه مستر وارنت در راندن آن «اتوموبيل» بكار ميبرد توانستيم كه از انجا عبور نمائيم «اتوموبيل مزبور بسيار قوى و داراى قوه پنجاه اسب بود ساعت پنج عصر بمهمان خانه منجبل رسيديم ان واحله سريع السير بلك حركت پنج ساعته ظهر روز بعد ان مسافرت پسنديده ما را بانزلى خانه داد در بين راه از مابين چندين دسته افواج روسى كه در كنار راه بودند عبور نموديم و در «اسكله» (لنگر گاه) بلك كشتى جنگى «كروزر» (Cruiser) (زره پوش) روسى نيز لنگر انداخته و شهر در تحت تصرف و اختيار قونسل روس انجا بود روز بعد كه چهاردهم ژانويه (بيست و سوم محرم ۱۳۳۰) و عيد نوروز (سال نو) روسها بود «كروزر» و ساير كشتىهاي جنگى روسى بشليك توپ سلام مشغول بودند همان روز بعد از ظهر سوار كشتى روس موسوم بطهران شده و بجانب باد كوبه رهسپار شديم ساعت پنج و نيم عصر آن روز سرد و در بى خزر بسيار منقلب و طوفاني شده ساحل ايران و چراغهاي انزلى از نظر مانع ائيب شد باب مختصر اسفانگيرى در ياس امريكائىها از نظم ماليه در آن سرزمين نوشته شد *



—*— باب نهم *—

در خصائص و خصائل نایب السلطنه و سایر صاحب منصبان و مأمورین دولتی مسلک مجلس و اختصاصات آن لیاقت و قابلیت ایرانیان *

نایب السلطنه عالییه ایران ابوالقاسم خان و ملقب بتناصر الملک میباشد که اصلاً از اهل همدان و تحصیلات عالییه خود را در دارالعلم «آکسفر» تکمیل نموده است مشار الیه یکی از هم «کلاس» های سر ادوارد گری وزیر امور خارجه عالییه انگلستان و از دوستان صمیمی لرد کرزن میباشد در زمان سلطنت مظفرالدین شاه و رئیس الوزرائی امین الدوله ناصر الملک بوزارت ماليه مأمور و تا ششاه دفاتر وزارت خانه مزبوره را در تحت زیاست و نگرانی خود داشت سپس بحکومت ایالت کردستان مأمور شده و تا چهار سال در آن ناحیه حکمران بود یکسال پس از آن یعنی از زمان شروع دوره اول مجلس رئیس هیئت وزراء بوده و قلمدان وزارت ماليه را نیز دارا بود هنوز بعضی از

امور وزارت خانه خود را تصفیه و اصلاح نموده بود که محمد علی شاه پادشاه آنوقت مشارالیه را حبس نموده و خوف قتلش میبرد که بتوسط سفارت انگلیس نجات یافت هائروز که از جنگال شاه خلاص گردید روانه اروپا شده و تا زمان خلع محمد علی و عود مشروطیت در ژوئه ۱۹۰۹ در اروپا توفیق داشت چندی پس از آن بطهران مراجعت نموده ولی از قبول خدمات دولتی استنکاف ورزیده و بهمین قانع بود که ملین را معاونت اخلاقی نموده و وزراء و وکلاء را در مشورت امداد نماید چندی بعد مجدداً علی الظاهر بعنوان معالجه خود و فرزندش بازویا مراجعت نمود اندک زمانی پس از فوت عضد الملک نایب السلطنه اول مشارالیه را مجلس بنیابت سلطنت انتخاب نمود هشتم فوریه ۱۹۱۱ (هشتم صفر ۱۳۲۹) وارد طهران گردید که زمام مشاغل خود را بدست گیرد* از اولین و هله که والا حضرت ناصر الملک را ملاقات نمودم ایشان را شخصاً با ملاحظات مالیه و هم بجانب مستشاران امریکائی مایل و راغب یافتیم در مدت هشت ماه که در طهران بودم باستثناء یکماهه دسمبر که در آن مدت فی الواقع ارتباط صریحی با دولت ایران نداشتیم با ایشان ملاقاتهای طولانی میگردم مخصوصاً بر حسب خواهش خود شان در مسائل مختلفه مالیه و غیره که دوچار مملکت شده بود آزادانه مذاکره کرده و صحبت می نمودم نایب السلطنه شخص بسیار خوش محضر با وفاری بود انگلیسی را بخوبی تکلم می نمود فرانسه هم میدانست پایه تحصیل و تجربه وسیع کاملی داشت که بتواند مشکلاتی را که بمات ایران در کوشش تشکیل سلطنت مشروطیه مصادف گردیده بخوبی شرح دهد ایشان بسیار وضع دلفریبی داشته و می توانستند در تقایص هموطنان خود و ضروریات موقع و لوازم حالات عالمانه صحبت داشته و بخوبی تشریح نمایند از بیانات ابتدائیه ایشان حالتیکه روی هم رفته احساس کردم این بود که باشخص دانای وسیع النظر کاملی صحبت میدارم بهر حال پس از ملاقاتهای عدیده که میخواستم بعضی نواقص و تدابیر مالیه را خاطر نشان ایشان نموده و معاونت شخصی و عملی و اثر قدرت نفوذ اسم ایشانرا بجهت اجراء تدابیر مزبوره جلب تمام خیلی متأسفم که واضح شد که والا حضرت بعوض اینکه اقدامات مجدانه در اصلاح موانع مزبوره بکنند رغبتشان در بیان و تشریح آن موانع و اشکالات بیشتر بود بیانات ایشان طوری بغاطر نقش می بست مثل اینکه با طبیب حاذق مرضی که مرض خود را تشخیص داده و در شرف از هاق روح است گفتگویی نماید شخص شنونده مجبور بود که لیاقت آن طبیب را در تشخیص مرضش

تعمین نموده از تحلیل قوا، تشخیص دهنده قابل که مصروف بیان آن بود اظهار ناسف نماید. کار را پس از ملاقات و مذاکرات دوسه ساعته با ناصر الملک در حالتیکه خاطر من از بی اطمینانی موهومی آکنده بود مراجعت نموده ولی نمی توانستم انگشت خود را بالای امر مخصوص گذارده با اشاره کنم بچیزیکه ایشان گفته و بظاهر معقول و صحیح نباشد با اشخاص متعدد اروپائی و ایرانی که در این باب صحبت داشتیم معلوم شد که بیانات ناصر الملک بقلوب ایشان نیز همین نقش را منتقش نموده است *

سواى این جزئی نقص شاید بزرگترین عیب ناصر الملک احاطه خیالی بود که از اول ایشان را محاصره نموده و تا روز آخریکه ایشان را ملاقات نمودم خیال مر بور را ترک ننموده بودند که مردم با نیابت سلطنت ایشان مخالف بوده و از طرف انجمنهای مخفی مرکزی طهران جانشان در معرض خطر میباشد چنانچه خود شان اظهار داشتند که اگر دو باره به «اروپا» بروند دیگر مراجعت نخواهند نمود قبل از آنکه عضد الملک به نیابت سلطنت منتخب بشود با اتفاق آراء ایشان را انتخاب کرده بودند ولی بقصد گوشه گیری از قبول خدمات دولتی انکار نمودند بهر حال پس از فوت عضد الملک در سپتامبر ۱۹۱۰ «اواخر شعبان و اوایل ۱۳۲۸» انتخاب ایشان بسمت نیابت سلطنت صریحاً از آن حزب مجلس شد که بعدها با اسم اعتدالی موسوم شدند و حزبی که پیشتر مایل با اصلاحات بوده و ناصر الملک را ناپسند داشته همان حزب است که بعدها موسوم به «دموکرات» گردیدند ایشان شخص داوطلب بسیار معروف قابل یعنی مستوفی الممالک را برای ابتکار در نظر داشتند بهر حال پس از مذاکره مختصری ناصر الملک به نیابت سلطنت منتخب شده و هر دو فریق مجلس در انتخاب ایشان متفق علیه گردیدند مسلم بود که ناصر الملک مقبول اروپائیهها عموماً و سرادوار دگری خصوصاً بود و کلاً همچوینداشتند که انتخاب ایشان بنیابت سلطنت در جلب حمایت دوستانه دول اروپا برای دولت ایران بسیار مؤثر و مفید خواهد شد ولی قبل از آنکه بطهران مراجعت نمایند مراسلات عدیده از طرف اشخاص مجهول غیر مسئول بایشان رسید که در صورت مراجعت ایشانرا بکشتن تهدید نموده بودند این امر علاوه بر اینکه حرکتشان را معوق داشت چنان تاثری بقلب ایشان نمود که در مراجعت بایران کلیه مردود بودند از لندن و پاریس و سایر نقاط عرض راه تلگرافات مفصلی بمجلس نموده و بعضی شروط پیشنهاد کردند که قبل از آنکه بتمام مایع خود نائل شوند باید بموقع اجرا گذارده شود معظمتترین شروط

مذکوره این بود که مجلس باید به «پارتی» ها و احزاب مختلفه منقسم و هر پارتی و فریقی که اکثریت داشته باشد کابینه تشکیل نموده و تا زمانیکه حزب غالب بواسطه اکثریت بانی و مسئول باشد کابینه معهود «پروگرام» و دستور العمل ایشان را اجراء نماید بدون شبهه در ایجاد آن بدعت رأی ناصر الملک اصولاً صحیح بوده و مجلس هم لوازم رأی مذکور را قبول نمود در دولت مشروطه (انتخابی) قاعده اکثریت و مراعات لوازم اتفاق بجهت تناسب حقوق بین اکثریت و اقلیت در شعب قانونی دوائی امر بسیار لازمی است ولی ایرانیان مردمان غربی میباشند چون از اصول مسلک «دموکراسی» بی تجربه بودند همینکه بیکرته خط انفصال سیاسی میانشان مرتسم گردید فوراً رقابت شدید بلکه عناد شخصی بین فرقه اعتدالی که از حیث عدد دارای اکثریت و حزب «دموکرات» که معدودی بودند شروع شد اگرچه قبل از این تقریباً رأی اکثر و کلاً مجلس نسبت با اتخاذ «پروگرام» (طریقه تمسیت امور) و نظم دولت مشروطه که حکومت مستقلاً در ایران تشکیل نمایند مختار بود ولی همیشه خود را علی با مشروطه خواه دانسته و تمام اقتدارات و قوای خود را با جد و جهد معنوی وطن پرستانه صریحاً در تصفیه و حل مشکلاتی که بمملکتشان مصادف شده بود مصروف میداشتند ولی مناقشه و بد رفتاری و رقابتهای حزبی در عملیاتشان چندان راه نیافته بود ناصر الملک پدر (موجد و مؤسس) این قدرت حزبی پارلمان گردید این بیان را نه بطور شتاب می نویسم بلکه مقصودم ذکر وقایع تاریخی است بدون شبهه خیالات ایشان بسیار درست و صحیح بود ولی وقتیکه مجلسیان رأی دادند که بدو فرقه باین و بسا منقسم شوند ملاحظه ضعف و تقایص هموطنان خود را فرمودند اگرچه ترتیب مزبور برای پیشرفت اصلاحات امور دوائی بهترین نقشه عملی بود ولی بارها از ایشان شنیدم که از حسادت و رقابتهای سخت پارتیهائی که در مجلس موجود بودند مذمت بسیار کرده و اصلاح منقصة را یکی از اسباب عمده پیشرفت ترقی امور میدانستند ولی هرگز این نکته متفکر نشدند که تا چه درجه در احداث و تشکیل آن تناقص خودشان مسئول بوده اند *

در زمانیکه بخیال قبضه کردن زمام مهابت نیابت سلطنت بایران مراجعت می نمودند چون بفرین رسیدند این خیال که شکار قتل سیاسی خواهند شد بجدی قوت گرفت که وقتیکه برای مختصر استراحتی در یکی از منازل و مهمانخانههای بین راه از کالسکه پیاده میشدند طمانجه مسلسل «موزری» با خود داشته و شاید بکلی از طریقه استعمالش

هم واقف نبودند *

همین که زمام اختیارات شغل خود را بدست آورده لوایح عهده مجلس فرستادند که اکثر آنها را خوب فکر کرده و بطرز عالمانه بیان نموده بودند در لوایح مزبوره صراحتاً اظهار داشته که اگر چه حکمت این فقره معلومشان نشده که از چه رو اختیارات نایب السلطنه را ابقدر محدود نموده که کویا فقط برای صرف نام میباشد ولی بحدودیکه قانون مشروطه بر ایشان معین و محدود کرده بود راضی و قانع بوده و هیچگونه افتداری را که مخالف اختیارات مزبوره باشد بکار نمی بردند بطور اطمینان و یقین میتوانم بگویم: در تمام مدتی که ایشان نایب السلطنه بوده معاهدات خود را صادقانه و وفادارانه باختتام رسانیدند هیچ محل شك و شبهه نیست که اگر بجای ایشان شخص دیگری به آن درجه قدرت و با آن احترام نفوذیکه ایشان داشتند می بود بسهولت تمام بیشتر از بکرته خود را فرمانفرمای مستقل آن مملکت میساخت در ماههای اوائل قیام در طهران ایشان بظنان و نمود کردند که مانند نشان در ایران مناسب نیست زیرا که مخالفینشان خیال ضدیت و مخالفت با ایشان را دارند و با آن حال ممکن نبود که کار را بتوانند انجام دهند و بهتر آن می بود که بایشان اجازه داده شود تا به «ارویا» رفته و حقیقت معاملات را بدولت بفهاند ولی پرواضح بود که آن حرکتشان اثر بسیار مضرى بحالت آنوقت مملکت داشت اگر چه در هنگام حرکت من ایشان در طهران بودند ولی ناهشت ماه بعد متوالیا اصرار می کردند که اجازه رفتن بایشان داده شود بعضی اوقات بجدی اصرارشان سخت می شد که چند جلسه اسوسناک و مضحك بین ایشان و بعضی از اعضاء کابینه واقع شد: - عده از وکلاء را بهارت خود طلبیده و پس از ساعتها موعظه و نطق در عدم قابلیت و فصول آنها راجع بحل مسائل غامضه ایران اظهار داشتند که اراده رفتن به «ارویا» دارند *

نایب السلطنه در او آخر سپتامبر (اوایل شوال ۱۳۲۹) قبل از آنکه سالارالدوله از یغرم خان و بختیار پاشا شکست بخورد چند نفر از وکلاء را خصوصاً از حزب «دیوکرات» در عمارت نیلاقی خود در چالبرز که واقع در خارج طهرانست طلبیده و پس از قدری مذاکرات و گفتگوهای «تباتر» نما نکبهای سینه خود را باز نموده و به آواز بلند اظهار داشتند که «چرا مرا نمی کشید من خود مرا خواهم کشت» حضار چنان پنداشتند که ایشان میخواهند از آن محل خارج شده و طیانجه بیاورند ایشان را گرفته و از آن خیال باز داشته تا آنکه آرام گرفتند در موقع دیگر در همان ماه چند نفر از وکلاء را ساعت ده

شب در منزل خود در عمارت کلاستان طهران طلبیدند پس از ورود و کلاه شروع بشکایت سختی نمودند از «آرنیکل» (لایحه) که «روسی اسلوی» روزنامه نیم رسمی روس بایشان اعتراض نموده و اشاعه داده بود والا حضرت اظهار داشتند که آن دروغها را «دیوکرات» ها بایشان نسبت داده اند سلیمان میرزا «لیدر» (غایبده) دیوکراتهای مجلس که حاضر بود نوشته از جیب خود بیرون آورده و گفت رأی دیوکراتها در باره نایب السلطنه در آن مندرج و آن «آرنیکل» مشکی عنه را آنها نوشته اند نایب السلطنه گفتند «این نوشته کافی نیست باید علناً اعتراف کنید که آنچه در (روسی اسلوی) نوشته شده دروغست» سلیمان میرزا جواب داد «هرگز من این تکذیب را نخواهم کرد این (تکذیب) کاری نیست دیوکراتها میکنند» نایب السلطنه از آن جواب از حال طبیعی خارج شده و با دست سینه خود را کوبیده و میگفتند «شما ها می خواهید مرا بکشید پس چرا نمی کشید من امشب از اینجا خواهم رفت» پس از دو ساعت ارا بگونه بر ایشان کوبیدها که همه نوکرها و سر بازها از بیرون اطاق مشاهده بکردند نایب السلطنه منشی خود را طلبیده و مسوده استعفاى خود را نوشته و در آخر آن ورقه ایجمله را اضافه نمودند: -

«باین جهت استعفا میکنم که دیوکراتها برخلاف من بوده و از من نفرت دارند» پس از آن بمحاضرین فرمودند که «تمام شما ضلالت و امضا نمائید که کسی متعرض من نشده تا از این مملکت خارج شوم چون وکلاء و وزراء حاضر از آن کار انکار نمودند نایب السلطنه برخوابته که از آنخل خارج شوند و کالسکی خود را به آواز بلند طلبیدند ولی مردم ایشان را نگاه داشته و مراجعتشان دادند ساعت سه بعد از نصف شب یعنی پس از پنج ساعت از آنگونه حرکات و رفتار جنون آمیز مجمع مزبور منتشر شد *

بعقیده من انتخاب ناصر الملک برای نیابت سلطنت مناسب نبود حالت ملت ایران شخصی را برای نگاهداری سکان مملکت لازم داشت که تند و با قدرت و نفوذ و عادل باشد اگر چه در کمال لیافت و قابلیت ایشان حرفی نمی رود ولی چندان قوت قلب و در بعضی موارد انصاف هم نداشتند بواسطه خود بسندی هیچ چیزی را بغض نمی آورند مگر آنچه تعلق بشخص خود با احتراماتشان داشت شکایت ایشان از مجلس و وزراء این بود که آنها میخواهند والا حضرت را شریک سیاسیات کنند و حال آنکه خیال خودشان این بود که وجود نایب السلطنه مثل پادشاه انگلستان در نزد عموم ملت مقدس و منزوم و محترم میباشد نتیجه خیال مزبور این شد که ایشان بیشتر از همه چیز در فکر - لامتی

شخصی و آسایش قلب خود بوده و ابتدا اعتنائی بانجام گرفتن کارهای مشکل و پیچیده که مسئولیت آن را بعهده خود گرفته نداشتند *

هیئت کابینه و ما مورین طبقهٔ اعلاى قوهٔ مجریه که در زمان توقف در ایران با آنها مصادف کردیم باستثنای قلیلی اثر خوبی بر من ظاهر نمودند بسیاری از ایشان مردمان تربیت یافته کامل و بسیار زیرک بودند ولی عموماً دارای عیوب خود پسندی و مغرضی و فقط در فکر جلب منافع شخصی بودند اگر باین میزان بسیاری از ما مورین دول دیگر را بسنجیم ایشانهم عاری از این نقایص نخواهند بود در طبقهٔ حکام پول ذخیره نمودن و خدمات دولتی خود را بهانه فرار دادن بیش از اندازه معمول بوده و شایع داشت اشخاص مزبور به بیشتر از طبقهٔ اسراء انتخاب میشدند الحق طبقهٔ اسراء ناخلفی بودند نه خودشان بجلوگیری از بیدبختی و انقلاب در امور دولتی اقتدار داشتند و نه راضی میشدند که دیگری بدان اسراف اقدام نماید باین تصور که مبادا ضرر موهومی بخود یا بدوستانشان وارد بیاید *

اما وکلاء مجلس ایران از قسم دیگر بودند معدودی از ایشان از طبقهٔ بزرگان و اعیان متمول بوده ولی آنها هم بکلیهٔ وکلاء از حیث جنسیت و سنخیت نزدیک بودند بسیاری از ایشان قانون و طب خوانده و عدهٔ قلیلی از مشایخ و مستخدمین طبقهٔ ادنی و عده هم مالا بودند بهر حال و هر چه بودند علی الظاهر این اسراء احساس نموده بودند که انتخاب و تعیین ایشان بوکالت برای عمومی شده نه فقط بصرف سفارش و توسط باین جهت خود را حافظ حقوق هموطنان خود میدانستند عقیدهٔ صریح و صاف ایشان این بود که در کشمکش تشکیل قسمی از دولت مشروطه خود را مسئول خبر و شر و سعادت و شقاوت شرف و افتخار ایرانیان میدانستند *

اگر چه رایبهای مختلفه در بارهٔ مجلس و مجلسیان داده شده و نیاز داده خواهد شد و دولتمن روس و انگلیس اظهار می نمایند که آن هیئت بسیار بی تجربه و نا قابل میباشد ولی شك نیست که بعضی اوقات هم دلیل صحیحی راجع بشکایت خود در دست داشته که چشم حقارت نظر مجلس می نمودند نمایندگان پلتیکی ایشان در طهران مکرر این ننگه را ملتفت شده و احساس مینمودند که چنانچه در زمان سلاطین سلف چیزی آهسته بگوش یکی از ادماء متملق و متقلب در باری گفته و بدان وسیله مقاصد خود را اجراء نموده بدان مشابه آسان نخواهد بود که يك هیئت هشاد نفره نمایندگان منتخبه را تحکم بانهند نمایند *

عقیدهٔ شخص من این است که هیچگاه در توارخ عالم دیده نشده که ملتی مانند ایرانیان دفعهٔ و بدمقدمه طرفهٔ سلطنت استبدادی را بر وجه حکومت مشروطه (حکومت انتخابی) تبدیل کرده و هم باعلی درجهٔ معیار لیاقت سیاسی و علم اجراء قوانین را ابراز نموده باشند هیچ شخص عاقلی امکان هیچ جنبشی را نمیتواند تصور نموده و چنین قابلیت را از آنها توقع داشته باشد اعضأ مجلس اول برای بقأ خود از هانروز که «پارلمان» تشکیل گردید مجبور بدفاع شدند کککش بی تناسب ایشان با محمد علی شاه و دول اجنبیه که بزرگترین معاون او بودند وقتی خاتمه یافت که کنترل لیاخت با قزاقهاش مجلس را بیچاره نمود و مجالی برای تصفیه و اصلاح امور معظم قانونی نیاتمه و هیچ امیدوار نبودند که تدابیرشان بوقع اجراء گذارده شده و نتیجه از اقداماتشان بروز نماید *

اعضای مجلس ثانی که تمام آنها را شخصاً می شناختم بدون شبهه نسبت بی لیاقتی و ناقابلی در صورتی میتوان به آنها داد که معیار علم و تجربه آنان را با لیاقت و کفایت مبعوثان «پارلمان» انگلیس یا (کنگره) امریکا بسنجیم این امر خالی از غرابت نخواهد بود که حکومتی که بکلی جدید و بی تجربه بوده آنهم در مملکتی که ملوک از خرابی فرنا باشد بایندرجه مقتدر شود که از اول کارهای خود را مانند دول دیگر که بجز به نسلم بلکه فرهای عدیده داشتند انجام دهد رعایت فقدان علم فنی را هم باید نمود زیرا که البته يك نکته مهم همین است انجمن حقیقهٔ انعکاس خیالات و امیدواریهایی جدید محققانه عدالتخواهانه ملت ایران بود قابلیت اعضأ آن از حیث تربیت و تحصیل از درجهٔ وسطی بیشتر بود بعضی از ایشان لیاقت مخصوص و جرأت قابل تمجیدی ابراز نمودند تقریباً خیال و عقیده همه ایشان این بود که نجات مملکتشان موقوف بکوششهای خودشان بوده و سعی می نمودند که دولت مشروطه را بر بنیاد محکم پایداری استوار نمایند و فقط بهمین وسائل میتوانند امنیت و عمران و ترفیهٔ عمومی را عود داده و از فروش ممالک خود با جانب و مخصوصاً از تعديت پلتیکی روس و انگلیس جلوگیری نمایند وکلاء مجلس ثانی باسئنهٔ قلیلی صادقانه فریفتهٔ همین مقصد بوده و هر تدبیر و نقشه که برای محافظت وطنشان بایشان تقدم می شد باطیب خاطر تمام آن را استقبال میکردند اگر چه علم صحیحی در بارهٔ ترتیب امور مالیاتی نداشتند ولی اهمیت موقع را بخوبی احساس کرده و مائل بودند که اعتماد کلی خود را بمستشاران بیگانه اظهار نموده و ضمناً هم از ایشان خائف بودند مگر در صورتیکه مستشاران برای دفاع (آثر يك) و تغلیت پلتیکی خود را حاضر

نموده و بجهت سعادت و پیروی ایران کار کنند *

هر پارلمانبرای که اهل مملکت حامی آن باشند نمیتوان ناقابل گفت بشرطیکه اهالی آن مملکتهم حدود خود را شناخته و اعضاء آن پارلمان هم برای حفظ شرافت و حقوق شاهنشاهی بیجانفشاری راضی باشند *

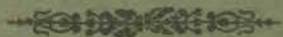
در کارخانه دولتی اگر مانعی برخلاف آمال ارتجاعی جمعی از امراء و صاحبمنصبان کابینه و بر ضد تقلباتیکه در اغلب ما مورین دولتی از هر طبقه دیده میشد وجود داشت فقط همانجلس بود تا زمانییکه مجلس باقی و دائر بود این مسئله بر همه کس مکشوف بود که هبیتی حاضر می باشند که اهالی ایران را از ارتجاع و تقلبات فاحش و خیانت با حقوق شخصی و پلتیکی که به آنها راه یافته محافظت نمایند مجلس حاضر بود که از اعضاء اداره که متدین و قابل ترقی باشند حمایت کنند زمانیکه هبیت مزبور بواسطه اغراض دول اجنبیه منتشر و متفرق گردید آخرین امیدواری دولت متدین یا مشروطه ایران مفقود شد ملت ایران از آن ضرب دستی که مجلس را خاموش کردانید راضی نبودند زیرا میدانستند که حقوق و ولایت مستقبل ایشان محو خواهد شد *

مجلس در انجام دادن امور و وظائف تکلیفیه خود کمال چستی و کفایت را بظهور رسانید و اگر هم در بعضی مواقع در امری اظهار طرفداری مینمود چندان بی راه نبود زیرا که مجالس قانونی سابقه هم از این گونه نواقص و آلابشات مبرا و پاک نبودند *

اگر چه مجلس ایران چنانچه باید و شاید پلتیکی و سیاسی کامل نبود ولی در حقیقت بیشتر از سایر ملل بهترین امیدوار بهای ایرانیان را که در هیچ زمانی در آن مملکت وجود نداشت ابراز نمود مجلس با آن موانع و اشکالاتی که ترقی و پیشرفت حکومت مشروطه را احاطه نموده بود تا درجه امکان مقاومت و دفاع نمود همین دلائل درجه بی تجربگی و ناقابل ایشان را بطور کافی واضح می نماید دولتین روس و انگلیس بی در پی بوزیر مختار های طهران خود تعلیقات و دستور العملها میدادند که فلان امتیاز را مطالبه و درخواست کرده و از دادن فلان انحصار مانع شوید غافل از آنکه زمانیکه اختیار مال و جان و فوائد دوازده میلیون نفوس بکلی در قبضه اقتدار یک نفر مستبد بود که بسهولت هر چه تمامتر مشارالیه را تهدید نموده و با بطیب رشوت او را می قبولانند گذشت و آن درجه سهولت قدیمه نسبت بمعاملات با و کلاه پارلمانیکه از طرف عموم ملت منتخب شده و نظارت راههای آهن و معادن و سایر امتیازات را در قبضه تصرف خود دارند در این زمان در کار

و میسر نخواهد بود بعبارة اخری مجلس برای پیشرفت مقاصد و اغراض مخفی آن دو دولت ولو هر چه باشد مانع حقیقی واقعه شده بود و بهینجهت بود که دولتین متوالیا اظهار شکایت می نمودند که « متافعشان » در ایران در معرض خطر است *

بیان کردن خصوصیات اهل ایران چنانچه شاید قدری مشکل است عده کثیری از نفوس اهل آن مملکت که مشتمل بر زراع و دهاقین و ایلات اند بیشترشان از حلیه علم عاری میباشند ولی در مقابل هزارها از اهالی ایران در ممالک متمدنه تربیت یافته و تحصیل نموده و پس از اتمام تحصیلات در مملکت خود نیز سیاحت کامل کرده بودند ایرانیان عموماً مهربان و مهمان دوست بوده و ملل اجنبیه را بسیار احترام میکنند اکثر طبقات متمولین زبان فرانسه را تحصیل کرده و برخی از ایشان بانگلیسی نیز تکلم می نمودند عموماً با اقلاً بعضی از آنها نیکه حامی و طرفدار ملت بودند لیاقت و قابلیت خود را در اتخاذ تمدن و خیالات مغرب زمینیان ثابت و مدلل داشتند و با وجود موانع و اشکالات خارج از حد و حصر توانستند سلطنت استبدادی را بحکومت دیموکراسی تبدیل نمایند موانع مزبوره بدرجه تصفیه و اصلاح شده بود که هر شخص با لیاقتی از هر طبقه که باشد میتواندست اعلی ترین خدمات دولتی را اشغال نماید ایرانیان در ظرف مدت این پنجسال از حیث ملیت شوق عدیمه نظیری برای تحصیل ابراز کردند در دوره مشروطه صد ها مدرسه تشکیل کرده شد گویا مطایع و جرائد بسیار آزاد در ظرف یکشب از هر گوشه و کنار بظهور آمده و مدیران جری و مضمون نویسان بی خوف و بی باک ظاهر شدند که مظالم و بی انصافی و سرزنشهای خارجی و داخلی را از مملکت خود دور نموده و بر اندازند ایرانیان آرزو و تمنای بسیار داشتند که کلیه قوانین سیاسی و اخلاقی و معاملاتی ملل ترقی یافته و تربیت شده عصر حاضر را قبول کنند شراره از همین آتش ناشکیبائی و بی تحلی که در ایرانیان مشتعل شد بهندوستان سرایت کرده و جنبش و اقدامات « ژون ترک » (عثمانیان) را بروی کار آورده و در همین اواخر بلباس جمهوریت در چین جلوه نمود مشرق زمینیان بیدار شده اند ولی افسوس که ایرانیان بدبختانه در بیدار شدند مجاهدات و مساعی آنها را که بطرف نور آزادی و حریت و سعادت ابدی پیش میرفت دولتی مانع شد که قدرت خود آندولت در راه ظلمتست *



* باب دهم *

(۱)

میدان دیپلوماسی ۱۹۱۱ اروپا مسلک انگلیس و روس معاهده پوتسدام اتحاد سوری روس و آلمان ایقت و قابلیت ایران از حیث قوای جنگی اعتراضات سر ادوارد گری بجزانه دار معاهده انگلیس و روس *

از ابتداء تحریب و انهدام مجاس ندای بر کشته شمر صرفی (که برای نجات و استخلاص از تعاقب سر خود را در شن و ماسه پنهان میکنند) در ایران شکل تازه نو ظهوری پیدا کرد علی الظاهر روس و انگلیس خواستند سلطنت سوری در ایران تشکیل داده تا از اتفاقاً آنکه در آن مملکت بدبخت واقع میشود در انتظار اهل عالم بری الذمه و بی تقصیر باشند چنانچه بیست و یکم مارس ۱۹۱۲ (اول ربیع الثانی ۱۳۳۰) لائحہ ذیل از طهران بامضاء نوروژ در روز امه «نیرایست» (مشرق اقصی) درج شده بود :- دولتین بواسطه باقی گذاردن فقط اسم سلطنتی در ایران میخواهند خودشان را از هر گونه مسئولیتی رهایی داده و بری الذمه گردانند ولی وقتیکه بتشکیل همچو سلطنتی نائل و کامیاب شدند آن سلطنت را مفلوج می نمایند *

عقیده شخصی من این است که دولتین (یعنی انگلیس و روس) مطمئن می باشند که از مسئولیت هر قسم وقایع و انقلابات ایران نجات یافته بخت و تعرضی بر ایشان نخواهد بود ولی اهل عالم زمانه دراز نیست که از طرح این مسلک بخوبی آگاه و مطلع شده اند به آن وقایعیکه راجع بغارت گری بین المللی است اگر بحیله و مکرهای خالص خود هر قسم لباس رسمی پوشانند در انتظار منعمتین مخفی نمانده و مشتبه نخواهد گردید حقیقت امر اینست که دولتین انگلیس و روس در این قرون وسطی یکدمت نرد دیپلوماسی با هم باحتند ولی هنوز سرگذشت «لا پرنس» (Le Prince) (تصنیف

(۱) بیان آرائیکه در این باب ذکر شده متعلق بحالات سیاسی سی ام اپریل ۱۹۱۲

(دوازدهم جمادی الاولی ۱۳۴۰) می باشد *

مکیاویلی ایتالیائی (M. Mecal Vellie) مترجم) کتاب درسی ایشان است (۲) لکن ایشان نمیتوانند کسی را فریب دهند حتی آن ایرانیهای را که آله دست خود قرار داده و بنزله یهودای اسفربوطی بوده و آن سلطنت را تشکیل کرده و روبل و احکام روسی را قبول می کنند آنها را هم نمیتوانند گول بزنند (۳) *

این مسئله محل تردید و شبهه است که عموم انگلیسان گول خورده باشند ولی چیزیکه معین و واضح میباشد این است که از سکوت حیرت انگیز سر ادوارد گری قدری خسته شده اند هر وقت یکی از وکلاء پارلمان خالی الذهن و بدون مقدمه توضیحی راجع بحركات روس یا مسلک انگلیس در ایران میخواست همیشه جواب ایشان منحصر بهمین چند کلمه بود «موقع دقیق و خطرناک» یا «اقدامات جاری است» خواه معترض و سائل از حزب «لیبرال» (آزادی خواه) باشد یا از فرقه «یونی نیست» (اتحادیون) سر ادوارد گری در این پنج سال اخیر این لباس را بقدری استعمال نموده که تار و پودش نمایان گردیده است (۳) معلوم نیست ملت انگلیس تا کی اجازه داده و راضی میشوند که امور خارجه آنها باین درجه درهم و برهم باشد و اگر مسائل مشکله داخلی با تقدیر و توقعات کابینه «لیبرال» حاله پیچیده نشده بود شاید جواب آن سنوالات تا بحال بسهولت تمام داده میشد اگر درباره استقلال و اقتدار وزارت خارجه سر ادوارد گری یا فتوحات دیپلوماتیش که از دو سال قبل در ظل حمایت مسلک خارجی حکومت «لیبرال» نائل شده رأی عمومی گرفته شود نتیجه بسیار مطلوب و پسندیده بدست

(۱) ذکر سرگذشت لا پرنس در این جا کبابه از این است که هنوز بسلسلهای فریب دهنده پوسیده و مندرس متوسل می باشند - مترجم *

(۲) یهودای اسفربوطی یکی از حواریین حضرت عیسی بود که خود را خالصانه از پیروان و ایمان آورندگان به آن حضرت جلوه داده و از همه بیشتر اظهار خلوص و عقیده نسبت بمسیح می نمود ولی چون ورق کار برگشته و بنی اسرائیلیان در صدد ابداء و قتل آنحضرت برآمدند اول کسیکه تبرا و اعراض نمود همان یهودا بود - مترجم *

(۳) یعنی تا حدی این مسلک خود را دنبال نموده و استمرار داد که فساد آن بر همه کس واضح و روشن گردید - مترجم *

خواهد آمد (۱) چقدر مناسب خواهد بود که نتیجه آن رأی عمومی از خود حزب «لیبرال» سؤال شود *

در ناپستان گذشته روس سونوشت و مقدرات آتیه ایران را بکلی خاتمه داد بجران اروپائی را که از دیر زمانی اهل عالم منتظرش بودند گویا آتوق رسیده و آن خرس افتدار کاملی در آسیا حاصل نمود آیا کدام امر بود که آن کشمکش «اروپا» را بدرجه سرعت داده که بکلی «آسیا» از خاطر شان محو گردید؟ *

باید این سؤال را از «آدمرال» (امیر البحر) می نمود که فرمانده دستجات جهازات المانی در دریای شمال اطراف سواحل «اسکانلند» بود در موقعیکه یکروز صبح در ماه سپتامبر کشتی میراند که جهاز «کرور» (کشتی فراول) انگلیسی «دریدنات» های المانرا غفلت کشف نمود در هنگامی که جهازات مزبور موافق فواید و فنون نظامی صف ارفائی نموده و «تریبل» های (کشتی های کوچک جهاز شکن) پیش فراول پیشاپیش حرکت و سیر نموده و مستعد مقابله با خصم بودند *

یا از آندو نفر صاحب منصب طبقه اعلاى بحری انگلیس باید سؤال شود که بواسطه گم نمودن چند ساعت رد و خط سیر جهازات المانرا از خدمت خود منفصل شده و بکلی دستشان از کار کوتاه گردید *

از امیر اطور روس باید سؤال شود که آیا در «پوتسدام» وعده نکرد که معاهده بین خود و انگلیس را توجیه و تفسیر نموده و در صورت وقوع جنگی بین المان و انگلیس ملزم خواهد بود که هیچگونه اقدامی بر خلاف المان ننماید *

سئوالات مزبوره اگر مطابق صدق و عدالت جواب داده شود علت غائی حمله ناکهانی که کابینه روس در پاییز گذشته بایران نمود واضح و معلوم خواهد شد ان اقوال و معاذیر بیگانه که ایران نسبت بصاحب منصبان قونسلفانه روس توهمین نموده یا استخدام یکتفر رعیت انگلیس را که اهم از طرف خزانه دار ایران مأمور وصول مالیه تبریز شده بود مستمسک و بهانه بجهت پیش کشیدن مسلك ظالمانه و وحشیانه روس در ایران

(۱) مراد از رأی عمومی این است که هر وقت مسئله متنازع فیهور در پارلمان با کثرت تصفیه و تقبیح نشود یعنی هر دو فریق متنازعین از حیث عددمساوی با هم باشند بتوسط اوراق از طرفداران و پیروان آن دو حزب رای گرفته و قانون تابع همان اکثریت رای عمومی خواهد بود — مترجم *

تردید ظاهر و آشکار است بیان واقع و حقیقت اقدامات جايرانه و محیلاتنه که مأمورین روس بر خلاف استقلال سلطنت شاهنشاهی و دولت مشروطه ایران از زمان خلع محمد علی در سال ۱۹۰۹ مرتکب شده اند در چندین مجلد کتاب کما هو حقه نخواهد گنجید *

فقدان تدبیر صاحب منصب کدام دوائی از کدام زمان باو حق و اجازه داده است که هیجده هزار نفر قشون در مملکت دوستی وارد نموده و رعایای صلح جوی آن مملکت را زجر و قتل عام کرده و آنخاص بی طرف غیر جنگی را چه بدار کشیده و گلوله ریز نموده و چه بتوب بستنه و بظلم و جور اصول و اساسه منظم سلطنت شاهنشاهی ملت دوست خود را منهدم و نابود گرداند * مجلس صلح عمومی «لاغه» که خود اعلیحضرت امیر اطور تمام روسیه علی الظاهر آن را ایجاد و تکمیل نموده و تقویت داده آیا تصدیق خواهد نمود که آنسلك و وضع رفتار مطابق قوانین بین المللی یا موافق حقیقت عدل و انسانیست * آیا دیگر هیچ دولتی که فی الجمله شرف خود را دوست داشته باشد با دوائی مثل دولت روس طرف معاهده و معامله واقع شده و یا بشرکت در مجلس دعوت همچو دولتی راضی خواهد شد؟ *

زحمات و اشکالاتی که در این پنجمسال اخیر بسببسیاسات انگلیس مصادف شده بواسطه اینست که مدبر سیاسی دانی برای اصلاحات در آن مملکت موجود نبود سر ادوارد گری شخصاً از خانواده خوب و متواضع تربیت یافته و عالم میباشد مشارالیه وزیر خارجه لایق و مناسبست لکن برای مملکت سوئیس با بلجیک شاید هم برای مملکت (روری تانیای آنتونی هوب) (Anthony hopes ruritania) مناسب باشد ولی وزارت مملکت انگلستان که منافع و اغراضش از او با تجاوز نموده امر دیگری مافوق آنست و از حدود قوه شخصي ایالتی یعنی کسیکه تربیت یافته ایالات انگلستان باشد خارج است انهم در صورتیکه بزرگترین مسافرت بحرش تا منتهی الیه ابنای (تنگه دریائی) انگلیس بوده و بهترین افعال و اقداماتش در آن مدت دراز خدمات عمویش صید ماهی انهم از خشکی و کناره می باشد در صورتیکه نصف بیشتر سلطنت و مستملکات انگلیس در «آسیا» واقع است هیچیک از حامیان عالی ایشان هرگز تهمت و افترای خیالات و تصورات مشرقی را بمشارالیه زده است *

از زمانیکه اتحاد انگلیس و فرانسه بسعی و کوشش لرد لانزدان (Lord Lansdowne) در سنه ۱۹۰۵ تکمیل یافت در مسلك خارجه دولت انگلیس تغییرات بسیار راه یافت

حقیقت عقیده ان مدبر معروف ان بود که انگلستان باید از ان حالت انفراد مشعشع خود خارج شده و در جرگه سیاسیات سائر دول اروپا داخل شود. پروگرام حیرت انگیز المان هم در تعمیر جہازات و تکمیل قوای بحری شاید همین نقطه نظر داشته باشد *

از زمانیکه حکومت لیبرالی در انگلستان اکثریت پیدا نمود دولت انگلیس دوچار مواقع دیپلماتی پیچیده خارجی در «اروپا» و «اسیا» گردید در موقعیکه جنگ روس و ژاپون دولت روس را بدون شبهه ضعیف نموده و برای ساختن جہازات جنگی و ترقی دادن صنایع و تعمیر راههای امن خود بول لازم داشت و فرانسه هم در پیشقدمی (باستقراض) نداری سستی و تردید داشت. مدبر روشن ضمیری پیدا شده و رأی داد که اگر دولت انگلیش از روس تقویت نموده و سرمایه های لندن را در پطر سربک بریزد مسلک خوبی خواهد بود. چرا باین جهت که قوای دولت المان روبه تریزید گذارده و اتحاد انگلیس و فرانسه هم مانع کافی برای جلوگیری از طمع و مخالفت المان تصور نمیشد قوای روس که بواسطه جنگ ضعیف شده و اتحاد با اندولت برای انگلستان در شمال المان همان نتیجه را می بخشید که از اتحاد با فرانسه در جنوب متصور بود این بود نقشه کار و طرح خیالات مدبر مشارالیه و بعضیها گفته اند که اتحاد مزبور برای محدود و محصور ساختن آلمان بوده است ولی شاید خود المان هم این نکته را ملتفت شده و احساس نموده باشد *

موقع بهانه برای اجراء آن نقشه رسیده و در آسیا هم معاملات انگلیس و روس تصفیه لازم داشت. نتیجه همان معاهده انگلیس و روس شد که در سبتمبر ۱۹۰۷ انعقاد یافت. سرادوار گری امیدوار بود که بوسیله انعقاد معاهده مزبور ناموری و افتخار جانشینی لنزدان را برای خود برقرار بدارد. چنانچه رایج و معمول است از بودن اغراض مخفی در مواد ان معاهده انکار نمود. شاید هم حقیقتاً غرضی در بین نبوده است *

آیا معاهده مزبور مسائل مختلف فیهی را که در آن قسمت آسیا بین انگلیس و روس محل بحث بود تصفیه نمود؟ بله! ولی نه از برای مدت مدیدی *

زمانیکه آن اتفاق مثلث (اتحاد ثلاثه) در شرق تشکیل بود آلمانها بکلی خواب نبوده و احساس نمودند که آن هیجان و جوش و خروش حیرت انگیز سیاسی انگلیسها خاصه در «اروپا» ارتباط و تناسب تامی با ایشان داشته. یعنی مرکز خطر آنها المان بوده است. آلمانها میل مفراط و دلچسپی تامی بقسمت آسیای عثمانی دارند. در سنوات

ماضیه يك نفر «دیپلمات» المانی بسیار با هوش و زیرکی در قسطنطنیه بود که اسمش بارون مارشال فان بیبرستین (Baron Marschall Von Bieberstein) بود. مشارالیه کوشش بسیاری برای تحصیل امتیاز راه آهن بغداد بجهت المان نمود (۱) اهل عالم عنقریب ملتفت خواهند شد که قصد او تعلق تامی داشته است با تغییراتی که حتی در «داردانلوز» واقع خواهد شد. ادمیرال شستر (Admiral Chester) و شترکانش سعی بودند که امتیاز راه آهنی در مملکت عثمانی برای امریکا تحصیل کنند و شاید هم با فان بیبرستین مصادف شده باشند. نفوذ انگلیس تا چند سال قبل در قسطنطنیه بر سایرین غلبه داشت ولی اکنون چندان قابل اعتنا نمیباشد و نفوذ المان تمام ممالک عثمانی را احاطه نموده است. عقیده خود عثمانیها اینست که آلمانها نه در حالت انحطاط و نزول بوده و نه از دولتی واهمه دارند *

بهر حال المان در مشرق وسطی شروع با اقدامات و عملیات نموده بود که در پاییز ۱۹۱۰ امیر اطور روس در «پوتسدام» با امیر اطور المان ملاقات کرده و معاهده «پوتسدام» نتیجه آن ملاقات گردید. معاهده مزبور به کلی معاهده بی ضرری بود چنانچه از نوشتجاتی که بعنوان عبارات مختلفه رسماً برای اشاعه بچراغ داده شده بود همه کس میتواند بخوبی نتیجه ان معاهده را ملتفت شده و استنباط نماید. آیات نکات و اغراض سری در ضمن معاهده مزبور یا بعضی مواد ان مستور است^۲ خیر! ما میدانیم غرض مخفی در کار نیست زیرا که وزارت های خارجه روس و آلمان بعموم مردم همین قسم وانمود کرده و سرادوار گری نیز ب همین مضمون بیارلمان انگلیس اطلاع داده است *

اگرچه از ابتداء استوار کلی در مواد ان عهد نامه بکار برده شده ولی چنین احتمال میرود که حقیقت آن قبل از وقت بر همه کس واضح و مکشوف شده باشد *

چهاردهم ژانویه ۱۹۱۱ (دوازدهم محرم ۱۳۲۹) بارون مارشال فان بیبرستین بدولت عثمانی اظهار داشت که معاهده و معاملات روس و المان فقط زاجع بکشیدن راه آهن ایران و اتصال ان براه آهنهای خود می باشد *

موادیکه روی هم رفته و متفق العموم از معاهده مذکوره استنباط میشود بر حسب ذیل است :-

(۱) در بعضی از جرائد غیر رسمی شهرت نموده بود که ان دیپلمات معروف در زمانی وزیر مختار (سفیر کبیر) المان در لندن بوده است *

اولاً هر يك از دولتین آلمان و روس متعهد میشوند که از اتحاد با هر دولتی که اراده پیشقدمی و حمله نسبت بدیگری داشته باشد اجتناب نمایند (۱) *

ثانیاً آلمان اعتراف نموده و تسلیم دارد که ایالات شمالی ایران داخل در منطقه نفوذ روس است و تصدیق میکنند که دولت روس حق دارد جمیع امتیازات راه آهنهای که دولت ایران در آن حدود بمشاور الیه وعده داده مطالبه نماید *

ثالثاً سرمایه المانی در شمال ایران بعنوان حمایت از مسلك روس بصرف خواهد رسید برای کشیدن خط راه آهن از طهران تا خاتقین سرحد ایران و عثمانی سهمی از سرمایه آلمان و قسمتی از سرمایه روس بکار برده خواهد شد ولی در تحت نظارت صاحب امتیاز روسی *

رابعاً روس اعتراف و تسلیم می نماید فوائد تجارتي آلمان را در شمال ایران وضانت میکند باقی و برقرار داشتن مسلك « بلا مانع بیطرفانه » در منطقه نفوذ خود *

خامساً روس تسلیم دارد امتیاز آلمان را که در امتیاز راه آهن بغداد بمشاور الیه داده شده است و ملتزم میشود معاونت سیاسی خود را بدولت آلمان در آن قبیل کارها *

سادساً آلمان به تنهایی يك خط راه آهن از بغداد تا خاتقین سرحد ایران احداث خواهد نمود که خط بغداد را بخط خاتقین و طهران روس و آلمان و بخطوط دیگر در شمال ایران که اتباع روس کشیده باشند اتصال خواهد داد *

و انتظام بعضی مسائل دیگر راجع بتعریف حمل و نقل مال التجاره از خط راه آهن بغداد و خطوطی که در شمال ایران بین دو این متعاهدین نقشه کشیده شده و خیال نموده اند آن معاهده را تکمیل می نمایند و نیز کشیدن خطوط مزبوره بانضمام تعیین نرخ کرایه و تعرفه حمل و نقل صادرات المانی در شمال ایران سهل و آسان خواهد گشت و از آن طرف هم راهی برای حمل و نقل امتعه روسی به آسیای صغیر و « مدیترانه » باز خواهد شد و وضانت برقرار داشتن (استاتس-تیک) حالت حاضر مشرق قریب برای رفع بدگمانی عثمانیها از نتیجه آخری و حقیقت معاهده مزبوره در آن معاهده نیز مندرج است *

غیر از سر ادوارد گری هیچکس باور نخواهد نمود که نکاتی که در آن عهدنامه مستتر است فقط منحصر بدین شروط باشد *

(۱) ایامی که از که پیشقدمی مستفاد میشود موافق مسلك و سلبقه پندیده

دیپلوماسی است *

بهر حال بسیاری از مواد آن عهد نامه دلالت واضح و آشکار دارد بر اینکه روس نمیتواند جزو اعضاء هئیت اتفاق مثلث بشود اگر چه هم بعضی اوقات شده باشد همان اتفاق مثلثی که در انگلستان سبب اصلی برائت ذمه انگلیسها از معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس شده بود *

همه میدانند مملکت روسیه خطه بسیار وسیعی است که يك بندر گاه ندارد که در زمستان باز باشد (یعنی تمام طرق بنادرش در زمستان بواسطه یخ مسدود میشود) از یکطرف تمام بنادر « بالتیک » وی منجمد است و از طرف دیگر « ولادیوستک » که در ساحل دریای ژاپون واقعست بوجوه مذکوره محاصل و مسلوب المنفعه می باشد در وسط مملکت هم بنادر یکی در سواحل دریای سیاه واقعست بموجب معاهده راجعه بین عبور جهازات جنگی از « داردانل » محدود و بسته است در موقعیکه روسها « برت آر نور » را گرفته بودند از این حیث فی الجمله سهولتی در امورشان واقع شده بود ولی بعد از آنکه ژاپونیا بندر مزبور را تسخیر نمودند روسها برای جبران اینکه نمیتوانند کشتیهای خودشان را در دریاهای گرم سیر داده و برای مدت مدیدی در سال کشتیهایشان بواسطه یخ محدود و محصور است دوباره مجبور شدند که بهر وسیله باشد يك یا چند بندر در جاهای دیگر برای خود دست و پا کنند تا در تمام سال بتوانند جهازات جنگی خود را در هر نقطه که بخواهند حرکت داده یا لنکر بیندازند *

در خلیج فارس بنادر خوب و متعدد میباشد و بعضی از آنها هم در منطقه نفوذ بیطرف واقع شده است و خود خلیج هم هیچگاه یخ نخواهد بست *

چندین سال است که دولت آلمان محرمانه روسها را تحریک و اغوا نموده که در مشرق وسطی پیشقدمی نمایند چنانچه اطریشرا به پیشقدمی در مشرق ادنی و فرانسه را هم در ساحل دریای « مدیترانه » به « افریقا » جری ساخت غرض آلمان همیشه این بوده که آنها را در نقاط مختلفه مشغول و سرگرم نماید یعنی هم افواج و قوای نظامی و هم مالیه شان را در حالیکه خودش بلا مانع و بلا رفیب ترقی نموده و بزرگترین دول « اروپا » گردید *

عقیده بعضیها این است که هنوز نقشه و مسلك سیاسی بیژمارک یا کمال قوت جاری و در کار است و در هر پیشقدمی که روسها در « آسیا » نموده آلمان حمایت سری به آنها کرده و خواهد کرد *

اگر فرض شود که در «کانفرانس» (Conference) (مجلس مشورت) «پوتسدام» اتفاق دوستانه مختصری مطابق مواد ذیل واقع شده باشد نتیجه چه خواهد بود :-
اولاً روس با وجود اثر میلان عام معنوی معاهده ۱۹۰۷ روس و انگلیس تعهد کرده باشد که در صورتیکه آلمان دوچار جنگ انگلیس شود هیچگاه اقدامیکه باعث پریشانی آلمان شود ننماید *

ثانیاً آلمان هم نفوذ و غلبه روس را در ایران (نه تنها در شمال ایران) تسلیم نموده معناً و حقیقاً و بطریق دیگر دولت روس را در اقداماتیکه بجهت پیشرفت وازدید اقدار خود می نماید حمایت کند *

ثالثاً دولتین متعاهدین تعهد و اتفاق نموده باشند در امتداد خط راه آهن بغداد تا خاتقین سرحد ایران و عثمانی و اتصال آن خط را بخط دیگری که آلمان از خاتقین تا همدان (در ایران) خواهد کشید و از آنجا بطرف جنوب تا خرم آباد رفته و از وادی کارون گذشته تا اهواز و محصره که معناً خلیج فارس باشد بود *

رابعاً روس تعهد کرده باشد که امتیازات لازمه فوق را از ایران بکیرد (۱) *
در صورتیکه مواد مزبوره فوق جز و فصول قرار داد و معاهده «سزی» «پوتسدام» باشد ایا برای دولت انگلیس مقرون بصرفه خواهد بود در ملاقات بسیار مطبوعی که بر حسب خواهش سر ادوارد گری در فوریه گذشته در لندن با مشارالیه نمودم همین سؤال را از او کرده ولی بدیهی است که نمیتوانم جواب از را در اینجا ذکر نمایم بخاطر میرسد مسافرت لرد هالدین (Lord Holdene) به «برلن» چند روز پس از تلافی «پوتسدام» شاید راجع به عین مذاکرات باشد *

اکنون مناسب است نتایج مشعشعی که از معاهده روس و انگلیس ناشی شده بنچیم امضاء معاهده مزبوره بلا فاصله پس از اتحاد انگلیس و فرانسه آلمان را پیدار و هوشیار گردانده و سبب معاهده «پوتسدام» شد آنقسمت از معاهده «پوتسدام» که راجع به انگلیس است جمیع فوائد معنوی را که سر ادوارد گری از معاهده با روس در نظر داشت معدوم گردانید و فوائد غیر متساویه و بی تناسب تقسیم ایران را بمنطقه های نفوذ برای روس باقی گذارد روس فی الحقیقه قسمت و حصه شیرینی «یعنی حصه

(۱) پس از خرابی و انفصال مجلس در بیست و چهارم دسامبر ۱۹۱۱ کسی حق ویش

و سؤال از اقدار و نفوذ روس نداشته و این مسئله محل شك و تردید نخواهد بود *

بیشتر و بسروار» را برد و از همه بدتر این است که روس اتحاد تازه نری با آلمان «که همین بکذوات در اروپا باقی بود که روسها از او ملاحظه داشتند» کرده است در عوض آلمان هم به آن مناسبت همراعی و مساعدت مخصوص دیگری را با روسها منعهد و متقبل شده است که حمایت از مسلک «پیشقدمی روس در آسیا نماید» آيا در این حمایت مانعی برای دولت آلمان خواهد بود دولت انگلیس از این اتحاد نه فقط پریشان شده بلکه بیعتناک هم خواهد شد معنیش اینست که خلیج فارس که لرد کرزن در سنه ۱۹۰۳ برای تجدید ان زحمات زیاد متحمل شد ازین بعد منحصر و محدود نخواهد بود یعنی از انحصار و اختصاص اولیه خارج میشود ارد معزی الیه در بیانات خود چنین میگوید :-

موقع ما «انگلیس» در خلیج فارس علاوه بر معاهداتی که کرده ایم مربوط بامور بستاری است موقع استقرار نفوذ و بقاء اقدار و نتیجه زحمات صد ساله گذشته و سرمایه که در اینجا صرف نموده ایم مقتضی بنای تجارت مسلمه و باغلو داشتن فوج بجزی در خلیج فارس و نیز نگاهداشتن غلبه سیاسی در اینجا لازم است علاوه بر همه اینها چون خلیج مزبور یکی از سرحدات بجزی هندوستان بشمار است محافظت استقلال امنیت هندوستان میباشد *

معنی معاهده «پوتسدام» باین جرأت این است که تکمیل راه آهن بغداد و امتدادش بداخله ایران راه آهن کوتاه یا راه مختصری خواهد بود از مشرق بالمان از این اقدامات واضح میشود که چگونه آدمیزاد «یعنی خرسی که مثل آدم راه میرود» هنوز هم بکشیدن

دائرة اطراف هند و بالاخره بکشیدن ریسان و حرکت دادن فنر اندام منومل است *

یکی از نتایج نسج پیچیده و درهم ان «اتربک» این شد که روس دولتیرا برای اتحاد با خود انتخاب نمود که انگلیس نتواند جلوگیری از باز شدن راه خلیج فارس نموده و یا

اینکه در این معامله اقدام بیعتی کند اگر تنها روس بجهت تحصیل بندر گاهی در این خلیج (باین منطقه بجزی انگلیس) حمله کرده بود شاید منجر بیعتی میشد ولی نقشه شرکت آلمان به بهانه امتیاز راه آهن ایران انگلیس را بی پشت و پناه گذارده و او را عاجز نمود مگر اینکه انگلیس بتواند در يك زمان با روس و «این خطر طیطوانی» (Tutanie)

یعنی آلمان آماده جنگ شود همین خیال است که عموم انگلستان را بمرض حمله وارتعاش اعصاب مبتلا نموده در این صورت «جان بول» (Gohn Bull) یعنی انگلیس جا دارد که از ناچاری ناله و فریاد کند که ای برادر بی شرف !! *

بواسطه دلچسپی و پسندیدگی عامه فقرات ذیل را از تحریرات دولت هند که بوزیر

هند در بیست و یکم سپتامبر ۱۸۹۹ «پانزدهم جمادی الاولی ۱۳۱۷» راجع بسلك انگلیس در ایران نوشته منتخب کرده و درج می نماید *

«شمله»: بیست و یکم سپتامبر ۱۸۹۹ خواهشمندم که جنابعالی را مخاطب ساخته و بتوسط جنابعالی دولت ملکه معظمه را از میزان روابط دولت بریتانیه با ایران ... *
 فقره پنجم: اغراض اقدامات نظامی بریتانیه اعظم در ایران بواسطه روابط و مناسباتیست که ایران با هندوستان دارد چندی قبل از آنکه حدود و ثغور هندوستان بدرجه حالیه توسعه یابد یا قبل از آنکه دولت روس در آسیای وسطی دولت بزرگ مقتدری شده و بنقاط عدیده سرحدی هندوستان نزدیک یا متصل گردد قسمتی از ایران «اگرچه در آنوقت ایران به هندوستان متصل نبود» باعث اشکال بزرگی برای دولت انگلیس در هند شده بود اوایل قرن حالیه «یعنی قرن نوزدهم» در زمانیکه طامع مملکت گیری فرانسه سبب اصلی خوف شده و میخواست بتوسط ایران رخنه یافتند انگلیس پیدا کند طرح تسخیر هند را ریخته بود این خیال از آنوقت متدرجاً و مکرراً بظهور پیوست اکنون که دولت بریتانیه اعظم حدود افغانستان تا صد ها میل با حدود ایران پهلو به پهلو میرود و باین ملاحظه که مملکت ایران تا صد ها میل به بلوچستان که در تحت محافظت انگلیس و تا درجه وسیعی نظم اموراتش بدست صاحب منصبان دولت هند است متصل می باشد و باین جهت که در یائیکه سواحل جنوبی ایران را می شوید دریایی است که هم بسبب نزدیکیش بدریای هند و هم بواسطه نتیجه کوششهای قرن گذشته اغراض و اثرات هند اهمیت و عظمت حاصل نموده است ظاهر میشود که ایران بملاحظه هند اهمیت نظامی حاصل کرده است این اهمیت در صورتی خطرناک نخواهد بود که فقط تصور منافع آن ملک را بکنیم لکن بدون شبهه هرگاه بخاطر می اوریم که ایران و افغانستان متصل می باشند به فشار روز افزون دولتیکه همیشه اغراض در آسیا مخالف با اغراض ما بوده بخاطر سفت و بزرگی در پیش خواهد بود و بهمین ملاحظه خلیج فارس دارد توجه ملل دیگر و باعتبار دیگر ملل همیشم و رقیب را جلب میکند *

آن فاتحین و ماهرین جنگ هندوستان که اکنون رسماً «یعنی عقیده و پیش بینها شان» مرده اند این پیش بینی و پیش گوئی را کرده و دولت خود را باین درجه متنبه ساخته اند ای کاش در قبرهای خود شان از تعبیراتی که سر ادوارد کری در ماه اوت گذشته بحسن خلقی تمام از مقام د معاهده روس و انگلیس کرده متذکران نشوند در زمانیکه

مقدمه مراکش پیش آمده و اولین مرتبه بود که مذاکره استخدام مازور استوکس بمیان آمده و مطرح مذاکره شده بود وزارت خارجه انگلیس متأسفانه ملتفت شد که نمی تواند در آن واحد بیشتر از يك خیال را بخاطر بگذارد ان خیال سر و ش غیبی یا حکم رسمی قطعی لاریبی بود که بوقع اجرا گذارده شد که «از ایران منصرف شوید و او را بحالی خود گذارده و قوای خود را بطرف دریای آلمان معطوف و مصروف دارید» روس اهمیت موقع را بزودی ملتفت شده و روزنامه های نیم رسمی پترسبرگ به لاف و گراف شروع و آن آله حساسه دیپلوماسی مرام و مقصود خود را در لندن بموقع تحصیل نمود * یکی از نتایج آن مقصود این شد که از این بعد مملکت حاجزی میان قفقازیه و جنوب غربی هندوستان باقی نماند و دیگر آنکه بعد از این مانع و مخالفی در راه خشکی روس به هندوستان باقی نخواهد ماند و همچنین نظارت انگلیس در خلیج فارس در معرض خطر بسیار واقع خواهد شد *

نتیجه دیگر این شد که هفتاد و دو مایون مسلمانان هندوستان که همیشه بین دولت هند انگلیس و هندوها بیطرف بوده بواسطه حمله های روس و سایر ملل عیشوی اروپا بسلطنهای اسلامی مراکش و طرابلس «عقایی» و ایران و سکوت انگلیس که موجب رضایش دانسته اند در جوشش صادقانه و وفاداری ایشان نسبت بحکومت هند انگلیس نقصان فاحشی راه یافت یکی از علماء بزرگ هند در مراسله که یکی از صاحب منصبان محترم و مأمورین سابق انگلیس در هندوستان نوشته اظهار میدارد که بعد از معامله ایران مسلمانان هند مستعد شده اند که نمایندگان خود را در کنگره هند بفرستند و این اقدامی بود که تاکنون انکار از آن نموده بودند ولی امور بلژیکی انگلیس در هندوستان از نتیجه مغلوبیت ایران ابتدا تخفیفی نیافته است (۱) *

در تمام عالم بشرف دولت انگلیس نقصان زیادی راه یافته و ملت انگلیس علناً اظهار بی اطمینانی می نمایند زیرا که بعد از این دولت انگلیس نمیتواند خود را حامی و طرفدار

(۱) کنگره هند: کانفرنس بانجمنی است که سالی یکمرتبه در یکی از شهرهای بزرگ و معروف هندوستان که بالنسبه مرکزیت داشته باشد تشکیل می نمود نمایندگان و «لیدر» های هندو یا هزارها نفوس دیگر جمع شده افعال و اقدامات دولت انگلیس که برخلاف مصالح عامه مسلمه نموده تنقید و عظام دولت مشارالیها پروتست می کنند تا اینکه بترافت و ملایمیت مجبور شود - مترجم *

ضعفا بخوانند *

در ترکی «عثمانی» هم نقصان اثرات اقدامات انگلیس ظاهر و واضح شده است و بواسطه اقداماتی که در این اواخر در معامله ایران کرده بمعاملات و تجارتش که عملاً بازارهای ایران را تا اصفهان فرا گرفته بود نیز خسارت فاحشی وارد آمد *

اثرات این خسارات و نقصانات باصول جنگی دولت انگلیس بیشتر و بدتر خواهد بود اکنون خصم موروثی انگلیس (یعنی کسیکه خصوصت انگلیس ارتقا باورسیده) با اطمینان تمام بطرف خلیج فارس پیش می‌رود و تا چند سال دیگر به آنجا خواهد رسید دولت هند انگلیس برای اثبات لیاقت خود در محافظت خطه که جز و منطقه نفوذ انگلیس است موقع و فرصت خواهد داشت همان قسمتی که لرد کچنر (Lord Kitchener) تمام قطعات و حدودش را معین کرده بود و میتوان با قوای نظامی هندوستان بمحافظت آن خطه کامیاب و نائل شد محافظت دولت هند جنوب ایران را از حمله فزاینده بسیار صعب و مشکل خواهد بود و شاید برای این کار مجبور بساخلو داشتن حقیقتاً نیم میلیون (پانصد هزار) قشون انگلیسی در هند باشد بعوض خمس آن که الان موجود است و بی‌بهره دیگر که چندان وقع و اهمیت «بنظر امور بین المللی» ندارد این است که معاونت و امداد دولت انگلیس از روس برای پیشرفت مقاصد ناچار و غیر قانونیش نسبت بازادی و استقلال ایران کاریست که از حیث اخلاق و انسانیت دور و بکلی خارج از تمدن می باشد دولت انگلیس بکلی ترك کرده است عادات و مسلکهای را که تاریخ باهل عالم نشان داده و همه از او متوقع بودند اگر چه عموم ملت انگلیس از خطایا و بی پروائی های دولت خود شان بری الذمه میباشند ولی این لکه تا ابد الدهر بتمدن ایشان باقی خواهد ماند *

شاید خود سر ادوارد کری هم اکنون معترف باشد که در سیاسیات مسلک مخصوصی اختیار کرده که نه بالذات پسندیده و مدح است و نه از حیث نتیجه اگر فرضاً حالت حالیه آلمان را بسنجیم خواهیم دید که اگر یکسال قبل شك در خوف دولت انگلیس از خود داشت اکنون آن شك بکلی رفع شده «یعنی شكش مبدل بقین شده است» اگر چه باعث سیاه بختی سر ادوارد کری آلمان بوده ولی با وجود اثرات و نتایج خطرناك مسلک مضر دیپلوماسیش همین خصوصت هم باعث دوام و استقرار مشارالیه شده است * آیا ممکن است سؤال شود که دولت انگلیس بچه ندبیر می توانست دست روس را

از ایران کوتاه کرده باشد چون بر بنیانه اعظم دولت بحری است جہازات جنگی او بر خلاف روس چه میتواند کرد و در کجا میتواند باو حمله نماید مگر وقتیکه روس بخلیج فارس برسد انگلیس نمیتواند مقابله مظفرانه کامیابانه با قشون روس در شمالی ایران بکند دولت انگلیس به آن اعتبار بکه اکثر دول بزرگ اروپا نظامی می باشند نظامی نیست تمام قشون انگلیس نمیتواند دفاع یا حمله بقشون زیادیکه روس میتواند از قفقاز به فرستد بنیاید *

بهر حال از مائحن فیه پر دور و خارج نشویم دولت انگلیس با اینکه هنوز هم یکی از دول درجه اول دنیا «چنانچه همین قسم معروف و دولت روس هم چنین پنداشته است» بشمار است در موقعیکه در ژویه گذشته آشکار شد که روس بواسطه مداخله در آزادی ایران که «انگلیس و روس هر دو متفقاً و منفرداً تعهد اجترام آنرا نموده اند» عملاً نقض عهد و مخالفت آشکار با معاهده ذات البین میکند حق بین و تکلیف فرضی انگلیس این بود که برخلاف آن اقدامات اعتراض و برتست کرده و روس را متنبه نماید که معنی حقیقی آن اقدامات ناسخ معاهده انگلیس و روس شناخته میشود نتیجتاً آن اعتراض این باشد که اقل و وفاداری انگلیس را نسبت با ایران بنام اهل عالم ثابت و برقرار میداشت و شاید هم مانع از پیشروی بیشتر از این روس میشد ملتی که بخوشی خود و طلب خاطر معاهده را امضاء میکند لازم است که اجترام آن معاهده را رعایت نماید و در صورت ضرورت و لزوم با هر دولتی که عملاً در صدد مخالفت و نقض آن عهد می باشد مخالفت و دفاع نماید انصاف و مصلحت وقت در این بود که دولت انگلیس فی الجمله اظهار شرف و احساسات ملی خود را نموده باشد سر ادوارد کری برای رفع مسئولیت صریح و ساده خود در معامله استوکس و چندی بعد در قضیه شعاع السلطه عملاً افعال و اقدامات روس را مدافنه کرده و عقیده خود را اظهار نمود که بشاهنشاهی و استقلال ایران هیچ نقصی نرسیده است چندی بعد مسلک عجیب تری اختیار کرد که انگلستان آزادی و استقلال ایران را ضمانت نموده است بهر حال مناسبست مضمون مسلم ذیل را که یکی از اهالی یا اطلاع انگلستان که از مسائل و سیاسیات «آسیا» اطلاع کامل دارد «یعنی لرد کوزن» (Lord Curzon) در بیست و دوم مارس ۱۹۱۱ (بیستم ربیع الاول ۱۳۲۹) در مجلس اعیان در مباحثه راجعه با ایران اظهار داشت درج غنائم من یقین دارم که استقلال و آزادی ایران که دولت علیحضرت در مقدمه معاهده ۱۹۰۷ انگلیس

و روس ضمانت کرده است هیچ حامی محکم و ثابته غیر از دولت انگلیس نخواهد داشت *
 لرد مارلی (Lord Morley) نماینده حزب « لیبرال » در اینجا حاضر بوده و هیچ ایراد و اعتراضی بصحت بیان مشارالیه نکرد. اعتذار و تعییری که سرادوار در تابستان گذشته از افعال و اقدامات روس نموده بجندی سخیف و بی معنی بود که باعث خجالت و شرمندگی ملت انگلیس گردیده و بروس و تمام اهل عالم ظاهر و مدلل گشت که حکومت « لیبرال » تا چه درجه از آلمان خائف می باشد. اینست که عجبیبی که دولت انگلیس اختیار نموده سبب می شود که بتوان مثوال ذیل را نمود که ملتیکه تا چند روز قبل ادعای حکمت مسالعه در اکثر امور سیاسی « آسیا » و « اروپا » مینمود ایا بواسطه چه امری تغییر علی در عقیده و وضع سلوکش راه یافت. ایا میتوان گفت جہازات و سربازهای چالاک بحری انگلیس قدرت و دل خود را باخته اند. ایا نواقص فزون انگلیس بعد از فاش شدن اسرار هواناک جنگ « آفریقا » می جتوی ثاباً اصلاح و حقیقه منظم شده *

هنوز هم در بسیاری از نقاط طاعونی کوه عرض « مکروب » و تخمهای انحطاط زمانه وسطی و فور دارد وظیفه حکومت حالیه است که آنها را در آینه خودشان معدوم سازد و بر انگلستان لازم است که حقوق انسانیت و تمدن عالم را رعایت نموده و فرائض ذمه خود را اداء کند *

بدلائل فوق ظاهر و ثابت میشود که علت آن مال بدبختانه ایران نه از حیث استقلال و آزادیش بوده و نه نتیجه اقدام بامر نامناسبی یا ترک امر لازمی تاریخ عالم علت اصلی انعدام آزادی ایران را در سنه ۱۹۱۱ در « پوتسدام » ثبت و ضبط نموده است روس هم در صورتیکه از حمایت آلمان مطلع و مطمئن بود میتواند قدری صبر نموده و آهسته تر پیشرفته منتظر موقع و وقت مناسبی باشد. معاهده انگلیس و روس تا جائیکه تعلق بتکالیف و وظائف روس داشت معنی و حقیقه باطل شده و لاشه سند کهنه بیکاری گردید. روس مصمم بود که مسلک و مقاصد خود را که کارا اظهار نموده یعنی نظارت و فرمانروایی را در ایران و در « آبهائیکه سواحل ایران را می شویند » بموقع اجرا گذارد فقط منتظر موقع مناسبی بود که اقدامات عملی و جدی خود را بکار برد کشمکش که در ژویه گذشته راجع بمعامله مراکش در اروپا واقع شد او را فرصتی داد که اقدامات و مقاصد (دیرینه) خود را بموقع اجرا گذارد دولت روس کاهل

نبود که از آن انقلابات فایده نکبرد از اینرو سرادوار کبری مضطرب شده و علی الظاهر دفعه همه چیز را فراموش کرد مگر چیزیکه بخاطر داشت فقط « دریت نات » های امین اطور آلمان بود چون روس از حقیقت امر (یعنی خوف انکلیس از آلمان) مطلع شد بازی « ورق » را بر کردانید و تباعی که بعد از آن بین روس و ایران پیش آمد و منجر بخزانی دولت مشروطه در نیست و چهارم دسامبر ۱۹۱۱ « دوم محرم ۱۳۳۰ » شد فقط بهانه بود که خود روس خلق و ایجاد کرده بود و شاید هم حکمت جعل آن بهانه ها برای « رفع خجالت سرادوار کبری از عموم اهالی انگلستان بود » *

روس اکنون (یعنی از سی ام اپریل ۱۹۱۱ سلخ ربیع الاخر ۱۳۳۹) در ایران دولت و حکمران مقتدر و متنفذی است امروز ایران بمنزله یک امارت است بهر درجه وحشیگری که باهل ایران سلوک کرده شود. ذریعه تعرض و وسیله پریشی نیست بیم روزانه حبس و حلق آویز و شکنجه شدن قوه است که روس بوسیله آن در ایران حکومت میکنند از حوادثی که بمملکت کسری دوچار و مصادف شده سکوت و بیت غم افزائی رخداد و وجود مستشاران و مستخدمین مالیه امریکائی در طهران قضیه تصادفی و اتفاقی بوده خرس قسمت دیگر حلوی لذیذ آسیا را بلعید *

در اوقات مختلفه سرادوار کبری فصول الزامات چندی بمن نسبت داد مثل عدم حسن انتظام و تدبیر کوشش در تبدیل استخدام ایرانی به « انگلیسی » عدم تمکین از شناختن (استعمال لفظ) دوایر نفوذ روس و انگلیس *

اگرچه مضامین مراسلات نیز رسمی که فی مابین من و وزیر مختار های روس و انگلیس در باره قضیه اسنوکس و استعراض چهار میلیون لیره و تادیه قیمت اسلحه که روس بایران فروخته بود و مواجب و حقوق یریکاد قزاق رد و بدل شده مابیل بافشاء آن نبود ولی بهترین جوابها از ایراد اولی همین فقره است « در ضمیمه به ردیف (د) رجوع شود » *

جواب فقره دوم مبنی است بذکر تفصیل ذیل : در از منته مختلفه سه نفر از رعایای دولت انگلیس را در خزانه دولت ایران در طهران و اصفهان و شیراز مستخدم گردانیده بودم این نکته مسلم است که من در مورد جلب و تحصیل مستخدمینی بودم که از طرق محاسبه جدید و از زبان و رسوم ایران مسبق و مطلع باشند سه نفر از اتباع انگلیس را پیدا کردم که میتوانستم ایشانرا برای مستخدمی خزانه قبول نمایم و بهمین ملاحظه دو نفر

بلجیکی را هم مستخدم نمودم اگر از رعایای روس هم کسانی که دارای صفات و اطلاعات لازمه بوده پیش می آمدند آنها را هم بخوبی نیز قبول میکردم انهام بی بنیاد سرادواردگری که فقط برای مراعات نکات پلتیکی بود مرا مجبور کرد که بلا حظه صرفه و صلاح وقت ایران آن دوسه نفر رعایای انگلیس را بانضمام مسیول کفر از خدمت خزانه ایران منفصل نموده و فقط مستر جارجینو (M. Georgenew) را که بر حسب معاهده مصوبه مجلس مستخدم شده بود باقی گذاردم *

فقره سوم هم از همه مهمل تر و ناجایز و بیجا تر میباشد دولت ایران بعد از اعلان ماهه ۱۹۰۷ انگلیس و روس بدولتین اطلاع داد که معاهده مزبور را به هیچ معنی نخواهد شناخت و خود را پای بند آن نمیداند مجلس از ابتداء اصرار داشت که نباید کاری بکنم که صراحتاً یا کتیباً «منطقهای» نفوذ را قسمی که مشهور است در باره ایران بشناسم *

من هم از همان ابتداء تعهد نموده بودم که این امر را تسلیم نکنم ارتکاب همواری (قبول نمودن استعمال لفظ منطقهای نفوذ) نقض عهد با دولتی باشد که مرا مستخدم نموده و خیانت و بیوفائی بود نسبت باطمینانی که بمن اظهار کرده بودند سبب اصلی خصومت و مخالفت روس در پیشرفت مشاغل من همین انکار از آن کار بود در صورتیکه در ترغیب بلجیکیها به آن امر کامیاب شده بود *

با وجود همه آن مخالفتها بطریق ممکنه کوشش مینمودم که احترام جمیع حقوق حقه و منافع جایز اتباع اجانب را در ایران رعایت نمایم سعی نمودم که از آمدن سفارت تحقیق کرده و بداتم که «فوائد و اغراض مخصوصه ایشان» در ایران که خودشان خیال میکردند چه می باشد یعنی معنی عبارت معاهده انگلیس و روس را چه قسم استنباط کرده و فهمیده اند *

چنانچه آن مضمون نگار نکته چین و نقد معروف پلتیکی یعنی دکتر ویلسن (Doctor Wilson) عبارت لطیفی در یکی از «ارنیکل» ها بخود درباره معاهده «پوتسدام» مضمون ذیل را می نویسد :-

اگر کسی بخواید عقیده اش نسبت بحکومتهای اجنبیه ثابت و برقرار بماند باید همیشه درباره ایشان بدگان باشد زیرا که زبان سیاسی که آنها استعمال میکنند برای این ایجاد نشده که خیالات مستعملین را کشف نماید و هیچ گاهی هم در فهمیدن معانی عبارات

آن با کک نخواهد نمود *

گویا این تاویل نا پسندیکه سر ادوارد کری بر حسب خواهش روس در تابستان ۱۹۱۱ از عبارت بسیار ساده و مواد واضحه معاهده انگلیس و روس نمود قبل از وقت در خاطر آن چیز نویسنده خطور کرده بود *

و اما حصه راجعه بخودم: در موقعیکه معاهده مزبوره بین انگلیس و روس مرتب و ممضاه شده بود من هیچ يك از وسائل ممکنه را ترك و فرو گذار نکردم که حقیقت «معنی و مقصود ایشان را بفهمم که چه بوده است» *

در نطقی که در بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۲ (هشتم صفر ۱۳۳۰) در تحت حمایت «کابینه» (انجمن) ایرانیان در لندن نمودم فقرات ذیل را بیان کردم: - اگر چه در این موقع قصد نداشتم که در این موضوع بحث و گفتگو نمایم لکن برای دفاع از انهام بقصورتیکه نسبت بمن داده شده میگویم اعم از اینکه نسبتهای مزبوره بیجا یا صرف انهام بوده و یا اینکه در مباحثات راجعه بایران من بحق با بیاطل بوده ام از همه اینها گذشته این مسلم است که از آن زیرکی مخصوصیکه مانتفت بشوم که مقصود از عبارات آن معاهده بر خلاف معانی است که از آنها استنباط میشود من عاری بوده و نمیدانستم که معاهدات دیپلماتی بعضی اوقات دستور العملهای سری (مفتاح رمز) دارد که باید بدان وسیله کشف و معلوم شود پس اگر این فرض صحیح باشد باید در این معامله به بیعملی خود اعتراف کنم دولتی که توقع داشتند که از معاهدات موثقه آنان معانی استنباط کنم که از عبارات مستعمله آن مستفاد نمیشد پس بر آنها لازم بود که از رموز معهوده بمن خودشان و از طرز تعبیراتی که کرده اند مرا مطلع نمایند ولی چنین نکردند پس از زمان کمی مابین من و وزیر مختاران انگلیس و روس طرح دوستی واقع شد و بلا حظه اینکه مردمان با شرف و وجدان و دارای خیالات عالیه عدالت خواهی بودند رغبت احترام ایشان را مینمودم در این معامله چیزی بیش از این نمیتوانم بگویم که از زمان ورود بایران تا وقتیکه از آنجا خارج شدم يك کلمه نا مناسب یا مباحثه نامطبوعی بین من و ایشان واقع نشده و هیچگاه مخالفت سخنی هم بنیان پیش نیامده غیر از این هیچ امری بین ما واقع نشد ایشان در طهران و وزراء مختار بودند در مباحثه با وزیر مختارها و اخذ نتیجه اگر اقدام با امری خارج از مأل اندیشی کرده بودم باید خود را مقصر بدانم و اگر در پیش آمد اموری که در آن زمان در ایران شده و با واقع شدنی بود از طرف من بی

احتیاطی سرزده بود تمام اهل عالم با اتقلاً اتباع همان دولتی که در آن پیش آمده شریک بودند مطلع شده و در اینصورت هم خود را مقصر بدانم پس از آنکه با نمایندگان منتخبه ایران مشورت نمودم که کشته شدن خود را در معبر تنگ تاریکی بر وقوع آن امر در ملاء عام ترجیح میدهند و ایشان هم شقی ثانی را پسندیده و اختیار نمودند کردم آنچه را که کردم *

آن روز نامه مشهور که زبان و آله معروف اجراء مقاصد وزارت خارجه انگلیس است یعنی تمس لندن در لوائح متعدده از من تنقید نمود مخصوصاً در یکی از آن لوائح که دو روز بعد از آن لفظی درج کرده و نوشته بود که من متوقع بوده ام تدابیری که برای نظم و ترتیب مالیه ایران وضع و مجرا داشته بودم انگلیس و روس بطور یقین و اطمینان قبول کرده و به یزیرند « بدون ملاحظه صرفه و رعایت فوائد خود » *

معنی ساده این تنقید اینست که در تدابیر و قانون مالیه که وضع نموده و اجراء داشته بودم چیزی بوده که ضرری بمنافع انگلیس یا باغراض روس در ایران داشته و یا خواهد داشت یکی دو روز بعد از آن روز نامه نامی نوانستم خواهش تمام که توضیح دهد که کدام یکی از تدابیر مالیه که تقدیم نموده بودم بکدام صرفه و اغراض انگلیس و روس ضرر رسانیده و یا خواهد رسانید تا عموم مردم از روی تحقیق بدانند ولی تاکنون هیچیک از آن اغراض را معین نکرده است از سکوت تمس یکی از دو شق را میتوان تصور نمود: یکی آنکه هیچ اغراض و منافعی در بین نبوده که از قانون و تدابیر من متضرر شده باشد دیگر آنکه اگر بالفرض اغراضی در بین بوده از آن قبیل است که افشایش ممکن نیست حقیقت واقع اینست که هیچ عبارت یا کلمه در قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱ مالیه ایران نبوده که ضرر و نقصانی باغراض جائزه و حقه هیچ یک از دول اجتنابیه رسانیده و یا برساند بلکه بالعکس از وضع و اجراء آن قانون بدون شبهه فوائد و اغراض حقه دولتین انگلیس و روس یا دولت خارجه دیگر که با سلطنت ایران رابطه داشتند محفوظ شده و بصرفه و صلاح حال آنان منوط و مربوط بود *

بهر حال روز نامه مزبور فقط پرنو و انعکاس خیالات مدیر آنست چنانچه اثبات اینست از جمله مندرجه ذیل که از « آرتیکل » های آن روز نامه است بخوبی ثابت و واضح میشود: « این امر هرگز بخاطر او (یعنی من) خطور نکرد تا وقتی که ملتفت شد که نظارت دایمخواه سختش در امور مالیه شاید ناپسند و غیر مطلوب دولتی باشد که در

ایران اغراض مخصوصه دارند » مکرر این مسئله در پیش چشم من مجسم شده و بمنظر من جلوه نمود که آیا این اغراض مخصوصه که مکرر ذکر شده و هرگز مشخص نخواهد شد کدام است و در غیر از عبارت معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس در کجا توضیح شده است؟ این (ابهام و عدم وضوح و سکوت تمس) ما را به نکته اصلی که محل بحث میباشد موصل است و آن این است که آیا حقیقه مفاد قانونیکه از طرف من میرا شده بود و با شرایط و جزئیاتش با معاهده مزبوره منافاتی داشته و یا با اصطلاح طبقه مخصوصی از دیپلماتها منشاء اصلی عهدنامه را نقض کرده است؟ و اگر هم مسلم بدانم که هیچ مقاصد و اغراضی از معنی صریح و عبارت ساده آن عهد نامه مستنبط میشود پس دولت ایران و یا هر یک از صاحب منصبان و مامورینش چه یومی و چه بیگانه هدایت کدام روشنائی میتوانند انرا استنباط نمایند ولی تا حدیکه خودم میتوانم تصور تمام همین قدر میتوانم بگویم که پس از چندین مرتبه که آن عهد نامه را با احتیاط و دقت تمام خوانده و کتابهای آبی عصر حاضر آن زمان وزارت خارجه را راجع باین بحث مطالعه نمودم فقط یک مأخذ اطلاعی راجع بمعنی حقیقی آن عهد نامه بدست آوردم که برای آئینه مات ایران خیلی اهمیت دارد و آن سواد مراسله است که پروفیسر برون در صفحه ۱۹۰ کتاب با شکوه خود که در شرح وقایع « روسیون » ایران از سنه ۱۹۰۵ تا سنه ۱۹۰۹ نوشته درج است سواد مزبور سواد مراسله است که سر می سیل اسپرینک رئیس وزیر مختار انگلیس مقیم طهران بنجم سپتامبر ۱۹۰۷ (بیست و ششم رجب ۱۳۲۵) بوزارت خارجه ایران نوشته بود *

تا درجه که من فهمیدم این مراسله مراسله بسیار مهم معظم و مطلوبی است که در آن زمان نوشته شده و تا کون هم بگانه توضیح رسمی مشروحنی از غرض و مقصد اصلی معاهده انگلیس و روس میباشد (ترجمه مراسله مزبوره در مقدمه گذشت) چون انرا سواد در کتاب معتبری مثل کتاب پروفیسر برون درج شده عموم مردم انرا محل اعتقاد دانسته و شاید هم فرض بکنند که مقصود حقیقی دولتین از انعقاد آن معاهده راجعه بایران که چند روز قبل از آن امضاء شده بود همان « اغراضی » است که از ظاهر آن مستفاد میشود ولی چیزی که صحیح است این است که سواد آنرا سواد را در کتاب آبی وزارت خارجه انگلیس نیافتم و چیزی که محل شبهه و تردید نیست این است که پس از آنکه مراسله سر می سیل اسپرینک رئیس را بدقت و احتیاط تمام ملاحظه نمودم حقیقه تا حد

وسبعی بن اطمینان و ایقان داد که اغراض حقیقی آند و دولت در ایران همان مفاد است که طبعاً و بالصراحت از عبارات خود آن معاهده ظاهر میشود نه اغراض بعیده غیر مکشوفه (نیش غولی) دیگر *

در ژانویه ۱۹۱۱ یعنی قبل از آنکه از ممالک متحده امریکا بایران مسافرت نمایم همین قدر بدرجه لیاقت خود توانستم بواسطه آن توضیح مفصل رسانه از مقصد و غرض اصلی عهد نامه ۱۹۰۷ انگلیس و روس و متعاهدین مشهور آن اطلاع حاصل نمایم با وجود سعی و کوششهاییکه با نیت و غلب صاف خود نمودم که از کلیه اوضاع پلتیکی ایران مطلع شوم چندین مرتبه مرا مازم و مقصر نمودند که بواسطه خطای در ترجمه خود را دو چار موقع نازک و مشکلات گردانیده سعی نکردم که گاهی اهمیت موقع را بشناسم و یا اینکه از مقصد اصلی معاهده انگلیس و روس مطلع نبوده و عمداً تجاهر نموده ام باری باین گونه و از این قبیل بیانات بسیار معتبر در مجلس عمومی انگلستان بمن نسبت داده بودند *

با وجود همه این اعتراضات چهار دهم دسامبر ۱۹۱۱ (بیست و دوم ذیحجه ۱۳۲۹) وزیر خارجه انگلستان در جواب سئوالیکه یکی از وکلای پارلمنت نموده بود اظهار داشت که از مراسله مذکوره که سر سیسل اسپرنک رییس بدولت ایران نوشته بکلی بی اطلاع بوده و ابداً ندیده است در صورتیکه چند دقیقه قبلاً همان وکیل قسمتی از عبارت آن را خواند بود روز بعد یکی از وکلای «پارلمنت» مکتوبی بوزیر خارجه فرستاد بانضمام یکقطعه عکس اصل آن رساله که سر سیسل اسپرنک رییس بفارسی نوشته و در پنجم سبتمبر ۱۹۰۷ (بیست و هشتم رجب ۱۳۲۵) بوزارت خارجه ایران فرستاده بود وزارت خارجه تقریباً بدین مضمون جواب داد که وزارت خارجه انگلیس ابداً از این رساله اطلاع نداشته و ندارد شش هفته بعد از آن تاریخ یعنی اول فوریه ۱۹۱۲ (یازدهم صفر ۱۳۳۰) همان وزارت خارجه بهمان وکیل نوشته و اظهار داشت که مضمون انگلیسی رساله سر سیسل اسپرنک رییس اکنون بوزارت خارجه رسیده و ترجمه آن را که پروفیسر پروت بانگلیسی نوشته و در کتابش درج است بکلی صحیح و مطابق با اصل میباشد (۱) *

و فیکه اعضاء وزارت خارجه انگلیس مشغول بترتیب اتهام من بودند که از مقصد اصلی

(۱) نظیر این بی پروائی و بی احتیاطی آشکار با غفلت عمدی رسانه وزارت خارجه

انگلیس در معامله استوکس هم واقع شد *

معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس بی خبری باشم از چند ماه قبلش از خیال آن اظهار رساله مهم دولتمین انگلیس و روس که وزیر مختار دولت انگلیس مشغول بترتیب مقدماتش بود مسبق و مطلع بودم در موقعیکه صاحب منصبان وزارت خارجه انگلیس مرا به بی علمی و غفلت منعم نموده بودند در همانوقت خودشان از وجود همچو رساله معتبریکه حال بنظرشان رسیده غافل بودند اعضاء اداره دولتی که در امور مهم و سیاسیات دقیق خود بدین قسم سهو و خطا نسبت بخود روا دانسته و باین نمونه اقدام بامور معظم نمایند آیا ممکنست که بهمیندرجه از حقیقت و فایدهیکه در زمان اشتغال من بنظم و ترتیب امور مالیه ایران اتفاق افتاد بی اطلاع باشند حقیقتاً این اداره دولت انگلیس در مساعدت و اتفاق فوری با خواهشهای دولت روس در عزل و انفصال من از شغل خزانه داری کل هیچ نکته را پس و پیش نموده و از خود تصرفی نکند *

انگلیس و روس راضی نبوده و تاکنون هم راضی نمیشوند که مقصد و اغراض متناسبه خود را در ایران معین نمایند آیا ان اغراض چه میباشد که بابشان حق و اجازه داده است که نظم دولت ایران یا یکی از مامورینش را در امور داخلی حقیقی مملکتشان تصویب و یا بقوه جبری از امری که مخالف با خیالاتشان باشد منع نمایند هرگز ممکن نخواهد بود که اینگونه تصرفات و مداخلات را بغیر از حکومت و فرمانفرمائی ایشان یا امارت فرض کردن سلطنت ایران بپذیرد بیکر تعبیر و حمل نمود والا این اقدامات چگونه با مقدمه عهد نامه انگلیس و روس یا توضیح رسمیکه سر سیسل اسپرنک رییس از آن عهد نامه نموده است موافقت خواهد داشت *

در بیان اقدامات وطن پرستانه مامورین دولت انگلیس راجع بامور جدید ایران همین قدر کافی است که هیچ خیالی واضح تر و بیشتر از چند آرتیکل روزنامه «نشن» (Nation) ملی دیده نشد این روزنامه اگر چه تمام عظمت و اعتبار نیم رسمی قس را دارا نیست ولی بملاحظه اینکه روزنامه «لیبرال» است از حیث عبارت دارای مقام رفیعی است (دو فقره از آن آرتیکل ها در ضمیمه ردیف حرف (و) مندرج است) *

* باب یازدهم *

طریقه وصول مالیات در ایران نقشه خود برای اصلاح و نظم امور مالیه ترفیحات ممکنه و تکمیل راه آهن ثروت طبیعی و منبع اصلی ثروت *

امروزه طریقه وصول مالیات در ایران بهمان سبک و تیره از منته ساله انجیلی میباشد اصل مأخذ و بنیاد مالیات اراضی مزروعی عشر حاصل آن میباشد تمام مالیات تقدی نیست بلکه قسمت عمده آن جنسی است یعنی دولت در عوض عشر مالیاتی خود از رعایا و ملاکین اجناس را از قبیل گندم و جو و گاه و پنبه و برنج و سایر محصولات زراعتی قبول میکند از این طریقه مندرسه اشکال بزرگی در ضبط محاسبات مالیات باوکات و قصبات و دهات تولید گردیده و دولت بکلی از مأخذ کلی صحیح مالیات هر محل که در عرض سال چه باید وصول شود بی اطلاع صرف میشود علاوه بر این وقتیکه دولت مالیات جنسی محلی را بتوسط صد ها پیشکاران مالیه و محصلین دیوانی وصول نمود رسم است که باید خود دولت وسائل حمل و نقل آن اجناس را به انبارهای مراکز مخصوصه فراهم بیاورد و بعد از آنکه آن اجناس را ذخیره نمود تبدیل بنقد کرده (یعنی میفروشد) و یا بصرف مخارج جنسی دولتی میرساند *

در ایران هیچگاه دفتر محاسبات مالیاتی وجود نداشت که بشود اطلاع کاملی ولو غیر صحیح هم باشد از مأخذ کل عایدات داخلی حاصل نموده و دولت بتواند بر آن اعتماد نماید ایران برای سهولت وصول مالیات بهفده یا هیجده ولایت و ایالت منقسم است و در هر یکی از آن حصص شهر یا قصبه بزرگ است که مرکز حکومتی آن ولایت بشمار است مثلا ایالت آذربایجان که خطه بسیار معظم و زرخیزترین قطعات آن مملکت است معروف بود که مالیات نقدی و جنسی سالانه آن صفحه که بحکومت مرکزی یعنی با اداره مالیه طهران می پردازد موازی يك ملیون تومان که معادل بانصد هزار « دالر » است میباشد در زمان استخدام در ایران در آن ایالت یعنی در شهر تبریز که مقر حکومت ایالت مزبور و دوم شهر معظم مملکت بشمار است بکنفر پیشکار مالیه بود آن ایالت بقسمت و قطعات کوچکی منقسم میشود که در هر يك از آنها يك نایب پیشکار (مامور مالیه جزیه) میباشد

و هر یکی از آن قطعات هم نسبت بوسعتش بقسمتهای کوچکتر منقسم و در هر بکنفر مامور مالیه میباشد مالیات آن حصص و قطعات کوچک صنف سوم بتوسط کدخدایان محلی آن قصبات و دهات وصول میشود مثلاً وظیفه پیشکار یا رئیس مالیه تبریز منحصر باین بود که همه ساله مبلغ معینی نقد و مقدار مشخصی جنس از قبیل گندم و جو و گاه و سایر اجناس مالیاتی جمع کرده و بطور امانت برای ریاست مالیه طهران نگاهدارد ریاست مرکزی از مأخذ و محلهائیکه باید مالیات وصول شود اطلاع کاملی نداشت بیجز تصور موهومی که در افغان مستوفیان یعنی محاسبین دولتی طهران بود ایشان مسبق بودند که مثلاً چه مبلغ از کدام حصص از فلان ایالت باید وصول شود روابط رئیس مرکزی در طهران با مالیات دهندگان آذربایجان بتوسط همان پیشکار مالیه تبریز بود و پیشکار میدانست که از مامور مالیه هر قسمتی چه قدر نقد و جنس باید وصول شود ولی خود آن پیشکار هم از مأخذ و محلهائیکه مامورین جزء مالیات وصول میکردند اطلاع کامل تحقیقی نداشت مثلاً پیشکار مالیه تبریز قدری برای خود داشت که آن را کتابچه یا دستور العمل می نامیدند و هر مامور جزئی هم تا وقتیکه مامور بود کتابچه مخصوصی راجع ببیزان مالیات ابواب جمعی خود داشت آن کتابچه بوضع مخصوص ایران بر تارچهای کاغذ کوچک و بدون جلد نوشته شده بود که بسهولت آنها را میتوان در جیب حمل نمود آن کتابچه (فرد) ها را بشکل مخصوصی نوشته که مشکل بلکه محال بود که هر ایرانی هم آن را بفهمد *

از نسله و از منته ساله مردمانی در ایران میباشدند که آنها را مستوفی میخوانند پیشه و شغل اکثر آنها ارثی است که از پدر به پسر رسیده است آنها از وضع این کتابچه مسبق و از طریقه پیچیده و درهمی که مالیات هر محل موسیله آن حساب یا وصول میشد مطلع بودند هر یکی از پیشکاران یا مامورین جزء کتابچهای مالیاتی نقاط ابواب جمعی خود شان را مالك طلق خود میدانست نه متعلق بدولت اگر کسی میخواست از تفصیل آن کتابچه مسبق شود یا بداند که مالیات هر محل چقدر وصول شده و چقدر آن را برای خود ذخیره و پس نهاد نموده اند مستوفیان مزبور متغیر و غضبناک میشدند و وقتیکه وارد طهران شدم در وزارت مالیه شعبه دهم موسوم بدفتر استیغای بزرگ (محاسبی کل) در آنجا هفت یا هشت نفر مستقدمین معزم بودند که بهر یکی از ایشان محاسبات مالیه يك یا دو ولایت و ایالت سپرده شده بود شغل ایشان منحصر بود باینکه مواظب پیشکاران و

مامورین مالیه قسمت ابواب جمعی خودشان باشند که ایشان از فرائض خود غفلت نورزیده و تقوید را که ریاست مرکزی منتظر و متوقع وصولش بود وصول نموده و بحساب ریاست کل بیاورند انصاحب منصبان محترم بواسطه اطلاع مخصوصیکه از طریقہ پیچیده مالیات مملکت دارا بودند بالنسبه بسا پرین در خدمت مرجوعه شان دوامی داشتند از اول وهله ورود مارا که راههای مداخل بیغل و غششانرا تهدید میکرد مغل با تقلبات و حیلہ های خودمی پنداشتند موجب ایشان بالنسبه به مسئولیتشان بسیار کم بود مسئولی که در طهران بیشتر از همه موجب داشت ماهی یکصد و سی و پنج «دالر» (صد و پنجاه تومان) میگرفت اگر بگویم ثروت و دولتی که هر يك از ایشان در ظرف چند سال جمع و ذخیره کرده بودند پس انداز مواجبشان نبوده از حقیقت پر دور نخواهیم بود سلوکشان با من گستاخانه و جسورانه بوده و از دادن هر قسم اطلاعی از خدمات خود بکلی تمأشی و امتناع داشتند از همان روزیکه قانون سیزدهم ژون امضاء و تصویب شد ایشانرا از آن نظارت اسبی که در افعال و اعمال پیشکاران مالیه تمام مملکت داشتند خلع و منفصل نمودم و به پیشکاران ولایات بتوسط تلگرافهای متحد المأل که با امضاء رئیس الوزراء و کابینه بود عزل ان مدیرها را اطلاع داده و مستقیماً برایشان دستور العمل فرستادم که کابیه پیشکاران باید طرف راپورت و محاسبه و مسئولیت خود را اداره خزانه تازه تشکیل شده شناخته و از مرکز کسب تکلیف نمایند انستوفی و مدیران محترم را باین قسم بحال خودشان واگذاردم که با کتابچه و فرد های خویش بازی کرده و در خطابیای خود دقت و تأمل نمایند اگرچه بسیاری از شعب و دوائر مالیه بواسطه خلع ایشان معطل و بیکار شده بود ولی مدیران مشاورالیهم را بکلی از مالیه خارج نموده و به آنها اجازه داده بودم که در همانجا بمانند تا براه راست مایل شده و از خیالات کج و معوج خود منصرف شوند نقشه عمومی برای تجدید و ترتیب عاجل مالیات حصص و قطعات در نظر داشتم که ماخذ یعنی بدست آورده و قانون ساده مالیاتی داخلی ترتیب داده بچلس تقدیم نمایم هنوز در این رشته اقدام صحیحی نموده بودم که ورود شاه مخلوع و آذارکات نظامی چهار ماهه و پریشانی اموریکه از نتیجه ان سلسلاً بظهور پیوست و وقوع وقایع سیاسی که منتهی بمراجعتم از ایران شد بمعرض وقوع آمد *

مسلم است که ریاست مرکزی مالیه ایران از مالیاتی که باید وصول شود و مقدار متناسبه و تقسیم معتدلانه بین رعایا اطلاع درستی نداشت برای پیشکاران مالیه هیچ

چیز اسانتر از این نبود که بگویند (چنانچه پیشکار مالیه نبریز در تمام مدت اقامتم در طهران همیشه میگفت) که بسبب اغتشاش و اضطراب حالت ولایات و ایالات غیر ممکن است که مالیات وصول شود و بواسطه این عذر از تادیه مبلغ مالیات تسامح میورزیدند ریاست مرکزیهم با اینکه بی حقیقی ان بهانه ها را بخوبی ملتفت شده و میدانست که قسمتی از مالیات افلاً وصول شده چاره بغیر از این نداشت که ایشان را عزل یا حبس نموده و یا معاذیر شان را پذیرد *

خیال من این بود که بتدریج از ولایات معظم شروع نموده و در مرکز هر يك خزانه جزئی در تحت ریاست یک نفر مامور امریکائی با اروپائی تشکیل نمایم و در هر ولایتی یک نفر ناظر (مفتش) سیار اروپائی بصحابت چند نفر اجراء ایرانی و يك صاحب منصب اروپائی بسر کردگی عده ژاندارمه خزانه معین کنم که خزانه دار جزئی انولایت را در وصول مالیات امداد و معاونت نمایند و خزانه داران جزء علاوه بر وصول مالیات از محل و تادیه ان بجزانه دار کل از ماخذ و ممرهای مختلفه مالیات ولایات و نقاط ابواب جمعیشان و تخمین کلیه نفوس و محصولات و صنایع بالفعلی و بالقوه ان محل اطلاع کامل حاصل نمایند و در صورت امکان کتابچه و دستور العملهاییکه در ضبط و تصرف مامورین جزء بوده برای پایه و بنیاد نظم عمومی کلی بجهت تعیین میزان لازمه مالیه بدست بیاورند شاید برای این کار یکی دو سال وقت لازم بود ولی تا درجه که متعلق بایران بود هیچ مانع مشکلی در تکمیل این نقشه بمخاطرم نمیرسد *

یکی از نواقص بزرگی که در طریقہ وصول مالیات بود این بود که غالب ان کتابچهها کهنه و قدیمی و از يك نسل قبل مرتب شده بود (یعنی متناسبی با حالت حاضر نداشت) و نمیشد آنها را ماخذ و بنیاد صحیحی برای وصول مالیات قرار داد در زمان قریب کتابچههای مرهوره بسیاری از قراه و دهات بوده که معمور و دارای عده نفوس بسیاری بوده اند ولی اکنون بکلی ویران و رعایای ان بخصص و قطعات دیگر متفرق و پراکنده شده اند *

و همچنین از بعضی از دهات که سابقاً هزار نفر یا بیشتر عده نفوس داشته ولی حالیه دوپست یا سیصد نفر رعیت بیشتر ندارد همان مالیات رعایای سابقاً که سه چهار برابر جمعیت حالیه بوده میگرفتند و بالعکس آبادی که در زمان ترتیب کتابچهها دارای قلیل نفوسی سکنه بوده و اکنون ترقی و وسعت فوق العاده یافته همان مالیات سابق را بجزانه

مرکزی می پرداختند بملاحظه اینکه در کتابچه ریاست مرکزی همان قدر ثبت و منظور شده بود و حال آنکه مامورین جز از فرد فرد رعایا مالیات لازمه کامل را وصول نمی نمودند ولی با این حال کتابچه بهمان حال سابق مانده و تغییری نیافته بود *

یکی از قوانین اولیه که در زمان تشکیل خزانه جبراً داشتیم این بود که فرار دادم تمام معاملات نقدی مالیه و قبض و اقباض آن بتوسط بانک شاهنشاهی ایران یا بانک معتبر دیگر انجام گیرد و چون بانک شاهنشاهی در هر یکی از شهرهای بزرگ شعبه داشت با رئیس کل آن فرار دادم که پیشکاران کلیه مالیات نقدی که وصول میکنند تحویل بانک محلی داده و بتوسط همان شعب تلگرافاً برات بمرکز نموده و بجمع حساب خزانه دار کل آورده شود و همچنین جمیع مخارج دولتی بر عنوان که باشد بتوسط چک حواله بانک پرداخته شود معاملات نقدی با خزانه چه دادن و چه گرفتن بکلی ممنوع و متروک شود و بدین طریق محاسبات تصفیه و واضح و جمع و خرج خزانه ایران در خارج مرتب و برقرار گردد ادارات دیگر مانند وزارت پست و تلگراف و اداره تذکره و زارت خارجه و گمرکات هم با اینکه در تحت نظارت مطلقه خزانه دار بودند مقرر داشتیم که عایدات خود شان را مستقیماً تحویل بانک نموده و قبض رسید آنرا عوض نقدی بخرج خزانه بیاورند *

ولی بزودی ملتفت شدم که غالب پیشکاران مالیه ایالات با اینکه اظهار کمال اتفاق و مساعدت با قوانین خزانه دار می کردند مالیات ابواب جمعی خودشان را بطوریکه مقرر داشته بودم بیانکجا نمی فرستادند بملاحظه همان مثل عمومی که (بول را نباید از دست داد) یا (هرچه بادا باد) نفوذ موجوده خود شانرا تا مجبور بتأدیه نمی شدند نمی پرداختند معزول کردن یکی دوفتر مشهور و متنفذ از منتر دین و اطلاع سایرین از عزل و نتیجه تخلف ایشان اثر بسیار مطلوبی بخشید با وجود بی نظمی و اغتشاشیکه بواسطه شهرت خبز مراجعت شاه مقلوع تمام مملکترا فرا گرفته و اضطرابهای محلی که از یکسال قبل از ورود ما در غالب نقاط ایران خاصه در ایالت بزرگ فارس که واقع در جنوب است شیوع داشت مالیات شروع به آمدن گذارد در تمام مدتی که من خزانه دار بودم ایالت آذربایجان بواسطه ورود بی در پی فسون روس و بسبب طغیان و پانگی گری شامسوندها نظر باطمینان و پشت گرمی رئیسشان بروسها دوچار همین انقلابات بوده و بقدر یک «دالر» (معادل با بازده قران و کسری بول ایران) از مالیات انقل عاید خزانه طهران نشد بلکه بعکس خزانه مرکزی برای عود امنیت مبلغ گرانی برای افواج

نظامی و پلیس آن محلی داد *

پس از تشکیل خزانه ملتفت شدم که باکثر مامورین وصول مالیات مبلغ نا قابلی موجب میدهند آنهم برای اسم راضی بودن مامورین بچنین حقوق غیر معتناهی در مقابل همچو مسئولیت بزرگی دلیل قاطع و واضحی بود بر اینکه از طرق دیگر معاوضه کافی زحماتشان ایشان می رسید برای هر يك از آنها مواجب و حقوق کافی متناسب عظمت و اهمیت محلهای ابواب جمعیشان معین نموده و صراحتاً آنها را آگاهانیدم که باقی بودن برخد مت و رسیدن باضافه مواجب آبنده موقوف بصحت عملشان میباشد که در وصول و ایصال مالیات بمعرض ظهور رسانند اگر چه بواسطه علل و اسباب خارجی نتیجه مطلوبه بدست نیامد ولی با اینکه تمام مملکت گرفتار خانه جنگی بود خزانه در ظرف پنج ماه بیشتر از سال پیشش یعنی قبل از ورود ما مالیات وصول نمود *

مسئله وصول و نگاهداری اجناس مالیاتی مثل گندم و جو و کاه و پنبه و مخدولات زراعتی دیگر که دولت وصول میکرد اشکالش بیشتر بود سابق اینگونه مالیات از قضبات کوچک و تقاطیکه از مراکز ولایتی یا ایالتی کمابیش دور دست واقع شده بودند اصلاً وصول نشده و از قبضه اش چیزی عاید خزانه نمیگردید بواسطه اینکه محصولات مزبور به بچند دست میکشست تا بخزانه مرکزی یا ولایتی و ایالتی برسد در صورتیکه در چنین حالت اغتشاشی پیشرفت کار (حمل و نقل و فروختن آن اجناس) محال بود مگر در همان امکه که صدها میل با طهران فاصله داشت و اگر هم چند «تن» گندم یا کاه و غیر آن بالاخره بمرکز ولایتی می رسید حمل و نقل عینش مثل بول بتوسط تلگراف طهران ممکن نبود (۱) و اگر هم بطور مزایده (حراج) فروخته میشد یکجزه از قیمت اصلیش عاید نمیکشست بدون شبهه یکی از تقلبات حکام یا مامورین مالیه در ازمنه سالفه وصول و مبادله این قبیل اجناس بلوکات بوده نظائر این امر را بن نشان داده بودند که مامورین مالیه از فروش متقلبانه مالیات جنسی در یکر و ز با یک معامله بیشتر از چند هزار «دالر» متمتع شده بودند *

وقتیکه در اواخر پائیز ۱۹۱۱ (تقریباً برج عقرب و قوس ۱۸۳۳ شمسی ۱۳۲۹ قمری) شروع بجمع آوری غلات و شویل گرفتن سایر اجناس مالیاتی نمودم که در زمستان نرخ نان را تا درجه منظم نگاهدارم ملتفت شدم که دست زدن به انکار چقدر مشکل میباشد

(۱) «تن» مادل با سیصد و هجده من و سه چارک بوزن تبریز است - مترجم *

فقط بتدایر عملی فوق العاده توانستم پنج شش هزار «تن» (معادل با یازده هزار ونهصد و سی هفت خروار و پنجاه من یا نوزده هزار و یکصد و بیست و پنج خروار) گندم و جو جمع کنم *

تمام عایدات داخلی مثل مالیات اراضی و عوارض بلدیة محلی و عایدات اراضی خالصه دولتی و صنایع و معادن و حرف و غیره جزء مالیات محسوب میشد این قسم مالیه شبیه مالیات «تولفاکس» (سرشاری) بود علاوه بر این عوارضی از عمل آوردن و فروختن تریاک و پوست بره و روده گوسفند میگرفتند و خراج بسیاری از مشروبات و مسکرات عاید دولت ایران میگردد اگر چه بدون شبهه استعمال مسکرات در مذهب اسلام حرام و ممنوع بوده و تعیین آن از طرف دولت مستقیماً و یا باامضاء رسمی آن نبود ولی واقع و حقیقت امر ایست که اداره مرکزی این قبیل عوارض را نظیر بدو حکمت تعیین و وصول مینمود یکی محدود نمودن استعمال آن و دیگر ایصال عایدات غیر مستقیمه بدولت * علاوه بر مالیاتهای مذکوره فوق یک انتفاع دیگر دولت ایران از مجرای عایدات گمرکی بود و مقدار قلیلی از اداره پست و تلگراف و مبلغ مختصری هم از اداره تذکره وزارت خارجه عاید خزانه دولت میگردد *

ادارت گمرکی ایران در تحت ریاست تقریباً بیست و هفت نفر صاحب مهملان بلجیکی است که رئیس کل آنها مسیوم مورارد بود و در طهران اقامت داشت باضمام معاونین متعدد دیگرش این اداره قسمتی از عایدات تذکره را بتوسط اجزاء خود در سرحدات نیز وصول مینمود عایدات گمرکی در سنه ایت ایل ترکی که تقریباً مطابق سنه ۱۹۱۰ بود قریب سه میلیون و چهار صد هزار تومان بود (قیمت تومان اگر چه بواسطه نرخهای مختلفه با زار تغییر پذیر ولی غالباً مساوی با نود سانت یعنی نه عشر «دالر» امریکا بود) و در دو سال قبل یعنی سنه ۱۹۰۹ و ۱۹۰۸ (تقریباً دو سال ۱۳۳۶ و ۱۳۳۷) سه میلیون و یکصد و هشتاد و پنج هزار و سال دیگرش دو میلیون و هفتصد و سی و سه هزار تومان بود بهر حال تمام محل عایدات مزبور به موجب قرار داد استقراض از دولتین پیش آنها بسمت وثیقه کرو بود تا بعد از اختتام و تادیه اقساط استهلاك انقرضه (یک میلیون و دو بیست و پنجاه هزار لیره بانك شاهنشاهی) کترین وجهی که لازم بود سالانه بمصرف تادیه سود و فسط استهلاك طلب دولتین برسد معادل دو میلیون و هشتصد و سی و دو هزار تومان بود *

چون اقساط استهلاك قرض بانك شاهنشاهی تا پنج سال شروع نشد در عرض این مدت سالی سی و یک هزار تومان از سود و اقساط استهلاك قرض دولتین کتر پرداخته شد اگر بزرگترین عایدات کمرکات را که در این سنوات اخیر وصول میشده بنیاد و مأخذ عایدات سنوات بعد قرار دهیم دولت ایران از این عمر مهم و عمرای معظم باید سالانه متوقع بیشتر از پانصد و شصت و هشت هزار تومان عایدی نباشد و بر حسب شروط استقراتی که در سنه ۱۹۱۰ از دولت روس نموده بودند این مبلغ فاضل تا مدت ششماه باید در بانك «دیسکونت» استقراتی که شعبه بانك دولتی روس در طهرانست بنامد بانك مزبور فقط سالی دو مرتبه برای تادیه مطالبات دولت ایران حاضر بود *

علاوه بر این باید تادیه سود و فسط استهلاك قرض روس هم بنات بشود و اختیار تعیین نرخ منات هم برای تنزیل هر ماه با بانك بود که هر ماه نرخ تبدیل تومانیهای ایران را که از محل کمرکات وصول نموده بنات تعیین نماید (۱) اگر بگوئیم بانك روس بموجب استحقاقی که بموجب قرار داد آن استقراض برای خود معین نموده سعی و کوشش میکرد که از آن تبدیل و محاسبه تنزیل ضرر و نقصان نبرده باشد شاید غلط نگفته باشیم * یکی از مصارف و مخارج معینه دیگر که باید از محل فوق یعنی از عایدات گمرکی در

ایران پرداخته شود مخارج برقرار داشتن بریگاد و مواجب فراخ بود زمانیکه در طهران بودم کلیه مخارج فزاق خانه معادل با سی هزار تومان ماهانه میشد علاوه بر مبلغ غیر معینی که کرنل آن بریگاد یا سفارت روس باسم مخارج فوق العاده یا برای تجهیز فشنون و لشکر کشی از دولت ایران مطالبه مینمودند مطالبات فوق العاده مزبوره در ظرف یکسال بیشتر از هفتاد هزار تومان شده بود آن هیئت نظامی مشهور از سنه ۱۸۸۲ (تقریباً از سنه ۱۲۹۹ هجری) در عهد سلطنت ناصرالدین شاه در تحت مشاق کرنل چار کوسکی روسی تشکیل شده بود کرنل مزبور را اداره نظامی قفقاز باین خدمت مأمور و معین کرده و چند نفر صاحب منصب «کمیشن» و «نان کمیشن» روسی هم بمعاونت کرنل موصوف معین شده بودند غرض ناصرالدین شاه یا مستشاران و مصلحت بینان رویش از تشکیل اینطرز فشنون خارجه بدون شبهه این بود که او را از حرکات و اقدامات متفرانه و محققانه رعابای بسیار مظلومش که حتماً واقع شدنی بود حفظ نماید بریگادیکه

(۱) «منات» روسی یا «روبل» یا اختلاف نرخ اوقات مختلفه بین پنجران و نیم تا تقریباً شش قران ایران و معادل با یک و نیم و نه الی دوازده آنه کورنت می باشد مترجم *

باین نیت و قصد میسوم تشکیل شده بود چند مرتبه لیاقت خود را بهمین معیار بمعرض ظهور رسانید و همیشه بزرگترین «آنتریک» کننده و مجری مظالم روسها در ایران بوده چنانچه اکنون هم میباشد معروف بود که «برینگاد» مزبور مشتمل بر هزار و شصتد با هفتصد نفر میباشد و مبالغی هم که برای بقاء این «برینگاد» بمصرف می رسید بهترین دلیلی بر کثرت عددشان بود ولی تازه اینکه من در ایران بودم با مبلغ گرافیکه از خزانه مفسس دولت ایران مطالبه و وصول مینمودند و مبالغ بسیار بکافی در پی بگرتن و صاحب منصبان دیگر داده میشد حقیقه عدد کاملش کمتر از چند صد نفر بود هیچ حساب یا صورت خرجی در کار نبود در زمان لشکر کشی و تجمیر نشون برای جلوگیری از محمد علی و اتباعش مصاصم السلطنه رئیس الوزراء از من خواهش نمود که بعض از پولهاییکه کرنل برینگاد مزبور بعنوان مصارف فوق العاده مطالبه مینماید بردارم من هم قبول کرده و پرداختم و کاغذی هم بگرتن نوشته و از او خواهش نمودم که صورت حسابی برای مدت مزبوره بفرستد تا مطمئن شوم که بولیکه داده ام برای مصرفی نباشد که دولت سابقاً آن وجه را پرداخته باشد ولی کرنل از دادن همچو توضیحیکه مبلغ مزبور ۳۰ گونه و بیجه محل و بیجه عنوان صرف شده امتناع نموده و پروتستهای پی در پی در باب اداء نشدن مطالبه اش بسفارت روس فرستاد و مرا متهم نمود که از نادیده بول انکار نموده ام *

یکی از موانع بزرگی که در وصول مالیات دوچار شده بودیم نبودن هیچگونه قانون جنایات که عبارت از خدعه و تقلب و خیانت و مانند این جرائم میباشد بود ما مورین مالیه یا سایر صاحب منصبان دولتی که نقد و جنس یا سایر منعلقات دولت در تصرف آنان بود بکمال سهولت و آسانی و بدون تصور اینکه شاید وقتی از ایشان تحقیق یا مواخذة شود مالیه و منعلقات دولتی را برای خود جایجا و تصرف می نمودند فقدان وسائل مجازات هر گونه جنایتی بیشبیه باعث وسعت آنگونه تقلبات و خیانتهای عمومی شده و کم کم ادارات دولتی هم سرایت کرده بود نظیر حالت حاضره ایران حالت ممالک متحدنه خواهد بود اگر قوانین جنایات یا مجازات خیانت در امور دولتی از آن ممالک برداشته شود ادارات عدلیه بالنسبه بسایر ادارات در هر نقطه ایران که بود عوض اینکه در مقابل کسانیکه مایل بارتکاب جرائم بودند مائمی باشد بیشتر در کمال بینظمی بود در صورتیکه دوائر مزبوره عدلیه جزء عمده نظم عمومی بود برای جلوگیری از تقلبات صاحب منصبان و

ما مورین دولتی که از نتیجه دسترنج ملیون ها رعایا و ایالات بی علم بهره مند و بسیار فربه (متمول) شده بودند آن ادارات مختصری بود برای سیاست و تنبیه ما مورین غیر متدین و خائن مانند ندایر پاپس در صورتیکه حالت سیاسی محل مقتضی میشد یا رأی عمومی تصویب مینمود دولت امر بحبس ما مورین حائن نموده و استنطاق ظاهری (سر سری) نیز از آنها میکرد بحسب عدلیه عموماً در مرکز اداره بایس بود این فقط حالت طهران است که بیان میکنم ولی در سایر ولایات حکومتهای محلی عدالت را بقوه جبری بکار می بردند نتیجه صحیح همچو حبس و استنطاق کسیکه مرتکب جرم و یا نسبت جنایتی باو داده شده بود این میشد که شخص جانی و مجرم یا کسان و دوستان او مجبور میشدند که مبلغ معتد پی که کفایت خواهش و چشم داشت حکومت را بکنند فراهم نمایند زیرا که حکومت مزبور گویا هم ناظر و مفسس عدلیه و هم حکم و مجری احکام آب بود *

این وضع حالت مملکت و ضرورت بکار بردن اثرات معنوی (فوزه جبری) نسبت بمستخدمین دوائر دولتی و مالیات بده های متدرد سرکش که میتوانستند از عهده نادیده مالیات املاک خود برآمده و تعطل و تسامح میورزیدند مرا مجبور نمود که بحسب مخصوصی در طهران ترتیب دهم که پس از تحقیق و استنطاق در حضور ما مورین محترم خزانه و ثبوت تمرد و مخالفتشان با قوانین مالیه موقتاً در آن بحسب توقیف شوند *

پس از شروع باصلاح امور خزانه بوزراء مختلفه اطلاع دادم که هیچ وجهی از خزانه پرداخته نخواهد شد مگر بعد از اظهار کتبی که بر اوراق چاپی مخصوص خزانه خود ترتیب داده بودم (نوشته شود اوراق مزبوره بفرانسه و فارسی باسم و عنوان خزانه دار کل طبع شده و لازم بود که توضیح مفصلی از بابت و تاریخ و مبلغ مطلوبه و غیره با امضای دریافت کنندگان در آن اوراق درج شود غالب صاحب منصبان کاینه طریقه مزبوره را بطبیع خاطر استقبال نمودند زیرا که علی الظاهر همچو تصور نموده بودند که بخیرد اینکه خانهای آن اوراق را بر کرده (خانه بندی نموده) و توضیح هر فقره را در ستون مخصوصش نوشتند دیگر کارشان با تمام و مقصودشان بانجام رسیده است و برای خزانه دار عذری غیر نادیده وجه مطلوبه باقی نخواهد ماند بهمین ملاحظه از طرف قلم ادارات و دوائر دولتی برای گرفتن نمونههای چاپی با اداره خزانه حمله نموده و در ظرف چند هفته دفتر مرا بپاراد (غارت) کردند بجهت مطالبه مبالغیکه منی بود بر دعاوی و دلایل

بسیار عجیب لازم نیست بیان نمایم که در ظرف مدت قلیلی بر مطالبه کنندگان معلوم و مکشوف شد که صرف آنکه وزیری مطالبه خود را بتوسط اوراق ساده خزانه (که هیچ بدخلیتی در ثبوت دعاویشان نداشت) اظهار نماید سبب یقین خزانه دار نخواهد شد که تمام مطالباتش صحیح و واجب التأدییه می باشد بعضی از آن مطالبات بجودی تعجب انگیز و مضحک بود که ذکرش بی مناسبت نمی باشد مثلاً دو نفر سیاح فرانسوی که در اثنای سیاحتشان بطهران رسیده و با والا حضرت تائب السلطنه هم ملاقات نموده بودند روز دوم ورودشان ورقه مطالبه از وزیر خارجه رسید که بسیار مورت تعجب گردید خواهش نموده بود که حسب الامر والا حضرت مبلغ صد تومان به آن دو نفر سیاح محترم بعنوان عنایت شاهانه و مراحم خسروانه داده شود چون در آن موقع مناسب نمیدانستم که با دولت جمهوری فرانسه بحث و مذاکره مسئله بین المللی پیش بیاید وجه مزبور را پرداختم ولی وزیر مذکور را متنبه نموده که بر حسب قوانین جدید خزانه عنوان موجه قانونی برای تأدییه وجود دوائی لازم است در موقع دیگر مستوفی متین و موفّر وزیر داخله بدیدن من آمده و بعد از اداء تعارفات بسیار صورت مطالبه اراء نمود که با مضامین جناب وزیر مذکور بود ترجمه اش بر حسب ذیل است :- « مطالبه صد تومان باید به سید فتح الله داده شود چرا که از الاغ (دراز گوش) خود افتاده و پایش شکسته است » شخص بدبخت خزانه دار مزبور که به آن صدمه افسوسناک دچار شده بود پس از دانستن اینکه اجنبی نمیتواند مطالبه اش را تسلیم نموده و به بردازد بسیار متعجب و دلگیر شد * در موقع دیگر وزیر دربار با دو فقره مطالبه پیش من آمد یک فقره مطالبه بعنوان « قیسه روغن چینه شاهی شاهی » و دیگر برای فراهم نمودن « گاه بجهت » انوموبیل « اعلیحضرت » آن خواهش باندازه ثقیل و بدرجه بی معنی بود که مرتبه و شئون رسمی من تاب تحمل آن را نداشت این رسم فقط در ایران معمول است که روغن برای شتر و گاه برای « انوموبیل » باید فراهم شود این دو فقره مطالبه جدی و حقیقی بود زیرا که یک قسم روغن مخصوصیست که بدن شتر می مالند که جلد او نرم (یا از مرض خارش و ریختن پشم محفوظ) بیاید و باجزاء و مستخدمین « گراژ » کانسکه خانه شاهی هم مقداری گاه بعنوان عایق داده می شد من آن هر دو فقره را تسلیم نموده و پرداختم * در او آخر سبتمبر که معلوم شد محمد علی میرزا نمیتواند خود را بطهران برساند نقشه (مسیوده) که برای اصلاحات امور مالیه بسیار لازم و مهم بود بکابینه تقدیم نمود *

در انوقت که تمام هم و کلام مصروف باصلاحات مالیه و سرگرم به آنکار بودند اگر به تحصیل تصویب مجلس نائل نمیشدیم بی شبهه احتمال دوچار شدن بمخطر عدم تصویب آن نقشه میرفت در آن موقع باختیار یکی از دو شق مجبور بودیم با صبر کردن تا شش ماه و یک سال برای تحقیق حالت اصلی و تفصیلی مالیه ایران تا قوانین مفصله که حاوی طریقه تحصیل عوارض و ایجاد مالیات جدید و جمع و خرج پولهای عمومی مانی باشد بتوسیم و یا اینکه قانون عام کلی ساده نوشته و پس از تصویب مجلس فوراً بموقع اجرا بگذاریم قوانینی که اختیارات تاهه در مقبول گرفتن مالیات ایران بمخزانه دار بدهد اختیارات شق ثانی طبعاً مشکل تر بود زیرا که در قبول مجموع مسئولیتی و دو پائی جستن در وسط ادارات عدیده غیر منظم بی دیانت خوف این بود که بکرتبه غرق بشویم ولی چون از اول یکی دو فقره تجر به راجع باین گونه امور ذخیره داشتم اختیار شق اخیر را مطابق حزم و مال اندیشی دانستم *

عبارت اخری و ملهای حیات مالیه ایران بسرعتی خارج میشد که اگر تدابیر عملی فوری برای جلوگیری آن کرده نمیشد یا س و ورشکستگی و پریشانی و غارت کوی سر یی هم در طهران و هم در سایر ولایات واقع میگردد (۱) *

لهذا لازم و مناسب بود که در اولین وهله نظارت متدبانه مرکزیه نقود را تحصیل کرده و آن نظارت را رکن و بنیاد اصلاحات آتیه فراردهم و سپس شروع باصلاح ادارات و دفاتر دیگر نموده و برای منع از تقلب و غفلت سعی نمایم و میزان دخل و خرج متدبانه مقرون بصرفه و عقلی بجهت مالیات موجوده معین کنم و بهمین رویه موقتاً کار بکنیم تا قانون و طریقه جدیدی برای نصفیه و تقسیم کلیه محاسبات مالیه وضع شود * پس از آنیکه قانون سیزدهم ترون بتصویب مجلس رسید سعی و کوشش بسیاری

(۱) در ارمه ساله که هنوز اختراع این ساعت حالیه نشده بود مقیاس الوقت یا آلت وقت شناسی ترتیب داده بودند که وقت بتوسط آن معلوم میشد و آن عبارت بود از دو کوی میان نهری متصل بهم که در نقطه اتصالشان سوراخ بسیار کوچکی قرار داده و در یکی از آن دو مقدار معینی « شن » بسیار نرمی « رمل » ریخته که هر وقت کوی شندار را بسمت بالا قرار دادندی در امتداد زمان معینی آن شن ها در کوی دیگر میریخت چنانچه هنوز هم در بعضی از صنایع زمان حال دیده میشود مقصود مصنف از رمل همان شن های « سند واچ » (Sand Watch) مالیه و کتایه از گذشتن وقت است - مترجم *

نمودم که «احترام» آن را بین اهالی داخله و اجانب عوض احترام معتد بهی که از پول و اقتدار و نفوذ و مراتب جرئت در کار بوده معمول دارم هیچ وقع و اهمیتی نسبت به نانوں که حقیقه مجسمه حقوق عمومی بود وجود نداشت در ایران قوانین خصوصاً قوانین مالیه هیچ قابل اعتنا نبود بعد از مدتی مطلع شدم که چند ماه قبل از آنیکه اصلاح امور خزانه بنا محمول شود مجاس قانون «کنتابلیته» (Contabilite) مقتضی و مناسب و فنی اجراء داشته که مأخذ اصلیش از چند فقره قانون مالیه فرانسه گرفته شده بود اگر چه قانون مزبور اسماً از چند ماه قبل جاری بود ولی بکنفر صاحب منصب را نتوانستم پیدا کنم که معنی آن قانون را دانسته یا اقلاً مختصر کوششی در اجراء آن کرده باشد در صورتیکه بوجود آن قانون فخر به و مباحث کرده و با کمال مناسبت و آرامی خاطر بغارت گری خود مشغول بودند *

برای تعلیم و تلقین احترام قانون همین که در تابستان گذشته بر شانی و انقلابات خانه جنگی (جنگ های داخلی) شروع به نسکین گذارد مشغول مالیات املاک اعیان دولت و بزرگان بسیار خائن معروف مثل علاء الدوله و شاهزاده فرمانفرما و سپهبدار کردیم * قارئین از معامله علاء الدوله مسبوق می باشند شاهزاده فرمانفرما هم چون آخر کار دید در باره وصول مالیات املاکش مجدداً و مصرحی باشم نزد هیئت وزراء رفته و خدمات دلبرانه خود را که هم از حیث جنرالی (سرداری) فشنون و هم از حیث وزارت جنگ نسبت بدولت مشروطه مبدول داشته اند کار نمود و پس از اتمام اظهارات خود بگریستن برشانه رئیس الوزراء شروع کرد هیئت وزراء بطوری متأن و متأثر شدند که فوراً مساعله متواضعانه بن نوشته و ایما نمودند که شاهزاده فرمانفرما از تادیه مالیات خود معذور خواهد بود تا از طرف هیئت وزراء تحقیق کاملی در این معامله بعمل آید خود فرمانفرما مساعله مزبور را آورد جواب کفتم یکی از دوشق را باید قبول کنید یا خدمات دلبرانه خود تان را بدولت مشروطه بتادیه بقایای مالیاتی املاک خود تان در روز بعد ثابت و مجرا بدارید و با اینکه مرا بضبط غله ابارهای خود مجبور نموده که شمارا از زحمت حفظ آن آسوده تمام بهیئت وزراء جواب نوشتم که اگر التفات فرموده توجه و هم خود تان را بتصفیه و اصلاح امور سایر ادارات مصروف دارید من خود سعی در جمع آوری و وصول مالیات خواهم نمود شاهزاده قسمت عمده مالیات بدهی خود را در روز بعد پرداخت اگر چه بضبط مقداری کنتم در یکی از املاکش مجبور شدم

مشارالیه از زمان حکومت و سرداری فشنون و عضویت کابینه اش چندین میلیون (دلار) ذخیره و اندوخته نموده بود *

مطلع شدم که سپهبداریك فقره هفتاد و دو هزار تومان از بابت مالیات سال گذشته اش بخزانه دادنی میباشد و در مقابل آن ادعای يك میلیون تومان اظهار مینماید که برای خدمات وطن پرستانه و مصارف تجویز «مجاهدین رشت» که يك قسمت از افواج ملی بوده که در سنه ۱۹۰۹ (بیست و هفتم جمادی الاخر ۱۳۲۷) طهران را از محمد علی انزاع نمودند بصرف رسانیده گفته بود که باید دولت از خدمات او ممنون بوده مشار الیه و اولاد و اسفادش را تاده نسل (پشت) بعد از تادیه هر قسم مالیاتی معاف بدارد که شاید بتواند املاک و سبیه خود را که در شمال ایران واقع است و همپنین خانواده و منتسبین و بسنگانش را از پراکندگی حفظ نموده تا آن سلسله قدیمه باقی و پابدار بماند در این صورت ممکن بود تا دو بیست و پنج سال بعد اولاد سپهبدار مالک بیشتر املاک مالیات بده ایران بشوند عاقبه الامر راضی شد که بقایای مالیاتی خود را به بردارد یکی از فرزندان خود را هم حقیقه فرستاده بود که غله املاکش را برای تادیه مالیات حمل و نقل نموده و با بفرشد که اولتیا نومهای روس شروع شده و تقویت تازه در مدافعه از خزانه دار بسپهبدار بخشید *

در صورتیکه اختیار و اقتدارات قانون سیزدهم ژون بکلی مسلوب و معدوم شده بود هیچ کاری پیشرفت نمیکرد اگر بگویم بوسیله نتایج همین قانون بود که دولت در تابستان گذشته توانست برای سواران بختیاری و افواج دیگر بجهت جلوگیری از محمد علی و سالار الدوله پول فراهم نماید بی جا نخواهد بود و بواسطه نتیجه همین قانون بود که تا درجه قادر بممانعت از حملات بجزیره شدم و الا در ظرف دو هفته تمام مالیه بغارت مبرفت (تمام میشد) نایب السلطنه کرارا گفتند که جنگ و کشمکش های من با مسلك بی باکانه کابینه و طریقه خائنه خوانین بختیاری بود که در ماههای تابستان بیشتر از دو میلیون تومان خزانه دولت را از دست بردوغارت محفوظ داشت علاوه بر معاونت رأی که بدولت نموده بودم در باقی داشتن افواج در میدان جنگ تا زمانیکه باغبان متعزین مغلوب شوند *

در مراجعت از ایران در فوریه گذشته که وارد لندن شدم تمس لندن دقیقه از تنقید اعمال و افعال من فروگذار نکردند و اعتراضات خود را باین ایراد ختم نمودند - که نیابستی

متوقع بوده باشم که دول نظارت مالیه مرا در تحت قانون سیزدهم ژون تسلیم نموده باشند زیرا که ممکن بود قانون مزبور منافی با « اغراض و منافع مخصوصه » ایشان بوده باشد این احتمال در صورتی متصور است که در قانون مزبور نکته یا ابهامی بوده باشد که مضر باغراض مالیاتی یا غیر مالیاتی دول اجنبیه بوده و یا بتواند بود آن تنقید بکلی برخلاف واقع بود زیرا که فروض دولت ایران بدول اجنبیه بواسطه معاهدات و فرار دادهای رسمی که فیابین قرض دهندگان منعقد شده که لا محظوظ بود و هیچ قانونی بهیچ طریقه و عنوانی نمیتوانست اعتبارات آن فروض را ضعیف نموده و یا تصانی برساند *

مقصود اصلی از تعیین نظارت فوق العاده مالیه در ایران این نبود که تغییری در ضمانت با وثیقه های استقرضات اجانب بدهد بلکه برای قدرت و تقویت دادن خزانه داری بود که بتواند تقلبات عمومی را که ما بین خود صاحب منصبان ایرانی بود جلوگیری نموده و قلع و قمع نماید تا بتواند عایدات داخلی دولت را وصول کنند فی الحقیقه قانون مزبور بهترین وسیله بود برای ازدیاد اعتبار آن استقرضات که اگر وقتی اعتبار و ضمانت آن فروض کافی نباشد از مالیات عمومی و منافع عایدات دولتی تأدیه شود *

بعبارت اخری تعیین نظارت متفذه مالیه راجع بامور مخصوص داخلی بود و هیچ علاقه و ارتباطی با استقرضات خارجه نداشت مگر اینکه اعتبارات و محافظت مراتب آن فروض را زیاده تر میگردانید اگر همچو قانونی وضع و مجرا نمیشد بدون شبهه هیچ قسم اصلاح و ترقی در امور مالیه ممکن نبود و همچنین خزانه دار کل و معاونین امر بکایش نمیتوانستند دفاع بی نتیجه از خیانتهای « پارسی » صاحب منصبان دولتی بکنند همان صاحب منصبانیکه بجز استعمار هرج و مرج و ویرشانی امور سابقه مالیه غرض دیگر مراکز خاطرشان نبود *

در اقتدار نظارت مالیه ایران ولو بهر درجه هم که کامل بود راهی نبود که بدان وسیله بتوان اثر یا نفوذی در فروض خارجه نمود مگر اینکه سبب زیادتی اعتبار عموم مطالبان نشان میگردد *

از تجربه هائیکه صاحب منصبان و اعضاء اجنبیه مالیه سابقاً تحصیل نموده بودند بجویی واضح و آشکار بود که در صورت فقدان قدرت و سلب اختیارات و واقع شدن در تحت نظارت یکی از صاحب منصبان طبقه اعلائی که بی در پی بعنوان عضویت کابینه یا ادارات دیگر خود را مالک خزانه دانسته و بسرعت تغییر می یافتند چقدر غیر ممکن خواهد بود که بتوانند نقشه و تدابیر عملی خود را ترقی دهند *

۴۴۱۲، ۲۴

اگر چه هیچگاه بودجه به ترتیب جدید در ایران ممول نبود ولی پس از اندک زمانی از شروع بکار ملتفت شدم که در صورتیکه تمام عوارض و مالیات داخلی وصول شود خزانه سالانه شش میلیون تومان کسر خرج خواهد داشت چون از سال قبل چیزی (صورت حسانی) موجود نبود که از او معلوم شود که بیشتر از خمس مالیات که روی هم رفته نقلاً و جنساً سالانه پنج میلیون تومان میشد بحکومت (ریاست) مرکزی فرستاده پس بزودی میزان کسر خرج سالانه از شش به یازده میلیون میرسید (یعنی اعضاء خائن مالیه چون صورت حساب صحیحی در بین نبود این پنج میلیون عایدی خزانه را هم جزء کسر خرج قرار داده و بمصارف دیگر میرسانیدند و یا اینکه بی ترتیبی امور و اهمال کار پیاشان کار را بجائی میرسانید که این مبلغ قبیل وصولی خزانه هم جزء لا وصول و در ردیف کسر خرج بشمار می آمد در این صورت کسر خرجهای سابق و لاحق جمعاً به یازده میلیون میرسید مترجم) مگر اینکه بتوانیم قسمت عمده مالیات را وصول نمایم *

از طرف دیگر مبلغ هائیکه (حقوق و مواجب ماهانه) وزارتخانههای مختلفه پیشنهاد و مطالبه میکنند مبالغ بزرگ و تأدیه اش فوق الطافه بود یعنی نه اینکه برای ریاست مقتدری زیاد بود بلکه از این حیث که از اکثر شعب ادارات موهومی فرضی که فقط اسمی از آنها باقی بود فایده برای ملت متصور نبود پس تدابیر منقنی لازم بود برای مسدود کردن و التیام دادن آن شکاف و سببی که مابین مالیات حقیقی که از هر مأخذ بدولت عاید میگشت و مخارج عمومی واقع شده بود (یعنی تناسب صحیحی بین جمع و خرج رعایت شود) مترجم *

پسین ملاحظه از اول « پروگرام » موهکده مقرون بصره برای جمیع شعب مرکز و ولایات پیشنهاد مجلس نمودم که متناسب با خدمات موهکده باشد چندین ماه زحمت کشیده سعی نمودم که وزراء مختلفه را مجبور نمایم تا بودجه ساده برای ضروریات خودشان ترتیب دهند که در رد و قبول مطالباتیکه بخرانه اظهار مینمودند بمنزله دلیل و راهنا (ماخذی) برای من باشد ولی عموماً به بهانه های چندی متمسک شده و اهمال میورزیدند تا اینکه من عاجز و متفر شده و از این خیال منصرف گردیدم و در اداره خود میزان مخارج ماهانه فرضی بجهت احتیاجات و ضروریات لازمه هر یکی از وزارت خانههای مختلفه معین نمودم و بدون هیچ اعتنائی بوقع و عظمت شکایات یا فشار هائیکه برای مطالبه وجه داده میشد از میزان مقروضه تجاوز نمی نمودم آخر کار نمونه بودجه

برای وزارت جنگ که بیشتر از همه شکایت و تهدید بشورش نموده و مقصر بود ترتیب دادم و ثابت نمودم که ممکن است با دو میلیون تومان سالانه قشون و افواج کامل منظمی که عبارت از پانزده هزار نفر باشد مرکب از پیاده و سواره و لوبخانه ترتیب داده در صورتیکه مواجب و حقوق نایب و صاحب منصبان آن بیش از آنچه که حالیه به آنها میرسد بوده باشد ولی میزان سالانه که وزارت جنگ مطالبه مینمود هفت میلیون تومان بود آنهم در حالتیکه در تمام مملکت نمیتوانست پنجم را تقریباً غیر منظم گرفته و برهنه را نگاهدارد ادله و شواهدیکه در اثبات افراط و تفریط و تقلب وزارت جنگ اقامه نموده بودم بجدی کافی و مسکت بود که هیئت وزراء مجبور شدند میزان بودجه تخمیناً سه صد و بیست و پنج میلیون را در آن زمان بمسند جنرال وزارت جنگ متعین و کراراً وعده مجرا داشتن بودجه مرا نموده بود چون در انتظار ایل و طایفه بول دوست خود و همچنین پیش دوست قدیم ما امیر اعظم که معاونت وزارت مزبور را داشت متاثر و خجل بود از صدور احکام لازمه بجهت اجراء و معدول داشتن آن بودجه ابا و امتناع ورزید نتیجه آن حرکات این شد که من هم از تأدیه و جوجه بروات اداره مرکزی وزارت جنگ تمناش نموده و قرار دادم اتوایی که در سر باز خانهای طهران حاضر بودند مواجب خودشان را بدون مداخله وزارت جنگ مستقیماً از مستوفی خزانه دریافت دارند در فرست حقوق اداره نظام اسامی هیئت بیست نفر تا نایب را دیدم که تقریباً بقدر صد نفر میشدند بعنوان مختلفه مثل «جنرال آجودان صاحب منصبان طبقه اعلیٰ مستشاران مشافان ماهر مدعی العموم معلمین پروفسر های نظامی» ایشان نه فقط کوشش و جدو جهد مینمودند که ماهانه معادل چندین ده هزار «دالر» بعنوان مواجب بگیرند بلکه بزرگترین مورد تقابل بودند تمام آنها در اداره نظام قسم خورده بودند که مراتب نمایند و افواج را ترغیب بشورش مینمودند ولی چون این اولین مرتبه بود که افواج مواجب تمام و کمال خودشان را بدون اینکه دیناری از آن کسر شود از خزانه میگیرند شورش واقع نشد *

طریقه ثانویه که برای تناسب بین مداخل و مخارج لازمه سالانه هیئت وزراء تقدیم نمودم مالیات و عوارض در تعیین و اخذ اختیار قوانین جدیده ذیل بود *

اولاً اضافه مالیاتی بر تریاک بود اگر چه وضع و اجراء این قانون در ایران علی الظاهر تحمیل و بسیار سنگین مینمود ولی در معنی و حقیقت ابداً شاق نبود و از اجراء این

قانون مقدار زیادی بر مالیه دولت افزوده میشد و تا حد وسیعی هم جایز و بسزا بود و بدون هیچ گونه مخارجی بتوسط همان اداره گران خرجی که برای نظارت تجارت تریاک (اداره جدید) تشکیل شده بود مبلغ خطیری وصول میشد *

ثانیاً اضافه مالیاتی بجهت مسکرات بود که در تحت نظارت اداره بعنوان وظایف بلیس وصول شود زیرا که تعیین هیچ مالیاتی عتاً و رسماً از طرف مجلس (۱) ممکن نبود * ثالثاً مالیات جدیدی بدخانیات قرار داده شود یعنی از هر يك من (۲) تریز تمباکوئی (۳) که در داخل مملکت بعمل آید يك قران (معادل بانه سانت امریکا) خراج گرفته شود بعلاوه اضافه مالیاتی بر مقام سیگار و سیگارها و اقسام مختلفه نوتون افزوده شود * رابعاً نسخ قانون عوارض روده و گرفتن يك قران باج از لاشه ذبیحه های کوچک مثل گوسفند و بره و غیره (۴) و باج بیشتری برای ذبایح بزرگتر مثل گاو *

خامساً نرمیم قانون عدلیه راجع به نمرهای اسناد بقسمی که مشتمل و جامع جمیع اسناد و بروات تجاری و معاهدات و قراردادها و قبوض و غیره باشد * سادساً تحصیل رضایت دول خارجه برای نرمیم نعرفه گمرکات بزیاد کردن آن و تغییر دادن قانون گمرکی را راجع بمنع گرفتن کدرك در داخله *

سابعاً نقشه و تدبیری برای خوبیدن و قطع نمودن وظایف و مستحری هائیکه تقریباً سالی سه میلیون دولت بطبقات مختلفه میداد یعنی دولت وظایف مزبوره را بوسیله اسناد خزانه بموعده چهل سال بخرد و منافع سالانه آن سهام را به نرخ صدی پنج قرار دهد و سهام بتوسط چک باسم حامل باشد و مقدار ربع قیمت اسناد در هر صد تومانی باید به نسبت بیانه متحرکی (۵) یعنی میزان مختلای باختلاف مفاد بر اصل وظایف هر صاحب وظیفه باشد *

- (۱) چون مذهب رسمی ایران اسلام و بموجب آن استعمال هر قسم مشروبات حرام و ممنوع بود مجلس بوسیله هیچ قانونی نمیتوانست عوارضی برای استعمال مسکرات تسلیم نماید
- (۲) من تریز معادل با شش پوند انگلیسی و يك خمس پوند می باشد * مترجم
- (۳) از این تا کسی «خراج» جدید ممکن بود سالانه معادل يك میلیون و دویست هزار تومان عاید خزانه شود *
- (۴) عوارض روده بعد از تحمل مخارج و خسارات و زحمات فوق العاده جنساً عاید دولت میگردد *
- (۵) توضیح این جمله در چند صفحه بعد ذکر خواهد شد — مترجم *

ثانیاً يك استقراض چهار میلیون لیره برای دولت لازم بود که قسمتی از آن باید بمصرف تأدیه طلب بانك روس « که تقریباً معادل يك میلیون و يك صد هزار لیره است » برسد و باقی آن برای بناء و اصلاح امور عام النفع مالیات افزا بمصرف برسد و هیچ مقداری از آن وجه نباید بمصرف مخارج جاریه (۱) دولت بکار برده شود *

بعاونت وجه استقراض فوق اصلاحات عمومی مالیات آور « مولد مالیه » ذیل انجام میگرفت « کدستر » (Cadastre) مساحت اراضی سرشماری سر سرانه « تقریبی » از نفوس ولایات و ایالات برای تعیین میزان متناسبی بجهت مأخذ مالیات تعیین مساحتی از جنگلها و معادن و اراضی و خالصه و تعمیر سر باز خانه و خریدن اسلحه برای ژاندارمری خزانه ترمیم و اصلاح جاده های موجوده احداث بعضی شوارع و طرق مهمه جدید ترتیب و مسائل آب رسانیدن بتقاط مختلفه ولی ضمناً این نکته را هم باید در نظر داشت که معمول داشتن تدابیر سابق الذکر باعث ايراد و اعتراض مردم میشد که دولت مشروطه خدمت عام المنفعه مفیدی بملت نکرده است *

(۱) اگر دولت ایران اسناد این استقراض چهار میلیون لیره را نرخ هشتاد و هفت و نیم در هر صدی تحصیل مینمود چنانچه استقراض يك میلیون و دو بیست و پنجاه هزار تومان هم بهمین نرخ بود معادل سه میلیون و پانصد هزار لیره عاید دولت میگردد در صورتیکه قیمت هر لیره را پنج تومان و خمس تومان دو « قران » فرض کنیم هیجده میلیون و دو بیست هزار تومان میشود پنج میلیون و شش صد و هفتاد هزار تومان برای تبدیل « تأدیه » استقراض بانك روس لازم بود و دوازده میلیون و پانصد و سی هزار تومان باقی می ماند من قصد کرده بودم که مبلغ باقی را بمصارف ذیل برسانم *

برای « کدستر » مساحت اراضی زراعتی بانضمام سرشماری سر سرری و تعیین مساحت اراضی جنگلات و معادن و اراضی خالصه سه میلیون و پانصد هزار تومان برای تدابیر آبرسانی و آب یاری اراضی لم یزرع دو میلیون تومان بجهت تعمیر و ترمیم شوارع و جاده های شوسه چهار میلیون تومان مصارف تعمیر سر باز خانه و اسلحه بجهت ژاندارمری خزانه يك میلیون و پانصد هزار تومان که جمعاً معادل با یازده میلیون تومان میشود و يك میلیون و پانصد و سی هزار تومان هم برای مخارج متفرقه باقی می ماند در عرض مدت سه سال از اجرای تدابیر مر بورد مستقیماً یا مع الواسطه بین شش و هشت میلیون تومان سالانه عاید دولت میگشت *

و نیز این فقره را هم سفارش نمودم که دولت باید قانونی برای تسهیل کشیدن راه آهنهای ذیل در اوقات مقتضیه « و با دادن امتیازات مناسبه برای کشیدن آن خطوط » ترتیب دهد که بتدریج یا بکرتبه شروع شود *

اول خطی از محمره به خرم آباد و از آنجا تا همدان دوم خطی از خانقین بکرمانشاهان و از آنجا نیز تا همدان سوم خطی از همدان بقره وین چهارم خطی از بندر عباس بکرمان و برد و از آنجا تا طهران و شعبه از آن به اصفهان خط پنجم از بوشهر تا شیراز و اصفهان خط ششم از جلفا و تبریز تا زنجان و قزوین و طهران و شعبه از قزوین به بنا در بحر خزر هفتم خطی از زنجان بهمدان خط هشتم از بندر عباس تا شیراز *

و همچنین تاکید نمودم بجهت وضع « و اجرای » قانونی برای منع و جلوگیری عمومی از احتکار غله و سایر مایحتاج معاشیه مردم *

بطور تخمین معین کرده بودم که از اجراء قوانین مالیات و عوارض فوق ممکن بود سالانه مستقماً و حتماً پنج میلیون تومان اضافه مالیات بدولت برسد در صورتیکه هیچ گونه تحمیل و تکلیف شافی هم بملت وارد نمیشد *

علاوه بر این سالی دو میلیون تومان هم بواسطه خریداری و قطع وظایف منفعت و پس انداز دولت میگشت *

سی ام سنه ما بر « ششم شوال ۱۳۲۹ » هیئت وزراء جمیع تدابیر و نقشه اصلاحات مرا تصویب نموده و خودم هم مشغول بترتیب دادن مواد قانونی لازمی بجهت تقدیم مجلس بودم که او ایاتوم های دولت روس شروع شد *

مسئله وظایف یکی از ادله غریبه بر بنی نظمی مالیه ایران می باشد که دولت بموجب دفاتر غیر منظم از منته مختلفه وزارت مالیه مسئول و مجبور بود هر ساله تقریباً بصد هزار نفر اشخاص مختلف الحال تقداً و جنساً معادل سه میلیون تومان بدهد *

قسمت عمده آن وظایف بسیار غریب از ازمینه سلاطین سالقه ارتقا بدولت مشروطه منتقل شده بود و بعضی وظایف را هم مجلس بعلماء و سائرین اعطاء نموده بود یعنی بکسانیکه نسبت به تحریکات ملی خدمت نموده و یا بورا کسانیکه در راه پیشرفت مشروطه جنگیده و کشته شده بودند *

در ازمینه سابقه اگر کسی سلطانرا در موقع مقتضی بواسطه اشعار یا لطیفه های نفیز خود مسرور میساخت و یا یکی از درباریان سنایش و تجیدی از پادشاه مینمود فوراً

مالیات يك یا يك (در جن ده) در باره مباح بعنوان عطیات خسروانه اعطاء و مبدول
 میشد و یا اینکه اسم اشخص را در فهرست اسامی در بار بیان داخل نموده و فلان قدر
 صد یا هزار تومان یا فلان مقدار خروار کندم یا جو یا گاه بعنوان وظیفه سالانه در حق
 او بفرار میگشت و بعض اوقات هم کسانی که مصدر خدمات حقیقی عمومی بوده وظیفه
 می یافتند تمام پیشخدمت شاه دارای وظایف موروثی بودند که از آباء و اجدادشان باری
 به آنها رسیده بود تمام اعیان و ارکان دولت موظف بودند هیچ ولایت یا ایالتی نبود که
 فهرست و دفتر مخصوص وظایفی از خود نداشته باشد بی شبهه طهران از همه ولایات بیشتر
 وظیفه خور داشت و نه عشر (نه دهم) کامل وظایف مزبوره تغلب خالص بود *
 دولت مشروطه بهیچ قسم نمی توانست همه یا قسمت عمده از آن وظایف را امضاء و
 مسلم بدارد ولی وزراء مالیه از مننه مختلفه برای جلب خاطر مردم و حصول مقبولیت عامه
 یا بتلاطمه منافع شخصی خود آن وظایف را فوراً امضاء و قبول مینمودند چون بروات
 وظایف سالانه با احتیاط و دقت تمام صدور می یافت و بعد از تحمل زحمت و مشقت
 بسیار ممکن میشد که در خزانه تبدیل به نقد (یعنی وجه آن وصول شود) صاحبان وظیفه
 برایگان همیشه برای کسر و تخفیف وظیفه خود حاضر و راضی بودند اکثر اتفاق افتاده
 است که مقدار اصلی وظیفه خود شان را از قرار صدی پانزده (تومانی سی شاهی) می فروختند
 عده از صرافان جزه و بعضی اوقات هم تجار معتبر بودند که بروات وظایف را تقریباً بهیچ
 خریدی و برای وصول و محصلین « وصول کنندگان » کار آزموده وظایف می خریدند
 محصلین موصوف پس از آنکه مقدار معتد بهی از آن بروات را جمع میکردند عده از زنان
 و مردان هربشان بسیار فقیر بینوا را اجبر می نمودند که اطراف تحویل خانه خزانه ایستاده
 و آه و ناله و فریاد بکنند و بسینه های خود کوبیده و موهای شانرا کنده و بر خاک
 بغلطند مثل اینکه (از گرسنگی) ضعف نموده اند در آن حال قبوض و بروات را بیچانپ
 آسان باند نموده دعا و التماس میکردند که خداوند خود و اطفالشان را از فاقه نجات بخشد
 بعضی از زنها هم اطفال کوچک را با خود آورده مادر طفل خود را بر زمین می انداختند
 مثل اینکه از شدت فاقه و گرسنگی در شرف موت اند در صورتیکه آن « آکترها و
 آکتر بسها » روزی بچند پول اجیر شده بودند که آن منظره را نمایش دهند *
 ولی وزراء مالیه بی پروا بتماشای آن گونه مناظر عادی شده و ابداً اعتناء و توجهی
 به ایشان نمی نمودند مگر در صورتیکه احتمال (شلوقی) شورش سختی میرفت *

تأدیه آن بروات وظایف و مستمریات بابت همان سنه جاریه و سنوات ماخیه از
 جمله وظایف و تکالیف مخصوصه و افتدارات لطیفی بود که از حیث خزانه داری کل قسمت
 و نصیبه من شده بود *
 چند نفر وزیر مالیه از مننه مختلفه بودند که با کمال سهولت بروات مزبوره را بقیمت
 هر « دالری » بیست سانت (تومانی دو قران) خریدی و منتظر موقع مناسب بودند که
 هر وقت از حسن اتفاق چند هزار تومانی در خزانه جمع شود مقدار اصلی آن بروات را
 محسوب و دریافت دارند ار نکاب آنگونه فیاج و تقابلات سبب بدنامیشان شده بود حتی در
 خود ایران (که آن قسم کارها را باعث بدنامی نمیدانستند) اسباب بصدآ آمدن سایر
 وزراء و صاحب منصبان دیگر که در آن کار شریک نبودند میشد *
 هیچ امیدی نبود که آنقدر پول فراهم شود که بتوان آن وظایف را پرداخت بقدری
 ما بین مردم اغراض و مخالفت با نسخ وظایف بود که تجلس نتوانست اقدامی نماید *
 چون نسخ و قطع وظایف بکرتبه ممکن نبود من ان نقشه استخلاص وظایف و مسوده
 قانونی که حاوی خیالاتم بود مرتب نموده و بدولت تقدیم داشتم ولی هیئت وزراء نقشه
 مزبوره را ملتوی و موقتاً اجراء آن را بناخیر انداختند در حالتیکه جزه ان نقشه را
 بنظر و کلا رسانیده و مشغول مذاکرات موافقانه بودیم که طوفان سیاسی شروع بحرکت
 نمود « استانتیک » کالی لازم بود که پایه ان نقشه را بر نیاید صحیحی بگذارد *
 مختصر اینست که باید دولت وظایف را پس از امتحان صحت باسناد خزانه بخرد معادل
 مبلغی که منفعت سالانه اش از قرار صدی پنج معادل با نصف مبلغ وظیفه اصلی باشد در
 صورتیکه مقدار وظیفه جرنی باشد که پس از انقضای چهل سال اصل آن مبلغ پرداختی شود
 ولی در صورتی که مقدار وظیفه زیاد باشد باید بمقداری خریدی شود که سود سالانه آن
 باختلاف موارد (یعنی نسبت بکم و زیادی مقدار وظایف) تا باریع میزان اصلی مطابق
 شود « مثلاً کسیکه سالانه صد تومان وظیفه یا مستمری داشته باشد دولت وظیفه او را
 بمقداری از اسناد خزانه بخرد که منفعت سالانه اش از قرار صدی پنج مبلغ اصلی باشد
 یعنی معادل وظیفه ده سالش که هزار تومان باشد بخرد که سودش بترخ صدی پنج پنجاه
 تومان که نصف اصل وظیفه میباشد و وظایف یا صد تومانی را بترخ صدی چهار بخرد که
 سود سالانه اش دو بیست تومان و معادل با دو خمس وظیفه اصلی میشود مقررهای هزار
 تومانی را ده هزار تومان خریداری نماید که ربع صدی سه سالانه اش سیصد تومان

و معادل یا کمتر از ثلث وظیفه اصلی باشد و مستمریهای دو هزار تومان نیز به بیستمزار تومان بخرد که سود سالانه اش از قرار صدی دو و نیم پانصد تومان که معادل با ربع وظیفه اصلی شود و در صورت زیاده و تقصیر مقدار وظایف از مقادیر مقرر شده فوق همین نسبت مقدار نرخ و مبلغ تغییر پذیر خواهد بود از بیگانه شهید راه حریت مرحوم صنیع الدوله رئیس دوره اولیه دارالشورای ملی که روانش شاد باد گزرا همین خیالات عالیله و نقشه های استخلاص دولت از نکتت و حصول امنیت و آسایش عمومی و از بداد ثروت و رواج تجارت و تکمیل زراعت و توسعه صناعت و اشاء معارف شنیده شد و در مجالس عدیده باذیه محسوسه نتایج و صحت بنیاد فقرات مزبوره را هم مدآل و ثابت داشته بایه هوش و ذکاوت و علم و فضل و دیانت و اخلاق و وطن پرستی آن راد مرد مسلم خودی و بیگانه و برتر از حد بیان و تحریر است نهایت آنکه ایشان مستر شوستر ایرانی بودند بعضی از مواد فوق را هم برای مزید اطلاع عموم طبع و مجانا اشاعه دادند ولی ۱۱۱ « گوش اگر گوش من و ناله اگر ناله ... » - مترجم *

لازم بود دولت معادل بیست و یکلیون و پانصد هزار تومان اسناد خزانه شایع نماید که ربع سالانه اش (به نرخ صدی پنج) یک مایون و هفتاد و پنج هزار تومان میشد در عوض سه ملیونی که باید سالانه بموظفین بدهد دولت بکمال سهولت میتوانست مسئولیت این ترتیب جدید را بعهده گرفته اتمت و قیمنی با اسناد خزانه بدهد که هیچ گونه بی انصافی و ظلمی هم در حق صاحبان وظایف نشده باشد زیرا که به استثنای اشخاص منتفد و مقتدر و کسانی که قمار مجهول نتیجه (که پول نقد خود را به امید نفع موهوم صرف مینمودند) در تحصیل و وصول وظایف به هیچ وظیفه خواری بیشتر از ثلث با ربع وظیفه اش غیر رسید و باقی بجهت اشخاص واسطه و محصلین میرفت *

یک فایده دیگر که در اجراء نقشه فوق متصور بودی این بود که مقدار کثیری اسناد دولتی در معاملات ایران رواج می یافت چه که اسکاس (نوت های بانک) و مسکوکات نقره کلیه برای معاملات و احتیاجات داد و ستد کافی نبود *

و در بعضی صور خرج حمل و نقلی پول های ایرانی از طهران بشهرها و مراکز ایالات و ولایات داخله از صدی هشت تا صدی یک کمتر میشد و علاوه بر این دولت مجبور بود که خسارت (تاوان) ضرر اسکاس ها بیکه با بست حمل و نقل و مفقود می شد تحمل نماید و « همچنین پولها بیکه بانکها از جای بجای حمل و نقل می نمودند در صورت مفقود

شدن دولت مسئول نادیده خسارنش بود * مترجم »
 رواج آزادانه آن قسم اسناد خزانه باعث اعتماد و اطمینان مردم و جاری شدن اسناد دیگر میشد و به بعضی اعتبارات در مواقع بلتیکی هم کاپیش در بازارهای خارجه بفروش می رسید *

تعرفه موجوده گمرکات یادگار بنسندیده است از صداقت و خلوص همسایه شمالی ایران چون نرخ و مقادیر گمرکی آن بین دولت ایران و دول اروپا معین شده بود بدون رضایت ایشان تغییر پذیر نبود فهرست های تعرفه مزبوره در زمان مسیونوز صاحب منصب و رئیس باجیکی گمرک ترتیب یافت مسیونوز با اینکه مستخدم ایران بود در تحت حمایت دولت روس بلکه یکی از مأمورین و کاشانگان آن دولت بشمار میرفت چنانچه سایر هموطنانش مستخدم در ایران هم دارای همین شرافت می باشند بک شاهد میلان روس دوستی مسیونوز اینست که تعرفه جاریه را بقسسی ترتیب داده بود که بکلی بر خلاف صرفه و صلاح و مضر بخواهد ایران است و بجدی بمنافع و اغراض روس مفید می باشد که در نظر کسانی که « ایرانیان » برای آنها ترتیب داده شده بود از مخوس ترین و بی حاصل ترین تعرفه های عالم بشمار میرفت *

نقص بزرگ آن تعرفه « و حال آنکه حاوی منافع روس و ضرر و خسارت ایران بود » این است که بجدی از اندازه اعتدال خارج است که مخارجی که برای محافظت از قاچاق سرحدات اداره گمرک تحمیل شده خیلی بیشتر است از گمرکی که از آن امکان بدولت و اصل میشد (۱) در صورتیکه نرخ گمرکات بالمضاعف شود موافق و اعتدال انصاف

(۱) وقتیکه استاتسبک واردات و صادرات سنه ۱۹۰۹ مراجعه شود میزان اعتدال تعرفه بخوبی مشکوف خواهد شد کلیه واردات و صادرات در آن دو سال با هشتاد و یک ملیون و سیصد و نود و پنج هزار و چهار صد و هفتاد تومان « ۸۱۳۹۵۴۷۰ » و گمرکی که از آن عاید دولت گردیده بود سه ملیون و شش صد و سی و چهار هزار و سی و دو تومان « ۳۶۳۴۰۳۲ » بود که کمتر از صدی چهار و نیم باشد * صادرات و واردات اتمعه روسی و ایرانی « یعنی اتمعه که از ایران بروسیه و از روسیه به ایران حمل و نقل میشد » در آن دو سال موازی چهل و هشت ملیون و نه صد و ده هزار و چهار تومان « ۴۸۹۱۰۴۰۴ » بود که بیشتر از نصف کل است * نرخ گمرکی اتمعه و مال التجاره روسی بشمار کم و نا قابل است * « بزرگترین اتمعه روس که با ایران وارد میشود شکر است که گمرکش صدی سه می باشد و همچنین نفت تصفیه شده » که گمرکش صدی نیم می باشد *

کامل و صرفه حقه تجارت چه داخله و چه خارجه بوده و بکمال سهولت عایدات منظم ثابتی بدولت تواند رسید بلی این تعرفه که مانند آوار بسمت بی نجر به و خوش باور ایران فرود آمد نتیجه مشورت با مستشاران اجنبیه مایه بود اعتراض شخصی آن مستشاران عوض اینکه صرفه و صلاح ملتیکه آنها را مستخدم کرده بود بکار برده شود توجه ملت را بطرف دیگر معطوف داشت (کردند هر چه را که خواستند) ترتیب تعرفه مزبوره در تحت ریاست مسیو نوز شاهد خوب و دلیلی متقنی است برای اثبات «جوهر خه وصیت و روح حقیقت» دوستی که حکومت بطر سبرگ از یازده سال قبل به این طرف بجالاکی بعنوان موجبات از دیاد تعلقات و روابط با ضعیف ترین خواهر خود ایران اظهار مینمود ان تعرفه که فقط برای از دیاد منافع و صرفه دولت روس ترتیب داده شد کویا دولت انگلیس را با اینکه چشمهایش برای جلب فواید تجارته باز و گشاده بود و از هر طرف مواظب حفظ صرفه و صلاح خود بود بغفلت انداخت یعنی چشمهایش را بست چون انگلیس ها مسیو نوزی از خودشان نداشته و با مرض کمی اقتدار و نفوذ مبتلا بودند مجبور شدند که آن قدح دوائی جوشانیده تعرفه را که روسها سرب و بدست آنها داده تا در دو فطره آخر سر کشیده و نوش جان فرمایند نتیجه این شد با اینکه همه اعتراف و تسلیم دارند که تمام اقسام امتعه و مال التجاره روسی با استثنای خاویار «تخم ماهی» بست نرو و ناقابل ترین امتعه ها است با این حال تجار روسی کلیه تجارت نصف تمام نقاط شمالی ایران را به تصرف خود در آورند این تفوق و غلبه تجارت روس بر تجارت سایر ملل بواسطه پیروی نمودن از آن مسلک بوسیده و طریقه مندرسه قدیمی روس است که امتعه که از اروپا به ایران حمل و نقل میشود سر بسته «بدون گمرک» اجازه عبور ندهد * تقریباً شیخ یک از دول متمدنه همچو مسلکی را در باب عبور مال التجاره از مملکت خود نصفانه رعایت نموده اند وجود چنین مسلک در روسیه مستلزم این شده که مال التجاره را از راههای دور و دراز و طرق صعب العبور و خطرناک کاروانی از بنادر خلیج فارس حمل و نقل نمایند تجار امتعه انگلیسی و اتباع خارجه اگر بخواهند مال التجاره خود را از روسیه عبور داده بشمال ایران وارد نمایند چاره برای ایشان جز این نیست که بار گران گمرک روس و تأخیر و تعطیلات مأمورین گمرکی روس را تحمل نمایند *

بسیار جای تعجب است که دولت روس از اختیار همچو مسلک ظالمانه جا برانه و خود

خواهانه خطای خود را ملتفت نشده است یکسال با جندی قبل دولت روس دفعه مائفت شد که یکی از امضاء کنندگان معاهده بست بین المللی خود اومی باشد بموجب معاهده مزبوره بسته های پستی «کلی پستال» که از روسیه «یا سایر ممالک چنانچه همه جا معمول است» عبور می نمایند باید سر بسته گذشته و از حقوق گمرکی معاف باشد نتیجه این سهو نظر و خطائیکه از روسها سر زد اینست که امروز مقدار عمده مال التجاره «اروپ» بصورت «کلی پستال» از روسیه عبور نموده و روز افزون وارد ایران میشود این مسئله بیشتر اسباب تغییر و شرمندگی مأمورین و تجار روسی شده است *

از سی سال قبل باین طرف بقدری خسارت و نقصان بتوسط اجانب به ایران وارد آمده که امروز در های معاهدات و اختیارات تعیین شروط آن و استقراض یا حق اعطای امتیازات و اتحاد بکلی برویشان مسدود و اختیار ایشان مسلوب گردیده است همه آن حقوق به امضاء سلاطین و وزرای متقلب خود خواه از ایشان ساقط شده است برای اینکه در ضرر و نقصان ملت پرهیزکارهای خودشان نائل شده باشند روسها همیشه دلال هرزگیهای سلاطین ایران بوده و همیشه به آن سیاه مسلمان «بد مستها» مدهوش شرابهای «رم» می بینموده تا حقوق موروثی خودشان را بر اینگان بفروشد اثرات از دیاد نفور اجانب از این روش شده که امتیازات بی دریغی از دولت گرفته تا حدیکه تمام منابع و سرچشمه های منافع و عایدات دولتی را به فسخی بروی ایرانیان بستند که امروز دولت ایران قدرت بحاجت منافع قلبی هم از ملک خود ندارد *

شروع مملکت فروشی از زمان انحصار معروف دخانیات در سنه ۱۸۹۱ میلادی «مطابق ۱۳۰۸ هجری» شد از آن به بعد امتیازات راههای آهن و معادن و نفت و غیره و استقراضات منوالی بود که واقع میشد اگر ایران بخواهد یکی از ابواب ترقی را بروی خود مفتوح سازد فوراً فرامین سلاطین سالفه را بیرون آورده و دولت را از مداخله در ستفوق حقه خود محروم و ممنوع ساخته و دعاوی ملیونها که از حد احصاء خارج باشد بر خلاف اقدامات دولتی اظهار می نمایند رعایا و اتباع دولت روس هرگونه ادعائی بکنند حق خواهند داشت زیرا که دولت روس حمایت آشکار و کک های رسانه از دعاوی اتباع خود میکند یکی از معاذیر و شروطیکه دولت روس برای منع از وقوع استقراض چهار میلیون «لیره» اظهار نمود و من راضی نشدم این بود که بانک استقراضی روس در

طهران که شعبه بانک دولتی روس است باید حق نظارت در مصارف آن وجه استقراض داشته باشد تصویب نمودن دولت ایران آن رای را مثل این بود که روس را به سلطنت و حکمرانی ایران دعوت کرده باشد *

و فتنه شروع با اصلاح امور مالی نمود علاوه بر چهار صد و چهل هزار تومانی که خودشان بعنوان مساعده استقراض پیشگی گرفته بودند. امور بین ادارات بزرگ مرکزی و ولایتی هم چند ماه بود که حقوق نگرفته بودند و نمایندگان (۱) «دپلوماتی» ایران هم که در مالک خارجه بودند سالها بود که مواجب به آنها نرسیده بود و از ایشان متوالیا مکتوبات جانگداز و اظهارات دغراش میرسید که در «اروپا» گرفتار پریشانی شده و کبر کرده بواسطه الودکیایشان نمیتوانند خود را به ایران رسانند و فقط جنبه وحیثیت «دپلوماتی» شان آنها را از حبس و توقیف شدن محفوظ میداشت *

اگر چه برای معاودت دادن اعتبار از دست رفته ایران بین اجانب سالها لازم بود ولی با این حال نهایت کوشش و اهتمام را نمودم که در تمام مدتی که رتی و فتی امور مالی

(۱) وقتی که شروع بکار نمودم یک دینار نقد در خزانه دولتی موجود نبود و مبلغ غیر معینی هم برای نادیه «کها و حواله جات دولتی و بروات خزانه و غیره که وزیرای سابق و لاحق صادر کرده بودند لازم بود * با وجود جنگ داخلی که از ابتدای سنه ۱۹۱۱ میلادی «مطابق سنه ۱۳۲۹ هجری» در کار بود در صورتیکه فقط برای مصارف لوازم جنگ یک میلیون و نیم تومان لازم بود و با وجودیکه مالیات هم بواسطه اغتشاشات از ولایات بسیار کم وصول شد مبلغ چهار صد و چهل هزار تومان که پیشگی از بانک گرفته «و تعریض نموده بودند» داده شد * و وجوه لازمه که برای گردانیدن دوایر دولتی اهمیت داشت فراهم شد و حقوق سفرای ایران تماماً پرداخته شد و جمیع مسئولیت های خارجی «یعنی نادیه اقساط قروض و منافع آن که برای رفع مسئولیت ایران لازم بود» ادا شد و فقط منفعتی که عاید دولت کشت این بود که پس از نادیه قروض متبدله «یعنی قروضی که از عناوین واسامی مختلفه با استقراض اخیر تبدیل شده بود» و پیشگی هائیکه به اعتبار آن قرضه گرفته شده بود بانضمام نادیه اصل طلب بانک شاهنشاهی بعد از همه این مصارف تقریباً دو میلیون تومان از آن قرضه باقی بود وقتی که در ژانویه ۱۹۱۲ تمام امور خزانه و محاسبات را تحویل و رد نمودم بیشتر از شش صد هزار تومان جزء جمع نقدی دولت آمد و علاوه فاضل عایدات مرکزی ناسیزدهم ژانویه ۱۹۱۲ بیست و دوم محرم ۱۳۳۰ *

را در دست دارم يك حواله یا چك با براتی را امضاء نکنم مگر آنکه اول محل نادیه اش را معین و یا برجا نموده که در اس موعده پردازم هیچوقت هیچ چکی که خزانه دارمضا و قبول نموده بود نکول نشد وقتی که اهالی استحکام اعتبار امضا و قبولی خزانه دار را ملتفت شدند بدرجه اطمینان نمودند که اسناد و چکهای خزانه را بجای اسکاس قبول و ضبط مینمودند و حال آنکه حواله جات و بروات سابقه مالی را آنی نگاه نداشته و فوراً بقیمت نازل می فروختند در خزانه که در تحت نظارت ما بود فقط معدودی دفاتر بود که دولت در تمام مدت عمر خود آنها را ترتیب داده بود میزان دفاتر مزبوره با صورت حساب بانک های مختلف که با خزانه طرف حساب بودند مطابق بود يك دقتی هم مرتب و معین شده بود که کلیه عایدات و مخارج دولتی را بنماید ولی دولت هیچ گاه هیچوقت کل یا میزان دخل و خرجی نداشته و مایل بدانشن آن هم نبود *

زمان کمی پس از شروع بکار دایره تفتیش سرئی تشکیل داده بودم مرکب از اعضاء ایرانی که مکر و حيله و خیالات تقلب آمیز مستخدمین خزانه را تفتیش نماید دایره مزبوره همیشه از نقشه خیالات محرمانه اعضاء ادارات مختلفه دولتی سر می آگاهانید *

طریقه مسکوکات ایران بسیار ساده است مسکوکات طلا چندین در معاملات رایج بوده و مسکوک شایع عمومی همان قران است که موازی بان «سانت» امریکا یا چیزی کمتر است هر دو قران يك تومان است ولی سکه توفانی رایج نیست بزرگترین سکه رایجه دوقرانی (و پنج قرانی نقره) است *

بانک شاهنشاهی ایران که مرکب از هیئت کفانی انگلیس است بموجب امتیاز ترویج و اشاعه اسکاس را بنمود انحصار داده و با قران مبادله میکرد *

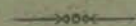
تا چندی قبل حکام ولایات ایران يك قسم قران بسیار بد صورتی سکه میزدند که مثل گلوله بین شده و نقره ر باری بود «سیستم» (ساخت) ماشین و کارخانه ضراب خانه دولتی واقع در «خارج» طهران بسیار کهنه و فرسوده گردیده و مقرون بصره نبود کارخانه مذکور وقتیکه اسبابش از همه جث کاملاً جمع و مهیا بوده و منظم کاری نمود ما می هفتصد هزار تومان میتوانست سکه بکند *

مسئله امتداد و پیشرفت خط آهن در ایران مسئله بسیار غامض و پیچیده است روس و انگلیس خطوطی را طالب می باشند که مناسب با صرفه جنگی و انراض نظامی شان بوده و با باعث تسهیل تجارت مخصوص خودشان باشد بدون تصور ترقی منافع

اقتصادی ایران با توجه بهشت جامعه آن عقیده اشخاص بی طرف درباره ایجاد خطوط ابتدائیه مهمه این است که باید خطی تقریباً از جلفای (۱) روسیه شروع شده و از تبریز و زنجان و قزوین و همدان و خرم آباد گذشته به محمره که در ساحل خلیج فارس است منتهی شود این بزرگترین راهی خواهد بود از شمال بجنوب که از نقاط پر حاصل و زرخیز مملکت عبور می نماید و باعث از دیاد منافع اقتصادی فوری نواند شد و ممکنست شعبه های کوچک مثل از قزوین به طهران و غیره به آن اتصال داد من مصمم بودم که از دولت ایران استدعا تمام که قصد خود را برای کشیدن قطعات کوچک خط آهن اعلان نماید و اجازه استقراضی بدهد به سندیکتی (Syndicate) یعنی هیئت شرکاتی که سرمایه آنها شخصی باشد همچو خطی بدون شبهه و تردید بسیار نافع بود در سورتیکه خود دولت مباشر تعمیر آن باشد خطوط دیگر که ذکرش سابق گذشت بتدریج در مواقع مناسبه ساخته می شد و اهمیت فوری نداشت *



«باب دوازدهم»



«خاتمه (وقایعی که پس از حرکت مستر شوستر»

(و معاونینش از ایران بظهور پیوست بانضمام بعضی وقایع متفرقه دیگر)

وقایعی که پس از حرکت خود و معاونین امریکائیم از طهران بوقوع پیوست طوری افسوسناک است که نمیشد غیر از آن را از دولتی که مرکب از هیئت اشخاص وطن فروش

(۱) ناحیه که موسوم به جافا است از توابع آذربایجان هنوز جزء مملکت ایران بشمار است مگر اینکه گفته شود جلفای روسیه قسمتی از توابع جلفای ایران بوده که دولت روس جزو مملکت خود گردانیده است * مترجم



مستور شوستر در طهران

مستور شوستر در طهران



مستور شوستر در طهران

مستور شوستر در طهران



مستور شوستر در طهران

مستور شوستر در طهران

باشد متوقع بود مسیو مورنارد (۱) صاحب منصب بلجیکی گمرک که بر حسب خواهش سفارتین روس و انگلیس از طرف کابینه مأمور به تحویل گرفتن محاسبات و دفاتر خزانه شده بود روز بعد از حرکت من از پای تخت نزد مسر کرز معاون خزانه دار آمده و حکمی از هیئت کابینه ارائه نمود که بقیه السیف صاحب منصبان امریکائی را تهدید به عزل و جرمانه می نمود در صورتیکه دفاتر را فوراً تحویل ندهند و حال آنکه خودم از

(۱) مسیو مورنارد در تمام آن معاملات برای اظهار خصومت و بد نفسی خود و برای انیل مسئولیت امور خزانه نکته را فرو گذار نکرده و موقع را از دست نداده تا عاقبت بسعت خزانه دار موقتی معین شد * اگرچه خود او به اخلاق کلمه اخیره این منصب را ضعیف بوده و تن نمیداد ولی عاقبت الامر راضی شد که برای رسیدن باسم خزانه داری بگریزد هر چه را که برسد و بهر عنوان که باشد * مسیو مورنارد پس از تحویل گرفتن خزانه ظاهراً برای تلقی و خوشامد حکومت سن بطرسبرگ مکتوبی به تلجیک فرستاد که در یکی از جراید درج شود * در مکتوب مزبور نکته جینی و تنقید نموده بود از وضع اداره کردن امریکائی ها امور مالیه ایران را و ایمانی «ریزه خوانی» هم کرده بود که دو مایون فرانک در محاسبات جاریه خزانه با بانک های مختلفه طهران مفقود شده و محل خرجش غیر معین است * نظیر همین اظهارات را هم بوقایع نگاران روز نامه های پای تخت روسیه نموده و بایشان نوشته بود که امریکائی هائی را که در ایران باقی مانده اند توقیف خواهد نمود تا توضیح آن مسئله داده شود * وقتیکه خبر آن اتهام در لندن بمن رسید فوراً بیانات او را تردید نموده و این جرم را هم بر آن افزودم که مشارالیه فقط آلت درت روسها است و هیچ ربط و اطلاعی از طریق اداره نمودن مالیه ندارد *

روزیکه از طهران حرکت نمودم از حقیقت محاسبات جاریه خزانه یا بانک ها کاملاً مطلع بودم * نمی توانم تصور کنم که چه چیز مسیو مورنارد را وا داشت که سرا بچنین نهمتی منتهم نماید نه اینکه فقط مهمل و دروغ بلکه خلاف اخلاق هم بود * چندی بعد ملتفت شدم که سبب اصلی آن خطای مضحک مشارالیه لکه گذاردن و بدنام کردن امریکائی ها در ایران و جلوه دادن درست کاری خود در انظار روسها و جراید بطرسبرگ بوده است وقتی که مسیو مورنارد و کابینه ایران امریکائی ها را از مسئولیت امور خزانه سبکدوش گردانیدند از محاسبات جاریه دوات ایران یا بانک شاهنشاهی معادل چندین هزار تومان که بانک مزبور بعنوان مساعده بموجب صورت حساب جداگانه داده باقی مانده بود * مقابل

چندین هفته قبل از حرکتش و جد و جهد کرده بودم که کابینه را مجبور نمایم تا
طریقه و دستوری برای تحویل دفاتر و محاسبات خزانه معین کند و چند روز قبل از
حرکتش هم انتقال مشاغل خود را بمسئران گزین رسماً به کابینه اطلاع داده بودم و مشارالیه
هم حاضر و مستعد شده بود که تحویل بدهد دیگر در همچو صورتی استعمال آن تهدید
غیر متوقعی که امریکاییها اظهار نفرو عدم رضایت از آن میکردند بسیار بی موقع بود
وقتیکه مراسله مذکوره در حضور مسیومورنارد خوانده شد تمام مأمورین امریکائی
بهیئت اجتمع از دفتر خزانه خارج شده و اظهار نمودند که دیگر هیچ گواهی کاری با مسیو
مورنارد با کابینه نخواهند داشت مستر کرنز بعد از آن واقعه پروتست کتبی پر دو سفارت
و وزراء ایران که آن طریقه جسورانه را اختیار نموده بودند فرستاد وقتیکه سفراء
ملفت شدند که رفتار وزراء از حد تجاوز نموده فوراً به کابینه اطلاع دادند که آن گونه
حرکت صحیح نبوده هیئت اخیر الذکر یعنی کابینه بوضع معمول ایران فوراً مراسله
مثل همان مراسله اولیه جعل کرده و برای مستر کرنز فرستادند اظهار داشته بودند که
اصل مراسله که بتوسط مسیومورنارد فرستاده شده آن بوده است در عبارات مراسله
ثانویه نه تهدیدی و نه عبارت خشن نامالیمی بود *

باری مستر کرنز بلا حظه آن مسلك صلح جویانه و وزراء مسئله پروتست را مسکوت
عنه گذارده و با سفارتین روس و انگلیس که امور کابینه ایران را علانیه و آشکار در تحت
نظارت خود در آورده بودند مذاکره حرکت و مراجعت بقیه مأمورین مالیه امریکائی
این مبلغ اسمی « که صرف اسم و حقیقت آن معلوم نبود » سیصد هزار تومان طلب خزانه
از بانک استقراضی روس بود آن مبلغ از بابت فاضل عایدات شش ماهه گمرک بود که
بر حسب شرایط استقراض روس بموعده شش ماهه یعنی تا آخر سال روسی مطابق سپرده
ثانویه ۱۹۱۲ ختم میشد * مبلغ مزبور معنماً و حقیقتاً تا دو روز بعد از حرکت من از
ظهران بجمع دولت نیامده بود و این مبلغ حاصل عایدات گمرکی بود از شش ماه قبل از
حرکتش * و در مقابل آن بانک شاهنشاهی هم آن وجه مساعد و پیشگی مذکور را داده بود
مسیومورنارد پس از آنکه زمانی از تحویل گرفتن خزانه صورت حسابی که مابین خزانه دار
و آن بانک شاهنشاهی هم بعضی مطالبات غیر مودی را که از زمانه درازی مطالبه میکرد
و معادل سیصد و پنجاه هزار تومان میشد مطالبه « و جزو صورت حساب » نمود و دعاوی
مطالبات سابق الذکر از چندی قبل از شروع من بشغل خزانه جاری بوده و چندین مرتبه

را در میان آورد بر حسب خواهش وزیر مختار روس امریکائیها راضی شده که توقف
نموده و بلجیکی ها را در تحویل گرفتن و تفویض امور خزانه معاونت نمایند ولی بشرطیکه
رعایت کاملی از مواد معاهده که بین دولت ایران و امریکائی ها شده بود بعمل آید چون
هیئت وزراء سرگرم و تمام همشان مصر و ف بترضیه سفارتین بود مرتکب آن اشتباه نشده
بودند از آن به بعد سعی نمودند که از نقشه و طرح سلوکی که وزیر مختار روس برایشان
هم رئیس کان بانک مقدار مزبور را مطالبه نموده ولی وقتی که حالت حاضر آن زمان
خزانه را برای او شرح داده و ملتفتش گردانیدم که خزانه در این موقع نمی تواند این گونه
مطالبات را ادا نماید راضی شد که چندی مطالبه نکرده و معامله را مسکوت عنه گذارد
ولی بجزدیکه امریکائی ها از مسئولیت امور خزانه خارج شده و مسیومورنارد اختیارات را
بدست گرفت چون بانک شاهنشاهی اطمنانی باو و به طریقه اداره مالیاتیش نداشت تمام
دعاوی مطالبات مذکوره را در جزو محاسبات دولت ایران محسوب و بخرج دولت آورد *
اگر چه در ممالک دیگر این گونه رفتاری قاعده بشمار است ولی از طرف دیگر بانک هم
برای وصول دعاوی خود چاره جز آن نداشت وقتی که مسیومورنارد صورت حساب خزانه
را از بانک خواست بانک در جزو صورتیکه فرستاده بود مبلغ سیصد و پنجاه هزار تومان
مساعده و پیشگی را هم محسوب داشت تصور این امر چندان مشکل نیست که وقتیکه مسیو
مورنارد و شرکا بلجیکیش صورت حساب بانک را با دفاتر خزانه موازنه و مقابله نمودند
ملفت شدند که اختلاف حساب بیش از چند هزار تومان نبوده (همان چند هزار تومانیکه
بانک از سابق ادعای نمود) صرف نظر از اشخاصی که گاردان و در امور مانیه با بصیرت می
باشند اشخاص معامله دان معارفی هم می توانند بانک ناملی ملتفت شوند که ایا ممکن است
برای این تفاوت عمل توضیح و توجیهی قرار داد ولی برخلاف این مسیومورنارد بجزداینکه
علی الظاهر اختلافی در صورت حساب دید برای پیشرفت اغراض کافی یافته فوراً مصمم شد
اعلان نماید که صاحبان امریکائی خزانه دو میلیون فرانک را از میان برده اند شاید
دیری نگذشت که برخود او هم مکشوف شد که اشتباه جاهلانه بی هوته نموده است از آن
تاریخ به بعد دیگر چیزی علی الظاهر راجع بان مسئله از مسیومورنارد تراوش ننمود پس از
چندی که بتوسط جراید اروپا صورت حساب اصلی اذاعه یافت وزیر مالیه بلجیک در
موقع ملاقات با وقایع نگاران جراید اظهار نموده بود که همچو مراسله که نسبت مسیومورنارد
می دهند که به بلجیک فرستاده بکلی بی اصل و خلاف واقع است *

معین نموده بقدر سرسوزنی تخطی نه نمایند چند روز بعد مستر کرکز و عده از معاونین امریکائی خزانه از طهران حرکت نمودند. مستر مکاسکی که معاون دوم من و رئیس شعبه محاسبات و معاملات نقدی خزانه بود عقب مانده و همه نسیم معاونت در تحویل دفاتر و محاسبات تحویل خانه خزانه بصاحب منصبان بلجیکی نمود. مستردکی هم بامور خراب خانه دولتی مشغول بود تا وقتی که عوض و جانشینش از بلجیک وارد شد خلاصه تا ماه مارس تمام امریکائیها از ایران خارج شدند بجز کرنل مهیل که بر حسب خواهش سفارتها راضی شد که بسمت و عنوان مشافی ژاندارمری در ایران بماند *

روز بعد از حرکت از طهران در موقعیکه ماژور پرایس مشافی امریکائی ژاندارمری سواره از معسکر وارد و گاه «باغ شاه» به پارک انابک پیوست از درجه یکی از خانهها گلوله باوزدند از سابق هم شهرت داشت که باید یکی از صاحب منصبان امریکائی کشته شود پس از تحقیق معلوم شد مرتکب آن حرکت و تهدید از اعضا انجمن «تروریست» سری پرامنه روسی بوده که میخواستند به آن وسیله فواید و اغراض پلتیکی خودشان را حاصل نمایند حمله کنندگان که چهار نفر بودند فوراً از طهران فرار نمودند بعد از چندی معلوم شد در کرده و رئیس آنها یکی از صاحب منصبان سابق ژاندارمری بوده است یک هفته پس از این واقعه آن صاحب منصب به طهران مراجعت نموده و خود را تسلیم کرد و اظهار مفصلی از نقشه آن سازش نموده و گفت که خود من در حمله بر ماژور پرایس شرکت نداشته ولی آن چهار نفر ارکان این کار که بر حسب فرقه انتخاب شده اند می شناسم و آن خانه خالی را هم که از انجا تفنگ خالی شده بود نشان داد و گفت که یا های هر چهار نفر مرتکبین را خصوصاً شخصی که حقیقه به ماژور گلوله زده بود بسته بودند که فرار نکنند (یعنی فرار و ظفره از اجراء وظایفشان) و اگر تعاقب از آنان می شد نمیتوانستند قرار بکنند و این فقره موثر و دلچسپ را هم بیان نمود که هیچ يك از آنها خصومت و عداوتی با ماژور موصوف یا سایر امریکائیان نداشته بلکه مصمم شده بودند بای نحوگان یکی از امریکائیها را کشته تا نقشه پلتیکی تازه بروی کار آید (۱) یعنی دولت امریکارا

(۱) نظر به شهرتی که در این باب نمود حرکت مرتکبین غرضش قلع ریشه امریکائیها از ایران بود ولی پس از وقوع آن جنایت از ترس اینکه مبادا اغراض میشوده شان از فراین مکشوف شود ان لباس پلتیکی معمول را بران حرکت پوشانیدند * رعیت روس بودن مرتکبین و استخلاص محرمانه صاحب منصب محبوس و تبعیدش دلیل ثابتی باین امر است * مترجم

مجبور بداخله در امور ایران نموده شاید مفید بحال مملکت شود کابینه آتصاحب منصب را فوراً حبس نموده و عاقبت کار و سر انجامش معلوم نشد حقیقه در آن قضیه که بعد از حرکت امریکائیها برای ماژور اتفاق افتاد از خوش بختی و خوش نصیبی مشار الیه بود که آن گلوله کارگر و موثر نیامد *

چندی بعد از واقعه انفصال و انهدام مجلس روسها مسئله تعمیر راه آهن (ترانس روسیا) سر تا سر ایران را که از چندی قبل محل بحث و مذاکره بود دوباره پیش کشیدند این خیال و اقدام از طرف روس ها چندان محل تعجب نبوده ولی همراهی دولت انگلیس با آن نقشه اگر چه بقدر يك طرفه العین هم باشند بسیار مورد تعجب است با این حال جمعی از متمولین انگلستان شخصاً به پتر سپرگ رفته که در ضمن مذاکرات منافع و اغراض دیگر خود مسئله راه آهن و طریقه سرمایه فراهم نمودن و جکونکی خطوط ان را مذاکره نمایند وزارت خارجه انگلستان هم به حمایتیای پسندیده خود از ایشان تقویت و نقشه ان خط را برای آنها کشید از شمال غربی ایران تا جنوب شرقی یعنی از یکطرف بخطوط آهن روس در جلفا متصل شود و از طرف دیگر بسرحد هندوستان الحقی برای دولت انگلیس نقشه بسیار مخوس خطرناکی بود در صورتیکه افواج روس و انگلیس سر تا سر مملکت ایرانرا فرا گرفته و بیزرقهای روسی در بزرگترین و زر خیزترین ایالات ایران در حرکت و اغتزاز بوده و زمانیکه شمشیر ورشته های ابریشمی و زه حلق آویز روسی در شهر سنم دیده و بلا کشیده تیریز در کار بود دولت هند هم مسلک قدیمی خود را برای محافظت هندوستان از تعیین لرد هاردینگ (۱) بسمت فرما فرمائی هندوستان تغییر داده و معتدل نمود دولت انگلیس اقلتاً باقتضای مناسبات ظاهری و ملاحظات متعارفی باید «از گفتگوی تعمیر همچو خطی در ایران» مانع نموده باشد از امور مذکوره معلوم میشود که دولت انگلیس از هر تدبیر و اقدام بکلی مأیوس گشته و تن در داده است که همچو خط آهنی از اردوگاه و سربازخانه و مخزن و فورخانه «استیون» های روسی بکسره و مستقیماً به سرحد مملکت هندوستان امتداد یافته و متصل شود دولت هند برای امضاء و تصویب نقشه این خط اظهار رأی که نمود فقط این بود که با کمال منانت و مال اندیشی خواهش نمود که مقدار عرض این خط در سرحد ایران با راه آهنهای هندوستان اختلاف داشته باشد

(۱) لرد هاردینگ در موقعیکه نمادنده دیپلوماسی و سفیر پلتیکی انگلیس در پترسبرگ بود بجدی نواقص خود را تکمیل نمود که (رسوفیل) روس دوست محکم ثابتی گردید *

ولی عاقل از این که فنون جنگی و قواعد نظامی امروزه بدرجه تکمیل یافته که ممکن است فئون و قورخانه و سایر لوازم عسکری را بکمال سهولت و اسانی به سرعت هرچه تمامتر از قطاری به قطار دیگر حمل و نقل نمود و همین که افواج روسی بخيال جنگ بگرتبه به سرحد هند برستند شاید اختلاف عرض راه باعث جلوگیری از پیشرفشان نشود *

یکی از اغراض دولتین روس و انگلیس که علی الظاهر از این نقشه مستنبط میشود مفلوج ساختن ابدی ایران و به گرورفتن تمام منابع مالیاتی آن بود مسیومورنارد در آنوقت رای داده بود (ولی نه از طرف خود) که ضامن یعنی مسئول نفع و ضرر و خیر و شر این خط باید دولت ایران شناخته شود این رای باندازه بی شرمانه و جسورانه بوده که نظیر آن دیده نشده و دولت ایران هم هیچگاه همچو راه آهنی لازم نداشته چه فقط همچو خطی حاوی اغراض نظامی است و ابتدا نظری بصره و صلاح تجارت ندارد اگر دولت ایران مجبور بضانت اسناد تعمیر همچو خطی شود تمام مجاری و منابع مالیاتیش اقلأ تا صد سال بمصرف مخارج این ضیانت خواهد رسید علاوه بر این اگر مضار دیگر این معامله ملاحظه شود دیده خواهد شد که ملزومات روسی قسمتی از این راه که بین جلفاء و اصفهان واقع است بجه قیامتهای گزاف فوق الطاقه (مثل تفنگهای ریفل) برارانیان بیچاره تحمیل خواهد شد بهر حال اگر خط مزبور فقط تا نقطه آخری یعنی اصفهان منتهی و ختم شود فواید صرف نوذی و اغراض دل بخواهاهه بسیاری برای روس حاصل خواهد شد و چنانچه تا سرحد هندوستان امتداد یابد فواید نظامی و نتایج جنگش نیز برای دولت روس از حد حصر خارج خواهد بود در همچو راه آهن سر تا سر ایران تا چند نسل بعد فواید تجارتهی مقصور نمیشد بلکه فقط نقطه نظرش بمنافع بلتیکی و اغراض سیاسی خواهد بود و هیچگونه صرفه اقتصادی که تناسب باخرج باشد برای دولت ایران نخواهد داشت *

(بروکرام) تعمیر «راه آهن بزرگی» هم که تا سه ماه قبل دولت انگلیس بدان اشاره مینمود که باید در ظل حمایت دوستانه دولتین بموقع اجراء گذارده شود از همین قبیل بود سرادوارد کری این مسلک جدید را برای فریب دادن عموم ساده لوحان انگلیس اختیار کرد چنانچه آزمایش شود مکشوف خواهد شد که نتیجه آن تدبیر سیاسی فقط این شد که معادل دو بیست هزار لیره سفارتین روس و انگلیس در طهران به آن «عروسک» باز بچمانیکه «دولت شاهنشاهی ایران» را تشکیل نموده بدهند آن هم بسود فیاضانه و حاتم بخشانه صدی هفت در واقع کوه

را (۱) از هم پاشیده و از مابین شعاع هایش موش کوچکی بیرون آورند شروط مخوس پاتیکی که عبارات موهومه در ضمن آن بکابینه قبولانیدند نمونه اغراض بی حقیقت و بی اصلی بود از مراسله متفقه که سفارتین در هیجدهم مارس (۲۸ ربیع الاول ۱۳۳۰) بدولت ایران نوشتند بی مناسبت نیست که در اینجا درج شود تا نتایجی که از معامله ۱۹۰۷ انگلیس و روس در آزادی و ترقی و آبادی مملکت ایران بروز و ظهور نموده بخوبی واضح شود *

مراسله سفارتین ... نظر به استحکام روابط دوستی و عوالم بکجهتی بین دولت انگلیس و دولت امپراطوری روس و دولت شاهنشاهی ایران و استقرار آن بر اساس و بنیاد رزین اطمینان بخش و تا درجه که ممکن باشد معاونت دولت ایران در اعاده دادن سر بلندی و نظم و امنیت مملکت خود سفارتین روس و انگلیس بر حسب ایام دولتین متبوعین خود شرف اظهار دارند که اراء ذیل را بدولت ایران یش نهاد نمایند *

اول اینکه دولتین متفقاً حاضر می باشند که برای مصارف لازمه دولت ایران هر يك صد هزار لیره (بعنوان مساعده پیشکی) کارسازی دارند در صورتیکه جواب مطلوب و مناسب این مراسله سفارتین داده شود بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی حاضر می باشند که هر يك سلسله حساب جاری برای دولت ایران افتتاح نمایند این مسئله مسلم است و جوهی که بانک استقراضی از بابت این حساب جاری بدولت ایران می پردازد به «روبل» (منات) خواهد بود که معادل نصد و چهل و پنجاهزار و هفتصد و پنجاه «روبل» باشد *

(۲) مبلغ مذکور بمرح سود صدی هفت سالانه داده خواهد شد محل تأدیه اش از وجه استقراض آینده دولت ایران خواهد بود و تمام اضافه عایدات گمرک شمالی و جنوبی که تا حال در این دو بانک امانت دولت بوده به تناسب سهام روس و انگلیس (یعنی بالمتصفه) بمصرف تأدیه اقساط استهلاك و سود این مساعده خواهد رسید *

(۳) وجه این استقراض مساعده بموجب «بروگرایی» که بین کابینه و سفارتین ترتیب یافته در تحت نظارت خزانه دار کل بمصرف خواهد رسید و این هم مسلم است که قسمت عمده اینوجه بمصرف انتظامات ژاندارمری دولت بمعاونت صاحبمنصبان سویدی

(۱) این جمله ضرب المثل و کبابه از ویران نمودن مملکت ایران است برای منفعت کم

خود نظیر این مثل که (برای يك دستمال قبصر به را آتش میزنند) * مترجم

باید برسد سفارتین در تقدیم این پیش نهاد بجهت حصول و از دیاد مبنانه که سابقاً اشاره بدان شده امیدوار اند دولت ایران خود را ملزم بشناسد که اولاً مسالك خود را ازین تاریخ به بعد مطابق اصول معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس قرار دهد (یعنی منطقه های نفوذ را اعتراف و تسلیم نماید * مترجم) ثانیاً بجزدبکه محمد علی شاه و سالارالدوله از ایران خارج شوند افواج غیر منظم فدائی را مرخص نماید ثالثاً سفارتین نقشه برای تشکیل و نظم مختصر فوج منظم با اثری مرتب خواهند نمود * رابعاً معاهده در باب خارج شدن محمد علی شاه از ایران (۱) و تعیین وظیفه و تأمین عموم اتباعش برقرار خواهد شد امید داریم جواب مطلوب متناسبی بآبرسد * ج *

« سر جارج بار کلی » « یا کلیوسکی کریل »

آخر کار امید و آرزوهای سفارتین بعمل آمده و در بیستم مارس ۱۹۱۲ (۳۰ ربیع الاول ۱۳۳۰) یعنی دو روز بعد از وصول مراسله متفقہ مزبور به کابینه وزیر خارجه مجرب پاکباز یعنی دوست قدیمی ما و ثوق الدوله « چون مقاصد پسندیده دولتین مجاورتین را با کمال شعف معترف بوده مواد آن مراسله را قبول نمود و امضاء کرد » قبول شروط مزبور حلقه زنجیر دیگری که ساخته شده بود برای اینکه مملکت ایران را تا ابد لدهر به یکی از دو همسایه مهربان الحاق نماید (یا رسن تازه تری بود که ایران را تا ابد اسیر دام

(۱) در ماه اوت ۱۹۱۰ مطابق شعبان ۱۳۲۹ همین دو دولت بدولت ایران اظهار نموده بودند که چون محمد علیشاه مخلوع بقصد استرداد تاج و تخت داخل مملکت شده مطابق مواد قرار دادی که در سبتمبر ۱۹۰۹ (۲ رمضان ۱۳۲۸) بین دولتین و دولت ایران به امضا رسیده تمام حقوق و وظیفه صد هزار تومانی مشارالیه ساقط شده است * با وجود آن اظهاریکه در ماه اوت شده بود دیده میشود که همین دو دولت در هیجدهم فوریه ۱۹۱۲ (۲۹ صفر ۱۳۳۰) دولت ایران را ملزم و مجبور می نمایند که دوباره وظیفه محمد علی را برقرار نموده و تأمین کامل بهسراهان و اتباع غارت کرش عطا نماید از پرتو نور این اقدامات نا حقانه حقیقت پروتستهای مکرره روس و صدق اظهارات عدیده سر ادوارد کری در مجلس وکلای عمومی که دولت روس همدردی با شاه مخلوع نداشته و در اراده مضمحل نمودن دولت مشروطه و بینک آوردن سلطنت ایران با او شرکتی ندارد بخوبی واضح و روشن میگردد حقیقت واقع این است که منشاء اصلی و علت العلیل کامل فراهم شدن بول برای آن حمله جپاولانه و غارت کرانه بواسطه اغراض کابینه بطرسبرگ بوده است *

یکی از آن دولتین متعاقبین دارد *)

اگرچه به نظر تاریخی محویت و احتمال ملیت ایران بتوسط روس و انگلیس چندان نازکی و غرابت ندارد ولی باعث رفع تألم و تحسیر این واقعه هم نتواند شد وقتی هم که آزادی ملتی محو و بکلی رفته شده باشد ممکن بود برای ارتکاب آن افعال شنیعشان اقلأ محتمل و معاذیریم موجهی قرار دهند مثل ترقی ثروت و تجارت یا تشکیل ادارات پلیتیکی بهتر و منظم تری ولی در حال دولت ایران هیچ يك ازین معاذیر و نواقص وجود نداشت و جنداً هیچ جای این هم نبود که ادعا یا اطمینان کرده شود که روس تمدن و ترقی ایران را تأیید خواهد نمود *

دولتین در تمام اقدامات و مذاکراتشان با دولت ایران هیچگاه متعذر و متمسک بعذر و بهانه مختصر بهم نشدند که مثلاً این اقدامات برای بهبودی حال ملت یا آسایش عمومی است افعال و اقوالشان که حس انصاف تمام اهل عالم را مشمتز و متنفر می نماید منی بر اغراض جایزانه و جلب منافع خود شان بود که فقط بعنوان محافظت منافع روس یا تجارت انگلیس ملت بی گناه مظلوم را قتل عام می نمودند هیچگاه کلمه هم گفته نشد که مناسبت ظاهری داشته باشد با حقوق ملیونها ملتی که حیانتشان در معرض خطر و مهلکه و حقوق شان با اعمال اغراض اجانب شده است *

جدیدترین مطبوعات راجعه بمعاملات ایران (۱) دو کتاب آبی انگلیس است که با وجود اداری نمودن عنوانات آن و خارج و القاء کردن مطالبی که باعث سوءظن نسبت بدولتین می شد بمعموم مردم آشکار تواند کرد که چه گونه حمله های خون خوارانه بدولت شاهنشاهی ایران نموده اند * در آن مکاتیب و مراسلات يك سطر هم نوشته نشده بود که از او استنباط شود که ایران ملت دوستانه بود که همین دو دولت آزادی شاهنشاهی را اعلان وضانت کرده و با این حال در (۲) دسامبر ۱۹۱۱ همان آزادی و شاهنشاهی را محو و نابود ساختند *

(۱) « مطبوعات دیگر راجع بامور ایران » مراسلات نمره ۳ و ۴ است که در مارس

۱۹۱۲ به پارلمان تقدیم شده است *

(۲) از مراسله متفقہ یازدهم سبتمبر ۱۹۰۷ سفارتین بدولت ایران برای اثبات انفسله فقره رسمی ذیل (در تحت عنوان ایران نمره ۱ - ۱۹۱۲) قابل توجه است نظر باینکه دولتین روس و انگلیس خواستار اجتناب از موجبات تصادم بین اغراض متناسبه (علی السویه)

اکنون دیده می شود حکومت نوام انگلیس و روس در ایران بر خلاف معمول تمام ادوار و از منته این اولین دفعه است که سلطنت دو پادشاه در يك اقلیم دیده می شود ولی حقیقت امر این است که آثار و شخصانیت روسی این سلطنت بیشتر از انگلیسیتش می باشد و این امر از ضعف دولت انگلیس است از اثرات همین ضعف است که ایرانیان در حالت اعدام سیاسی و عبودیت اقتصادی افتاده و هیچ کس اعتنائی بناله و نظایات خود در نقاط و حصصی از ایران میباشند که از یکطرف متصل یا در قرب و جوار حدود افغانستان و بلوچستان؛ و از طرف دیگر بسرحد روس وصل می باشد. باین جهت معاهده دوستانه مطابق مواد ذیل ما بین شان بامضا رسیده است :- *

« بموجب این معاهده دولتین متفق و متعهد می باشند که استقلال و آزادی ایران را کاملاً تصدیق نموده و باقی و برقرار دارند و صادقانه طالب ترقی سلامت روانه آن مملکت و حافظ فوائد متساویه تجارت و صناعت هر يك از ملل دیگر می باشند و نیز تعهد می نمایند در صورتیکه دولت ایران امتیازی بدول اجنبیه عطا نماید دولتین در نقاط متصله یا در قرب و جوار سرحد مملکت خواهش تحصیل امتیازی دیگر نمایند * و بجهت رفع هر گونه اختلاف و سوء تفاهم آینده و احتراز از پیش آمد اموری که باعث تولید اشکال و پریشانی امور داخله ایران شود خط های مزبور در این قرار داد تحدید شده است * اثر و فائده هم که از عایدات دولتی ایران باستقراض آن دو دولت بتوسط بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی مترتب می شد کافی السابق به همان حال باقی خواهد بود * و نیز دولتین تعهد می نمایند در صورت وقوع بی نظمی (تاخیر) در تادیه اقساط استهلاك و سود آقرضه دوستانه با هم تبادل افکار نمایند * و برای محافظت فواید و منافع طلب کاران و مانع از هر گونه مداخلات که مطابق اصول این قرارداد نباشد باتفاق يك دیگر ندائیری نمایند که موافق قوانین بین المللی باشد *

دولتین بموجب این معاهده امضا شده بقدر طرفه العینی هم اصول و مبانی رعایت و احترام استقلال و آزادی ایران را از نظر خود فراموش و محو نخواهند نمود * از انعقاد این معاهده هیچ مقصودی ملحوظ خاطر دولتین متعهدتین نیست بجز اجتناب و احتراز از سوء تفاهم هر يك در امور راجعه به ایران دولت شاهنشاهی ایران می تواند بکمال خوبی مطمئن شود که استقرار این معاهده بین دولتین بطریق موثری موید امنیت و آبادی و ترقی ایران خواهد بود *

اخلاقی آنها نمی نماید. باین جهت که ضعیف و از اهل آسیا و در ظل قفقاز می باشند. در ظرف مدت یکسال مراکو و طرابلس و ایران یعنی سه دولت اسلام را همسایگان مسیحی نمعدن خراب و ویران نمودند در هر صورت منظره خوشنمایی بنظر نمی آید آیا کسی خواهد توانست که صدها میلیون مسلمانان غضبتك را ملزم نموده و نسبت تقصیر به آنان دهد آیا مسلمانان عالم میتوانند جز این تصور نمایند که واقعات سه ۱۹۱۱ امری غیر از نتیجه اتفاق دول مسیحیه اروپا می باشد که بنیاد اسلام را از صفحه عالم بر انداخته و بکثرت مسلمان را هم باقی نگذارند * *

مابین مسلمانان اهل ایران تازه احترام زیادی از مذهب نصرانیت و علوم آن شروع نموده و متداول گشته و کسب و اتخاذ قوانین اخلاقی مغرب زمینان مایل و تازه تقلید و پیروی از رقبه و مسلکهای تجار و فنون سیاسی آنان نموده و از مفاد احکام عشره دین مسیح مطلع شده بودند. با این حال اگر از مسیحیت مشوال نمایند که چه قدر و مرتبه برای ان احکام عشره باقی خواهد ماند در صورتیکه حکم « تونباید دزدی بکنی » را بحالت مراکو و طرابلس و ایران مقایسه نمایند آیا جواب چه خواهد بود * *

مصنف در باره ایشار نفس در معاملات بین المللی فریب نخورده و بهانه هم برای گول خوردنش موجود نیست ولی از مغلوب شدن ایران می توان سر مشتی حاصل نمود که دنیای متحدان لازم است مدت مدیدی مسافرت نماید تا بتواند قامت مردانگی را علم نموده و خود را بختیار به بیند اهالی ایران که در عوض بندگی حکام ظالم متقلب برای حیات و استقلال خود می جنگیدند مستوجب تمجید و سزوار تحسین و سرنوشتی بهتر ازین بودند ولی اکنون متأسفانه بنده وار اسیر شده و بعنوان دزد ارتجاعی و پستترین یانگی کشته میشوند شاید مدیرین و کار پردازان روس و انگلیس باین اقدامات خود در ایران فخریه و مباحات نمایند ولی بسیار مشکل است که دیگر آن ارتکاب این قبایح و شنايع را مایه شرافت خود شناسد * *

کپلنگ (Kipling) گفته است که مشرق زمینیان را ممکن نیست بهجمله و سرعت بزور راند و این کار مستلزم وقت و تأمل است اهالی مغرب زمین و خیالاتشان می توانند مشرق زمینیان را بطرف مقاصد خود جلب نموده و ایشان را مطیع خود سازند در صورتیکه اهالی مشرق مطمئن شوند که آنان را بطریقه سوق میدهند که نافع بحالشان باشد حقیقت واقع این است که دعاوی اخلاقی و مفاخر و شئون ملی و حب وطنی بهمان درجه که

مابین مغربیان شایع و ضایع است بهمان پایه مابین مشرقیان جاری و ساری می باشد نهایت با اندازه خیالات مغربی سطحی (آشکار) نیست و طبعاً متغیر می باشند از تمکین و اطاعت اجانب خصوصاً در صورتیکه تصور نفع خود را ننمایند *

امیدواری نجات ایران فقط منحصر بودی با اصلاحات مالیه که در حالت پریشانی و بی نظمی بود در ازمونه ساله شاید ممکن می شد که با نبودن ترتیبات صحیحه مالیاتی حکومت مقتدره مرکزیه تشکیل و منفذ شود اکثر سلاطین سابقه در برقرار نمودن حکومت مستقله با اقتداری در تمام مملکت کامیاب و نایل میشدند ولی در این زمان ممکن نیست زیرا که آن اساس سابقه که بتوان بدان وسیله امور را منظم نمود بر چیده شده است مگر در صورتیکه اصول مؤثره مالیاتی و امور متعلقه به آن را کاملاً اداره نمایند ایرانیان هم خودشان این نکته را بخوبی ملتفت شده اند باستثنای امراء و اعیان متقلب و مستخربین خائن دولتی سائر طبقات نهایت میل و آرزو را بناپیل شدن ما داشتند روسها این احساسات ملیه را ملتفت شده و هیچگاه راضی باقتدار ما نبودند و همین خوف شان این بود که مبادا ما موفق باصلاح مالیه بشویم بهترین دلیلی اینست بر تحسین و تمجید افعال ما زیاده بر این بحث و تطویل لا طایل است *

«ضمیمه»

- قانون اساسی که در زمان سلطنت مظفرالدین شاه وضع و درسی و یکم دسامبر ۱۹۰۶ (مطابق چهاردهم ذیقعده ۱۳۲۴) مخصاً و مجراً گردید *
- ماتم قانون اساسی که در هشتم اکتوبر ۱۹۰۷ (مطابق بیست و نهم شعبان ۱۳۲۵) باامضاء ولیعهد و جانشین شاهنشاه سعید رسید *
- قانون مصوبه سی ام ۱۹۱۱ (مطابق غره جمادی الثانیه ۱۳۲۹) مجلس راجع به تفویض نظارت و تفتیش به خزانه دار کن در باب استعراضیکه در سنه ۱۹۱۱ از بانک شاهنشاهی شده بود *
- قانون سیزدهم ژون که مجلس در دوازدهم ژون ۱۹۱۱ (مطابق چهاردهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹) بجهت نظم و تسخیح امور مالیه ایران تصویب نموده بود *
- مکتوب (سریاز) باامضاء مستر مورگان شوستر بروز نامه تمس لندن مورخه بیست و یکم اکتوبر ۱۹۱۱ (مطابق بیست و هفتم شوال ۱۳۲۹) *
- مراسلات مابین سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس و پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس در طهران و مستر مورگان شوستر *
- معاهده بین مستر مورگان شوستر و ماژور استوکس صاحب منصب فوج هند انگلیس در باب استخدام سه ساله بعنوان ریاست ژاندارمری خزانه مورخه بیست و چهارم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و هفتم رجب ۱۳۲۹) *
- سواد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس *
- نعلیق مستر لئج در «سوی هونل» لندن بتاريخ بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۲ (هشتم صفر ۱۳۳۰) *
- سواد دو «آرتیکل» روزنامه «نیش» ملی مطبوعه لندن که مصنف از مدیر جریده مزبور اظهار تشکر مینماید برای مجاز شدن در درج آن (۱) آزادی مفقود شده ایران «۲» ایران در حالت التجا است *



قانون اساسی

مورخه ۱۴ ذیقعده ۱۳۲۴ و ۲۹ رمضان ۱۳۲۵ *

بسم الله الرحمن الرحيم *

آنکه مطابق فرمان معدلت بنیان هایونی مورخه ۵ اوت ۱۹۰۶ « مطابق ۱۴ جمادی الاخری ۱۳۲۴ » از برای ترقی و سعادت ملک و ملت و تشبید مبانی دولت و اجرای قوانین شرع حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله امر بتأسیس شورای ملی فرمودیم و نظر بدان اصل اصیل که هر یک از افراد اهالی ممالکت در تصویب و نظارت امور عموم علی قدر مراتبهم بحق و سهیمند تشخیص و تعیین اجزاء مجلس را با انتخاب مات محول داشتیم اینک که مجلس شورای ملی بر طبق نیات مقدسه ما افتتاح شده است اصول و مواد نظامنامه اساسی شورای ملی را که مشتمل بوظایف و تکالیف مجلس مزبور و حدود و روابط آن نسبت با ادارات دولت است از قرار اصول ذیل مقرر میفرمائیم *

در تشکیل مجلس *

اصل اول *

مجلس شورای ملی بموجب فرمان معدلت بنیان مورخه چهاردهم جمادی الاخری ۱۳۲۴ مؤسس و مقرر است *

اصل دوم *

مجلس شورای ملی نماینده فاطمیه اهالی مملکت ایرانست که در امور معاشی و سیاسی و وطن خود مشارکت دارند *

اصل سیم *

مجلس شورای ملی مرکب است از اعضای که در طهران و ایالات انتخاب میشوند و

محل انعقاد آن در طهران است *

اصل چهارم *

عده انتخاب شوندگان بموجب انتخاب نامه علیحده از برای طهران و ایالات فعلاً یکصد و شصت و دو نفر معین شده است و بر حسب ضرورت عده مزبوره تزیاید تواند یافت الی دو یست نفر *

اصل پنجم *

منتخبین از برای دو سال تمام انتخاب میشوند و ابتداء این مدت از روزی است که منتخبین ولایات تماماً در طهران حاضر خواهند شد پس از انقضاء مدت دو سال باید نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم مختارند هر یک از منتخبین سابق را که بخواهند و از آنها راضی باشند دوباره انتخاب کنند *

اصل ششم *

منتخبین طهران لدى الحضور حق انعقاد مجلس را داشته مشغول میباشند و مذاکره میشوند رأی ایشان در مدت غیبت منتخبین ولایات با اکثریت منبآت اعتبار و اجراء است *

اصل هفتم *

در موقع شروع بمذاکرات باید اقلاً دو ثلث از اعضاء مجلس حاضر باشند و هنگام تحصیل رأی سه ربع از اعضاء باید حاضر بوده و اکثریت آراء وقتی حاصل میشود که بیش از نصف حضار مجلس رأی بدهند *

اصل هشتم *

مدت تعطیل و زمان اشتغال مجلس شورای ملی بر طبق نظامنامه داخلی مجلس بتشخیص خود مجلس است و پس از تعطیل تابستان باید مجلس از چهاردهم میزان که مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح و مشغول کار شود *

اصل نهم *

مجلس شورای ملی در مواقع تعطیل فوق العاده منعقد تواند شد *

اصل دهم *

در موقع افتتاح مجلس خطابه بحضور هایونی عرض کرده بجواب خطابه از طرف فرین الشرف ملوکانه سرفراز و مباهی میشود *

اصل یازدهم *

اعضاء مجلس بدو که داخل مجلس میشوند باید بترتیب ذیل قسم خورده و قسم نامه را امضاء نمایند *

✽ صورت قسم نامه ✽

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده ایم خداوند را بشهادت میطلبیم و بقرآن قسم یاد میکنیم ما دام که حقوق مجلس و مجاسین مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که با رجوع شده است میا ممکن یا کمال راستی و درستی وجد و جهد انجام بدهیم و نسبت با عالیحضرت شاهنشاه متبوع عادل منعم خود مان صدیق و راستگو باشیم و با اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننماییم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران *

✽ اصل دوازدهم ✽

بهیچ عنوان و بهیچ دست آویزی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض امضاء آن بشود اگر احياناً یکی از اعضا علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجراء سیاست در باره او با استحضار مجلس باشد

✽ اصل سیزدهم ✽

مذاکرات مجلس شورای ملی از برای اینکه نتیجه آنها بموقع اجراء گذارده تواند شد باید علنی باشد روزنامه نویس و قماشچی مطابق نظامنامه داخلی مجلس حق حضور و استماع دارند بدون اینکه حق نطق داشته باشند تمام مذاکرات مجلس را روزنامهجات میتوانند بطبع برسانند بدون تحریف و تغییر معنی تا عامه ناس از مباحث مذاکره و تفصیل گذارشات مطلع شوند هر کس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی بر نکارد تا هیچ امری از امور در برده و پرهیز کس مستور نماید لهذا عموم روزنامهجات مادامیکه مندرجات آنها مخفی اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام المنفعه را همچنان مذاکرات مجلس و صلاح اندیشی خلق را بر آن مذاکرات بطبع رسانیده منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامهجات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و با عراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افتراء برند قانوناً مورد استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد *

✽ اصل چهاردهم ✽

مجلس شورای ملی بموجب نظامنامه علیحده موسوم بنظامنامه داخلی امور شخصی خود را

از قبیل انتخاب رئیس و منشیان و سایر اجراء و ترتیب مذاکرات و شعب و غیره منظم و مراب خواهد کرد *

✽ در وظایف مجلس و حدود و حقوق آن ✽

✽ اصل پانزدهم ✽

مجلس شورای ملی حق دارد در عموم مسائل آنچه را صلاح ملک و ملت میدانند پس از مذاکره و مذاقه از روی راستی و درستی عنوان کرده با رعایت اکثریت آراء در کمال امنیت و اطمینان با تصویب مجلس سنا توسط شخص اول دولت بعرض برساند که بعهده هایونی موشح و بموقع اجراء گذارده شود *

✽ اصل شانزدهم ✽

کلیه قوانینی که برای تشدید مبانی دولت و سلطنت و انتظام امور مملکتی و اساس وزارتخانهها لازم است باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد *

✽ اصل هفدهم ✽

لوائح لازمه را در ایجاد قانونی با تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای ملی در موقع لزوم حاضر مینماید که با تصویب مجلس سنا بعهده هایونی رساننده بموقع اجراء گذارده شود *

✽ اصل هیجدهم ✽

تسویه امور مالیه جرح و تعدیل بودجه تغییر در وضع مالیاتها و رد و قبول درعوض و فروعات همچنان همزههای جدیدی که از طرف دولت اقدام خواهد شد بتصویب مجلس خواهند بود *

✽ اصل نوزدهم ✽

مجلس حق دارد برای اصلاح امور مالیاتی و تسهیل روابط حکومتی در تقسیم ایالات و ممالک ایران و تجدید حکومتها پس از تصویب مجلس سنا اجری آرای مصوبه را از اولیای دولت بخواهد *

✽ اصل بیستم ✽

بودجه هر يك از وزارتخانهها باید در نیمه آخر هر سال از برای سال دیگر تمام شده پانزده روز قبل از عید نوروز حاضر باشد *

✽ اصل بیست و یکم ✽

هرگاه در قوانین اساسی وزارتخانهها قانونی جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرر شده لازم شود با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد گرفت اعم از این که لایحه آن امور از مجلس عنوان یا از طرف وزراء مسئول اظهار شده باشد *

✽ اصل بیست و دوم ✽

مواردی که قسمتی از عایدات یا دارائی دولت و مملکت منتقل یا فروخته میشود یا تغییری در حدود و ثغور مملکت لایحه پیدا میکند بتصویب مجلس شورای ملی خواهد بود *

✽ اصل بیست و سیم ✽

بدون تصویب شورای ملی امتیاز تشکیل کپانی و شرکتهای عمومی از هر قبیل و بهر عنوان از طرف دولت داده نخواهد شد *

✽ اصل بیست و چهارم ✽

بستن عهد نامه ها و مفاوله نامهها اعطای امتیازات « انحصار » تجار تجاری و صنعتی و فلاحی و غیره اعم از این که طرف داخله باشد یا خارجه باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد باستثنای عهد نامهائی که استتار آنها صلاح دولت و ملت باشد *

✽ اصل بیست و پنجم ✽

استقراض دولتی بهر عنوان که باشد خواه از داخله خواه از خارجه با اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی خواهد شد *

✽ اصل بیست و ششم ✽

ساختن راههای آهن یا شومعه خواه بخرج دولت خواه بخرج شرکت و کپانی اعم از داخله و خارجه منوط بتصویب مجلس شورای ملی است *

✽ اصل بیست و هفتم ✽

مجلس در هر جا تقاضی در قوانین و یا مسامحه در اجرای آن ملاحظه کند بوزیر مسئول در آن کار اخطار خواهد کرد وزیر مزبور باید توضیحات لازمه را بدهد *

✽ اصل بیست و هشتم ✽

هرگاه وزیری برخلاف یکی از قوانین موضوعه که بضمیمه های یونی رسیده اند با اشتباهکاری احکام کتبی یا شفاهی از پیشگاه مقدس ملوکانه صادر نماید و مستمسک مساعله و عدم مواظبت خود قرار دهد بحکم قانون مسئول ذات مقدرس هابون خواهد بود *

✽ اصل بیست و نهم ✽

هر وزیری که در امری از امور مطابق قوانینی که بضمیمه های یونی رسیده است از عهده جواب بر نیاید و معلوم شود که نقض قانون و تخلف از حدود مقرر کرده است مجلس عزل او را از پیشگاه های یونی مستدعی خواهد شد و بعد از توضیح خیانت در محکمه عدلیه دیگر بخدمت دولتی منصوب نخواهد شد *

✽ اصل سی ام ✽

مجلس شورای ملی حق دارد مستقیماً هر وقت لازم بداند عریضه بتوسط هیئتی که مرکب از رئیس و شش نفر از اعضاء که طبقات شش گانه انتخاب کنند بعرض پیشگاه مقدس ملوکانه برساند وقت شرفیابی را باید بتوسط وزیر دربار از حضور مبارک استیذان نمود *

✽ اصل سی و یکم ✽

وزراء حق دارند در اجلاسات مجلس شورای ملی حاضر شده و در جائی که برای آنها مقررات نشسته مذاکرات مجلس را بشوند و اگر لازم دانستند از رئیس مجلس اجازه نطق خواسته توضیحات لازمه را از برای مذاکره و مدافعه امور بدهند *

— ✽ در اظهار مطالب مجلس شورای ملی ✽ —

✽ اصل سی و دوم ✽

هر کس از افراد ناس میتواند عرض حال یا ایرادات یا شکایات خود را کتبا بدقتر خانه عرایض مجلس عرضه بدارد اگر مطلب راجع بخود مجلس باشد جواب کافی باو خواهد داد و چنانکه مطلب راجع یکی از وزارت خانها است بدان وزارتخانه خواهد فرستاد که رسیدگی نماید و جواب مکتوبی بدهند *

✽ اصل سی و سیم ✽

قوانین جدیدی که محل حاجت باشد در وزارتخانه های مسئول انشاء و تنفیج یافته بتوسط وزراء مسئول یا از طرف صدر اعظم مجلس شورای ملی اظهار خواهد شد و پس از تصویب مجلس بضمیمه های یونی موشع کشته بموقع اجرا گذاشته میشود *

✽ اصل سی و چهارم ✽

رئیس مجلس میتواند بر حسب لایحه یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس یا وزیر اجلاسی معرمانه بدون حضور روز نامه نویس و قماشچی یا انجمن معرمانه مرکب از عده منتخبین از اعضاء مجلس تشکیل بدهد که سایر اعضاء مجلس حق حضور در آن نداشته باشند لکن نتیجه مذاکرات انجمن معرمانه وقتی مجری نوازند شد که در مجلس

محرمانه با حضور سه ربع از منتخبین مطرح مذاکره شده با کثرت آراء قبول شود
اگر مطلب در مذاکرات انجمن محرمانه قبول نشد در مجلس عنوان نخواهد شد و مسکوت
عنه خواهد ماند *

❖ اصل سی و پنجم ❖

اگر مجلس محرمانه بتقاضای رئیس مجلس بوده است حق دارد هر مقدار از مذاکرات
را که صلاح بداند با اطلاع عموم برساند لکن اگر مجلس محرمانه بتقاضای وزیری بوده است
افشای مذاکرات موقوف با اجازه آن وزیر است *

❖ اصل سی و ششم ❖

هر يك از وزرا میتواند مطلبی را که بچشم اظهار کرده در هر درجه از مباحثه که
باشد استرداد کند مگر اینکه اظهار ایشان بتقاضای مجلس بوده باشد در این صورت استرداد
مطلب موقوف بموافقت مجلس است *

❖ اصل سی و هفتم ❖

هرگاه لایحه وزیری در مجلس موفع قبول نیافت منضم بتلازمات مجلس عودت
داده میشود وزیر مسئول پس از رد یا قبول ایرادات مجلس میتواند لایحه مزبوره را در
ثانی مجلس اظهار بدارد *

❖ اصل سی و هشتم ❖

اعضای مجلس شورای ملی باید در وقت یا قبول مطلب را صریح و واضح اظهار بدارند و
احدی حق ندارد ایشان را تحریص یا تهدیدی در دادن رأی خود نماید اظهار رد و
قبول اعضای مجلس باید بقسمی باشد که روزنامه نویس و تماشاچی هم بتوانند ادراک
کنند یعنی باید آن اظهار بعلامات ظاهری باشد از قبیل اوراق کبود و سفید و امثال آن *

— ❖ عنوان مطالب از طرف مجلس ❖ —

❖ اصل سی و نهم ❖

هر وقت مطلبی از طرف یکی از اعضای مجلس عنوان شود فقط وقتی مطرح مذاکره
خواهد شد که اقلاً پانزده نفر از اعضای مجلس آن مذاکره مطلب را تصویب نمایند در
این صورت آن عنوان کتیباً بر رئیس مجلس تقدیم میشود رئیس مجلس حق دارد که آن لایحه
را بدو در انجمن تحقیق مطرح مذاکره قرار بدهد *

❖ اصل چهل ❖

در موقع مذاکره و مذاکره لایحه مذکوره در اصل سی و نهم چه در مجلس و چه در
انجمن تحقیق اگر لایحه مزبوره راجع بیکی از وزراء مسئول باشد مجلس باید بوزیر
مسئول اطلاع داده که اگر بشود شخصاً والا معاون او بچشم حاضر شده مذاکرات در
حضور وزیر یا معاون او بشود *

سواد لایحه و منضمات آن را باید قبل از وقت از ده روز الی یکماه با استثناء مطالب
فوری از برای وزیر مسئول فرستاده باشند همچنان روز مذاکره باید قبل از وقت معلوم
باشد پس از مذاکره مطلب با حضور وزیر مسئول در صورت تصویب مجلس با کثرت
آراء رسماً لایحه نگاشته بوزیر مسئول داده خواهد شد که اقدامات مقتضیه را معمول دارد *

❖ اصل چهل و یکم ❖

هرگاه وزیر مسئول در مطلب معنون از طرف مجلس بمصلحتی همراه نشد باید معاذیر
خود را توجیه و مجلس را متقاعد کند *

❖ اصل چهل و دوم ❖

در هر امری که مجلس شورای ملی از وزیر مسئولی توضیح بخواهد آن وزیر ناگزیر
از جواب است و این جواب نباید بدون عذر موجه بیرون از اندازه اقتضاء بعهده تأخیر
بیفتد مگر مطالب محرمانه که مستور بودن آن در مدت معینی صلاح دولت و ملت باشد
ولی بعد از انقضاء مدت معین وزیر مسئول مکلف است که همان مطلب را در مجلس
ابراز نماید *

— ❖ در شرایط تشکیل مجلس سنا ❖ —

❖ اصل چهل و سوم ❖

مجلس دیگری بعنوان «سنا» مرکب از شصت نفر از شصت نفر اعضای تشکیل می یابد که اجلاس
آن بعد از تشکیل مقارن اجلاس مجلس شورای ملی خواهد بود *

❖ اصل چهل و چهارم ❖

نظامنامه های مجلس سنا باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد *

❖ اصل چهل و پنجم ❖

اعضای این مجلس از اشخاص خبیر و بصیر و متدین و معتمد مملکت منتخب میشوند سی
نفر از طرف فرین الشرف اعلی حضرت همایونی استقراری می یابند پانزده نفر از اهالی ولایات
وسی نفر از طرف ملت پانزده نفر بانخاب اهالی طهران و پانزده نفر بانخاب اهالی ولایات *

* اصل چهل و هشتم *

پس از انعقاد «سنا» امور باید بتصویب هر دو مجلس باشد اگر آن امور در سنا یا از طرف هیئت وزراء عنوان ندهد باشد باید اول در مجلس سنا تقیح و تصحیح شده با اکثریت آراء قبول و بعد بتصویب مجلس شورای ملی برسند ولی امور بکه در مجلس شورای ملی عنوان میشود برعکس از این مجلس سنا خواهد رفت مگر امور مالیه که مخصوص مجلس شورای ملی خواهد بود و فرار داد مجلس در امور مذکوره باطلاع مجلس سنا خواهد رسید که مجلس مزبور ملاحظات را بمجلس ملی اظهار نماید و لیکن مجلس ملی مختار است که ملاحظات مجلس سنا را بعد از مذاقه لازم قبول یا رد نماید *

* اصل چهل و نهم *

ما دام که مجلس سنا منعقد نشده فقط امور بعد از تصویب مجلس شورای ملی بسمه هایبونی موثع و بوقع اجراء گذارده خواهد شد *

* اصل چهل و هشتم *

هر گاه مطلبی که از طرف وزیری پس از تقیح و تصحیح در مجلس «سنا» بمجلس شورای ملی رجوع میشود قبول نیافت در صورت اهمیت مجلس ثالثی مرکب از اعضای مجلس سنا و مجلس شورای ملی بحکم انتخاب اعضای دو مجلس بالسویه تشکیل یافته در ماده و تنازع فیها رسیدگی میکنند رأی این مجلس را در شورای ملی قرائت میکنند اگر موافقت دست داد فیها والا شرح مطلب را بمرض حضور ملوکانه میرسانند هر گاه رأی مجلس شورای ملی را تصدیق فرمودند بجزی میشود و اگر تصدیق نفرمودند امر بتجدید مذاکره و مذاقه خواهند فرمود و اگر باز اتفاق آراء حاصل نشد و مجلس سنا با اکثریت دو ثلث آراء انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند و هیئت وزراء هم جداگانه انفصال مجلس شورای ملی را تصویب نمودند فرمان هایبونی بانفصال مجلس شورای ملی صادر میشود و اعلیحضرت هایبونی در همان فرمان حکم بتجدید انتخاب میفرماید و مردم حق خواهند داشت منتخبین سابق را مجدداً انتخاب کنند *

* اصل چهل و نهم *

منتخبین جدید طهران باید بفاصله یکماه و منتخبین ولایات بفاصله سه ماه حاضر شوند و چون منتخبین دارالخلافه حاضر شدند مجلس افتتاح و مشغول کار خواهند شد لیکن در ماده و تنازع فیها گفتگو نمیکند تا منتخبین ولایات برسند هر گاه مجلس جدید پس

از حضور تمام اعضاء اکثریت تام همان رأی سابق را امضا کرد ذات مقدس هایبونی آن رأی مجلس شورای ملی را تصویب فرموده امر با اجرا میفرمایند *

* اصل پنجاهم *

در هر دوره انتخابیه که عبارت از دو سال است يك نوبت بیشتر امر بتجدید منتخبین نخواهد شد *

* اصل پنجاه و یکم *

مقرر آنکه سلاطین اعقاب و اخلاف ما حفظ این حدود و اصول را که برای تشدید مبانی دولت و تاکید اساس سلطنت و نگهبانی دستگاه معدلت و آسایش ملت برقرار و بجزی فرموده و وظیفه سلطنت خود دانسته در عهده شناسند فی شهر ذی القعدة الحرام سنه ۱۳۲۴ *





این قوانین اساسی مجلس شورای ملی و مجلس سنا که حاوی پنجاه و یک اصل است صحیح است

فی چهاردهم شهر ذی قعدة ۱۳۲۴
محل صحه * مبارکه * هابونی
روحنا فداه

در ظهر همین ورقه امضاء و لیمه و امضاء
مشیرالدوله

« ترجمه پروفیسر پروین »

منعم قانون اساسی

— « مورخه ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ » —

— — —

— « بسم الله الرحمن الرحيم » —

اصولیکه برای تکمیل قوانین اساسیه مشروطیت دولت علیه ایران بر قانون اساسی که در تاریخ چهاردهم شهر ذی القعدة الحرام ۱۳۲۴ بمحله مرحوم مغفور شاهنشاه سعید مظفرالدین شاه قاجار نورالله مضعه موضح شده اضافه میشود از فرار ذیل است *

— « کلیات » —

— « اصل اول » —

مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفریه اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد *

— « اصل دوم » —

مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تایید حضرت امام عصر عجل الله فرجه و مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثر الله امثالهم و عامه ملت ایران تاسیس شده است باید در هیچ عصری از اعصار مواد قانونیه آن مخالفت با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودهم بوده و هست لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشند از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند باین طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسامی بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکور باشند معرفی بمجلس شورای ملی بنمایند پنج نفر از آنها را با بیشتر بمقتضای عصر اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا بحکم قرعه تعیین نموده بسمت عضویت بشناسند تا موادیکه در مجلس عنوان میشود بدقت مذاکره و غور رسمی نموده هر يك از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رای این هیئت علماء در این باب مطاع و منبع خواهد بود و

این ماده تا زمان ظهور حضرت حجه عصر عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود *

✽ اصل سیم ✽

حدود مملکت ایران و ایالات و ولایات و بلوکات آن تغییر پذیر نیست مگر بموجب قانون *

✽ اصل چهارم ✽

بای تخت ایران طهران است *

✽ اصل پنجم ✽

ألوان رسمی بیرق ایران سبز و سفید و سرخ و علامت شیر و خورشید است *

✽ اصل ششم ✽

جان و مال اتباع خارجه مقیمین خاک ایران مأمون و محفوظ است مگر در مواردیکه

قوانین مملکتی استثنا میکند *

✽ اصل هفتم ✽

اساس مشروطیت جز وکلاء تعطیل بردار نیست *

- «حقوق ملت ایران» -

✽ اصل هشتم ✽

اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی مساوی الحقوق خواهند بود *

✽ اصل نهم ✽

افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض

هستند و متعرض احدی نمیتوان شد مگر بحکم و ترتیبیکه قوانین مملکت معین می نماید *

✽ اصل دهم ✽

غیر از مواقع ارتکاب جنحه و جنایات و تصدیرات عمده هیچکس را نمیتوان فوراً دستگیر

نمود مگر بحکم کتبی رئیس محکمه عدلیه بر طبق قانون و در آن صورت نیز باید گناه مقصر

فوراً یا منتهی در ظرف بیست و چهار ساعت باو اعلام و اشعار شود *

✽ اصل یازدهم ✽

هیچکس را نمیتوان از محکمه که باید در باره او حکم کند منصرف کرده مجبوراً بحکمه

دیگر رجوع دهند *

✽ اصل دوازدهم ✽

حکم و اجرای هیچ مجازاتی نمیشود مگر بموجب قانون *

✽ اصل سیزدهم ✽

منزل و خانه هر کس در حفظ و امان است در هیچ سکنی فیراً نمیتوان داخل شد

مگر بحکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده *

✽ اصل چهاردهم ✽

هیچیک از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یا منع از اقامت در محلی یا مجبور باقامت محل

معین نمود مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند *

✽ اصل پانزدهم ✽

هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمیتوان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن

نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است *

✽ اصل شانزدهم ✽

ضبط املاک و اموال مردم بعنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر بحکم قانون *

✽ اصل هفدهم ✽

سلب تسلط مالکین و منصرفین از املاک و اموال منصرفه ایشان بغير عنوان که باشد

ممنوع است مگر بحکم قانون *

✽ اصل هیجدهم ✽

تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنکه شرعاً ممنوع باشد *

✽ اصل نوزدهم ✽

تأسیس مدارس بخارج دولتی و مانی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت

علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت

وزارت علوم و معارف باشد *

✽ اصل بیستم ✽

عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال مواد مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها

ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود نشر دهند

یا نویسند بر طبق قانون مطبوعات مجازات میشود اگر نویسنده معروف و مقیم ایران

باشد ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند *

✽ اصل بیست و یکم ✽

انجمنها و اجتماعاتیکه مولد فتنه دینی و دنیوی و فخل بنظم نباشند در تمام مملکت آزاد

است ولی مجنمین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در آن مخصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشد *

❖ اصل بیست و دوم ❖

مراسلات پستی کلیه محفوظ و از ضبط و کشف مصون است مگر در مواردیکه قانون استثناء میکند *

❖ اصل بیست و سیم ❖

انشاء یا توفیق مختاریات تلکرافتی بدون اجازه صاحب تلکراف ممنوع است مگر در مواردیکه قانون معین میکند *

❖ اصل بیست و چهارم ❖

اتباع خارجه نمیتوانند قبول تبعیت ایران را بنمایند قبول و بقای آنها بر تبعیت و خلع آنها از تبعیت بموجب قانون جدا گانه است *

❖ اصل بیست و پنجم ❖

تعرض بمأ مورین دیوانی در تصدیقات راجعه بمشاعل آنها محتاج تحصیل اجازه نیست مگر در حق وزراء که رعایت قوانین مخصوصه در این باب باید بشود *

❖ «قوای مملکت» ❖

❖ اصل بیست و ششم ❖

قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوای را قانون اساسی معین می نماید *

❖ اصل بیست و هفتم ❖

قوای مملکت سه شعبه تجزیه میشود *

اول - قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از این سه منشاء حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تعویب مجلسین و توشیح بصره های یونی لیکن وضع و تصویب قوانین راجعه بدخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است شرح و تفسیر قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است *

دوم - قوه قضائیه و حکمیه که عبارات است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است

بجاکم شرعیه در شرعیات و بجاکم عدلیه در عرفیات *

سیم - قوه اجرائیه که مخصوص بادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مامورین دولت بنام نامی اعلیحضرت هایونی اجراء می شود بترتیبی که قانون معین می کند *

❖ اصل بیست و هشتم ❖

قوای ثلثه مزبوره همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود *

❖ اصل بیست و نهم ❖

منافع مخصوصه هر ایالت و ولایت و بلوک بتصویب انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب قوانین مخصوصه آن مرتب و تصویب میشود *

❖ «حقوق اعضای مجلس» ❖

❖ اصل سی ام ❖

وکلائی مجلس شورای ملی و مجلس سنا از طرف تمام ملت و کالت دارند نه فقط از طرف طبقات مردم یا ایالات و ولایات و بلوک کائیکه آنها را انتخاب نموده اند *

❖ اصل سی و یکم ❖

یک نفر نمیتواند در زمان واحد عضویت هر دو مجلس را دارا باشد *

❖ اصل سی و دوم ❖

چنانچه یکی از وکلاء در ادارات دولتی موطفاً مستخدم بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و مجدداً عضویت او در مجلس موقوف باستعفای از شغل دولتی و انتخاب از طرف ملت خواهد بود *

❖ اصل سی و سیم ❖

هر يك از مجلسین حق تحقیق و تفتیش در هر امری از امور مملکتی دارند *

❖ اصل سی و چهارم ❖

مذاکرات مجلس سنا در مدت انفصال مجلس شورای ملی بی نتیجه است *

❖ «حقوق سلطنت ایران» ❖

❖ اصل سی و پنجم ❖

سلطنت و دیعه هست که (بهویت الهی) از طرف ملت بشخص پادشاه مفوض شده *

❖ اصل سی و ششم ❖

سلطنت مشروطه ایران در شخص اعلیحضرت شاهنشاهی السلطان محمد علی شاه قاجار

ادام الله سلطنته و اعقاب ایشان نسلاً بعد نسل برقرار خواهد بود *

❖ اصل سی و هفتم ❖

ولایت عهد در صورت تعدد اولاد به پسر اکبر پادشاه که مادرش ایرانی الاصل و شاهزاده باشد میرسد و در صورتیکه برای پادشاه اولاد ذکور نباشد اکبر خاندان سلطنت با رعایت الاقرب فالاقرب برتبه ولایت عهد نائل میشود و هر گاه در صورت مفروضه فوق اولاد ذکوری برای پادشاه بوجود آید حقاً ولایت عهد با او خواهد رسید *

❖ اصل سی و هشتم ❖

در موقع انتقال سلطنت ولیعهد وقتی میتواند شخصاً امور سلطنت را متصدی شود که سن او به هیجده سال بالغ باشد چنانچه باین سن نرسیده باشد با تصویب هیئت مجتمعه مجلس شورای ملی و مجلس سنا نایب السلطنه برای او انتخاب خواهد شد تا به هیجده سالگی را بالغ شود *

❖ اصل سی و نهم ❖

هیچ پادشاهی بر تخت سلطنت نمی تواند جلوس کند مگر اینکه قبل از ناجگذاری در مجلس شورای ملی حاضر شود با حضور اعضاء مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هیئت وزراء بقرار ذیل قسم یاد نماید *

من خداوند قادر متعال را گواه گرفته بکلام الله مجید و به آنچه نزد خدا محترم است قسم یاد میکنم که تمام هم خود را مصروف حفظ به استقلال ایران نموده حدود مملکت و حقوق ملت را محفوظ و محروس بدارم قانون اساسی مشروطیت ایران را نگاهبان و بر طبق آن و قوانین مقرر سلطنت نمایم و در زوایج مذهب جعفری اثنی عشری سعی و کوشش نمایم و در تمام اعمال و افعال خداوند عزتشانه را حاضر و ناظر دانسته منظوری جز سعادت و عظمت دولت و ملت ایران نداشته باشم و از خداوند مستعان در خدمت بترقی ایران توفیق میطلبم و از ارواح طیبه اولیای اسلام استمداد میکنم *

❖ اصل چهل ❖

همین طور شخصی که بنیابت سلطنت منتخب میشود نمی تواند متصدی این امر شود مگر اینکه قسم مزبور فوق را یاد نموده باشد *

❖ اصل چهل و یکم ❖

در موقع رحلت پادشاه مجلس شورای ملی و مجلس سنا لزوماً منعقد خواهد شد و

انعقاد مجلسین زیاده از ده روز بعد از فوت پادشاه نباید تعویق یفتد *

❖ اصل چهل و دوم ❖

هر گاه دوره وکالت وکلای هر دو با یکی از مجلسین در زمان حیات پادشاه منقضی شده باشد و وکلای جدید در موقع رحلت پادشاه هنوز معین نشده باشند وکلای سابق حاضر و مجلسین منعقد می شود *

❖ اصل چهل و سیم ❖

شخص پادشاه نمیتواند بدون تصویب و رضای مجلس شورای ملی و مجلس سنا متصدی امور مملکت دیگر شود *

❖ اصل چهل و چهارم ❖

شخص پادشاه از مسئولیت ببری است وزراء دولت در هر گونه امور مسئول مجلس هستند *

❖ اصل چهل و پنجم ❖

کلیه قوانین و دستخطهای پادشاه در امور مملکتی وقتی اجراء میشود که با رضای وزیر مسئول رسیده باشد و مسئول صحت مدلول آن فرمان دستخط همان وزیر است *

❖ اصل چهل و ششم ❖

عزل و نصب وزراء بموجب فرمان های پادشاه است *

❖ اصل چهل و هفتم ❖

اعطای درجات نظامی و نشان امتیازات افتخاری با مراعات قانون بخاص شخص پادشاه است *

❖ اصل چهل و هشتم ❖

انتخاب ما مورین رتبه دواتر دولتی از داخله و خارجه با تصویب وزیر مسئول از حقوق پادشاه است مگر در موافقیکه قانون استثناء نموده باشد ولی تعیین سایر ما مورین راجع بپادشاه نیست مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند *

❖ اصل چهل و نهم ❖

حدود فرامین و احکام برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را تعویق یا توقیف نماید *

❖ اصل پنجاهم ❖

فرمانفرمای کل قشون ببری و بگری با شخص پادشاه است *

✽ اصل پنجاه و یک ✽

اعلان جنگ و عقد صلح با پادشاه است *

✽ اصل پنجاه و دوم ✽

عهد نامه هائیکه مطابق با اصل ۲۴ قانون اساسی مورخه چهاردهم ذی القعدة ۱۳۲۴ است
استنار آنها لازم باشد بعد از رفع محظور همینکه متافع و امنیت مملکتی افتضا نمود با
توضیحات لازمه باید از طرف پادشاه مجلس شورای ملی و سنا اظهار شود *

✽ اصل پنجاه و سیم ✽

فصول مخفیة هیچ عهد نامه مبطل فصول آشکار آن عهد نامه نخواهد بود *

✽ اصل پنجاه و چهارم ✽

پادشاه میتواند مجلس شورای ملی و مجلس سنا را بطور فوق العاده امر یا انعقاد فرماید *

✽ اصل پنجاه و پنجم ✽

ضرب سکه با موافقت قانون بنام پادشاه است *

✽ اصل پنجاه و ششم ✽

مخارج و مصارف دستگاه سلطنتی باید قانوناً معین باشد *

✽ اصل پنجاه و هفتم ✽

اختیارات و اقتدارات سلطنتی فقط همان است که در قوانین مشروطیت حاضره
تصریح شده *

— ✽ راجع بوزراء ✽ —

✽ اصل پنجاه و هشتم ✽

هیچکس نمیتواند بمقام وزارت برسد مگر آنکه مسلمان و ایرانی الاصل و تبعه ایران باشد *

✽ اصل پنجاه و نهم ✽

شاهزادگان طبقه اولی یعنی پسر و برادر و عموی پادشاه عصر نمیتوانند بوزارت
منتخب شوند *

✽ اصل شصتم ✽

وزراء مسئول مجلسین هستند و در هر موردیکه از طرف یکی از مجلسین احضار شوند
باید حاضر گردند و نسبت باموریکه محول به آنها است حدود مسئولیت خود را منظور دارند

✽ اصل شصت و یک ✽

وزراء علاوه بر اینکه بتنهائی مسئول مشاغل مختصه وزارت خود هستند بهیئت
اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلسین مسئول و ضامن اعمال یکدیگرند *

✽ اصل شصت و دوم ✽

عده وزراء را بر حسب اقتضاء قانون معین خواهد کرد *

✽ اصل شصت و سیم ✽

لقب وزارت افتخاری یکی موقوف است *

✽ اصل شصت و چهارم ✽

وزراء نمیتوانند احکام شفاهی با کتبی پادشاه را مستمسک فرار داده سلب مسئولیت
از خودشان بنمایند *

✽ اصل شصت و پنجم ✽

مجلس شورای ملی با سنا می توانند وزراء را در تحت مواخذه و محاکمه در آورند *

✽ اصل شصت و ششم ✽

مسئولیت وزراء و سیاستی را که راجع به آنها میشود قانون معین خواهد نمود *

✽ اصل شصت و هفتم ✽

در صورتیکه مجلس شورای ملی یا مجلس سنا با کثرت نامه عدم رضایت خود را از
هیئت وزراء یا وزیرى اظهار نمایند آن هیئت یا آن وزیر از مقام وزارت منصرف میشود *

✽ اصل شصت و هشتم ✽

وزراء موظفاً نمیتوانند خدمت دیگر غیر از شغل خودشان در عهده گیرند *

✽ اصل شصت و نهم ✽

مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در محضر دیوانخانه تمیز عنوان
خواهند نمود و دیوانخانه مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس محاکمات دایره خود محاکمه
خواهد کرد مگر وقتیکه بموجب قانون اتهام واقعه دعوی از دایره ادارات دولتی مرجوعه
بشخص وزیر خارج و راجع بفرود وزیر باشد *

✽ تمییه ✽

مادامیکه محکمه تمیز تشکیل نیافته است هیئتی منتخب از اعضاء مجلسین بعهده مساوی
نائب مناب محکمه تمیز خواهند شد *

اصل هفتادم *

تعیین تفسیر و مجازات وارده بوزراء در موقعیکه مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند و یا در امور اداره خود دو چار اتهامات شخصی مدعیان کردند منوط بقانون مخصوص خواهد بود *

افتدارات محاکمات *

اصل هفتاد و یکم *

دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه مرجع رسمی نظامات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع شرایط است *

اصل هفتاد و دوم *

منازعات راجعه ببحقوق سیاسیه مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در موافقیکه قانون استثناء نماید *

اصل هفتاد و سیم *

تعیین محاکم عرفیه منوط بحکم قانون است و کسی نمیتواند بهیچ اسم و رسم محکمه برخلاف مقررات قانون تشکیل نماید *

اصل هفتاد و چهارم *

هیچ محکمه ممکن نیست منعقد گردد مگر بحکم قانون *

اصل هفتاد و پنجم *

در تمام ممالک فقط یک دیوانخانه تمیز برای امور عرفیه دایر خواهد بود و آن هم در شهر پایتخت و این دیوانخانه تمیز در هیچ محاکمه ابتدای رسیدگی نمیکند مگر در محاکماتیکه راجع بوزراء باشد *

اصل هفتاد و ششم *

انعقاد کلیه محاکمات علی است مگر آنکه علی بودن آن منحل نظم یا منافی بصحت باشد در اینصورت لزوم اخفارا محکمه اعلام می نماید *

اصل هفتاد و هفتم *

در ماده تقصیرات سیاسیه و مطبوعات چنانچه مجرمانه بودن محاکمه صلاح باشد باید بانفای جمیع اعضاء محکمه بشود *

اصل هفتاد و هشتم *

احکام صادره از محاکم باید متناهی و موجه و مخنوی فصول قانونیه که بر طبق آنها حکم صادر شده است بوده و علناً قرائت شود *

اصل هفتاد و نهم *

در مواد تقصیرات سیاسیه و مطبوعات هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود *

اصل هشتادم *

رؤساء و اعضاء محاکم عدلیه بترتیبی که قانون عدلیه معین میکند منتخب و بموجب فرمان همیونی منصوب میشوند *

اصل هشتاد و یکم *

هیچ حاکم محکمه عدلیه را نمی توان از شغل خود موقتاً یا دائماً بدون محاکمه و ثبوت تقصیر تغییر داد مگر اینکه خودش استعفا نماید *

اصل هشتاد و دوم *

تبدیل ماموریت حاکم محکمه عدلیه نمیشود مگر برضای خود او *

اصل هشتاد و سیم *

تعیین شخص مدعی العموم یا تصویب حاکم شرع در عهده پادشاه است *

اصل هشتاد و چهارم *

مقرری اعضاء محاکم عدلیه بموجب قانون معین خواهد شد *

اصل هشتاد و پنجم *

رؤسای محاکم عدلیه نمیتوانند قبول خدمات موظفه دولتی را نمایند مگر اینکه آن خدمت را بجایا بر عهده گیرند و مخالف قانون هم نباشد *

اصل هشتاد و ششم *

در هر کرسی ایالتی یک محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد بترتیبی که در قوانین عدلیه مصرح است *

اصل هشتاد و هفتم *

محاکم نظامی موافق قوانین مخصوصه در تمام ممالک تاسیس خواهد شد *

اصل هشتاد و هشتم *

حکایت منازعه در حدود ادارات و مشاغل دولتی بموجب مقررات قانون محکمه تمیز راجع است *

* اصل هشتماد ونهم *

دیوان خانه عدلیه و محکمه ها وقتی احکام و نظامنامه های عمومی و ایالتی و ولایتی و بلدیرا مجری خواهند داشت که آنها مطابق با قانون باشند *

— «در خصوص انجمنهای ایالتی و ولایتی» —

* اصل نودم *

در تمام ممالک محروسه انجمنهای ایالتی و ولایتی بموجب نظامنامه مخصوص مرتب میشود و قوانین اساسیه آن انجمنها از این قرار است *

* اصل نود و یکم *

اعضاء انجمنهای ایالتی و ولایتی بلا واسطه از طرف اهالی انتخاب میشوند مطابق نظامنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی *

* اصل نود و دوم *

انجمنهای ایالتی و ولایتی اختیار نظارت تامه در اصلاحات راجعه بمنافع عامه دارند با رعایت حدود قوانین مقرره *

* اصل نود و سوم *

صورت خرج و دخل ایالات و ولایات از هر قبیل بتوسط انجمنهای ایالتی و ولایتی طبع و نشر میشود *

— «در خصوص مالیه» —

* اصل نود و چهارم *

هیچ قسم مالیات بر قرار نمیشود مگر بحکم قانون *

* اصل نود و پنجم *

مواردی را که از دادن مالیات معاف توانند شد قانون مشخص خواهد نمود *

* اصل نود و ششم *

میزان مالیات را همه ساله مجلس شورای ملی با اکثریت تصویب و معین خواهد نمود *

* اصل نود و هفتم *

در مواد مالیاتی، هیچ تفاوت و امتیازی فیابین افراد ملت گذارده نخواهد شد *

* اصل نود و هشتم *

تخفیف و معافیت از مالیات منوط بقانون مخصوص است *

* اصل نود ونهم *

غیر از موافقیکه قانون صراحتاً مستثنی میدارد هیچ عنوان از اهالی چیزی مطالبه نمیشود مگر باسم مالیات مملکتی و ایالتی و ولایتی و بلدی *

* اصل نودم *

هیچ سرسوم و انعامی بخرینه دولت حواله نمیشود مگر بموجب قانون *

* اصل صد و یکم *

اعضای دیوان محاسبات را مجلس شورای ملی برای مدتیکه بموجب قانون مقرر میشود تعیین خواهد نمود *

* اصل صد و دوم *

دیوان محاسبات امور به معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریغ حساب کلیه محاسبین خزانه است و مخصوصاً مواظب است که هیچ یک از فقرات مخارج معینه در بودجه از میزان مقرر تجاوز نموده تغییر و تبدیل نپذیرد و هر وجهی در محل خود بمصرف برسد و همچنین معاینه و تفکیک محاسبه مختلفه کلیه ادارات دولتی را نموده اوراق سند خرج محاسبات را جمع آوری خواهد کرد و صورت کلیه محاسبات مملکتی را باید بانضمام ملاحظات خود تسلیم مجلس شورای ملی نماید *

* اصل صد و سوم *

ترتیب و تنظیم اداره این دیوان بموجب قانون است *

— «قشون» —

* اصل صد و چهارم *

ترتیب گرفتن قشون را قانون معین مینماید تکالیف و حقوق اهل نظام و ترفی در مناصب بموجب قانون است *

* اصل صد و پنجم *

مخارج نظامی هر ساله از طرف مجلس شورای ملی تصویب میشود *

* اصل صد و ششم *

هیچ قشون نظامی خارجه بخدمت دولت قبول نمیشود و در نقطه از نقاط مملکت نمیتواند اقامت و یا عبور کند مگر بموجب قانون *

* اصل صد و هفتم *

حقوق و مناصب و شئون اهل نظام سلب نمیشود مگر بموجب قانون *

— «سواد دستخط مبارک هایون» —

(بسمه تبارک و تعالی)

متعم نظامنامه اساسی ملاحظه شد تماماً صحیح است و شخص هایون ما انشاء الله حافظ و ناظر کلیه آن خواهیم بود اعقاب و اولاد ما هم انشاء الله مقوی این اصول و اساس مقدس خواهند بود ۲۹ شعبان قوی ثیل ۱۳۲۵

(در شهر سلطنتی طهران)

(با)

— «(۱) قانون مصوبه سیم مه ۱۹۱۱» —

* مطابق چهارشنبه غره جمادی الثانیه ۱۳۲۹ *

* مجلس راجع به تفتیش قرضه که از بانک *

(شاهنشاهی شده بود)

(ماده اول) تفتیش عالی و واقعی يك ملیون و دوست و پنجاه هزار لیره استقراضی که از بانک شاهنشاهی موافق قانون پنجم ربیع الثانی ۱۳۲۹ شده و تفتیش مخارجیکه برای این کار مطابق مواد اول و دوم و سوم و پنجم قانون نوزدهم جمادی الاولی ۱۳۲۹ تخصیص شده در تحت نظارت خزانه دار کل بوزارت مالیه سپرده میشود *

(ماده دوم) تا موقعیکه تشکیلات جدید وزارت مالیه ایجاد نشود تفتیش اعمال و مخارج فوق الذکر موقتاً به يك شعبه که مخصوصاً تشکیل میشود سپرده خواهد شد شعبه مذکوره در تحت نظارت خزانه دار کل خواهد بود *

(ماده سوم) در آخر هر ماه وزارت مالیه صورت اوضاع مالیاتی راجعه به استقراض را در ضمن راپورت تقدیم دولت مینماید *

(ماده چهارم) شعبه که در ماده دوم این قانون ذکر شده قائم مقام کبسیونی خواهد بود که در قانون جمادی الاولی ۱۳۲۹ مندرج است *

— «(۲) قانون سیزدهم ژون ۱۹۱۱» —

— «پانزدهم جمادی الثانیه ۱۳۲۹» —

روز شنبه دهم و يك شنبه یازدهم با حضور وزیر مالیه و وزیر عدلیه و معاون وزیر مالیه و دوشنبه دوازدهم با حضور معاون وزیر مالیه و مستر شوستر خزانه دار کل راپورتیکه کبسیون قوانین راجع بنظم و ترتیب امور مالیه پیشنهاد نموده بود مورد بحث و مطابق دوازده ماده ذیل ترتیب و جرح و تعدیل و مجلس شورای ملی پیشنهاد گردید *

(ماده اول) خزانه دار کل ممالک محروسه ایران ما مور نظارت مستقیم و واقعی

تمام معاملات مالیاتی و پولی دولت ایران است و این معاملات شامل اخذ تمام عایدات از هر قبیل و تفتیش محاسبات و مخارج دولتی میباشد *

(ماده دوم) خزانه دار کل (هر قدر که زودتر ممکن باشد) تشکیلات ذیل را در وزارت مالیه برقرار خواهد نمود *

(۱) دفتر عالی برای دریافت و وصول مالیات و عوارض و عایدات دولتی از هر قبیل اعم از مالیاتها و عوارض موجوده یا مالیاتهاییکه من بعد برقرار خواهد شد *

(۲) دفتر عالی تفتیش و نظارت محاسبات کلیه عایدات و مخارج مصوبه و نگاهداری دفاتر راجعه به آنها *

(۳) دفتر عالی معاملات نقدی که معاملات دولتی با بانک و اعمال راجعه بضرر سکه و صرفی و استقراض و سرمایه و استهلاك و استخاله و امتیازات و قراردادهای مالیاتی و قراردادهای و اختیاراتیکه عایدات برای دولت حاصل مینماید و تعهدات پولیکه برای دولت متضمن باشد راجع به آن اداره خواهد بود *

(ماده سوم) خزانه دار در هر یکی از دفاتر سه گانه مذکوره در ماده دوم دوایر و شعبی را که برای جریان امور آنها لازم بداند دایر خواهد نمود *

(ماده چهارم) بعد از دایر نمودن تشکیلات مرکزی بجز اینککه وضع مملکت اجازه بدهد خزانه دار کل تشکیلاتی را که برای اداره کردن مالیات در هر یکی از ولایات لازم بداند برقرار خواهد نمود *

(ماده پنجم) خزانه دار کل مأمور نگاهداری محاسبات خزانه مملکت است و هیچ يك از مخارج دولتی بدون امضا یا حواله اعتباری بر داخته نخواهد شد *

(ماده ششم) خزانه دار کل نظام نامه هیئتی را که برای اجرای اصلاحات مالیاتی مواد مذکوره در مواد فوق لازم است تدارک نموده پس از آنکه بامضای وزیر مالیه رسیده (و حیثیت قانونی پیدا کرد) لازم الاجراء خواهد بود *

(ماده هفتم) برای تشکیل هیئت تفتیشیه و نظارت مخصوص اعم از مستخدمین جدید در صورتیکه مستخدمین جدیدی لازم و قرار داد ایشان بر حسب معمول به تصویب مجلس شورای برسد و یا مستخدمینیکه فعلاً در خدمت دولت ایران میباشد (ایرانی باشند یا خارجه) مبلغ شصت هزار تومان بخزانه دار کل اعتبار داده میشود *

(ماده هشتم) خزانه دار کل (به فوریت ممکنه بودجه دولت علیه را برای پیشنهاد

مجلس شورای ملی باید تهیه نماید و تمام وزارتخانه ها و مستخدمین دولتی مکلفند که بدون تاخیر با مشارالیه مساعدت نمایند *

(ماده نهم) خزانه دار کل مکلف است هر نوع صرفه جوئی که مقتضی باشد در (مصارف دولتی) و ادارات رسمی بعمل آورد و این یکی از تکالیف حتمیه مشارالیه است

(ماده دهم) خزانه دار کل مکلف است که هر سه ماه یکبار تریه و باهورت مفصلی در خصوص وضع مالیاتی مملکت تهیه و بدوات پیشنهاد نماید *

(ماده یازدهم) خزانه دار کل تفتیش و تحقیقات لازمه در اصلاح قوانین موجوده مالیه و ایجاد منابع جدید عایدات که مقتضی و صلاح و مناسب دولت باشد خواهد نمود که بتوسط هیئت دولت مجلس شورای ملی پیشنهاد شود *

(ماده دوازدهم) اختیار اجرای اداراتی که بوجوب مواد فوق در تحت ریاست خزانه دار کل دایر میشود با خود مشارالیه است *

معزز الملك رئیس انجمنی کبسیون

لایحه قانونی فوق (در جلسه ۲۴۷ مجلس شورای یکشنبه ۱۵ جمادی الثانیه ۱۳۲۹)

سیزدهم ژون ۱۹۱۱ به اکثریت ۶۱ رأی تصویب شد *

(جیم)

مکتوب مستر شوستر

« خزانه دار آل ایران »

* بعنوان روزنامه « تمس » راجع بمباحثات دولت ایران *

(با دولتین روس و انگلیس)

(طهران)

* ۲۱ اکتوبر ۱۹۱۱ مطابق ۲۷ شوال ۱۳۲۹ *

* آقای مدیر روزنامه تمس *

* بوجوب تلگراف روترلندن مورخه ۱۷ اکتوبر (۲۴ شوال ۱۳۲۹) *

روزنامه تمس در يك مقاله اساسی اظهار میدارد که اظهارات اخیر این جانب راجع بضایت دولت روس در موضوع اصلاحات مالیه ایران و موافقت دولت انگلیس با روس در این مسلك خارج از انصاف و عاری از صحت است *

اگر چه مایل نیستم در این تنازعات داخل شوم ولی اهمیت موضوع و اعتقاد بیکه بانصاف ملت انگلیس و نمایلات حق خواهانه روزنامه « تمس » و مختصر نظریکه به نیکامی خود دارم مرا تشویق بنگارش این مکتوب داشته تقاضا مینمایم در ستونهای روزنامه خود درج نمایند در واقع این مکتوب حکایتی است از شمه از وقایع و حقایق که در این پنجم ماهه اقامت من در طهران چه مستقیماً در تحت نظر خودم آمده و چه در سائر دوائر دولتی بوقوع پیوسته است *

پس از مدافه بیطرفانه در این حقایق و گذشته از اثراتیکه در بسیاری از معاملات که شخصاً طرف بوده در خاطر من نقش بسته ولی در محکمه ثبوت پذیر نیست در عقیده مذکوره فوق راسخ اگر دیده ام و بدیهی است حقیقت امر را به تشخیص مردمان با فکر حواله کرده مطیع فتوای آنان خواهم بود *

در دوازدهم ماه مه (۱۳ جمادی الاولی) بمصاحبت سه نفر معاون امریکائی به يك

منظور واحد که ایجاد اساس متبني حبه مالیه ایران باشد وارد طهران شدم در سیزدهم ژون (۱۵ جمادی الاخری) مجلس لایحه قانونی را که خودم مسوده کرده بودم از آراء گذرانیده بموجب آن اختیارات نامه در امور مالیه بخزانه دار کل داده شد مقصود از این قانون مملکتی که پس از مذاکرات جامعه از آراء نمایندگان مات گذشت در واقع این بود که حالت اسفناك معشوش مالیه ایران را در تحت نظم و ترتیب در آورد هیئت وزراء و مجلس شورای ملی تقریباً با اتفاق آراء آنرا تصویب نمودند جای این بود ولی که دارای مصالح در ایران هستند با میل به آنها یاسی نمائید متأسفانه قضیه برعکس شد اگر چه بدیهی است دلایل محکمه پذیر در دست نیست معیناً جداً اظهار میدارم که براهین کتبی کافی موجود که روی هم رفته مینمایاند که مابین عده از سفارتخانههای خارجه در انجیا بریاست سفارت روس بند و بستنی مخصوص بوده که مرا از اجراء قانون مزبور باز داشته و نگذارند ترتیبات عمومی جمع و خرج و معاسبات مدرجه در قانون مزبور سرکرت حاصل نماید بهانه های مضره آنان بر علیه این ترتیبات بسیار سست و بی اساس بوده صریحاً مقصود آنها این بود که جلوگیری از هر گونه تغییر عمده در اوضاع قدیم مالیه ایران بنمایند این تهاجم تهدیدات و مزاحمت و کلیه مخالفتهای آنان که حتی بمقام رزالت و حملات شخصی نسبت بمن و کوششهای خام در تخویف دولت ایران نازل نمود اگر چه اسباب تأخیر کار و اغتشاش بعضی اصلاحات مقدماتی مالیه گردید ولی بکلی بی اثر ماند از جمله تهدیدات آنها یکی این بود که سفارتخانه مخصوص گمرکات شمالی را ضبط و برای وصول عایدات گمرکی ما مورین از جانب خود بگیرند *

در ماه ژویه گذشته در نقض ماده ۱۱ مقابله نامه « پروتکل » ۷ سپتمبر ۱۹۰۷ روس و انگلیس و خصوصاً روس محمد علی پادشاه مخلوع را مجاز داشت که از خاک روس فرار نماید بدین معنی که روس از (تهیه ترتیبات وایه) برای منع محمد علی از تحریکات سیاسی بر ضد ایران کاملاً مضایقه نمود بدرجه که بموجب اظهارات ارشد الدوله که قبل از قتل داشته است محمد علی با همراهان خود بارش مصنوعی و صندوقهای تفنگ و نوب با سم با آب معدن از خاک روسیه عبور نمود از یکی از بنادر روسیه در یکی از جهازات روسی موسوم به « کر بستفوس » با همراهان حرکت نموده و تقریباً مقارن ۱۸ ژویه (۲۱ رجب) بحالت يك تاراجگر مکمل مسلحی (در کش تپه) خاک ایران ورود نمود گویم که این فرار از روسیه حادثه غیر مترقبه بود و ما مورین تذکره روس در مدت

مأموریت خود بکار بحالت غفلت بوده اند. باید دید که روس واقعا از این حادثه متأسف گردید یا خیر. پس خلاف آن همه در اینجا میدانند که نمایندگان رسمی روس در ایران خبر ورود او را بخاک ایران با یک مسرت عینی تلقی نمودند. در ضمن این مکتوب مدالی خواهم داشت که نمایندگان مزبور حتی در طی مراسلات رسمی خود با مأمورین ایران این مسرت را مستور نداشته اند *

در تاریخ ۲۳ ژوئیه (۲۶ رجب) دولت ایران مراسله مشعر با اعلان قانون نظامی بمعموم سفارتخانهها ارسال داشت. اغلبی از سفارتخانهها بترتیب معمول جواب نوشته و فقط خاطر اولیاء دولت را بعضی از مواد عهد نامه ترک انجای جاب نمودند. ولی سفارت روس از همان اول يك مسلك دیگر مفاصمت آمیز بر ابراز و در ضمن بعضی ایرادات دعوی نمود که دولت روس حق دارد در هر وقت که بخواهد بعضی (از رعایای غیر قانونی خود را در حوادثی که فعلاً در شرف وقوع است شرکت نمایند) مستقیماً دستگیر نماید و در مراسله مزبوره معلوم بود چه اشخاصی را در نظر دارند. مقصود اصلی دعوی مزبور در این موقع این بود که دست آویزی بسفارت روس و فونسلهاشان در تمام ایران بدهند که بعضی نسبت نیعت روس هر ایرانی جنگجوی مشهوری را که بمساعدت دولت بر ضد محمد علی قیام نماید دستگیر نمایند. هر گاه این تمهید دستگیری به تمام تبعه روس (که در این حوادث شرکت کنند) کاملاً مراعات میشد لازم می آمد بطوریکه در این مکتوب مشاهده خواهد شد. اغلبی از خود فونسلهای روس و مستخدمین فونسلکریها را دستگیر کنند *

فونسول روس در رشت ازین هم تجاوز کرده و بدولت ایران اعلام نمود که عازم است هر کس را که تصور نیعت روس در حق او برود دستگیر و در سر فرصت تحقیق کرده و تا آخر مدت این اغتشاشات نگاه بدارد *

در ۳۱ ژوئیه (۵ شعبان) که از تاریخ ورود او بخاک ایران زمانی نگذشته و هنوز پیشرفت محسوس در تسخیر مملکت نموده بود روس و انگلیس مراسله متحد المال ذیل را که حاکی تصدیق حق مبارزت شاه مخلوع میباشد بدولت ایران ارسال داشتند: *

« چون شاه سابق برخلاف نصیحتی که کراماً دولتین انگلیس و روس بایشان کرده اند که از هر گونه فساد در ایران احتراز نمایند مراجعت بایران نموده اند. لهذا دولت انگلیس و روس تصدیق دارند که شاه سابق حق خود را از بابت مستمری که موافق « پروتکل » معین شده بود باطل نموده اند. لکن از طرف دیگر دولت انگلیس و روس

چنین تصور مینمایند که چون شاه سابق در خاک ایران میباشند دولت انگلیس و روس نمیتوانند دخالت کنند. بنا بر این دولت انگلیس و روس اظهار میدارند که در منزاعه که بدیختانه در ایران روی داده هیچگونه دخالتی نخواهند نمود *

این مراسله از طرف دوستان بکسواتی که بواسطه غفلت یا چیزهای دیگر ناشی از آنان دچار جنک داخلی شده در حالتیکه خود آنها صریحاً تعهد منع این گونه حوادث را باو نموده بودند تسلیت و دلداری غریبی بنظری آید. ولی اگر باز همین اعلان بیطرفی و رعایت کرده بودند حرق نبود در اینجا به بینیم موجب اظهارات قبل از قتل ارشدالدوله نصیحتی که دولت روس بتوسط سفیر کبیر خود مقیم « وینه » بشاه مخلوع داده بجه مضمون بوده است: « عین مضمون شرحیکه مقرر روز نامه « تمس » مقیم طهران که زبان فارسی را میدانند و از زبان خود ارشدالدوله چند ساعت قبل از قتل شنیده او در روز نامه « تمس » مورخه ۱۱ اکتوبر درج است از قرار ذیل است: -

آنوقت محمد علی شاه و من در « وینه » ملاقات کردم سفیر کبیر روس بملاقات ما آمد. از او مساعدت خواستیم. با کفت که روس نمیتواند مساعدت نماید روس و انگلیس فرار دادی راجع بایران بسته اند که نمیتوانند از آن تخلف نمایند و مصمم اند در امور داخله ایران هیچوجه دخالت نکنند ولی از طرف دیگر میدان شما باز است. اگر برای شما کاری نمیتوانیم بکنیم بر علیه شما هم کاری نخواهیم کرد. خود شما باید بدانید که چه از پاشتان میرود. اگر میدانید به تخت و تاج ایران میتوانید خودتان را رسانید اقدام کنید. ولی بدانید که نمیتوانیم شما را کمک کنیم و اگر از عهده بر نیائید ما مسئول نخواهیم بود. آنوقت ما سفیر کبیر گفتیم چیزی که میتوانید بکنید اینست که فرضی با بدهید جواب داد خیر ممکن نیست. هر چه کردم و مجدداً او را ملاقات نمودم تکلیف ما را نپذیرفت. همینقدر بجا راهنمایی کرد که اگر شما سندی از بابت جواهراتی که در بانک استقراری در طهران موجود است در دست دارید از آن بابت میتوانید پول دریافت دارید. ولی ما چون سندی نداریم کاری از پیش رفت *

ممکن است (نصیحت دادن بشاه مخلوع که از تخریکات بر ضد ایران بپرهیز نماید) بدین رویه باشد و ممکن است رویه دیگری داشته باشد و ممکن است سفیر کبیر روس که تا کنون منکر این ملاقات با محمد علی نشده است از عزم پادشاه مخلوع که باسم خلیل قصد عبور از روسیه را داشته و نیز از بیات او بدولت خود خبر نداده باشد اما عموم مردم این

بیطرف هر عقیده که در این موضوع دارند تغییر نخواهند داد *

حال به بینیم ما مورین رسمی روس در ایران مورد جدال داخلی که باین ترتیب فراهم گردیده چگونه مراعات بیطرفی را نموده اند در روز ۲۹ ژوئیه (۳ شعبان) قونسول موقتی روس در اصفهان بطوریکه معنی (عدم مداخله) را فهمیده بود صریحاً در صدد جلوگیری بروز حسبات ملت راجع بحفظ مشروطیت برآمده بکار گذار مهام خارجه ایران در آنجا اینطور مینویسد *

موافق اطلاعاتی که بقونسلگری رسیده است حکومت جلیله اصفهان میخواهد مجمعی از علماء و اعیان و کسبه تشکیل دهند که بسفراء معظم دول خارجه در نخواستن محمد علی شاه تلگراف نمایند و آمدن او را بایران پروتست نمایند دوستدار قبلاً زحمت اظهار میدارد بوجوبی که لازم است مقرر فرمایند اعلام شود چون عمل ایران و ایرانیان است بدون جهت زحمت سفارت سنیه و قونسولهای دولت بیه روسیه ندهند *
و بعد از آنهم مجدداً مینویسند * :-

« بدون جهت در مسئله محمد علی شاه سفارت سنیه دولت روسیه را تصدیق و قونسلهما را زحمت ندهید تکلیف کار گذاری در اخطار و تکلیف حکومت در جلوگیری و امتناع از این قبیل اتفاقات است و باید بمقام منع برآیند » اظهارات فوق حاجت بتفسیر ندارد *
رشید الملک تبعه ایران حاکم سابق اردبیل در موقعیکه بریاست اردوی دولتی ما مور بود خائنانه از جلو عده قلیلی از شاهسون که همیشه طرفدار شاه مخلوع بوده اند فرار مینماید و برای این خیانت دستگیر و در تبریز محبوس گردید در ۲۷ ژوئیه (غره شعبان) قونسول ژانرال روس در تبریز از نایب الایاله خلاصی او را مطالبه نموده و بعد از آنکه باو جواب داده می شود که رشید الملک بر حسب حکم دولت محبوس است سیصد نفر سوار و سرباز مسلح روسیرا بدار الایاله فرستاده مستحقظین ایرانی را زده و بتائب الایاله هتاک کرده رشید الملک را از محبس کشیده با خود بردند و چندی نگذشت که همین رشید الملک یباغیان شجاع الدوله که تبریز را تهدید می نمودند ملحق گردیده در جواب اعتراض رسمی دولت ایران راجع باین مسئله سفارت روس رسماً بمسئولیت خود در صدور حکم بقونسول ژانرال تبریز اذعان نموده که برای جلوگیری از سیاست که میگفتند نسبت بر رشید الملک بعمل خواهد آمد اقدامات لازمه بنماید بدینچه اقدامی قونسول ژانرال مشارالیه بعمل آورده افدای که در مورد دولت متساوی القوه قطعاً منجر بچنگ

میگردند فقط عذری که سفارت روس در مقابل این تخطی آورده این بود که نمایندگان دولت بکنوع حمایتی رشید الملک اعطاء نموده اند حقیقت واقع این است که اصلاً حکم سیاستی در باره رشید الملک صادر نشده بود و حال آنکه اگر هم صادر شده بود روسها حق این تخطی را بهیچوجه نداشتند پس از مذاقه نامه باسناد راجعه باین حادثه بدون هیچ تردیدی میگویم که کثیر رفتار استقلال شکنانه باین صراحت ممکن است بنصورت درآید *
در موقعی که شجاع الدوله برای حمله به تبریز تدارکات می دید و ساخولویان تبریز حاضر برای دفاع میشدند قونسول ژانرال روس مراسله بحکومت محلی نوشته مشعر بر اینکه ابتدا نباید هیچ قسم تدارکات دفاعیه نمایند در هیچ صورت در شهر نباید مبادرت بچنگ شود در صوریکه در همان موقع بکنفر از تبعه روس بریاست پیش فراولان اردوی شجاع الدوله منسوب بود *

شجاع نظام حکومت مرند نیز بواسطه خیانت که دوات دستگیر کرده بود مامورین روس او را از حبس بیرون بردند شجاع نظام بعد از آن خود را در مرند برقرار داشته حاکم را دستگیر نمود مامورین روس بعد از آنکه مشارالیه در کبابی راه جلفای تبریز مستخدم است در حمایت او مداومت دارند *

اهالی تبریز تلفات زیادی باشرار شجاع الدوله یاعی رساننده فرمانده عساکر روس در تبریز دسته از قزاق روس را بمیدان جنگ فرستاده و در آنجا بعد از اینکه زخم جزئی به پشانی رئیس یکی از منازل خط راه وارد آمده (در حالیکه خود این شخص بمیل خود بجهولی جنگ رفته بود) هفت نفر از ژاندارهای ایرانی را دستگیر نموده بسر باز خانه روس باسیری بردند *

وقتیکه مجلس السلطان مردست اشرار میخواست وارد شهر اردبیل بشود اهالی در صدد ممانعت برآمدند و بقونسول روس فوراً ما مور خود را موسوم باساعیل بك نزد نایب الحکومه و رئیس نظمیة آنجا فرستاده که این خبر دروغ را به آنها بدهد که محمد علی با دوازده هزار قشون بیک منزلی طهران رسیده و اعلان عفو عمومی داده است و پایتخت را بحضرت اشرف سپهدار سپرده و معزی الیه هم قبول نموده است و اینکه نظمیة اردبیل منع کرده است که کسی اسم محمد علی مبرز را نبرد غلط است دوستانه بشما پیغام دادم

که مسبقاً باشید بخود قونسولگری هم تعلیقات داده اند که مواظب نظم شهر باشید *
از همین قبیل اعلانات هم بتوسط جارچی در شهر انتشار دادند و با اهالی آنجا اخطار

کردند که شهر را برای فتح محمد علی چراغان کرده و تدارک پذیرائی برای حاکم که از طرف او معین شده است بنمایند. بعد از این مقدمات مجمل السلطان در تحت حفاظت فاتحانه وارد ردیبل شده مرتکب اعمال وحشیانه گردید پس از مختصر اقامتی در اردیبل مجمل السلطان بشجاع الدوله ملحق گردیده و قوام السلطان را بسمت حکومت در آنجا گدازد. نیل (تمشلو) که از اطاعت محمد علی استنکاف نمودند و بسفوسول روس برای سرکوفی آنها فزاق فرستاد * فرمانده یکی از جهازات جنگی روس که مدتی در بندرگاه انزلی لنگر انداخته بود با اتفاق وکیل فونسلگری روس تمام جهازات تجاری را که وارد بندرگاه میشد نجس کرده مسافری را تفتیش و بعضی را دستگیر و بروسه معاودت میداد *

وقتی که محمد علی شکست خورده متفرق شدند عده کثیری از رؤساء آنها از فونسلگری روس در استرآباد پناه خواستند فونسلول هم آنها را پذیرفته و جدا از استرداد آنها بحکومت ایران برای سیاست استنکاف نمود *

رئیس کسپون روس در کنبه قابوس به (فمش تبه) رفته با محمد علی گفتگوش نمود و پس از آن بحمل مأموریت خود عودت نموده ترکانهای تبعه ایران را با تهدیدات مجبور بمساعدت با محمد علی مینمود. رئیس کسپون مزبور بعد به استرآباد آمده و خود را حاکم معنوی آنجا نموده است در حالیکه قشون محمد علی بیرون شهر اقامت دارند در بندر (جز) وکیل فونسلگری روس با عده قزاق روس مأمور سرحدی ایران را دستگیر کرده محبوساً او را با استرآباد فرستاد و به انواع وحشیگری با او رفتار کردند * در رشت یکمده از رعایای روس مسلح و بسردستگی پسری از مستخدمین فونسلگری روس در آنجا يك نفر تبعه ایران را دستگیر کرده او را تا شرف بموت زدند و اعلام داشتند که هر کس بکس بکس از صاحبان معین ایرانی که در آنجا بود بیاید گلوله خواهند زد *

یکی از مستخدمین فونسلگری روس در رشت در این او آخر عده زیادی از اتباع روس را در خانه خود دعوت نموده و از عدم امنیت شهر صحبت بمیان آورد چون این اقدام اثری نبخشید و مقصود او علنی شد فراریهای روس را بمبار فرستاده اغتشاش بر پا کنند * تمام برای اینکه اغتشاش پیدا کرده بمدر دفع اغتشاش قشون روس وارد کنند * پس از حرکت محمد علی از سواد کوه بکنفر صاحب منصب روسی بعزم دیدن اردوی او به بار فروش آمده شش ساعت در اردو مانده با شش هزار تومان (بساری) مراجعت نمود *

در موقعیکه دولت ایران در طهران یکی از مشاهیر ارتجاعیون مجدالدوله را در ۲۳ ژوئیه گرفت سفرای انگلیس و روس فوراً بحمايت او دخالت کرده استخلاص او را حاصل و فوراً مشارالیه را در سفارت متخصن کردند اثریکه این اقدام در این موقع در قلب پرهیجان ایرانیان بخشید این بود که تصور نمودند که دولتین روس و انگلیس از محمد علی و ارتجاعیون حمایت دارند و بنا بر این بیشرفت دولت مشروطه را مشکلتقر نمودند *

تقریباً در ۳۱ ژوئیه (۵ شعبان) وکیل فونسلگری روس در انزلی چند نفر را بعذر فراری دستگیر کرده و در همان زمان فونسلول روس در رشت فزاق روس با اداره نظمیه فرستاده بکنفر از اتباع ایران را که توقیف بود بعذر اینکه چراغی قرقخانه است مستخلص نماید بموجب قرارداد ۱۹۰۷ بین روس و انگلیس که مفاد آنرا دولتین غالباً بیش چشم ایرانیان می آورند استقلال و آزادی ایران حاجت باین اعتراف ندارد معیناً با وجود این قرار داد روس غریب ترین عقیده را در تناسبات بین المللی باسم (حق حمایت) در ایران تعقیب کرده و مینماید سفارت و فونسلگری های روس نه فقط دعوی حق مطلق نسبت بتمام رعایای (قانونی و غیر قانونی) روس در تمام ایران میکنند بلکه نسبت بیک طبقه دیگری از مردم خصوصاً ارتجاعیون و خائنین معروف که تبعه مسلمة ایرانند دعوی حق حمایت داشته نمیکند خفیهترین اقدامی از طرف دولت ایران نسبت به آنها بی این که غضب و حس انتقام روس باین حمایت روس نیز آنها را از ادای مالیات بدولت ایران محفوظ میدارد و چون اغلبی از آنها بوسیله ترتیبات معلومه حکومت سابقه کسب تمول نموده اند نه فقط باعث خسارت عمده مالیه ایران میشود بلکه اسباب ضعف دولت شده و مورث تشویق سایرین در استنکاف از ادای مالیات حقه میگردد در بسیاری از موارد کار گذاران روس اشخاصی را که حمایت میکنند خود اقرار دارند که تبعه ایران هستند در موارد دیگر بهانه که در مورد تبعیت آنها می آورند بقدری غریب است که بتصور نمی آید مثلاً اگر کسی از سفارت روس پرسد جدا توضیح نمائید که چرا بانوی عظمی شاهزاده خانم صفهانی هزارها تومان مالیاتی را که چندین سال بدولت مقروض است نمی پردازد؟ همچنین در مورد کامران میرزای معروف عموی شاه مخلوع و همچنین سئوال نماید در موقعی که در این اواخر تمصیلدار مالیات طهران اسب شاهزاده عزالدوله را برای نپرداختن مالیات توقیف کرد چرا سفارت روس دخالت نمود؟ از جوابی که میشنود شخص سائل نمیتواند از خنده خود داری نماید گذشته از همه اینها حرف در

این است که حتی رعایای خارجه هم در ایران از ادا مالیات محلی مستثنی نیستند اگرچه بعضی دعاوی بی اصل در تفسیر ماده چهارم قرارداد ترکی میانه ایران و روس عنوان شده است تغییر تابعیت بموجب قانون ایران موکول با اجازه پادشاه است که بایستی از مجرای رسمی برنیبات معینه صادر شود. معیناً دعاوی غربی روسها بمیان آورده تعقیب می نمایند فرضاً فلان تبعه ایران که بکوفتی در فونسلوگری روس متحصن بوده حالا او را برعلتی روس میباشند یا اینکه فلان شخص بموجب حکم امیر اطور روس که بیوقت ابراز نداشته دعوی تبعیت روس میکند قواعد و قوانین تابعیت معمولاً از طریق مذاکرات و قرارداد های دوستانه ما بین دول متخاصمه صورت میگیرد نه اینکه این موضوع را دولت قوی آلت دست کرده شدیداً تضییع حقوق دولت ضعیف تری را فراهم آورده است *

بهارین نمونه از خصومت علنی روس نسبت بدولت ایران اقدامی است که اخیراً (پنج ای تاقت) قونسول جنرال روس در طهران کرده که خود من از جزئیات آن کاملاً مسبوقم حقایق آن هنوز در خاطر های مردم تازه است باید دانست که گرفتن و وحشیانه رفتار نمودن عدّه کثیری از فرافان روس بسر کردنی و منفرد صاحب منصب فونسلوگری روس با لباس رسمی نسبت بچند نفر ژنرال و اهل ایران و حبس آنها در جنرال فونسلوگری روس نمونه ساده است از رفتار واقعی روس نسبت با ایران وقتی که ملاحظه میکنیم علی رغم قرارداد ۱۹۰۷ که بموجب آن انگلیس و روس متفقاً تمامیت و استقلال ایران را تمهید شده اند دولت روس سرانگب این عمل شده با اعتراض دولت ایران در این باب هیچ وقتی نگذاشته و دولت انگلیس هم که یکی از امضاء کنندگان قرارداد بوده در حال سکوت باین رفتار نظاره نموده است قدر و قیمت این قرارداد مشهور برای ایران فوراً معلوم می شود در مورد اعتراض دولت ایران و مطالبه عزل این سه نفر صاحب منصب فونسلوگری سفارت روس این جواب مضحک را داده که در بعضی موارد در مازندران و ورامین بدولت روس توهین شده باین معنی که بعضی از اشرار مسلح در جنگ که بیرق روس بالای سر خود افراشته بودند بباستی متعرض شده باشند گویا از این اظهار مقصود آنست که بایستی آنها را گذارده باشند که آنها بطرف عساکر دولت حمله برند *

پیش از اینها میتوانم بشمارم از قبیل اقدامات روس در جلوگیری هر قسم نرنیباتی که ایران بتواند خود را از قید اسارت روسیه از حیث مالیه برهاند و دعاوی انگلیس در

باب اینکه بموجب دستخط سنه ۱۸۸۸ ناصرالدین شاه دولت ایران خود حق ندارد که راه آهن در جنوب احداث نماید و این حق منحصر بدولت انگلیس است ولی اگر بخواهم شرح این مطالب را بنویسم مطالب بطول می انجامد *

خوب است مخصوصاً ذکر می هم از مسئله « استوکس » بشود نه از حیث اینکه این مسئله فی حد ذاته اهمیت فوق العاده را داراست بلکه بواسطه اصول مضره که انگلیس و روس با زحمت و بموافقت ایران برقرار داشته اند وزیر مختار انگلیس در اینجا در تاریخ ۲۲ ژوئیه ۲۵ رجب رفته بن نوشت مبنی براین که دولت انگلیس با ایشان اجازه داده است که بمن اظهار دارد که « قبل از آنکه ماژور استوکس قبول فرماندهی ژنرال مری خزانه را بنماید باید از منصب خود در فاشون عتد استعفاء بدهد » چون در پیشنهادی که ابتداء بآژر استوکس کرده بودم ذکر می از لزوم استعفاء او از خدمت انگلیس نشده بود حالا هم که این مطلب مصرح شده برای دولت ایران در مساعدت سه ساله با ماژور استوکس تفاوتی نمیکند لهذا طبعاً خیال کردم همین که استعفاء بدهد قبول خواهند نمود و او هم تلکرافاً استعفاء داد با کمال تعجب معلوم شد که اقدام انگلیس در این موقع ارسال يك یاد داری مورخه ۸ اوت « ۱۳ شعبان » بوزارت خارجه ایران بود باین مضمون :-

« دولت ایران را آگاهی داده میشود که در استخدام ماژور استوکس نباید اصرار نمایند مگر آنکه او را در شمال ایران بکار بکارند و اگر دولت ایران اصرار نماید دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان حق دولت روس را در هر اقدامی که در حفظ منافع خود در شمال ایران لازم بدانند تصدیق خواهد نمود » عجب تهدید مخصری است ما بین دوستان !!

این یاد داشت را در ۱۹ اوت « ۲۴ شعبان » تجدید کرده باین مضمون اظهار داشتند :-

« اختاری را که در تاریخ ۸ اوت « مطابق ۱۳ شعبان » نموده است باین مضمون که بجز اینکه استخدام ماژور استوکس برای شمال ایران نباشد دولت ایران نمیباست در استخدام مشارالیه اصرار نمایند و اگر در این مسئله جد نمایند دولت پادشاه انگلستان حق دولت امیر اطوری روس را تصدیق خواهند نمود که هر اقدامی را که برای محافظت مصالح خود شان در شمال ایران لازم بدانند بنمایند » اگر جدارت نباشد خوب است بمرسیم که این منافع نامحدود در شمال ایران چیست که اینهمه اهمیت به آن میدهند مسلماً در قرار داد ۱۹۰۷ تصریحی از آن نشده است و دولت ایرانهم که از آنها خبری ندارد دولت انگلیس هم تا تاریخ ۲۲ ژوئیه « ۲۵ رجب » معلوم میشود بی اطلاع بوده است

والا چطور میشد در فکر قبول استعفاء مازور استوکس از خدمت قشون هند بوده باشد تا مشار الیه «کثرات» با دولت ایران را امضاء نماید از برای تکمیل این حکایت باید ذکر نمود که سفارت روس در ۱۹ اوت ۲۴ شعبان یادداشتی بوزارت خارجه ایران بدین مضمون نوشت: «دولت امپراطوری بنابر ملاحظاتی که در موافق خود بدولت علیه ایران بیان داشته است استخدام دولت علیه مازور استوکس را بسمت ریاست قوای مسلحه بعنوان ژاندارمری جهت وصول مالیات مخالف منافع خود میداند و بدو ستاد امر شده است که این استخدام را پروتست نماید و اگر امر این طور باشد دولت امپراطوری برای خود اخذ حق خواهد نمود که اقداماتی که جهت حفظ منافع خود در شمال ایران لازم بداند بعمل آورد *»

پس از اطلاع از یادداشت اولی سفارت انگلیس بدولت ایران عقاید ذیل را بوزیر مختار دولت انگلیس اظهار داشتیم:-

با کمال توفیر من غیر رسم در خصوص مسئله بسیار مهمی راجع بکار خودم این شرح را مینویسم:- * با کمال تعجب امشب شنیدم که دولت شما يك یادداشتی مبنی بر تعرض و تدبیه بر علیه پیشنهاد من برای استخدام مازور استوکس در ژاندارمری مالیه بوزیر امور خارجه ایران فرستاده است بدون شك از جریان این مسئله تا بحال اطلاع دارید ضرور نیست اظهار دارم که نظر بغداد مکتوبه که بر حسب دستور العمل دولت خود در تاریخ ۲۲ ژوئیه «۲۵ رجب» بن نوشتید مبنی بر اینکه مازور استوکس میتواند بعد از استعفاء از خدمت قشون هند قبول خدمت نماید این تغییر رأی که در یادداشت امروز ابراد داشتند از دایره تفکر خارجست آیا دولت انگلیس ملتفت هست مرا در نزد اهل این مملکت و دولت ایران بجه حالتی دچار میکند که غفلتاً بایک دولت دیگری متفق میشوند که نگذارند ایران را در مختصر مسئله راجع بحق استقلال خود اقدامی نماید در صورتیکه سراعات استقلال و تمامیت او را دولتین متحداً و منفرداً تعهد نموده اند حساب شخصی من اهمیتی ندارد ولی موفقیت ما موریت من در این مملکت یا عدم آن برای ایران که امور مالیه خود را بمن تفویض داشته و برای هموطنان من که طبعاً مایل موفقیت من در این کار مهم هستند اهمیت زیادی را داراست قبل از تقبل من باین خدمت صراحتاً فهمانیدند بن که هیچیک از این دو دولت عمده که دارای منافع در ایران هستند ایرادی در کار من نخواهند داشت و یقین است این اظهار بیش از يك تعهد بیمعزی قدر

داد هیچکس بهتر از شما نمیداند که در انتخاب مازور استوکس ابتدا مقصود سیاسی منظور نبوده و هیچ عاقلی نسبت بن سوء ظن نمینماید که بخوایم داخل تقلبات سیاسی که یقیناً مورث تسخیر خود من و خرابی کار من خواهد بود بشوم باید چه تصور کنم که می بینم اول قدم مهمی که برای رفع هرج و مرج بر میدارم همان دو مملکتی که کرا را آرزوی صمیمی خود را در ترقی و سعادت این مملکت بیچاره که بخوایم خدمت کنم اظهار داشته بیرحمانه جلوگیری مینمایند آیا وزارت خارجه انگلیس درست ملتفت است که از اتخاذ مسلك اخیر در این موضوع مسلماً ایرانیان چنین خیال خواهند کرد که انگلیس حقیقتاً مانع موفقیت کار من است گذشته از اینکه مجبوراً خود من هم تصور خواهم کرد که نباید هیچگونه مساعدت دوستانه اخلاقی از دولت انگلیس در يك چنین مسئله خطیری مترصد بود اگر اینچنانك مملکت متعارفی بود و اشخاص مجرب کافی نسبتاً زیاد بودند نتیجه این حماقت اگر چه اساساً غلط است اهمیتی نداشت و لکن چنانچه میدانید آدمهای کافی در اینجا خیلی کم است اتخاذ این مسلك در حقیقت مانع کوشش و ناسخ موفقیت محتمله من است رجاء واثق دارم بیکطوری دولت انگلیس متوجه این نکته بشود صرف نظر از اینکه بعقیده من این مداخله در جریان کار خصوصی اداری و امور داخلی تنظیمات مالیه که در دست دارم بدون رده ووشی بیخوف است شخصاً بقدری این مسئله حساب مرا برانگیخته است که عتفاً بفرک این افتاده ام که لااقل بوسیله يك لایحه رسمی عمومی منضم کلبه تجر بیات در این موضوع از زمان ورود بطهران افکار هموطنان خودم را تصحیح نمایم بدیهی است اقدام باین کار از روی نهایت تأسف خواهد بود ولی در مراودات بین دول و اشخاص هم اقللاً يك مراعات انصافی لازم است و در این موضوع بخصوص تصور می کنم که اعمال من بطوری صاف و بی عیب است که ندره بین تجسس در آن غل و غش نخواهد یافت *

«انتهای مکتوب *»

از مطالعه جزئیات این واقعه معلوم خواهد شد که قرار داد ۱۹۰۷ بهیچوجه بموضوع استخدام مازور استوکس بسمت معاونی مالیه خزانه دار کل ارتباطی ندارد مگر اینکه قرار داد مزبور را يك نمائشی از مکر و حيله تصور کنیم زیرا که اولاً در مقدمه این قرار داد چنانچه طبع و در تمام عالم منتشر شده است مصرح است که انگلیس و روس متفقاً متعهدند که تمامیت و استقلال ایران را در عهده شناسد و هر دو امضاء کنندگان آن

قرار داد در همان مقدمه آرزوی صمیمی خود را برای حفظ نظم و رفاهیت و آبادی ایران اعلام داشته اند یکی از مواد اولیه استقلال که اقل حدود قانون بین الملل است حق فیصله امور داخلی است و مسلماً تعیین ما مورین هر مملکتی از این حق خارج نیست *
ثانیاً مقصود واضح قرار داد مزبور این بوده است که هیچک از این دودوات امتیازات سیاسی یا تجارته از قبیل راه آهن و بانک و تلگراف و راه حمل و نقل و پسته و غیره بقول خودشان در منطقه نفوذ یکدیگر از برای خود درخواست نکرده و از رعایای خود نیز در این موضوع مساعدت نمایند ولی مسئله ماژور استوکس مسئله امتیاز نیست ماژور استوکس نه راه آهن است و نه امتیاز سیاسی و با تجارتنی از هیچ قبیل و بدون هیچ ملاحظه خارجی تکلیف نمودن شغلی را با او نمیتوان بدرخواست و با مساعدت تحصیل امتیازی از طرف دولت انگلیس از روی هیچ اصول تعبیر نمود خطای دیگری که در نظر این دو دولت میتوان گرفت این است که تا دولت روس این ایراد را بیان نیاورده بود وزارت امور خارجه انگلیس هیچ وقت مسئله استخدام ماژور استوکس را مخالف روح آن قرار داد که برای خودشان سر مشق قرار داده اند نمیدانست کاغذ خود وزیر مختار انگلیس این که در این مشروحه درج شده دلیل صحت این اظهار است * :-

دولت ایران بی آنکه صحت و مرجعیت این قرارداد را نسبت بخود تصدیق نماید میتواند اظهار دارد چون مضامین يك سندی واضح و روشن باشد روح آن تعبیر بدین نیست اکنون که قشون محمد علی و سالارالدوله قلع و قمع و متفرق گردیده اند و قبل از آنکه دولت ایران بتواند بعد از آنهمه اضطراب و مخارج و زحمات که در صورت رعایت مقاله نامه « برو تکیل » و فراهم آوردن مسایل کافیه در جلوگیری از دسائس محمد علی لازم میگردید نفسی تازه نماید اعلام میشود که دولت انگلیس برای تقویت مستحفظین قونسول خانهای مغلقه خود خیال دارد دو فوج سواره هندی بجنوب ایران اعزام دارد دلیلی که برای اعزام قشون می آورند نا امنی طرق جنوب و اغتشاش شیراز است در باب اغتشاش شیراز باید گفت پناه طولانی که تا همین اواخر بقوام الملک دشمن ملی قشقائی در قونسول خانه انگلیس در شیراز دادند اشکال حکومت مرکزی ایران را در استرداد امنیت آنجا بسرحد کمال رسانید خصوصاً اینکه پسر قوام در این مدت در بر انگلیستن ایل عرب بر ضد حکمران سابق نظام السلطنه کوششهای پیاپی مینمود نتیجه منتظره عمومی این تخطی قشون هندی انگلیس در این موقع بجنوب ایران اسباب این

خواهد شد که عده زیادتری از قشون اجنبی به بهانه های کوچکتری بشمال ایران وارد شوند *

ثالثاً به اینجا اظهارات خود را بوقایعی که در مدت توقف پنجگانه خودم در طهران اتفاق افتاده محدود داشته ام و لکن این وقایع هیچوجه رفتار غیر دوستانه روس و انگلیس را در ایران تکیل نمینماید مثلاً غمناکی که زمستان گذشته به تمام عالم داده شد در موقعیکه سفارت انگلیس و روس خود را بتوهینات شخصی تنزل داده و بعد از تأخیر نا اذیه مستمری شاه مخلوع نوکرهای ملبس با لباس رسمی خود را بعقب سر وزیر امور خارجه انداختند دلیلی است کافی برای مسلک این دو دولت و غایبندگان آنها در طهران نسبت بدولت ایران در تمام این مواقع وزیر امور خارجه ایران در مورد نقض صریح استقلال و هتک شئونات ایران اعتراضات رسمی نموده و کثرت وقتی بلکه هیچ وقت اقل بر سیل ظاهر سازی هم جبران یا استرضائی بعمل نیامده است شاید بسیاری از این وقایع دلیل کافی برای اعلان محاربه نباشد و شاید بعضی از آنها را بگویند بدون اجازه ناشی از ما مورین جزء بوده است و حال آنکه در کثرت موقعی دولت مقصر تکذیب عمل آنها را کرده است و اگر هم اتفاقاً کرده باشد گمان نمیکنم هیچ آدم با فکری آنرا دلیل دوستی حقیقی روس و انگلیس نسبت بایران بشمارد *

شاید کسی سؤال کند که این فقرات چه مدخلینی بمالیه و اصلاحات آن در ایران دارد جواب اینست که هر کس در ایران يك هفته توقف کرده میدانند که کلیه احتمالات اصلاح مالیه ایران کاملاً منوط به اعاده فوری نظم در تمام مملکت و ایجاد و حفظ يك حکومت قوی مرکزی است که بتواند قوای خود را در اقصی نقاط مملکت محسوس داشته احکام خود را اجراء دارد مادامیکه مسلک متخذه حالیه در جلوگیری ایجاد چنین حکومتی مداومت دارد مادامیکه رفتار ضریح دول در تخریب کوششهای جدی بمعاذیر مغلقه خود خواهانه در جریان است تا اینکه عظم دولت را در نظر خود ایرانیان برده و ضمناً مملکت را بیک حالت ورشکستگی نگاه بدارند همیشه کوششهای مصروفه در اصلاح مالیه مانند نقشی است بر آب یا وعده بیطرفی است که هیچوقت رعایت نشود اشکالات داخل ایران تا آخرین درجه استطاعت موجود است این اشکالات بخودی خود تا چندین سال ترقیات آن را عقب خواهد انداخت اگر باین اشکالات زور گوئیهای فاحش خارجه و مسلک رسانیدن و لال و خموش گردایدن ایران را که پیوسته تعقیب می

نمایند بفرزاتیم کار ایران خیلی خرابست اگر بولی برای اصلاحات مدامی لازم باشد باید با شرایط غیر ممکنه سیاسی تحصیل شود و اگر راه آهن بسازند باپستی برفقاه قدیمی ما « یعنی منطقه های نفوذ » متصل شود اگر خرید اسلحه بیان آید باید از يك دولت دوست معمول خارجه بسه برابر قیمت خریداری نمود اگر صاحب منصبان مجرب حبه خدمت دولت ایران برای تسریع ترقی بخواهند باید از يك دولت كوچك و با از آن قبیل انحصاسی كه بمرضگی و بیرگی خود را به ثبوت رسانیده برای آلت شدن دست خارجی حاضر باشند و اگر هم از يك دولت كوچكی باشند باید عده آنها بقدری نباشد كه علامت يك اقدام جدی طرف اصلاح ظاهر گردد در این ایام نوع پرستی و استعجاب بین المللی باید ملك كیخسرو و چهار اینگونه بدبختها باشد هر چند مسكين مفلوك تسلیم تقدیرات خود باشد هر چند كذا در فقر و فلاكت و تن بقضاء در داده باشد ما را نرمد كه عامداً او را لگد كوب كیم *

حقایق و دقایق كه در این مشروح مندرج است يك ثلث از آنچه اطلاع دارم نیست آنچه ذكر شد فقط نمونه است كه هر كس در صحت آن شكی داشته باشد اسناد كتبی آن حاضر است كه صحت آنها و خیلی از امثال آنها را ثابت نماید *

لینذا امیدوارم كه روز نامه « تمس » با كسب اطلاعات فوق و حسن عدالتخواهی كه بدان معروفست اظهارات مندرجه در مقاله اساسی ۱۷ اکتوبر « ۳۴ شوال » خود را در اینکه بیانات من راجع برفتار بعضی از دول نسبت بایران خارج از انصاف و عاری از صحت است تكذیب خواهد نمود *

« امضاء - ماركن شوستر خزانه دار كل ایران »



دال -

— «مراسلات ما بین مستر شوستر و سر جارج بارکلی» *
* و پاکبوسی کریل و ماژور استوکس *

(اول)

سواد مراسلات بین مستر مورگان شوستر خزانه دار کل ایران و سر جارج بارکلی وزیر مختار انگلیس (و ماژور استوکس مأمور نظامی سفارت انگلیس) مقیم طهران مشتمل بر سی فقره *

— «(۱) مراسبه مستر شوستر به ماژور استوکس» *

طهران خزانه داری کل مملکت ایران

ششم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق نهم رجب ۱۳۲۹)

ماژور س ب استوکس « میاری آتسه » مأمور نظامی سفارت انگلیس مقیم

طهران

آقای من : از قرار مسموع دوره اموریت و خدمت سفارت شما خاتمه یافته و عنقریب از طهران رفتنی میباشید اطلاع کامل شما از امور ایران و عموم اوضاع آن بعلاوه اطلاعات نظامی شما همچنین اطلاعیکه از زبان فارسی دارید قدر و اهمیت شما را در نظر دولت (امپراطوری) شهبشاهی ایران بسیار خواهد افزود برای دخول و شرکت در یکی از شعب مهمه مالیه که نظم و تمشیش این اوقات بمن محول شده است مقصود از تصویب و تشکیل ژاندارمری خزانه تأسیس مختصر هیئت نظامی با نفوذی است که وظیفه اش امداد و معاونت مأمورین مالیه است که مباشر وصول مالیه و تحویل نریاک و « بوپوز » و مالیاتهای مستقیمه دیگر میباشند خصوصاً در ولایات جنوبی *

نظر به اجازه و اختیاریکه از طرف مجلس در باره قرار داد با شخص مناسبی داده شده که بعنوان معاونت در این شعبه مخصوصه مالیه مستخدم گردانم بسیار خوش وقت میشود که قرار داد سه ساله مطابق مواد جوف (۱) در این باب بشما اظهار نمایم *

بسیار ممنون خواهم بود که بفرودت ممکنه بدانم چنانچه در قبول خدمات مزبور حاضر و راضی میباشد اقدامات فوری کرده و رسماً در این باب بسفارت انگلیس اظهار نمایم با ادای مراسم دوستی *

دوست صادق شما و مورگان شوستر خزانه دار کل ایران * (تنبیه) :- مکتوب فوق اولین اظهار در باره استخدام مازور استوکس بود و مراسلات ما بعدی از همین بنا شروع شد *

— * (۲) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر * —

طهران : سفارت انگلیس *

چهاردهم ژویه ۱۹۱۱ (هفدهم رجب ۱۳۲۹)

دوست عزیزم مستر شوستر : مسئله تصویب استخدام مازور استوکس را بعنوان ریاست ژاندارمری خزانه بدوالت متبوعه خود اطلاع داده ام چون علی الظاهر همچو تصور می شود که این انتخاب باعث تولید رقابت بین المللی خواهد شد استفسار نموده اند که انتخاب و تعیین یک نفر صاحب منصب سویدی یا یکی از اتباع دول دیگر بجای مازور استوکس آیا باعث رفع این محذور نخواهد شد ؟

بسیار مایل قبل از آنکه بدوالت متبوعه خود جواب بدهم از راهی دولت ایران مطلع شوم که بدان مبادله راضی خواهد بود *

عزیزم مستر شوستر : دوست صادق شما ج . بارکلی *

— * (۳) مراسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی * —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

چهاردهم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق هفدهم رجب ۱۳۲۹)

سر جارج عزیزم : مکتوب امروزه شما رسید در باب رقابت بین المللی که از دولت متبوعه شما تقرر مازور استوکس تصور نموده و استفسار فرموده اند که « از تعیین یک نفر صاحب منصب سویدی یا یکی از اتباع دول دیگر براساس ژاندارمری خزانه

(۱) مواد معاهده مزبوره و مواد آن در آخر همین ضمیمه ذکر خواهد شد *

آیا رفع این اشکال و محذور نخواهد شد ؟

جواباً عرض میکنم که چون به تازگی از طرف مجلس اجازه و اختیار بن داده شده است در تعیین و انتخاب اشخاص مناسبی بجهت نظم و ترتیب فوج ژاندارمری خزانه در تحت نظارت و حکم خودم اظهار این خدمت مازور استوکس فقط باین ملاحظه میباشد که مشارالیه را در انجام امریکه در نظر دارم بهتر و مناسب تر از سایر اشخاص میدانم و اطلاعات شخصی از زیادت و قابلیت مشارالیه دارم از قبیل اطلاعات نظامی و توقف چهار ساله اش در ایران و استحضارش از امور داخلی مملکت و دانستن زبان فارسی و فرانسه (که عموماً در این مملکت به آن تکلم میکنند) و روی هم رفته بواسطه اهمیت و احترامیکه عموماً بملاحظه صاحب منصبی و جنبه شخصیش میکنند *

هیچ تردیدی در دادن اطمینان بشما ندارم در اینکه در انتخاب معاون مقتدری برای این شعبه از کار خود ملاحظه نلبت و رعایت رعیتی دولت مخصوصی در رأی من راه نیافته و نخواهد یافت اگر چنین می بود طبیعی است که نظر باخیارات نامه که در این باب با بجناب تفویض شده بخوبی میتوانستم همچو معاونین از وطن و مملکت خود جلب نمایم * در این موقع آنگاراً تذکار و اعاده مطلب مینمایم که در اصلاح امور مالیه که مسئولیت آنرا به عهده گرفته و نیک نامی خود را در انجام این امر ضعیف تعرض امتحان گذارده ام ابداً رعایت حیثیت پلتنیکی در کار نیست و ملاحظات پلتنیکی و شخصی یا عمومی و بین المللی در افعال من را نیافته بالطبع احساس میکنم که در اظهار صاف دلانه و بیغرضانه این شغل به مازور استوکس همچو قسم رعایت و طرف داری پلتنیکی در خاطر من بر توفیقکننده است *

با کمال احترام نسبت بر عیایای دول کوچک و بدون بی احترامی نسبت به هموطنان خود که ایشان را در خدمت فوج ژاندارمری به همراهی مازور استوکس ما مور گردانیده عرض میکنم عقیده شخصی من اینست که مازور موصوف قابل ترین شخصی است برای انجام خدمات نافذ مؤثره مفیده به این دولت در امور راجعه مالیه در هیچ صورت راضی نخواهم بود یکی از اتباع هر دولتی را در این شعبه یا شعب دیگر کار خود ما مور و منتخب گردانم تا اینکه اطلاع و احراز اطمینان شخصی از لیاقتهای مخصوصه اش نکرده باشم * همه میدانند یکی از علل بسیار مشکله که در این مملکت اجانب را چنانکه از حال خود استنباط نموده ام معطل داشته ندانستن زبان و عدم اطلاع از عادات و رسوم و

(عقاید) خیالات ایرانیان است این نقایص صعب تر و بزرگ تر خواهد بود برای کسیکه سرو کارش با عده کثیری بیفتد برای تشکیل فوج مسلحی صاحب منصب سویدی هر قدر هم که با لیاقت و کفایت باشد شاید پس از یکسال یا بیشتر بتواند معاونت صحیحی به این شعبه بکند و حال آنکه اهمیت تشکیل و لزوم بکار انداختن قوای نظامی ژاندارمری بی نهایت فوری میباشد *

آخر کار اجازه می طلبیم در عرض و اظهار این مطلب که چون عموماً از مسئله اظهار این خدمت به مائوراستوکس مطلع گردیده اند پس گرفتن این اظهار نامه از طرف من شاید حمل بر رعایت نکات پلتیکی صرف بشود و حال آنکه هیچگاه راضی باین اتهام نخواهم شد *

امید وارم که این عرایض برای مطمئن ساختن دولت منبوعه شما کافی بوده و بتوانم از طرف دولت شما رعایت مناسب فوری جلب نمایم برای قبول مائوراستوکس این خدمت را *

سر جارج عزیزم : دوست صمیمی شما *
و مورگان شوستر

— « (۴) مراسله مستر شوستر به سر جارج بار کلی » —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

شانزدهم ژوئیه ۱۹۱۱ (مطابق نوزدهم رجب ۱۳۲۹)

سر جارج عزیزم : دو طغرا قبض ملفوفه جوف را وزیر خارجه نزد من فرستاده است تصور میکنم از بابت دوازده هزار و پانصد فرانک است که دولت امپراطوری بر حسب معمول از بابت قرار داد تعمیر خط تلگراف هند و اروپای بلوچستان از سفارت شما وصول مینموده وزیر مغری ایه خواهش نموده که مبلغ مزبور را در صورتیکه سفارت شما بکلی صلاح بداند خود وصول نموده و قبضی به امضای خود بدهم اگر چه رأی داده بودم که خود شانهم این تغییر را بشما اطلاع بدهند ولی این اطلاع را هم بخود این جانب محول داشته اند چنانچه مانعی از طرف شما نباشد اکنون مبلغ مزبور را (و در آینده نیز) وصول نموده و قبض رسید آنرا به امضای خزانه دار کل ارسال دارم در این صورت خواهشمند است قبوض جوفی وزارت خارجه را مسترد فرمایند *

با احترامات دوستانه سر جارج عزیزم : دوست صادق شما *
و مورگان شوستر خزانه دار کلی *
(دو طغرا قبض ملفوف)

قلهك جناب سر جارج بار کلی ***

— « (۵) مراسله جوابیه سر جارج بار کلی به مستر شوستر » —

طهران . قلهك . سفارت خانه انگلیس *

هیجدهم ژوئیه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و یکم رجب ۱۳۲۹)

مستر شوستر عزیزم : بسیار متأسفم از اینکه در جواب مکتوب شانزدهم شما بنویسم که چون قبض « برانها » دوازده هزار و پانصد فرانک برای تأدیه فسط ششماهه بر حسب معمول با اسم وزیر خارجه خرید شده است دو قبض جوفی وزارت خارجه لغاً ایجاد داشتم که پس از امضای قانونی یعنی امضاء کسیکه رسماً از طرف وزارت خارجه نمایندگی داشته باشد معاونت دهد پس از تأدیه مبلغ فوق و قبض و اقباض در مواقع آتی در وجه خزانه دار کل پرداخته خواهد شد *

چون مامورم که با همان اداره رسماً مراسله و معامله تمام از این تغییر اجتناب نموده بروات را بوزارت خارجه فرستادم و قبض رسید را هم از همان مجرا دریافت خواهم نمود * امید وارم این ترتیب باعث تسهیل امور شما و مناسب باشد

(دوست صادق شما جارج بار کلی)

خدمت آقای مورگان شوستر : مجدداً توجه خواطر شما را بدین مسئله معطوف میدارم که مبلغ بیست و پنج هزار فرانک از بابت اجاره خط سرکاری ایران برای تأدیه به دولت شما نزد من جمع و موجود است بجزو اتمای قبویشان برای تعمیر خط مزبور پرداخته خواهد شد * (به مکتوب بیستم مارس و اول ژوئیه ۱۹۱۱ سفارت رجوع فرمایند *) (ج * ب)

— « (۶) مراسله مستر شوستر به سر جارج بار کلی » —

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

بیستم ژوئیه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و سوم رجب ۱۳۲۹)

سر جارج عزیزم : تمکنت زحمت استفسار بدهم در این مسئله که آیا میتواند

رانی بدهید که بدان وسیله امضای معاهده مازور استوکس با دولت ایران بزودی تکمیل یابد * *

حقیقت امر اینست که تمام امور ژاندارمری خزانه ملتی مانده و موقوف بانجام این امر است بدون شبهه و تردید میتوانم بگویم اهمیت و اوزم تشکیل این فوج برای نظم مالیه ایران در نهایت درجه می باشد بواسطه نبودن فوج مزبور حقیقتاً بیست و پا شده متعجبم که باین بودن مازور معزی الیه بکدام کس رجوع نمایم که دارای لیاقتهای مشارالیه باشد لذا ملتزم و خواهشمند است که حتی المقدور در انجام این مسئله سعی و کوشش فرمایند .

(سر جارج عزیزم . و . مورگان شوستر)

خزانه دار کل ایران *

(فلهك . ك . س . م . ج . و . سر جارج بارکلی *)

— « (۷) مراسله جوابیه سر جارج بارکلی به مستر شوستر * » —

طهران . سفارت خانه انگلیس *

بیست و یکم ژویه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و چهارم رجب ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : روز گذشته بدون رسمیت تلگرافی نمودم بوزارت خارجه دولت خود مبنی بر خواهش فوریت در تصفیه معامله استوکس و اینک هم که مرقومه شما زبارت ثانیاً و رسماً تلگراف کردم *

(دوست صادق شما . جارج بارکلی) *

— « (۸) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر * » —

طهران . سفارت خانه انگلیس *

بیست و دوم ژویه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : از طرف دولت متبوعه خود در اطلاع شما ما مورم که مازور استوکس قبل از قبول ریاست ژاندارمری باید از خدمت (۱) نظامی فوج هندش استعفا نماید . مستر شوستر عزیزم . ج . بارکلی *

(۱) بوجب شرطیکه خود دولت انگلیس اظهار نموده بود مازور استوکس فوراً از خدمت نظامی در فوج هندوستانش مستعفی گشت *

— « (۹) مراسله جوابیه مستر شوستر به سر جارج بارکلی * » —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

بیست و دوم ژویه ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم رجب ۱۳۲۹ »

سر جارج عزیزم : اکنون مراسله امروزه شما که حاوی اظهار دولت متبوعه تان بود رسید که مازور استوکس باید قبل از قبول ریاست ژاندارمری از خدمت نظامی هندش مستعفی شود *

هنوز به همان عقیده باقی می باشم که دولت شاهنشاهی ایران باید خدمات مازور استوکس را بپر قدر و قیمتتی که باشد برای خود تحصیل نماید امیدوارم بفوریت ممکنه این معامله تصفیه یافته و انجام یزیرد *

اجازه می خواهم که از مساعی جمیله و اهتمامات دوستانه که در پیشرفت این امر مبدول داشته اند تشکرات خود را تقدیم نمایم . بعلاوه اظهار این عقیده خود که در اصلاح امور مالیه این ملت سلوک مهربانانه فرموده اند که مطبوع خیر خواهان ایران میباشد با احترامات صادقانه *

سر جارج محترم من . و . مورگان شوستر *

(ك . س . م . ج . سر جارج بارکلی)

— « (۱۰) مراسله مستر شوستر به سر جارج بارکلی * » —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

هشتم اوت ۱۹۱۱ « مطابق دوازدهم شعبان ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم من : اجازه میخواهم که من غیر رسم شما را مخاطب ساخته از امریکه اهمیت و ارتباط تامی یا شغل من دارد استفسار نمایم « امشب » شب گذشته با کمال تعجب شنیدم که دولت متبوعه شما (۱) انتباه نامه بوزارت خارجه ایران اظهار داشته است برخلاف استخدام مازور استوکس در اداره ژاندارمری خزانه بدون شبهه تا بحال از جریان این امر بخوبی مطلع و مسبوق میباشد آیا میتوانم عرض بکنم : نظر بفقاد مکتوب بیست و دوم ژویه شما که حسب الامر دولت متبوعه خود اطلاع داده بودند که « مازور

(۱) مازور استوکس در فاصله بین این مکتوب و مکتوب سابق تلگرافاً مستعفی شد

دولتین انگلیس و روس فقط عدد بسیار مختصری در این باب بدولت ایران اظهار داشتند *

استوکس بجز استعفای از خدمت قشوقی هند نمیتواند این خدمت را قبول نماید « علت این تبدیلی رخ و انحراف مسلکی که از مساعله امر زود مشاهده میشود بصورتی آید * این قدر میدانم که حق ندارم اینگونه مطالب را در مراسلات رسمی اظهار نمایم و قصد نوهین هیچ کس از تخلیه منم عبور نموده از شرکت آتی و بی مقدمه با دولت خودتان یا دولت دیگر برای منع دولت ایران از حقوق مسلمه خود آیا میتوان بخوبی تصور و مقایسه نمود موقعی را که در انظار عموم اهالی ایران برای این جانب حاصل شده در صورتیکه خود آن دو دولت محافظت آزادی و استقلال دولت ایران را با کمال احترام متفقاً و منفرداً اعتراف و تصدیق (خیات) نموده اند !

خیالات و احساسات شخصی خودم چندان قابل اهمیت نیست ولی موفق شدن یا ناکامیایم در این شغل مهم برای خود ایرانیان که امور مالیاتی خود را بدست من سپرده اند و همچنین در انظار هموطنانم بسیار اهمیت خواهد داشت که طبعاً دلچسپی و میل مغربی بوفیق شدنم دارند *

قبل از آنکه این شغل را قبول نمایم یقین قطعی داشتم که هیچ یک از دولتمن معظمین که منافع و اغراض مخصوصه در این مملکت دارند اعتراضی به قبول من نخواهند داشت و بی شبهه اگر هم همچو اعتراضی بپردازند بکلی بی اصل بود *

با کمال اطمینان عرض میکنم هیچکس بهتر از خود شما حقیقت این امر مطلع نخواهد بود که انتخاب ما زور استوکس ابتدا تعاقب بقاصد پانیکي نداشته و هیچ گونه غرضی هم در بین نمیباشد هیچ شخص عاقل مآل اندیشی نسبت به من گمان نخواهد نمود که بوسایل پانیکي اراده نفوذ در این مملکت داشته باشم زیرا که همواره در انظار مردم مرا تسخر نموده و خلل کلی در امور و مشاغل راه خواهد یافت *

در این صورت این را حمل به چه میتوان نمود که وقتی که اولین قدمی که در این امر مهم برای نظم و اصلاح این پریشانی و بی نظمیها بر میدارم می بینم همان دو دولتی که کرازا اظهار خواهشهای صادقانه میکردند برای ترفی و ترفیه حال این مملکت و اهالی ستم دیده اش که میخواهم خدمتی بدیشان نمایم همان دو دولت ممانعت و تخلف از وعده های خود مینمایند *

آیا وزارت خارجه شما میتواند بخوبی احساس نماید درجه و میزان مخالفتی را که « نسبت بمن » در این معامله اختیار نموده و از این مسلک و سبک بسیار جدیدیکه فقط

برای منع از نیل بمقصودم اختیار شده در اذهان ایرانیان چه می نشیند ؟ علاوه بر این مجبور میباشم که در این امر مهم از هر گونه معاونت اخلاقی دولت شما مأیوس شده متوقع هیچگونه مداخله ای نباشم *

اگر در این مملکت هم مثل سایر ممالک متعدده مردمان عالم تربیت شده تجربه آموخته بسیار میبود نتیجه اعتراض شما اگر چه اصولاً صحیح نیست چندان بد نبود ولی چنانچه خود شما میدانید در این مملکت که اشخاص کاردان کمیاب و نادر است اختیار این مسلک ماحی مساعی و مواقع کامیابی من میباشد *

امیدوارم دولت متبوعه شما بوضعی در این امر رفتار خواهد نمود که « ما نحن فیه » را باین نظر ملاحظه و رعایت نماید قطع نظر از اینکه صراحتاً بگویم که این گونه مداخلات در معاملات داخلی ایران و امور معمولی مالیه که برای نظم و اصلاحش کوشش میکنم بکلی مداخله غیر مطلوب و ناپسندیدست *

احساس میکنم مجبوریت در این امر را که بتوسط مکاتبات عمومی و توضیحات رسمی راجع به این معاملات از بدو ورودم بپهران هموطنان عزیز خود را کاملاً مطلع گردانم اگر چه اظهار تأسف از اینگونه اقدامات مناسب نیست ولی مابین دول و افراد مردم معاملات منصفانه هم وجود خارجی داشته و معمول به میباشد احساس میکنم که بی شبهه تجربیاتم در این معامله بدرجه کافی و ظاهر است که بهیچ قسم محتاج به تجربه و آزمایش نخواهد بود *

مستندی است التفات فرموده از این طرز و رویه آزادانه که عریض خود را اظهار مینمایم عفو فرمایند *

با احترامات دوستانه و انتظار و استدعای اقدامیکه هنوز هم ممکنست

سر جارج محترم * دوست صادق شما . و

مورگان شومر . خزانه دار کل ایران

(ک . س . م . ج . سر جارج بارکلی)



— (۱۱) — مساعله جوابیه سر جارج بارکلی به مستر شومر * —

طهران . قلهک . سفارتخانه انگلیس *

دوازدهم اوت ۱۹۱۱ « مطابق شانزدهم شعبان ۱۳۲۹ »

مستتر شوستر محترم: در اطلاع وانه طواف نوجه دولت متبوعه خود بحقیقت و
مادیت بضمون سراسله هجدهم اوت از طرف من قصوری ناشی نشده *

دولت اعلیحضرت اجازه داده است که جواباً اطمینان بشما بدهم که درجه خاص
نبت شما و میزانه کار را بخوبی تلفت شده و اظهار تأسف می نمایند از عدم امکان قبول
خواهشی که اظهار نموده بودید. دولت اعلیحضرت اظهار میدارد که شاید در تقرر مثلاً
صاحب منصب روسی بریاست این اداره در سرحد هند برای مانیز مجال اعتراض می بود
منتقل شدن به این نکته لازم است در صورتیکه دولت روس به استخدام مازور استوکس
تعرض بکنند برای دولت اعلیحضرت تحقیر و عدم اعتنا به آن اعتراض ممکن نخواهد بود
ولازم است دولت ایرانرا از مشکلاتی که از این انتخاب تولید میشود مطلع و متنبه سازند *
از چندی قبل مقاوله (۱) با دولت ایران در میان بود که باید فقط از اتباع دول
کوچک در خدمت انتخاب نماید فقط استثنائیکه شده بود در باره رعایای دولت انازونی
بود نتیجه رأی دادن دولت اعلیحضرت بود که دولت روس در این استثناء اتفاق کرده و
نتوانست هیچگونه اعتراضی بدولت ایران نسبت به استخدام رعایای « انازونی » ممالک
متحدہ امریکا نماید دولت متبوعه من اظهار تأسف مینماید از اینکه دولت ایران در اعتراف
از مقاوله مزبور از اول رأی و رضا دولت روس را « در این انتخاب » جلب نمود *
به عقیده سردار داری در باب خلاصی از این اشکال چاره منحصر خواهد بود به
انتخاب یکی از اتباع دول کوچک بجای مازور استوکس *

در ابلاغ این پیغام غیر رسمی اجازه میخواهم که احترامات خود را نسبت بشخص
شما بیفزایم. یقیناً این جانب را دوست صادق خود بشناسید * « بارکلی ج »
عالیجناب . و . مورخان شوستر خزانه دار کل دولت امپراطوری ایران

— « ۱۲ » سراسله سر جارج بارکلی به مستتر شوستر * —

(۱) دولت ایران ابتدا از هجدهم مقاوله اطلاع نداشت * چندی بعد هم یکی از رعایای
دولت انگلیس بر طبق معاهده برای استخدام در وزارت پست و تلگراف با تصویب
رسمی دولت انگلیس انتخاب و معین نمود * « چون رعایت تصویب دولت انگلیس
بلا حظه استخدام در تلگراف خانه هند و اروپای هند لازم بود » و از طرف دولت روس
هیچ اعتراضی رسماً یا غیر رسم در آن انتخاب اظهار نشد *

طهران : سفارت خانه انگلیس *

بیست و یکم اوت ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم شعبان ۱۳۲۹ »

مستتر شوستر عزیزم . چنانچه اسباب زحمت نباشد روز جمعه ساعت پنج عصر برای
ملاقات شما بیایم . والا لطف فرموده ساعت دیگر را در همان روز یا روز دیگر بغیر از
روز چهارشنبه معین بفرمائید . با تعیین اینکه باید بخزانه داری پیام یا بمنزل شخصی شما
دوست صادق شما * جارج بارکلی *

مجدداً تعدیع میدهد مخصوصاً میخواهم در باره راه آهن باشما گفتگو نمایم بسیار مایلیم
که چیزی در باب قرارداد « باهارت » قبل از آنکه دولت ایران خود را گرفتار پارتیش کند بشنوم

— « ۱۳ » سراسله مستتر شوستر به سر جارج بارکلی * —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

سیزدهم ستمبر ۱۹۱۱ « نوزدهم رمضان ۱۳۲۹ »

جناب ک . س . م . ج . سر جارج بارکلی وزیر مختار دولت انگلیس
مقیم طهران جناب وزیر محترم بسیار خوش وقتم که بشما اطلاع دهم خواهشی را
که « کتبا » در پانزدهم ماه گذشته از کرل بدوز نماینده کمپانی « مسوز » سلیمان و
برادران لندن نموده ام در باب استقراض چار مایون لیره انگلیسی سواد سراسله مزبوره
در جوف است *

اکنون از دولت متبوعه و تفویض شخصی جناب عالی امید معاونت در انجام این معامله
دارم تا به خوشی و اطمینان تصفیه پذیرد * بانضمام تقدیم احترامات کامله جناب وزیر
مختار محترم . و . مورخان شوستر خزانه دار کل ایران *

— « ۱۴ » سراسله مستتر شوستر به سر جارج بارکلی * —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

هجدهم ستمبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و چهارم رمضان ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم: تعویق در تحصیل اطلاع از وضع سلوک دولت متبوعه جناب
عالی و دولت روس در باره معامله مصوبه استقراض از کمپانی سلیمان و برادران لندن
قدری باعث پریشانی کار گردیده است و بی شبهه بعد از اینکه این معامله بکلی انجام
گیرد تعویقات چند دیگری در کار خواهد بود. اگر اشکال و مخالفی در این امر بروز

گرددنی است بهتر است که بغوریت ممکنه از آن مطلع شوم تا به تدابیر دیگر مثل آن که اظهار نموده ام مشغول شوم *

بسیار مایلم که بدون تعویق و تاخیر بیش از این بدانم که رأی دولت شما در معامله مزبور چیست و هر اقدامی هم که در تحصیل اطلاع از رأی دولت روس در باب این معامله بفرمایند از صمیم *

صداقت و صاف دلی که در طریق این استقراضی بسیار با اهمیت قلب راضی و متشکر خواهم بود *

در اظهار به سفارتین اتحاد شده بقیماً در تحصیل توضیح رأی سریع و صریح دولتین بما اجازت خواهد داد با تقدیم احترامات صمیمانه سر جارج محترم: دوست بسیار صادق شما و مورگان شوستر خزانه دار کل ایران *

طهران سفارتخانه اعلیحضرت پادشاه انگلیس ک . س . م . سر جارج بارکلی

— « (۱۵) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر » —

طهران : سفارت انگلیس *

بیست و سوم سبتمبر ۱۹۱۱ (مطابق بیست و نهم رمضان ۱۳۲۹)

شوستر عزیزم : کوشش خواهم نمود که رأی در باب معامله کیانی سلیمان تحصیل نمایم دوست صادق شما جارج بارکلی

طهران سفارتخانه اعلیحضرت پادشاه انگلیس * جناب

ک . س . م . ج . سر جارج بارکلی

— « (۱۶) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر » —

طهران : سفارت خانه انگلیس *

سوم اکتوبر ۱۹۱۱ « مطابق نهم شوال ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : از قراریکه خبر رسیده در خصوص تشکیل و نظم ژاندارمری اگر بتوسط صاحب منصبان سویدی ممکن باشد ممکن است ماژور استوکس به ریاست هیئت نظامی در اصفهان یا قریب به آن ولایت معین شود بدیهی است که يك شرط عمده اش این خواهد بود که قسمتی از آن هیئت که بحدود شمالی ما مور میشوند باید در نیت ریاست افسران ایرانی یا یکی از رعایای دولت کوچکی باشند *

آیا ممکن است رأی خودتان را در این باب اطلاع دهند *

دوست صادق شما * جارج بارکلی *

— « (۱۷) مراسله جوایه مستر شوستر به سر جارج بارکلی » —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

پنجم اکتوبر ۱۹۱۱ (مطابق یازدهم شوال ۱۳۲۹)

سر جارج محترم : در جواب مرقومه سیزدهم اکتوبر شما میخواهم عرض نمایم که مسئله تخصیص محل ماموریت استوکس به اصفهان هم از جهت اصول معموله و هم بوجوب قوانین معاملاتی خارج از بحث و موضوع است *

امید وارم وزیرای خارجه روس و انگلیس در موقعی متقاعد شده و باور خواهند نمود که وقتیکه بگویم استوکس را بجهت مشورت و معلومات خاصه که دارد میخواهم در تشکیل ژاندارمری خزانه در اینجا یعنی در طهران مرا معاونت نماید عرض منم مخفی یا حیالات نظامی و « آتربیکی » در بین نبوده است *

بعضی اوقات بیان وقایع آشکار و مقاصد ظاهره شخصه بطوری مشکل بلکه غیر ممکن می شود که نمیتوان حقیقت امر را باور نمود ولی این مطلب کلیه صدق و مطابق واقع است که نه از ظاهر و نه از نحوای عرایض من هیچ مطلب مهمی مستفاد نمیکشت که ماموریت استوکس را به اصفهان یا جای دیگر اختصاص داده او را پای بند نمایم که از آن محل رای داده در این جا مرا معاونت نماید *

سر جارج محترم من : آیا موقع نرسیده که دو دولت بزرگ باز بهای خودشان را در این موضوع ترك کرده واضح و آشکار بگویند که در خصوص استخدام استوکس بقسمیکه عرض کرده بودم هنوز هم مایل بجاری داشتن مخالفت خود بوده و تا این درجه کافی نیست ؟ با احترامات مهربانانه سر جارج محترم . و

مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران *

(ک . س . م . ج . سر جارج بارکلی)

— « (۱۸) مراسله سر جارج بارکلی به مستر شوستر » —

طهران : سفارت انگلیس *

(پنجم اکتوبر ۱۹۱۱ یازدهم شوال ۱۳۲۹)

شوستر عزیزم : چون رأی اختصاص محل ماموریت استوکس به اصفهان رسماً یعنی
بوسط وزارت خارجه اظهار شده باید امروز جواب آنرا بنویسم *

آرچه بخوازم میسرند سابقاً هم در باره عدم تخصیص محل ماموریت مشار الیه
اظهاری نموده بودند ولی نخواستم بدون توضیح این نکته جواب وزارت خارجه را داده
باشم که اختصاص محل ماموریت استوکس به اصفهان منطقه نفوذ منفوره (۱) را
بدرجه تخصیص بشیراز ثابت نخواهد گردانید * دوست صادق شما جارج بارکلی

— ﴿۱۹﴾ مراسله جوابیه سر جارج بارکلی به مستر شوستر * —

طهران سفارت انگلیس *

دهم اکتوبر ۱۹۱۱ (مطابق شانزدهم شوال)

شوستر محترم من : پس از تقدیم ماتها درجه تشکرات خود از مراسله شما عرض می‌نمایم
که بعد از ظهر امروز منتظر ملاقات شما خواهم بود *

گان نمیکنم دیگر در مسئله پارك شعاع السلطنه مشکلی در پیش باشد ولی یقین دارم
بفرستادگان خود سفارش و عقدن اکید در اجتناب از ارتکاب امور غیر مهسه خواهند نمود
زیرا که در صورت معارضه به نتیجه بسیار وخیمی مصادف خواهند شد *

دوست صادق شما * جارج بارکلی

— ﴿۲۰﴾ مراسله جوابیه مستر شوستر به سر جارج بارکلی * —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

دوم نومبر ۱۹۱۱ (مطابق دهم ذیقعد ۱۳۲۹) شخصی است
سر جارج محترم من : رفته دعوت محبت آمیزانه و مهر بانانه شما و «لیدی» خانم بارکلی
را (۲) «مسز» خانم شوستر و بنده زیارت نمودیم میزان فرح و انبساطیکه از دعوت شام

(۱) یعنی منطقه نفوذ منفوره در صورتی تصدیق و اعتراف میشد که اختصاص محل
ماموریت ماژور استوکس به شیراز شده باشد ولی تمهینش در اصفهان از این تصورات
خارج است * مترجم

(۲) لیدی به خانمهای خطاب میکنند که شوهر شان دارای لقبی باشد * مثل
جارج بارکلی که به لقب «سر» مفتخر بود ولی مسز به زن هائی میگویند که شوهر شان
داوای این مقام نباشد * مترجم

روز سیزدهم ماه جاری به همراهی شما حاصل شد به تفریر در آید ولی تصور میکنم
روی هم رفته قبول این دعوت سفارت انگلیس بدون اینکه شما را از قضیه ذیل مطلع
گردانم مناسب نباشد زیرا که مکتوب سر باز با امضائی به «تس» لندن نوشته و عبارات
صریح از سبک سلوکی که دولت متبوعه شما نسبت بامور راجعه بمن و ملتی که مشغول
خدمت کردنشان میباشد تنقید نموده ام اگرچه در آن بیانات اظهاریه مطالب شخصی
راه نیافته و خود شما مسبوقید که همیشه نسبت بشخص جنابعالی اعزازات و احترامات
کامله منظور نموده ام ولی تصور میکنم عدم حضور مسز شوستر و من در این مهمانی
رسمی سفارت باعث رهائی شما از پریشانیهای محتمله گشته و خاطر تان از بعضی ملاحظات
راحت بشود فقط برای رعایت همین نکته این کاغذ را می‌نویسم *

یقین دارم بخوبی ملتفت میشاید که بغیر از این ملاحظه هیچ امری مرا از درک
شرافت میزبانی شما مانع نخواهد بود *

برای رفع هر قسم توهمات نا موافقی ممکن است عرض کنم که در صورتیکه صلاح
بدانید مسز شوستر و من با نهایت خوشوقتی حاضریم که با شما ولیدی بارکلی من غیر رسم
شام یا چیزی مثل میوه صرف نمائیم *

اگرچه عقیده شخصی خودم این است معاملات شخصی را با امور ارتباطی و تاینات
بانتیکی را با روابط دوستانه نباید آمیخت ولی شاید دیگری در این عقیده با من شریک
نباشد و شاید هم در موقعی تحدید این دو حالت و افتراقشان از یکدیگر ممکن بشود *
با این حال اگر بحضور مان مایل باشید حاضریم ولی بعد از رسید جواب این
مکتوب از طرف شما آن هم در صورتیکه احتمال تنقید و نکته چینی از طرف هم
بطاران شما در طهران نسبت بشما نرود

دوست صمیمی شما و مورگان شوستر

طهران سفارت انگلیس خدمت ک س م ج

سر جارج بارکلی

— ﴿۲۱﴾ مراسله جوابیه سر جارج بارکلی به مستر شوستر * —

طهران سفارت انگلیس *

دوم نومبر ۱۹۱۱ (مطابق دهم ذیقعد ۱۳۲۹)

شوستر عزیزم : نهایت تشکر فوق العاده از مرقومه دوستانه امروز شما حاصل و احترامات لایقه نسبت به مبداءش تقدیم مینمایم در هر صورت اگر ما هم دعوت خود را ملتوی داشته و تا آخر انداخته تا در جریان امور بهبودی حاصل شود مناسبتر باشد این طرز سلوکی را که با کمال صداقت و بیکریکی نسبت بن مبدول داشته اند حاکی از فرط مراحم و الطاف شما نسبت بخود میداند *

التفات فرموده سلام و احترامات فایده مرا به مسر شوستر ابلاغ کنید و بطور یقین این جانب را دوست صادق خود بدانید *

جارج بار کلی

— « (۲۲) مراسله سر جارج بار کلی به مسر شوستر » —

طهران سفارت انگلیس *

هفتم نومبر ۱۹۱۱ (مطابق با نوزدهم ذیقعده ۱۳۲۹)

شوستر عزیزم : آیا میتوانم فردا بقدر چند دقیقه شما را ملاقات بکنم ؟ * میخواهم تلگرافیکه از طرف دولت متبوعه ام در باب استخدام مسیولکفر رسیده بشما ارائه نمایم و نیز ما مورم بعض ملاحظاتی را که البته خود شما هم ملتفت میشاید توضیح دهم * اگرچه تا درجه میتوانم بگویم هر وقت فردا را که میل داشته باشند حاضر خواهم بود ولی چون از نایب السلطنه نیز خواهش ملاقات نموده ام نمیدانم چه وقت را ایشان معین خواهند فرمود *

دوست بسیار صادق شما جارج بار کلی

— « (۲۳) مراسله سر جارج بار کلی به مسر شوستر » —

طهران سفارت انگلیس *

دهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق هیجدهم ذیقعده ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : آنچه یقین داریم تا کنون مکتوب سر باز شما اشاعه یافته ولی بسیار مایل و ممنون خواهم بود اگر ممکن باشد سواد آن مراسله را به بینم *

دوست بسیار صادق شما جارج بار کلی *

— « (۲۴) ایضا مراسله سر جارج بار کلی به مسر شوستر » —

طهران سفارت انگلیس *

چهاردهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و دوم ذیقعده ۱۳۲۹ »
شوستر عزیزم : سابقاً وعده کرده بودند که معاهده و فرار داد خود را یک مرتبه ارائه خواهند فرمود آیا بهمان وعده خود باقی میباشند ؟ بنا بر این فرض آیا ممکن خواهد بود معاهده مزبوره را به بینم ؟ سواد مکتوب شما را با نهایت شوق و دلچسپی تمام دیده ولی تصور میکنم نسبت بهر دو دولت قدری سختی نموده اید *

دوست صادق شما جارج بار کلی *

— « (۲۵) ایضا مراسله سر جارج بار کلی به مسر شوستر » —

طهران سفارت انگلیس *

پانزدهم نومبر ۱۹۱۱ « بیست و سوم ذیقعده ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : آیا برای شما ممکن است از صحت رأی که بدولت متبوعه خود داده ام مرا مطلع گردانید ؟ که رئیس الوزراء خواهش برداشتن ژاندارم و مستخفظین پاریک شعاع السلطنه را از شما نموده و شما در جواب آن اظهار نموده اید که چون حکم ضبط و توقیف ملک مزبور به امضای هیئت کابینه و مقام وزراء بود برداشتن ژاندارم موقوف به حکمی مثل حکم اولی خواهد بود *

دوست بسیار صادق شما جارج بار کلی *

— « (۲۶) مراسله جوابیه مسر شوستر به سر جارج بار کلی » —

طهران خزانه داری کل دولت امیر اطوری ایران *

پانزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و سوم ذیقعده ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم : مراسله شما که راجع به استفسار از صحت حکم مشهور مصصام السلطنه و جوابیکه داده ام بود واصل گردید اگر چه خود بالطبع مایل و خوشوقتم که جمیع وقایع را شخصاً بشما اطلاع بدهم ولی چون علی الظاهر میخواهید که وقایع مزبوره را بدولت خود اطلاع بدهید نظر بوقع دقیق حالیه قدری مردد میباشم *

اجازت میطلبم نظیری برای این امر ذکر نمایم مثلاً اگر کسی از حقیقت قضیه استوکس و قبول حکومت هند استعفایش را از شما سوال و خواهش اطلاع نماید آیا در انجام همه خواهش مختار و آزاد خواهید بود ؟ آن هم در صورتیکه نتیجه صحیح آخری آن قضیه را ندانسته باشید چنانچه مایل باطلاع از این مسئله باشید با کمال خوشی و طیب

خواطر حاضرم بعنوان دوستانه آنجا آمده حقیقت قضیه شعاع السلطنه را شفاها بشایبکوم *
این فقره را عرض نمایم تا جائیکه خودم اصلاح دارم دو روز است که رئیس الوزرا
و کابینه وجود ندارد *

با احترامات دوستانه دوست صادق شما و مورگان شوستر

« خدمت ک . س . م . ج . سر جارج بار کلی »

— « ۲۷ » مراسله جوابیه سر جارج بار کلی به مستر شوستر * —

طهران : سفارت انگلیس *

پانزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و سوم ذیقعدة ۱۳۲۹ »

شوستر عزیزم : نقطه نظر و مقصود را که موافقت شده و تکلیف نخواهم کرد *
در مکتوبیکه دیروز نوشته و ارسال آن را تا امروز فراموش نموده بودم اشاره بدین
امر کرده بودم که مقصودم چیزی دیگر بوده است البته در رد مسئول من مختار و بکلی
آزاد میباشد زیرا دیده می شود مطالبی را که تا چند هفته قبل مستعد اطلاع بودید
شاید اکنون ممکن نباشد *

دوست بسیار صادق شما . جارج بار کلی *

— « ۲۸ » مراسله جوابیه مستر شوستر به سر جارج بار کلی * —

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

هفدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و پنجم ذیقعدة ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم من : دو مراسله مورخه چهاردهم شما و اصل و از نقطه نظر بکه
دوستانه نسبت بمقاد کاغذ این جانب مبدول فرموده اند کمال تشکر حاصل گردید *
در ارائه نمودن سواد معاهده خود به شما ابتدا عذری نداشته و هم چنین از اطلاع
دولت شما نیز مضائقه نخواهم داشت در صورتیکه مطمئن بشوم از آنجا بجای دیگر
« سفارت روس » نخواهد رفت ولی چون قرارداد معهود مطالبی نیست که بجز من و
دوستانم و بغیر از دولت ایران بدیگری مربوط باشد اگر دولتی خواهش آن را بکنند
نتیجه نیکی تصور نمیتوان نمود با این حال اگر مایل بدیدنش باشید بطیب خواطر حاضرم
که سواد آن را برای شما بفرستم *

با تقدیم احترامات دوستانه سر جارج محترم *

دوست صادق شما . و مورگان شوستر

خدمت ک . س . م . ج . سر جارج بار کلی *

— « ۲۹ » مراسله مستر شوستر به سر جارج بار کلی * —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

نوزدهم نومبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و هفتم ذیقعدة ۱۳۲۹ »

سر جارج محترم من : کرنل بدوز فردا از راه پترسبرگ عازم انگلستان است *
تصور میکنم اگر مشار الیه بتواند ملاقات شخصی با مسیو کوکوسانف بکند از نقطه
نظر دولتمین انگلیس و روس بحال ایران نافع خواهد بود خیالات شخصی خود را راجع به
امور مالی و همچنین نقشه هائیکه میتوان بتدابیر عملی نظم صحیحی بروی کار آورد که
باعث اطمینان دولت ایران و انگلیس و روس بشود کاملاً بایشان توضیح داده و فهمانیده ام
اگر شما هم این رأی را به پسندید بسیار ممنون خواهم شد اگر بتوانید معرفی کتبی از
کرنل مزبور به سفیر انگلیس مقیم پترسبرگ بفرمائید و در مکتوب خود از سفیر خواهش
بفرمائید مشار الیه را با رئیس الوزرای روس ملاقات بدهد و اگر هم در مراسله خود
اظهار بفرمائید که خواهش مزبور را بر حسب خواهش این جانب اظهار فرموده اند
ضرری نخواهد داشت *

با تقدیم احترامات مهربانه * سر جارج محترم *

دوست صمیم شما . و مورگان شوستر *

خدمت جناب ک . س . م . ج . سر جارج بار کلی وزیر مختار انگلیس *

— « ۳۰ » مراسله شخصی سر جارج بار کلی به مستر شوستر * —

طهران : سفارت انگلیس *

دهم ژوئیه ۱۹۱۲ (مطابق نوزدهم محرم ۱۳۳۰)

مستر شوستر عزیزم : از یاد آوری و عبارات محبت آمیز شما نهایت درجه متشکر
می باشم *

و بسیار متأسفم از اینکه چرا پیش ازین از ملاقات شما محظوظ نشدم امیدوارم
روزی با هم ملاقات نمائیم که وضع جریان امور بهتر و مسئولیت و مجبوری در آن کمتر
باشد راحتی و آرامی مسافرت شما را طالب و تفرجی مطبوع پاریس را اگر در آنجا
توقف بفرمائید برای شما آرزو مندیم * دوست بسیار صادق شما . جارج بار کلی *

(دوم)

* «سواد مراسلات بین مستر مورگان شوستر خزانه دار» *

* کل دولت امپراطوری ایران و عالی جناب *

* س پاکلیوسی کریل وزیر مختار روس مقیم طهران *

* «(۱) مراسله مستر شوستر بسبب پاکلیوسی کریل وزیر مختار روس» *

طهران خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

دهم اوت ۱۹۱۱ (مطابق چهاردهم شعبان ۱۳۲۹)

توسط وزیر امور خارجه ایران خدمت عالی جناب س . پاکلیوسی کریل
وزیر مختار روس در طهران جنابعالی بر حسب حکم نمبر ۲۰۵ وزارت جنگ دولت امپراطوری شرف اظهار دارم که یک طفره حواله سیصد و شصت هزار و سیصد و نود و پنج روپل بانک شاهنشاهی ایران را که برای تأدیه قیمت هفت هزار فیضه تفنگ ریفل و سه میلیون و پانصد هزار عدد فشنگی میباشد که سابقاً بر حسب تصویب مجلس خرید شده تقدیم نمایم *

امید وارم رسید مبلغ مزبور را که در جوف است امضا فرموده در موقع فرصت مسترد دارند *

دوست صادق جناب عالی * و * مورگان شوستر خزانه دار کل ایران *

(طهران * سفارت روس)

* «(۲) مراسله جوابیه موسیو پاکلیوسی کریل بمستر شوستر» *

طهران : سفارت روس *

توسط وزیر امور خارجه ایران * خدمت جناب * و * مورگان شوستر خزانه دار کل ایران طهران دوازدهم اوت ۱۹۱۱ (مطابق شانزدهم شعبان ۱۳۲۹)

مستر مورگان شوستر محترم : بسیار متشکرم از مراسله دم اوت شما و حواله سیصد و شصت هزار و سیصد و نود و پنج «روپل» منات به بانک شاهنشاهی ایران از بابت قیمت تفنگهای ریفل و فشنگهاییکه بجهت ایران از روسیه خرید شده است *

رسید مبلغ مزبور در جوف است دریافت فرمائید *

مستر مورگان شوستر عزیزم : دوست صادق شما س . پاکلیوسی کریل *

* «(۳) مراسله مستر شوستر به موسیو پاکلیوسی» *

* کریل وزیر مختار روس *

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

نوزدهم اوت ۱۹۱۱ (مطابق بیست و نهم شعبان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : اکنون بتوسط وزارت خارجه مطلع شده ام که تأدیه حقوق و مواجب بریگاد فراق قدری تعویق افتاده است چون از اینجانب خواهش شده است که مجدداً این امر را با جنابعالی انجام دهم لهذا برای تصفیه آن حاضر میباشم *

تاکنون مطمئن بودم که بانک استقراضی در مواقع لازم تأدیه مواجب بریگاد فراق را اطلاع خواهد داد چنانکه در فقره شانزده هزار و سیصد و چهار تومان و نه قران بابت بعضی مخارج که در هیجدهم ژوئیه ۱۹۱۱ «بیست و یکم رجب ۱۳۲۹» بانک مزبور اطلاع داد فوراً حواله آنرا فرستادم اینک معلوم شده که بدون اطلاع من تأخیری در مواجب بریگاد واقع شده است اگرچه از وقوع این تعویق بسیار متأسفم ولی این نکته را هم عرض مینمایم که در این باب خود را مقصر و مسئول نخواهم دانست با این حال در هر موقع و در هر وقت سعی و مستعد در تأدیه حقوق بریگاد بوده تا احترام ضامنت دولت ایران را در فرار داد سپهر ۱۹۱۰ «ذیحجه ۱۳۲۸» برقرار دارم *

پس بعقیده این جانب برای جلوگیری از وقوع تعویق در آتیه مناسب است که در صورت وقوع تأخیر بانک استقراضی یا کرنل بریگاد فوراً مقدار وجه پرداختی را اطلاع دهند تا منم بتوانم مقدار آن وجه را به دفتر بانک حواله داده و باسم کرنل یا صاحب منصبی که برای قبض و انقباض آن مبلغ معین میشود تبدیل نمایم به همان ترتیب که انتقال قروض سالانه بعمل می آید تصور میکنم این ترتیب از جهت عبارت و مفاد و موافق با قرارداد مذکور و باعث تأمین کامل برای تأدیه این گونه مخارج از گمرکات شمالی خواهد بود *

تصور میکنم در این معامله و برای منبع از وقوع تعویق در آینده چنانچه مرضی جنابعالی باشد مبلغی که باقی است فوراً پرداخته شود بشرط اینکه در آتیه نظیر این

واقعه دیده نشود فقط بلا حظه ضیق وقت این ترتیب رعایت شده است *

این راه عرض کنم چون فردا که یکشنبه است ناهار در قلهک خواهم خورد امیدوارم بعد از ظهر خدمت شما رسیده شاید چند دقیقه بتوانم در این موضوع با هم گفتگو نمایم *
با تقدیم احترامات دوستانه . وزیر محترم من :

دوست بسیار صادق شما . و . مورگان شوستر .

(زرگنده خدمت جناب . س . پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس)



— ﴿ (۱) مراجه جوانیه مسیویا کلیوسکی کریل به مستر شوستر ﴾ —

طهران . زرگنده . سفارت روس *

بیستم اوت ۱۹۱۱ (مطابق بیست و چهارم شعبان ۱۳۲۱)

مستر مورگان شوستر محترم : بسیار متشکرم از مراسله و خواهش شما در باب نصیبه

وجه پرداختنی به بریگاد قزاق *

بهر حال متأسفم از دستور عملهای موکدیکه از طرف دولت متبوعه ام در این باب رسیده و تخطی از آن برای من ممکن نیست دولت متبوعه ام همیشه سعی است که دول مشرقیه را قویاً مجبور و مقید به تمویل و اجرای ظاهر عبارات معاهداتشان نماید زیرا وقوع هر گونه تخلف در معاهدات بسهولت تمام باعث نقض احترام آنها میشود معاهده دهم دسامبر ۱۹۱۰ « مطابق هفتم ذیحجه الحرام ۱۳۲۸ » متعلق به این شرط است که باید بعضی مخارج دولت ایران بشوسط بانک خودمان با مداخله و تصویب فقط اداره کمرک پرداخته شود از طرف دولت متبوعه ام تا کبد شده است که مواظبت تمام تا انقضاء مدت معاهده تغییر در مواد آن بظهور نرسد . باین جهت امیدوارم تفویض اختیارات را بجهت همیشه یا برای چند سال به مسیو مورنارد مناسب خواهید دانست که احکام خود را برای تادیه هر مبلغیکه در معاهده فوق الذکر مندرج است به بانک ما بفرستد * چون مصارف بریگاد در هیچدوم ژوبه گذشته فوق العاده و خارج از بودجه سالانه و مفاد معاهده مزبوره بود تادیه اش بدون تصویب صریح شما ممکن نبود *

از ملاقات امروز عصر با شما بسیار خوشوقت و امیدوارم این ملاقات دوستانه سوء تفهات را در آینده متمنع الوقوع ساخته یک جهتی قلبی را که همیشه خواستار آن بوده ام تسهیل بخشد . با احترامات مهر با نانه مستر مورگان شوستر عزیزم *

دوست صادق شما . س . پاکلیوسکی کریل *



— ﴿ (۵) مراسله . س . پاکلیوسکی کریل به مستر شوستر ﴾ —

طهران . سفارت روس *

دوم سبتمبر ۱۹۱۱ (مطابق هشتم رمضان ۱۳۲۹)

مستر مورگان شوستر عزیزم : اکنون تلگرافی از طرف دولت متبوعه ام رسیده که

سه روز قبل مخایره شده بود *

قبل از آنکه جوابی از مذاکرات شفاهی دو هفته قبل بدهم عرض میکنم که دولت متبوعه ام استفسار مشروعی از تشکیل و تعداد و محل اقامت و مأموریت ژاندارمری خزانه نموده و هم چگونگی وظایف و مشاغل هیئت مزبوره و اینکه آیا ژاندارمری دیگری هم بجهت اصلاح سایر امور لازم خواهد شد یا فقط منحصر به همین دسته ژاندارمری خزانه می باشد که امور متعارفی ژاندارمری را بانضمام جمع آوری مالیات انجام دهد *

نکته دیگر که توضیحش نیز لازم است اینست که در صورتیکه مأموریت مازور استوکس پس از ششاه بیجنوب ایران تبدیل شود ریاست ژاندارمری نقاط شمالی هم با مشارالیه خواهد بود آیا این امر ممکن است که پس از انقضای ششاه یکی از افسران سویدی رئیس کل ژاندارمری معین بشود و مازور استوکس فقط بصرف اسم در تحت ریاست افسر سویدی آنها خارج از منطقه نفوذ روس خدمت نماید و آیا ممکن است که این دو شرط جزء قرارداد مشارالیه ذکر شود *

اختیار این شقی آیا از سایر شقوق انطباق خواهد بود که از اول بکنفر صاحب منصب درجه اعلائی سویدی ریاست ژاندارمری خزانه مأمور شده و مازور استوکس برای ششاه در طهران بناند تا افسر سویدی را معاوت نماید بانضمام این شرط که پس از انقضای مدت مزبوره محل مأمورینش بمطابق نفوذ انگلیس یا بی طرف تبدیل شود . بدون شبهه دولت ایران لازم است توضیح و اطمینانات کامله در چگونگی و « حدود اراضی » محل مأموریت و فعالیتهای مازور استوکس بدهد . بنظر شما آیا دولت ایران در این کار مستعد میباشد ؟

بسیار ممنون و متشکر خواهم بود اگر در توضیح روشن و جامع فقرات مذکوره مرا معاوت نمایند تا بقواتم بدولت متبوعه خود اطلاع دهم . یقین دارم اصلاح و تصفیه *

امور تا درجه وسیعی منوط به نوعیت جواب شما خواهد بود *

مستر شوستر عزیزم مرادوست صادق خود بدیند . س . پاکلیوسکی کریل *



— (۶) مراسله جوابیه مستر شوستر به —

* س . پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس *

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

سوم سبتمبر ۱۹۱۱ (مطابق نهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : مکتوب دوم ماه جاری شما راجع به بعضی سئوالات دولت متبوعه تان متعلق به اقدامات و ترتیبات ژاندارمری خزانه قبل از آنکه جواب مذاکرات دوستانه تقریباً دو هفته قبل ما را بدهد واصل گردید *

چون با عرض میشود با نهایت خوشوقتی تمام اطلاعات خود را راجع به امور مذکوره تا درجه که بنظرم میسرند اظهار میکنم *

اما در فقره تشکیل و تعداد و وظایف ژاندارمری خزانه غرض عمده از این تشکیل چنانکه از ظاهر اسمش مستفاد میشود جمع آوری مالیات است با مداخلات صریحه ولی در تحت احکام نمایندگان خزانه دار کل و هم برای برقرار داشتن امنیت عمومی که از فقدانش افلاً وصول مالیات در این مملکت ممتنع میگردد تشکیل این هیئت را هم ایرانیان خواهند داد به استثناء چند نفر صاحب منصب مفتش اروپائی و امریکائی و از حیث عدد هم تصور میکنم از هر جهت تخمیناً از دوازده تا پانزده هزار نفر لازم خواهد شد که با کمال درستی و صداقت وظایف خودشان را در تمام مملکت انجام دهند اگر چه یقین دارم تا هیجده ماه دیگر یا بیشتر به تشکیل عدد کامل محتاج و نائل نخواهیم شد *

و اما در این فقره که تشکیل ژاندارمری دیگری هم محل احتیاج واقع خواهد شد را ی مستقیم خودم اینستکه با وجود این هیئت نظامی دو فوج دیگر هم لازم و مقرون بصرفه نخواهد بود عقیده خودم اینستکه در اکثر مواقع فقط یک هیئت نظامی «بادسیپلین» منظمی برای برقرار داشتن امنیت و نظم عمومی کافی خواهد بود و برای اسکات جنبش شورشیان هر محل فوجی که دارای اقتدارات پولیس باشد نیز کافی است مگر در صورتیکه شورش بدرجه سخت شود که توجه قوای نظامی را بطرف خود منمطف سازد *

اما در فقره سؤال شخصی خود شما در باب ماموریت ماژور استوکس عرض میکنم

که چون مشارالیه را برای ریاست کل ژاندارمری در تمام مملکت انتخاب نموده و قرار داد سه ساله هم با او بسته ام قصد مقرر داشتن هیج صاحبمنصبی را فوق ماژور موصوف ندارم تا اینکه بتواند با کمال اطمینان خدمات خود را انجام دهد امور و مناسباتیکه باعث انتخاب او شده هم مناسبات باعث برقراریش به این خدمت میباشد تا آنکه خدماتش را با کمال اطمینان انجام دهد *

محدود نمودن محل استخدام ماژور استوکس هم به خارج از منطقه نفوذ روس چه در قرار دادش و چه بعنوان دیگر نظر بدلائلی که سابقاً اظهار نموده و یقین دارم دولت شما هم بخوبی آن را ملتفت است قابل تأمل و مذاکره نیست *

فصد ندارم دیگر را بجای ماژور استوکس برای معاونت اول در انتظامات ژاندارمری خزانه انتخاب نمم زیرا که لیافتهای مشارالیه با دلایل متقنه بقسمی مشهور است که محتاج به تکرار نیست ماژور موصوف در تحت او امر شخصی من بوده هیچ مسلک و طریقه را نیز اجرای دستور العملهای شخصی من پیروی نخواهد نمود *

اما در بابت فقره ماقبل آخر مکتوب شما عقیده صاف و صریح من در این باب اینست که دولت ایران هیچگاه حاضر نمیشد اطمینانی در تحدید حدود ارضی و تعیین محل عملیات ماژور استوکس بدهد در این صورت منم در این باب حاضر نخواهم بود فصد خودم اینست که خدمات مشارالیه را در تمام مملکت بقسمی جاری و سازی بدارم که در زمان مسئولیتم برای اصلاحات مالیه بهترین طرق اصلاح باشد *

وزیر محترم من : همیشه سعی میکنم که تمام خیالات خود را راجع به این معامله با کمال صداقت و پاک دلی اظهار نمم و امید وارم از بیان فوق دولت شما ملاحظه خواهد نمود که غرض اصلی و منظور حقیقی در این امر فقط تشکیل هیئت موثره صحیحی است برای تکمیل شغل مشکیلی که بیاست گرفته ام لازم نیست عرض بکنم که از اصلاح جدید مالیه و عایدات داخلی ایران چه منفعت کبلی به تمام فواید و اغراض رغایای داخلی و خارجه هائیکه با دولت ایران مربوطند خواهد رسید *

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم . و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران * (زر کده . خدمت . س . پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس)



— (۷) مراسله مستر شوستر به س . پاکلیوسکی —

کریل وزیر مختار روس

طهران : خزانه داری کل دولت امیر اطوری ایران *
پنجم سپتمبر ۱۹۱۱ (مطابق یازدهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : از قراریکه مطلع شده ام مفاد مکتوب دور روز قبل مرا بوضع غریبی تاویل فرموده و آنرا اختتام عمدی بحث در معامله ماژور استوکس تصور نموده اند اگر این قسم است اجازت می طلبم عرض کنم که همچو خیالی ابداً در متخیله منم خطور نموده و از مراسله دوم ماه جاری شما هیچگاه استنباط بحث در معامله مذکوره نموده ام بلکه همان قسمیکه از ظاهر عبارتش مستفاد میشد تصور نمودم که فقط خواهش توضیح مفصل جامعی است که شما و دولت شما مایل به اطلاع از آن بوده تا بتوانند عملیات آتیته خود را بر طبق آن منظم گردانند و بهمین جهت بود که سعی کردم در جواب مراسله شما بیان جامع و واضح مسایل مصوبه دولت ایران را تشریح نمایم بسیار متأسف خواهم بود اگر در مضمون مکتوب جوابیه این جانب تصور ضرری فرموده یا آنکه نسبت بمن بدگمان شوید از ابندی مذاکرات اصلیه در این باب ملتفت بودم که شاید بتوانم دولت شما را از مشکلات امور این دولت و همچنین مشکلات امور خودم خصوصاً در همین فقره مطلع گردانم تا آنکه مایل بسالوک مهربانانه و رفتار دوستانه شده اعتراضاتی را که در باب معاهده ماژور استوکس تا بحال جاری داشته ترک نماید اگر چه مقصود اصلی از ملاقات دیروز با شما این بود که رأی جدید دولتتان را در این معامله استنباط نمایم ولی بعد چنانکه از مضمون مراسله شما ظاهر شد تصور می نمایم شاید قبل از آنکه اطلاعات صحیحیه و مقصله پیش از آنکه اظهار شده و امیدوار بودم از جواب این جانب استنباط کرده تحصیل نمایند راضی به اظهار و مسلک حاضر در تشریح مقاصد آتیته دولت خود نباشید * بسیار مایلیم که بزودی شما را ملاقات کنم خصوصاً در صورتیکه از مضمون کاغذ من شبهه و تردیدی در خیال شما راه یافته باشد کوشش میکنم که فردا ساعت سه بعد از ظهر چنانچه برای شما زحمت نباشد بزرگکنده بیایم خواهش مندم متناسب و مساعدت وقت ضروری را التفات فرموده به کرنل بدوز اطلاع دهید مشارالیه هر قسم و بهر وسیله که باشد به اینجانب اطلاع خواهد داد با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من *

دوست بسیار صادق شما . . . مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران *
(زرگده . خدمت عالیجناب س . پاکلیوسکی کریل وزیر مختار روس) *

کریل وزیر مختار روس

طهران . خزانه داری کل دولت امیر اطوری ایران *
سوم سپتمبر ۱۹۱۱ (نهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر محترم من : (۱) مکتوب دوم ماه جاری شما راجع به بعضی سئوالات دولت متبوعه تان متعلق به اقدامات و ترتیبات ژاندارمری خزانه قبل از آنکه جواب مذاکرات دوستانه تقریباً دو هفته قبل مارا بدهید واصل گردید *

جواباً عرض می شود با نهایت خوشوقتی تمام اطلاعات خود را راجع بامور مذکوره تا درجه که بنظرم میرسد اظهار میکنم *
اما در فقره تشکیل و تعداد و وظایف ژاندارمری خزانه عرض عمده از این تشکیل چنانکه از ظاهر اسمش مستفاد میشود جمع آوری مالیات است با مداخلات صریحه ولی در تحت احکام نمایندگان خزانه دار کل و هم برای برقرار داشتن امنیت عمومی که از فقدانش اقلأ وصول مالیات در این مملکت ممنوع میگردد تشکیل این هیئت را هم ایرانیان خواهند داد به استثناء چند نفر صاحب منصب مفتش اروپائی و امریکائی و از حیث عدد هم تصور میکنم از هر جهت تخمیناً از دوازده تا پانزده هزار لازم خواهد شد که با کمال درستی و صداقت وظایف خودشان را در تمام مملکت انجام دهد اگر چه یقین دارم تا هیجده ماه دیگر با بیشتر به تشکیل عدد کامل محتاج و نایل نخواهیم شد *

و اما در این فقره که تشکیل ژاندارمری دیگری هم محل احتیاج واقع خواهد شد رأی مستقیم خودم اینست که با وجود این هیئت نظامی دو فوج دیگر هم لازم و مفرون بصره نخواهد بود عقیده خودم باین است که در اکثر مواقع فقط یک هیئت نظامی با « دسپلین » منظمی برای برقرار داشتن امنیت و نظم عمومی کافی خواهد بود و برای اسکات جنبش شورشیان هر محل فوجی که دارای اقتدارات پلیس باشد نیز کافی است مگر در صورتیکه شورش بدرجه سخت شود که توجه قوای نظامی را بطرف خود منعطف سازد *
و در خصوص سئوالات شخص خود تان همین قدر عرض میکنم که امیدوارم بزودی شما را ملاقات نموده و سعی خواهم کرد در آن ملاقات تا اندازه که مطلع میباشم توضیح دهم *
وزیر محترم من : همیشه سعی میباشم که تمام خیالات خود را راجع به این معامله

(۱) این کاغذ عوض کاغذ سوم سپتمبر فرستاده شد تا بجای آن بگذارند *
یعنی در دفتر رسمی سفارت ثبت و ضبط نمایند *

با کمال صداقت و پاک دلی اظهار تمام و امیدوارم از بیان فوق دولت شما ملاحظه خواهد نمود که غرض اصلی و منظور حقیقی در این امر فقط تشکیل هیئت موثره صحیحی است برای تکمیل شغل مشکلی که بدست گرفته ام. لازم نیست عرض کنم که از اصلاح جدید مالیه و عایدات داخلی ایران چه منفعت کلی به تمام نواید و اغراض رعایای داخله و خارجه هائیکه با دولت ایران مربوطند خواهد رسید *

با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم من

و . مورگان شوستر . خزانه دار کل ایران *

زرکنده . خدمت جناب س . پاکلیوسکی کزبل وزیر مختار روس *

— « (۹) مراسله مستر شوستر به س . پاکلیوسکی کزبل » —

وزیر مختار روس *

طهران . خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

سیزدهم سبتمبر ۱۹۱۱ (مطابق نوزدهم رمضان ۱۳۲۹)

وزیر مختار بسیار محترم من : با کمال مسرت و خوشوقتی اطلاع میدهم که در پانزدهم ماه قبل از کزبل بدوز نماینده (کپانی) مسرز سایمن و برادران درخواست قرضه چهار میلیون لیره انگلیسی نموده ام سواد آن در جوف است اکنون محبت و همراهی دولت متبوعه و نفوذ شخصی خود شما را امیدوار و طالبیم تا باطمینان تمام تصفیه پذیرد *

با تقدیم احترامات کامله دوست صادق شما

و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران *

(خدمت جناب س . پاکلیوسکی کزبل وزیر مختار)

— « (۱۰) مراسله مستر شوستر به وزیر مختار روس » —

طهران : خزانه داری کل دولت امپراطوری ایران *

سیزدهم سبتمبر ۱۹۱۱ « نوزدهم رمضان ۱۳۲۹ »

وزیر محترم من : ممکنست استفسار نمایم که آیا از طرف دولت خود مختار میبایند در دادن اطلاع نتیجه مذاکرات سابقه راجع به استخدام ماژور استوکس چون از تعویق هر روز در امر باز سنگینی بر یکی از شعب کارم افزوده می شود زحمت دادم * با تقدیم احترامات دوستانه وزیر محترم : دوست بسیار صادق شما .

و . مورگان شوستر خزانه دار کل ایران *

(طهران . خدمت جناب س . پاکلیوسکی کزبل وزیر مختار روس)

— « (۱۱) مراسله جوابیه سفارت روس به مستر شوستر » —

طهران . سفارت خانه روس *

شانزدهم سبتمبر ۱۹۱۱ (بیست و دوم رمضان ۱۳۲۹)

مستر مورگان شوستر محترم من : هنوز از دولت متبوعه خود چیزی در نقره استخدام ماژور استوکس نشنیده و منتظر جواب آن میباشم شاید علت تاخیر جواب خارج شدن امپراطور از پترسبرگ بوده باشد *

بجزرد اینکه تلگراف برسد دقیقه در اطلاع شما تاخیر و تضییع وقت نخواهم نمود *

با تقدیم احترامات دوستانه . دوست صادق شما

س . پاکلیوسکی کزبل *

— « (۱۲) مراسله سفارت روس به مستر شوستر » —

طهران . سفارتخانه روس *

پانزدهم اکتوبر ۱۹۱۱ « مطابق بیست و یکم شوال ۱۳۲۹ »

مستر شوستر عزیزم : ترتیب جدیدیکه در مسئله استخدام ماژور استوکس در مذاکرات سابقه اظهار نموده بودید بدوات متبوعه خود پیشنهاد نمودم اکنون جواب آن بمضمون (۱) ذیل رسیده است که چون متأسفانه از سوء اتفاق معلوم میشود که تجدید محل شغل ماژور استوکس بجنوب ممکن نیست لذا دولت من مجبور است که برخلاف مأموریت صاحب منصب مذکور بریاست ژاندارمری مالیه ایران « پروتست » تعرض نماید *

مرادوست صادق خود بدانید س . پاکلیوسکی کزبل *

— « (۱۳) مراسله وزیر مختار روس بمستر شوستر » —

(۱) این آخرین انکار روس بود از بس گرفتن اعتراض خود در باره استخدام ماژور استوکس * تا آن زمان با سفارتین روس و انگلیس مشغول مراسله بودم که بشروط مخصوصه آنها را بخدمت بسیار مهم ماژور استوکس بقسمیکه منافی با شناختن منطقه های نفوذ هم نباشد را می نمایم *

دوم ژانویه ۱۹۱۲ (مطابق نوزدهم محرم ۱۳۳۰) شخصی است مستر شوستر عزیزم : از مساعله مهر بانانه که خیلی موثر واقع شد کمال تشکر حاصل گشت
همواره از تجدید یاد ملاقات شخصی بسیار پسندیده و دلنشین شما در آینده مسرور خواهم بود

با تقدیم بهترین آرزوی خوشی سفر شما مستر شوستر عزیزم :

دوست بسیار صادق شما . س . پاکلیوسکی کزیل *



(سوم)

— * سواد قرار داد این خزانه دار کل ایران * —

* و ماژور س . ب . استوکس *

بیست و چهارم ژویه ۱۹۱۱ (مطابق بیست و هفتم رجب ۱۳۲۹)

ما بین . مورگان شوستر نماینده با اقتدار و خزانه دار کل دولت ایران و ماژور س . ب . استوکس رعیت انگلیس و مستخدم سابق فوج هند ساکن شهر طهران قرار دادی مطابق فصول ذیل منعقد و با امضاء رسید *

« ۱ » بموجب اختیاراتیکه که از طرف دولت شاهنشاهی ایران بموجب قانون مصوبه بیست و سوم جوزای ۱۳۲۹ مجلس به خزانه دار کل ایران تفویض شده مجاز و مختار میباشد در تشکیل هیئت نظامی مخصوصی برای نظارت « و امداد در وصول » مالیه و همچنین در بستن معاهدات با معاونین مالیه که جزو هیئت مخصوصه ناظره باشند با تصویب مجلس و نیز بموجب اختیاریکه بر حسب قوانین بعد از طرف مجلس بخزانه دار کل داده شده مجاز خواهد بود در قرار داد با شخص اروپائی که مقیم ایرانست بجهت استخدام مشارالیه بعنوان معاونت خزانه دار کل در شعبه تنظیم ژاندارمری خزانه شروط این قرارداد کلیه مطابق شروط قرار داد های با سایر معاونین مالیه و خزانه دار کل میباشد *

« ۲ » دولت امپراطوری ایران بموجب این قرار داد ماژور س . ب . استوکس را ماژور و مستخدم میکرداند بشغل معاونت خزانه دار کل خصوصاً در نظم و ترتیب اداره ژاندارمری خزانه بدت سه سال کامل از ابتدای تاریخ این قرار داد *

« ۳ » دولت شاهنشاهی ایران بموجب این قرار داد متعهد و متقبل می شود تأدیه مبلغ پنجهزار « دالر » سکه رایجه ممالک متعده امریکا یا معادل قیمت آن را به لیره انگلیسی که سالانه بدوازده قسط در آخر هر ماه بعنوان معاونت مالیه ماژور استوکس موصوف بدهد
« ۴ » ماژور استوکس تمام فصول این قرار داد را که ذکر شده و میشود متقبل و متعهد است که در تمام امتداد مدت این قرار داد عموم فرایض خود را بعنوان معاونت مالیه خزانه دار کل با کمال صداقت و درستی و داشتن اقتدارات بواجب مزبور انجام دهد *
« ۵ » ماژور مزبور در انجام فرایض مستخدم میش از احکام و قوانین خزانه دار کل ایران تمکین و اطاعت خواهد نمود *

« ۶ » در صورتیکه از ماژور مشارالیه در ادای تکالیف و وظائفش راجع به تمکین و انقیاد از دستور العمل و قوانین مزبوره تعلل و مسامحه برود نماید دولت شاهنشاهی ایران حق خواهد داشت پس از اظهار خزانه دار کل مشارالیه را از خدمتش منفصل و این قرار داد را بدون تأدیه حقوق شش ماه نسخ نماید *

« ۷ » در صورتیکه ماژور استوکس قبل از انقضای مدت این قرار داد بطیب خاطر مستعفی شود حقوق و اجریش بقدر ایام خدمتش خواهد بود *

« ۸ » بموجب این قرار داد ماژور استوکس متعهد است که در امور مذهبی و سیاسی سلطنتی ایران به هیچ وجه مداخله نکند مگر تا درجه که اجرای وظایف حقه اش او را مجاز بدارد *

« ۹ » بر حسب این قرار داد ماژور استوکس متعهد میشود که در تمام مدت استخدامش بهترین مساعی و مجدترین کوششهای خود را در تعمیر مالیات و از دیاد عایدات دولت شاهنشاهی ایران بکار برده آبادی و ترقی مملکت و بهبودی و ترفیه حاله ملت و شرف و احترام دولت ایران را در دایره فعالیت خود مطابق قانون کاملاً پیش نهاد و وجه همت خود سازد *



ها

—:0:—

«نطق مسأله ۰۵ ف ۰ ب لیج عضو کتبه»

*(انجمن) ایرانیان لندن *

در دعوت شامیکه از طرف اعضا انجمن مزبور به اعزاز ۰ مورگان شوستر در «سوی هتل» لندن بتاريخ بیست و نهم ژانویه ۱۹۱۲ (مطابق هشتم صفر ۱۳۳۰) داده شد * معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس قابل توجه دولت انگلیس است *

رئیس مجلس : مستر لیج مزبور خاتم ها آقایان اکنون جام سلامتی مهیا امشب خود مستر مورگان شوستر را بهمه تکلیف میکنم کتبه ایران در استقبال مستر شوستر و دعوت از این هیئت محترمه برای ملاقات ایشان مسلکی اختیار کرده که بکلی مطابق عقاید سابقه اش میباشد از همان ابتدا که این کار دقیق بسیار مشکل مستر مورگان شوستر سپرده شد نظر بموانعیکه در راه پیشرفت ما موریت و انجام وظایفش انداخته میشد مشارالیه همواره طرف حمایت و توجه ما بوده است همچون تصور میبایم در تابستان گذشته بود که خدمت وزیر خارجه رفته و ماهیت موانع مزبوره را به ایشان اظهار حقیقتشرا تشریح و توضیح نمودیم و از جناب ایشان رفع آن موانع را تا درجه ۰ که ممکن است استدعا کردیم بسیار مایل رانی را که در هفتم نومبر گذشته در مجلس وکلای عمومی در موقعیکه عدد نمایندگان کامل بود متفقاً امضاء نموده خدمت وزیر خارجه فرستادیم برای شما بخوانم زیرا رأی مزبور تشریح و مدلل میکند نقطه نظر و مسلك مطابق قانون و معمولی اعضای کتبه ایران را که در نظر داشتیم ۰۰۰۰ (نظر با همیت و فواید این مملکت) باید مالیات ایران بر بنیاد صحیحی گذارده شود تا بدان وسيله بتواند قادر بر اصلاحات لازمه ادارات به انضمام تسهیل و سابل و تأمین عبور و مرور در آن مملکت بشود * «نظر به اینکه مستر مورگان شوستر از حیث خزانه دار کلی با کفایت و با تجربه بودن خود را در نظم و اصلاح امور مالیه ثابت گردانیده این «میتینگ» (مجمع) اعضا کتبه توجه کامل دولت اعلیحضرت (انگلیس) را بطرف مشکلاتی که دولت روس در راه پیشرفت مساعی مستر شوستر در اصلاح امور مالیه ایران انگنوده است معطوف ساخته حمایت خود را از مشارالیه در هر اقدامیکه دولت اعلیحضرت به نام یکی از امضاء

کنندگان معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس مناسب بدانند تقدیم مینمائیم *

این بود رأی مزبور و من بسیار متأسفم از بهدیرانی بسیار خستگی که در ماه نومبر از آن رأی کرده شد البته کسانیکه مواظب جریان امور ایران بوده خواهند دانست که پس از پیشنهاد این رأی به اندک فاصله روس اولتیماتومهای خود را به ایران فرستاده و در اولتیماتوم دوم عزل مستر شوستر را خواستگار شد تا اکنون هنوز نتوانسته ام از ماخذ صحیحیکه دوات روس بموجب آن اتصال مشارالیه را خواست مطلع شوم تصور میکنم باید در پارلمان «انگلیس» بر این نکته پستدیده پراوکاملی «نظر عمیقی» افکنده شود از همه گذشته چیزیکه بسیار نا ملایم و نا پسند است همان مسلکی است که دولت ما نسبت به مستر شوستر اختیار کرده است «بشنوید! بشنوید!» سر ادوارد گری ماهیت و حقیقت آن مسلك را در مذاکراتیکه در جلسه چهاردهم دسمبر مجلس وکلای عمومی واقع شده بود در ضمن مذاکره حالات جدیده ایران اظهار داشت خیلی مایل اظهار مذکور را برای حضار تذکار نمائیم ایشان میفرمایند «تقاضای اول دولت روس انفصال مستر شوستر است از مستشاری مالیه ایران ما تعرضی به این تقاضا نمیتوانیم نمود علت آن را هم به پارلمان توضیح خواهیم داد چندی قبل تلگرافاً مطلع شدم که مستر شوستر سه نفر از رعایای دولت انگلیس را بعنوان صاحب منصب خزانه به خدمات بزرگی ما مورگردانید اگر چه ایقت و حسن نیت مستر شوستر محل شبهه نیست ولی این نکته را هم باید در نظر داشت که مقصد و مفاد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس را بواسطه افعال يك نفر نمیتوان فاسد و درهم و برهم نمود ولومبتای آن افعال بر صحت و حسن نیت هم باشد اگر چه هر نصیحت و خیر خواهی که در اجتناب از این امر توانستم به اسرع و سابل نمود ولی در صورتیکه آن آراء مفید واقع نشد البته به حمایت مستر شوستر قادر نبودم اگر از مشارالیه حمایت کرده بودم (توجه خواطر عموم را به این استدلال معطف میسازم) اگر از مشارالیه حمایت کرده بودم گویا از منسوب نمودن مستر شوستر افسران انگلیسی را در منطقه نفوذ روس تقویت نموده و در این صورت مفاد و مقصد معاهده ۱۹۰۷ انگلیس و روس را نقض کرده بودم *

خاتم ها آقایان : اکنون باید این نکته را بخاطر داشت که اجتناع این هیئت نه برای حمله بر وزیر خارجه است بلکه بسیاری از ما ایشان را محترم میداریم با کمال اطمینان میگویم که در هیچ صورت هموایهائی (حمله بر وزیر مزبور) هم نه در اظهارات

خود و نه در بیانات سایر ناطقین نخواهد بود *

ابتداءً میخواهم قسمتی از آن بیانات اطمینان بخش (جناب سر ادورد گری) را ذکر کنم وزیر خارجه ما از طرف دولت اعلی حضرت بکفایت و حسن نیت مستر شوستر اعتراف مینماید پس ملاحظه بفرمائید که کار دالی و شخصانیت مستر شوستر هیچ محل تأمل نیست مسئله را که باید امشب بسنجیم یعنی نکته را که سزاوار است مجامع بزرگتر در خارج از این محوطه بسنجند اینست که آیا مستر شوستر حقیقاً مفاد و امشاه معاهده انگلیس و روس را نقض کرده است زیرا که از نقض ظاهر عبارات آن عهد نامه گفتگویی در بین نیست *

در هر صورت تاریخی را که وزیر خارجه ما نسبت نقض مفاد و مفهوم این معاهده را به مستر شوستر داده اند درست بخوابم ندارم اگر هم بغلط و فته باشم ایشان میتوانند اصلاح کنند که وقتیکه مستر شوستر شروع به اصلاحات اداره خزانه ایران نمود بوزیر مختار مقیم طهران ما منوسل گشت و از وزیر خارجه ما استفسار نمود که آیا در ماموریت ماژور استوکس بریاست ژاندارمری خزانه اعتراضی خواهند داشت *

بی شبهه ماژور استوکس رعیت انگلیس است و بنا بود در شمال ایرانهم با اجرای وظایف خود به پردازد و آن مسئله چیزی هم نبود که بر کسی پوشیده و پنهان باشد * جوابی که به مستر شوستر داده شده بدین مضمون بود که وزارت خارجه ما در «اموریت مشار الیه ابتدا عذری تصور نمیکند پس آن تغییر از چه وقت و به کدام سبب در مسلك وزیر خارجه ما راه یافت و کی به این نتیجه آخری منتقل شدند که رعیت بودن انگلیس مانع از استخدام در ادارات کشوری شمالی ایران میباشد در این موقع سؤال دیگری هست که باید قدری بدان توجه نمود اگر این سؤال از خود من بشود که «مستر شوستر آیا در تعیین مامورین بشمال ایران مخالفتی با مفاد معاهده انگلیس و روس نموده؟» نظر باطلاع کاملیکه از معاهده مزبوره دارم و چون اظهار آن مسلك از طرف دولت اعلی حضرت بوده با کمال جرئت جواب خواهم گفت که در مفاد عهد نامه چیزی نیست که تأیید و حمایتی از این اعتراض نماید (نهره) چند روز قبل بیان بسیار مطبوع و پسندیده از مفاد و مفهوم همین معاهده آنهم از شخص مثل سر جارج بوکانن (Bachanan Sir George) سفیر کبیر انگلیس در پطر سبرگ شنیده شد که در اتنای نطق بلیغ خود در موضوع اتفاق انگلیس و روس همچواظهار نمود که «قلبا امید وارم این اتحاد

انگلیس و روس در اعماق قلوب هر دو ملت ریشه خواهد دوآید اتحادات معنویه بین ملل مربوط به امور پلتیکی نیست بلکه ناشی از احساسات دوستانه و اعتماد و همدردی ایستکه ملل مختلفه را بطرف یکدیگر جذب و متمایل بسازد پس باید اتحاد خود ملل را بر این بنیاد استوار بداریم تا هیچ امری باعث تزلزل آن نشود «بعقیده خودم همه می توانیم با ظاهر عبارت سفیر کبیر خود اتفاق نمایم (بشنوید) و آن را مانعند بسند معمولی به پنداریم که ممد اجراء و نفوذ معاهده انگلیس و روس باشد پس از خود مان سؤال میکنیم وقتیکه مستر شوستر آن سه نفر رعیت انگلیس را (بخدمات خزانه ایران) مامور نمود آیا مفهوم و مفاد آن معاهده را که سفیر کبیر انگلیس تجید و وزیر اعلی حضرت در پارلمان توضیح و حمایت از آن کرده بود نقض کرده است یعنی مفاد همان اتفاق و اتحادی را که بین بریطانیای کبری و روسیه جانشین رقابت و سوء ظن سابق گردیده بود مستر شوستر واقعا چه کرد سه نفر رعایای انگلیس را به شغل مختصر اداره خزانه ایران در سه شهر مأمور گردانید یعنی در تبریز و اصفهان و شیراز اما تبریز که با سرحد روس از نزدیک ترین نقاط و شصت میل فاصله دارد و محل نزول تجارت بزرگ انگلیس است به نقاط شمالی ایران و اصفهان که چند صد میل از سرحد روس دور است نیز در انتها الیه دوشاه راه معتبر تجارقی انگلیس به خلیج فارس واقع است و شیراز هم در نقطه واقع است که عموماً جزء خطه خلیج بشمار است پس در موقعیکه مستر شوستر آن سه نفر را بسه نقطه مختلفه بخدمات مختصر مأمور گردانید چه گونه میتوانست بداند که با امشاه و مفاد معاهده انگلیس و روس مخالفت نموده است؟ (نهره) خانها آقاییان باید قدری در این معامله بدقت ملاحظه نمود منطقه روس چنانکه در معاهده انگلیس و روس معین و رسم شده منطقه است برای جاب منافع و اغراض تجاری و هیچ ارتباطی (منافاتی) با تعیین مامورین در ادارات کشوری ندارد تصور بفرمائید اگر این قاعده را جاری و مسلم بداریم که دولت ایران حق ندارد هیچک از اتباع انگلیس را در منطقه نفوذ روس مأمور گرداند معنیش چه خواهد بود معنیش اینستکه در تمام خطه که وسعتش از فرانسه بیشتر میباشد و پای تخت و تمام شهرهای بزرگ معروف ایران در آن واقع است اگر اتفاقاً در تمام آن خطه وسیع بی از رعایای انگلیس باشد فقط جنبیت رعیتی انگلیس مانع کاملی بجهت استخدامش در ادارات کشوری دولت ایران خواهد بود (شرم!) خانها آقاییان فرض بفرمائید یکی از ماها به ایران رفته بخواد در یکی از خدمات کشوری دولت

ایران داخل شود و جواب بشنود که «معلی نیست و خواهش شما را نمیتوان پذیرفت» در صورتیکه اصرار بکنند جواب بشنود «با کمال میل که به استخدام شما داریم متأسفانه موانع چندی در پیش است» چنانچه پیش از آن مبالغه کند آبا دولت ایران میتواند «مجو جوابی بدهد که «بسیار خوب شما را سفارت روس رجوع خواهیم کرد» (۱۱) (خنده) در صورتی هم که سفارت روس بروم جواب معلوم نیست چه خواهد بود! بقین دارم بطرز خوشی جواب خواهند گفت که چون دو دولت بزرگ یعنی دوآئین انگلیس و روس برای اتفاق و اتحاد باهم معاهده را امضا نموده اند به این جهت شما که یکی از رعایای دولت انگلیس میباشد در هیچیک از نقاطیکه به سرحدات روس نزدیک است نمیتوانید مستخدم شوید. آنهم در خطه که وسعتش بیشتر از تمام مملکت فرانسه است! (۱۰) (خنده) و لازم است که امید استخدام خود را به روس و آلمان و ایتالیا و بلژیک و سوئد و بکنارم همه ایشان یعنی رعایای هر دولتی بنوشی و طبیب خواطر پذیرفته میشوند ولی در این عهد میمون جدید بواسطه اطمنانیکه انگلیس و روس نسبت به بکدیگر دارند باید رعایای انگلیس از این حق هم محروم و بی بهره شوند (نعره خنده) *

اکنون میخواهم قلوب شما را به طرف نکته دیگر متوجه سازم که چه علل و وسایل باعث جلب مستر شوستر به ایران گردید زیرا که از اصل قضیه بخوبی مطلع و مستحضرم از استعمال این کلمات مختصره که «چه علل و وسایل باعث جلب مستر شوستر به ایران گردید» معذرت میخواهم اوایل سنه ۱۹۰۹ (بیلادی) اهالی ایران چون دیدند حکومت در دست سلاطینی که از خانواده ترکانان بوده به پریشانی بدی دچار و بحالت سختی افتاد و بر حسب گفته خود شان بواسطه استقراضهای بسیار سنگین مملکت شانرا به اجانب میفرودختند مصمم شدند که آن پریشانیها را خاتمه داده و خیالات مغرب زمینیان را پیشرو مقاصد خود ساخته روح تازه در قالب مملکتشان بدمند در ژوئیه ۱۹۰۹ جمادی الثانیه ۱۳۲۷ بدون خونریزی آن انقلابات خاتمه یافت نتیجه اش این شد که محمد علی شاه آن زمان مجبور به تحصن در سفارت روس و بک سلطنت مشروطه منطقی بجایش حکم فرما کردید یا عبارت اخیری حکومت مشروطه که در سابق بود معاودت نمود * ولی دولت جدید مصادف با بیلیات و پریشانیهای چندی گردید ملت ایران از چند صد سال قبل در تحت فشار استبداد مطلق زندگانی کرده بود همان استبدادیکه عناصر حیات ملی را در هم شکسته و جوانان ایرانی را از مسافرت به «اروپا» منع میکرد و اگر

کسی دم از قابلیت و استقلال یا آزادی میزد او را معدوم یا تبیدش میکردند آن مملکت سرزمینی بود که مدت های متدابه جفته اش زیر پاشنه ظلم مستبدین پایمال و نرم شده بود همان مستبدینیکه در هر مرز و بوم قدم کنارند تخم زندگانی ملی بسیار دیر روئیده و بارور میشود در همچو مملکتی بود که ملت ایران میخواست طرز رفتار جدید و منظم مطابق قانونی برای خود اختیار کند چون این نکته را هم ملتفت شده بودند که آنها نمیتوانند نظم کامل و قانون را در مملکت خود جاری و ساری بدارند یا بکدیگر میکنند (منهم بصحت گفتارشان معترفم) «باید به ممالک مغربی رفته دروس ابتدائیه خود را در نظم و اصلاح ادارات کشوری تکمیل نموده و باید مردمانی را بدست آورد که اداراتمان را منظم و طبقه جدیدی از صاحبان منصبان ایرانی را تربیت نمایند» *

خانها آقایان ایرانیان در خیالات و جاب منافع خود فقط متابعت از ژاپونیها مینمودند چنانکه ژاپونیان مستشاران اجنبیه یعنی مغرب زمین را جلب نمودند تا دروس مغرب زمینیان را به ایشان بیاموزند در این مجمع آبا کسی هست که بطرف ژاپونیان سنک بیندازد (یعنی ایشان را ملامت نماید) *

بهر حال اولین امر مهمی که اصلاح آن را در نظر داشتند اصلاح همین مالیه بود نظری کم اول و هله بجهت اصلاح این امر بزرگ به فرانسه رجوع نمودند در آن زمان مسیو پیشون (M. Pichon) وزیر خارجه فرانسه بود مشارالیه بسیار مایل بود که هیئتی را برای اصلاح مالیه ایران اعزام نماید ولی از طرف «دیپلوماسی» روس مقیم پاریس بقدری اشکال تراشی شد که کلیه اصل خیال را فاسد نمود بعد ازان بجهت نظم ژاندارمری خود شان از ایتالیا خواهش نمودند آن خواهششان نیز بی نتیجه ماند سپس مدبرین ایرانی بدین امید که شاید اشکال تراشیهای مزبوره نسبت به ممالک متحده آمریکا مؤثر نشود از رئیس جمهوری آنجا خواهش معاونت نمودند مشارالیه هم مستر مورکان شوستر را انتخاب نمود «نعره» این بود علت اصلیه ما موریت مستر شوستر بایران لیکن چند کلمه هم باید راجع بشخصانیتهای بیان کنیم میگویند مستر شوستر در نقض معاهده انگلیس و روس و خفتی نمودن آن کوشش نموده است ولی تصور میکنم این نسبت بکلی بر خلاف حقیقت و واقع است تا بستان گذشته را با اینکه همه میدانند که چه تا بستان کرمی بود بدینجثانه مجبور به اقامت در لندن شده تمام دو ماه اوت و سپتمبر را همین جا ماندم و پیوسته بتوسط تلگراف در باره تعمیر خط آهن ایران با مستر شوستر مشغول

مذاکره و مخایره بودم مشارالیه همواره سعی بود که امتداد راه آهن دولت ایران را با مواد معاهده انگلیس و روس تطبیق نمایند بلکه از این درجه هم پیشتر رفته مصمم بود نفوذ خود را نسبت نجاس و مجلسیان بکار برده تا بتواند ایشان را بقبول شرکت انگلیس و روس در تعمیر راه آهن در منطقه های تجاری که در معاهده معین شده راغب گرداند مستر شوستر تا حدیکه مدلول آن عهد نامه واضح و مسلم عند العموم بود خود را دوست و حامی بزرگ آن ثابت گردانید *

پس در این صورت علت اصلی انفصال ایشان چه بوده میتوان علت اصلی عزل را به يك جمله مختصر اداء نمود ولی این جمله از منشآت خودم نیست بلکه از مکتوب یکی از هموطنانم که در ایران اقامت دارد و چند روز قبل رسیده اخذ نموده ام مشارالیه در صورتیکه نه طرف دار حزب ملی است و نه حامی فرقه دیوکرات علت عزل مستر شوستر را چنین اطلاع داد *

«شغل مستر شوستر از همان ابتدا خراب شدنی بود زیرا معنی ترفیه و آسایش ایرانیان ضعف حکومت و نگرانی روس است در آن مملکت» *

خانها آقایان در خانه خود سؤال میکنم که غرض از این دعوت چه و آنچه ما را از حضور در این مجامع منع نماید چیست این مطالب محتاج باظهار تعداد که بحرك اصلی این اجتماع هیچگونه مخالفتی با روس نیست و غالب ما با بعقیده خودم ملت روس را دوست میداریم اگر ممکن بود از وراج جنبه تصورات و خیالات ادبیه روسی مانند «تولستای ها» (Tolstays) «و نورکنیف ها» (Tourgenieffs) و دیگران (۱) را کنار این میر حاضر نمایم همه را حامی و طرفدار خود می یافتیم (نعره) جزایند «لیبرال» روسی در همین زمان حاضر «ارتیکل» هائی راجع به معاملات ایران می نویسند که اگر ترجمه شود مثل ملاقاتی است که در ستونهای روزنامه های (دلی نیوز) و «مانچستر گاردن» درج شده نمایندگان حزب رنج بر روس در تقریراتشان در «دومای» روس راجع بطواع قوای سیاسی (نه فقط در مملکت روسیه بلکه در تمام اقطار عالم) محدودی مبالغه کرده که از اتفاق با مهمانان انگلیس از این حیث که در محویت و اضمحلال ملت قدیمه ایران با دولت روس شرکت نموده انکار و رزیده اند *

(۱) تولستای فیلسوف معروف روسیه بود که دارای مسلک دیوکراسی و حامی رنج بران بوده و نورکنیف نیز یکی از ادبای نامی قدیمه آن مملکت بشمارست * مترجم

بعضی اوقات شنیده میشود اعضای کابینه ایران مصمم تقض نمودن معاهده انگلیس و روس شده اند این دروغ عمده است که حاکی از بد تقضی گویندگان آن میباشد ما تحریب و تقض معاهده مزبور را طالب و خواستار نمیباشیم بلکه عکس آن با کمال صداقت در تکمیل و تقویتش حاضریم (نعره) در صورتیکه مقصود ما هیچگاه مخالفت با روس و تقض مواد آن عهد نامه نبوده چگونه میتوانیم مفاد و مدلول مسلحشرا محدود نماییم حضور ما در اینجا اولاً برای اینستکه از خود مستر شوستر تجزیات و بیان واقع اشکالاتیکه راجع به ایران است شنیده و بدانیم که بعقیده ایشان ایرانیان تا چه درجه قابل تکمیل موجبات حیات ملی خود میباشدند در صورتیکه دو همسایه قوی بحال حرکت دادن دست و کشیدن نفس به ایشان بداند ولی مقصود دوم ما شاید قدری شخصی باشد و آن اظهار مطالبیت عزم محکم و یسندیدگی ملت عالی مستر شوستر است که خدشه اتش را در ایران ممتاز ساخت و نیز اظهار همدردی با خود ایشان است در پیش آمد های ناگواریکه خدمتاتش را قبل از انجام یافتن خاتمه داد امیدواریم بوسیله این اظهار همدردی یسندیده تردداتیکه در دل هموطنان ساکن ماوراء دریای «اتلانٹیک» راه یافته دور نمایم نظر بحسن عقاید و خیالات ملت انگلیس نسبت به آن شخص محترم انازوفی و بمناسبت مقاصدیکه در دل داریم خواهشمندم همگی جامه های خود را بلند نموده سلامتی مستر مورگان شوستر را طلب نمایند *



واو

— «سواد دو» آرتیکل «روز نامه» «نیشن» مطبوعه لندن که در * —

* نهم دسامبر ۱۹۱۱ (مطابق هفدهم ذیحجه ۱۳۳۹) اشاعه یافت *

(اول)

— «آزادی مفقود شده» ایران * —

دو هفته قبل شعاع امیدواری مختصری بقدر یکدقیقه بحالات ایران پرتوافکننده بود ایران فی الواقع تحت تهدید محاصره روس واقع شده از طرف «لرد کورزن» برای

تبدیل مسلک انگلستان عذری پیشنهاد شد که علاوه بر وزیر و نا هموار بودنش غیر متوقع هر کس بوده ایرانیان خود را برحم و مروت ما حواله نمودند خدمات مستحسنه و مساعدتهای پسندیده سیاسی از طرف ما نظر به مال اندیشی با اظهار همدردی نسبت با ایشان تقدیم شد اگر وزارت خارجه ما مایل بود که در معاملات خود باشر یک لغزنده و بدقیقتش به جوانردی رفتار کند و اگر دلهای مدبرین روس مختصر اعتنا و توجهی به عنوان گردانیدن شریک بسیار حلیم شان راه یافته بود این حمله بران مملکت فوراً منع می شد و اقلای ایرانیان خاضع و خاشع مملکت خود را سالم نگاه میداشتند ما میترسیم که این امیدوار بپا خاتمه بیاید روسها خود را بسیار موذی و بی رحم ثابت نمودند و بعد از آن ایوان و خواهش و توسطهای ما ابتدا کوشش نمیدهند افواج ایشان بی در پی بطرف طهران پیش میروند دیپلوماسی ایشان آخر کار اعتراف می نماید فاسد گردانیدن تا ابدالدهر این ادعا را که ایران دولت شاهنشاهی مستقلی بود اگر چه قطعی شدن این امر بی اشکال نخواهد بود ولی سر ادوارد کری در نطق روز دو شنبه مسلک خود را واضح و مشروح تر از سابق بیان نمود یک حمله مختصری هم در عبارات ایشان دیده میشود که بتوان نوهین خفیفی نسبت به حرکات و اقدامات روس تعبیر نمود و نه یک کلمه که مداخلات کامله روس را محدود سازد و نه اشاره به غیر مطبوع بودن رد کردن روس آرائی را که علی الظاهر معتدلا نه داده شده بود و نه یک فقره که ایرانیان را معاونت نماید در محفوظ داشتن مقدار قلیلی از ثروت ملی خود بلکه از همه بدتر اینست که سر ادوارد کری نه فقط در حمایت مجانی از حرکات جار به روس از مسلک خود خارج شده بلکه عامداً اختیار کرده است توسیع سر فنهای معاهده انگلیس و روس را که بنیاد تمام مظالم روس میباشد مقوی که از صریح عبارات آن معاهده مترشح است اینست که ایران را تقسیم میکند به منطقه های اقتصادی (تجارتی) که هر یک از آن دو دولت متعهدند ترک مخالفت یا جلب امتیازات دولت دیگر را در حدود و منطقه آن دولت ما هیچگاه این قرار داد را با استقلال و آزادی ایران مناسب نخواهیم پنداشت و همیشه در مباحث خود گفته ایم که آن تقسیم را بواسطه جهالت یا بی اعتنائی به فصول عهد نامه به تقسیم بلتیکی توسعه داده و یا خواهند داد

آخر کار سر ادوارد کری رای اظهار حقیقت اعراض مخصوصه که هر یکی از آن دو دولت در منطقه خود بخود انحصار داده با نهایت چالاکي کلمه بلتیکی را در آن عهد نامه

داخل نمود مثل اینکه گویا از پس پشت انداختن شروط آن اطلاع ندارد همینکه یک سربزه کاعه مزبور استعمال شد باید استقلال ایران را رفته و تقسیمش را تکمیل انگاریم مناقشه بین مستر شوسنر و دولت روس را که بجز مداخلات دولت مشاورانها کردید اگر عبارات مختصری بیان کنیم شاید مناسب باشد مناقشه مزبور از زمان ورود مستر شوسنر به آن مملکت جاری شده و بصورت اقسام مختلفه تغییر نمود شروعش از طرف روس شد یعنی از همان وقتیکه خواهش مستر شوسنر را در تأدیبه عایدات کمرکی به مشاورانیه که مستشار و مدیر مالیه بود رد نمود لباس دیگری که بر این مناقشه پوشانید شد سعی ثابت کاملی بود در پناه دادن و حمایت نمودن دولت روس از ارکان و اعیان مملکت که تا بحال به تأدیبه مالیات املاک خود تن در نداده بودند تا از این راه توسعه و از دیناد مالیات را مانع آمده باشد سپس مخالفت روسیان در فقره استخدام رعایای انگلیس بود که از زبان و رسوم ایرانیان کاملاً واقف و محفل اطمینان اهالی بودند بخدمات مختصر خزانه در شمال ایران اگر چه نمیتوان اعتراف نمود که اصرار مستر شوسنر در این استخدام با نداشتن اطمینان از طرف مستر تفت و سر ادوارد کری کلیه مطابق صحت و تدبیر بوده ولی از حیثیت ادای وظیفه اش مسلماً حق و درست بوده است این مقدمه راه نما و موصل ما خواهد بود به تعبیر بیکه از مفاد معاهده مزبور شده اگر ایران واقعاً دارای حکومت مستقلی است پس حق خواهد داشت هر کس را که بخواهد به نظارت مالیات خود مأمور گرداند اگر انگلیس و روس حقیقه غرضشان از آن معاهده فقط مفید بودن به احترام از امتیاز و انحصارات اقتصادی یکدیگر میباشد آنهم در منطقه های متناسبه خود شان پس مسلماً است که در استخدام در شعب مالیه مسئله تبعیت و رعیتی امری نیست که منافات با مقاصد ایشان داشته باشد (به هر شان بر بخورد) ولی در صورتیکه غرضشان رقابت یا تفوق بلتیکی است که در دو خطه مفروضه شمال و جنوب ادعا می نماید پس ارسال و تعیین صاحب منصب انگلیسی را در منطقه تفوذ روس باید مخالف با مفهوم و بلکه با ظاهر مواد آن عهد نامه دانست چنانکه معاهدین همین قسم تصور نموده اند از این بیان حیثیت بلتیکی آن تقسیم بخوبی ثابت و محقق میشود *

سپس واقعه شعاع السلطنه پیش آمد و سر ادوارد کری هم بطوری بسهولت از ان اغراض کرد که گویا (نمس) اراده حمایت هم از حرکات روس نموده بود اگر مثلاً دولت ایران نتواند ژاندارم ایرانی را برای تنفیذ احکام خود بر رعایای ایرانی که مدعیان او بود

مأمور گردانند پس شاهنشاهی در مملکت خود خاتمه پذیرفته است این مسئله سبب اصلی لشکر کشی روس بدان مملکت گردید اما بهانه جاری داشتن روس پیش قدمی خود را پس از آنکه دولت ایران مطابق رأی و صلاح دید دولت انگلیس معذرت خواست و برای قبول مطالب جدید روس که یقیناً سر ادوارد کری در قبول آن نیز رأی داده بود حاضر شد مستر شوستر در همان اثنا ترجمه مکتوب خود را به (نمس) لندن اشتهار داد و در آن دفاع نموده بود از تفهیمات روسها و مخالفتهای مؤثره مملکت را نسبت به کاشتگان روس ثابت نموده بود بجهت مساعدت آنها که بشاه مخلوع نموده بودند در این مورد احتمال شبهه و تردید میزود که خود مستر شوستر مسئول اشتهار آن مکتوب بوده ؟ اگر دولت بزرگی بتواند بر مملکت کوچکی فقط بدین بهانه فزون و جمله نماید که يك نفر صاحب منصب خارجی آن دولت کوچک جرئت کرده است که در رد حملات بجرايد نیم رسمی انگلیس و روس مکتوب معتدل با استدلالی به (نمس) بنویسد پس باید تمام روابط متصوره بین المللی را تغییر داد مثلاً اگر يك نفر صاحب منصب آلمانی حملات (مکنا) (Mokanna) را در سریع مرمت جهازات در (نمس) رد نموده بود آیا ما میتوانستیم آن تحریر را علت جنگ قرار دهیم حقیقه این قضیه همان قصه کرگ و بز و بعدی ظاهر است که هیچکس تحمل تشریح بیش از اینش را نتواند نمود *

بیان واقع اینست که دولت روس از اول مصمم بخالف با مستر شوستر بود زیرا که مشار الیه قدرت و بی باکی امریکاییها را از اول ایراز نموده و ایران را بزودی قابل نظم و تأدیه فروزش ساخت اگر چه مشار الیه شخصی نبود که بدون جد و جهد معاوب کسی واقع شود ولی عاقبت شمشیر روس بر قلب او خنجر یافت وقایع مزبور را يك فقره مطالبه رسمی دولت روس که بسر نیزه تفتك خود نصب نموده بود خاتمه داد سر ادوارد کری در تقریر سه شبهه خود حقانیت آن مطالبه را ثابت نمود که دولت روس در مخالفت با استخدام رعایای اجانب در ایران محق میباشد حقیقه دولتمن انگلیس و روس بنوسط این ادعا ضانت نامه خودشان را در پاره آزادی و استقلال ایران چاك کردند (یعنی نسخ و باطل نمودند) و استقراض متعارفی دولت ایران برای تأدیه میزان متعارفی خسارت آن لشکر کشی روس دوم قدم بود تعیین مقتس رسمی اجنبی در تحت نفوذ روس حکمرانی او را در طهران مسلّم خواهد کردانید در آن صورت ماناکی تحمل خواهیم نمود که جنوب ایران را در تحت حکومت طرانی قرار دهیم که مرکز مسلك روسها شده است عاقبت

چار و ناچار باید منطق و استدلال تقسیم را بزودی نموده تمسیت سیاسی جدا گانه برای نظم جنوب فراهم نمائیم زیرا اداره کردن منطقه نفوذ انگلیس تا مادامیکه تحت حکومت شهری باشد که کلیه در تحت نفوذ فراهی روس و دیپلوماتهای روسی و مأمورین مالییه روس و مفتشین اجنبی تحت اقتدار رأی مخالف روس است کار مشکلی بنظر نمی آید اگر چه سخت گیری و وحش گیری و عجولی سلوک ما بالنسبه خیلی ملائمتراست از وضع سلوک شریکان ولی چون در هر اقدامیکه نموده سکوت کرده ایم ما هم دیر یا زود از ناسی باونا جاریم و پس از چند سال ما هم منطقه جنوب را قابض خواهیم شد چنانکه الآن روس در شمال است کتابوسی که خواب چندین صلب انصران نظامی هتد انگلیس را پریشان بلکه حرام نموده بود آخر کار بسعایت و طبیب خواطر خودمان بحقیقت خواهد پیوست و افواج روس و انگلیس در محل غیر معینی باهم مقابله نموده و ما باید در معنی يك دولت نظامی بزرگ قاره آسیا بشویم و روس و عثمانی را با انواع قوعه بی شمار شان همسایه بی آرام خود خواهیم یافت *

اگر ممکن بود مسائل متعلقه به ایران را موافق استحقاقش بیان کنیم پس در تاریخ سنوات جدیده تغییرات سرگ مشاهده میشود با داشتن و نداشتن این معاهده میتوانستیم در هر دو صورت روس را پای بند به اجتناب از مداخله امور ایران سازیم خلاصه اینست که ما حس جوانمردی و اصول آزادی و احترام ملی و هر گونه دور اندیشی راجع بتنافع مشرفی خود را از دست دادیم اگر چه این مسلك را خطر ناك و احمقانه می پنداریم ولی ممنوع الوقوع و دور از فهم نمیدانیم این امر یکی از نتایج مسلك بسیار وخیم اروپائی سر ادوارد کری میباشد يك وسوسه ساده سطحی از اول حکم فرما بوده که مبادا این دولت روس با دول دیگر بطرف آنچه دایره دیپلوماسی آلمان میدانند جلب شود در هر سال مظلمه و وبال بی نهایت دیگران را بدمه خود میگیریم برای تحصیل اطمینان باز داشتن بعضی از دول بمصالحه کامله با آلمان چنانکه از صورت محاسبه فرانسه در معامله مراکش و نتایج آن و تسلیم کردن حصه بزرگتر ایران را با کمال آزادی و اطمینان خواطر بیروس بخوبی ظاهر میشود آیا این قسمت کزاف مناسبی بود برای وصول به این مقصد و باوجود سطح بست این معاملات منقعت دیپلوماتی که تا رسیده چه بوده است ؟ اگر چه دولت روس در ابتدای آن معاملات شریك قابل اطمینان فرانسه شناخته شد ولی امروز در مخیله هیچکس هم خطور نمیکند که دولت مشار الیه مداخله مسلحه بکنند

در صورتیکه جنسی از واقعه (آکادیر) بروز نماید و ما هم نمیتوانیم در این کار او را ملامت نمائیم حقیقت واقع اینست که تا کتون بگامداری دولت مشار الیها در محل اصلیش موفق نگردیده ایم یعنی در داخل دایره فرانسه و انگلیس دولت روس با آلمان شرایط و معاهداتی در (پونسدام) کرده که نه اقدامات دلخواهانه اش در ایران و نه مجاهدات و بازان طلای انگلیس که در معاملات نقدی بر او باریده برای خریداری صدافتش کافی خواهد بود علنش بسیار واضح است زیرا در مشکلات لشکریکه مسلک ما او را هر روز دوچار بسازد و نمیتوانیم او را امداد نمائیم کوتاهی ما برای بکار بردن عیارات خشن خود در بخران (بوسینا) برای ابدالدهر آن امیدواری را خاتمه داد مادر (اروپا) یازی های در می آوریم (تحریر کاتی میکنیم) که استعداد آن را خود مان نداریم و بواسطه حرص و طمع زبادی که ناشی از مورفی تناسبی است آخر کار یا باید بجز و تسلیم حاضر و یا به خطر مغلوبیت تن در دهیم در صورتیکه مجبور شویم که هموقیمت سنگینی مثل ایران را برای بطرفی روس بلو به بردازیم ظاهر است که ستاره مادر عروج نخواهد بود *



(دوم)

✽ ایران در حالت التماس است ✽

در ازمنه سالفه که خصائل غارتگری انسان با قصص و حکایات جوامع دیش مخلوط بهم بود اشخاص مقتدر و مانفد بجهت و احترام حقوق کسانیکه بابشان ملتجی شده بودند فخریه و مباحات مینمودند مثلاً در زمانه هومر (۱) (Homer) اگر شخص بیچاره به یکی از رؤسای آن زمان متوسل میگشت فوراً جان و مالش در حفظ و حمایت آن رئیس در امان بود و اگر شخص فراری به یکی از طوایف آلبانی پناه هنده میشد بقین داشت که دارائی و صرفه و منافعش مانند منافع خود آن طایفه محفوظ خواهد بود این بود عادات پسندیده ملی که در ظلمت وحشی گری و بربریت مستور بودند ولی دیپلوماسی جدید فوالبین تازه برای بقاء شرف و عزت خود ایجاد نموده است دوهفته قبل دولت ایران

(۱) هومر یکی از شعرای معروف یونان بود که در عصر او اسبنداد و بربریت در تمام

ان سرز و بوم حکم فرما بود *

بواسطه تهدیدیکه از لشکر گشتی و حمله روس بر او شده بود رسوم معینه را عمل نموده به ما ملتجی گردید و به زانوهای سنگی (دونینگ استریت) (۲) (Donning Street) آویخت ما آن حالت تلقی آمیز را پذیرفته و مسئولیت این امر را قبول کردیم که اگر دولت ایران به این رأی خرد مندانه ما و حال آنکه هیچ وجه شائبه فتوت در آن نبود عمل نماید یعنی مطالبات روس را (اگر چه که خود دیپلوماتهای ما هم آن رأی را مطابق وجدان خود نمی پنداشتند) یا کسوت مسکنت و فروتنی به پذیرد و معذرتی هم از روسها برای توهینیکه بر حسب ظاهر به آنها وارد شده بود بخواهد و حال آنکه حق با خود ایرانیان بود ایرانیان خوش باور پیروی رای منبور را نموده کمان کردند که اثر نفوذ ما در منع از پیشقدمی روس مفید واقع خواهد شد ممکن بود تصور شود که اگر جنبه ترحم ما جنبشی نکنند شاید عرق غیوت و حمیت ما محروک امداد به ایشان شود در هر حال ایشان متابعت از رای ما نموده عوض کاملی بروس دادند اگر نتیجه آن متابعتا سیادت ما را ملزم بهمراهی با ایشان نمینمود اقلای رعایت اثر و نفوذ مان مقتضی بود که ایشان را از تصادف با مطالبات و مظالم بیشتر از آن محافظت نمائیم این قضیه ایرانیان را نهماند که هیچ کس نباید بی درنگ تصور کند که مسلک وزیر خارجه این عصر متمسکن مطابقت خواهد نمود با مسلک ارواح مصادر امور زمانه « هومر » با قطع الطریقان « البانی » « عجب در اینست » که با اینکه ما در امداد و محافظت ایرانیان هیچ جنبشی هم نمودیم هیچ کس نمیتواند نهمت سستی و بی اعتنائی هم ما بزند همچو معلوم میشود که مطالبات فوق العاده شریک خود را تصویب نموده ایم دولت روس سه امر را درخواست نموده عزل مستر شوینتر پذیرفتن ایران رای انگلیس و روس را در مخالفت با حق استخدام دولت ایران مستخدمین اجنبیه را از هر مذهب و ملتی که باشند نادیده اختارنی برای معاوضه مصارف لشکر گشتی روس که برای نیولاندن مطالب خود به ایرانیان تحمل زحمت نموده اگر چه در نقره اول آن شروط به رضایت و علی الظاهر به تصویب ما بوده ولی شرط دوم ثابت میکنند حقانیت ما را در امریکه با روس در آن شرکت نموده ایم بر حوصلگی ما در سکوت از مطالبات نقدی روس منسوب بظفر مندی است در هنگامیکه با چشمهای خود مان میدیدیم که جیب های آن ملتجی را خالی میکند صورت خود را بر کردانیده

(۲) دونینگ استریت اسم یکی از کوچه های شهر لندن میباشد که وزارت خارجه

در آن واقع است *

و او را بعنف و جبراً از خود دور ساخته و در تضییع حقوقش بامید حفظ شرافت و سیادت خود شرکت نمودیم *

آراء عمومی اعضای حکومتی را که باسم او کار میکنند اجازه نمیدهد که مسلکی اختیار نمایند که هم بسیار پست و سخیف و هم مثل این اقداماتشان ضعیف میباشد سر ادوارد کری ابداً اعتنائی بخواهش و اظهارات هموطنان خود ندارد اکنون هم مسلک او را میتوان تغییر داده احساس خطر هر یکی از افراد قاعده دان ملت انگلیس را از عروج بر این مسلک میتوان حمل بر احساسات خردمندانه نمود این مطلب بدرجه مسلم است که محتاج شرح و بیان نیست که اینگونه مطالبات انگلیس و روس مستلزم نقض شاهنشاهی ایران و یا بیکدیگر آمیخته است شرط عزل مستر شوستر باین مناسبت که در «تمس» از حملات جسورانه جراید روسی فقط ده اغ شخصی نموده امری نیست که هر ملت شرف دوستی آن را حمل بر اراده مداخله نماید و آخر کار در جواب آن احتمال جنگ برود شرط اول چندان دارای اهمیت نیست و میتوان قومی را بشکر کشی یا تهدید لشکر کشی ظالمانه بقبول خواهشهای دولت مقتدرتری مجبور نمود و ایشانهم استقلال خودشان را حفظ نمایند منتهی باز احتمال تجدید آن مظالم می رود ولی شرط دوم مداخله اجانب را معمول و تا ابد الدهر جاری میکردند حالت ایران بدبختانه طوری واقع شده است که باید اجانب را برای نظم افواج مسلحه و وصول مالیات خود مستخدم گرداند و غیر از این صورت نمیتواند امیدوار به اصلاحات سریع و مؤثره خود باشد و هیچ شرطی ممکن نخواهد بود که بتواند از صرافان بازارهای اجانب استقراض نماید استقلال رأی و فوت آزادی مستر شوستر ضمانت کافی بود برای اطمینان صرافان در صورتیکه ایران مستقل و خود مختار بود میتوانست از دول بیطرف و بیغرض معاونت خواسته آزادیش را تا ابد الدهر برقرار بدارد *

این شرط نوظهور که از طرف سر ادوارد کری و روسها بدولت ایران تحمیل شده نتیجه اش اینستکه ماهرین خارجه ایران را مجبوراً ما مورین خودشان ساختند انتخاب ملازمین انگلیسی یا روسی برای ایشان فرقی نخواهد کرد بلکه مقصودشان اینست اشخاصی را برای استخدام در ایران تا مزد نمایند که آلت اجرای مسلک خودشان باشد و از کسانی حمایت و استظهار نمایند که ایران مجبور بقبول خواهش هایشان بشود چنانکه مسلک حکومت ما در مصر نیز بهین طریق است اگر چه ما مورین ما فقط رأی داده و در

امور داخلی بهیچ قسم مداخله نمیکند ولی دولت مصر در اجراء آن مجبور است اگر این شرط هیچ اثری نکند افلاً نقض کاملی از شاهنشاهی ایران کرده و حقیقتاً منجر بحکمرانی رأی دو حکومتی می شود که برائت سخت تر و شدیدتر از حکومت بکانه مادر مصر خواهد بود *

از سنه ۱۹۰۷ بلیتک خود را باین درجه رسانیده و نفوذ دادیم ما خود داری نمیتوانیم نمود از ذکر شمه از مضمون مراسله که وزیر مختار ما به آن دولت خوف زده نوشته و از مقصد و مفاد عهد نامه انگلیس و روس توضیح نموده بود غرض آن مراسله مطمئن ساختن ایرانیان بود از نتایج آن معاهده که نه منجر بمداخله خواهد شد و نه منتهی به تقسیم مملکت مفاد مراسله مزبوره این بود که سر ادوارد کری و مسبو ایسوالسکی متفقند بر اینکه «هیچ یک از دولتین متعاهدین در امور ایران مداخله نخواهند نمود مگر در صورتیکه خطر و نقصانی بمال و جان رعایایشان برسد» اگر چه اصول مسلک هیچ دولتی واضح تر از این نمیشود ولی از اول تا به آخر ایمانی هم بطرف این مطلب نمودند که چنین موقع و بهانه بجهت مداخله شان رسیده باشد ما ابداً رعایتی از این مطلب نمی نماییم که مستر شوستر در انتخاب ما مور و معاونین انگلیسی یا در اداره وصول مالیات از اعیان و اکابر مملکت یا در نوشتن مکتوب به «تمس» بحق رفته باشد یا بغلط ولی این مسئله را نمیتوان انکار نمود که مشار الیه اقدام باسری نکرد که نتیجه آن خسارت بجایی و مالی رعایای روس باشد اگر چه نمیتوان گفت که ما نگیان برادر خود نیستیم و در حقیقت مداخلات روس را تصویب نموده ایم ولی اگر نمکین از مطالبات او هم بپاییم گویا مسئولیتی که در آن معاهده بر حسب تعبیر خود به ذمه گرفته نقض نموده ایم مراسله مزبوره به اینجا منتهی میشود که دولتین می خواهند «آزادی و استقلال آن مملکت را ضمانت نمایند» بعد از آن چنین مندرج است که «نه برای اینستکه در سدد بهانه جونی بجهت مداخله باشند بلکه مقصودشان از این معاملات دوستانه است که از مداخلات بیکدیگر که به بهانه محافظت حقوق و منافع خود میکنند جلوگیری نمایند» اگر این جمله مفادی داشته باشد جز این معنی نمیتوان تصور نمود که مقصود فهمانیدن ایرانیان است که غرض اصلی از این معاهده حقیقتاً اتحادیست بجهت محافظت ایران که هر یکی از متعاهدین مانع از مداخلات بیجای دیگری بشود امروز ما عهد خود را شکسته و باجمال صریحک ظلم خواهیم شد و روسهم برخلاف عهد و میثاق خود از هر گونه مداخله

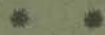
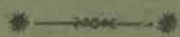
مضایقه ندارد ما مشار الیه را نه فقط اجازت میدهیم در آن اقدامات بلکه افعال ناپسند
 او را تصویب مینمائیم ابتداء تعهد نمودیم که «ایران برای ابدالدور از خطر مداخلات
 اجنبیه محفوظ و آزاد باشد.» و نیز برای اینکه «بتواند امور داخلی خود را موافق
 دخواه خود منظم گرداند.» ولی چهار سال بعد اصرار میکنیم در استخدام و نامزد
 گردانیدن اجانب در آن مملکت تا امور آن کشور را بر وفق میل و مرضی ما منظم
 گردانند غلبه سرادواردگری بر آراء عمومی در این مدت میدید میشوم خدمتاش بعقیده
 خود مان بواسطه شخصانیت مشار الیه است نه برای لیاقت و کفایتش هیچکس نسبت
 زیرکی و خردمندی و مهارت و فوق العاده عالم بودن هم پیشار الیه نرده است بلکه ملت
 انگلیس به استقلال رأی و مال اندیشی و احترام شخصی او اعتماد نموده این بیوفائی
 (مگر) آخری نسبت بایران هرگز نمیتواند مظهر هیچ شخصانیتی واقع شود *

هیچگاه نمیتوان تصور نمود که آن حرکات شدید چاره بریز نیست از جوابات پریشان
 و مختصر وزارت خارجه میتوان استنباط نمود که خیالاتش راحت نیست و همچنین از
 جواب لرد مورلی به ارد کرزن با تغییر لجه که هنوز هم اولزش از تمس شنیده میشود
 امیدواریم در تاریکی (سرا) مشغول اصلاح باشد. اگر این امر (یعنی تقسیم ایران)
 صورت پذیرد نتایجش کشف و بدرین صدمه اش نقصان به اخلاق و شرف ما در
 مشرق خواهد بود تا کمرن هیچکس تصور نکرده است که ما عمداً به بی شرفی خود آن در
 داده باشیم علی الظاهر مثل ما مثل شریک ضعیفی است که نتواند از اقدامات ناپسند
 شریک قوی و بددیت خود جلوگیری نماید. معنی این حرکات باز سنگین فوق الطاقه است
 که سر بار گرفتار بپای ما شده و از این رو باعث خوشنودی سری دولیکه طالب قرعه
 لشکری میباشد خواهد شد و حدود هندوستان را تبدیل و امتداد به ربگستانها بوسط
 ایران داده و تصادف سواران هندی را با قزاقان روس حتی الوقوع خواهد گردانید
 انهم در سرحدی موهوم غیر محفوظی در این معاهده مناقشات متعده سختی با روس
 مستتر است که دیباچه جبهونی ما خواهد بود ثلث ایران منطقه بیطرف بشمار است و
 قسمت بررکی از بنا در خلیج در آن واقع است با این حال اگر روس در طهران حکمران
 شود حکومت این حصه بلا مالک باکی خواهد بود از تمام نتایج خطرناکی که در این کار
 پوشیده است شاید سخت تر این باشد که المان نیز خواهش معاوضه معمولی بنماید
 روس در «پوتسدام» آزادی و اختیارات کامله برای خود خریداری نموده است *

ولی ما تاکنون باج معمولی خود را اداء ننموده ایم مناقشه «آسیای» بعید شاید
 در هر آن مبدل بنقاشه اروپا گردد در این صورت عثمانی را که همسایه مجاور ایرانست
 همچنین مصر را در شرکت و مداخلات بسیار راغب خواهیم یافت ایرانیان فی الواقع
 ناچارند و از اظهار تنفر از شرکت ما در این امر که باعث خفه گردانیدن حیات ملی شان
 هنگام تولدش شده است چنانچه دولت دیگر هم اگر با ما اینگونه رفتار و ما را پریشان
 کرده بود اقدامات او را حمل بر غیبت و حمیت نمی نمودیم نظر باینکه هر سلطنتی مجبور به
 تأدیه تاوان است در عوض توهین بملت دیگر نمکنست مدهانت با روس ما را نیز
 مصادت با چنین روزی بنماید سرادواردگری هنوز هم میتواند از این مخاطرات مساسل
 خود را نجات دهد مثلاً میتواند پروتست سختی بر خلاف التیمانوم روس بکند و میتواند
 خواهش اخراج (نه فقط قشون تازه) بلکه تمام افواج ساحلوی روس را از تبریز و سایر
 نقاط ایران بنماید. انهم در تاریخ معینی ایشان میتوانند اظهار نمایند که این لشکر کشی
 مخالف با روح تمام مواد آن معاهده است بله فقط حرف اظهار همجواریه و لویبکی از
 وسایل مخفیة دیپلوماشی هم باشد ظن غالب اینستکه بی نتیجه نخواهد ماند اگر این تدبیر
 هم موثر واقع نشود پس وقت آنستکه از فرانسه چیزی در عوض هدیه که در سلطنت شالی
 افریقا بدیشان تقدیم نموده مطالبه نمائیم روس از خوف برودت بازار صرافان پاریس و
 لندن که مبادا در های خرابیشان را بروی وی به بندند طالب زندگی نخواهد داشت و
 سایر رهائی از این منظره خطرناک باقی و کلیدش در دست سرادواردگری میباشد
 بشرط اینکه اقلاً بقدر نصف این مستی سخت گیر باشد نسبت بشریک متقلب خود
 چنانکه آن شریک باحریف ساده دل و متدین خود رفتار نموده است از درج بک مقاله
 در «تمس» لندن و مقاله دیگر به تأیید آن در «تامپس» پاریس شاید بخوبی بتواند از
 پیش قدمی روس جلوگیری نماید ما که اینگونه تدابیر را همیشه برای بدام آوردن و
 گرفتار کردن مورها (یعنی دول ضعیف) بکار میبریم

پس چه ضرر دارد بجهت آزادی

ایرانیان بکار بیاندازیم



بسمی و اهتمام



جناب مستطاب مجد الاجلة والتجار

اقای حاجی شیخ محمد حسین صاحب

تاجر شیرازی دام اقباله العالی

در بعضی در مطبع شرافت *

زینت طبع یافت

فی شهر صفر المظفر ۱۳۴۰ هجری